

## دوازده گفتار درباره دوازدهمین حجت خدا(عج) حضرت مهدی(علیه السلام)

### حسین اوسطی

فهرست:

15	الطاف الیه
16	با هزاران تأسف
17	بقاء حجت الهی در عالم ضروری و لازم است
17	امام در پشت پرده غیبت
19	محرومیت از فیض حضور و یا . . .
19	مهم ترین وظیفه مسلمانان و به خصوص شیعیان
21	طلوع خورشید قطعی است
25	<b>گفتار اول : اثبات وجود حجت خدا حضرت مهدی (علیه السلام) از دیدگاه عقل</b>
27	اثبات وجود حضرت مهدی - ارواحنا فداه -
29	لزوم شناخت امام زمان
30	به این حکایت توجه کنید
32	محتوای حدیث ثقلین
32	جهان منهای حجت
33	یک سؤال مهم
34	مناظره هشام بن حکم
35	مناظره دیگر هشام
37	هدایت عامه
40	نظرات هانری گربن
41	یک دلیل روشن دیگر
42	خلاصه بحث
44	سوالات گفتار اول
45	<b>گفتار دوم : اثبات وجود حجت خدا (علیه السلام) حضرت مهدی از دیدگاه نقل</b>
47	ضرورت وجود امام زمان از دیدگاه قرآن
47	قرآن و امامت
49	آیه تبلیغ

49	نگاه اجمالی به آیه تبلیغ
51	آیه ولایت
52	کسی که در حال رکوع نماز صدقه داده کیست ؟
54	نتیجه گیری
56	امامت و مهدویت از دیدگاه روایات
56	تعداد امامان و اسامی آنها
61	روایات در خصوص حضرت مهدی ( علیه السلام )
64	نگاهی به مفاد حدیث ثقلین
66	حدیث ثقلین از دیدگاه علامه طباطبائی
67	یک نکته مهم
68	نتیجه گیری از این دسته روایات
70	خلاصه این گفتار
73	سؤالات گفتار دوم
75	<b>گفتار سوم : کسانی که با حضرت مهدی ( علیه السلام ) ملاقات کرده اند</b>
77	کسانی که به ملاقات حضرت راه یافتند
83	کسانی که در غیبت کبری به ملاقات حضرت نائل گردیدند
84	تشرفات در عصر حاضر
85	اسباب و جهات تشرفات متفاوت است
87	مضمون توقیع را چگونه معنی کنیم
90	خلاصه بحث
91	سؤالات گفتار سوم
93	<b>گفتار چهارم : اثبات وجود حضرت مهدی ( علیه السلام )</b> <b>از طریق ظهور و بروز معجزات و کرامات از ناحیه مقدسه آن بزرگوار</b>
95	ظهور و بروز کرامات از ناحیه مقدسه
96	حق ماندنی است و باطل رفتنی
97	ساحران به موسی ایمان آوردند
99	حکایت اسماعیل هرقلی
103	کرامتی از امام زمان ( علیه السلام ) در عصر حاضر
106	نامه ای از آیت الله حائری ( رحمه الله )
108	خلاصه بحث

109	سؤالات گفتار چهارم
111	<b>گفتار پنجم : استغائه و توسل به خاندان عصمت و طهارات و حضرت مهدی اروحنا فداه</b>
113	استغائه و توسل به ذوات مقدسه
113	سنت لا یتغیر الهی
114	ادله ای که این مدعا را ثابت می کند
116	دور نمائی از قدرت و توانائی ائمه اطهار ( علیهم السلام )
118	نسبت ناروا به موحدین
119	ملائکه و تدبیر عالم
120	نحوه تعلیم و تربیت قرآن در این رابطه
121	توسل به ذوی القربی و اهل بیت پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) در منابع اهل سنت
122	آمزش گناهان از طریق توسل
123	فرزندان یعقوب از پدر تقاضای دعا می کنند
124	پیراهن یوسف کارسازی می نماید
125	نکته ای در باب توسل
126	خلاصه بحث
128	سؤالات گفتار پنجم
129	<b>گفتار ششم : پیرامون غیبت امام زمان ( عجل الله تعالی فرجه الشریف )</b>
131	غیبت حضرت مهدی ( علیه السلام )
132	عنایت حضرت مهدی ( علیه السلام ) به موضوع غیبت
133	چند سؤال پیرامون غیبت امام
133	آیا غیبت حضرت با تبیین احکام منافات ندارد ؟
134	فلسفه غیبت چیست ؟
137	فواید حجت غایب از نظر
138	خلقت جهان وابسته به وجود این ذوات مقدسه است
139	هدایت معنوی امام در تمامی حالات
141	توضیح کلام علامه طباطبائی در نفوذ معنوی امام ( علیه السلام )
143	خدمات حضرت به جامعه در زمان غیبت
144	ولی غائب که معلم حضرت موسی بود
145	عنایت ائمه ( علیهم السلام ) به مشکلات دوستان خود

146	کمک رسانی امام عصر ( علیه السلام ) به مردم
147	نتیجه گیری از بحث گذشته
148	به این کلام معجزه آسا توجه کنید
148	وجود رهبر و امام اگر چه غائب باشد موجب بقای مکتب خواهد بود
149	گانندی در زندان
149	اثر اعتقاد شیعه به حیات امام عصر ( علیه السلام )
150	امام غایب آگاه از حالات و اعمال شیعیان است
150	خلاصه گفتار ششم
153	سؤالات گفتار ششم
155	<b>گفتار هفتم : پیرامون طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف</b>
157	مسأله طول عمر
158	آیا شگفت آور بودن می تواند دلیل بر انکار شود ؟
158	اسرار پنهان خلقت
160	تلاش برای افزایش عمر انسان
161	عمرهای طولانی در بعضی از افراد گیاهان و حیوانات
162	طول عمر از دیدگاه تاریخ
162	عمرهای طولانی از دیدگاه کتب آسمانی
164	مناظره سید بن طاوس
165	اراده خداوند بر همه چیز حاکم است
167	تشرفات و طول عمر
167	اعتراف بزرگان اهل سنت
171	خلاصه گفتار هفتم
174	سؤالات گفتار هفتم
177	<b>گفتار هشتم : پیرامون مسئله انتظار</b>
179	انتظار در قرآن و روایات
181	مراتب و انواع انتظار
181	انتظار پیروان مکتب اهل البیت
181	تلاش و کوشش ، لازمه انتظار واقعی
183	جایگاه انتظار در مباحث اعتقادی
184	امید بخشیدن ، اصل مهم تربیت اسلامی

185	روش پیامبر و ائمه (علیهم السلام)
187	طلوع صبح و تابش آفتاب جهان شمول در راه است
187	انتظار
188	خلاصه گفتار هشتم
189	سؤالات گفتار هشتم
191	<b>گفتار نهم : وظیفه اهل ایمان در زمان غیبت امام زمان</b>
193	وظایف ما در زمان غیبت چیست ؟
195	لزوم برقراری ارتباط با امام عصر ( عجل الله تعالی فرجه الشریف )
195	دعا برای سلامتی و ظهور حضرت
197	صدقه دادن از طرف امام ( علیه السلام )
197	انجام برخی عبادات به نیابت از حضرت
198	اظهار علاقه به وجود مقدس امام زمان
199	استغاثه به حضرت مهدی ( علیه السلام )
200	دو حدیث ارزنده
202	با اعمال زشت خود امام زمان را نیازاریم
203	وظیفه شیعیان در عصر غیبت
207	خلاصه گفتار نهم
209	سؤالاتی از گفتار نهم
211	<b>گفتار دهم : وقایع قبل از ظهور</b>
213	نامعین بودن زمان ظهور
213	علائم ظهور
214	علائم و نشانه های ظهور متفاوت هستند
214	شیوع فساد قبل از ظهور
216	وضع امت اسلامی در حال حاضر
216	آیا حضرت قائم دین جدید می آورد ؟
218	غربت دوباره اسلام
218	انتظار واقعی در آخر الزمان دشوار است
219	شیوع ظلم و جور
220	شیوع فساد از دو ناحیه
221	آزمایش بزرگ اهل ایمان

222	نصرت بعداز یأس
223	اخطار به اهل ایمان
223	زمینه سازی برای ظهور مصلح جهانی
224	توجه به یک نکته مهم
226	خلاصه گفتار دهم
228	سؤالات گفتار دهم
229	<b>گفتار یازدهم : ویژگی های حکومت حضرت مهدی ( علیه السلام )</b>
231	برقراری عدالت
232	احکام اسلام ، تجلّی عدالت خواهی
234	نگاهی به حکومت کوتاه علی ( علیه السلام )
237	حکومت حضرت مهدی از دیدگاه روایات
239	دو ویژگی مهم در عصر حضور
240	پاسخ به یک سؤال مهم
241	چهره حکومت مهدی ( علیه السلام ) از دیدگاه نهج البلاغه
244	پاسخ به یک سؤال
247	توصیف عدل گستری مهدی از زبان علی ( علیه السلام )
248	روند تاریخ به انسان ها بشارت می دهد
250	خلاصه گفتار یازدهم
252	سؤالات گفتار یازدهم
253	<b>گفتار دوازدهم : پاسخ به سؤالات</b>
255	توضیحی پیرامون چند مورد از علائم حتمی ظهور
255	علائم قطعی ظهور در روایات
256	امکان ظهور ، قبل از وقوع علائم قطعی
257	سفیانی کیست ؟
258	خروج دجال
259	دجال و طول عمر
260	دجال یعنی دروغگوی فتنه انگیز
261	نهضت سید حسنی
262	ندای آسمانی
263	خلاصه این سؤال و جواب

264	سؤالات از این پرسش و پاسخ
264	دعای ندبه
265	بحث از سند دعای ندبه
267	مضامین کلی این دعا مورد تأیید قرآن و روایات است
268	ندبه و گریه در مصائب و فراق عزیزان
269	گریه شدید امام صادق ( علیه السلام )
270	خلاصه این سؤال و جواب
272	بحثی پیرامون اسماء و القاب ائمه اطهار ( علیه السلام )
272	اسماء ائمه حاکی از مقامات ایشان است
273	نام ائمه را برای فرزندان خود انتخاب کنیم
273	اسما و القاب حضرت حجّت ( علیه السلام )
274	او حجة الله و خلیفه الله و داعی الله است
275	او « ناطق » است
276	مهدی ، نام معروف حضرت
277	جانشین رسول خدا باید دارای دو جنبه باشد
278	مهدی ما نیز خواهد آمد
278	اسماء مختصّه
278	حضرت ، بقیّه الله است
279	دیگر از اسماء حضرت ، قائم است
280	آیا موقع شنیدن کلمه قائم وظیفه ای داریم ؟
282	دیگر القاب حضرت
282	ابا صالح
283	خلاصه این سؤال و جواب
284	سؤالاتی از این پرسش و پاسخ
285	اعتقاد به منجی در سایر ادیان
286	معرفی منجی بشریّت در اخبار ما مفصّل تر است
287	خلاصه سؤال و جواب
288	سؤالاتی از این پرسش و پاسخ
288	مهدی واقعی را چگونه بشناسیم
290	خلاصه ای از این سؤال و جواب

291	سؤالاتی از این پرسش و پاسخ
291	یک تفاوت مهم و روشنگر
292	آیا بیشتر مردم در حکومت مهدی ، کشته می شوند ؟
294	خلاصه ای از این سؤال و جواب
295	سؤالاتی از این پرسش و پاسخ

(يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاءٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا) (يوسف: ۸۸)

جلوه گل عندلیبان را غزل خوان می کند دیدن مهدی هزاران درد درمان می کند

مدعی گوید که با یک گل نمی گردد بهار من گلی دارم که عالم را گلستان می کند

#### مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

#### الطاف الهیّه

سپاس و حمد، پروردگاری را سزا است که برای تکامل بندگان خود جهانی بس عظیم را خلق نمود و آنرا مهد پیدایش و پرورش انسان قرار داد و در آن انواع نعمت ها را گسترش داد بطوری که جوابگوی تمامی نیازها و خواسته های بشری در بُعد زندگی و ادامه حیات گردید.

حمد و ثناء، لایق خداوندی است که برای ارتقاء روحی و سیر معنوی بندگان خود و واصل شدن آنان به قلّه رفیع اخلاق و سیر و سلوک، یعنی تحصیل معرفت الهی و تخلّق به اخلاق حضرت حقّ و مهر و محبت ورزیدن به ذات لایزال ربوبی، رسولان و رهبران آسمانی را مجهّز به وحی و آیات بیّنات برانگیخت.



برای اینکه بعد از حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله این واسطه و رابطه بین خالق و مخلوق قطع نگردد، امامانی معصوم و مسلح به سلاح علم لدنی را به وسیله وحی، و گفتار و کلمات پیامبر عظیم الشان خود، به امت اسلامی معرفی نمود، و مسلمانان را با نام و نشانه های بارز و روشن آنان آشنا ساخت.

آری خداوند متعال، جهان را به عنوان مدرسه و دانشگاه قرار داده و رسولان و امامان را معلمین و اساتید آن، تا بندگانش بتوانند به عنوان دانشجو از این بستر آماده خود را به کمال برسانند و در قرآن به این مطلب اشاره شده و می فرماید ( :اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا.)

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را خلق نمود، فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیزی تواناست. و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد.

و نیز با صراحت تمام اعلان نموده که (وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)<sup>(3)</sup> (هر قوم و گروهی یک هادی و مرشدی که از جانب خداوند منصوب باشد، خواهند داشت).

### با هزاران تأسف

با تأسف فراوان باید اعتراف کرد که این انسان های نمونه و مرشدان الهی مورد بی مهری بسیاری از مسلمانان قرار گرفتند، و همین امر باعث شد که ظالمان و دژخیمانی همچون حجاج ابن یوسف ها و متوکل ها و . . . ، حکومت و قدرت را به دست بگیرند و خود را به عنوان امیر المؤمنین معرفی نمایند و جانشینان واقعی رسول خدا را به اشکال مختلف از بین ببرند و ملت اسلامی را از فیض وجود و حضور پر برکت آنان محروم سازند. خداوند متعال نعمت های مادی و معنوی خود را به بندگان ارزانی داشت و آن را به کمال رساند، و نعمتی را که خداوند به بندگانش عطا می کند هرگز آن را بی جهت نمی گیرد مگر آنکه بندگان صلاحیت خود را از دست بدهند و نسبت به آن نعمت الهی ناشکر و ناسپاس گردند، در سوره مبارکه انفال به این واقعیت اشاره شده و می فرماید:

(ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)

خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی دهد جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند.

قهرآ مردم در اثر سوء عمل خودشان، وجود حاکمانی همچون علی بن ابیطالب، امام صادق، علی بن موسی الرضا و... را که همه جوابگوی مسائل دینی و تفسیری و اعتقادی و عرفانی آنان بودند و هم عدل و داد را بطوری واقع در جامعه پیاده می کردند، از دست دادند.

### بقاء حجت الهی در عالم ضروری و لازم است

اما از آنجائی که اراده و مشیت الهی و بلکه حکمت پروردگار تعلق گرفته به بقاء حجت و وجود یک انسان کامل که او بتواند بحق، خلیفه الله باشد تا مصداق آیه ( **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** )<sup>(5)</sup> منتفی نگردد. دوازدهمین خلیفه و جانشین رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را که آخرین سلسله امامان و هادیان معرفی شده از جانب وحی و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بوده از انتظار مخفی داشت، و با این کار، او را از دسترس ظالمان و ستمگران خود کامه مصون و محفوظ نمود.

### امام در پشت پرده غیبت

گرچه امام و حجت خدا در پشت پرده غیبت به تمامی شؤونات و امورات وابسته به امامت مشغول است و او همچون خورشیدی است در پشت ابر که باعث برقراری نظام، در منظومه شمسی است، و نور خود را از پشت ابر به تمامی جمادات و نباتات و حیوانات و انسان ها منتشر می نماید، و همه آنها از وجودش بهره مند می گردند.

امام عصر و حجت الهی نیز وجود مبارکش اگر چه در پشت پرده غیبت قرار گرفته، أمّا، برای نظام جهان خلقت مفید است و به برکت وجودش رزق و روزی تمام جانداران داده می شود، و نسبت به انسان ها نیز توجه و عنایت های ویژه ای دارد از قبیل هدایتها بمعنوی و دادرسی ها و دستگیریها برای مضطربین و ملتزمین در اطراف و اکناف عالم، و بدعاهای خود و بلکه با کارهای مخفیانه خود، نقشه های شوم و خطرناک دشمنان اسلام را باطل نموده، و باعث دوام اسلام و مسلمین، و به خصوص مکتب تشیع و پیروان آن می گردد.

آری اگر امروز بعد از گذشت چهارده قرن از ظهور و بروز اسلام و نزول قرآن می نگریم که اسلام و مکتب تشیع برقرار است آن هم با وجود دشمنان قدرتمند و کینه توزی در هر عصر و زمانی همچون معاویه و

فرزند خبیث او، یزید که یکی قسم می خورد و می گوید: والله کاری بکنم که نام محمد (صلی الله علیه و آله) در زیر خاک مدفون گردد و دیگری واقعه طفّ و کربلاء را به پا می کند و به خیال خام خود، اصل و ریشه رسالت و امامت را نابود گرداند.

مع ذلک ما شاهد بقاء اسلام و مسلمین و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت هستیم و این حاکی از این است که یک انسان الهی و روح بزرگی برای حفظ دین و دیانت در تلاش و تکاپو است و در همین رابطه از وجود نازنین حضرت مهدی (علیه السلام) نقل شده که می فرماید: **إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ** (6) ما توجه خودمان را از شما بر نمی داریم و شما را فراموش نخواهیم کرد.

اگر حضرت خضر آن عبد صالح و غائب از انظار، برای حفظ یک کشتی، تا بدست ظالم نیفتد و یا باقی ماندن گنجی تا صاحبان آن بزرگ شوند و نیز برای حفظ ایمان پدر و مادری، خود را به تکاپو می اندازد و کارهای عجیب و غریبی انجام می دهد تا مصالح ضعیفان و صاحبان حق پایمال نشود. قطعاً حجت غائب ما حضرت مهدی - ارواحنا فداه - ضمن هزاران هزار دادرسیها و کار سازیهها برای بیچارگان و صاحبان ایمان، مخصوصاً برای استغاثه کنندگان به درگاه آن حضرت، برای حفظ اسلام و مکتب تشیع به مراتب سعی و تلاش بیشتری خواهند کرد.

### **محرومیت از فیض حضور و یا . . .**

مخفی نماند که غیبت امام عصر با توجه به اینکه بسیاری از کارهای مربوط به مقام امامت در حال غیبت انجام می گیرد اما فیض حضور امام را از مردم سلب نموده و آنان را در فراق محبوب خود به سوز و گداز افکنده است.

و از سوی دیگر، وضع آشفته و نابسامان جوامع بشری و شیوع ظلم و بی عدالتی در اطراف و اکناف آن، و کم رنگ شدن دین و دیانت و بلکه انسانیت و شرافت در بین مردم، و مشاهده بیوفائیها و جنایتها و ضایع نمودن حقوقها در جوامع اسلامی و حتی از ناحیه بعضی از مدعیان تشیع و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت، طبیعی است که قلب حضرت را در غم و غصّه فرو برده و روح بزرگ ایشان را در فشار قرار می دهد.

و نیز صاحبان ایمان و پیروان واقعی مکتب اهل بیت و امام زمان، سخت در ناراحتی و غربت و فشار واقع می شوند، زیرا از یک طرف دشمنان اسلام سعی می کنند آنان را به انزوا بکشند و ضربات خود را بر آنان وارد سازند و از طرف دیگر خناسهای زمانه با وسوسه های خود می کوشند تا این افراد را به وادی شک و تردید رهسپار نمایند.

### مهم ترین وظیفه مسلمانان و به خصوص شیعیان

مهمترین وظیفه ای که بر آحاد مسلمین و به ویژه شیعیان و پیروان اهل بیت (علیهم السلام) متوجه است این است که: اعتقادات خود را از کتاب و سنت بگیرند و با ادله عقلیه آن را تحکیم نمایند و در این رابطه از مطالعه کتب سودمند و یا حضور در جلسات علماء و دانشمندان غفلت ننمایند زیرا قوی ترین عامل برای جهت بخشی به حرکت و سیر انسانی آراء و عقائد او است.

آری بشر بر اساس افکار و عقائد خویش حرکت می کند و طبق آن عمل می نماید اسلام، تعلیم و تربیت را از فکر و اندیشه آغاز کرد و قبل از هر چیز، در مقام اصلاح عقائد بر آمد، پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله) با شعار «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دعوت خود را شروع کرد زیرا اگر توحید برای مردم معلوم گردد و به صورت یک اعتقاد و ایمان در آید به طور قهری، از هر گونه شرکی از قبیل بت پرستی، آدم پرستی، ماه پرستی و... احتراز می کنند و همچنین عقیده به توحید، ثبوت و قصد انسان را به مرحله خدا خواهی می رساند که در اعمال و کردار جز راه او و جلب رضای او به جهت دیگری متمایل نمی گردد.

و نیز عقیده به رسالت و نبوت، روح تعبد را در انسان زنده می کند و چون انبیاء را واسطه بین خالق و خلق می دانند با آرامش کامل و رضایت خاطر به وظائف دینی و انسانی خود مشغول می گردد.

و اما عقیده به حضرت مهدی (علیه السلام) و این که فردی خواهد آمد که عدل و عدالت را گسترش می دهد، و ظلم و فسق و فجور را از روی زمین محو می کند و تمامی مستضعفان جهان را از دست مستکبران و خود کامگان نجات می بخشد و... قطعاً چنین عقیده و ایمانی باعث می شود اولاً: خود را از صحنه های ظلم و ستم و فساد و گناه دور نگه دارد چون می داند که آن مصلح کل، با هر ظلم و فساد مقابله و برخورد خواهد کرد. ثانیاً: فکر و اندیشه انسان را وسیع، و جهان اندیش می سازد و لذا می نگریم در عصر حاضر که زمان غیبت امام (علیه السلام) است، یگانه فرقه و گروهی که غم مظلومین و محرومین عالم را می خورند و در این رابطه هیچ

مرز و حصری قائل نیستند پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و معتقدین به حضرت مهدی و منتظرین امام زمان می باشند.

ثالثاً؛ اعتقاد به حضرت مهدی و به حیات و غیبت ایشان و نیز آشنا شدن با خصوصیات و ویژگی های حضرتش باعث می شود از وسوسه های شیاطین و نوشته های مسموم و دعوت بعضی از شیادان و حيله گران در امان بمانند زیرا با شناخت حق و آشنا شدن با آن، دیگر جائی برای جولان دادن باطل باقی نمی ماند. منتهی باید شیعیان در کنار مسائل شعار گونه و مسائل احساساتی، خود را مسلح کنند به سلاح شعور و آگاهی، و با این مسئله مهم اعتقادی بر اساس دلیل و برهان آشنا گردند و خوشبختانه افراد کثیری را مشاهده می کنیم که در این رابطه از ایمانی برخوردار گردیده اند که غیبت امام (علیه السلام) در آنان هیچ ضعف و فتوری ایجاد نکرده، و با یک قاطعیّت تمام و روح امیدوار و با نشاط، به انتظار سپیده دم صبح و طلوع خورشید ولایت و امامت می باشند، و با تمام وجود با ظلم و بی عدالتی ها مقابله می کنند و در مقابل ناملایمات صبر می نمایند، مع ذلک فریاد بر می آورند:

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَحُلُو مِنْ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَّةِ، أَيْنَ الْمَعْدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُتَنْتَظِرُ لِاقَامَةِ الْأُمَّتِ  
وَالْعُوجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، ... أَيْنَ مَعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ  
وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ ...

ترجمه: «کجاست بجا مانده خدا که از عترت هدایتگر و راهنما خالی نمی گردد، کجاست آن که آماده ریشه کن ساختن ستمگران است؟... کجاست ذخیره الهی برای نو کردن فریضه ها و سنت های دین... کجاست عزت بخش دوستان و خوار کننده دشمنان»...

### طلوع خورشید قطعی است

آنچه مسلم است و جای هیچ شک و تردیدی نیست این است که: آینده کاروان بشریت آینده ای روشن و نورانی است، و روزی خواهد آمد که شایستگان وارثان زمین، و مستضعفان، إمامان و زمامداران می باشند، و حکومت عدل و داد در سر تا سر گیتی برقرار می گردد و مردم با رعایت حقوق یکدیگر در أمن و امان زندگی می کنند، علاقه و تمایل مردم به عبادت و بندگی خدا و نیز به پاکان عالم همچون اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) زیاد می گردد.

و شکل و شمایل جوامع بشری به طور کلی تغییر می کند، ظلم و جور، جای خود را به عدل و داد، و دوری از پاکان، جای خود را به نزدیک شدن به آنها، و تمرّد و فسق، جای خود را به ایمان و تقوی واگذار می کند.

اگر از قرآن این مطلب استفسار گردد (که آیا چنین جامعه و حکومت زیبایی محقق می گردد؟) قرآن با صراحت می گوید: **بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ**.

«ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را هلاک سازد و اینگونه باطل محو و نابود می شود.» و اگر از روایات اسلامی اعم از روایات وارده از طرق اهل سنت و یا شیعه، سؤال شود، بطور اتفاق خواهند گفت: آینده جهان تحت یک حکومت عدل و داد قرار خواهد گرفت آنهم بدست افراد پاکان و صلاحیت دار.

و اگر در این رابطه از سایر ادیان و مذاهب توضیح بخواهیم، آنها نیز می گویند: یک انسان کامل و قدرتمندی که می تواند مستضعفان جهان را از دست مستکبران نجات بخشد، خواهد آمد، و پیروان زبور و تورات و انجیل همه و همه به انتظار آن روز فرخنده و صبح امید به سر می برند) **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ**.

و اگر آینده بشریت را از جبر تاریخ سؤال کنیم و به عبارت دیگر از فطرت و نهاد انسان ها (که از زشتی ها بیزار و عاشق خوبی ها است) بپرسیم، یقیناً صدای بشارت آمیزی به گوش خواهد رسید که مایوس نباشید زیرا آنچه که فطرت تو طالب آن است یعنی عدالت، صداقت، امانت، حقیقت و زدوده شدن ظلم ها و جنایت ها و حق کشی ها از جامعه بشری، و خلاصه: خاتمه یافتن کذب ها و تهمت ها و دغل کاری ها، در انتظار تو است.

و مولای ما امیر المؤمنین (علیه السلام) به این جبر تاریخ و یا ندای فطرت در کلام خود اشاره نموده و می فرماید: **لَتَتَّعِطَنَ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَكَدِّهَا، وَتَلَاعَقِيْبَ ذَلِكَ: وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ**<sup>(10)</sup> دنیا پس از چموشی) همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خود داری می کند و برای بچه اش نگه داری می کند) بما خانواده روی می آورد، سپس آن حضرت به دنبال این سخن این آیه را تلاوت کرد: می خواهیم بر مستضعفین زمین منت گذاریم و آنها را پیشوایان زمین و وارثان آن قرار دهیم.

و اگر گوش دل به فریاد شهیدان بسپاریم و چشم دل را باز نموده و قطرات خون آنها را که بر روی زمین نقش آفرینی کرده و خواهد کرد، بنگریم، این پیام به گوش می رسد: **وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا**»<sup>(11)</sup> آن کس که مظلوم کشته شده برای ولی او سطله و حق قصاص قرار دادیم.»

یعنی روزی خواهد آمد که ولی تمامی شهدا قیام کند و انتقام این خونها را از ستمگران بستاند و بالاخره در یک جمله این صدای خدای بزرگ و خواسته تمامی بندگان است که:

صراحت می گوید هر انسانی در روز قیامت با امام و پیشوای خودش محشور می گردد اگر قیامت چشم باز کنیم و ببینیم که امام و رهبر ما از ائمه ضلال است چه باید کرد؟!

### لزوم شناخت امام زمان

روایتی را شیعه و سنی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل نموده اند و مورد قبول همگان است به طوری که علامه امینی در الغدیر<sup>(17)</sup> می نویسد ( . . . ) **لَمْ يَخْتَلَفْ فِي ذَلِكَ إِثْنَانٌ وَلَا أَنْ أَحَدًا خَالَجَهُ فِي ذَلِكَ شَكٌّ** (دو نفر مسلمان هم در این حدیث اختلاف ندارند و نسبت به صدور این حدیث از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) احدی یافت نمی شود که شک و شبهه ای داشته باشد و علامه امینی حدود ده کتاب از صحاح و مسانید أهل سنت نام می برد که این حدیث را نقل نموده اند. متن حدیث از این قرار است:

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): **(مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً.**

کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، مرگ او مرگ جاهلیت است.

همین مضمون از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل نموده که من جمله این حدیث است که راوی از امام صادق (علیه السلام) سؤال می کند<sup>(19)</sup> آیا این روایت **( مَنْ مَاتَ . . . )** را پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند؟ حضرت فرمود: بلی، عرض می کند مراد از مرگ جاهلیت چیست؟ یعنی می میرد در حالی که امام خود را نشناخته و به او جاهل بوده؟ و یا به مرگ جاهلیه جهلاء (همچون مردمی که در زمان جاهلیت به سر می بردند و فاقد دین و شرف و انسانیت بودند) خواهد مرد؟

حضرت فرمود: مراد از جاهلیت کفر و نفاق و ضلال است.

و علامه امینی در توضیح ذیل حدیث یعنی (میتة جاهلیة (می نویسد) <sup>(20)</sup> **إِنَّمَا هِيَ شَرُّ مِيتَةٍ، مِيتَةُ كُفْرٍ وَالْحَادِ** (بدترین نوع مرگ است یعنی مردن در حال کفر و عناد و لجاج).

مفاد این روایت هر مسلمانی را ملزم می کند تا مسأله امامت، مخصوصاً امام زمان خویش را پی گیری کند و اگر آن امامی را که باید بشناسد و از او پیروی کند نشناخت و با حق آشنا نشد و از دنیا رفت، اسلام او مقبول نیست و هم چون افراد زمان جاهلیت است که اسلام نیاوردند و در حال کفر و الحاد از دنیا رفتند.

### به این حکایت توجه کنید:

یکی از ائمه جماعات تهران که مورد وثوق بود برای من نقل کرد:

علامه امینی از نجف به تهران آمده بود. من به دیدن ایشان رفتم و تقاضا نمودم که شبی به منزل ما تشریف بیاورند. آقای امینی اجابت نمودند، وعده ای از علماء را هم به افتخار ایشان دعوت نمودم. شب موعود فرا رسید و از ایشان تقاضا کردم مطلبی را بیان فرمایند، ایشان فرمودند: برای مطالعات بعضی از کتب، مدتی در حلب <sup>(21)</sup> به سر می بردم یکی از تجار فهمیده و منطقی از اهل سنت با من آشنا شد و شبی از من دعوت به عمل آورد. علماء طراز اول شهر و قضات عالی رتبه و بعضی از اساتید دانشگاه و عده ای از تجار نیز در آنجا حضور داشتند. پس از شام، عالم بزرگ و مفتی اعظم شهر گفت: آقای امینی این بحث امامت چه ریشه و اساسی در اسلام دارد که شیعیان و علمای تشیع آن را رها نمی کنند؟ من به ایشان گفتم: آیا این حدیث را که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده ( **مَنْ مَاتَ وَمَنْ يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً** ) (قبول داری؟ گفت: بلی. به او گفتم: برای پی گیری و بررسی بحث امامت همین حدیث بس است، وی ساکت شد و چیزی نگفت. از او سؤال کردم: فاطمه زهراء (علیها السلام) چگونه بانویی است؟ وی گفت: **إِنَّهَا مَطَهْرَةٌ بِنَصِّ الْكِتَابِ** ) (به صراحت) قرآن مطهره و معصوم است چون در شأن اهل بیت آیه تطهیر نازل شده و حضرت زهراء از بزرگ ترین مصادیق اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه و آله) است.

به او گفتم: چرا فاطمه زهراء (علیها السلام) در حال خشم و غضب از حاکمان وقت از دنیا رفت؛ آیا آنان امام امت و خلیفه به حق رسول خدا نبودند یا حضرت زهراء امام خود را شناخت و فوت کرد؟ عالم بزرگ حلب دید اگر بگوید غضب و خشم حضرت زهراء (علیها السلام) کار صحیحی بوده باید خط بطلان به جبین حاکمان



آن وقت بکشد و این برخلاف اعتقاداتشان می باشد و اگر بگوید کار حضرت زهراء (علیها السلام) خطا بوده و او بدون معرفت به امام خویش از دنیا رفته، با مقام عصمت و طهارت ایشان که مورد قبول قرآن است منافات دارد، به همین دلیل، برای خلط بحث گفت: آقای امینی بحث ما چه ربطی به موضوع غضب و خشم حضرت زهراء نسبت به حکام زمان خودش دارد؟ افرادی که در مجلس حضور داشتند از حیث علم و دانش اشخاص برجسته و فهیمی بودند، و متوجه شدند که آقای امینی با طرح این سؤال چه ضربه محکمی به عقاید آنان وارد ساخت، و گفت که شما نه فقط امام زمان خود را نشناخته اید بلکه در حقانیت افرادی که آنان را خلیفه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می دانید نیز در شک و تردید به سر می برید، صاحب منزل که کناری ایستاده بود رو به عالم بزرگ حلب کرد و گفت: **شَيْخُنَا أُسْكُتَ قَدْ افْتَضَحْنَا**، یعنی دیگر ساکت شو که ما را رسوا کردی.

بحث تا نزدیک سحر به طول انجامید وعده ای از اساتید دانشگاه و قضات و تجار به سجده افتادند و مستبصر شدند و از راهنمایی علامه امینی تشکر نمودند.

غرض از نقل این حکایت این بود که اهل سنت همانند شیعه حدیث **(مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً)** (را قبول دارند. با توجه به این حدیث معلوم می شود در هر عصری و زمانی امامی وجود دارد که باید به وجود او معرفت داشت و مسلمین باید بدانند معالم دین را از چه کسی اخذ می کنند و در حال حاضر امام عصر آنان کیست؟

### محتوای حدیث ثقلین

برای ضرورت و لزوم پی گیری شناخت امام همین بس که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای هدایت امت، دو یادگار از خود به جا گذاشت و فرمود: اگر به این دو ثقل یعنی قرآن و عترت تمسک بجوئید هرگز گمراه نمی شوید و این روایت که به (حدیث ثقلین) معروف است مورد قبول همه مسلمانان است<sup>(23)</sup>. بنابراین باید تفحص و تحقیق نمود که اهل بیت چه کسانی هستند و تا قیامت و تا کنار حوض کوثر از قرآن جدا نمی شوند و همتای قرآن و یگانه وسیله هدایت امت هستند؟ انشاء الله در مباحث بعدی پیرامون این حدیث بیشتر صحبت می شود.

### جهان منهای حجت

در بحث اثبات وجود امام از طریق عقل و نقل، باید گفت آنچه مسلم و مورد قبول همه انسان ها است این است که موجودات بزرگ و کوچک که اطراف ما را از شش جهت احاطه کرده اند وجود آن ها برای بهره مندی انسان ها است. تابش آفتاب باعث رشد گیاهان و رسیدن میوه جات و حبوبات برای استفاده انسان می شود و این حرکت منظم ماه و خورشید باعث شناخت روز و ماه و سال می شود و ابر و باد و مه و خورشید و فلک برای بهره مندی انسان مسخر شده اند.

## یک سؤال مهم

در ذهن انسان با شعور، مخصوصاً موحدین و خدا شناسان از هر کیش و قومی این سؤال مطرح است که این انسان که مخدوم و مورد احترام این همه مخلوقات الهی است برای چه هدفی خلق شده است؟

به حکم عقل حکمت پروردگار، با چنین وضعی که تمام اجزای هستی در خدمت انسان هستند، باید هدف مقدسی برای انسان در نظر گرفته شده باشد و آن هدف و غایت برای انسان ها غیر از رسیدن به کمال و وصول به مقام عبودیت و علم و معرفت به اسماء و صفات الهی چیز دیگری نیست. قرآن کریم این حقیقت را چنین مطرح نموده است.

(اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا)

«خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین همانند آنها را نیز آفرید، فرمان او پیوسته در میان آنها فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد.»

اینک که معلوم گشت هدف از خلقت انسان، رسیدن به کمال علم و عرفان و عبودیت است این سؤال مطرح می شود کیست که بتواند این انسان را به آن هدف مقدس خود برساند؟ هزاران فرقه و مسلک در جوامع بشری انسان را به سوی خویش دعوت می کنند که هر کدام می گویند: به دنبال ما بیائید، ریاضت کش و مرتاض هندو می گوید: دست از کار و کسب و تشکیل خانواده بکش و به دنبال من در گوشه جنگل بنشین تا به کمال برسی، دیگری می گوید: کمال انسانی در سایه سرمایه داری است، سومی می گوید: رشد و کمال انسان به آزاد بودن او از هر قید و بند با این اختلاف فراوان در افکار و عقاید بشری، هر انسان موحد و خدانشناسی

قاطعانه حکم می کند که باید فردی از جانب خداوند که مسلح به سلاح علم و وحی بوده و از اسرار خلقت جهان و انسان آگاه باشد، برای راهنمایی و هدایت بشر مشخص شود در غیر این صورت جهان و خلقت آن، هم چون مدرسه ای می ماند که با مصالح بسیار عالی ساخته شده اما معلم و مدرّس نداشته باشد و یا مانند بیمارستانی است که سالن ها و اطاق های عمل جراحی و همه امکانات لازم را داشته باشد اما دکتر و طبیب نداشته باشد و هر عاقلی حکم می کند که ساختن این مدرسه و بیمارستان عبث و بیهوده است.

آری جهان مدرسه است و انسان دانش آموزان این مدرسه و باید معلم و مربی وجود داشته باشد که این دانش آموزان را به اهداف عالیّه واصل گرداند و آن مربی، کسی جز حجت خدا نیست. در غیر این صورت خلقت جهان عبث و بیهوده خواهد بود.

### مناظره هشام بن حکم

هشام آن شاگرد زبر دست امام صادق (علیه السلام) با دلایل ساده اما مستحکم، عمرو بن عبید را که منکر وجود حجت خدا بود، قانع کرد که جهان بدون حجت خدا همچون بدن انسان است بدون قلب. خلاصه حکایت از این قرار است که هشام به عالم بصری گفت: آیا تو چشم داری؟ جواب داد: بلی. هشام پرسید: چه فایده ای دارد؟ او فواید چشم را بیان کرد و به همین منوال سؤال از دست و پا و زبان و گوش و فواید آنها کرد و او جواب داد. در آخر پرسید: تو قلب هم داری؟<sup>(25)</sup> جواب داد: بلی، هشام فرمود: قلب، چه فایده ای دارد؟ او گفت: اگر خطائی برای اعضا رخ دهد مثلاً شبیحی را از دور می نگریم و نمی دانیم که جماد است یا نبات یا حیوان و یا انسان، به قلب مراجعه می کنیم و آن رفع شبهه می کند مثلاً می گوید: چون آن شبیح حرکت می کند جماد نیست و چون روی دو پا حرکت می کند حیوان نیست و انسان است و نیز گوش صدائی را از پشت دیوار می شنود و نمی فهمد که صاحب صدا کیست؟ نیروی عقل بلا فاصله می گوید: این صدای فلان شخص می باشد.

هشام فرمود: خداوند حکیمی که برای بدن یک انسان با داشتن چند عضو مختصر، امامی قرار داده که شبهات را برای آنها رفع نماید آیا می توان گفت برای کاروان بشریت، با این همه اختلافات و سلیقه های متفاوت، امامی و راهنمایی معین ننموده است؟ عمرو بن عبید مات و مبهوت ماند و نتوانست چیزی بگوید.

امام صادق (علیه السلام) از این مناظره با خبر شد. روزی که عده ای از اصحاب در محضر حضرت بودند، فرمودند: ای هشام! مناظره خود را با عمرو بن عبید برای ما نقل کن. هشام برای رعایت ادب و حیاء ساکت شد (اشاره به این که در مجلسی که شما هستید، صحیح نیست من سخن بگویم) حضرت فرمود: وقتی چیزی را از شما می خواهیم، انجام دهید. هشام واقعه را نقل نمود<sup>(26)</sup> امام فرمود: این استدلال را چه کسی به تو آموخته بود؟ عرض کرد: از شما یاد گرفتم. حضرت فرمود: به خدا قسم این دلیل، در صحف ابراهیم و موسی مذکور است.

### مناظره دیگر هشام

یونس بن یعقوب می گوید: چند روز قبل از موسم حج بود امام صادق (علیه السلام) در کنار مسجد الحرام، خیمه ای زده بود. شخصی از شام آمد و داخل خیمه حضرت شد و گفت: من شخص فقیه و متکلمی هستم و از شام آمدم تا با اصحاب تو مناظره کنم. با اینکه عده ای از اصحاب امام از قبیل حمران بن اعین و هشام بن سالم و قیس، در خیمه حاضر بودند، هشام بن حکم که جوانی بیش نبود، از راه رسید. حضرت برای هشام جا باز کرد و فرمود: هشام با زبان و دل، یار و ناصر ما می باشد، و به مرد شامی فرمود: با این جوان صحبت کن. شامی به هشام گفت: پیرامون لزوم امام و حجت خدا بحث کن. هشام پرسید: آیا خدا مصلحت بندگان را بهتر می داند یا مردم؟ شامی گفت: خدا. هشام پرسید: چه کسی این مصالح عباد را از جانب خدا به مردم می رساند؟ شامی گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هشام پرسید: بعد از رسول خدا چه کسی، شامی گفت: کتاب و سنت، هشام گفت: آیا کتاب و سنت امروزه برای رفع اختلافات کافی است؟ شامی گفت: بلی، هشام پرسید: پس چرا بین ما و شما اختلاف هست به طوری که تو برای دفاع از نظریات خودت از شام به اینجا آمدی؟ شامی ساکت شد.

امام صادق (علیه السلام) به شامی فرمود: **مَالِكٌ لَا تَتَكَلَّمُ؟** (چرا صحبت نمی کنی و ساکت شدی؟)

شامی گفت: اگر بگویم: اختلاف نداریم که دروغ است و اگر بگویم: کتاب و سنت اختلافات را بر طرف می کند که کلامی باطل و خلاف واقع است (چون کتاب و سنت را هر کسی به نفع خود توجیه می کند) و اگر بگویم اختلاف هست ولی همگی حق می گوئیم، کتاب و سنت عبث و بیهوده خواهد شد.

ولی اجازه دهید من این سئوالات را از هشام بپرسم تا ببینم چه جوابی می دهد امام صادق (علیه السلام) فرمود:  
از او سؤال کن که شخص با اطلاعی است .شامی گفت: مصلحت مردم را خدا بهتر می داند یا خود مردم؟  
(عین سئوالات هشام را یک به یک به هشام برگرداند) تا رسید به اینجا که کلام و مصالح عباد را چه کسی به ما  
می رساند؟ هشام فرمود: زمان رسول خدا یا اکنون؟ شامی گفت: در حال حاضر. هشام فرمود: **هَذَا الْقَاعِدُ**  
**الَّذِي تَشُدُّ إِلَيْهِ الرِّحَالُ** (این مرد که اینجا نشسته و از اطراف و اکناف می آیند و سئوالات خود را مطرح می  
کنند و قانع می شوند و شک و شبهه آنان مرتفع می گردد. شامی گفت: از کجا بدانم که ایشان همین گونه  
است که تو می گوئی؟ هشام گفت: هر چه می خواهی از او بپرس تا حجّت بر تو تمام گردد، شامی متوجه امام  
شد و با حضرت صحبت کرد و امام (علیه السلام) از سفر او و اتفاقاتی که در راه افتاده بود خبر داد و تماماً  
مورد تصدیق شامی قرار گرفت و در خاتمه شامی مستبصر شد و شهادت به امامت و حقانیت حضرت داد.

این دو مناظره مستدلّ کاملاً روشن می سازد که خلقت بشر منهای حجت خدا یک کار عبث و بیهوده ای خواهد  
بود و نتیجه خلقت جهان که برای وصول انسان به کمالات علمی و عملی است عبث خواهد شد.

آری عقل براساس حکمت الهی و نظام جهان خلقت حکم می کند بر ضرورت وجود یک انسان کامل تا کاروان  
بشریت را به سر منزل مقصود راهنمایی نماید.

### هدایت عامّه

دلیل دیگری که ضرورت وجود حجت خدا را در هر عصر و زمانی به اثبات می رساند، مشاهده حرکت هر  
موجود به سوی کمال خویش است، که از آن به هدایت عامه و حرکت به سوی هدف تعبیر می شود علامه  
طباطبائی (قدس سره) از این راه لزوم حجّت و امام را در هر عصر و زمانی به اثبات می رساند، ایشان در این  
رابطه می فرماید:

طبق قانون ثابت و ضروری هدایت عمومی، هر یک از انواع آفرینش از راه تکوین و آفرینش به سوی کمال و  
سعادت نوعی خود هدایت و رهبری می شود.

نوع انسان نیز که یکی از انواع آفرینش است از کلیت این قانون عمومی مستثنی نیست و از راه غریزه واقع بینی و تفکر اجتماعی، در زندگی خود به روش خاصی باید هدایت شود که سعادت دنیا و آخرتش را تأمین نماید.

به عبارت دیگر باید یک سلسله اعتقادات و وظائف عملی را درک نموده و روش زندگی خود را با آنها تطبیق کند تا سعادت و کمال انسانی خود را به دست آورد و گفته شد که راه درک این برنامه زندگی که (دین) نامیده می شود، راه عقل نیست بلکه راه دیگری است به نام (وحی و نبوت) که در برخی از پاکان جهان بشریت به نام انبیاء (پیغمبران خدا) یافت می شود.

پیغمبران وظائف انسانی مردم را به وسیله وحی از جانب خدا دریافت داشته و به مردم می رسانند، تا در اثر به کار بستن آنها تأمین سعادت کنند. روشن است که این دلیل چنان که لزوم و ضرورت چنین درکی را در میان افراد بشر به ثبوت می رساند، همچنین لزوم و ضرورت پیدایش افرادی که پیکره دست نخورده این برنامه را حفظ کنند و در صورت لزوم به مردم برسانند، به ثبوت می رساند.

چنان که به اقتضای عنایت خدائی لازم است اشخاصی پیدا شوند که وظائف انسانی را از راه وحی درک نموده به مردم تعلیم کنند، همچنان لازم است که این وظائف انسانی آسمانی برای همیشه در جهان انسانی محفوظ بماند و در صورت لزوم به مردم عرضه و تعلیم شود، یعنی پیوسته اشخاصی وجود داشته باشند که دین خدا را آن طوری که نازل شده نگهداری نموده و صحیح و سالم بر مردمان عرضه بدارند.

این دلیل و برهان محکم، برای فهم همگانی به توضیح و شرح احتیاج دارد لذا توجه شما را به نکاتی چند جلب می نمایم.

**نخست:** شکی نیست که هر نوعی از انواع موجودات از راه تکوین و آفرینش به سوی کمال و سعادت نوعی خود هدایت می شود.

این دانه گندم است که در دل خاک با شرایط مناسبی قرار می گیرد و شروع به رشد و نمو کرده تا بوته ای کامل و دارای خوشه و دانه می شود.

و اگر هسته ای مانند گردو در دل زمین قرار گیرد راه منظم و مشخصی را پیموده و بالاخره درختی برومند و بارور می شود و اگر نطفه حیوانی در رحم مادر قرار گیرد شروع به تکامل نموده و سرانجام موجودی کامل از همان حیوان پدید می آید.

هرگز دانه گردو در مسیر تکامل به صورت گاو و گوسفند در نمی آید کما اینکه نطفه گوسفند نیز مبدل به درخت انار و چنار نخواهد شد قرآن در این رابطه می فرماید: **وَلِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّبُهَا** <sup>(29)</sup> (هر کدام هدف و غایتی دارد که آن را پیش می گیرد).

قرآن در تعلیم خود این رهسپاری و کشش را که در هر نوعی از موجودات مشاهده می شود و راه کمال خود را در پیش گرفته و می رود، به هدایت الهی نسبت می دهد.

(**قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى**) <sup>(30)</sup> (موسی به فرعون گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده، سپس هدایت کرده است همین مطلب را نیز در سوره مبارکه اعلی بیان کرده است): **سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى \* الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى \* وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى.**

آیا این قانونی که بشر خواهان آن است یعنی قانونی که بتواند جلو هرگونه خود کامگی ها و تبعیض ها را بگیرد و همه افراد جامعه در آسایش و امنیت کامل بسر ببرند می توان به وسیله عقل و خرد به آن رسید؟

در جواب باید گفت: انسان به وسیله عقل از سایر انواع موجودات امتیاز پیدا می کند و به واسطه خرد به تفکر پرداخته و از تمام مخلوقات و موجودات برای رفاه خود استفاده نموده، در فضای بی کران آسمان ها اوج می گیرد و در اعماق دریاها شناور می شود و جماد و نبات و حیوان را به استخدام خویش در می آورد.

اما چنین قانونی که مورد قبول همه انسان ها باشد وجود ندارد و چنانچه انسان با نهاد خدادادی و از طریق آفرینش و تکوین با چنین قوانینی آشنا بود همانگونه که لزوم این قوانین را با نهاد خدا دادی درک می کند باید هر انسان با عقل خود آن قوانین را درک می کرد همانگونه که سود و زیان خود را درک می کند.

بنابر این قانونی که سعادت جامعه بشری را تأمین کند خرد درک نمی کند و چون به مقتضای نظریه هدایت عمومی دانستیم که وجود چنین درکی در نوع بشر ضروری است ناگزیر دستگاه درک کننده دیگری در میان

نوع بشر باید وجود داشته باشد که وظایف واقعی و جامع الاطراف را به آنان بفهماند و در دسترس همگان گذارد و این شعور و درک چیزی غیر از (شعور وحی) که مافوق شعور عقل و حس است نمی تواند باشد.

پس انسان بر اساس قانون هدایت عمومی و وصول به کمال خویش محتاج به وحی و دین است که به وسیله انبیاء و حجج الهی ارائه می شود.

**دوم**، بدیهی است که نوع انسان از این قانون کلی مستثنی نیست و هدایت تکوینی که در همه انواع آفرینش حکومت می کند در مورد انسان نیز حاکم است.

انسان به حسب طبع اوّلی، سعادت خود را در آزادی مطلق می نگرد و می خواهد زیر بار هیچ قانون و مقرراتی نرود کما اینکه شما کودکان را مشاهده می کنید که در رسیدن به خواسته های خود به چیزی جز زور و گریه متوسل نمی شوند و در مقابل هیچ قانونی تواضع نمی کنند.

اما او کم کم احساس می کند که سازمان وجودی اش یک سازمان اجتماعی است و نیازمندی های بی شمار دارد که هرگز به تنهایی توانایی رفع آنها را ندارد. در این هنگام احساس می کند که باید بخشی از آزادی خود را در برابر سودی که از دیگران می برد از دست بدهد و معادل آنچه از رنج دیگران بهره می گیرد، از رنج خود بهره بدهد.

و خلاصه ادامه حیات خود را و نیز اداره زندگی خویش را مرهون اجتماع می بیند و ناچار آن را می پذیرد.

**سوم**، انسان به دنبال پذیرفتن ساختار اجتماعی، وجود قانون را لازم می شمرد تا وظیفه هر یک از افراد را معین نماید و کیفر متخلف را مشخص سازد، در غیر این صورت انسان به حسب سرشت خود که طالب آزادی مطلق است، به سوی هرج و مرج می رود و هرگز با این وضع افراد جامعه به سعادت واقعی نخواهند رسید.

**چهارم**، همانگونه که از راه عنایت و لطف الهی لازم است اشخاصی پیدا شوند که وظایف انسانی را از راه وحی درک نموده و به مردم برسانند همچنان لازم است که این وظایف آسمانی برای همیشه در جهان انسانی محفوظ بماند و در صورت لزوم به مردم عرضه و تعلیم شود.



به عبارت دیگر همانگونه که لازم است افرادی در جامعه یافت شوند که متصدی اخذ و دریافت احکام از جانب خدا باشند که از آنها به (نبی و رسول) تعبیر می شود، باید اشخاصی نیز باشند که متصدی حفظ و نگهداری دین آسمانی باشند و از جانب خدا به این مقام اختصاص یافته که از آنها به (امام) نام برده می شود.

## نظرات هانری گُربن

دکتر کربن که مصاحبه های ارزنده ای با استاد فقید علامه طباطبائی داشته در رابطه با لزوم حجتوامام درهر عصری نظریه جالبی ارائه می دهد که از مبحث فوق اتخاذ شده است.

ایشان می گوید: مذهب تشیع (به علت وجود مهدی موعود (علیه السلام)) (تنها مذهبی است که رابطه را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و به طور استمرار و پیوسته ولایت را زنده و پا بر جا می دارد؛ زیرا مذهب یهود، نبوت را که رابطه ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی در حضرت کلیم (علیه السلام) ختم کرده و پس از آن به حضرت مسیح و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) اذعان ننموده و رابطه مزبور را قطع می کند و همچنین نصاری در حضرت مسیح متوقف شده، و اهل سنت از مسلمین نیز در حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) توقف نموده و با ختم نبوت در ایشان دیگر رابطه ای میان خالق و خلق قائل نمی باشد، و تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ختم شده می داند ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می باشد بعد از حضرت ختمی مرتبت برای همیشه زنده می داند - رابطه ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهیت حکایت می کند و بعد از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به واسطه ولایت جانشینان وی زنده بوده و خواهد بود.

همان دلایلی که وجود انبیا را ضروری می داند، لزوم استمرار ولایت را نیز لازم و ضروری می شمارد. اگر پیامبر عظیم الشان اسلام سلسله نبوت را ختم نمی کرد، لازم بود تا قیامت انبیاء و رسولان در میان مردم باشند، ولی چون با وجود ایشان نبوت ختم شد باید مسئله ولایت برای همیشه برقرار باشد.

## یک دلیل روشن دیگر

عقل بدیهی حکم می کند که اگر فرد مصلحی با زحمات توان فرسای خویش در طول سالیان دراز، طرحی را پیاده کرده و روش جدیدی را برای جامعه بشری ابداع نموده، طبعاً بایستی برای بقاء و استمرار طرح و روش

مزبور بلکه رشد و بالندگی آن نیز چاره اندیشی کند، هرگز عقل سلیم نمی پذیرد که شخص با زحمات بسیار، بنائی را تأسیس کند ولی برای حفظ آن از خطرات آینده هیچ نوع پیشگیری به عمل نیاورد و متولی و مسئولی را برای حفظ آن بنا معرفی نکند.

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) ، بزرگترین شخصیت جهان بشریت است، با آوردن شریعت خود، تحوّل عظیم در اجتماع بشری ایجاد کرد و تمدّتی کاملاً نو را پی ریزی نمود. تعالیمحیات بخشی را به عنوان یک شریعت جاودانه به بشر عرضه کرده و باصراحت خود را آخرین پیامبران معرفی نموده و احکام شریعت خود را از اصول و فروع و حلال و حرام تا قیامت برقرار و غیر قابل تغییر دانسته است.

بنابر این هرگز معقول نیست که ایشان شریعتی ابدی را پایه گذاری کند ولی برای رهبری آن پس از خود، و حفظ و حراست آن در تمام اعصار فکری نکرده باشد.

پیامبری که از بیان کوچکترین مسئله در زمینه سعادت بشر دریغ نکرده چگونه معقول است برای شریعتی جهانی و ابدی فردی را معین نکند که متولی این شریعت باشد و در موقع لزوم و یا فراهم آمدن شرائط، آن شریعت را به جهانیان ارائه دهد.

### **خلاصه بحث**

در این گفتار بحث پیرامون اثبات وجود حجت خدا از دیدگاه عقل است که در این زمان مصداق آن تنها حضرت مهدی (علیه السلام) است قبل از ورود در این بحث به دو مطلب توجه شود: ۱ - بحث مهدویت یک بحث اسلامی است و لذا سخن ما با مسلمانان است. ۲ - آحاد مسلمانان باید دنبال بررسی و تحقیق از امام باشند زیرا باید بدانند که احکام الهی را از چه شخصی می گیرند آیا او راهی به سوی الله دارد؟ و از این گذشته روایت مورد قبول وارد شده که عدم شناخت امام زمان مساویست با مرگ جاهلیت و کفر و الحاد.

علامه امینی از همین حدیث استفاده کرده و پاسخی کوبنده به علمای حلب داده و بر آحاد مسلمین است که طبق حدیث معروف و مشهور ثقلین که محدثین عامه و خاصه نقل نمودند و راه نجات را منحصر به پیروی از قرآن و عترت دانسته است، برای شناخت عترت سعی و تلاش بنمایند.

به سه مطلب توجه کنید: ۱ - منافع وجودی بسیاری از مخلوقات مربوط به انسان است. ۲ - هدف از خلقت انسان که موجود برتر است؟ برای وصول به کمال است. ۳ - مکتب های سرمایه داری و کمونیسم و تارکان دنیا نمی توانند وی را به سعادت و کمال برسانند بلکه تنها حجت خدا که می تواند انسان را به قلّه رفیع کمال خویش برساند.

در ادامه دو مناظره زیبا از هشام نقل شد که با دلیل محکم عقلی لزوم حجت خدا را اثبات می نمود و وجود یک انسان کاملی که جواب گوی همه مسائل بوده و رفع اختلافات نماید و آگاه از اسرار خلقت باشد را لازم می شمرد.

و سپس به دلیل و برهان دیگری تحت عنوان (هدایت عامه) و اینکه این قانون کلی ما را با لزوم امام، و حجت خدا آشنا می سازد که علامه طباطبائی از این برهان برای اثبات امام در هر عصری استفاده نموده و سپس توضیحی پیرامون این برهان داده شد و کلامی از پرفسور کرین در ویژگی مذهب تشیع و عدم انقطاع واسطه فیض بین خالق و مخلوق آورده شد که قابل توجه است در خاتمه به یک دلیل روشنی اشاره شد که هرگز معقول نیست یک فرد مصلحی با زحمات فراوان تحوّل ایجاد کند ولی در فکر عامل نگهدارنده او نبوده باشد و اصولاً این افراد مهمترین مسئله را فراهم آوردن اسباب و عوامل بقاء آن می دانند در این گفتار از پنج طریق برای اثبات وجود امام و حجت خدا در هر عصر و زمانی وارد شدیم که هر یک برای صاحبان عقل و اندیشه کافی است تا در مقابل حق و حقیقت تواضع کنند و به حجت خدا در هر عصر و زمانی ایمان پیدا کنند.

## سئوالات گفتار اول

1- مخاطب ما در بحث مهدویت چه کسانی هستند؟

2- به چه دلیلی پیگیری شناخت امام بر مسلمان واجب و لازم است؟

3- علامه امینی در رابطه با حدیث ( **من مات ولم يعرف امام زمانه** ) . . . چه می فرماید؟

4- یکی از ادله عقلی در اثبات وجود حجت، وضع خلقت جهان بود، تقریر آن چگونه است؟

5- هشام بن حکم در بصره با چه کسی مناظره کرد؟

6- هشام در آن مناظره از چه راهی وارد شد و وجود حجت خدا را چگونه ثابت کرد؟

7- هشام چگونه فقیه شامی را محکوم نمود و او را امام شناس کرد؟

8- مراد از قانون (هدایت عمومی و حرکت به سوی هدف) چیست؟

9- کمال انسان در سایه چه قانونی تأمین می شود و آیا این قانون را می توان از طریق عقل به دست آورد؟

10- پرفسور کربن ویژگی مذهب تشیع را در چه می داند؟

11- مهمترین مسئله برای بنیانگذاران بناهای مهم و پایه گذاران نهضت های اصلاحی چیست؟

12- در این گفتار مجموعاً از چند طریق به عنوان دلیل عقلی برای اثبات امام و حجت خدا در هر عصری

استفاده کردیم؟

## گفتار اول

إثبات وجود حجّت خدا،

حضرت مهدی(علیه السلام)

از دیدگاه عقل

اثبات وجود حضرت مهدی - ارواحنا فداه -

لازم است قبل از پرداختن به بحث اثبات وجود حضرت مهدی به دو نکته توجه شود:

**نخست**، بحث پیرامون مهدویت و اثبات وجود حضرت، بحثی کاملاً اسلامی است و روی سخن با مسلمانان جهان و پیروان مذاهب مختلف اسلامی است، یعنی کسانی که خدا و رسول خدا و قرآن و سنت را پذیرفته اند و هر دستور و یا گفتاری از این ناحیه برسد، انجام می دهند و در مقابل آن تسلیم هستند. بنابراین بحث مهدویت به عنوان حجة خدا و خلیفه رسول الله با کسی که خدا و یا رسول خدا را قبول ندارد معنی ندارد؟

البته می توان با چنین فردی که منکر دین و خدا است از این زاویه وارد بحث شد که آینده تاریخ و سرانجام کاروان بشریت، به عدل و داد و رفع ظلم و ستم گرایش پیدا می کند.

اینک با توجه به این که بحث مهدویت یک بحث اسلامی است، طبعاً می توان در تمامی مباحث مربوط به حضرت مهدی از مدارک مورد قبول مسلمانان، همچون قرآن و کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) استفاده کرد و به آن استدلال نمود.

هرچند در بعضی از مباحث مهم در رابطه مهدویت - مانند اثبات وجود حجت الهی - هم دلیل عقلی وجود دارد و هم نقلی که ان شاء الله به آن اشاره خواهد شد.

**دوم**: برآحاد مسلمین در هر عصر و زمانی واجب و ضروری است که مسئله امامت را، دنبال کنند و امام زمان خود را بشناسند.

لزوم پیگیری این مسئله به جهت این است که اولاً، باید توجه کند که احکام الهی را از چه کسی اخذ می کند و به فرمان چه کسی گردن می نهد و آیا کسانی که به عنوان مصادر احکام الهی برای خود برگزیده راهی به سوی «الله» دارند؟ و آیا می توانند امامت و رهبری او را با دلیل مورد قبولی به اثبات برسانند و بگویند همه گفته های این فرد صحیح و از جانب خداوند متعال است؟

14. قرآن برای بیداری ما گوشزد می نماید که همانگونه که امام هادی و ائمه راستین وجود دارد متقابلاً ائمه کفر و ضال و مضل هم وجود دارد تا ما انسان ها چشم خود را باز نموده و عقل خود را به کار گرفته تا از سرچشمه وحی الهام گیریم، امامی انتخاب نمائیم که دین مرضی پروردگار را برای ما بازگو نماید، **فاعتبروا یا اولی الأبصار (حشر: ۲)**.

( 15<sup>(15)</sup> یوم ندعو کل اناس بامامهم ) (اسراء: ۷۱).

16<sup>(16)</sup> در سوره فرقان از آیه ۲۷ به بعد حال کسانی که راه صحیحی برای وصول به رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و دین الهی اخذ ننمودند اینگونه بیان نموده: **ویوم یعضّ الظالم علی یدیه یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً لقد اضلّنی عن الذکر بعد اذ جاءنی وکان الشیطان للنسان خذولاً وقال الرسول یا ربّ انّ قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً.**

قرآن راه صحیح را برای رسیدن به خدا و رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) و اسلام واقعی با دو آیه در قرآن بیان نموده یکی در سوره شوری آیه ۲۳) **قل لا اسئلكم علیه أجرأ الا المودة فی القربی** (که می فرماید: بگو: من چیزی بعنوان اجرت رسالت از شما نمی خواهم جز مودت و رزیدن به ذوی القربی که زیر بنای متابعت و پیروی آنها است و دیگر در سوره فرقان آیه ۵۷) **قل ما اسئلكم علیه من اجر الا من شاء ان یتخذ الی ربه سبیلاً** (آنچه به عنوان پاداش رسالت خواستم برای این بود که هر که مایل است راه صحیحی برای خود انتخاب کند، بتواند. آیا راهی جز راه متابعت و عشق و رزیدن به علی (علیه السلام) و زهرای مرضیه (علیها السلام) و فرزندان ایشان باقی می ماند؟ که یگانه مصداق ذوی القربای رسول خدا) **صلی الله علیه وآله وسلم** می باشند؟

17 الغدیر جلد ۱۰ ص ۳۶۰.

18 اصول کافی: ج ۱ ص ۳۷۶.

19 همان: ص ۳۷۷.

20 الغدیر: ج ۱۰، ص ۳۶۱.

21 شهر بزرگی است از شهرهای شام (سوریه) بسیار خرم... لغت نامه دهخدا.

22<sup>(22)</sup> بحثی بین دو عالم شیعی و سنی یعنی ابن ابی جمهور احسائی و فاضل هروی در خراسان پیرامون این حدیث واقع شده که در کتاب نامه دانشوران آمده است. (فراجع)

23 در کتاب المراجعات ص ۴۲ به بخشی از مدارک این حدیث از طرق أهل سنت اشاره نموده است.

24<sup>(24)</sup> طلاق: ۱۲

25 مراد از قلب نیروی عقل و فکر انسان است.

26 اصول کافی کتاب الحجّة: ج ۱، ص ۱۷۰

27<sup>(27)</sup> اصول کافی ج ۱، ص ۱۷۲

28<sup>(28)</sup> شیعه در اسلام: ص ۲۶۳، تحت عنوان: امامت در بیان معارف الهیّه.

29 بقره: ۱۴۸

30 طه: ۵۰

31<sup>(31)</sup> مدرک سابق نقلاً از مکتب تشیع سالانه دوم ص 20 و ۲۱.

32<sup>(32)</sup> موسّس و بانی مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) واقع در میدان بهارستان تهران که در عصر خود مدرسه نسبتاً بزرگ و ساختمانی با شکوه بوده، برای حفظ و حراست و تحکیم بنای آن در وقف نامه دستورات قابل توجهی داده مثلاً توصیه کرده که در آمد موقوفات در درجه اول در تحکیم بنای مدرسه مصرف گردد و برای آن متولّی و ناظر قرار داده و سایر دستوراتی که در وقف نامه آمده البته مورد مذکور نمونه ای از هزاران موارد دیگر است که برای همگان معلوم و مشهود است و چون این حقیر وقف نامه مدرسه مزبور را دیده بودم آن را بعنوان مثال مطرح کردم.

33<sup>(33)</sup> این استدلال زیبا و روشن از کتاب منشور عقاید امامیه تالیف استاد عالیقدر و عالم فرزانه و کارشناس مسائل کلامی در عصر حاضر حضرت آیت الله سبحانی (مد ظله العالی) اقتباس شده است.

34 احزاب: ۳۳

35 نحل: ۴۳ و انبیاء: ۷ منتهی در سوره انبیاء آمده (وما ارسلنا قبلك (تا آخر.

36 توبه: ۱۱۹ .

37 (37) آل عمران: ۶۱ .

38 یونس: ۳۵ .

39 مائده: ۶۷ .

40 (40) در تفسیر المیزان ج ۵ ص ۱۶۷ آمده: مورد قبول تمامی اهل نقل است که سوره مائده آخرین سوره طولانی است که در اواخر عمر شریف پیامبر نازل گردیده و لذا روایات شیعه و سنی می گوید: آیات سوره مائده نسخ هست اما منسوخ ندارد. در تفسیر نمونه از ج ۶ المنار ص ۱۱۶ نقل می کند: این سوره در حجة الوداع و بین مکه و مدینه نازل شده است.

41 (41) توجه داشته باشید که روایاتی که در بالا اشاره شد فقط روایاتی است که می گوید: آیه) **یا ایها الرسول** ( . . . درباره علی(علیه السلام) نازل شده و الا روایاتی که درباره جریان غدیر و خطبه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و معرفی علی(علیه السلام) به عنوان وصی و ولی نقل شده به مراتب بیش از آن است، علامه امینی(رحمه الله) در الغدیر حدیث غدیر را از ۱۱۰ صحابی و ۸۴ تابعی با اسناد و مدارک نقل نموده آن هم از ۳۶۰ دانشمند و کتاب معروف اسلامی و حدیث غدیر یکی از قطعی ترین روایات متواتر اسلامی است که جای هیچگونه شک و تردید باقی نمی گذارد و همچون خورشید در وسط روز، ولایت و امامت علی بن ابیطالب (علیه السلام) را برای مسلمانان معلوم و مشخص می نماید.

42 احزاب: ۶ .

43 المراجعات: ص ۱۶۲ .

44 مراجعه شود به سوره طه از آیه ۲۵ تا آیه ۳۶ .

45 (45) علامه امینی در جلد ۲ الغدیر ص ۵۲ نام بیست نفر از بزرگان و مشاهیر اهل سنت را می برد که نزول آیه) **انما ولیکم الله** ( . . . را مربوط به علی (علیه السلام) می دانند و عده ای از این بیست نفر روایت



ابوذر را که در بالا نقل شده آورده اند، برای اطلاع از نام آنها و کتاب های آنها با ذکر صفحات و خصوصیات دیگر به کتاب مذکور مراجعه شود.

در تفسیر نمونه ج ۴ ص ۴۲۵ آمده، کتاب های معروفی که این حدیث در آن نقل شده از سی کتاب تجاوز می کند که همه از منابع اهل تسنن است که مقداری از آنها را با ذکر صفحات نقل می نماید.

46. تألیف سید هاشم بحرانی متوفی ۱۱۰۷ هجری.

47. (47) علامه امینی در الغدیر جلد ۲ ص ۵۹ این اشعار حسان را از خطیب خوارزمی و شیخ الإسلام حمّونبی و

کنجی و سبط بن جوزی و جمال الدین زرندی که از علمای اهل سنت می باشند نقل می نماید.

48. اسراء: ۹

49. المیزان: ج ۱۳، ص ۷۴

50. (50) شوری: ۲۳

51. (51) آنچه از تعداد امامان تا اینجا ذکر شد تماماً از کتاب شریف و ارجمند منتخب الأثر نقل شده که تالیف

عالم جلیل القدر حضرت آیت الله صافی گلپایگانی مد ظله العالی است.

52. زیرا از معاویه تا مروان بن محمد بن مروان بن حکم که آخرین خلیفه این سلسله بود چهارده نفر می

شوند که با چهار خلیفه مجموعاً هیجده نفر خواهند شد.

53. (53) منتخب الأثر: ص ۱۸، پاورقی.

54. (54) تتمه المنتهی ص ۹۱.

55. (55) مراجعه شود به کتاب دادگستر جهان تالیف آیت الله امینی از ص ۵۵ به بعد که از هر یک از ائمه

روایتی در این رابطه نقل نموده.

احادیث حضرت مهدی در کتاب مسند حنبل متوفای ۲۴۱ و صحیح بخاری متوفای ۲۵۶ که قبل از تولد حضرت قائم(علیه السلام) نوشته شده و نیز در کتاب مشیخه تالیف حسن بن محبوب که از مؤلفان شیعه است و به گفته مرحوم طبرسی متجاوز از صد سال قبل از غیبت کبرای امام تالیف شده آمده (جزوه امام زمان مؤسسه در راه حق ص ۱۶).

56. منتخب الأثر .

57. (57) امامت و مهدویت: ج ۲، ص ۳۰۷

58. جزوه امام زمان انتشارات مؤسسه در راه حق ص ۱۷.

59. (59) ق: ۳۷

60. (60) الغدير: ج ۲، ص ۲۴۶ و از کمال الدین صدوق نقل می کند که سید حمیری در امر غیبت، گمراه بود و معتقد به غیبت محمد حنفیه بود (و مذهب کیسانیة داشت) با امام صادق(علیه السلام) ملاقات کرد و علائم امامت و وصایت را در ایشان مشاهده کرد و از مسئله غیبت سؤال کرد، حضرت فرمود: آن غائب، دوازدهمین از ائمه است محمد حنفیه از دنیا رفته و پدرم امام باقر (علیه السلام) شاهد دفن او بود، سید مستبصر شد و اشعاری سروده که برخی از آنها ابیات فوق است که خطاب به امام صادق(علیه السلام) می کند و می گوید و اشهد ربی ان قولک حجة . . .

61. (61) الغدير: ج ۲، ص ۲۰۲ مراد از (الثانی) همان ثانی عشر است و اینکه (الثانی آورده) برای حفظ قافیه

شعری است چون ابیات قبل با) یا( ختم شده در مطلع ابیات خود می گوید:

أضحكنی الدهر وابکانی والدهر ذو صرف والوان

62. (62) الغدير: ج ۲، ص ۳۶۰

63. (63) در کتاب مهدی کیست ترجمه کتاب من هو المهدی ص 12 حدیث ثقلین را از بزرگان اهل سنت با

نام کتاب و نشانه صفحه نقل کرده که در اینجا بطور فهرست و آماری به بخشی از آن اشاره می کنیم:

به ۶۵ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از زید بن ارقم نقل نموده اند.

به ۷ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از حذیفه نقل نموده اند.

به ۱۸ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از جابر نقل نموده اند.

به ۱۰ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از زید بن ثابت نقل نموده اند.

به ۸ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از علی(علیه السلام) (نقل نموده اند).

به ۱۵ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از ابو سعید نقل نموده اند.

و نیز از فاطمه زهراء(علیها السلام) و حمزه اسلمی و ابن عباس و ابوذر و ام سلمه و ابو هریره و دیگران نیز نقل نموده اند.

۶۴<sup>(64)</sup> شیعه در اسلام چاپ نشر قدس رضوی ص ۲۵۶.

۶۵<sup>(65)</sup> مراجعه شود به تفسیر روح المعانی: ج ۲۱، ص ۱۳۸ و امامت و مهدویت: ج ۲، ص ۴۵ از بخاری و

بیهقی و ابن سعد و طبرانی و دیگران نقل می نماید.

۶۶ کمال الدین: ج ۱، باب ۲۳، حدیث ۴.

۶۷ امامت و مهدویت: ج ۲، ص ۲۸ به نقل از جوینی متوفای ۷۳۰ در کتابش فرائد السبطين: ج ۱۱، ص ۴۵.

۶۸ نهج البلاغه: نامه ۲۸.

۶۹<sup>(69)</sup> وابستگی جهان به امام زمان (علیه السلام): ص ۲۸ در پاورقی و اضافه می کند که: این عالم سنی، یکی

از علمای اهل سنت است که معتقد به امامت ائمه اثنی عشر(علیهم السلام) است.

۷۰<sup>(70)</sup> اعیان الشیعة در بحث حالات و گفتار امام صادق (علیه السلام) و نیز امامت و مهدویت: ج ۲، ص ۲۶

۷۱ که وضع حمل نرجس خاتون و کیفیت به دنیا آمدن حضرت و حوادث بعد از آن را نقل کرده است.

72<sup>(72)</sup> در کفایه الموحدین ج ۲ نحوه ملاقات هر یک از نسیم و ابو نصر و عقیدرا توضیح داده مراجعه شود به

ص ۷۹۳

73<sup>(73)</sup> موعودی که جهان در انتظار او است به نقل از اکمال الدین صدوق.

74<sup>(74)</sup> کفایة الموحدين: ج ۲، ص ۷۹۴.

75 غیبت صغری حدوداً ۶۹ سال به طول انجامید ابتدای آن سال ۲۶۰ هجری بود بعد از رحلت امام

عسکری (علیه السلام) و انتهای آن سال ۳۲۹ هجری بود که نائب چهارم حضرت آقای سمری بود که از دنیا رفت.

76<sup>(76)</sup> مراجعه شود به بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۶۷ و منتهی الآمال: ج ۲، ص ۲۷۶.

77<sup>(77)</sup> در جلالت سفراء اربعه و شخصیت و تقوای آنها مراجعه شود به منتخب الأثر: ص ۳۲۹ و جزوه امام

زمان نوشته مؤسسه راه حق: ص ۴۰ به بعد.

78<sup>(78)</sup> بهجة الآمال: ج ۵، ص ۳۳۳

79 بحار: ج ۵۱، ص ۳۴۴

80 اعیان الشیعه: ج ۲، ص ۴۷

81 اعیان الشیعه: ج ۲، ص ۴۷.

82<sup>(82)</sup> مدرک سابق.

83 مدرک سابق.

84<sup>(84)</sup> جزوه امام زمان مؤسسه در راه حق: ص ۴۶.

85<sup>(85)</sup> مدرک سابق.

86<sup>(86)</sup> بحار: ج ۵۱ ص ۳۶۱.

87<sup>(87)</sup> بعضی علی بن مهزیار ثبت کرده اند و بعضی ابراهیم بن مهزیار و این حکایت را صاحب کفایه الموحدین در جلد ۲ ص ۸۰۹ از جماعتی از اصحاب حدیث من جمله شیخ صدوق (قدس سره) نقل نموده، و در منتخب الأثر ص ۳۶۲ از غیبت شیخ طوسی (قدس سره) نقل می کند و بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۹.

88 ابن خضیب بنام جعفر بن احمد از مخلصان اهلیت و مردی مجتهد سحر خیز و شب زنده دار بود (مهدی موعود نوشته دستغیب).

89 احتمالاً انگشتی بوده که امام عسکری (علیه السلام) به پدر ابراهیم بن مهزیار داده بود که به ارث به فرزندش رسیده و اصولاً ابن مهزیار از طائفه ای است که آباء و اجدادش به اهلیت ارادت خاصی داشتند. جدش شبی در بیابان جهت پیدا کردن آب وضو می گشت ناگاه از مسواک که در دست داشت نوری تابید و منظره آب را به وسیله آن نور پیدا کرد.

ابتدا وحشت کرد ولی بعداً متوجه شد این نور سوزاننده نیست وضو گرفت و نمازش را خواند و پس از مدتی آن نور خاموش شد و چون خدمت امام هادی (علیه السلام) رسید جریان را برای حضرت نقل کرد و سؤال کرد آن نور چه بود؟

حضرت فرمود: این نور ولایت ما اهل بیت می باشد، آری ابن مهزیار فرزند و نوه چنین شخصیت های بزرگ می باشد که ولایت را به ارث از آباء گرام خود برده است (مهدی موعود نوشته دستغیب ص ۸۰).

90 بعضی از گفتگوها این بود: فقلت سیدی لقد بعد الوطن و طال المطلب فقال يا بن المازيار، أبي ابو محمد عهد إلی ان لا أجاور قوماً غضب الله عليهم ولعنهم . . . وأمرنی ان لا اسكن من الجبال الا وعرها ومن البلاد الا قفرها . . . ابن مهزیار می گوید: چند روزی در آنجا ماندم و حضرت به من اذن خروج داد. در بازگشت از مکه تا منزل و مقصد به راحتی گذشت و هیچ ناملایمتی پیش نیامد.

91 نجم الثاقب: ص ۲۱۱.

92 همان: ص ۲۷۱.

93 همام: ص ۲۲۳.

94 مشروح این واقعه را در بحث آینده نقل خواهیم کرد.

95<sup>(95)</sup> قصص العلماء تنکابنی: ص ۳۵۸.

96 بحار الانوار: جلد ۵۳، ص ۳۰۲.

97 قصص العلماء تنکابنی: ص ۳۵۹ و منتخب الأثر: ص ۴۱۷.

98<sup>(98)</sup> نقل شد که از آیت الله میرزا جواد تهرانی آن مجسمه تقوی و اخلاص در موقعی که به جبهه های حق علیه باطل رفته بود، سؤال شد آیا شما به خدمت حضرت رسیده ای و او را زیارت کرده ای فرموده بود من ایشان را ندیده ام اما خوشحالم که او من را می بیند.

99 منتخب الأثر: ص ۴۰۰.

100<sup>(100)</sup> چنانکه گاهی ما در مقام دعا می خواهیم مصلحت خودمان را برای خدا اثبات کنیم و حال آنکه اینگونه سخن گفتن با خداوند حکیم جسارت است. خداوند بیشتر از ما به مصالح ما آگاه است.

101 اسراء: ۸۱، (باطل رفتنی است).

102 انبیاء: ۱۸، «بلکه ما حق را بر سر باطل می کویم تا آن را هلاک سازد».

103<sup>(103)</sup> رعد: ۱۷، «خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر درّه و رودخانه ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه در کوره ها برای بدست آوردن زینت آلات یا وسائل زندگی آتش روی آن روشن می کنند نیز کف هائی مانند آن به وجود می آید، خداوند حق و باطل را چنین مثل می زند، اما کف ها به بیرون پرتاب می شوند ولی آنچه به مردم سود می رساند آب یا فلز خالص در زمین می ماند، خداوند این چنین مثال می زند».

104<sup>(104)</sup> رجوع شود به آیات ۷۴ الی ۸۲ سوره یونس و سوره طه.

105. نجم الثاقب: ص ۲۲۸.

106. حله یکی از بلاد و شهرهای عراق است و هرقل یکی از قراء و محلات شهر حله است.

107. حاجی نوری در پایان حکایت مذکور از کتاب (أمل الآمل) نوشته شیخ حرّ عاملی نقل می کند که: محمد

بن اسماعیل پسر اسماعیل هرقلی عالمی فاضل و از شاگردان علامه حلی بوده است.

108. ظاهراً مراد از توئه همان دمل بزرگ است.

109. از اعظام علماء شیعه است و دارای تالیفات فراوان متوفای ۶۶۴ هـ.

110. ظاهراً نظرش توسل به امام عصر ارواحنا فداه بود و الاّ کاظمین در نزدیکی بغداد بود و می توانست به

آنجا برود.

111. گوشه عمامه خود را از زیر گلو به پشت انداخته.

112. <sup>(113)</sup> خلیفه عباسی که از سال ۶۲۳ تا سال ۶۴۰ هجری حکومت کرده است.

113. مراد سید بن طاوس (قدس سره) است.

بگو: تو را به علی بن عرض معرفی کند و من به او سفارش می کنم که هر چه بخواهی بهتو بدهد.

من در همان مکان ایستادم تا از نظر من غائب شدند، ساعتی با حال تأسف در آنجا نشستم و سپس به سمت

شهر و حرم عسکریین روانه شدم چون مردم من را مضطرب و متغیر دیدند گفتند: مشکل داری؟ گفتم: نه، با

کسی نزاع کردی؟ گفتم: نه، شما به من بگوئید: این سواران را که از اینجا گذشتند دیدید؟

114. مأموری که از طرف حکومت در بین النهرین نظارت داشته و گزارش امور را به مرکز خبر می داده

است.

115. <sup>(115)</sup> این حکایت را عدّه ای از بزرگان و محدثین نیز نقل نموده اند.

116. <sup>(116)</sup> جزوه مؤسسه در راه حق که از کتاب اثبات الهداء ج ۷ ص ۳۵۵ نقل می نماید.

117. مرجع عالی قدر حضرت آیت الله صافی گلپایگانی درباره ایشان می نویسد: آقای متقی: از فضلاء همدانی های حوزه علمیه قم و به تقوا و طهارت نفس معروف و خود اینجانب سال ها است ایشان را به دیانت و اخلاق حمیده می شناسم.

118. امامت و مهدویت: ص ۱۷۱.

119. در همین اطاق جناب آقای متقی برای ما حکایت رابعداز گذشت پنج ماه از اصل واقعه نقل می نمود.

120. <sup>(120)</sup> گرچه همانگونه که قبلاً اشاره کردیم بعضی عبارات ها و جملات نامه احتیاج به توضیح داشت. و از فهم همگان مقداری دور است ولی بهتر این بود که امانت در نقل را رعایت کنیم تا صاحب نظران و اندیشمندان بهتر بتوانند از این نامه بهره برداری کنند.

121. <sup>(121)</sup> گرچه یک دلیل واضح و روشن آن همان وقوع کرامات و جواب گوئی هائی است که از ناحیه این ذوات مقدسه در پی استغاثه ها و توسلات مردم در زمان های مختلف و اماکن متفاوت محقق شده و چنانچه جنبه الهی و دینی نداشت هرگز این شفا بخشی ها و درمان دردها و داد رسی ها واقع نمی شد که جهت آن در مباحث گذشته معلوم گردید.

122. <sup>(122)</sup> تا جائی که ملاحظه می کنید آرم داروخانه ها عکس دو مار است که در جامی زهر خود را می ریزند.

123. <sup>(123)</sup> گرچه قدرتی را که خداوند به این بزرگان داده به طور یکسان نیست بلکه بعضی بیشتر و بعضی کمتر است.

124. <sup>(124)</sup> آل عمران: ۴۹.

125. <sup>(125)</sup> نمل: ۴۰، (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ).

126. <sup>(126)</sup> درخواست حضرت سلیمان از آن گروه برای احضار تخت بلقیس دلیل نمی شود که خود حضرت توانائی چنین کاری را نداشته زیرا محتمل است که می خواسته این کار از طریق پرورش یافته های او و اطرافیان او انجام بگیرد.



127<sup>(127)</sup> رعد: ۴۳ .

128<sup>(128)</sup> نمل: ۴۰ .

129 مفسرین عامه سعی کرده اند که (من عنده علم الكتاب) را منطبق کنند با چند نفر از علماء اهل کتاب مانند تمیم داری و جارود مخصوصاً روی عبدالله بن سلام پافشاری می کنند که علامه طباطبائی می فرماید: «سوره رعد به اتفاق فریقین مکی است و هرگز در مکه از علماء اهل کتاب ایمان نیاورده اند. . .»

130 المیزان: ج ۱۱، ص ۴۲۷ .

131<sup>(131)</sup> حکایت نجات ابو الحسین کاتب از دست فرمانروای ظالم و شفا یافتن شیخ حرّ عاملی در سن ده سالگی از جمله این حکایت است که در منتهی الآمال شرح آن آمده است.

132 بررسی پیدایش فرقه وهابیت در عربستان و بهائیت در ایران و بعضی دیگر از ممالک اسلامی آن هم همزمان، گویای آن است که این دو فرقه دو حزب بوده اند که با دست اجانب پیدا شدند. برای اثبات این مطلب به کتاب آئین وهابیت تالیف استاد عالیقدر آیت الله سبحانی مد ظلّه العالی و دیگر کتبی که در این زمینه نوشته شده مراجعه نمائید.

133<sup>(133)</sup> جزء ۳۰ المیزان: ص ۲۸۳ .

134<sup>(134)</sup> در نهج البلاغه خطبه ۱۱۰ در این رابطه سخن گفته شده (إن افضل ما توسل به المتوسلون إلى

الله سبحانه و تعالی الإیمان بالله). . .

135 المیزان: ج ۵، ص ۳۶۲ (حجزه به معنای کمربند).

136<sup>(136)</sup> المیزان و نور الثقلین: ج ۱، ص ۲۲۷ .

137 تفسیر نمونه: ج ۴، ص ۳۶۷ .

138<sup>(138)</sup> خاندان پیامبر وسیله من هستند، آنها در پیشگاه او سبب تقرب من می باشند، (امیدوارم به سبب

آنها فردای قیامت نامه عمل من به دست راست من داده شود).

139<sup>(139)</sup> تفسیر نمونه نقل کرده از تفسیر روح المعانی: ج ۴، ص ۱۴۴ و ۱۱۵.

140 ص ۲۱۹ این کتاب که تالیف عالم جلیل القدر حاج سلطان الواعظین شیرازی است که مکرراً به چاپ رسیده است.

141 در قرآن آمده) **وَإِذْ اسْتُلِكَ عِبَادِي عَنِّي فَانِي قَرِيبٍ أَحْيَبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذْ ادْعَانِ.**

142 نساء: ۶۴.

143 یوسف: ۹۷.

144 یوسف: ۹۸.

145 یوسف: ۹۳.

146<sup>(146)</sup> **فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا.** (

147 توبه: ۷۴. «آنان از پیامبر خلاقی ندیده اند و هیچ لطمه ای از اسلام نخورده بودند بلکه بر عکس در پرتو حکومت اسلام از نعمت های مادی و معنوی برخوردار شدند و به تعبیر آیه شریفه از فضل خداوند و فضل رسول خدا بهره مند بودند. در این آیه، فضل و تفضلات رسول خدا در کنار فضل الهی قرار گرفته.»

148<sup>(148)</sup> توبه: ۵۹، ترجمه آیه: «اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده راضی باشند و بگویند خداوند برای ما کافی است و بزودی خدا و رسولش از فضل خود به ما می بخشد برای آنها بهتر است.» ملاحظه می کنید در این آیه نیز فضل رسول خدا در کنار فضل الهی آمده و نیز عطا و بخشش رسول خدا در کنار عطا و بخشش الهی قرار گرفته باز تکرار می کنیم که قبول داریم پیامبر اکرم هر چه دارد از جانب خدا است و آنچه می کند به عنایت الهی است. اما آنانکه می گویند: در کنار فضل الهی دیگر سخن از دیگران نشود و در مقابل لطف خدا دیگر سخنان از الطاف دیگران به میان نیاید که شرک می شود که ابو حنیفه چنین اشکالی را به امام صادق (علیه السلام) می کند این دو آیه کاملاً این طرز تفکر را ردّ نموده و فضل رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را در کنار فضل الهی مطرح نموده است.

149. مطغفین: ۱۴ ترجمه آیه: «چنین نیست که آنها می پندارند بلکه اعمالشان همچون زنگار، بر دلپایشان

نشسته است.» ; بحار الأنوار: ج ۱۰، ص ۲۱۶

150. <sup>(150)</sup> تفسیر نور الثقلین: ج ۱، ص ۱۲۶.

151. غیبت نعمانی: ص ۱۶۶.

152. همان: ص ۱۷۰.

153. <sup>(153)</sup> موعودی که جهان در انتظار او است.

154. <sup>(154)</sup> مدرک سابق.

155. کمال الدین و تمام النعمه مترجم: ص ۶.

156. <sup>(156)</sup> اصولاً از روایات و کلمات ائمه هدی (علیهم السلام) از قبیل روایت عمر بن حنظله و دیگر روایات

مشخص می شود که ائمه (علیه السلام) در رابطه بیان احکام در مقام این بوده اند که اصول و کلیات آن را بگویند و استخراج و استنباط فروعات را به صاحب نظران موکول نمایند تو گوئی که زمان غیبت امام را با طول مدت کاملاً در نظر داشته اند.

157. <sup>(157)</sup> بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۹۱.

158. مثل روایتی که منتخب الأثر از منتخب کنز العمال نقل می کند که به عوف بن مالک گفته می شود: امت

به هفتاد و سه فرقه منشعب می گردد و یک فرقه اهل نجات است و فتنه ها دنبال یکدیگر پیدا می شوند تا مردی از اهل بیت من که به او مهدی گفته می شود خروج کند و اگر او را درک کردی از او متابعت کن تا اهل نجات بوده باشی.

159. کشف المراد: ص ۲۲۶ «باب اثبات امامت از طریق لطف».

160. رعد: ۱۱.

161. منتخب الأثر: ص ۱۵۹ از ینابیع المودّة نقل می کند.

162. زممر: ۵۶.

163. همانگونه که قبلا نیز اشاره شد نباید فراموش کنیم که بحث پیرامون حضرت مهدی (علیه السلام) یک بحث اسلامی است و لذا در مقام استدلال در موضوعات مربوط به مسئله مهدویت می توان از وحی و روایات که مورد قبول تمامی مسلمانان است استفاده نمود

164. در گفتار اوّل گذشت که هشام برای عمرو بن عبید عالم بصری از همین طریق وارد شد و لزوم وجود حجّت را ثابت نمود.

165. (165) روایات متعددی داریم که دلالت می کند بر این که استفاده مردم از وجود امام (علیه السلام) در زمان غیبت همانند بهره بردن مردم است از خورشید در هنگامی که ابر جلوی آن را گرفته است.

166. منتخب الأثر: ص ۲۷۱ از ینابیع المودّة تالیف شیخ سلیمان بلخی از علماء عامه و نیز از غایة المرام و بحار الأنوار نقل کرده که از کتب معروف شیعه است.

167. (167) کمال الدین صدوق: باب ۲۳، حدیث ۴.

168. المیزان جلد اوّل، ص ۲۷۵ ذیل آیه ۱۲۴ بقره و نیز در ذیل آیه 73 سوره انبیاء به همین مطلب اشاره نموده است.

169. انبیاء: ۷۳.

170. الم سجده: ۲۴.

171. یس: ۸۳.

172. قمر: ۵۰.

173. شیعه در اسلام: ص ۱۵۲.

174. سید شبر یکی از علماء بزرگ شیعه است و در بغداد زندگی می کرده و ۵۲ سال یا ۵۴ سال بیشتر عمر نکرده غیر از زعامت دینی و فصل خصومات و جواب به سؤالات و تدریس و نیز کارهای شخصی خود به قدری کتاب تالیف نموده که به ایشان مجلسی ثانی لقب داده شده.

175. کهف: ۶۵-۶۶.

176. نوح: ۹.

177. انبیاء: ۷۳.

178. خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه متن کلام حضرت اینگونه است: **هَذَا إِثَانٌ وَرُودٌ كُلُّ مُوعِدٍ وَدُّنُو مِنْ طَلَعَهُ مَا لَا تَعْرِفُونَ، اَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَيَحْذُوا فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَجُلَّ فِيهَا رَبِقًا وَيُعْتَقَ فِيهَا رِقًا وَيَصْدَعَ شَعْبًا وَيَشَعَبَ صَدْعًا فِي سُنْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَلَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ.**

179. (179) امامت و مهدویت: ج ۲، ص ۴۷۳.

180. (180) منتخب الأثر: ص ۱۰۱.

181. (181) كفاية الموحدين: ج ۲، ص ۷۹۳.

182. واقعه: ۴۷.

183. یس: ۷۸.

184. حج: ۵.

185. اسراء: ۸۵.

186. امروز آبدانی را در قبر مشاهده کرده اند که صاحبان آن هزار سال است از دنیا رفته اند و بدن آنها تازه و سالم مانده مثل قبر جابر بن عبد الله انصاری و شیخ صدوق و حر بن یزید ریاحی و ... آیا علم می تواند

به علت آن واقف گردد؟! و آیا بقاء ابدان این افراد با اینکه بدن در عرض چند روزی متلاشی می شود و از استخوان های او هم باقی نمی ماند امر عجیبی نیست؟!

187<sup>(187)</sup> نوید امن و امان به نقل از مجله کلّ شیء، و تفسیر طنطاوی: ج ۱۷، ص ۲۲۴.

188<sup>(188)</sup> نوید امن و امان به نقل از اطلاعات شماره 8930.

189<sup>(189)</sup> منتخب الاثر ص ۲۷۸ به نقل از مجله الهلال.

190<sup>(190)</sup> ما در این مقام اکتفاء به چند نمونه از آزمایش ها و گفتار دانشمندان نمودیم و چنانچه افرادی بخواهند در این رابطه بطور مبسوط از سخنان و مقالات آنها مطلع گردند می توانند به کتاب نوید امن و امان و داد گستر جهان و دیگر کتابها که در این رابطه توضیح بیشتری داده اند مراجعه نمایند.

191<sup>(191)</sup> نوید امن و امان.

192<sup>(192)</sup> داد گستر جهان: ص ۲۵۲، به نقل از مروج الذهب.

193 عنکبوت: ۱۴.

194<sup>(194)</sup> نساء ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹.

195 المیزان ج ۵ ص ۱۵۲.

196 صافات: ۱۴۴.

197<sup>(197)</sup> منتخب الاثر: ص ۲۷۵، نقلاً از كشف الحجه سيد بن طاووس، فصل ۷۹.

198 البیان باب ۲۵ طبق نقل منتخب الاثر ص ۲۷۶.

199 در روایات اهل سنت مثل صحیح مسلم و غیره آمده که دجال از زمان حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) تا ظهور حضرت مهدی زنده است (گرچه این مطلب از دیدگاه علماء و دانشمندان شیعی

مورد بحث است و در جای مناسب خود خواهد آمد) شما ملاحظه می کنید که علماء اهل سنت در طول عمر دجال استعجاب نمی کنند اما از طول عمر حضرت مهدی (علیه السلام) تعجب می نمایند؟!

. 200 نظیر کلام حافظ گنجی نیز از بیہقی کہ امام الحرمین بوده و همچنین از ابن جوزی نقل شده است.

زودی کلام ایشان و دیگر علماء اهل سنت را در این رابطه نقل خواهیم کرد.

**اراده خداوند بر همه چیز حاکم است**

. 201 پس: ۸۲. (انما أمره اذا اراد شيئاً ان يقول له كن فيكون).

. 202 (203) مائده: ۶۴. (قالت اليهود يد الله مغلّة غلّت ایدیهم ولعنوا بما قالوا).

. 203 احزاب: ۲۷. (وكان الله على كل شيء قديراً).

و گاهی به مواردی اشاره می کند کہ خداوند بقاء و حفظ فردی را اراده کرده است. حال آنکہ تمامی علل و اسباب ظاهری در جهت نابودی او بوده اند، مثل حفظ یوسف در چاه و موسی در آب و ابراهیم در آتش و اسماعیل در وادی غیر ذی زرع و برگرداندن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به وطن خویش یعنی مکه مکرمه و پیروزی ایشان بر تمامی مشرکان سرزمین حجاز.

. 204 می گویند: اگر کسی مبلغی را وصیت کند برای جاهل ترین افراد باید آن مبلغ را به معتقدین طول عمر

حضرت مهدی عج داد؟!

. 205 (205) منتخب الأثر: ص ۳۲۱.

. 206 از ابن خلکان نقل شده کہ می گوید: تاریخ کبیر را به خط شیخ شمس الدین در چهل جلد دیدم.

. 207 کمال الدین صدوق ج ۲ باب ۴۶ ح ۵.

. 208 انبیاء: ۱۰۵.

209 قصص: ۵ .

210 صف: ۸ .

211 انعام: ۱۵۸ .

212 توبه: ۵۲ .

213 اعراف: ۷۸ .

214 امامت و مهدویت: ص ۳۸۴ .

215<sup>(215)</sup> کمال الدین: ج ۱، ص ۵۳۷ .

216 سوره طه ۱۳۵ .

217 منتخب الأثر: ص ۴۹۷ .

218<sup>(218)</sup> فيه ايضاً ص ۴۹۸ .

219<sup>(219)</sup> دعای افتتاح مفاتیح الجنان مروی از حضرت مهدی ارواحنا فداه .

220 نور: ۳۲ .

221 انفال: ۶۵ .

222 زمر: ۵۳ .

223 یوسف: ۸۷ .

224<sup>(224)</sup> مائده: ۵۴ . آیات در این زمینه فراوان است از قبیل آیه) ان الذی فرض علیک القرآن لراذک

الی معاد( که به پیامبر نوید بازگشت به مکه و فتح آن را می دهد و آیه . . . ) انا نبشرك بغلام علیم قال



أَبَشْرَ تَمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكَبِيرَ فَبِمَ تَبَشِّرُونَ قَالُوا بَشْرًا نَاكٍ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِنَ الْقَانِطِينَ قَالَ وَمَنْ

يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (حجر آیه 54 و 55 و 56)

225<sup>(225)</sup> امامت و مهدویت: ص ۳۷۸ ، نقلاً از احتجاج طبرسی چاپ بیروت ص ۳۰۹.

226 خصال شیخ صدوق.

227 اصول کافی: ج ۱، ص ۳۷۶، (باب من مات ولیس له امام.)

228<sup>(228)</sup> غیبت نعمانی، ص ۱۹۹ و آیه شریفه ۲۰۰ از سوره آل عمران است که ترجمه آن چنین است «ای

کسانی که ایمان آورده اید در برابر مشکلات و هوس ها استقامت کنید و در برابر دشمنان پایدار باشید و بین

قوا و افراد اجتماع ارتباط برقرار کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.»

229<sup>(229)</sup> توقع عبارت است از نامه هایی که از ناحیه مقدسه رسیده است.

230<sup>(230)</sup> منتهی الآمال به نقل از احتجاج طبرسی.

231<sup>(231)</sup> کمال الدین باب ۳۵، ج ۶ و بحار الانوار، ج 51 ص ۱۵۴.

232<sup>(232)</sup> منتهی الآمال، ص ۳۳۲ و نیز این جملات در ذیل روایاتی آمده که در منتخب الأثر در ص: ۵۰۶ نقل

شده.

233<sup>(233)</sup> این دعا در اواخر مفاتیح الجنان آمده است.

234<sup>(234)</sup> محدث قمی این دعا را در ضمن اعمال شب ۲۳ ماه مبارک از بعضی معصومین در مفاتیح الجنان

نقل می کند.

235 یوسف: ۸۸

236<sup>(236)</sup> اشعار از سروده های فقیه و فیلسوف بزرگ حضرت آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی (قدس

سره) می باشد.

237. مراجعه شود به گفتار چهارم پیرامون اثبات حضرت مهدی (علیه السلام) از طریق ظهور و بروز معجزات و کرامات از ناحیه مقدسه آن بزرگوار.

238. رجال کشی: ص ۹۵.

239. رمیله به ضم راء و فتح میم و سکون یاء خوانده می شود البته بعضی زمیله به ازاء خوانده اند.

امیر المؤمنین (علیه السلام) بوده می گوید: تب شدیدی بر من عارض شد. چون روز جمعه احساس کردم مقداری سبکتر شده ام و تبم کاهش یافته با خود گفتم: چیزی بهتر از این نیست که غسل کنم و به نماز جمعه که به امامت حضرت علی (علیه السلام) منعقد می شود بروم، این کار را انجام دادم و به مسجد رفتم، اما همین که حضرت به منبر رفت، تبم شدید شد و حالم مجدداً دگرگون شد. بعد از نماز حضرت هنگام خروج از مسجد، متوجه من شد و فرمود: ناراحتی چه شده؟ وضع بیماری خودم را برایش بازگو کردم. حضرت فرمود: مؤمنی نیست که مریض شود و محزون گردد مگر این که ما نیز مریض و محزون می شویم و مؤمنی نیست که دعا کند، مگر این که ما برای او (آمین) می گوئیم و از خداوند، استجاب دعا او را خواستار می شویم و مؤمنی نیست که ساکت و خاموش باشد مگر اینکه ما برای او دعا می کنیم. عرض کردم: آیا این لطف و بزرگواری شما تنها شامل حال کسانی می شود که در این شهر به سر می برند؟ (اشاره به این که این توجه شما مخصوص همین اطرافیان و آشنایانی است که دور شما را گرفته اند؟) و یا عمومیت دارد و شامل همه اهل ایمان است؟ حتی آنهایی که در شرق و غرب زمین زندگی می کنند، حضرت فرمود: **يَا رُمَيْلَةُ، لَيْسَ يَغِيْبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا** (ای رمیله! هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین نیست که از دیدگاه و منظر ما مخفی باشد).

و نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به آبِ الْوَفَاءِ فرمود: هرگاه در کار خود درمانده شدی، استغاثه کن به حضرت حجة (علیه السلام) که او تو را درمی یابد و او فریاد رس و پناه دهنده است برای هر کسی که به او استغاثه کند.

240<sup>(240)</sup> منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۳۳.

241. مکمال المکارم، امامت و مهدویت که از احتجاج طبرسی نقل نموده.

242<sup>(242)</sup> مفاتیح الجنان قبل از مناجات خمس عشره.

243<sup>(243)</sup> اصول کافی، کتاب الحجّه، ص ۲۱۹.

244 فاضل ثقه جناب رهبر یکی از روحانیون اصفهان.

245 صاحب تألیفات فراوان.

اصفهان منتقل شد، بنده گاهی به خدمتشان می رسیدم تا از ایشان بهره مند شوم، یک بار که خدمتشان رسیدم، فرمودند: شبی در عالم رؤیا حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) را دیدم، به من فرمودند:

**دلی شکسته تر از من در آن زمانه نبود در این زمان دل فرزند من شکسته تر است**

گرچه ناراحتی های حضرت مهدی(علیه السلام) علل مختلفی دارد همچون سلطه ظالمین بر عدّه ای ضعیف و بی پناه، شیوع انواع گناه ها و معاصی در جوامع بشری و فرا نرسیدن زمان فرج وو، امّا یک علت ناراحتی حضرت که می توان گفت قلب ایشان را در فشار قرار می دهد این است که دوستان و کسانی که عشق و علاقه به ائمه اطهار و به خصوص به ولیّ الله اعظم دارند، چرا باید آلودگی به گناه و یا بی اعتنائی به واجبات داشته باشند؟!

### **وظیفه شیعیان در عصر غیبت**

پنجم: یکی از وظائف مهم شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت در زمان غیبت، انتخاب طریق صحیح است که ما را با فرامین و دستورات ائمه طاهرین آشنا کند. علاقمندان به اهل بیت و خصوصاً به امام زمان، حضرت مهدی (عج) زیاد هستند، امّا متأسفانه گروه گروه شده و هر گروه و دسته ای برای خود راه جداگانه ای را پیش گرفته اند و از راهنما و رهبر خود پیروی می کنند، حال آن که خود ائمه اطهار برای چنین زمانی وظیفه دوستان خود را معین و مشخص نموده اند تا مبادا در چنین عصری که حجت خدا در پس پرده غیبت است آنان در دام صیادان و شیادان بیفتند و عده ای هوا پرست و ریاست طلب با دام های شیطانی خود آنان را فریب دهند.

اکنون باید دید آن راه صحیح و صراط مستقیم که مورد تأیید امامان بزرگوار ما می باشد کدام است؟ یگانه راهی که در زمان غیبت ما را به ساحل نجات می رساند و مورد رضایت و خوشنودی امام زمان است، پیروی کردن از یک عالم فقیه و مجتهد جامع الشرائط است که از عدالت و تقوای کامل برخوردار باشد و بتواند احکام الهی را که ائمه اطهار برای دوستان خود بیان کردند از لابلای آیات و روایات استخراج نمایند و در دسترس علاقه مندان به مکتب اهل بیت قرار دهند. ائمه اطهار(علیهم السلام) ما را به چنین اشخاصی رجوع داده اند و آنان را حاکم قرار داده اند و مخالفت با آنها را به منزله مخالفت با خودشان دانسته اند. اینک چند حدیث در این رابطه نقل می کنیم.

1- عمر بن حنظله می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: دو نفر از شیعیان باهم نزاعی دارند و برای رفع اختلاف به سلطان و یا قضات حکومتی مراجعه می کنند، آیا این کار درست است؟

246 نساء: ۶۰ .

247<sup>(247)</sup> وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۸ .

248<sup>(248)</sup> وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۰۰ .

249 کمال الدین، باب ۴۵، ح ۴ .

250<sup>(250)</sup> میزان الحکمة، ج ۸، ص ۲۸۵ .

251<sup>(251)</sup> بحار: ج ۵۲، ص ۱۰۳ .

252 مثل این که گفته شده: در وقت ظهور حضرت مهدی خورشید از مغرب طلوع می کند با این که می دانیم لازمه وقوع اینگونه حوادث این است که: نظم عالم دگرگون شود و لا اقل حرکت و نظم منظومه شمسی تغییر کند، پس معلوم می شود که روایت اشاره به یک حادثه ای است که برای ما معلوم نیست.

253 طبق روایتی از امام صادق(علیه السلام) که در غیبت نعمانی ص ۲۵۷ آمده، خروج سفیانی و قتل نفس زکیه و خسف بیداء و نداء آسمانی از علائم حتمیه شمرده شده است.

254<sup>(254)</sup> كفاية الموحدين: ج ۲، ص ۸۴۰ .

255 حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در منتخب الأثر .

256<sup>(256)</sup> برای دسترسی به مدارک و روایات امور مذکوره و نیز اطلاع بر بیش از آنچه که ذکر شد مراجعه

شود به منتخب الأثر ص ۴۲۴؛ روضه کافی: ص ۳۶؛ كفاية الموحدين: ج ۲، ص ۸۴۴ و جزوه امام زمان نوشته  
موسسه در راه حق ص ۸۲ .

257<sup>(257)</sup> وسائل الشیعه، ج ۱۱ ص ۳۹۶ .

258<sup>(258)</sup> منتخب الاثر: ص ۴۹۱ به نقل از فتوحات ابن عربی .

259 نساء: ۹۳ .

260 غیبت نعمانی: ص ۳۲۰ .

261<sup>(261)</sup> بحار: ج ۵۲، ص ۱۲۳ «از علی (علیه السلام): (الْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)» .

262 به روایاتی که وضع آخر الزمان را بیان می کنند مراجعه شود .

263<sup>(263)</sup> سفینه البحار: ج ۱، ص ۵۵۶ «ماده زمن» .

264<sup>(264)</sup> کمال الدین: باب ۳۳، حدیث ۵۱ .

265<sup>(265)</sup> یوسف: ۱۱۰ .

266<sup>(266)</sup> منتخب الأثر: ص ۳۱۴ که از ینابیع الموده حدیث را نقل نموده .

267 نور: ۵۵، می فرماید) : **وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما**

**استخلف الدين من قبلهم»** ( . . . خداوند به کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام می دهند وعده

داده که حتماً آنها را حکمران روی زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان، خلافت روی زمین را

بخشید» .

268آل عمران: ۱۱۰) کنتم خیر امة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر وتؤمنون

بالله. (شما بهترین امتی بودید که آفریده شده اید زیرا امر بمعروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.)

269 نهج البلاغه حکمت ۳۷۴ بعد از اینکه حضرت افراد را تقسیم نموده و فرموده: بعضی انکار منکر می کنند با دست و زبان و قلب و بعضی با قلب و در مقابل بعضی تارک آن هستند و نهی از منکر نمی کنند نه با دست و نه قلب که این ها در واقع (میت الاحیاء) مردگانی هستند در ما بین زنده ها حرکت می کنند سپس در اهمیت این فریضه می فرماید: **وما أعمال البر کلها والجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف والنهی عن المنکر الا کنفئة فی بحر لجی** (تمامی اعمال نیکو و حتی جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر هم چون قطره ای است نسبت به دریای پهناور.)

270 حدید: ۲۵

271 بقره: ۲۱۳

272 در وسائل الشیعه فصلی تحت عنوان (احکام الدواب) حقوق حیوانات بیان شده است.

273 نهج البلاغه حکمت ۳۷۴.

274 مراجعه شود به آیه ۸ سوره مائده.

275 در تتمه المنتهی مدّت خلافت حضرت را چهار سال و نه ماه و چند روز مینویسد.

276<sup>(276)</sup> برای توضیح و دستیابی به اموری که فهرست وار پیرامون عدالت خواهی و حکومت علی (علیه

السلام) گفته شد به کتاب موسوعه الامام علی بن ابیطالب ج ۴ و کتاب الفصول المائیه و ... مراجعه شود.

277<sup>(277)</sup> تحریم: ۶

278 سبأ: ۴۶

279 نهج البلاغه: حکمت ۳۷۴.

280<sup>(280)</sup> همان ندا و صدائی را که ظالمین در قیامت می کنند و می گویند: **یوم یعضّ الظالم علی یدیہ**

**یقول یالیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً** (فرقان: ۲۷).

281<sup>(281)</sup> سید حسنی از بزرگان شیعه است که از ایران و ناحیه دیلم و قزوین قیام می کند هرگز ادعای امامت ندارد بلکه مردم را به روش ائمه معصومین دعوت می نماید پیروان زیادی پیدا می کند و به سوی کوفه حرکت می کند و مسیر را از فسق و فجور پاک میکند وقتی به کوفه می رسد به او خبر می دهند که امام قائم با یاران خود به نواحی کوفه آمده اند و چون با امام ملاقات می کند امام را می شناسد اما برای آشنائی لشکریان خود با امام از حضرت می خواهد مواریثی که از پیامبران نزد اوست ارائه دهد حضرت ارائه می کند و نیز معجزاتی آشکار می نماید نتیجۀ سید حسنی و لشکریان او (به جز گروهی از آنان) با امام بیعت می کند. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۵، کفایة الموحدين: ص ۸۴۲).

282 رساله وابستگی جهان به امام زمان: ص ۴۱

283 حج: ۴۱

284 منتخب الأثر، ص ۴۶۹

285<sup>(285)</sup> برای دسترسی به روایات در این زمینه و نیز خصوصیات بیشتر مراجعه شود به غیبت نعمانی

ص ۲۱۲ و ص ۲۳۰ و ص ۲۳۶ و منتخب الأثر از ص 290 تا ص ۳۰۷ و نیز ص ۴۸۲ و ص ۴۸۳ و بحار الانوار، اثبات الهداء، دادگستر جهان، جزوه امام زمان مؤسسه در راه حق و کفایة الموحدين.

286 کفایة الموحدين: ج ۲، ص ۸۸۰

287<sup>(287)</sup> کمال الدین، ج ۲، باب ۵۸، حدیث ۲۲.

288<sup>(288)</sup> سوره نصر.

289<sup>(289)</sup> نهج البلاغه قسمت قصار، حکمت ۲۰۹ و آیه ذیل حدیث، سوره قصص آیه ۵.

290 یا کلام حضرت را اینگونه معنی کنیم: اهل دنیا نسبت به ما خانواده همچون شتری است که از دست فرزند خود عصبانی و خشمگین شده و با آن چموشی می کند و نمی گذارد از شیرش استفاده کند، اما بالاخره عاطفه مادری او را به سوی فرزند می کشد.

آری یکروز می رسد که انسانها در هر کیش و مذهبی که هستند به ما اهل بیت متمایل می گردند گرچه در گذشته زمان به ما جفا و بیوفایی نموده اند، و این است حقیقت آن آیه ای که می گوید: روزی فرا می رسد که خداوند متعال مستضعفین را پیشوایان و حکمرمایان زمین قرار می دهد.

291. مراجعه شود به ج ۸، منهاج البراعة، ص ۳۴۸.

292. (292) فرقان: ۴۳.

293. جزوه امام زمان، مؤسسه در راه حق، ص ۸۹.

294. (294) مراجعه شود به غیبت نعمانی، ص ۲۳۲ و ص 233.

295. (295) دادگستر جهان، ص ۳۱۹.

296. (296) منهاج البراعة، ج ۸، ص ۳۵۲.

297. نهج البلاغه، نامه ۴۵: «سأجهد فی أن اطهرَّ الارض من هذا الشخص المعكوس والجسم

المرکوس.»

298. (298) اشعار از الهی قمشه ای است.

299. چون طلب و مطلوب از باب تضایف است و وجود یکی بدون امکان پذیری فرد دیگر، محال و ممتنع است.

300. (300) شیعه در اسلام، انتشارات قدس رضوی، ص 323.



301 . غیبت نعمانی، ص ۳۱۰ از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند: «إنَّ منَّ الأمور، أموراً موقوفه، وأموراً محتومة».

302 . بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، حدیث ۶۷.

303 . کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۶۷.

304 . رعد: ۳۹.

305 . بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۲۹۴.

306 .<sup>(306)</sup> بحار الانوار، ج ۵۲، باب علامات ظهور و کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۴۱.

307 . باب ۴۷، ذیل حدیث ۲.

308 .<sup>(308)</sup> بحار، ج ۵۲، ص ۱۹۷.

309 .<sup>(309)</sup> امروز ما شاهد رسانه های دروغ پرداز و سازمانهای به ظاهر مدافع بشر هستیم که با دروغ به حیات خود ادامه می دهند.

310 .<sup>(310)</sup> مراجعه شود به بحار، ج ۵۲، ص ۱۹۷ تا ۲۷۸ و کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۳۹، و دادگستر جهان، ص ۲۲۳.

311 .<sup>(311)</sup> بحار، ج ۵۳، ص ۱۵، کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۴۲.

312 .<sup>(312)</sup> کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۴۰.

313 . از اعلام قرن هفتم و از رجال بزرگ شیعه و صاحب مناقب و در علم و ورع و زهد معروف است.

314 . از اعلام قرن ششم و علامه مجلسی کتاب مزار ایشان را بعنوان مزار کبیر نام می برد.

315<sup>(315)</sup> از اعلام قرن پنجم است و در کتاب الکنی و الالقب او را توصیف می کند به عالم متبحر و فقیه و

مفسّر و محقق و ثقه جلیل القدر و از اعظم محدثین شیعه.

316 بر وزن غضنفری به فتح اول و دوم و سکون واو و فتح فاء.

317 آیه الله بروجردی که در علم رجال و حدیث و معرفت طبقات بسیار خبیر و آگاه بوده میفرمود: یکی از

طرق معرفت رجال، شخصیت تلامذه است یعنی وقتی مثل مفید رحمه الله علیه از کسی زیاد روایت نقل کند و

قدحی هم بر او نشده باشد، خود دلیل است بر اینکه چنین شخصی مورد وثوق و اعتماد در نزد او می باشد.

318<sup>(318)</sup> سفینه البحار ماده بلغ. متن حدیث از این قرار است: **عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، يَقُولُ: مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ**

**عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلِ التَّمَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابُ أَوْ تَبَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ.**

319 بخشی از این حدیث شریف در گفتار دهم که مربوط بود به وقایع قبل از ظهور که سدیر صیرفی نقل

نموده از امام صادق و ما از کتاب شریف کمال الدین باب ۳۳ حدیث ۵۱ نقل نمودیم، گذشت.

320<sup>(320)</sup> بخشی از دعای ندبه.

321<sup>(321)</sup> بخشی از دعای ندبه.

322 معانی الاخبار، ص ۶۴.

323 قَطَمَ بِمَعْنَى فَصَلَ وَقَطَعَ اسْت.

324<sup>(324)</sup> یعنی بر پیشانی و دست ها و کُنده های پا، پینه بسته می شد و لذا به حضرت ذو الثننات گفته می

شود.

325<sup>(325)</sup> نام ها و لقب ها و کنیه های حضرت فراوان است، محدث نوری ۱۸۲ عدد آن ها را اسم می برد و

می فرماید: این ها نام هائی است که برای حضرت از قرآن و کتب سماوی و اخبار اهل بیت استفاده شده و

بعضی بر اساس استنباط خود نام هائی را مطرح کرده اند که ما از آوردن آن ها احتراز نمودیم.

326 این نظریه از خواجه نصیر طوسی و علی بن عیسی صاحب کتاب کشف الغمّه نقل شده است.

327 هر سه عنوان در زیارت آل یس آمده.

328 ضحی، به معنای انتشار نور آفتاب و گسترش شعاع آن است و در آیه ۵۹ سوره طه آمده). وَأَنْ

يُخَشِرَ النَّاسُ ضَحِيًّا (اشاره به همان وقت گسترش آفتاب است و خورشید بالای سر آمده).

329 تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۶۷.

ولایت و حکومت خاندان عصمت همانند نور خورشید همه جا را فرا می گیرد و دعوت الی الله به گوش همگان می رسد، زمان ظهور و حکومت حضرت مهدی خواهد بود.

### او «ناطق» است

یکی از اسماء امام زمان (عج)، ناطق است، در زیارت عاشورا می خوانیم . . . . أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكُم مَعَ إِمَام

هَدِيَّ ظَاهِرِ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ و نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در ضمن حدیثی که نام ائمه را برای

سلمان ذکر می کند، امام دوازدهم را این گونه نام می برد:

330 نجم الناقب، ص ۶۲.

331<sup>(331)</sup> مائده: ۹۹.

332 کما اینکه نقل شده علی (علیه السلام) علوم خود را با چاه بازگو می کرد و لذا بعضی گفته اند اگر به علی

(علیه السلام) گفته شده: بطین، به معنای مبطن است یعنی مخفی کننده علوم و اسراری که پیامبر (صلی الله علیه

وآله وسلم) به او آموخته بود.

333 زمر: ۶۹.

334 نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۴.

قائم ما، زمین نورانی می شود و ظاهر این است که این روشنائی، به گسترش علوم بهوسیله امام زمان اشاره

دارد. مخفی نماند که یکی از اسماء امام زمان (عج) نور آل محمد می باشد نکته ای که ذکر آن خالی از لطف

نیست آن است که آن بزرگوار بنابر قولی که بعضی آن را مشهورتر می دانند در سال ۲۵۶ هجری قمری متولد گردیده که به حساب ابجد، تاریخ تولد ایشان مطابق با کلمه نور خواهد شد.

### مهدی، نام معروف حضرت

مشهورترین القاب حضرت مهدی است، معنای آن «هدایت یافته» است. خداوند حکیم، اگر پیامبران و امامان را برای هدایت و ارشاد خلق می فرستد، قبلاً آنها را به آگاهی و اطلاع کامل از دین و شریعت و احتیاجات مردم در مسیر تکامل مسلح و مجتهد خواهد نمود، زیرا آنان تامهدی نباشند نمی توانند هادی باشند.

### ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

. 335 یونس ۳۵.

. 336 هود ۸۶.

. 337<sup>(337)</sup> نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۹۲.

. 338<sup>(338)</sup> نجم الثاقب، ص ۴۶، از کمال الدین صدوق نقل می نماید.

. 339<sup>(339)</sup> منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۳۲.

. 340 نجم الثاقب، ص ۴۶.

. 341<sup>(341)</sup> مدرک سابق، باب نهم، ص ۴۲۱.

. 342 طبق روایتی که در بحار: ج ۵۱، ص ۳۰ از امام باقر (علیه السلام) نقل شده: آیه ۳۳ سوره اسراء که می

فرماید) **وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوِیِّهِ سُلْطٰناً فَلَا یُسْرِفُ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً** (مراد از آن

کسی که مظلوم کشته شده امام حسین (علیه السلام) است و مراد از (ولی منصور) حضرت قائم (علیه السلام).

ظاهراً جهت این که به امام زمان (منصور) می گویند برای این است که: خداوند او را یاری می کند و زمینه

پیروزی را فراهم می آورد خصوصاً این که: با انداختن رعب و ترس در دل دشمنان حضرت ایشان را پیروز می

گرداند و در زیارت عاشورا و دعای ندبه نیز به امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اطلاق منصور شده.

343<sup>(343)</sup> مؤسسه در راه حق جزوه امام زمان، ص ۹ و 10.

344<sup>(344)</sup> برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب دادگستر جهان، ص ۴۹.

345<sup>(345)</sup> برای آگاهی از این روایات به پاورقی کتاب دادگستر جهان، ص ۵۲ مراجعه شود.

346<sup>(346)</sup> مراجعه شود به غیبت نعمانی، کمال الدین صدوق، منتخب الأثر، بحار الانوار، مهدی کیست.

347 بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴.

348 انعام: ۱۴۹.

349 اسراء: ۱۵.

## گفتار دوم

اثبات وجود حجت خدا (علیه السلام)

حضرت مهدی

از دیدگاه نقل

ضرورت وجود امام زمان از دیدگاه قرآن

در مباحث گذشته وجود یک انسان کامل و حجت خدا که واسطه بین خالق و مخلوق باشد و از دین و شریعت اصیل و ناب حفاظت نماید، از طرق مختلف به اثبات رسید، و دریافتیم که به حکم عقل، خلقت عالم بدون وجود حجّت الهی کاری عبث و بیهوده است.

در این گفتار با یاری و توفیق الهی مسئله رهبری و مهدویت را از دیدگاه آیات و روایات بررسی می کنیم تا معلوم شود خداوند متعال و پیامبر عظیم الشان اسلام تا چه اندازه به این مطلب عنایت داشته اند و امت اسلام را با این مسئله حیاتی و بنیادی آشنا ساخته اند تا جائی که به تعداد پیشوایان آسمانی و نام آنها و به خصوص به مهدی موعود و ویژگیهای او با صراحت تمام اشاره شده است.

## قرآن و امامت

در قرآن آیات زیادی داریم که یا به مسئله امامت و رهبری اهل بیت (علیهم السلام) مربوط می شود و یا به عظمت و فضائل آنان اشاره می کند تا از این طریق، شخصیت های ممتاز جهان اسلام را به امت اسلامی معرفی نماید. قرآن کریم می فرماید: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** <sup>(34)</sup> «خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

**وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ** <sup>(35)</sup> (پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می کردیم، نفرستادیم اگر نمی دانید از آگاهان پرسید.

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ** <sup>(36)</sup> (ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، و با صادقین باشید».

**فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَ**  
**أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ** «هرگاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده،  
افرادی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیائید ما فرزندان خود را دعوت کنیم و شما هم فرزندان

خود را، ما زنان خویش را شما هم زنان خود را ما، نفوس خود را شما نیز نفوس خود را دعوت نمائید، آنگاه مباحثه کنیم، و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم.»

(أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ) (38) (آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کسی که خود هدایت نمی شود، مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟) و ده ها آیه دیگر که در جای خود مطرح شده و پیرامون آنها توضیحاتی داده شده.

در این جا با اشاره به دو آیه از آیات مذکوره و با بیان نظریات محدثین و مفسرین شیعه و سنی در رابطه با شأن نزول آنها و معنی و مفهوم آنها توضیحی داده می شود تا برای امت اسلام معلوم گردد که خداوند متعال برای بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرد خاصی را معین نموده و به مسئله رهبری عنایت ویژه ای مبذول داشته است.

## آیه تبلیغ

آیه اول: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (39) (ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان، و الا رسالت او را انجام نداده ای، خداوند تو را از شر مردمان در امان نگه می دارد و خداوند کافران را هدایت نمی کند).

## نگاه اجمالی به آیه تبلیغ

هر مسلمان منصف که خود را اسیر تعصبات مذهبی و پیش داوری ها ننماید، با توجه به قرائن و شواهد موجود در آیه فوق به طور قطع حکم می کند که آیه به مسئله رهبری و امامت بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) مربوط است. به برخی از آنها ذیلا اشاره می شود:

1- سوره مائده در اواخر عمر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شده است.

2- در آیه تکلیفی را بر دوش پیامبر می گذارد و با خطاب ای پیامبر (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ) (شروع می شود).

3- آنچه از جانب پروردگار نازل شده و دستور داده شده به مردم برسان) **بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ**.

4- اگر از ابلاغ این دستور خودداری کنی، رسالت الهی را ابلاغ ننموده ای.

5- خداوند تو را از خطرات احتمالی حفظ می کند که معلوم می شود در تبلیغ آن، احتمال خطر و وقوع فتنه در بین مسلمانان وجود داشته است.

6- در آخر آیه کسانی که در برابر این مطلب لجاجت کنند و به آن کفر بورزند با جمله) **وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ** (مورد تهدید قرار گرفته اند.

اکنون این پرسش مطرح می شود که آن چیزی که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) مأموریت یافته به مردم و به قدری مهم است که اگر انجام نگیرد، رسالت انجام نگرفته چیست؟ تا جایی که پیامبر را در صورت عدم تبلیغ تهدید نموده - حال آن که پیامبر هرگز تخلف از دستور الهی نمی کرد - و به او اطمینان داده می شود که خداوند تو را از خطرات احتمالی حفظ می نماید، این چه مطلب مهمی بوده که با چنین لحنی در آخر عمر حضرت نازل شده است؟

آیا می توان گفت که مسئله به شرک و توحید و بت شکنی که از ابتدای بعثت مطرح بوده مربوط می شود. آیا می توان گفت مسئله مربوط به احکام بوده، حال آن که احکام نماز و روزه و جهاد و حج و زکات و ... پیش از آن مطرح شده و تفصیل داده شده و هرگز درباره یک حکم شرعی حتی مثل نماز که ستون دین است با چنین لحنی با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سخن گفته نشده است.

آیا می توان گفت مسئله مربوط به اهل یهود و نصاری و یا منافقین بوده و حال آنکه اسلام از ابتدای ورود در مدینه با آنها مبارزه کرده و برخورد نموده و آیات فراوانی در این رابطه نازل شده و پیامبر هرگز در برخورد با آنها وحشت نداشته است.

پس نزول آیه در اواخر عمر حضرت خوف ایشان از کارشکنی های منافقانو مساوی بودن ابلاغ این مسئله با تمامی رسالت الهی، دلالت کامل دارد که این موضوع، چیزی غیر از تعیین جانشین برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سرنوشت آینده اسلام و مسلمین نخواهد بود.



در تفسیر نمونه آمده دانشمندان اهل تسنن، اعم از مفسّر و محدّث و مؤرّخ و جمع کثیری از صحابه مثل ابو سعید خدری و ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری و ابوهریره و حذیفه و ابن مسعود و دیگران نقل کرده اند که آیه) **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ** ( . . . درباره علی(علیه السلام) و ماجرای روز غدیر نازل گردیده است.

## آیه ولایت

آیه دوم) **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ** ( «سرپرست و رهبر شما تنها خدا است و پیامبر او، و آنها که ایمان آورده اند و نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند».

آیه شریفه با کلمه (انما) شروع شده که دربردارنده معنای «حصر» خواهد بود یعنی فقط خدا و رسول خدا و کسانی که ایمان آورده اند و نماز می خوانند و در حال رکوع زکات می دهند ولی، و سرپرست شما می باشند.

کلمه (ولی) را در آیه نمی توان به معنای دوست و ناصر گرفت زیرا دوستی و یاری کردن مخصوص کسانی نیست که در حال رکوع زکات بدهند بلکه دستور است که همه مسلمانان یکدیگر را دوست بدارند و یار و یاور همدیگر باشند خواه زکات بر آنها واجب باشد یا خیر و خواه زکات را در حال نماز و رکوع بپردازند یا در حال دیگر.

پس معلوم می شود که مراد از (ولی) در این آیه شریفه به معنای سرپرستی و امامت و رهبری در امور مادی و معنوی است خصوصاً اینکه ولایت کسانی که در نماز و در حال رکوع زکات می دهند در ردیف ولایت خدا و رسول خدا قرار گرفته است که قرآن با صراحت در رابطه با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ولایت ایشان می فرماید: **النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ**»<sup>(42)</sup> (پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است)، و بالاخره می نگریم که ولایت خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کسانی که در نماز و در حال رکوع زکات می دهند در یک کلمه) **وَلِيُّكُمْ** (و با یک تعبیر اداء شده بنابر این آیه شریفه با بیانی صریح و روشن دلالت می کند بر ولایت و امامت گروه و یا فرد خاصی که در حال رکوع نماز خود، زکات پرداخته و صدقه داده است.

**کسی که در حال رکوع نماز صدقه داده کیست؟**

عالم بزرگ و دانشمند فرزانه سید شرف الدین در کتاب گران سنگ خود (المراجعات) می نویسد،<sup>(43)</sup> روایات متواتر از ائمه طاهرين داريم که آیه در حق علی (علیه السلام) نازل شده و نیز عده ای از بزرگان اهل سنت در کتاب های خود روایاتی نقل نموده اند که دلالت می کند براین که: نزول آیه مربوط به علی (علیه السلام) می باشد و این موضوع در صحیح نسائی و اسباب النزول امام واحدی و مسند ابن مردویه و کنز العمال نقل شده و این روایات به قدری مشهور است که عده ای از علماء اهل سنت مانند امام قوشجی در مبحث امامت شرح تجرید می گوید: اجماع داریم براین که آیه **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** ( . . . در حق علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل شده است .

سپس سید شرف الدین از تفسیر کبیر امام ثعلبی - که از جایگاه بسیار بالائی در نزد اهل سنت برخوردار است - روایتی را که ایشان در ذیل آیه **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** ( . . . از اباذر غفاری نقل نموده، نقل می نماید:

ابوذر می گوید مطلبی را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم و شاهد بودم که اگر دروغ بگویم هر دو گوشم کر باد و هر دو چشمم کور باد، حضرت فرمودند: **«عَلِيٌّ فَائِدُ الْبِرَّةِ وَقَاتِلُ الْكُفْرِ مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ»** (علی (علیه السلام) پیشوای نیکو کاران و کشنده کافران است هر کس او را یاری کند خدا یاریش خواهد کرد و هر کس دست از یاریش بردارد خدا دست از یاری او برخواهد داشت .

سپس ابوذر اضافه کرد: ای مردم، روزی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مسجد نماز می خواندم، سائلی وارد شد و از مردم تقاضای کمک کرد، چیزی به او داده نشد، دست به آسمان بلند کرد و عرضه داشت: خداوندا! در مسجد رسول تو کمک خواستم، کسی جوابم را نداد در همین حال علی (علیه السلام) که در حال رکوع نماز بود با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد، سائل نزدیک آمد و انگشت را از دست آن حضرت بیرون آورد، در این هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله) سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا! برادرم موسی از تو خواست که به او شرح صدر بدهی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبانش بگشایی تا مردم گفتارش را بفهمند و نیز تقاضا کرد که برادرش هارون را وزیر و یاورش قرار دهی و بهوسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی<sup>(44)</sup> و خواسته های او را عطا کردی، خداوندا من محمد برگزیده توام، سینه مرا گشاده و کارها را بر من آسان ساز، و از خاندانم، علی (علیه السلام) را وزیر من گردان تا بهوسیله او پشتم قوی و محکم گردد.

ابوذر می گوید: هنوز دعای پیامبر (صلی الله علیه وآله) تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و آیه: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا** ( . . . ) را بر حضرت خواند.

کتر آیه ای در قرآن وجود دارد که در رابطه با شأن نزول آن، این همه روایات از شیعه و سنی نقل شده باشد، تاجائی که فقط از کتاب غایة المرام<sup>(46)</sup> تعداد ۲۴ حدیث در این باره از طریق اهل تسنن و ۱۹ حدیث از طریق شیعه نقل می نماید.

آیا می توان این همه روایات را نادیده گرفت؟ حال آن که معمولاً مفسرین شیعه و سنی در شأن نزول آیات به یک و یا دو روایت بسنده می کنند.

بنابر این، آیه **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** ( . . . ) یکی از آیاتی است که به طور روشن و قطعی، دلالت بر ولایت و امامت علی (علیه السلام) می کند و به عبارت دیگر این آیه به وضوح اهمیت امامت و خلافت را بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می رساند و نیز دلالت کامل دارد که باید مسئله رهبری امت اسلامی از جانب خداوند متعال تعیین گردد.

آری این مسئله به قدری روشن و آشکار بوده که حسان بن ثابت آن شاعر معروف در عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله) واقعاً را به شعر درآورده و می گوید: بهترین و عالی ترین ولایت را خداوند متعال برای علی (علیه السلام) اعلان نموده است.

**فَأَنْتَ الَّذِي أُعْطِيتَ إِذْ كُنْتَ رَاكِعًا زَكَاةً قَدَّتْكَ النَّفْسُ يَا خَيْرَ رَاكِعٍ**

**فَأَنْزَلَ فَيْكَ اللَّهُ خَيْرَ وِلَايَةٍ وَبَيْنَهَا فِي مَحْكَمَاتِ الشَّرَائِعِ**

یعنی تو بودی که در حال رکوع زکات دادی، جان به فدای تو باد ای بهترین رکوع کنندگان! به دنبال آن خداوند بهترین ولایت را درباره تو نازل نمود و در ضمن قرآن و آیات، آن را به ثبت رساند.

## نتیجه گیری

از این بحث کوتاه و مختصر معلوم شد که اولاً خداوند متعال در نصب امام و رهبری که بتواند همچون رسول خدا عهده دار رهبری و جواب گوی مسائل دینی و دنیوی و اخروی همگان باشد، اقدام نموده و چنین کسی را معین کرده است.

ثانیاً اعلان و ابلاغ آن را با رسالت برابر دانسته و ثالثاً به او ولایتی هم طراز با ولایت خود و رسولش داده است.

با توجه به اهمیت فوق العاده امامت و رهبری در جامعه بشری و تأثیر آن در سراسر زندگی مادی و معنوی همگان، و معرفی فردی که لیاقت جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را داشته باشد هم در تصدی و اداره حکومت اسلامی و هم در جواب گوئی به احتیاجات دینی آنها، قطعاً تعیین چنین فردی منحصر به زمان خاصی مثل زمان حیات علی بن ابیطالب (علیه السلام) نمی شود بلکه باید تعیین چنین امامی برای هر عصری از اعصار تا انقراض کاروان بشریت، از جانب خداوند انجام شود. بیان نام و ویژگی های آن امامان راستین، به عهده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گذارده شده، چنان که تفصیل مسائل دیگر از قبیل نماز و روزه و حج و زکات و نیز تفصیل بعضی از مسائل اعتقادی از قبیل حال محتضر و سؤال در قبر و خصوصیات و مواقف قیامت و ... به عهده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گذارده شده است. و پیامبر عظیم الشان همان گونه که به امامت و خلافت علی بن ابی طالب (علیه السلام) تصریح نموده، در ضمن روایات فراوان و کلمات خویش بارها تعداد و حتی نام و خصوصیات جانشینان خود را برای تمامی زمان ها بیان نموده که در بحث روائی به آنها اشاره خواهیم کرد.

بنابراین قرآن پیروان خود را باصراحت به یک امام و رهبر صالح که دارای ولایت از جانب خداوند باشد ارجاع می دهد و گاهی از آنان به اهل ذکر و صادقین و گاهی اهل بیت و ذوی القربی و گاهی راسخین در علم و ... تعبیر نموده است.

راهبست هدایت می کند» در بحث روائی در مقام تفسیر آیه دو روایت نقل می کند که در یکی آمده (یهدی الی الولاية) (و در دیگری آمده) (یهدی الی الإمام)<sup>(49)</sup> (یعنی قرآن پیروان خود را به سوی امامت و ولایت راهنمائی می کند).

یکی از روش‌هایی که قرآن برای معرفی امامان صالح و شایسته اتخاذ نموده و مردم را به سوی آنها هدایت کرده این است که به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «بگو من اجرت و پاداشی برای رسالتم از شما درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن نزدیکان و اهل بیتم» **«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»**.

و در سوره فرقان می‌فرماید: **«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»** (بگو من در مقابل ابلاغ دین و رسالت هیچگونه پاداشی از شما نمی‌طلبم مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند»).

این دو آیه در کنار هم به روشنی بیان می‌کند که راهی به سوی خدا و دین و حقیقت نیست مگر به پیروی از ذوی القربی که همان اهل بیت رسول خدا می‌باشند). **هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ**.

### امامت و مهدویت از دیدگاه روایات

در این رابطه روایات فراوان نقل شده است و علمای بزرگ کتاب‌های ارزنده‌ای در این رابطه تالیف کرده‌اند از جمله احادیث ثقلین و سفینه و طیر و منزلت و این که علی نفس رسول الله (صلی الله علیه و آله) و وصی حضرت و اعلم امت و افضی الناس و ... است.

### تعداد امامان و اسامی آنها

تعداد امامان بحق و معصوم در روایات فراوان نقل شده است. فقط روایاتی که تعداد امامان و خلفای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را دوازده نفر می‌داند. ۲۷۱ حدیث است که بخشی از این روایات از کتاب‌های صحیح بخاری و صحیح ترمذی و صحیح مسلم و صحیح ابی داود و مسند احمد و دیگر کتاب‌های معتبر اهل سنت نقل شده است. تنها احمد حنبل این روایات را از ۳۴ طریق نقل می‌کند، اینک به یک روایت که از صحیح بخاری نقل شده توجه نمائید:

... جابر بن سمره قال سمعت النبی (صلی الله علیه و آله) يقول: **يَكُونُ أَثْنَىٰ عَشَرَ أَمِيرًا، فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا**  
**فَقَالَ أَبِي: إِنَّهُ قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ**. جابر می‌گوید: از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: دوازده

امیر خواهد آمد و سپس کلمه ای را گفتند که من نشنیدم، پدرم به من گفت: حضرت فرمودند: تماماً از قریش خواهند بود.

و نیز ۴۰ حدیث نقل شده که عدد ائمه را با عدد نقباء بنی اسرائیل و حواریین عیسی (علیه السلام) منطبق کرده که عدد آنها نیز دوازده بود.

این مقدار روایات که از حدّ تواتر نیز می گذرد دلیل بارز و روشنی است بر حقانیت مذهب شیعه اثنی عشریه، چون عدد ۱۲ با عقیده هیچ یک از فرق اسلامی قابل انطباق نیست، خصوصاً این که در برخی از این روایات آمده اینها از قریش هستند و در برخی دیگر آمده که از هاشم هستند و در برخی دیگر آمده عزت و بقاء اسلام وابسته به آنهاست.

همچنین ۱۳۳ روایت دلالت می کند بر اینکه ائمه دوازده نفرند و نخستین آنها علی بن ابیطالب (علیه السلام) است، در ینابیع المودّه تالیف شیخ سلیمان بلخی قندوزی حنفی از علماء عامه چنین نقل شده است: **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) (يا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي حَرْبُكَ حَرْبِي وَسَلْمُكَ سَلْمِي وَأَنْتَ الْإِمَامُ وَأَبُو الْأُئِمَّةِ الْأَحَدِي عَشْرِ الَّذِينَ هُمُ الْمُطَهَّرُونَ الْمَعْصُومُونَ وَمِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا**. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: ای علی تو وصی من هستی، جنگ تو به منزله جنگ من است، سلم تو به منزله سازش من است و تو امام و پدر یازده امام هستی که آنها از طهارت و عصمت برخوردارند و یکی از آنها مهدی است که زمین را از قسط و عدل پرخواهد کرد.

و نیز ۹۱ حدیث دلالت می کند بر این که ائمه دوازده نفرند اوّل آنها علی (علیه السلام) و آخر آنها مهدی عجل الله فرجه الشریف است.

در کمال الدین شیخ صدوق آمده است: امام سجاد (علیه السلام) از پدرش و ایشان از جدّش نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: **الْأُئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْ ثَلَاثِينَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَأَخْرَهُمُ الْقَائِمُ . . .** امامان دوازده نفرند، اولی آنها تو هستی یا علی، و آخر ایشان قائم.

همچنین در ۹۴ حدیث، فقط آخرین حلقه از این سلسله را بیان نموده و چنین فرموده است: **أَخْرَهُمُ الْمَهْدِيُّ**.

از مناقب ابن شهر آشوب نقل شده که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: **قال النبي** (صلی الله علیه وآله) **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقِي وَمِيثَاقَ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا بَعْدِي وَهُمْ حُجَجُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، الثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا** . پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: خداوند متعال از من و دوازده امام بعد از من ميثاق و عهد گرفته (که به شرائط رسالت و امامت عمل کنند) و اینها حجت های الهی بر خلق هستند دوازدهمین آنها قائم است که زمین را بعد از ظلم و جور، پر از قسط و عدل می کند.

120 حدیث نیز دلالت می کند که ائمه دوازده نفرند و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) تا امام حسین (علیه السلام) را اسم برده و سپس فرموده: نه نفر دیگر از فرزندان حسین (علیه السلام) خواهند بود.

در کفایة الأثر آمده است: عبدالله بن عباس قال سمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله) يقول: **أنا وعليُّ والحسن والحسين وتسع من ولد الحسين مطهرون معصومون** .

107 حدیث دیگر نیز همانند احادیث قبل است و می افزاید که نهمین فرزند امام حسین (علیه السلام)، قائم و مهدی آنها است.

در کشف الیقین علامه حلی به نقل از مسند احمد حنبل نقل شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به امام حسین (علیه السلام) فرمود: **هذا ابني امام، أخو امام، أبوائمة تسعة، تسعة قائمهم** . این حسین فرزندم، امام است و برادر امام است و پدر نه نفر از امامان است که نهمین آنان قائم است.

در ۱۸۵ حدیث آمده که مهدی از نسل علی بن الحسین (علیه السلام) است.

و در ۱۰۳ حدیث آمده که مهدی از نسل امام باقر (علیه السلام) است.

و نیز در ۱۰۳ حدیث آمده که مهدی از نسل امام صادق (علیه السلام) است و ۹۹ حدیث می گوید که او ششمین فرزند امام صادق (علیه السلام) است.

همچنین در ۱۰۱ حدیث آمده که مهدی از نسل امام کاظم (علیه السلام) است و ۹۸ حدیث می گوید که او پنجمین فرزند امام کاظم (علیه السلام) است.

95 حدیث مهدی را از فرزندان علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می داند.

90 حدیث مهدی را سومین فرزند امام جواد (علیه السلام) شمرده است.

و در ۹۰ حدیث آمده که مهدی از فرزندان امام هادی (علیه السلام) است.

و بنا بر نقل ۱۴۸ حدیث، مهدی فرزند امام عسکری است.

و قابل توجه این که در پنجاه حدیث نام تمامی این دوازده نفر نقل شده است و ما به ذکر یک روایت بسنده می کنیم.

.. . جابر بن عبدالله انصاری می گوید وقتی آیه ( أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ ) نازل شد به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرض کردم: خدا و رسول را می شناسیم، این اولی الامر که طاعت اینها قرین طاعت خدا و رسولش قرار گرفته چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: اینها خلفاء من و ائمه مسلمین خواهند بود اول آنها علی بن ابی طالب بعد حسن بعد حسین بعد علی بن الحسین بعد محمد بن علی که در تورات معروف است به باقر و تو او را خواهی دید و سلام من را به ایشان برسان، بعد جعفر بن محمد الصادق و بعد موسی بن جعفر و بعد علی بن موسی و بعد محمد بن علی و بعد علی بن محمد و بعد حسن بن علی و بعد فرزند حسن بن علی - صلوات الله علیهم اجمعین - آن که نام او نام من و کنیه او کنیه من است و بعد از غیبتی به دست او مشرق و مغرب زمین فتح خواهد شد....

نکاتی که از این احادیث استفاده می شود:

**اولاً:** این احادیث با این کثرت بیانگر یک غیب گوئی و معجزه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که تا حدود ۲۵۰ سال بعد از خود را بیان نموده است.

**ثانیاً:** اینکه حضرت فرمودند: خلفاء من دوازده نفرند این عقیده و مذهب، با عقائد هیچ یک از فرق اسلامی جز مذهب امامیه اثنا عشریه قابل انطباق نیست.



زیرا اهل سنت معمولاً اکتفاء می کنند بر خلفاء چهارگانه (یعنی ابابکر و عمر و عثمان و علی) و اگر بخواهند خلفاء بنی امیه را بر آن ها بیفزایند بیش از دوازده نفر می شوند<sup>(52)</sup> و اگر بخواهند با خلفاء بنی العباس منطبق کنند که خلافت آنها با عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فاصله داشته و عددشان بیش از سی نفر است.

از آنجا که این روایات در مقابل چشم علماء و محدثین بوده و نخواستند اعتراف به حق کنند و یا مرعوب ساخته های ذهنی خود بودند با تشویش خاطر دست به تاویلاتی خنده آور زده اند، مثلاً قاضی عیاض دوازده نفر را منطبق نموده با ابابکر و عمر و عثمان و علی (علیه السلام) و معاویه و یزید بن معاویه و عبدالملک مروان و چهار فرزندان او یعنی ولید، سلیمان، یزید، هشام و دوازدهمین را با ولید بن یزید بن عبدالملک منطبق نموده و مدعی شده که در زمان خلافت این گروه مسلمانان اجتماع بر خلافت آنها داشته و اسلام در عزت بسر می برده است.

و ابن حجر هم کلام قاضی عیاض را بهترین توجیه برای این روایات دانسته است. این افراد خواسته اند یک عدد دوازده ای درست کنند و دانسته یا نادانسته، از این نکته غافل شدند که در این روایات دوازده نفر را از قریش و بلکه از بنی هاشم معرفی می کند و نیز در مقام مدح و تجلیل از آن دوازده نفر آنها را تشبیه به نقباء بنی اسرائیل و حواریین عیسی کرده است. آیا می توان این افراد را با معاویه منطبق کرد که در مقابل علی ایستاد و آن همه خونریزی کرد؟ و آیا می توان با یزید منطبق کرد که ریحانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و یارانش را آن گونه به قتل رساند؟ و آیا می توان عبدالملک را خلیفه رسول خدا دانست که شخصی مثل حجاج را والی و حاکم بر مسلمین کرد؟

و بالاخره آیا می توان ولید بن یزید بن عبدالملک را خلیفه رسول خدا دانست که مبالغه در شرب خمر می کرد حتی اراده کرد به حج برود و بالای بام کعبه شراب بخورد و به قدری مرتکب محرمات شد که مردم با او دشمن شدند.

نقل شده که تفألّی به قرآن زد و قرآن را باز کرد تا از آینده خود آگاه شود این آیه آمد) **وَ اسْتَفْتَحُوا وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ** (قرآن را هدف تیر قرار داد و آن را پاره کرد و سپس این اشعار را خواند:

تَهْدِدُنِي بِجَبَّارٍ عَنِيْدٍ فَهِيَ اَنَا ذَاكَ جَبَّارٌ عَنِيْدٌ

اِذَا مَا جِئْتَ رَبَّكَ يَوْمَ حَشْرٍ فَقُلْ يَا رَبِّ مَزَقْنِي الْوَلِيْدَ

و بعد از این جسارت علنی به قرآن، زیاد زنده نماند و به درک واصل شد. آیا در زمان خلافت اینها اسلام عزیز بود و مسلمانان همگی آنها را قبول داشتند؟ چنان که ملاحظه کردیم، نام دوازده نفر در روایات به انحاء مختلف ذکر شده و هرگز قابل انطباق با دیگران نیست، (فَاعْتَبِرُوا يَا اُولِيَ الْاَبْصَارِ).

**ثالثاً:** از این روایات استفاده می شود که آن فرقه ناجیه در میان فرق اسلامی که معروف است و وارد شده است که امت اسلامی ۷۳ فرقه می شوند و یک فرقه آن ها اهل نجاتند، غیر از فرقه اثنا عشریه نخواهد بود.

**رابعاً:** اگر این روایات را ضمیمه کنیم به روایت متفق علیه، ثقلین و نیز روایت سفینه و آیه شریفه (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ) معلوم می گردد که خلافت این دوازده نفر تا آخر دنیا بر قرار است و هرگز زمانی نخواهیم داشت که اهل بیت در کنار قرآن نباشند و یا کشتی نجات امت از حرکت باز بماند.

**خامساً:** این روایات فراوان دلالت دارد که نام و اسم حضرت مهدی از زمان رسول خدا و ائمه اطهار تا زمان ولادتش بر سر زبان ها بوده و تمامی ائمه بدون استثناء از حضرت مهدی نام برده و درباره ایشان سخن گفته اند.

### روایات در خصوص حضرت مهدی (علیه السلام)

روایات در مورد مهدی موعود (علیه السلام) و خصوصیات ایشان مثل روایاتی که در رابطه با ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف وارد شده و در رابطه با اسم مهدی، شمایل مهدی، غیبت مهدی، وقایعی که قبل از ظهور در عالم واقع می شود - بعد از ظهور دنیا را پر از عدل و قسط خواهد کرد - زهد و عدالت حضرت - نزول عیسی (علیه السلام) از آسمان - فضل و ثواب انتظار حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف، تکالیف شیعه در زمان غیبت، محدثین شیعه و سنی احادیث بسیاری نقل نموده اند. به عنوان مثال فقط ۳۱۸ حدیث در بیان

طول عمر حضرت و ۶۵۷ حدیث در بشارت به ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف وارد شده (56) و بیش از ۳۰۰ روایات دلالت دارد براین که هوقتی ظلم سرتاسر جهان را گرفت حضرت بقیة الله خواهد آمد و جهان را زیر لوای عدل در می آورد) **بِه يَمَلَأُ اللهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.**

احادیث و اخبار مربوط به آن حضرت آن قدر زیاد است که کمتر موضوعی از مسائل اسلامی به این پایه می رسد و قطعیت این احادیث از نظر شیعه و سنی مسلم است زیرا علاوه بر علمای شیعه، گروهی از علمای اهل تسنن به تواتر و قطعی بودن آنها تصریح کرده اند که در کتاب نوید آمن و امان اسامی ۱۷ نفر از مشایخ و بزرگان اهل سنت ذکر شده است.

در رساله ارزنده و محققانه (در راه حق) مربوط به امام زمان (علیه السلام) از صاحب کتاب (الامام المهدي) (58) نقل شده است: اگر اخبار رسیده از طریق شیعه و سنی درباره امام مهدی (علیه السلام) شماره گردد به بیش از شش هزار روایت بر می خوریم که رقم بسیار بالائی است و حتی در مورد بسیاری از مسائل بدیهی اسلام که مسلمان ها در آنها تردیدی ندارند و مورد قبول همه می باشد، این مقدار روایت وارد نشده است، بعید است شخص مسلمانی به قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کلمات و روایات حضرت ختمی مرتبت مؤمن و معتقد باشد و با وجود این همه روایات در رابطه با حضرت مهدی (علیه السلام) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) (تردید کند خصوصاً که دلیل قاطع و محکم عقلی نیز بر لزوم حجت خدا وجود دارد.

**(إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ).**

در اینجا به دو شاهد تاریخی در این رابطه اشاره می کنیم:

**نخست،** شعرای بزرگی که قبل از ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) در این رابطه شعر گفتند.

**دوم:** سوء استفاده هایی که از نام (مهدی) قبل از ولادت حضرت شده و یا کسانی که به اشتباه محمد حنفیه را مهدی موعود می دانستند.

این شواهد تاریخی تماماً گویای این مطلب است که نام (مهدی) در عصر پیامبر و دوران ائمه زیاد بر سر زبان ها بود و نیز موضوع مهدی موعود از یک اصالت ویژه برخوردار می باشد.

از جمله شعرایی که قبل از ولادت حضرت مهدی درباره ایشان شعر سروده اند، اسماعیل حمیری (متوفای ۱۷۳ هـ. ق) که می گوید:

وَأَشْهَدُ رَبِّي أَنَّ فَوَلَكَ حُجَّةً عَلَى الْخَلْقِ طُرّاً مِنْ مُطِيعٍ وَمُذْنِبٍ

بِأَنَّ وَلِيَّ الْأَمْرِ وَالْقَائِمَ الَّذِي تَطَّلَعَ نَفْسِي نَحْوَهُ بِتَطَرُّبٍ

لَهُ غَيْبَةً لَا بَدَّ مِنْ أَنْ يُغَيِّبَهَا فَصَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُ مِنْ مُتَعَيِّبٍ

فَيَمُكِّنُهُ حِيناً ثُمَّ يَظْهَرُ حِينَهُ فِيمَا لَأَعْدَاءَ كُلِّ شَرْقٍ وَمَغْرَبٍ

پروردگارم را گواه می گیرم که قول تو (ای امام صادق) بر همه خلق چه مطیع و چه گنه کار حجت است که فرمودی: ولی امر و قائمی که جانم مشتاق او است، غیبتی دارد که بدون تردید غائب خواهد شد، درود الهی بر آن شخص غائب باد، مدتی در پس پرده غیبت می ماند و سپس ظهور می کند و شرق و غرب جهان را پر از عدل و داد می کند.

و نیز کمیت، شاعر مبارز و نستوه شیعی (متوفای ۱۲۶ هجری قمری) شعری در مورد امام موعود در محضر امام باقر (علیه السلام) سرود و از زمان قیام آن گرامی سؤال نمود:

مَتَى يَقُومُ الْحَقُّ فَيَكُمُّ مَتَى يَقُومُ مَهْدِيكُمْ الثَّانِي

چه وقتی حق قیام می کند و بالاخره چه وقتی مهدی شما اهل بیت یعنی امام ثانی عشر قیام می نماید و ظهور می کند؟

قصیده دعبل خزاعی آن شاعر توانا، در محضر حضرت ثامن الحجج(علیه السلام) معروف و مشهور است:

خُرُوجِ اِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَيَّ اسْمُ اللهِ بِالْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَيَّ النِّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ

خروج و ظهور امامی که با مدد الهی حرکت خواهد کرد و حق را از باطل جدا خواهد نمود حتمی است.

ملاحظه می کنید که شعراء چگونه قبل از ولادت حضرت رابع به حضرت مهدی و آثار و برکات وجودی او سخن گفته اند و این تنها به جهت فراوانی روایات که در این رابطه در دست آنها بوده است قابل توجیه می باشد.

و نیز همین کثرت روایات باعث شد که قبل از ولادت حضرت مهدی بعضی به دروغ نام (مهدی) بر خود بگذارند و ادعای مهدویت کنند و یا بعضی را به اشتباه مهدی غائب بدانند.

### نگاهی به مفاد حدیث ثقلین

تا اینجا با برخی از روایات مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) آشنا شدیم و دانستیم که بخش عظیمی از آنها را اهل سنت نیز نقل نموده اند و این روایات دلالت می کنند که اولاً هرگز قافله بشریت خالی از حجت نمی ماند، ثانیاً امروز حجت خدا وجود نازنین حضرت مهدی(علیه السلام) است و ثالثاً وجود ایشان در پشت پرده منشاء بسیاری از خیرات و برکات و بلکه هدایت ها و ارشادات است که شرح آن در بحث فایده وجود امام در زمان غیبت خواهد آمد و از این گذشته بحثی از جنبه دلیل عقلی مطرح شد و دانستیم جهان خلقت بدون امام و حجت خدا عبث و بی هدف می باشد.

می توانیم از حدیث ثقلین نیز برای اثبات وجود حجت خدا در هر عصر و زمانی الهام بگیریم و به آن استناد بجوئیم، و این حدیث شریف را به عنوان یک دلیل قاطع برای وجود امام و حجت الهی در هر عصر و زمانی در

مقابل تمامی فرق اسلامی ارائه دهیم زیرا این حدیث را بسیاری از بزرگان اهل سنت نقل کرده اند به طوری که احتمال داده نمی شود کسی از مسلمانان این حدیث را نپذیرد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم اگر به آنها تمسک نمائید هرگز بعد از من گمراه نمی شوید. کتاب خدا و اهل بیت من و این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض، بر من وارد شوند حضرت این مضمون را در روز عرفه و مسجد خیف و حجة الوداع و لحظات آخر عمر بر منبر ایراد فرمودند.

از این حدیث شریف و کلام گران سنگ حضرت ختمی مرتبت چنین برداشت می شود: همان گونه که قرآن در کنار قافله بشریت باقی می ماند و خداوند آن را حفظ خواهد کرد. اهل بیت نیز با این قافله همراه خواهد بود تا روزی که حتی یک فرد از انسانها باقی است. این حدیث شریف با داشتن قرائن و شواهد روشن، هم چون دلیل عقلی و صدها و بلکه هزاران روایت در رابطه با لزوم حجت و بقاء آن و تعیین نام و مشخصات آن هرگز قابل اغماض نیست و هر منصفی را وادار می کند که در کنار قرآن، به حجت خدا که از اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، ایمان آورد.

### **حدیث ثقلین از دیدگاه علامه طباطبائی**

علامه طباطبائی (قدس سره) از حدیث ثقلین نکاتی را استنباط کرده که باقی ماندن عترت پیغمبر تا روز قیامت همانند قرآن در تمامی اعصار و زمان ها یکی از آنهاست.

ایشان می فرماید:

زید بن أرقم از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرده که فرمود: گویا خدا مرا به سوی خویش دعوت نموده باید اجابت کنم، ولی دو چیز بزرگ و وزین را در بین شما بر جا می گذارم کتاب خدا و اهل بیت، آگاه باشید که چگونه با آنها رفتار می کنید، آن دو امر هرگز از هم جدا نخواهد شد تا این که بر کوثر بر من وارد شوند.

حدیث ثقلین از احادیث مسلم و قطعی است که به سندهای بسیار و عبارات مختلفی روایت شده است و سنی و شیعه به صحتش اعتراف و اتفاق دارند، از این حدیث و امثال آن چند مطلب مهم برداشت می شود.

1- همچنان که قرآن تا قیامت در بین مردم باقی می ماند، عترت پیغمبر نیز تا قیامت باقی خواهد ماند، یعنی هیچ زمانی از وجود امام و رهبر حقیقی خالی نمی گردد.

2- پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به وسیله این دو امانت بزرگ تمام احتیاجات علمی و دینی مسلمین را تأمین نموده و اهل بیتش را به عنوان مرجع علم و دانش به مسلمین معرفی کرده و اقوال و اعمالشان را معتبر دانسته است.

3- قرآن و اهل بیت نباید از هم جدا شوند و هیچ مسلمانی حق ندارد از علوم اهل بیت اعراض کند و خودش را از ارشاد و هدایت آنان بیرون نماید.

4- مردم اگر از اهل بیت اطاعت کنند و به اقوال آنان تمسک جویند، گمراه نمی شوند و همیشه حق نزد آنها خواهد بود.

5- جمیع علوم لازم و احتیاجات دینی مردم در نزد اهل بیت موجود است و هر کس از آنها پیروی نماید به گمراهی دچار نمی شود و به سعادت حقیقی نایل می گردد، یعنی اهل بیت از خطاء و اشتباه معصومند، از این رو معلوم می شود که مراد از اهل بیت و عترت تمام خویشان و اولاد پیغمبر نیستند بلکه افراد معینی می باشند که از جهت علوم دین، کامل باشند و خطا و عصیان در ساحت وجودشان راه نداشته باشد تا صلاحیت رهبری داشته باشند و آنها عبارتند از علی بن ابیطالب و یازده فرزندش که یکی پس از دیگری به امامت منصوب شدند چنانچه در روایات نیز به همین معنا تفسیر شده است.

### یک نکته مهم

پس از اثبات ضرورت وجود حجت، اینک موقع آن رسیده که به یک سلسله روایاتی که از محدثین شیعه و اهل سنت نقل شده اشاره داشته باشیم از قبیل روایاتی که دلالت می کند براین که اولین خلق الهی نور و وجود حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) بوده و بعضی از این روایات نور حضرت علی (علیه السلام) (را نیز ضمیمه نور پیامبر (صلی الله علیه و آله) نموده و می گوید این دو نور پیش از همه خلق شده اند.

این روایات به احادیث نور معروف شده که بیانگر اولین مخلوق الهی است همانند اولین پرتو صادره از جرم خورشید آن توده های آتش و شعله های سوزان است که هر جسمی را ذوب می کند ولی در اثر تنزل وطی

مسافت - به نور - آفتاب که برای موجودات مخصوصاً نباتات و حیوانات و انسان ها فایده بخش است مبدل می گردد. و تمامی روشنائی ها و فوایدی که آفتاب دارد بر می گردد به آن شعله های اولیه که از جرم خورشید صادر شده گرچه خود آن شعله های اولیه با تمام قدرتی که دارد از جرم خورشید است و استقلالی از خود ندارد.

قبول این سلسله مراتب پذیرفتن همان قانون علیّت و سبب و مسبب است که مورد قبول همه اندیشمندان و فلاسفه می باشد و هیچ برخوردی با مسئله شرک ندارد.

و براین اساس می توان گفت تمام موجودات به طفیل این ذوات مقدسه بوجود آمده و تمامی آنها به وجود ولیّ خدا و قطب عالم امکان محتاجند با اینکه خود این ذوات مقدسه از خود هیچ چیزی ندارند و نسبت به خدای بزرگ فقیر محض می باشند.

محدث بزرگ شیخ صدوق (قدس سره) نقل می کند <sup>(66)</sup> که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) می فرماید: خداوند انبیاء را بر ملائکه فضیلت داد و من را بر تمامی انبیاء و رسولان فضیلت بخشید و بعد از من این مقام و برتری مخصوص شما و امامان بعد از شما است و سپس فرمودند: **يَا عَلِيُّ لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ** (اگر ما نبودیم خداوند، نه آدم و نه حواء، نه بهشت و نه جهنم، نه آسمان و نه زمین را هرگز خلق نمی کرد).

چه زیبا است که این مطلب و مقام والای اهل بیت را (که تمامی مخلوقات وابسته به خلقت این انوار الهی هستند و نیز بقاء و برقراری جهان وابسته به وجود آنها است) از زبان یکی از محدثین بزرگ اهل سنت یعنی جوینی شافعی <sup>(67)</sup> بشنویم.

ایشان حدیثی را با نقل سلسله سند از امام زین العابدین (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمودند: **وَتَحْنُ الَّذِينَ بِنَائِمْسِكُ اللهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِنَائِمْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبِنَا يُنَزَّلُ الْعَيْثُ وَيَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَيَخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَكُلُّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَخَتْ بِأَهْلِهَا.**

خداوند بهواسطه ما آسمان را از افتادن به زمین نگه می دارد (مگر خداوند بر سقوط آن اذن دهد که اراده حق حاکم است) و بهواسطه ما زمین را از اضطراب حفظ نموده و بهواسطه ما باران را نازل می کند و رحمت



خود را منتشر می نماید و برکات زمین را بیرون می آورد و چنانچه زمین از وجود ما خالی گردد، اهل خود را فرو می برد.

مولای متقیان علی بن ابیطالب (علیه السلام) می فرماید: **فَأَنَا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا**،<sup>(68)</sup> ما تربیت یافتگان پروردگارمان هستیم و مردم تربیت یافتگان ما هستند.

### نتیجه گیری از این دسته روایات

روایاتی که دلالت می کند بر اینکه نور وجود حضرت ختمی مرتبت و پسر عم او علی بن ابیطالب (علیه السلام) اولین مخلوق بود و نیز خلقت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت پاک او قبل از خلقت عالم بوده و مخلوقات تماماً وابسته به وجود این ذوات مقدسه هستند بسیار است که هم از محدثین اهل سنت از قبیل تاریخ ابن عساکر، فرائد السمطین، سیوطی و ... نقل شده و هم از محدثین بزرگوار شیعه از قبیل کلینی و صدوق و دیگران و اگر کسی بخواهد از تواتر این اخبار آگاه شود می تواند به کتاب عبقات مراجعه کند.

مخفی نماند که در کتاب فرائد السمطین جوینی شافعی این عالم معروف و مشهور اهل سنت، بعضی از احادیث مبشّره به حضرت مهدی (علیه السلام) را روایت کرده است و در مقام مدح آن حضرت در دیباچه کتاب می گوید:

الْحَجَّةُ الْفَائِمُ بِالْحَقِّ، الْعَارِفُ بِحَقَائِقِ مَا صَدَرَ مِنَ الْكَافِ وَالنُّونِ، الْمُحِيطُ عِلْمًا بِدَقَائِقِ مَا جَرَى بِهِ الْقَلَمُ  
وَنَفَثَ بِهِ النُّونُ، سُبْحَانَهُ مِنْ لَطِيفِ حَبِيرِ زَرْعٍ فِي أَرْضِ الْإِبْجَادِ وَالتَّكْوِينِ جَنَّةِ الْوَلَايَةِ فَأَخْرَجَ شَطَأَهَا  
بِعَلِيٍّ الْمُرْتَضَى سَيْفِ اللَّهِ لِمَنْتَضَى، وَأَزْرَهُ بِالْأُمَّةِ الْمُعْصومِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ أَهْلِ الْهَدَايَةِ وَالتَّقْوَى، فَاسْتَعْلَظَ  
بِمِيَامِنِ اجْتِهَادِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، ذَوِي الْمَجَاهِدَاتِ وَالْمُكَاشِفَاتِ الْمُجَدِّدِينَ فِي قَمْعِ الْهَوَى فَاسْتَوَى عَلَى  
سُوقِهِ بِالْمَهْدِيِّ الْهَادِي الْمَكِينِ الْأَمِينِ.

ملاحظه می کنید که اگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت پاک او را از این رهگذر بشناسیم، نحوه شناخت ما و معرفت و عرفان ما نسبت به این خاندان طهارت کاملاً تغییر می کند، و عوض اینکه در مقام اثبات

وجود آنان باشیم خود را و بلکه تمامی موجودات را وابسته به آنان می نگریم و احتیاج خودمان را نسبت به آن ذوات مقدسه نه فقط در جهت هدایت و راه یابی بلکه در تمامی ابعاد وجودی احساس خواهیم کرد و در این موقع است که زمزمه می کنیم و می گوئیم:

از رهگذر خاک سر کوی شما بود هر ناله که بر دست نسیم سحر افتاد

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نسبت منت خاک درت بر بصری نیست که نیست

ناظر روی تو صاحب نظرانند ولیک بوی گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

در پایان این گفتار به نقل از امام صادق (علیه السلام) می پردازیم.

فِي الْأَصْلِ كُنَّا نُجُومًا يَسْتَضَاءُ بِنَا وَفِي الْبَرِّيَّةِ نَحْنُ الْيَوْمُ بُرْهَانُ

نَحْنُ الْبُحُورُ الَّتِي فِيهَا لِغَائِصِهَا دُرٌّ تَمِينٌ وَيَاقُوتٌ وَمَرْجَانٌ

مَسَاكِينُ الْخُلْدِ وَالْفَرْدُوسِ نَمَلِكُهَا وَنَحْنُ لِلْخُلْدِ وَالْفَرْدُوسِ حُزَانٌ

مَنْ شَدَّ عَنَّا فَبِرْهُوتُ مَكَائِنِهِ وَمَنْ أَتَانَا فَجَنَّتْ وَرِضْوَانٌ

ترجمه:

ما ستارگان بودیم که از نور ما بهره مند می شدند و اکنون نیز در این جهان راهنمای گمشدگان می باشیم، مثل ما مثل آن دریاهائی است که غواص های آن از درّهای گران قیمت و یاقوت و مرجان بهر مند می شوند اصولاً جایگاه های عالی هم چون خلد و فردوس در اختیار ما است و ما نسبت به خلد و فردوس نگهبان و مالکیم

هر کس که از ما اعراض بکند جایگاهی غیر از برهوت ندارد در عوض هر کس به دنبال ما آید و از ما تبعیت کند جای او بهشت و رضوان خواهد بود.

### خلاصه این گفتار:

بعد از بیان ادله عقلیه در رابطه ضرورت وجود حجّت خدا به بیان ادله نقلیه پرداختیم و ابتدا به مسئله نصب امام و لزوم آن از دیدگاه قرآن وارد شدیم و به چند آیه اشاره کردیم و سپس مقداری پیرامون آیه تبلیغ و آیه ولایت بحث شد و بحمد الله ضرورت وجود امام نیز از دیدگاه قرآن برای هر صاحب انصافی روشن و معلوم گردید، و اصولاً قرآن پیروان خود را به دنبال یک انسان کاملی که دارای ولایت مطلقه بوده و جواب گوی امور دینی و دنیوی همگان باشد فرستاده است.

سپس بحث را از دیدگاه روایات بررسی کردیم، روایات در این زمینه از جهات مختلف وارد شده:

الف - علی (علیه السلام) اعلم امت و افضی الناس است.

ب - خلفاء من دوازده نفرند.

ج - نام اولین و آخرین آن ها.

د - نه نفر از فرزندان امام حسین (علیه السلام).

ه - مهدی فرزند چندمین امام صادق و امام کاظم و امام رضا (علیهم السلام) می باشد.

و - ۵۰ حدیث که نام همه ۱۲ نفر را برده و به حدیث جابر در موقع نزول آیه

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (اشاره نمودیم.

و سپس پنج مطلب مهم از این روایات استفاده شد آنگاه وارد شدیم در نقل روایات در خصوص حضرت مهدی (علیه السلام)، آن هم در ابعاد مختلف که تواتر آن حتی از دیدگاه بعضی علماء اهل سنت قطعی است، کثرت آن به حدّی است که می گویند: روایات مذکوره بیش از شش هزار حدیث است و به دو شاهد تاریخی اشاره شد:

1- گفتار شعرا پیرامون حضرت مهدی.

2- سوء استفاده فرصت طلبان از نام مهدی.

که این دو مطلب بهترین شاهد است برای اینکه نام مهدی و اعتقاد به آن از زمان رسول خدا به طور مداوم در بین مسلمانان برقرار بوده.

گذشته از روایات مذکوره، از روایت ثقلین استفاده می شود که عترت پیامبر همچون قرآن با کاروان بشریت خواهد بود کما اینکه علامه طباطبائی (قدس سره) (به این نکته اشاره می کند و سپس مطالب ارزنده دیگری را نیز از این حدیث شریف استفاده نموده.

و در خاتمه اشاره کردیم به روایات نور که دلالت می کند بر اینکه وجود موجودات و وصول فیض از جانب خداوند به مخلوقات تماماً به برکت این ذوات مقدسه می باشد.

و قابل توجه است که بعضی از علماء اهل سنت نیز همانند جوینی به این روایات اشاره نموده که اشاره ای به برخی از آنها شد و صاحب کتاب فرائد السمطین به این مقام والای اهل بیت مخصوصاً حضرت مهدی (علیه السلام) تصریح نموده است.

آری جایگاه اهل بیت با توجه به این روایات از یک عظمت و جلالت فوق العاده برخوردار می شود که امام صادق (علیه السلام) در اشعار زیبای خود به گوشه ای از این مقام والا اشاره فرموده: فی الاصل کنا نجوماً . .

## سوالات گفتار دوم

1- آیه ای در رابطه امامت و رهبری ذکر کنید.

2- آیه تبلیغ در کجا نازل شده است.

3- (ولی) در آیه) **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** ( . . . به چه معنائی است؟

- 4- حسان بن ثابت کیست و در موقع نزول آیه ( **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** ) چه کرد؟
- 5- تعداد روایاتی که خلفاء رسول خدا را دوازده نفر می داند، چه مقدار است؟
- 6- چند روایت وارد شده که نام تمامی دوازده امام ذکر شده است؟
- 7- قاضی عیاض دوازده امام را با چه کسانی منطبق نموده و اشکال آن در چیست؟
- 8- یکی از شعرایی که قبل از ولادت حضرت مهدی درباره ایشان شعر گفته را نام ببرید؟
- 9- از حدیث ثقلین برای ضرورت وجود حجت خدا در تمام اعصار و ازمنه چگونه استفاده می شود؟
- 10- علامه طباطبائی چند مطلب از حدیث ثقلین استنباط می کند؟
- 11- مراد از روایات نور چیست؟
- 12- از روایات نور چه مطالبی برداشت می شود؟
- 13- امام صادق (علیه السلام) در اشعار خود چه فرموده است؟
- 14- خلاصه گفتار دوم را بیان فرمائید؟

### گفتار سوم

کسانی که با حضرت مهدی (علیه السلام)

ملاقات کرده اند

کسانی که به ملاقات حضرت راه یافتند

با اینکه در رابطه اثبات وجود مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه از دیدگاه عقل و نقل مورد بحث قرار گرفت و مطلب به وضوح برای صاحبان فکر و اندیشه روشن گردید مع ذلک راه دیگری هست که می توان گفت برای توده مردم قابل فهم و اطمینان بخش تر می باشد و آن عبارت است از بررسی و تحقیق پیرامون کسانی که به خدمت حضرت رسیدند و جمال نورانی و زیبایی امام خود را مشاهده نمودند.

این افراد از گروههای مختلف و در زمانهای متفاوت بودند که به این نعمت عظمی نائل گردیدند و ما بطور اجمال به آنها اشاره خواهیم داشت:

1- کسانی که در زمان طفولیت و مدت مصاحبت ایشان با پدر بزرگوارشان امام عسکری(علیه السلام) به خدمت حضرت رسیدند و ایشان را ملاقات نمودند.

عده ای از این افراد کسانی بودند که در داخل خانه امام عسکری (علیه السلام) راه داشتند از قبیل حلیمه خاتون عمه امام عسکری(علیه السلام)<sup>(71)</sup> (و نسیم و ابو نصر که خادم منزل امام عسکری بودند که هر دوی اینها از وجود حضرت مهدی کرامتی را نقل می کنند و نیز عقید که غلام امام عسکری و نیز تربیت شده حضرت بوده که در لحظات آخر عمر حضرت دستور می دهد به آوردن آب مصطکی. . .

گروه دیگری از بزرگان اصحاب و راویان بودند که اینها نیز در زمان حیات امام عسکری(علیه السلام) به ملاقات حضرت مهدی(علیه السلام) شرفیاب شدند، که به دو مورد اشاره می شود:

الف: شیخ صدوق از معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان که هر سه از مفاخر روات بودند نقل می کند: ما چهل نفر بودیم و خدمت امام عسکری(علیه السلام) رسیدیم و فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: این امام شما بعد از من است و جانشین من بر شما است از او پیروی کنید و الا هلاک خواهید شد و بعد از امروز دیگر او را نمی بینید.

ب: و نیز شیخ صدوق از احمد بن اسحاق قمی که از بزرگان علما و روات است به سند خود نقل نموده: روزی به خدمت امام عسکری(علیه السلام) شرفیاب شدم و قصد داشتم از امام بعدی سؤال کنم ولی قبل از این که سؤال خود را مطرح کنم امام عسکری(علیه السلام) فرمود: ای احمد هرگز زمین خالی از حجت خدا نمی شود

و بهوسیله آن خیرات و برکات نازل می گردد و بلاها دفع می گردد، عرض کردم امام بعد از شما کیست؟ به داخل منزل رفت و چون بیرون آمد پسری سه ساله بسیار جذاب در دست حضرت بود امام فرمود: چون خیلی پیش ما عزیز هستی این فرزند که همانم جدش می باشد به تو نشان دادم و این زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد، عرض کردم علامت امامت ایشان چیست؟ ناگاه دیدم که آن طفل لب به سخن گشود و با کلام فصیح فرمود: **أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ أَنَا الْمُتَّقِمُ وَأَنَا الْمَهْدِيُّ وَأَنَا الْقَائِمُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنَا الْخَاتَمُ وَأَنَا الَّذِي أَمَلَاءُ الْأَرْضِ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِّئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.**

2- کسانی که در غیبت صغری<sup>(75)</sup> به خدمت حضرت شرفیاب شدند.

البته در هنگام فوت امام عسگری (علیه السلام) و مخصوصاً موقع نماز خواندن بر پیکر پاک امام، و ظاهر شدن فرزندش مهدی (علیه السلام) و نماز خواندن بر پدر بزرگوارش طبیعی است که عده کثیری شاهد این منظره تاریخی بوده اند و شرحش در کتب آمده است.

و اما پس از ورود در سرداب و شروع غیبت صغری حضرت چهار نائب خاص داشت که عبارت بودند: به ترتیب از عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان و حسین بن روح و ابو الحسن علی بن محمد صیمری و بعضی نیز سَمَری نوشته اند.

که اینها واسطه بین مردم و حضرت مهدی بودند و اگر مسئله ای پیش می آمد، شیعیان از طریق نامه بهوسیله همین افراد از محضر امام (علیه السلام) استفاده می کردند.

این چهار نفر بسیار جلیل القدر و بزرگوار بودند، اما عثمان بن سعید وکیل امام هادی و امام عسگری (علیهما السلام) نیز بوده است.

مهدی (علیه السلام) به وکالت و نیابت ادامه دادند<sup>(81)</sup> و پیش از فوت خود فرزندش (محمد) را به امر امام جانشین خود و نائب حضرت معرفی کرد.

و اما محمد بن عثمان از بزرگان شیعه، در تقوی و عدالت و بزرگواری مورد قبول شیعیان بود به طوری که هیچکس در عدالت و امانت او تردید نداشت. از ناحیه حضرت توقیعی به عنوان تسلیت فوت پدرش صادر

گردید و امام عسکری نسبت به او و پدرشاعلان اعتماد کرد<sup>(83)</sup> و فرمود: **الْعُمَرَى وَأَبْنَهُ ثِقَتَانِ فَمَا أَدْيَا إِلَيْكَ**

**فَعَنِّي يُوَدِّيَانِ وَمَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَأَطِعْهُمَا فَإِنَّهُمَا الثَّقَتَانِ الْمَأْمُونَانِ.**

محمد بن عثمان برای خود قبری ترتیب داده بود که هر روز داخل آن می شد و یک جزء قرآن قرائت می کرد و از مرگ خود خبر داد و شیعیان از نایب بعد استفسار کردند، فرمود: امام (علیه السلام) امر کرده که حسین بن روح را برای سفارت و نیابت معرفی کنم.

عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: از محمد بن عثمان پرسیدم: صاحب الأمر را دیده ای؟ فرمود: آخرین ملاقاتم با او کنار بیت الله الحرام بود که می گفت: **اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي.**

و نیز فرمود: صاحب الأمر هر سال در حج حاضر می شود او مردم را می بیند و می شناسد و مردم او را می بینند ولی نمی شناسند.

و اما حسین بن روح نزد موافق و مخالف عظمت و بزرگی ویژه ای داشت و به عقل و بینش و تقوی و فضیلت مشهور بود و عموم فرقه های مذهبی به او توجه داشتند و در زمان نایب دوم محمد بن عثمان متصدی پاره ای از امور بود و محمد بن عثمان در موقع مرگ از طرف صاحب الأمر، ایشان را به عنوان سفارت و نیابت معرفی کرد.

و اما ابو الحسن سَمَری: از کتاب منتهی المقال درباره ایشان نقل شده که می نویسد: جلالت قدر او آنچنان زیاد است که نیازی به توصیف ندارد.

غرض از این توضیح مختصر پیرامون شخصیت و جایگاه نواب اربعه این است که: بدانیم آنها افراد شناخته شده و مورد اعتماد عام و خاص و بعضاً وکیل امام هادی و عسکری (علیهم السلام) بودند و برای هر یک از اینها از طرف ولی الله اعظم نصّ خاص و توقیعی صادر گردید و گذشته از همه اینها شیعه، گفتار هیچ یک را نپذیرفت مگر بعد از ظهور و بروز معجزه به دست هر یک از آنان از طرف امام عصر (علیه السلام). (مثلاً جمعی از بزرگان و مشایخ قم در بغداد به خدمت ابو الحسن سمری رسیدند و ایشان فرمودند: خداوند به شما در مصیبت علی بن بابویه قمی اجر عنایت فرماید، او در این ساعت از دنیا رفت، آنها ساعت و روز و ماه را یادداشت کردند، ۱۷ یا ۱۸ روز بعد خبر رسید که در همان ساعت علی بن بابویه قمی در گذشته است.



آری اینها افراد ناشناخته ای نبودند و نیز افراد عادی و معمولی نبودند. آنها از حیث عدالت و تقوی و ایمان و بلکه گاهی مشاهده کرامات از آنها مورد اعتماد صد در صد همگان بودند و اینها با این خصوصیات مدعی ملاقات با امام عصر (علیه السلام) بودند.

در غیبت صغری علاوه بر نواب اربعه، عده کثیری به ملاقات حضرت راه یافتند که مرحوم طبرسی در کفایه الموحدین صد و هشت نفر از آنها را یاد آور شده و به کیفیت تشریف آنها اشاره نموده و در انتهای این حکایات می نویسد: این جمعی غیر که عدد ایشان زیادتر از حدّ تواتر است با این همه دلایل و معجزات با آنکه همه آن اشخاص از صلحاء و پاکان زمان خود بودند از اعظم برهان و دلیل است در مقام حجّت از برای کسانی که طالب حقند. و چهلمین نفری را که نام می برد حکایت تشریف ابن مهزیار اهوازی است که حکایت ایشان به طور اختصار از این قرار است:

خداوند بر او باد چه شب هایی که بر می خاست و رو به درگاه الهی می آورد سپس پرسید از ابن مهزیار چه خبر داری؟ گفتم: خودم هستم فرمود: امانتی که از ابا محمد حسن عسکری (علیه السلام) باقی مانده کجاست؟<sup>(89)</sup> انگشتی که به ارث به او رسیده بود به آن بزرگوار داد، ایشان گرفت و بوسید و گریه می کرد و روی نگین آن که نوشته بود یا الله یا محمد یا علی نگاه می کرد، فرمود: به چه قصدی به حج آمدی؟ عرض کردم به امید دیدار امام عصر (علیه السلام) می آیم، فرمود: من مأمورم که تو را به امام (علیه السلام) برسانم چون پاسی از شب که گذشت به کوه صفا بیا تا حرکت کنیم، رفتیم و در موقع آن جوان آمد و به دنبال او حرکت کردم مقداری از پستی و بلندی ها را پشت سر گذارده فرمود: سحر است وقت نماز شب، ایستادیم به نماز باز حرکت کردیم تا طلوع فجر فرمود: پیاده شو و نماز صبح را اول وقت بخوانیم سپس حرکت کردیم به یک وادی رسیدیم که نور از دور ساطع بود و بوی مشک به مشام می رسید در وسط آن خیمه ای بود که نور از آن به آسمان برمی خاست آن جوان به من فرمود: پیاده شو و مرکبت را رها کن که اینجا وادی امن است مقداری جلو رفتیم فرمود: اینجا بایست تا برایت اذن دخول بگیرم رفت و برگشت، فرمود: داخل شو! تا وارد خیمه شدم، نور جمال حضرت من را خیره کرد و خالی در رخسار ایشان بود و بسیار موقر و با هیبت بودند، خود را روی قدم های حضرت انداختم و سلام دادم و ایشان جواب دادند.

عرض کردم پدر و مادرم فدای تو باد بعد از رحلت پدر بزرگوارتان امام عسکری (علیه السلام) شهر به شهر در تفحص و جستجوی تو بودم که خداوند این نعمت را به من ارزانی داشت<sup>(90)</sup>. حضرت برای من و نزدیکان من

دعا فرمودند، مبلغی که بیش از پنجاه هزار درهم بود به حضرت دادم ولی ایشان تبسم نمودند و فرمودند این مال را در برگشتن که سفری طولانی خواهی داشت برای خود صرف کن . . . این یک نمونه از ملاقات های فراوانی است که در زمان غیبت صغری اتفاق افتاده است.

### کسانی که در غیبت کبری به ملاقات حضرت نائل گردیدند

شریف مگر این حکایت متقنه صحیحه که در آن فواید بسیار است و در این نزدیکی ها واقع شده هر آینه کافی بود در شرافت و نفاست آن<sup>(92)</sup> و سپس توضیح می دهد که حکایت حاج علی بغدادی را ابتداءً از عالم فقیه و با تقوی جناب آقای سید محمد کاظمینی که در حرم شریف کاظمین امام جماعت و ملاذ و ملجاء طلاب و غرباء و زوار بود شنیدم و خواستار ملاقات خود حاج علی بغدادی شدم با مشکلاتی که در سر راه بود بالاخره موفق شدم گرچه حاج علی از نقل آن حکایت ابا می کرد، ولی با اصرار، بالاخره بیان کرد، حاجی نوری می نویسد: از سیمای او آثار صدق و صلاح به نحوی نمایان بود که تمام حاضرین با تمام مدافه که در امور دینی و دنیویه داشتند قطع پیدا کردند به صدق واقعه<sup>(93)</sup>. برای اطلاع از اصل حکایت به کتاب نجم الثاقب و مفاتیح الجنان مراجعه شود.

### تشرفات در عصر حاضر

در عصر حاضر نیز تشرفاتی برای افراد روی داده که فقیه عالی مقدار حضرت آقای صافی گلپایگانی در کتاب اصالت مهدویت به چند نمونه از آنها اشاره نموده و نیز تشرّف متعلقه فاضل ارجمند جناب آقای متقی همدانی که مورد اعتماد علما و مجتهدین بود و این حقیر اصل حکایت را از خود جناب آقای متقی شنیدم و به صدق و صداقت و کمال مشهود بود<sup>(94)</sup> و نیز تشرّف دختر حضرت آیت الله العظمی آقای اراکی که در حال طواف انجام گرفت با این که مکرراً از افراد شنیده بودم، از پسر بزرگوار آیت الله اراکی، حضرت آقای مصلحی که یکی از اساتید و مجتهدین است. پرسیدم و ایشان پس از تصدیق آن فرمود: خواهرم اولاً تربیت شده پدرم هست و ثانیاً در مقام افشا و بازگوئی نیست و نمی خواهد حکایت خود را منتشر سازد.

و خلاصه اگر کسی آستین همّت بالا بزند و بخواهد این حکایات متقنه و مورد قبول را جمع آوری کند که در تمام اعصار و امصار به طور معمول، کم یا بیش اتفاق افتاده هر آینه مشتمل بر چندین جلد کتاب قطور خواهد شد و اگر احیاناً در تک تک آنها بتوان تشکیک کرد (با اینکه عقلاً در مقابل کلام شخص عادل و موثق متعبد می

گردند و آنرا می پذیرند) اما در کل این حکایات به علم و یقین خواهیم رسید که وجود مقدس حضرت بقیة الله اعظم همانگونه که در روایات آمده در پشت پرده غیبت موجود است و به و ظائف خود مشغول و توجه به اطراف و اکناف عالم دارند که در موقع لزوم در آنجا حاضر و یا در جائی که مصلحت می بینند جمال نورانی خود را به بعضی، نشانی دهند.

### اسباب و جهات تشرفات متفاوت است

شرفیابی افراد به خدمت حضرت دارای جهات مختلفی است گاهی اضطرار و درماندگی سبب تشریف شده مانند تشریف سید رشتی که محدث قمی از استادش محدث نوری در مفاتیح نقل نموده و گاهی این افراد مضطر، توجه به حضرت نمودند و استغاثه به حضرت نموده اند و ملاقات بر قرار شده مثل قصه انار در بحرین و سه روز مهلت گرفتن برای دادن جواب شب سوم، شخصی بنام محمد بن عیسی با پا و سر برهنه به صحرا می رود و چون آخر شب شد شنید که مردی به او خطاب می کند. . .

و گاهی حضرت به عنوان کمک رسانی جلوه نموده مثل آنچه برای علامه حلی رخ داد، شرح واقعه از این قرار است.

یکی از علماء اهل سنت که در بعضی از فنون استاد بود کتابی در ردّ مذهب شیعه امامیه نوشته بود و گاهی هم برای گمراه نمودن مردم آنرا می خواند اما حاضر نبود هرگز کتاب را از خود جدا سازد و به دیگری بدهد که مبادا علماء شیعه بر ردّ آن چیزی بنویسند. برخی می گویند که علامه نزد آن عالم سنی درس خوانده بود و او به علامه علاقه خاصی داشت. علامه از او تقاضا کرد که کتاب را برای مطالعه به وی دهد یا این که یکی از شاگردان علامه نزد آن عالم سنی درس خوانده بود و با درخواست و تشویق علامه، او از استادش تقاضای مذکور را مطرح کرد. آن عالم سنی برای این که مبادا کتاب استنساخ شود و بر آن ردّی نوشته شود، گفت: قسم یاد کرده ام که بیش از یک شب کتاب را به کسی ندهم، علامه همان مقدار را نیز غنیمت شمرد گرچه با یک شب هرگز امکان استنساخ نبود، علامه مشغول استنساخ شد نیمی از شب گذشت و خواب بر علامه غلبه کرد. ادامه حکایت به دو صورت نقل شده است:

1- بی اختیار خواب علامه را گرفت و قلم از دستش افتاد، صبح روز بعد علامه بیدار شد و بسیار افسوس خورد که فرصت را از دست داده، اما به کتاب نگاه کرد و دید تمام کتاب نوشته شده و در آخر آن نوشته (کتبه م ح م د ابن الحسن العسکری صاحب الزمان).

2- ناگاه حضرت صاحب الأمر پیدا شد و به علامه فرمود کتاب را به من واگذار و تو خواب کن، وقتی علامه بیدار شد، دید به برکت وجود صاحب الأمر تمامی کتاب نوشته شده است.

سمت کربلاء و ملاقات با حضرت<sup>(97)</sup> و از همه مهمتر ملاقاتی که برای حاج علی بغدادی در بازگشت از کاظمین به بغداد رخ داد.

آری، سرّ اینگونه ملاقات ها که برای بعضی از نیکان و زبندگان دست می دهد برای ما روشن نیست، اینطور نیست که هر کس دارای صفات عالیه و کمالات روحی شود به خدمت حضرت برسد؛ زیرا انسان های ممتاز و خدای جوئی هم بوده اند که توفیق شرفیابی برایشان حاصل نگردید.

اینک که معلوم گردید اولاً در زمان غیبت کبری عدّه کثیری از افراد به خدمت حضرت مهدی رسیده اند که گروه فراوانی از علماء بزرگ و یا صلحا و نیکان بودند. ثانیاً: این ملاقات ها در زمان های مختلف و در اماکن و بلاد متفاوت رخ داده است. ثالثاً: جهات و اسباب این تشرفات متفاوت و مختلف بوده است. در اینجا پرسشی پیش می آید که ذیلاً به آن می پردازیم.

### مضمون توقیع را چگونه معنی کنیم

دانستیم که صدها بلکه هزاران انسان مضطر و یا مؤمن به خدمت حضرت رسیدند و گاهی هم این ملاقات ها نقل گردیده و دیگران مطلع شده اند. آیا این ملاقات ها با توقیعی که از طرف ناحیه مقدسه صادر گردیده و بهوسیله نایب چهارم جناب علی بن محمد سمّری (صیمری) اعلان گردیده منافات ندارد؟

ابتدا می پردازیم به متن توقیع که در کتاب منتخب الأثر از کتاب غیبت شیخ طوسی نقل نموده<sup>(99)</sup> که علی بن محمد سمّری قبل از وفات خود این توقیع را برای مردم قرائت نمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فَيْكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ  
وَبَيْنَ سِتِّهِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِلِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ فَلَا  
ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ . . . سَيَأْتِي لِشِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمُشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةَ وَهُوَ  
كَذَابٌ مُفْتَرٌ.

(بنام خداوند بخشنده مهربان ای علی بن محمد سمري خداوند اجر و پاداش دوستان و برادرانت را بيفزايد،  
شما در شش روز آينده فوت خواهی کرد کار خود را مرتب کن و به عنوان نایب خاص و جانشینی خود، کسی  
را معرفی نکن، غیبت کبری شروع می شود و هر زمان که خداوند اراده کند، ظهور خواهم کرد . . . عده ای  
پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعای مشاهده و ملاقات من را خواهند نمود که این ها دروغگو  
خواهند بود.)

ملاحظه می کنید که در ذیل این نامه، آمده هر کس در زمان غیبت کبری و قبل از خروج سفیانی و صیحه  
آسمانی که هر دو از علائم ظهور حضرت است ادعای ملاقات نماید، او دروغگو و حقه باز است ولذا باید دید  
که این جمله را با آن همه حکایات فراوان چگونه باید توجیه کرد.

در پاسخ به اشکال فوق می گوئیم اولاً این روایت نمی تواند با آن همه حکایات متواتره که ناقلین آنها از نیکان و  
مورد وثوق می باشند معارضه کند زیرا این اخبار متواتر قطعی است ولکن توقیع مذکور بر فرض صحت سند،  
ظنی است، علی الخصوص که مفاد آن هم مربوط به احکام شرعیه نیست.

ثانیاً تمام علماء شیعه اتفاق دارند که مشاهده و ملاقات با حضرت برای عده کثیری اتفاق افتاده حتی خود شیخ  
طوسی که ناقل توقیع می باشد نیز وقوع شرفیابی را پذیرفته است.

ثالثاً با توجه به اعتراف تعداد کثیری از اولیا و نیکان درباره تشرّف می توان گفت که مراد از (کذاب مفتر)  
عمومیت ندارد، بلکه حمل می شود بر موردی که طرف، ادعای نیابت و سفارت داشته باشد و شاهد بر این  
معنی این است که امام عصر خطاب به علی بن محمد سمري می فرماید که کسی را به عنوان نیابت و سفارت  
مشخص نکند.

رابعاً امکان دارد جمله (کذاب مغتر) را حمل کنیم بر ادعای ملاقات اختیاری که هر وقت بخواهد می تواند به خدمت حضرت برسد (که چنین قدرت و سمتی در غیبت کبری به احدی داده نشده است).

خامساً، از جمله **(من يدعی المشاهدة)** استفاده کنیم و بگوئیم: کسانی را تکذیب کنید که ادعای مشاهده دارند و در مقام تثبیت مقام و موقعیتی برای خود هستند.

در خاتمه به دو نکته توجه فرمائید:

**اول:** پیروان مکتب اهل بیت و عاشقان حضرت مهدی (علیه السلام) باید اهل فکر و تعقل و اندیشه باشند که ائمه پیروان خود را نسبت به این مطلب بسیار تحریص و ترغیب نموده اند، مبادا از فرط عشق و علاقه به حضرت مهدی، چشم بسته و فکر نکرده دنبال شخص فرصت طلبی حرکت کنیم و پس از مدت ها بفهمیم که خطا رفتیم و اشتباه کرده ایم.

ملاک و معیار را روش بزرگان و علماء قرار دهیم یعنی بنگریم که بزرگانی همچون آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری و آقای بروجردی و آقای گلپایگانی و امام خمینی این انسان های شیفته و عاشق حضرت مهدی چگونه قدم برداشته اند ما نیز به همان منوال حرکت کنیم.

علی (علیه السلام) در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزندش امام حسن (علیه السلام) توصیه می کند:

.. . **وَأَلْأَخْذُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوْلُونَ مِنْ آبَائِكَ، وَالصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ** . . . یکی از توصیه های حضرت

علی (علیه السلام) به فرزندش این است که: راهی را که صلحا و نیکوکاران قبل از تو رفته اند برو. آری این نصیحت مولایمان امیر المؤمنین (علیه السلام) باید برای علاقمندان حضرت مهدی (علیه السلام) مورد توجه قرار گیرد زیرا شیادان و شیاطین به اشکال مختلف از این شور و عشق مردم به حضرت مهدی سوء استفاده می نمایند و آنها را به بیراهه سوق می دهند.

**دوم:** نکته قابل توجهی که باید به آن توجه نمود و از روایات فراوان نیز استفاده می شود این است که برنامه الهی و حکمت پروردگار در عصر حاضر بر اساس غیبت و مخفی بودن ولی الله استوار شده و اگر در بعضی موارد چهره تابناک خود را نشان داده بر اساس مصلحت بوده و قبلاً اشاره کردیم که اینطور نیست هر کس

خود را مهذب‌نمود و صاحب تقوی و ورع شد به خدمت حضرت برسد بنا بر این نباید انتظار داشته باشیم که اگر به مسجد جمکران و یا مسجد سهله و یا عرفات و مشعر رفتیم، باید به خدمت حضرت برسیم. گاهی شاهد هستیم که گروهی با عبارت های نامناسبی حضرت را مخاطب قرار می دهند که «مهدی آمدم... اما به من توجه نکردی!» ما باید بهوظائف خودمان در زمان غیبت عمل کنیم و او خود می داند که با ما چگونه برخورد کند.

**تو بندی چو گدایان به شرط مزد مکن که خواجه خود روش بنده پروری داند**

### **خلاصه بحث**

یکی از راه های اثبات وجود حضرت بقیة الله اعظم که برای تمام اقشار و توده مردم قابل فهم است بررسی کسانی است که به محضر حضرت مهدی تشرّف یافته و ایشان را ملاقات نموده و اینها به چند دسته تقسیم می شوند:

1- کسانی که در زمان حیات امام عسکری(علیه السلام) ایشان را زیارت کردند مانند حلیمه خاتون و نسیم و ابو نصر و عقید و نیز معاویة بن حکیم و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان و احمد بن اسحاق قمی و دیگران.

2- کسانی که در غیبت صغری با حضرت ملاقات کردند عدّه کثیری بودند که در رأس آنها چهار نائب خاص حضرت بودند که تمامی آنها از جلالت و وثاقت خاصی برخوردار بودند و صاحب کفایة الموحّدين صد و هشت حکایت را نقل می کند که آنها تماماً در غیبت صغری به خدمت امام (علیه السلام) رسیدند که یکی از آنها جناب ابن مهزیار است.

3- کسانی که در غیبت کبری به ملاقات حضرت نائل گردیدند در زمان های مختلف و اماکن و بلاد متفاوت که تعداد آنها از حدّ تواتر می گذرد فقط محدّث نوری در کتاب نجم الثاقب به صد حکایت اشاره نموده که به صحت آنها اعتراف می نماید.

در ادامه، پرداختیم به توقیعی که از ناحیه مقدسه رسیده و می فرماید: مدعی مشاهده را تکذیب نمائید و جواب های متعددی بر این روایت داده شد و جمله مذکور به معنای قابل قبولی توجیه گردید.

در خاتمه به دو مطلب اشاره نمودیم:

**اول:** باید پیروان مکتب اهل بیت، اهل فکر و اندیشه باشند و دنبال هر صدائی نروند.

**دوم:** حکمت الهی در حال حاضر بر مخفی بودن حجت خدا اقتضاء می کند و نباید ما توقع داشته باشیم با مختصر عمل صالحی، به ملاقات حضرت نائل شویم.

### سؤالات گفتار سوم

1- چه کسانی در اندرون خانه امام عسکری با حضرت مهدی ملاقات کردند؟

2- مضمون حدیثی که شیخ صدوق از اسحاق بن احمد قمی نقل می کند چیست؟

3- نواب اربعه را به ترتیب نام ببرید؟

4- ابن خضیب چه کسی بود؟

5- حکایت تشرّف علی بن مهزیار را اجمالاً نقل کنید؟

6- محدث نوری در نجم الثاقب چند حکایت در رابطه کسانی که به ملاقات امام (علیه السلام) در غیبت کبری

نائل شده اند نقل نموده است؟

7- توقیعی که از طرف امام زمان برای سمری رسید چه بود؟

8- چگونه مضمون توقیع، با این همه حکایات و اخبار ملاقات که از پاکان نقل شده، قابل توجیه است؟



9- علی (علیه السلام) به فرزندش چه توصیه ای می کند؟

10- خلاصه گفتار سوم را بیان کنید؟

### گفتار چهارم

اثبات وجود حضرت مهدی (علیه السلام)

### از طریق

ظهور و بروز معجزات و کرامات

از ناحیه مقدسه آن بزرگوار

ظهور و بروز کرامات از ناحیه مقدسه

یکی از نشانه ها و براهین روشن برای اثبات وجود نازنین حضرت مهدی (علیه السلام) ظهور و بروز کرامات و معجزات و دستگیری ها و شفا بخشیدن ها و فریاد رسی هایی است که در طول زمان غیبت آن امام مستور از دیدگان، واقع شده و در هر عصر و مکانی و بلکه برای هر عاشق و علاقمند آن جناب، به وقوع پیوسته است. مواردی که برای بزرگان و اهل دقت ثابت شده و مشهور گردیده در کتاب ها، فراوان است و چه بسیار جوان و پیر و زن و مردی که دست توکل به دامن امام زمان حضرت مهدی (علیه السلام) زدند و مشکلات خود را با آن وجود مقدس در میان گذاردند و جواب گرفتند و با عنایت آن حضرت، کشتی شکسته و آسیب دیده خود را به ساحل نجات رساندند. حکایات اسماعیل هرقلی و ابو الحسن کاتب و محمد بن عیسی بحرینی و شفا یافتن

شیخ حرّ عاملی و کمک مالی کردن به بحر العلوم در مکه معظمه و رفع مشکلات از شیخ حسین آل رحیم و در عصر حاضر شفا بخشیدن همسر جناب آقای متقی در قم و صدها حکایات از این قبیل که توجه و عنایت حضرت به دوستان و گرفتارها در آنها کاملاً مشهود و ملموس بوده. آیا این همه کرامات و معجزات که از ناحیه مقدسه حضرت ظهور و بروز نموده خود دلیل واضحی برای اثبات آن وجود مقدس در پشت پرده غیبت و نیز اشراف داشتن ایشان به اطراف و اکناف جهان در شب و روز نیست؟!

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که عبرت نکند، نقش بود بر دیوار

### حق ماندنی است و باطل رفتنی

ممکن است کسی بگوید: درست است که در موارد فراوان در هر زمان و مکانی این فریاد رسی ها و دستگیری ها مشاهده شده اما از کجا بدانیم که دست باطل در کار نیست؟

قرآن برای مشخص نمودن حق از باطل، معیارها و ملاک هایی را ارائه نموده که از این طریق می توان به آسانی، حق را از باطل جدا نمود در برخی از آیات می فرماید: باطل رفتنی است و آنچه برای همیشه و استوار برقرار می ماند، حق است.

عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ <sup>(102)</sup> (و در سوره رعد برای شناخت حق و باطل مثال واضحتری زده شده است می فرماید): أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ).

از این آیات مشخص می شود که باطل جلوه ای می کند و بلکه جولانی می دهد اما دوام و ثبات ندارد بر خلاف حق که ریشه های آن در زمینه دل ها و فطرت های بشری قرار دارد و شاخه های آن متصل به آسمان اندیشه و عقول انسان ها است. مثل معروفی است که می گوید: **للباطل جولة و للحق دولة**، باطل یک خود نمائی و جولانی می دهد و سپس مضمحل می شود اما دولت، و دوام، مختص به حق و حقیقت است.

بنابر این مشاهده می کنیم که ندای توحید از پیدایش بشر تا حال برقرار است و ندای انبیاء همچون ابراهیم و موسی و عیسی و... استمرار دارد و قرآن و آیات محکم و متقن آن همچون زمان نزول تا حال جلوه گر است و عقول بشری را به خود جذب نموده است، اما در کنار مکتب توحید و دعوت انبیاء عظام و قرآن مجید صدها مکتب و شعار و نوشته آمد و جولانی داد و برای همیشه به دست نسیان سپرده شد، به طوری که از آنها در تاریخ علوم هم اثری نیست و همین تفاوت کاملاً حق را از باطل جدا می سازد.

مسئله توسل به ذوات مقدسه ائمه و نیز در عصر غیبت به وجود حضرت مهدی (علیه السلام) به یکی دو واقعه منحصر نیست تا احتمال اتفاق و تصادف دهیم و نیز به یک زمان خاص و محدودی منحصر نیست که گفته شود چرا امروز از آن خبری نیست بلکه در طول زمان و در اماکن متعدد و فراوان در خلوت و جلوت در شهر و بیابان دست استغاثه بسوی حضرت مهدی دراز شده و آن بزرگوار با رأفت و عطوفت تمام دست آن ها را گرفته و از منجلا ب و خطر رهانیده و گاهی دستگیری حضرت به قدری مشهور شده - مثل حکایت محمد بن عیسی در بحرین و شفا یافتن اسماعیل هرقلی - که نه فقط مردم متوجه شدند بلکه حاکمان وقت هم یقین کردند که در پشت پرده غیبت، امام و حجت الهی هست و می تواند بر اساس ولایتی که خداوند به او داده کارهای مهمی انجام دهد. آیا با چنین نشانه ها و آثار واضحی می توان در وجود آن امام بزرگوار و حقانیت او شک و تردید نمود؟!

### ساحران به موسی ایمان آوردند

وقتی موسی و هارون به سوی فرعون و اطرافیان او آمدند و آنها را به سوی خدا دعوت کردند و موسی معجزه ای همچون عصا و ید بیضاء نشان داد آنها قبول نکردند و نسبت سحر و ساحری به آنها دادند جناب موسی فرمود: آیا شما حق را با سحر فرق نمی گذارید؟ و حال آن که ساحران هرگز پیروز نخواهند شد و چنانچه ساحری بخواهد خود را به عنوان رسول الله معرفی کند و سپس سحر خود را به جای معجزه و نشانه الهی وانمود کند، قطعاً خداوند او را رسوا می کند و هرگز به مقصد نائل نخواهد شد. فرعون از ساحران زمان دعوت به عمل آورد و در یک میدان مسابقه و مبارزه در مقابل موسی قرار گرفتند، موسی فرمود: هر چه می توانید، انجام دهید و چون از اعمال خود فارغ شدند جناب موسی قبل از انداختن عصا فرمود: آنچه شما آوردید سحر است و خداوند به زودی آن را باطل می سازد زیرا خداوند هرگز عمل مفسدان را اصلاح نمی کند.

(قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ \* وَيَحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ)

آری باطل در قالب سحر در این میدان جولانی داد اما وقتی موسی عصا را انداخت و اژدهائی شد، تمام ساخته ها و بافته های ساحران را بلعید و ساحران وقتی این اثر وجودی را از آن اژدها دیدند فهمیدند که کار موسی سحر نیست و لذا با تمام وجود و از صمیم قلب در آن صحنه مبارزه به خدای موسی و هارون ایمان آوردند. غرض از نقل این مطلب همان جمله ای است که حضرت موسی فرمود: آنچه شما آوردید سحر است و باطل و خداوند به زودی آن را نابود می کند و هرگز خداوند متعال باطل را در صحنه مبارزه با حق پیروز نمی گرداند. نکته دیگر آن که اثر و آثار حقیقت وقتی ظاهر شد دیگر جای شک و تردید و تأمل نیست باید به آن ایمان آورد چنانکه ساحران به خدای موسی ایمان آوردند آن هم با دیدن یک معجزه و اژدها شدن عصای ایشان. نتیجه ای که از این بحث قرآنی گرفته می شود این است که صاحبان ایمان در اطراف و اکناف جهان استغاثه می کنند به فردی به عنوان (ولی الله، حجة الله، امام زمان، سفیر الهی، باب الله) و هرگز خداوند اجازه نمی دهد دست شیطانی و باطل در اینجا فعال باشد، با توجه به اینکه این ظهور کرامات از صدر اسلام تا حال حاضر برقرار و مستمر است و بعبارت دیگر می گوئیم:

آیا این همه کرامات و داد رسی ها که بعضی از آنها را می توان گفت که مافوق اژدها شدن عصای موسی بوده آن هم به طور مکرر چنین آثاری از وجود مقدس بقیه الله اعظم ظهور و بروز کرده آیا می توان در وجود مقدس او و نیز دادرسی و عنایت ایشان نسبت به مضطربین و گرفتارها تشکیک نمود؟!

### حکایت اسماعیل هرقلی

توجه شما را به یک واقعه ای که برای بزرگان و علماء به اثبات رسیده و حتی مردم بغداد و حله و سامرا متوجه شدند و حاکمان وقت نیز این معجزه را از امام عصر ارواحنا فداه به وضوح دریافتند و پی به حقانیت مذهب تشیع و وجود امام عصر و مهدی موعود در پشت پرده غیبت بردند، جلب می نمایم این حکایت را از کتاب نجم الثاقب<sup>(105)</sup> تألیف عالم ربانی آقای میرزا حسین نوری نقل می کنیم منتهی با عبارتی که برای مردم امروز ما آشنا تر باشد و الا مطلب و اصل واقعه تغییر نخواهد کرد.

بیرون آمد و در فصل بهار می ترکید و از آن خون و چرک بیرون می آمد و درد و رنج آن پدرم را از هر کاری باز می داشت به حله رفت و خدمت سید بن طاووس<sup>(109)</sup> رسید و ناراحتی خود را به ایشان گفت، سید جراحان حله را حاضر نمود ولی همه گفتند: توئه بالای رگ اکحل قرار گرفته و چنانچه توئه را ببریم رگ اکحل بریده می شود و زنده نخواهد ماند و خلاصه علاج آن که فقط بریدن آن است با خطر زیادی مواجه است.

سید به اسماعیل گفت من قصد بغداد دارم همراه من بیا شاید اطباء بغداد که تواناترند کاری بکنند ولی متأسفانه اطباء بغداد نیز همان را گفتند که جراحان حله گفته بودند.

اسماعیل دلگیر شد، سید بن طاووس به عنوان دلداری به او گفت: نمازت با وجود این خون صحیح است و صبر کردن در مقابل این درد و رنج اجر و ثواب خواهد داشت.

عسکری(علیهما السلام)، به سرداب می رود و شب را در آنجا با استغاثه به صاحب الأمر مشغول بوده و می گوید: صبح به طرف دجله رفتم جامه خود را شستم و غسل زیارت کردم و ابریقی که داشتم پر از آب کردم و مجدداً متوجه حرم مطهر شدم هنوز به شهر و قلعه نرسیده بودم که دیدم چهار سوار می آیند فکر کردم از شرفاء اطراف سامرا می باشند وقتی جلو آمدند دیدم دو نفر جوان که یکی از آن ها تازه موی به صورتش روئیده بود و نیز یک پیر مرد بسیار پاکیزه و تمیز که نیزه ای به دست داشت و چهارمی شمشیری حمایل کرده و روی آن لباسی که معروف بود به (فرجی) پوشیده است و تحت الحنک انداخته<sup>(111)</sup> و نیزه ای در دست دارد پیر مرد طرف راست و آن دو جوان طرف چپ آن فرجی پوش قرار گرفته اند فرجی پوش به من فرمود: فردا روانه می شوی؟ گفتم: بلی، گفت: جلو بیا تا ببینم چه چیز تو را آزار می دهد؟ با خود گفتم: من شستشو کرده ام و از سوی دیگر عرب بادیه نشین احتراز از نجاست ندارد و لباس من هنوزتر است لذا تمایل به جلو رفتن نداشتم اما ایشان خودش خم شد و مرا به طرف خود کشید و دست بر آن جراحات نهاد و فشرد به طوری که بدرد آمد در همین حال آن پیرمرد به من گفت: **أَفَلَحْتَ يَا إِسْمَاعِيلُ** یعنی رستگار شدی.

گفتند: ایشان از شرفا می باشند گفتم: نه، بلکه یکی از آنها امام عصر عجل الله فرجه الشریف بود پرسیدند: آن شیخ و پیرمرد و یا صاحب لباس فرجی گفتم: صاحب فرجی گفتند زحمت را به او گفتم؟ حکایت را نقل کردم، لباس من را بالا زدند و ران من را دیدند که اثری از زخم باقی نمانده بود مردم ازدحام کردند و پیراهن من را پاره پاره کرده خبر به (ناظر بین النهرین)<sup>(114)</sup> رسید و آمد از نزدیک بررسی کرد و رفت و واقعه را به

بغداد گزارش داد من شب را در سامرا ماندم، صبح حرکت کردم، چون به بغداد رسیدم دیدم جمعیت کثیری در انتظار من هستند و هر کس وارد می شود اسم او را می پرسند و چون من را شناختند مجدداً پیراهن من را پاره پاره کردند و به عنوان تبرک بردند و بالاخره سید بن طاووس با گروهی رسیدند و من را از دست مردم خلاص نمودند.

سید فرمود: تو شفا یافتی؟ عرض کردم: بلی، ران من را دید، چون زخم را قبلاً دیده بود و از آن اثری ندید ساعتی از خود بیخود شد، چون به حال عادی برگشت فرمود: خبر تو به وزیر رسیده و از من خواسته که نزد او برویم، رفتند، سید فرمود: این مرد، برادر منو از بهترین اصحاب من می باشد، وزیر گفت: قصه را برایم نقل کن چون قصه را نقل نمودم، وزیر به دنبال اطباء فرستاد چون حاضر شدند، به آنها گفت: شما زخم این مرد را دیده بودید؟ گفتند: بلی پرسید که دواى آن چیست؟ همه گفتند علاج آن منحصر است در بریدن آن زخم ولی زنده ماندن او بعید است پرسید: اگر نمیرد تا چه مدتی آن زخم خوب می شود؟ گفتند: اقلّاً دو ماه آن جراحت باقی میماند و جای آن هرگز موی نخواهد روئید، باز پرسید: شما چند روز است که او را ندیدید، گفتند: با امروز ده روز است.

وزیر ران را برهنه کرد و به اطباء نشان داد دیدند با ران دیگر اصلاً تفاوتی ندارد.

یکی از اطباء که نصرانی بود فریاد برآورد و گفت: **وَاللّٰهِ هَذَا مِنْ عَمَلِ الْمَسِيحِ** (یعنی به خدا قسم که این از معجزات حضرت مسیح است).

خبر به خلیفه رسید وزیر من را به نزد او برد، مستنصر گفت: قصه را بیان کن، چون نقل کردم دستور داد کیسه ای که در آن هزار دینار بود به من بدهند و گفت: این را بگیر و مصرف کن، گفتم: دانه ای از آن ها را قبول نمی کنم خلیفه گفت از چه کسی می ترسی؟ گفتم از آن کسی که من را شفا بخشیده زیرا به من فرمود از ابو جعفر چیزی قبول نکنی، خلیفه ناراحت شد و گریست.

صاحب کتاب کشف الغمّة از پسر اسماعیل هرقلی نقل می کند که پدرم هر سال به سامرا می رفت تا شاید یکبار دیگر چهره زیبای امام خود را ببیند و این عمل چهل بار تکرار شد اما شرف زیارت دست نداد.

بعد از این که شیخ حرّ عاملی که یکی از علما و محدثین بزرگ جهان تشیع است حکایت اسماعیل هرقلی را نقل می کند، می نویسد مانند این جریان در زمان ما و نیز در گذشته از آن حضرت به طور متواتر و قطعی برای ما واصل گردیده است.

### کرامتی از امام زمان(علیه السلام) (در عصر حاضر)

اگر شیخ حرّ عاملی آن مرد بزرگ می نویسد: اینگونه کرامات و معجزات در زمان ما و گذشته بطور متواتر نقل شده این حقیر نویسنده کتاب حکایتی را که حاکی از لطف و عنایت بارز حضرت بقیه الله اعظم است و برای همسر عالم فاضل و موثق جناب حاج آقای متقی همدانی واقع شد<sup>(117)</sup> و حکایت با واسطه برای من نقل شد اما خوشبختانه از جناب حاج آقای متقی وقت گرفتیم و بعد از نماز مغرب و عشا با دو دوست عزیزم جناب آقای شاکری و جناب آقای قاسمی و به همراه خانواده ها به منزل ایشان رفتیم و حکایت را به طور مستقیم و شفاهی خودشان برای ما نقل نمود.

اما چون آیت الله صافی از ایشان درخواست نموده که اصل واقعه را برای ایشان بنویسد<sup>(118)</sup> بهتر این است که ما نیز به عین نوشته حاج آقای متقی بسنده کنیم عین متن آن را در اینجا نقل می کنیم: بعد از حمد و صلوات و سلام بر اهل بیت پاک می نویسد: مناسب دیدم توسلی را که به حضرت بقیه الله فی الارضین حجة ابن الحسن العسکری نموده و توجهی که آن جناب فرمودند ذکر نمایم چون موضوع کتاب در اثبات وجود آن حضرت است از طریق معجزات و خرق عادات.

روز دوشنبه هجدهم ماه صفر از سال هزار و سیصد و نود و هفت امر مهمی پیش آمد که سخت مرا و صدها نفر دیگر را نگران نمود یعنی همسر اینجانب (محمد متقی همدانی) در اثر غم و اندوه و گریه و زاری دو سال که از داغ دو جوان خود که در یک لحظه در کوه های شمیران جان سپردند در این روز مبتلا به سکنه ناقص شدند. البته طبق دستور دکترها مشغول به معالجه و مداوا شدیم ولی نتیجه ای به دست نیامد. تا شب جمعیه بیست و دوم ماه صفر یعنی چهار روز بعد از حادثه سکنه شب جمعه تقریباً ساعت یازده رفتم در غرفه خود استراحت کنم. پس از تلاوت چند آیه از کلام الله و خواندن دعائی مختصر از دعاهای شب جمعه، از خداوند تعالی خواستم که امام زمان حجة ابن الحسن - صلوات الله علیه و علی آباء المعصومین - را مأذون فرماید که به داد ما برسد و جهت اینکه متوسل به آن بزرگوار شدم و از خداوند - تبارک و تعالی مستقیماً حاجت خود را

نخواستم این بود که تقریباً از یک ماه قبل از این حادثه دختر کوچکم فاطمه از من خواهش می کرد که من قصه ها و داستان های کسانی که مورد عنایت حضرت بقیة الله - روحی و ارواح العالمین له الفداء - قرار گرفته و مشمول عواطف و احسان آن مولا شده اند را برای او بخوانم من هم خواهش این دختر ده ساله را پذیرفتم و کتاب نجم الثاقب حاجی نوری را برای او خواندم.

در ضمن من هم به این فکر افتادم که مانند صدها نفر دیگر چرا متوسل به حجت منتظر امام ثانی عشر (علیه السلام) - نشوم لذا همانطور که در بالا تذکر دادم در حدود ساعت یازده شب به آن بزرگوار متوسل شدم و با دلی پراز اندوه و چشمی گریان به خواب رفتم، ساعت چهار بعد از نیمه شب جمعه طبق معمول بیدار شدم، ناگاه احساس کردم از اطاق پائین<sup>(119)</sup> که مریض سکنه کرده ما آنجا بود صدای همهمه می آید سر و صدا قدری بیشتر شد سپس ساکت شدند. اذان صبح به قصد وضو پایین آمدم ناگهان دیدم صبیحه بزرگم که معمولاً در این وقت در خواب بود بیدار و غرق در نشاط و سرور است تا چشمش به من افتاد گفت: آقا مزده بده؟ گفتم: چه خبر است؟ من گمان کردم خواهرم یا برادرم از همدان آمده اند.

گفت: بشارت، مادرم را شفا دادند. گفتم: کی شفا داد؟ گفت: مادرم چهار ساعت بعد از نیمه شب با صدای بلند و شتاب و اضطراب ما را بیدار کرد چون برای مراقبت مریض دختر و برادرش حاج مهدی و خواهر زاده اش مهندس غفاری که این دو نفر اخیراً از تهران آمده بودند تا زن بیمار را برای معالجه به تهران ببرند ناگهان داد و فریاد زن بیمار که می گفت: بر خیزید آقا را بدرقه کنید برخیزید آقا را بدرقه کنید. می بیند که تا این ها از خواب برخیزند آقا رفته، خودش که چهار روز بود نمی توانست حرکت کند از جای برخاست دنبال آقا تا دم در حیاط می رود.

دخترش که مراقب حال مادر بود در اثر سر و صدای مادر که آقا را بدرقه کنید بیدار شده بود دنبال مادر تا دم در حیاط می رود تا ببیند که مادرش کجا می رود، دم در حیاط مریض به خود می آید ولی نمی تواند باور کند که خودش تا اینجا آمده از دخترش زهرا می پرسد که زهرا من خواب می بینم یا بیدارم؟

دخترش پاسخ می دهد که مادر جان تو را شفا دادند. آقا کجا بود که می گفتم آقا را بدرقه کنید ما کسی را ندیدیم. مادر می گوید: آقای بزرگوار در لباس اهل علم، سید عالی قدری که نه جوان و نه پیر به بالین من آمد گفت: برخیزید خدا تو را شفا داد.



گفتم: نمی توانم برخیزم. با لحنی تندتر فرمود: شفا یافتی برخیز. من از مهابت آن بزرگوار برخاستم، فرمود: تو شفا یافتی دیگر دوا نخور و گریه هم مکن.

چون خواست از اتاق بیرون رود من شما را بیدار کردم که او را بدرقه کنید. ولی دیدم شما دیر جنبیدید خودم از جا برخاستم و دنبال آقا رفتم.

بحمد الله تعالی پس از این توجه و عنایت، حال مریض فوراً بهبود یافت و چشم راستش که در اثر سکنه غبار آورده بود برطرف شد. پس از چهار روز که میل به غذا نداشت تقاضای غذا کرد. لیوان شیری به او دادند و در اثر فرمان آن حضرت که گریه مکن، غم و اندوه از دلش بر طرف شد و ضمناً خانم مذکوره از پنج سال قبل رماتیسم داشت از لطف حضرت (علیه السلام) شفا یافت با آنکه اطباء نتوانسته بودند معالجه کنند.

ناگفته نماند که در ایام فاطمیّه در منزل، مجلسی بعنوان شکرانه این نعمت عظمی منعقد کردیم. موضوع را به آقای دکتر دانشور یکی از دکترهای معالج وی توضیح دادم. دکتر اظهار فرمود: آن مرض سکنه که من دیدم از راه عادی قابل معالجه نبود مگر آنکه از طریق خرق عادات و اعجاز شفا یابد. الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله المعصومین لا سیما امام العصر و ناموس الدهر، قطب دایره امکان سرور و سالار انس و جان، صاحب زمین و زمان، مالک رقاب جهانیان، حجة بن الحسن العسکری - صلوات الله و سلامه علیه و علی آباءه المعصومین الی قیام یوم الدین - ابن محمد تقی متقی همدانی.

### نامه ای از آیت الله حائری (رحمه الله)

بعد از براهین و ادله ای که برای اثبات وجود حجت خدا در هر عصر و زمانی از دیدگاه عقل و نقل و نیز اثبات وجود مقدس حضرت مهدی (علیه السلام) که حجت خدا در عصر حاضر می باشد مطرح گردید مناسب دیده شد که در این مقام نامه ای که حضرت آیت الله شیخ مرتضی حائری آن فقیه و دانشمند بزرگوار و نقاد مباحث علمی و دارای سجایا و خلقیات والای انسانی که از حیث علم و عمل مورد قبول عام و خاص بود در رابطه با اثبات حجت خدا در هر عصر و زمانی به ستاد برگزاری جشن های میلاد حضرت مهدی (علیه السلام) فرستاده که با وجود اختصار به دلیل زیبایی در این زمینه اشاره فرمودند نقل کنیم تا علاقه مندان از آن استفاده نمایند البته جای نقل این نامه در گفتار اوّل و یا دوم بود که بحث پیرامون اثبات حجت خدا بود از طریق عقل و نقل ولی اکنون که با ادله اثبات وجود حجت الهی از طرق مختلفه آشنا شدید خوب است در این

نامه دقت به عمل آید که راه تازه ای را در این راستا گشوده است گرچه متن نامه برای توده مردم قابل فهم نیست اما صلاح دیده شد که عین نامه ای که از آیت الله شیخ مرتضی حائری در رابطه با اثبات حجت خدا به ستاد برگزاری جشن های میلاد امام عصر ارسال گردیده نقل نماییم و آن چنین است:

مقام محترم ستاد برگزاری جشن های میلاد حضرت خلیفه الله حجة بن الحسن المهدی - صلوات الله علیه و علی جده و آباءه الطاهرین -.

پس از اهداء سلام و تحیات اینجانب به واسطه دنباله کسالت قلب و اعصاب از قسمت زیادی از وظائف، برکنارم و لذا از نوشتن مقاله مفصلی که تا حد تشخیص نالایق خودم تناسبی با مقام معظم ولی الله اعظم و مولای مکرم داشته باشد معذرت می طلبم ولی برای این که تا حد خیلی پایینی قیام به وظیفه نوکری نموده باشم چند کلمه راجع به این موضوع ارجمند می نویسم بعونه تعالی و توفیقه.

غیر از هزارها دلیل که از امناء وحی رسیده و از تورات گرفته تا امام یازدهم بیان فرموده و همه بشارت به وجود مبارک او داده اند. و غیر از عده زیادی که پیش از غیبت و در غیبت صغری و غیبت کبری خدمتش رسیده اند که تنها در کتاب نجم الثاقب صد حکایت راجع به آنها که در غیبت کبری خدمت رسیده اند ذکر می کند. و غیر از آن کسانی که خود اینجانب می دانم که خدمتش رسیده و بعضی از آنها در این زمان هستند که نام آنها برده نمی شود.

یک دلیل قرآنی ذکر می شود که خصوص این دلیل را ندیده ام کسی به این بیان ذکر کرده باشد و آن آیه ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره است که اول آن جمله شریفه (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ) می باشد که خلاصه آن این است که خداوند به فرشتگان فرمود که من قرار دهنده جانشینی در روی زمین هستم فرشتگان گفتند: آیا آفرینشی در روی زمین می کنی که در آن فساد و خونریزی می کنند؟ چون می دانستند که خلقت خلیفه تنها نخواهد بود. و مقصود این است که شاید آگاه شوند که خداوند متعال چه حکمتی در مقابل این فساد دارد حق متعال اسماء را (ظاهراً خصوصیات و حقائق موجودات) را به آدم تعلیم فرمود و ملائکه نمی دانستند و به آدم فرمود: آنان را از این حقائق آگاه نماید.

پس از آن، ملائکه دانستند راز آفرینش بشر و خلیفه الله را و اینکه فساد که از لوازم خلقت بشری است در مقابل خلقت (خلیفه الله) چیزی نیست، و بیان دلالت از چهار راه است.

1- می گویند و ظاهر کلام نیز چنین است که جمله اسمیّه دلالت بر دوام دارد یعنی جمله (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) (من در روی زمین خلیفه و جانشینی قرار دهنده هستم، این جمله تمام اعصار و ازمه را خواهد گرفت).

2- بودن علّت قرار دادن خلیفه ای که تدارک فساد جامعه بشری باشد به وجود جانشین خدا در روی زمین که عالم به حقائق موجودات است در همه اعصار، زیرا فساد جامعه بشری در اعصار توسعه آن زیادتر و خیلی بیشتر است.

3- با قطع نظر از تدارک فساد بشری قابلیت درک حقائق موجودات و تعلیم آن به فرشتگان دائم و همیشگی است، پس باید این لطف دائم باشد چون فائده آن دائم و همیشگی است.

4- از آیه شریفه معلوم می شود که ممکن است یکی از موجودات بشری به قدری بلند پایه باشد که عارف به حقائق موجودات بوده به حدّی که فرشتگان از او باید تعلّم نمایند. بنابر این باید همیشه موجود باشد چون با وجود قابلیت قطع فیض از واجب الوجود که آماده فیض است قبیح است و مسلماً افاضه می فرماید.

## 1/ ج ۱ / ۱۴۰۲ مرتضی حائری

### خلاصه بحث

ظهور و بروز کرامات از ناحیه مقدسه، دلیل روشن دیگری است بر وجود حضرت مهدی (علیه السلام) این کرامات به وفور در زمان های مختلف و اماکن و بلاد متعدد مشاهده شده، هر صاحب خردی حکم می کند که در پشت پرده، شخصی که از ولایت الهیه برخوردار است وجود دارد و به دو مطلب قرآنی اشاره شد ۱ - باطل دوام ندارد ۲ - باطل نمی تواند با حق مقابله کند تا چه رسد از طریق باطل کسی بخواهد خود را رسول و سفیر الهی معرفی کند.

پس استغاثه به عنوان حجت خدا و ولی خدا و جواب گرفتن و مشاهده الطاف آن بزرگوار نمی توان گفت: دست باطل در کار است و این بروز و ظهور کرامات از طرف غیر حجت خدا است.

و سپس به نمونه از اینگونه الطاف بی شمار که از ناحیه مقدسه بقیة الله اعظم صادر گردید اشاره شد یعنی لطفی که از جانب ولی الله اعظم حضرت مهدی ارواحنا فداه به اسماعیل هرقلی شد و نیز به نمونه در عصر حاضر اشاره شد که مربوط می شود به توجه عنایات حضرت به خانم متقی و در خاتمه، نامه ای که از حضرت استاد آیت الله شیخ مرتضی حائری (قدس سره) به ستاد برگزاری جشن های میلاد حضرت مهدی (علیه السلام) فرستاده و از آیه) **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** (استدلال نموده برای لزوم حجت خدا در هر عصر از اعصار نقل شد.

### سوالات گفتار چهارم

1- چطور از ظهور کرامات می توان به وجود صاحب الزمان و حجت خدا پی برد؟

2- از آیه ۱۷ سوره رعد چه برداشت می شود؟

3- از آیات ۷۴ تا ۸۲ سوره یونس چه برداشت می شود؟

4- اسماعیل هرقلی در حله به چه کسی مراجعه نمود؟

5- اطباء درباره بیماری اسماعیل چه گفتند؟

6- امام (علیه السلام) به اسماعیل چه فرمود؟

7- شفا یافتن اسماعیل در عصر کدام خلیفه از خلفای عباسی بود؟

8- محدث بزرگ شیخ حرّ عاملی بعد از نقل حکایت اسماعیل هرقلی چه می گوید؟

9- همسر آقای متقی به چه مرضی مبتلا شد؟

10- امام زمان به خانم متقی چه فرمود؟

11- آقای متقی به عنوان تشکر از عنایت امام زمان چه کرد؟

12- دکتر دانشور در این باره چه گفت؟

13- خلاصه گفتار را بیان نمائید.

**گفتار پنجم**

**استغاثه و توسل**

**به خاندان عصمت و طهارات**

**و حضرت مهدی ارواحنا فداه**

**استغاثه و توسل به ذوات مقدسه**

در بحث ظهور و بروز کرامات امام عصر سؤالی مطرح می شود و آن اینکه اگر خداوند به بعضی از بندگان برگزیده و ممتاز خود قدرت فوق العاده ای مرحمت کند و او بتواند دردها را درمان کند و استغاثه ها را جواب بدهد آیا با مسئله توحید منافات دارد؟

**سنت لا یتغیر الہی**

خداوند متعال جهان را بر اساس اسباب و مسببات قرار داده است. اگر کسی گرسنه شد باید به سراغ غذا برود و اگر تشنه شد باید به آب پناه ببرد و اگر بیمار شد به سوی دارو و درمان برود . . .

و این خداوند متعال است که این خواص را درون گیاهان و ریشه درختان قرار داده یعنی در روغن زیتون و عسل و سیب و انجیر و گل گاو زبان و سبزیجات و میوه جات و . . . خاصیت درمانی قرار داده است و همچنین در زهر و سمّ مار خواصی را به ودیعه گذارده که می تواند بعضی از دردهای صعب العلاج بشری را درمان کند.

اینک سؤال این است که اگر کسی دنبال این اسباب برود، آیا مورد سرزنش عقلا قرار می گیرد؟ و آیا می توان گفت که بر خلاف دستورات شرع مقدس حرکت کرده است؟ و آیا می توان به او نسبت شرک داد و بگویم این عمل با توحید منافات دارد؟ قطعاً جواب این سؤالها، منفی است.

پیروان مکتب اهل بیت و شیعه اثنا عشریه مدعی هستند که بر اساس ادله فراوان خداوند متعال به نفوس قدسیه همانند انبیاء عظام و ائمه اطهار (علیهم السلام) قدرتی داده که دیگران فاقد آن می باشند.

و سپس بندگان را به آن ها ارجاع داده و با این بزرگان عالم خلقت مرتبط ساخته است.

### ادله ای که این مدعا را ثابت می کند

قرآن با صراحت تمام برای بعضی از انبیاء و بلکه انسان های ممتاز این قدرت فوق العاده را بیان نموده و آن ها را دارای نیروی تصرف در جهان خلقت معرفی می نماید، در این رابطه به دو نمونه اشاره می شود.

1- در رابطه با حضرت مسیح (علیه السلام) آمده است؟ **أَنْتَ قَدْ جِئْتَنَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَمُنِي أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبرئ الأكمه والأبرص وأحي الموتى بإذن الله وأنبئكم بما تأكلون وما تدخرون في بيوتكم إن في ذلك لآية لكم إن كنتم مؤمنين.**

«من نشانه ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده ام، من از گل چیزی به شکل پرنده می سازم سپس در آن می دمم و به فرمان خدا پرنده ای می گردد، و با اذن خدا کور مادر زاد و مبتلایان به برص یعنی پیسی را

بهبودی می بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم و از آنچه می خورید و در خانه های خود ذخیره می کنید، به شما خبر می دهم، مسلماً در اینها، نشانه ای برای شما است اگر ایمان داشته باشید.»

حضرت عیسی می فرماید من گل را به صورت کبوتر و پرنده می سازم و من در آن می دمم من کور مادر زاد و بیمار مبتلا به برص را شفا می دهم و من مرده را زنده می کنم و بالاخره من از غیب به شما خبر می دهم منتهی این قدرت را خداوند در وجود من قرار داده و برای به کارگیری آن نیز با اذن و رضایت او بکار گرفته می شود. پس معلوم می شود خداوند به ایشان این قدرت و توان را داده و اگر بندگان مبتلای خود را به این انسان های ممتاز ارجاع بدهد مانعی ندارد؟

آیا می توان گفت: بهره گیری از خواص گل گاوزبان برای درمان مانعی ندارد اما پناه بردن به حضرت عیسی برای بهره گیری از قدرت نفسانی و الهی او شرک محسوب می شود!!

2- در سوره مبارکه نمل حکایت خبر آوردن هدهد را برای سلیمان بازگو می کند، و سلیمان را از مملکتی به نام سبا و پادشاه آن به نام بلقیس و از اوضاع و احوال حکومت و مملکت مطلع می سازد. سلیمان به اطرافیان خود می گوید: کدام یک از شما تخت او را برای من حاضر می کنید قبل از این که آنها تسلیموار پیش من آیند؟ فردی که از طائفه جنیان بود و قرآن از آن به (عفریت) نام برده گفت: من آن را می آورم قبل از اینکه از جای خود برخیزی اما انسانی که به تعبیر قرآن به او علم و دانشی داد شده بود به حضرت سلیمان گفت: پیش از آنکه چشم بر هم بزنی آنرا نزد تو خواهم آورد.

در روایات آمده آن شخص عاصف بن برخیا بود و نکته قابل توجه این است که فردی عادی از چنین قدرتی برخوردار است و می تواند در جهان خلقت دخل و تصرف کند و به چشم برهم زدنی تخت بلقیس را از فرسخ ها فاصله حاضر کند و حضرت سلیمان هم از قدرت و توان او استفاده می نماید و می فرماید: **يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا** (ای بزرگان کدام یک از شما تخت او را برای من می آورید» معلوم می شود که صاحبان چنین قدرتی در بین حاضرین متعدّد بوده اند.

آیا خداوند متعال این قدرت فوق العاده را به بعضی از بندگان خود داده که هیچ استفاده از آن نشود؟ یقیناً این طور نیست حضرت سلیمان از آنها خواست که این کار را برای او انجام دهند و واژه توسل چیزی غیر از این نیست که از بزرگی و صاحب نفسی و صاحب قدرتی بخواهیم که ما را کمک نماید. با توجه به اینکه این افراد بزرگ تمام قدرت و توانائی آنها از جانب خدا است ما که به آنها مراجعه می کنیم معتقدیم که آنها هر چه دارند از خدا است و خودشان نیز اعتراف می کنند که ما هر چه داریم از جانب خداوند است و لذا این قدرت خدادادی را در مسیر غیر رضای خداوند به کار نمی گیرند. بنابراین استمداد و کمک خواهی از این افراد هیچ گونه تضادی با مسأله توحید ندارد.

### دور نمائی از قدرت و توانائی ائمه اطهار(علیهم السلام)

اگر نگاهی به روایات کتاب اصول کافی باب الحجۃ در رابطه با علم و توانائی های ائمه (علیهم السلام) داشته باشیم و مضامین زیارت ها مخصوصاً زیارت جامعه کبیره را در نظر بگیریم می توان تصویر و یا شبحتی از وفور علم و قدرت و توانائی آنها در ذهن ایجاد کنیم.

در این گفتار کوتاه فقط به دو نکته در این خصوص اشاره می شود:

محدث بزرگ شیخ کلینی در اصول کافی (باب الحجۃ) (روایاتی نقل نموده که اسم اعظم الهی دارای ۷۳ جزء است و ۷۲ جزء آن در اختیار ائمه اطهار(علیهم السلام) است.

و حال آنکه عاصف بن برخیا که توانست تخت بلقیس را با یک چشم برهم زدن مقابل سلیمان حاضر کند از یک جزء اسم اعظم برخوردار بود، تفاوت ره از کجاست تا به کجا!!

دوم: مقایسه بین آیه): **قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ.**

با آیه): **قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ.**

مفسرین شیعه می گویند مراد از) **مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** (حضرت علی بن ابی طالب(علیه السلام) است و روایات هم در این رابطه متعدد وارد شده مخصوصاً علامه طباطبائی در المیزان<sup>(129)</sup> با دلیل محکم و قاطعی ثابت می کند که مراد از) **مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** (کسی غیر از علی(علیه السلام) نمی تواند باشد.



و روایتی را از ابی سعید خدری نقل می کند<sup>(130)</sup> و می گوید: به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) عرض کردم: مراد از آیه) **قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ** (کیست؟ فرمود: وصی برادرم، سلیمان بن داود. عرض کردم یا رسول الله مراد از آیه) **قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** (کیست؟ فرمود: برادرم علی بن ابیطالب (علیه السلام).

این روایت و نظیر آن بیان می کند که در صدر اسلام نیز مقایسه بین این دو آیه در بعضی از اذهان مطرح بوده است. آری در آیه اول (علم) نکره است و به مختصر علم از کتاب نیز اطلاق می شود، اما در آیه دوم با اضافه شدن علم به (الکتاب) (که الف و لام دارد و مفید عموم است مراد تمامی علم کتاب خواهد بود. برای روشن شدن مطلب به یک مثال توجه کنید اگر گفته شود: آبی از دریا، می توان آنرا به قطره ای از آب دریا اطلاق کرد اما اگر گفته شود آب دریا فقط در جائی به کار می رود که تمامی آب دریا را اراده کرده باشیم.

آری پیش عاصف علمی از کتاب بود اما علی بن ابی طالب (علیه السلام) (از تمام علم کتاب برخوردار می باشد.

شاعر می گوید:

**میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است**

و شاید همین مطلب باعث شده که از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) (سؤال می شود مراد از) **مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** (کیست و مراد از) **مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** (کیست، بنا بر این باید اعتراف کرد:

اگر مقداری از علم کتاب که در نزد عاصف بود و توانست آن قدرت نمائی را بکند و خواسته سلیمان را جامه عمل بپوشاند مولای متقیان علی بن ابیطالب (علیه السلام) چه قدرتی خواهد داشت؟!)

و به حمد الله مظاهر این قدرت نمائی ها به وفور از ائمه اطهار مشاهده شده و با کمترین توجه خود مهمترین مشکلات را حل نمودند که صدها نمونه آن در کتب مسطور است.

به ذره گر نظر لطف بو تراب کند به آسمان رود و کار آفتاب کند

### نسبت ناروا به موحدین

متأسفانه گروهی از مسلمانان که در این قرون اخیر پیدا شده و معروف شده اند به فرقه وهابیت<sup>(132)</sup> مسئله توستل را شرک دانسته و به پیروان قرآن جاهلانه و یا مغرضانه مشرک اطلاق می کنند گرچه خوشبختانه قاطبه اهل سنت با آنان هم فکر و همراه نیستند. ولذا لازم است برای رفع اتهام از پیروان اهل بیت و آگاهی بخشیدن به وهابی ها اگر زمینه تنبّه در آنها وجود داشته باشد و یا لا اقل اتمام حجت بیشتر برای آنان، به نکاتی اشاره کنیم.

### ملائکه و تدبیر عالم

قرآن در آیات فراوانی به مسؤولیت هایی که به ملائکه واگذار شده است اشاره می کند:

1- قبض ارواح ۲- سؤال در قبر ۳- با نفع صور اول همگان را می میرانند ۴- با نفع صور دوم تمامی را زنده می کنند ۵- وضع میزان در قیامت ۶- سوق انسان ها به جهنم و بهشت ۷- نزول وحی و دفع شیاطین از مداخله در آن ۸- تأیید و تقویت مؤمنین در جنگ ۹- استغفار برای تطهیر صاحبان ایمان ۱۰- نشر و انتشار ابرها.

و در سوره نازعات آمده) **فَالْمُدَبِّرَاتِ أُمْرًا** (که تدبیر امور و حوادث عالم به دست اینها است.

در این مورد تفاوتی ندارد بگوئیم: مراد مطلق ملائکه است - که در تفسیر المیزان این قول را نسبت داده به اکثر مفسرین و بعضی ادعای اتفاق کرده اند - یا بگوئیم: مراد ملائکه چهارگانه هستند که هر یک تدبیر بخشی از جهان هستی را در اختیار دارند.

علامه طباطبائی بحثی را مطرح می کند تحت عنوان) **انَّ الْمَلَائِكَةَ وَسَائِطَ فِي التَّدْبِيرِ** (که می فرماید: ملائکه و فرشتگان هم در ابتداء خلقت اشیاء و نیز حوادث کنونی دنیا و هم در عالم آخرت و حتی در مسائل نزول وحی و تشریح و ... کار ساز بوده اند و خداوند تدبیر این امور را به آنها واگذار کرده است.

و سپس می فرماید: وساطت ملائکه و سببیت آنها برای تحقق یافتن حوادث امور مهم در جهان خلقت منافات با توحید ندارد زیرا سببیت آنها در طول سببیت پروردگار است (نه در عرض آن).

جای بسی تعجب است که اگر خداوند متعال این قدرت و امکانات را در اختیار یک انسان الهی همچون انبیا و اولیا قرار دهد، یعنی آن انسانی که معلم و مسجود ملائکه قرار گرفت باید گروهی فریاد برآورند که اینگونه اعتقاد و فکر و اندیشه شرک است!! و با توحید منافات دارد؟

### نحوه تعلیم و تربیت قرآن در این رابطه

قرآن گاهی به طور دستور و امر و گاهی به نحو نقل حکایت از انبیا که منادیان توحید بودند مردم را برای رفتن به سوی الله و پیمودن راه کمال و آمرزش گناهان و بهبود یافتن بیماران به خانه انبیاء و بزرگان و مقربان درگاه ربوبی، ارجاع می دهد و مسئله توسل را مطرح می نماید.

در یک جا به طور عام صاحبان ایمان و تقوی را برای رفتن به سوی خدا به تمسک و توسل یافتن به وسیله دستور می دهد و می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ** (ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بپرهیزید، و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید).

وسيله چیزی است که باعث تقرب جستن انسان به مطلوب و خواسته اش می باشد و لذا ایمان و جهاد و نماز و صوم و زکات و ... می توانند وسیله برای تقرب الی الله قرار گیرند.

و نیز می تواند وسیله استمداد نمودن از مقام والای اولیای الهی باشد. در بعضی روایات وارد شده: **إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ آخَذَ بِحُجْرَةِ رَبِّهِ وَنَحْنُ آخِذُونَ بِحُجْرَتِهِ وَأَنْتُمْ آخِذُونَ بِحُجْرَتِنَا** <sup>(135)</sup> رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به وجود پروردگار تمسک می کند و ما ائمه به وجود پیامبر و شما به وجود ما تمسک می نمائید (و نیز آمده: در تفسیر آیه) **وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ: (تَقَرَّبُوا إِلَيْهِ بِالْإِمَامِ،** به وسیله امام به خدا نزدیک شوید.

### توسل به ذوی القربی و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (در منابع اهل سنت

موضوع توسل و روایات در این رابطه در منابع روایی شیعه به قدری روشن است که نیاز به نقل احادیث نیست مهم بررسی این موضوع از دیدگاه اهل سنت و روایات آنان است.

در تفسیر نمونه<sup>(137)</sup> از کتاب وفاء الوفاء تالیف دانشمند معروف سنی (سمهودی) نقل شده که مدد گرفتن و شفاعت خواستن از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از مقام ایشان، هم پیش از خلقت او جایز است و هم بعد از تولد و هم بعد از رحلتش. و سپس به توسل نمودن آدم ابوالبشر به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اشاره می کند. و نیز از نسائی و ترمذی دو دانشمند معروف اهل سنت به عنوان شاهد برای جواز توسل نقل کرده، نایبائی از پیامبر درخواست دعا برای شفاء بیماری اش کرد حضرت فرمود این گونه بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي فِي حَاجَتِي لِتَقْضِيَ لِي،** مضمون این دعا این است که یا رسول الله ما به تو روی آورده ایم برای رفتن به سوی خدا در رابطه با قضاء حاجاتمان.

و نیز سمهودی اضافه می کند که شخصی در زمان خلافت عثمان یعنی بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد کنار قبر پیامبر و با همان جملات قبل **(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ . . .)** به حضرت توسل یافت و مشکل او حل شد. نویسنده مذکور ۲۶ حدیث در این رابطه نقل می کند.

که در بعضی از آنها از امام شافعی پیشوای معروف اهل تسنن نقل می کند که به اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) توسل می جسته و چنین می گفته:

**أَلُ النَّبِيِّ ذَرِيَعَتِي وَهُمْ إِلَيَّ وَسِيلَتِي أَرْجُو بِهِمْ أَعْطَى عَدَاً يَبْدُ الْيَمِينِ صَحِيفَتِي**

و نیز از تفسیر روح المعانی تالیف آلوسی که یکی از مفسرین معروف و مشهور اهل سنت است نقل شده که ایشان بعد از بحث طولانی در موضوع توسل و تجزیه و تحلیل آن می نویسند: من هیچ مانعی در توسل به پیشگاه خداوند به مقام پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی بینم چه در حال حیات حضرت و چه بعد از رحلت ایشان، سپس اضافه می کند: توسل جستن به مقام غیر پیامبر نیز مانعی ندارد به شرط اینکه او حقیقتاً در پیشگاه خدا مقامی داشته باشد.

در کتاب شبهای پیشاور<sup>(140)</sup> از حافظ ابو نعیم و ثعلبی و دیگران از اهل سنت نقل می کند که مراد از (وسيله) در آیه شریفه، عترت و اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد.

و سپس از ابن ابی الحدید نقل می کند: که فاطمه زهرا(علیها السلام) در قضیه غصب فدک در حضور مهاجر و انصار (در مقام معرفی خودشان و نیز اشاره به تفسیر و تأویل آیه شریفه) فرمود: **أَحْمَدُ اللَّهِ الَّذِي لِعَظَمَتِهِ وَنُورِهِ يَبْتَغَى مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ، وَتَحَنُّنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ** (حمد می کنم خدائی را که آن قدر بزرگ و عظیم است و نور وجودش شدت دارد که تمامی موجودات آسمانی و ارضی باید برای رفتن به سوی او وسیله و واسطه برای خود فراهم آورند و ما عترت پیامبر، آن وسیله ها هستیم.)

نظیر این جمله نیز در میزان از ابن شهر آشوب نقل شده که علی بن ابیطالب(علیه السلام) در توضیح و تفسیر آیه) **وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ** (فرمود: **أَنَا وَسِيلَتُهُ**) آن وسیله که مردم باید به واسطه آن به سوی خدا حرکت کنند من می باشم.)

### آمزش گناهان از طریق توسل

مقربان درگاه الهی ارجاع می دهد و می فرماید: **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَعْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا** <sup>(142)</sup> (اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می کردند به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.)

نظیر این آیه در اواخر زیارت جامعه کبیره آمده که خطاب به ائمه اطهار (علیهم السلام) می گوئیم: **يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ**، ای ولی خدا من گناهی کرده ام که مشمول رحمت و لطف الهی قرار نمی گیرم مگر اینکه شما خانواده از من خوشنود شوید.)

### فرزندان یعقوب از پدر تقاضای دعا می کنند

فرزندان یعقوب بعد از آگاهی یافتن از برادرشان یوسف و با پیدا شدن ایشان تمامی گناهان آنها ظاهر گردید با شرمساری فراوان به نزد پدر آمدند و عرض کردند: **قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ** <sup>(143)</sup> ای پدر از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطا کار بودیم.

حضرت یعقوب نفرمود: خودتان مستقیماً از خدا طلب مغفرت نمائید اگر این عمل بوی شرک می داد یقیناً حضرت یعقوب که منادی توحید و دشمن سر سخت شرک است می فرمود خودتان از خدا بخواهید چرا از من می خواهید و می گوئید: **يَا أَبَانَا؟** اما آن حضرت در جواب فرمود: **سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي**»<sup>(144)</sup> (به زودی برای شما طلب مغفرت خواهم کرد).

این گونه آیات کاملاً دلالت دارد بر این که قرآن توسل و استغاثه به کسانی را که در نزد پروردگار مقامی دارند تجویز نموده و بلکه بر آن تحریر و ترغیب می نماید.

### پیراهن یوسف کارسازی می نماید

قرآن از قول حضرت یوسف نقل می کند: **ادْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَإِنَّهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بِصِيرًا**<sup>(145)</sup> (پیراهن من را ببرید و بر صورت پدرم بگذارید تا بینا شود وقتی پیراهن را آوردند بر صورت پدر گذاشتند بلا فاصله بینا شد).

این آیه و واقعه دلالت می کند که متعلقات بزرگان و مقربان درگاه الهی از قبیل لباس و قلم و . . . کار ساز است تا آن جایی که همین اشیا می تواند چشم نابینائی را بینا کند.

اگر بگویند پیراهن یوسف در زمان حیات او چنین عملی را انجام داده ولی پس از مرگ او چنین استغاثه و توسلی جایز نیست باید گفت آیا توجه به غیر خدا در زمان حیات بزرگان عالم جایز است و شرک نیست اما در زمان فوت آنان شرک محسوب می شود؟!

بعضی از بزرگان اهل سنت گفتند توسل به نام پیامبر و اهل بیت طاهرین او (علیهم السلام) آن هم هزاران سال قبل از ولادت ایشان برای آدم کارسازی کرد و موجب قبول توبه او گردید، **فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ**.

**رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ** (ابو حنیفه عرض کرد به خدا سوگند گویا این دو آیه را در قرآن نخوانده ام و اکنون از شما شنیدم! امام صادق (علیه السلام) فرمود: چرا هم خوانده ای و هم شنیده ای منتهی خداوند درباره تو و امثال تو فرموده) **:أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَفْغَالًا**. (و نیز فرموده) **:كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ**.<sup>(149)</sup>

## نکته ای در باب توسل

گرچه دانستیم که در مشکلات و سختی ها و نیز آمرزش گناهان از بزرگان و مقربان درگاه الهی می توان استغاثه کرد و از آنها مدد گرفت اما باید بدانیم که مهم ترین توسل ما به ائمه (علیهم السلام) پیروی کردن از آنان و راه و روش آنها را دنبال کردن است که گاهی در کلمات ائمه مشاهده می شود که از این افراد تعریف و تمجید فراوان به عمل آمده و حتی در غیبت کبری نعمت عظمای تشریف به خدمت ولی الله اعظم برای این انسان های مطیع و پیرو ائمه دست داده که یک نمونه بسیار بارز و روشن آن تشریف حاج علی بغدادی به خدمت حضرت بقیه الله اعظم امام زمان (علیه السلام) می باشد.

امام هشتم (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: امامان از نسل حسین (علیه السلام) هستند **مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ هُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَهُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى** هر کسی از اینها پیروی کند از خدا پیروی نموده و کسانی که باینها مخالفت نمایند با خدا مخالفت کرده اند و اینها آن دستگیره محکم و وسیله مستحکم می باشند برای راه یابی و تقرب جستن بسوی خداوند.

این روایت دلالت می کند بر این که توسل یافتن حقیقی به ائمه اطهار (علیهم السلام) همان پیروی کردن از اوامر و نواهی آنها است و اگر ائمه (علیهم السلام)، وسیله ما برای رفتن به سوی خدا می باشند مراد همان پیروی از دستورات آنان می باشد.

## خلاصه بحث

به مناسبت بحث ظهور کرامات از ناحیه مقدسه و نیز معمول بودن توسل یافتن به امام زمان عجل الله فرجه الشریف در بین اهل ایمان خوب است که بحث توسل از جهت قرآن و روایات و عقل ریشه یابی شود.

در ابتدا گفتیم که اگر خداوند، قدرت و امکاناتی را در تحت اختیار افرادی قرار دهد و سپس مردم را برای رفع گرفتاری به آنها ارجاع دهد منافاتی با توحید ندارد کما اینکه در گیاهان، خواصی را قرار داده و بیماران را به آن ارجاع می دهد.

و سپس برای اثبات این مطلب از دیدگاه قرآن و روایات، به دو آیه اشاره شد:

1- عیسی بن مریم (علیها السلام) می گوید: من به اذن الهی بیماری پیسی و کوری را شفا می دهم و مردگان را زنده می کنم.

2- واقعه آوردن تخت بلقیس به وسیله عاصف، آن هم به یک چشم به هم زدن.

و در روایات نیز به دو نکته اشاره شد:

**اول:** روایات می گوید: اسم اعظم الهی ۷۳ جزء دارد و ۷۲ جزء آن نزد ائمه (علیهم السلام) است و حال آن که در نزد عاصف یک جزء از آن بود که توانست آن گونه قدرت نمایی کند.

**دوم:** مقایسه ای بین آیه) **قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ (با آیه) مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** (و اشاره شد به روایتی که ابو سعید خدری از رسول خدا نقل می نماید.

فرقه وهابیت که در قرون اخیر پیدا شده با مسئله توسل مخالفند، آن ها می گویند خداوند متعال قدرت و نیروئی به مخلوقات خود نداده است. اما آیات فراوانی داریم که بیانگر قدرت ملائکه است تا جائی که تدبیر در جهان خلقت می نمایند.

به عقیده وهابیان، استغاثه از دیگران در قرآن و اسلام نیامده است. در جواب باید گفت: اولاً قرآن دستور می دهد که برای رفتن به سوی خدا وسیله بجوئید. و از برخی بزرگان اهل سنت مانند ابو نعیم و ثعلبی نقل شده که مراد از (وسیله) در آیه شریفه عترت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. و نیز در آیه ۶۴ نساء آمده که برخی از گنه کاران تا استغفار نکنند و پیامبر نیز برای آنها استغفار نکند خداوند آنها را نمی آمرزد و همچنین فرزندان یعقوب از پدر تقاضای دعا و استغفار نمودند و گفتند: **يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا . . .** اگر توسل منافات با توحید داشت قطعاً یعقوب که از منادیان توحید است این نحوه توسل را محکوم می نمود. علمای اهل سنت نظیر سمهودی در وفاء الوفاء و نسائی و ترمذی و آلوسی و ابن ابی الحدید به توسل کردن تصریح می کنند و آن را منافی توحید نمی دانند. در قرآن با صراحت آمده که پیراهن یوسف باعث بینائی پدر یعنی یعقوب گردید. در خاتمه به دو نکته اشاره شد، اول: حدیثی بسیار ارزنده که امام صادق (علیه السلام) در جواب به ابو



حنیفه بیان نموده .دوم: توسل به ائمه(علیهما السلام) منحصر به استغاثه جستن به آن ها نمی شود بلکه بهترین توسل اقتداء نمودن به افعال و کردار ائمه(علیهما السلام) و به کارگیری فرامین و دستورات آنان است.

## سوالات گفتار پنجم

- 1- اگر خداوند متعال خاصیتی را در گیاهی قرار داد و بیمار برای استفاده از آن خاصیت به آن گیاه روی آورد، مشرک است؟
- 2- خداوند به عیسی بن مریم(علیها السلام) چه قدرتی داده بود؟
- 3- سلیمان از حاضرین در مجلس چه درخواستی کرد؟
- 4- عاصف در جواب سلیمان(علیه السلام) چه گفت؟
- 5- اسم اعظم دارای چند جزء است و چه مقدار از آنها در نزد ائمه اطهار(علیهم السلام) است؟
- 6- تفاوت بین (الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ) (با) مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ چیست؟
- 7- ابو سعید خدری از رسول خدا چه پرسید؟
- 8- وهابیت در چه مملکتی و بر چه مبنایی شکل گرفت؟
- 9- مقداری از قدرت و نیروهای فرشتگان را بشمارید.
- 10- بعضی از بزرگان اهل سنت را که مسئله توسل را تجویز نمودند نام ببرید.
- 11- حضرت زهرا(علیها السلام) در رابطه با وسیله بودن عترت پیامبر(صلی الله علیه و آله) چه فرموده؟
- 12- مفاد آیه ۶۴ سوره نساء چیست؟

13- فرزندان یعقوب از پدر چه تقاضائی نمودند؟

14- چشمان یعقوب چگونه بینا شد؟

15- ابو حنیفه چه اشکالی به امام صادق (علیه السلام) نمود و حضرت چه جوابی داد؟

16- بهترین توسلات به ائمه (علیهم السلام) کدام است؟

17- خلاصه بحث را بیان نمائید؟

### گفتار ششم

### پیرامون غیبت

### امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

### غیبت حضرت مهدی (علیه السلام)

مسئله غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) یکی از مباحث مهم مهدویت است. بحث غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا دویست و پنجاه سال عصر ائمه (علیهم السلام) در کلام یکایک این معصومین مطرح بوده . . . زراره می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: **إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ** <sup>(151)</sup> . . . برای حضرت قائم غیبتی خواهد بود. و حتی به نحوه غیبت که ابتدا کوتاه و سپس دراز مدت خواهد بود اشاره شده است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: **لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ أَحَدُهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ** <sup>(152)</sup> . . . و تا آنجا مسئله غیبت مورد توجه خاص و عام بوده که گروهی از روایان و اصحاب ائمه (علیهم السلام) که معمولاً احادیث

را جمع آوری می کردند هرگاه روایات مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) را در رساله ای نقل می کردند، نام آن رساله را (کتاب الغیبة) می گذاردند که به برخی از آنها ذیلاً اشاره می شود:

- 1- کتاب غیبت، تألیف ابوالحسن طاطاری از اصحاب امام کاظم (علیه السلام).
- 2- کتاب غیبت، تألیف ابوالفضل ناشری معاصر با امام جواد (علیه السلام).
- 3- کتاب غیبت، تألیف حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی همزمان با امام رضا (علیه السلام).
- 4- کتاب غیبت، تألیف ابراهیم بن صالح انماطی.
- 5- کتاب غیبت، تألیف علی بن حسن فضال از اصحاب امام هادی و عسکری (علیهما السلام).
- 6- کتاب غیبت، تألیف اعرج کوفی.

بزرگانی که بعد از ولادت حضرت و بعد از غیبت صغری پیرامون حضرت کتاب نوشته اند نام کتاب خود را (کتاب الغیبة) گذارده اند که به چند نمونه اشاره می شود:

1- کتاب غیبت، تألیف فضل بن شاذان نیشابوری که به گفته محدث نوری بعد از ولادت حضرت تألیف شده و به گفته صاحب کتاب الذریعة تألیف کتاب مقارن با وفات امام عسکری (علیه السلام) و آغاز غیبت صغری بوده است.

2- کتاب غیبت شیخ مفید متوفای ۴۱۳.

3- کتاب غیبت سید مرتضی متوفای ۴۳۶.

4- کتاب غیبت شیخ طوسی متوفای ۴۶۰.

شیخ بزرگ صاحب کتاب الذریعة نام ۴۲ کتاب را می برد که دانشمندان شیعه پیرامون غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) کتاب نوشته اند و نام کتاب خود را (غیبت) نهاده اند.

علامه مجلسی نیز از دانشمندان متأخر که جلد سیزده بحار را به وجود اقدس امام زمان (علیه السلام) اختصاص داده به (غیبت بحار) معروف شده است.

### عنایت حضرت مهدی (علیه السلام) (به موضوع غیبت)

شخص امام عصر (علیه السلام) به بحث غیبت عنایت خاصی دارد زیرا شیخ صدوق (قدس سره) که یکی از ارکان محدثین شیعه و از بزرگان جهان تشیع و فقاہت است در مقدمه کتاب کمال الدین و تمام النعمه<sup>(155)</sup> می نویسد: مدتی در نیشابور توقف داشتم، حال آنکه زن و فرزند و برادران همه در شهر ری بودند و شبی در فکر رفته بودم که چرا اینگونه اتفاق افتاده (ظاهراً این جدائی باعث غم و غصه ایشان شده بود و برایش مشکل ایجاد کرده بود) و با همین فکر بخواب رفتم و در عالم رؤیا دیدم که در مسجدالحرام هستم و مشغول طواف کردن در اطراف بیت بودم و بعد از شوط هفتم استلام حجر نمودم و دعای آن را خواندم: **أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ**، «این امانت و پیمان من است با تو، تا در موقعش به آن شهادت دهی»، آنگاه مولایم صاحب الزمان را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده بود و من با حالی پریشان به نزد ایشان رفتم. حضرت به چهره من نگاه کرد و فرمود: چرا در باب غیبت کتابی تالیف نمی کنی تا اندوهت زائل گردد؟ عرض کردم: یابن رسول الله رساله هائی تالیف نموده ام (اشاره به اینکه در خلال مباحث و تألیفات در این موضوع نیز بحث کرده ام)، حضرت فرمود: کتابی مستقل پیرامون غیبت بنویس و غیبتی که برای بعضی از انبیا رخ داده در آن کتاب متذکر شو، شیخ صدوق می نویسد وقتی بیدار شدم تا طلوع فجر به دعا و گریه پرداختم و چون صبح دمید به تألیف این کتاب مشغول شدم.

### چند سؤال پیرامون غیبت امام:

#### آیا غیبت حضرت با تبیین احکام منافات ندارد؟

سؤال اول: آیا غیبت حضرت منافات با تبیین احکام و تشریح مسائل اسلامی ندارد؟ با این که یکی از وظائف امام و حجّت الهی، تبیین احکام است.

باید گفت: گرچه حضور حضرت و دسترسی به حجت خدا، برکات فراوانی دارد که یکی از آن ها اخذ احکام از سرچشمه زلال ولایت و امامت است ولی غیبت حضرت هیچ اختلالی در آشنائی مردم با حلال و حرام و آگاهی از مسائل مختلف اسلام ایجاد نمی کند زیرا اصول اساسی اسلام و احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و نیز سایر ابعاد آن در طول رسالت پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) و نیز در عصر امامان معصوم(علیهم السلام) (تا سال ۲۶۰ هجری) که در جامعه حضور داشتند با تمام مشکلاتی که از ناحیه خلفاء جور و دشمنان متوجه آنان بود( تبیین گردید و به مرحله تدوین رسید.

به طوری که امروزه صاحب نظران و محققان اسلامی به وسیله این منبع عظیم علوم و آثاری که از این ذوات مقدسه به دست ما رسیده قادرند در تمامی ابعاد اسلامی جوابگو بوده باشند و حتی در مسائل مستحدثه یعنی مسائلی که با پیشرفت علم و صنعت برای افراد جامعه مطرح می شود با الهام گرفتن از اصولی که از ائمه رسیده، حکم الهی و یا لا اقل وظیفه مکلفین را بیان نمایند و بالاتر اینکه اگر زمینه یک حکومت واحد جهانی برای فقیه جامع الشرائط فراهم آید به برکت همین آیات و روایات و علوم واصله از ائمه اطهار قدرت و توانائی اداره آن را خواهد داشت.

پس غیبت امام عصر (علیه السلام) منافاتی با تبیین احکام و آگاهی مکلفین بهوظائف خود ندارد.

### **فلسفه غیبت چیست؟**

سؤال دوم: برای غیبت حضرت مهدی چه دلیل و فلسفه را می توان مطرح کرد؟

پاسخ: آنچه مسلم است غیبت بر اساس حکمت الهی صورت گرفته و ما به همه اسرار آن واقف نیستیم عبد الله بن فضل هاشمی میگوید شنیدم که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: برای صاحب این امر (یعنی حضرت قائم) غیبتی خواهد بود که گروهی به شک می افتند. به امام صادق عرض کردم غیبت ایشان برای چیست؟ حضرت فرمود: مأدون نیستیم که جهت آنرا بیان کنیم.

عرض کردم: در غیبت امام چه حکمتی است؟ حضرت فرمود: حکمت غیبت نمودن حجج الهیه در زمان های قبل می باشد و همانگونه که حکمت کارهای خضر معلوم نشد مگر موقع جدا شدن موسی از خضر. سپس امام صادق(علیه السلام) فرمود: ای پسر فضل، مسئله غیبت یکی از اسرار الهی است.

و چون خدا را حکیم می دانیم باید اعتراف کنیم که غیبت نیز دارای حکمتی استگرچه به حسب این روایت راز و رمز واقعی و علت واقعی غیبت امام (علیه السلام)، بعد از ظهور حضرت کشف خواهد شد.

البته با توجه به یک مطلب تاریخی شاید بتوان مقداری به سرّ غیبت پی برده و احتمالاً کلام امام صادق (علیه السلام) را که فرمود: حکمت غیبت بعد از ظهور حضرت معلوم می گردد. ناظر به آن دانست، و آن این است که: حکومت اسلامی توسط پیامبر عزیز اسلام (صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) پیاده شد تا جلوه های آن را بشر ببیند و از غیر آن بیزار گردد و در زیر لوای این حکومت عدل، ابعاد مختلف مسائل اسلامی اعم از مسائل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، در جامعه تحقق یابد.

اما از سوی مردم برای اینگونه حکومت آمادگی وجود نداشت. اگر مردم آماده پذیرش آن بودند امام غائب نمی شد و به اجرای قانون الهی می پرداخت و حکومت عدل اسلامی سراسر جهان را فرا می گرفت و بعید نیست بعضی از روایاتی که قیام و ظهور قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) را نزدیک معرفی می کند<sup>(158)</sup> و یا امر به انتظار نموده و در تمام اعصار مردم را به حال آماده باش در می آورد برای این است که اگر مردم احیاناً حالت پذیرش پیدا کردند بلا فاصله حضرت ظهور خواهد کرد.

خواجه نصیر الدین طوسی در کشف المراد می نویسد<sup>(159)</sup> سبب غائب شدن امام از انظار، خود مردم می باشند و علامه حلی اعلی الله مقامه در مقام شرح و توضیح این عبارت می نویسد:

تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ<sup>(162)</sup> (می فرماید: جنب الله امیر المؤمنین علی (علیه السلام) و نیز اوصیاء بعد از او هستند تا می رسد به آخرین آنها که حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد و زمان ظهور، مردم انگشت ندامت به دندان می گزند و می گویند: وای بر ما که چه کوتاهی کردیم نسبت به امامان خود و نیز کوتاهی و سهل انگاری کردیم در فراهم آوردن زمینه برای حکومت عدل آنان.

البته معنای اینکه می گوئیم مردم موجب غیبت امام عصر (علیه السلام) شده اند آن نیست که افرادی نیستند که حضرت را یاری نمایند و مطیع و منقاد ایشان نباشند بلکه مراد حدّ نصابی است که برای ظهور آن حضرت لازم است زیرا بسیاری از شایستگان همیشه آماده ظهور بوده و هستند اما جامعه بشریّت این آمادگی را در حدّ نصاب دارا نیست با توجه به اینکه انقلاب حضرت مهدی (علیه السلام) یک انقلاب منطقه ای و جزئی نیست بلکه حضرت می خواهد جوامع بشری را از شرقی و غربی همه و همه را اصلاح نماید و اگر در چنین شرائطی

حضرت ظهور کند قطعاً حکومت و انقلاب عظیم و جهانی ایشان محقق نخواهد شد و لذا غیبت ادامه پیدا می کند و غیبت صغری به غیبت کبری منتهی می گردد و خداوند به وسیله غیبت، امام زمان را از قتل حفظ می نماید تا زمینه ظهور حضرت فراهم آید و آمادگی در جامعه حاصل گردد.

### فواید حجت غایب از نظر

سؤال سوم: چه نفعی بر وجود حجت مستور و غایب از انظار مترتب است؟

به اعضای بدن<sup>(164)</sup> که با تعطیل شدن قلب، تمامی اعضاء از کار می افتند و نیز ارتباط موجودات عالم با وجود حجت خدا همانند ارتباط کرات منظومه شمسی است نسبت به خورشید.

امام سجاد (علیه السلام) می فرمود: ما پیشوایان مسلمین و حجت بر اهل عالم و سادات مؤمنین و رهبر نیکان و صاحب اختیار مسلمین هستیم ما باعث امان برای اهل زمین هستیم به واسطه ماست، آسمان بر زمین فرود نمی آید اگر ما روی زمین نبودیم اهلش را فرو می برد و سپس فرمود: از روزی که خدا آدم را آفرید تا حال هیچگاه زمین از حجت خالی نشده منتهی گاهی حجت ظاهر بوده و گاهی مستور تا قیامت نیز از حجت خالی نخواهد شد.

سلیمان که راوی خبر است می گوید به امام سجاد (علیه السلام) عرض کردم مردم چگونه از وجود امام غایب منتفع می گردند؟ فرمود: همانگونه که از خورشید در موقعی که زیر ابر است بهره می برند<sup>(166)</sup> در علوم طبیعی و فلکی ثابت شده که خورشید مرکز منظومه شمسی است و جاذبه آن حافظ زمین و سایر کرات منظومه از سقوط می باشد و حرارت آن سبب حیات و زندگی حیوانات و نباتات و انسان ها است و نورش روشنی بخش زمین می باشد و این فواید مهم خورشید بر وجود آن مترتب می گردد خواه در پشت ابر باشد یا ظاهر.

رشد و نمو موجودات زنده، تغذیه و تولید آنها، حسّ و حرکت و جنبش، آبیاری زمین های مرده، غرّش امواج دریا، وزش حیات بخش بادهای، ریزش زندگی آفرین باران و برف، صدای زمزمه آبشارها، نغمه های مرغان، زیبایی خیره کننده گل ها، گردش خون در عروق انسان ها، و طپش قلب ها، عبور برق آسای اندیشه از لابلائی پرده های مغز و هزاران فعل و انفعالات در جهان طبیعت تماماً وابسته است به وجود خورشید و شعاع آن، خواه

خورشید ظاهر باشد و خواه پشت ابرها پنهان. بله گاهی مشاهده می شود که قسمتی از آثار نیاز به تابش مستقیم خورشید دارد اما اینگونه آثار در مقابل آثار وجود خورشید و شعاع آن خواه ظاهر باشد یا پشت ابر بسیار ناچیز است.

### خلقت جهان وابسته به وجود این ذوات مقدسه است

اساس خلقت وابسته به این ذوات مقدسه است. شاهد بر این مطلب کلام رسول خدا است که خطاب به علی (علیه السلام) می فرماید: **يَا عَلِيُّ لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ.**

امام صادق (علیه السلام) همین مطلب را در قالب شعر بیان نموده و ائمه (علیهم السلام) را اینگونه معرفی می نماید:

**فِي الْأَصْلِ كُنَّا نُجُومًا يُسْتَضَاءُ بِنَا وَفِي الْبَرِّيَّةِ نَحْنُ الْيَوْمِ بُرْهَانُ**

**نَحْنُ الْبُحُورُ الَّتِي فِيهَا لِغَائِصِهَا دُرٌّ تَمِينٌ وَيَأْقُوتُ وَمَرَجَانُ**

**مَسَاكِينُ الْخَلْدِ وَالْفِرْدُوسِ نَمَلِكُهَا وَنَحْنُ لِلْخَلْدِ وَالْفِرْدُوسِ حُزَّانُ**

**مَنْ شَدَعْنَا فَبِرْهُوتُ مَكَاتِهِ وَمَنْ أَتَانَا فَجَنَاتُ وَرِضْوَانُ**

از رهگذر خاک سر کوی شما بود هر نافه که بر دست نسیم سحر افتاد

علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید: **يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقِي إِلَيَّ الطَّيْرُ** چشمه های زلال و آب حیات بخش از قله رفیع وجود من سرا زیر می شود و بشریت سیراب می گردد.

سیل برکات هستی از منبع قیاض به قله رفیع این ذوات مقدسه ریخته می شود و سپس از آنجا به سایر ممکنات اصل می گردد و این مطلب در دعای عدیله اینگونه تعبیر شده: **يَبِيْمُنِهِ رُزْقَ الْوَرَى وَبِوُجُودِهِ ثَبَّتَتْ**



الأرضُ والسَّماءُ، آری خداوند بزرگ چنین مقامی را به این بزرگان عطا کرده و آنان را واسطه فیض رسانی خود قرار داده با اینکه می توانست خود شخصاً فیوضات را به مخلوقات برساند) **وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ** (و این مطلب هیچگونه با توحید منافات و تضادی ندارد.

### هدایت معنوی امام در تمامی حالات

نیز آیه): **وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَّمَجٍ بِالْبَصَرِ**<sup>(172)</sup> (بیان شده که عالم امر عالم تجرّد است و وقایع و حوادث در آن عالم دفعی است و تدریج و تدرّج که از لوازم عالم خلق است در آنجا نیست.

با این مقدمات معلوم می گردد که مقام امامت گذشته از ارشاد و هدایت ظاهری، یک نوع هدایت و جذب معنوی است که با نورانیت و بصیرتی که خداوند متعال به او عطا نموده در دل های آماده و شایسته تأثیر و تصرف می نماید و این صاحب‌دلان را به سوی کمال، و اصل می نماید و به اصطلاح، آنها را هدایت به معنای ایصال الی المطلوب می کند.

علامه طباطبائی (قدس سره) در کتاب شیعه در اسلام خود<sup>(173)</sup> در رابطه فواید وجود امام در حال غیبت می فرماید:

کسانی که اعتراض می کنند که شیعه وجود امام را برای بیان احکام دین و حقایق آیین و راهنمایی مردم لازم می دانند و غیبت امام ناقض این غرض است زیرا امامی که به واسطه غیبتش مردم هیچگونه دسترسی به وی ندارند فایده ای بر وجودش مترتب نیست ... به حقیقت معنای امامت پی نبرده اند.

زیرا در بحث امامت روشن شد که وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردم نیست و امام چنانکه وظیفه راهنمایی صوری مردم را به عهده دارد همچنان ولایت و رهبری باطنی اعمال را به عهده دارد و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم می کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می دهد، بدیهی است که غیبت و حضور جسمانی امام در این باب تاثیری ندارد و امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد اگر چه از چشم جسمانی ایشان مستور است و وجودش پیوسته لازم است اگر چه موقع حضور و اصلاح جهانیش تا کنون نرسیده است.

## توضیح کلام علامه طباطبائی در نفوذ معنوی امام (علیه السلام)

می دانیم خورشید یک سلسله اشعه مرئی دارد که از ترکیب آن ها با هم هفت رنگ معروف پیدا می شود و یک سلسله اشعه نامرئی که به نام (اشعه فوق بنفش) و اشعه (مادون قرمز) نامیده می شود. همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریحی که از طریق گفتار و رفتار تعلیم و تربیت عادی صورت می گیرد، یک نوع تربیت روحانی و از راه نفوذ معنوی در دل ها و فکرها دارد که می توان آن را تربیت تکوینی نام گذارد در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار نقشی ندارد بلکه تنها جاذبه و کشش درونی کار می کند.

در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می خوانیم که گاهی بعضی افراد منحرف و گناهکار با برخورد و ارتباطی اندک با آن ذوات مقدسه، به کلی تغییر مسیر می دادند و از گمراهی و ضلالت به سوی نور و صراط مستقیم هدایت می شدند.

این دگرگونی های تند و سریع و همه جانبه، این انقلاب های جهش آسا و فراگیر آن هم با یک نگاه یا ارتباطی اندک (البته برای آنها که در عین آلودگی، یک نوع آمادگی نیز دارند) نتیجه جاذبه ناخود آگاه است که گاهی از آن به نفوذ شخصیت تعبیر می شود.

اشخاصی با یک برخورد و ملاقات با افرادی که دارای روح بزرگ و عالی بودند چنان بی اختیار و ناخود آگاه تحت تأثیر آن قرار می گیرند که کاملاً متحول می شوند.

این تأثیر گذاری قابل توجیه نیست مگر اینکه بپذیریم که این تأثیر گذاری نتیجه شعاع اسرار آمیزی است که از درون ذات انسان های بزرگ برمی خیزد.

برخورد (اسعد بن زراره) با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کنار خانه کعبه و تغییر جهت مسیر و طرز تفکر او و با توجه به اینکه دشمنان سر سخت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نام آن حضرت را ساحر می گذاردند و مردم را به خاطر آن از نزدیک شدن به او باز می داشتند، مع ذلک این افراد جذب به حضرت می شدند و شیفته ایشان می گردیدند اینها همه حاکی از نفوذ شخصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در افراد مختلف است.

همچنین آنچه درباره تأثیر کلام امام حسین (علیه السلام) روی فکر (زهیر) در مسیر کربلا نقل شده و یا کشش عجیب و فوق العاده که (حر بن یزید ریاحی) در خود احساس می کرد و با تمام شجاعتش می لرزید و سرانجام او را به صف شهدای کربلا وارد ساخت و یا داستان جوانی که در همسایگی (ابو بصیر) زندگی می کرد و با پول فراوانی که از خدمت گذاری به دستگاه بنی امیه به دست آورده بود و به عیش و نوش مشغول بود، ولی با یک پیام امام صادق (علیه السلام) بکلی دگرگون شد و مسیر خود را عوض کرد و نیز توفیق عجیبی که برای عالم جلیل القدر سید شبر در تألیفات رخ می دهد و می گوید: تماماً به برکت توجه امام کاظم (علیه السلام) است که در عالم رؤیا قلمی به من داد و فرمود: اکتب، (بنویس) از آن وقت این برکت در قلم و تألیفات من پیدا شد<sup>(174)</sup> و عنایت و توجهی که امام صادق به (مفضل بن عمرو) کرد و تمامی اسرار موجوداتی که در جلسات متعدّد برای او بیان کرده بود در لحظه در سینه و ذهنش حاضر گردید، همه و همه نشانه ای از همین تأثیر ناخودآگاه است که می توان آنرا شعبه ای از ولایت تکوینی پیامبر و امام دانست.

استاد بزرگوار ما فقیه عالیقدر حضرت آقای شیخ مرتضی حائری (قدس سره) وقتی توجه امام صادق (علیه السلام) را به مفضل بن عمرو بیان نمود فرمودند: لحظه ای از اینگونه توجهات ائمه را نمی توان با شصت سال دویدن مقایسه کرد.

### **به ذره گر نظر لطف بو تراب کند به آسمان رود و کار آفتاب کند**

ما قطب های مغناطیس زمین را با چشم خود نمی بینیم ولی اثر آن ها را روی عقربه های قطب نما، در دریاها و صحراها و آسمان ها که راهنمای بشریت است و میلیون ها مسافر را به مقصد میرساند کاملاً مشاهده می کنیم. اگر این قطب های مغناطیسی اینگونه بتواند هزاران عقربه قطب نما را هدایت کند؛ آیا جای تعجب است اگر گفته شود (آنهم بر اساس آیات قرآن و دلیل و برهان) حضرت مهدی (علیه السلام) در پشت پرده غیبت با امواج معنوی و جاذبه وجودی خویش، افکار و جان های زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند هدایت می کند؟!

**خدمات حضرت به جامعه در زمان غیبت**

گرچه دو فایده ای که برای وجود امام غائب مطرح شد بسیار مهم و ارزنده بود با این وجود حضرت شخصاً و گاهی بهوسیله اُعوان و انصار مخصوص خود در امور اجتماعی و داد رسی از بیچارگان و رفع مشکلات از آحاد جامعه و احیاناً رفع مشکلات که برای جامعه مسلمین و یا شیعیان پیش می آید، اقدام می نماید.

اصولاً معنی و مفهوم غایب بودن حجّت خدا انزوا نمودن و کناره گیری از کارهای اجتماعی نیست بهترین شاهد برای این مطلب حکایت ملاقات موسی بن عمران که ولّی ظاهر بود با ولّی غائب از انظار که به نام خضر معروف است این مرد الهی به گونه ای بود که حتّی موسی با او آشنا نبود و تنها با راهنمائی خدا او را شناخت و از عملش بهره گرفت.

چنانکه می فرماید: **فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا \* قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَبَعَكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا**<sup>(175)</sup> (موسی و همراهش با بنده ای از بندگان ما که او را مشمول رحمت خود قرار داده بودیم، و از جانب خویش به او علمی آموخته بودیم، در کنار دریا آشنا شد موسی به ایشان گفت: آیا اجازه می دهی همراه تو باشم تا از علوم رشد آفرین خود بما بیاموزی.

قرآن سپس شرحی از کارهای مفید و سودمند آن شخص را بیان می کند که کاملاً دلالت می کند بر اینکه مردم از آثار و برکات او بهره مند بوده اند با اینکه کاملاً مستور از انظار بوده تا جائی که حضرت موسی هم او را نمی شناخت و از جایگاه او مطلع نبود.

### **ولّی غائب که معلم حضرت موسی بود**

حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) با راهنمائی پروردگار با خضر آشنا می گردد و از او تقاضای مصاحبت و استفاده از علم و دانش وی را می کند.

قطعاً این شخص که فردی همچون موسی بن عمران، از وی می خواهد که از او بهره مند شود باید از اولیاء خدا باشد و از نظر علم برتر و به راز و رمز عالم آگاه تر باشد (ولو در بعضی از علوم و فنون) که وقتی موسی از او اجازه می خواهد که پیروی او را بکند و از علوم او استفاده کند در جواب می گوید: تو نمی توانی با من صبر کنی، چگونه خواهی توانست کارهایی را که از اسرار آنها خبر نداری تحمل نمائی؟

بررسی حالات این ولی خدا که از دیدگان پنهان بوده در همان چند لحظه کوتاه از زندگی حساس او که با حضرت موسی گذرانده است (از قبیل سوراخ کردن کشتی و کشتن طفلی که ظاهراً تقصیری نداشت و ساختن دیوار در کنار دهی که أهل آن حاضر نشدند مقداری غذا به آنها بدهند که شرح آن در سوره مبارکه کهف آمده) ما را به نکاتی آشنا می سازد:

1- این ولی زمانی پنهان از دیدگان بود، کسی او را نمی شناخت و اگر خدا او را معرفی نمی کرد کسی با او آشنا نمی شد بنابراین این شرط ولی خدا بودن، این نیست که حتماً مردم او را بشناسند.

2- این ولی خدا با اینکه از دیدگان غایب و پنهان بود هرگز از حوادث زمان و اوضاع جهان غفلت نداشت و بر اساس ولایتی که از جانب خداوند به او داده شده بود در اموال و نفوس تصرف می کرد و در خیر و مصلحت عباد اقدام می نمود.

3- نکته جالب اینکه نه تنها خود او غایب بود بلکه تصرفات او نیز از دیدگان عادی پنهان بود، اگر مردم و سرنشینان کشتی از تصرف او و معیوب ساختن کشتی آگاه می شدند هرگز به او اجازه نمی دادند که دست به چنین کاری بزنند و نیز اگر مردم شاهد قتل نفس او بودند هرگز رهایش نمی کردند و ... از اینکه او همه این کارهای شگفت آور را در دل اجتماع انجام داد و احدی متوجه کار او نشد می توان فهمید که نه تنها خود او پنهان بود بلکه تصرف او در اوضاع و حوادث نیز بر مردم پنهان بود، آنها تنها اثر فعل او را می دیدند نه کار او را.

4- هدایت و رهبری که از شئون اولیاء الهی است گاهی به صورت فرد سازی است و گاهی به صورت (جمع سازی) و نیز گاهی در ظاهر و گاهی در پنهان و خفاء انجام می گیرد. مگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نبود که حدود سه سال مخفیانه دعوت می کرد و وظیفه او (فرد سازی) بود و سپس مأمور به اعلان گردید و مگر حضرت نوح نبود که عرضه می دارد) **ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا** <sup>(176)</sup> (حقیقت توحید و راه مستقیم را برای آنان آشکارا و پنهان بیان کردم) که دعوت در خفا همان هدایت فرد است و فرد سازی.

مفاد آیه) **وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا** <sup>(177)</sup> (این است که: هر طور که خدا به امامان دستور می دهد آنان وظیفه هدایت را انجام می دهند چه پنهان و چه آشکارا.

حضرت ولی عصر (علیه السلام) نیز همانند خضر شخص ناشناخته ای است که اقدام به کارهای سودمندی برای بشریت و ضعفاء انجام می دهد پس غیبت امام به معنی انفصال وجدائی او از جامعه نیست.

### **عنایت ائمه (علیهم السلام) (به مشکلات دوستان خود**

واینکه می پردازیم به برخی از روایاتی که دلالت دارد بر کمک رسانی و توجه ائمه (علیهم السلام) برای رفع مشکلات مردم به طوری که برای مردم محسوس نبود.

رمیله می گوید: در زمان خلافت امیر المؤمنین (علیه السلام) تب شدیدی بر من عارض شد و چون روز جمعه رسید مقداری تب فرو کشید و با خود گفتم چیزی بهتر از این نیست که خود را شستشو بدهم و بروم پشت سر علی (علیه السلام) نماز گزارم همین که حضرت شروع به خطبه کرد تب شدت پیدا کرد بعد از نماز حضرت وارد دارالاماره شد و من نیز با ایشان داخل شدم حضرت به من توجهی کرد و فرمود: چرا ناراحتی و به خود می پیچی؟

حال خود را برای حضرت بیان کردم که تب شدیدی داشتم و امروز مقداری بهتر بودم و به نماز آمدم ولی مجدداً حالم سنگین شد حضرت فرمود: رمیله هیچ مؤمنی نیست که وقتی مریض می شود ما نیز برای مرض او مریض و برای حزن و اندوه او اندوهگین می شویم و آنان دعائی نمی کنند مگر ما برای استجاب آن آمین می گوئیم و اگر ساکت بماند ما برایشان دعا می کنیم.

رمیله می گوید: عرض کردم این مطلب مربوط می شود به دوستان و مؤمنانی که در همین شهر و در اطراف شما هستند؟ و حال آنکه دوستان شما و صاحبان ایمان در اطراف و اکناف عالم پخش هستند برای آنها چه عنایتی می شود؟

حضرت فرمود: هیچ مؤمنی در شرق و غرب این زمین نیست الا اینکه از حال او مطلع هستیم و از دید ما غائب نیست.

**کمک رسانی امام عصر (علیه السلام) (به مردم**

روایات و شواهدی که دلالت می کند بر کمک رسانی و توجه امام عصر (علیه السلام) در رفع مشکلات مستضعفان و شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) (فراوان است به یکی دو نمونه از آن ها اشاره می شود.

علی (علیه السلام) می فرماید: فتنه هایی که وقوع آن ها به شما خبر داده شده به زودی ظاهر می گردد. هر یک از خانواده ما که با آن فتنه ها برخورد کنند با چراغی روشن و بر روش پاکان و شایستگان حرکت نموده تا در نتیجه گره ها را بگشاید و ملت های اسیر را آزاد کند و گمراهان را پراکنده نماید<sup>(178)</sup> شارحین نهج البلاغه می گویند: مراد امام از جمله) **أَلَا وَ مَنْ أَدْرَكَهَا مِتًّا** (و (گره گشائی، آزاد نمودن اسیران ( . . . مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) است.

چون حضرت از کارهائی که آن فرد از اهل بیت در زمان وقوع فتنه انجام می دهد خبر می دهد: **فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ** ( . . . او پنهان از انظار به سر می برد به طوری که جستجوگران با تمام سعی و کوشش خود نمی توانند اثری از او بیابند، و یگانه فردی که از اهل بیت غایب از انظار می باشد حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد.

بر اساس روایات تمامی ائمه (علیهم السلام) اقدامات آشکار و پنهان در مسیر اصلاح جامعه مسلمین دارند. از احتجاج طبرسی نقل شده که حضرت مهدی (علیه السلام) می فرماید: **إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَوَلَا ذَلِكَ لَنَزَلِ بِكُمْ اللَّوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ.**

(ما در مراعات شما کوتاهی نمی کنیم و شما را فراموش نمی نمائیم، و اگر این نبود، شرّ و ناملایمات بر شما نازل می شد و دشمنان بر شما مستولی می گردیدند).

بعد از نزول آیه) **أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** (جابر از رسول خدا می خواهد که مراد از این اولی الامر چه کسانی می باشند؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این حدیث نام دوازده جانشینان خود را می برد و می فرماید: اینها اولی الامر هستند و چون به دوازدهمین آنان می رسد می فرماید: نام او نام من و کنیه او کنیه من است و از انظار غایب است، جابر عرض می کند: آیا شیعیان از وجود ایشان بهره می برند؟ پیامبر فرمود: آری، سوگند به آن کسی که مرا به پیغمبری برانگیخت در دوران غیبت او، از نور او روشنی می

گیرند و به ولایت او بهره مند می شوند مانند خورشید که در پشت ابر است و مردم از نور او استفاده می کنند.

### نتیجه گیری از بحث گذشته

وجود مقدس امام زمان حضرت مهدی (علیه السلام) در پشت پرده غیبت مشغول راهنمایی ها دستگیری ها و . . می باشد و وظیفه خود را انجام می دهد و هرگز غایب بودن امام به معنای انزوا و کنار گرفتن از همه کارهای ارشادی و تعلیمی و اجتماعی . . . نخواهد بود.

### به این کلام معجزه آسا توجه کنید

ابو نصر که خادم امام عسکری (علیه السلام) می باشد می گوید: من روزهای اول ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) به خدمتشان رسیدم، صورت ایشان مثل قرص ماه روشنائی داشت. به او سلام کردم، جواب من را داد. ایشان به من نگاهی کردند و فرمودند: **أَتَعْرِفُنِي (آیا مرا می شناسی؟ گفتم) :أَنْتَ سَيِّدِي وَابْنُ سَيِّدِي ( تو آقای من، فرزند آقا و مولای منی فرمود: نه، این مقدار نخواستم، عرض کردم پس چه؟ فرمود) :أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ بِي يَرْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ شِيعَتِي (من خاتم اوصیاء هستم یعنی همان کسانی که یکی پس از دیگری آمدند و حافظ نظام عالم بودند، من آخرینشان هستم که بعد از من دیگر کسی به این عنوان و با این منصب نخواهد آمد، و به وجود من، از شیعیان بلا دفع می شود.**

**روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست منت خاک درت بر بصری نیست که نیست**

**ناظر روی تو صاحب نظرانند ولیک بوی گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست**

**وجود رهبر و امام اگر چه غائب باشد موجب بقاء مکتب خواهد بود**

محاسبات عقلی و اجتماعی ثابت می کند که اعتقاد به وجود امام اگر چه غایب از انظار بوده باشد اثر عمیقی در تداوم آیین و مذهب خواهد داشت. زیرا هر جامعه ای که برای خود سازمان و تشکیلاتی دارد، وجود رهبر



برای آن ضروری است اگر چه آن رهبر به عللی محبوس و زندانی یا در تبعید و یا بیمار باشد، چرا که مردم در این هنگام دست به دست هم داده و به کارهای خود ادامه می دهند و به مجرد این که رهبر از دنیا برود، تفرقه و پراکندگی و تشتت قوا در میان آنها حکم فرما خواهد شد.

در جنگ احد، زمانی که صدایی به اشتباه و یا غرض ورزی بلند شد: **أَلَا قَدْ قُتِلَ مُحَمَّدٌ** (محمدکشته شد) اتحاد و پیوستگی مسلمین از هم گسسته شد و هر کدام به گوشه ای گریختند و به محض اینکه مطلع شدند که پیامبر زنده است (و آن صدای قبلی شیطانی و دروغ بوده) بار دیگر از گوشه و کنار به صحنه نبرد آمدند و دفاع را از سر گرفتند.

به طور کلی در میدان های نبرد، تلاش هر گروه آن است که پرچم خود را در برابر حملات دشمن برافراشته و در حال اهتزاز نگه دارند و سربازان دشمن می کوشند پرچم طرف مقابل را سرنگون نمایند زیرا برافراشته بودن پرچم به سربازان دلگرمی می بخشد و مهمتر از پرچم، مقرر فرماندهی است که اگر آن نابود شود یک لشکر عظیم و بزرگ، متلاشی می گردد.

## گانندی در زندان

رهبر یک جنبش عدالتخواهی اگر چه در میان پیروان خود نباشد می تواند موجب فشردگی و به هم پیوستگی صفوف معتقدان به نهضت باشد.

به عنوان مثال در نهضت هندوها که منجر به استقلال هندوستان شد رهبر آن ها (گانندی) در زندان دشمن و دولت استعمارگر بود. اما نهضت «عدم همکاری با دولت استعمارگر بریتانیا» با شدت ادامه یافت. مردم هند گانندی را در میان خود نمی دیدند، اما گانندی زنده بود و نفوذ و قدرت معنوی او همچنان مردم هند را به هم پیوند می داد و از این نمونه در نهضت ها بسیار فراوان است. در عصر خودمان شاهد بودیم که امام خمینی را به بورسای ترکیه تبعید کردند و مردم از ایشان خبری نداشتند اما می دانستند که زنده است و نهضت ادامه داشت و پانزده سال با نبود رهبر در میان مردم روز به روز بر وحدت و پیوستگی مردم افزوده شد تا شاه مجبور به فرار شد و امام(قدس سره) (به وطن بازگشت).

اثر اعتقاد شیعه به حیات امام عصر(علیه السلام)

شیعیان بر اساس عقیده ای که به وجود امام(علیه السلام) وزنده بودن او دارند هر چند او را در میان خود نمی بینند، اما خود را تنها نمی دانند و در هر لحظه و ساعت به انتظار ظهور او نشسته و با امید فراوان او را می خوانند.

### امام غائب آگاه از حالات و اعمال شیعیان است

علاوه بر همه فواید وجود حضرت مهدی (علیه السلام) در زمان غیبت، که هر یک از اهمیّت زیادی برخوردار است، اینک به فایده دیگری اشاره می شود و آن این که طبق اعتقاد شیعه که برگرفته از روایات فراوان است، امام به طور مداوم در دوران غیبت مراقب حال پیروان خویش است و با تکیه بر یک الهام الهی و ولایت و نیرویی که خداوند به آن ها عطا نموده از وضع اعمال شیعیان آگاه می گردد و به تعبیر روایات، همه هفته و طبق بعضی از روایات هر روز برنامه اعمال آن ها به نظر مبارک امام می رسد و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آن ها آگاه می شود.

این عقیده اولاً سبب می شود که همه معتقدان و علاقه مندان به مقام والای امامت و ولایت در یک حال مراقبت دائمی قرار گیرند و به هنگام ورود در هر کاری توجه به آن «نظارت عالی» داشته باشند و اثر تربیتی این باور، بسیار زیاد و قابل توجه است و ثانیاً بر مبنای این عقیده، رهبر و امام ما، نه فقط زنده است و با ظهور خود عدل و قسط را در جهان بر پا می نماید، بلکه او از حالات ما و مشکلات فردی و اجتماعی ما آگاه است و برای اصلاح امور دوستان و پیروان خود اقدام خواهد نمود.

### خلاصه گفتار ششم

مسئله غیبت مورد توجه خاص پیامبر و ائمه اطهار(علیهم السلام) بوده و لذا در کلمات خود به غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) و کیفیت آن اشاره نموده اند و عده ای از اصحاب ائمه و نیز بزرگانی مانند شیخ مفید و شیخ طوسی کتاب غیبت تألیف نموده اند و حکایت تألیف کتاب کمال الدین بیانگر توجه ویژه حضرت مهدی به مسئله غیبت است. سپس در رابطه با غیبت، سؤالاتی مطرح شد:

1- آیا غیبت امام منافات با تبیین احکام دارد؟

در پاسخ گفته شد: البته اگر حاضر بودند بهتر و شفاف تر بیان احکام می شد اما چون ائمه (علیه السلام) کلیات احکام را بیان نمودند و مجتهدین می توانند وظائف عباد را استخراج کنند لذا منافاتی در این رابطه وجود ندارد.

## 2- فلسفه غیبت چیست؟

طبق روایت عبدالله بن فضل هاشمی حکمت غیبت، بعد از ظهور معلوم می گردد، مع ذلک می توان گفت: علت و سبب غیبت خود مردم می باشند با اینکه گوشه ای از حکومت عادلانه را در تاریخ انبیا و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و چند سال حکومت حضرت علی (علیه السلام) دیدند ولی خود را برای تحقق یافتن چنین حکومتی برای همیشه آماده نمودند.

## 3- چه فائده ای بر وجود امام در حال غیبت مترتب می گردد؟

وجود امام و آثاری که بر آن مترتب می شود منحصر نیست به زعامت دینی و اجتماعی تا گفته شود با غیبت ایشان دیگر فایده ای برای وجود مستور حضرت نخواهد بود کما این که خورشید در حال مخفی شدن در پشت ابر فواید زیادی دارد و هرگز فایده آن منحصر نمی شود به تابش آفتاب همین تشبیه در روایات و من جمله در روایت سلیمان اعمش از امام سجاد (علیه السلام) آمده مگر نه این است که جرم خورشید جنبه محوری برای سیارات منظومه شمسی دارد؟ وجود امام طبق روایات فراوان در حفظ و نظام این جهان مؤثر است و در این رابطه به کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و اشعار امام صادق (علیه السلام) اشاره شد، و دیگر از فواید وجود حضرت هدایت و جذب معنوی است که بر نفوس اشراف دارد و بر دل های آماده تأثیر و تصرف می نماید که علامه طباطبائی (قدس سره) به این مطلب اشاره نموده و در توضیح کلام علامه به اشعه نامرئی خورشید و جذب قطب های مغناطیسی اشاره شد و سپس مواردی از هدایت های معنوی و جذب های باطنی که از پیامبر اکرم و ائمه صادر شده و برای ما معلوم گردیده، بیان گردید.

و از همه این ها گذشته حضرت مهدی شخصاً و یا به واسطه یاران خاص خود، شبانه روز در رفع مشکلات و داد رسی درماندگان و اصلاح امور مسلمین اقدام می نماید و جمع آوری حکایاتی که در این رابطه به ما واصل شده مستلزم تألیف چندین جلد کتاب خواهد بود، غایب شدن حجت خدا از انظار به معنای انزوای او از کارهای

فردی و اجتماعی نیست، و بهترین نمونه آن خضر است که در چند لحظه سه کار مهم را انجام داد و در سوره کهف شرح آن آمده و ما نیز به پنج نکته در این رابطه اشاره نمودیم، امام زمان و دیگر ائمه کارهای ناپیدایی در مسیر اصلاح امور مسلمین و ایجاد جذبه های معنوی دارند که چند حدیث در این رابطه نقل شد.

در خاتمه اشاره کردیم که وجود و حیات امام و رهبر اگر چه در زندان و تبعید باشد و یا در پس پرده غیبت به سر ببرد، روح بخش و باعث امید امت و پیروان خویش خواهد بود. خصوصاً آن رهبر و امامی که از حالات فردی و اجتماعی دوستان خویش با خبر باشد.

### سؤالات گفتار ششم

- 1- برای اهمیت مسئله غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) در نظر أهل بیت (علیهم السلام) به کلامی از ایشان اشاره نمایید.
- 2- یکی از کسانی که قبل از ولادت حضرت مهدی (علیه السلام)، کتاب غیبت نوشته نام ببرید؟
- 3- در کتاب الذریعة نام چند نفر از علماء که کتابی تحت عنوان (غیبت) نوشته اند، ذکر گردیده است؟
- 4- چه چیزی باعث شد که شیخ صدوق (قدس سره) کتاب کمال الدین را تألیف نمود؟
- 5- فلسفه غیبت چیست؟ و مراد خواجه طوسی که فرموده: **وَعَدَمُهُ مِنَّا** چه می باشد؟
- 6- چند مورد از فایده های وجود امام (علیه السلام) را در زمان غیبت ذکر کنید.
- 7- در روایات فایده وجود حضرت در زمان غیبت به چه چیزی تشبیه شده است؟
- 8- علامه طباطبائی فایده وجود حضرت را چگونه ذکر کرده است؟
- 9- یکی از مواردی که ائمه اطهار با جذبه معنوی و هدایت باطنی، یاران خود را راهنمایی کرده اند بیان کنید؟

10- خدمات حضرت مهدی در زمان غیبت به آحاد جامعه را بیان کنید.

11- حضرت خضر در زمانی که با حضرت موسی همراه بود چه کارهایی انجام داد؟

12- از حکایت موسی و خضر پنج نکته برداشت می شود به یکی از آنها اشاره کنید.

13- حدیث رمیله چه مطلبی را به ما می آموزد؟

14- روایتی مبنی بر کمک رسانی حضرت مهدی (علیه السلام) در زمان غیبت ذکر کنید.

15- ابو نصر از زمان صباقت حضرت مهدی (علیه السلام) چه مطلبی را نقل نموده؟

16- اعتقاد به حیات و زنده بودن رهبر و امام برای پیروانش چه فایده دارد؟

17- خلاصه بحث را بیان کنید؟

### گفتار هفتم

### پیرامون طول عمر

### حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### مسئله طول عمر

در این جا سؤال پیش می آید که اگر حضرت مهدی (علیه السلام) از سنه 255 تا به حال در قید حیات باشد قهراً عمری بیش از هزار سال خواهند داشت آیا این طول عمر را می توان قبول کرد؟ و آن را با قوانین و قواعد طبیعی منطبق ساخت؟ و آیا مدارک و ادله اسلامی آن را تأیید می نماید؟

شیعه و نیز عده کثیری از علماء اهل سنت بر اساس ادله ای که در دست است و به آن ها اشاره خواهیم کرد فرمودند: طول عمر کاملاً قابل قبول است و با مدارک شرعی و نیز قوانین طبیعی در تضاد نیست.

بعضی از اهل سنت می گویند: مهدی موعود در نزدیکی ظهور، به دنیا می آید و در آن عصر و زمان متولد می گردد. و گاهی مشاهده می شود که بعضی از این آقایان بدون تأمل و دقت در این مسئله حمله ای شدید به شیعه کرده و آنها را به جهل و نادانی نسبت داده اند و گفته اند: چگونه می توان به یک چنین مسئله عجیب و غریب یعنی طول عمر معتقد شد؟ منتهی فقط به استبعاد و استعجاب اکتفاء نموده و هرگز برای مدعای خود دلیلی اقامه ننموده اند.

در جواب این سؤال گرچه بزرگان و اندیشمندان از جهات مختلف داد سخن داده و موضوع طول عمر و امکان آن را از دیدگاه علم و وحی توضیح داده اند که می توانه کتاب های بحار الانوار و کمال الدین و کنز الفوائد (البرهان علی صحة طول عمر الامام صاحب الزمان) و منتخب الاثر و نوید امن و امان و داد گستر جهان و . . . مراجعه نمود.

### آیا شگفت آور بودن می تواند دلیل بر انکار شود؟

اولاً: عجیب بودن چیزی نمی تواند دلیل بر امتناع و محال بودن آن چیز شود، بسیاری از امور است که به مراتب عجیب تر از طول عمر است ولی به آن معتقد هستیم مثلاً خلقت انسان از خاک و نطفه و القاء روح به آن. منکرین معاد، بازگشت انسان را عجیب دانستند و گفتند:

(إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ<sup>(182)</sup>) هنگامی که ما مردیم و خاک و استخوان شدیم آیا برانگیخته خواهیم شد؟! و یا احیاناً استخوان پوسیده را در قبرستان پیدا می کردند و به دست می گرفتند و با استعجاب زیادی می گفتند: مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ<sup>(183)</sup> (چه کسی این استخوان ها را زنده می کند در حالی که پوسیده است؟!)

قرآن در جواب این افراد می گوید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ . . .<sup>(184)</sup> (ای مردم اگر در رستخیز شک دارید ما شما را از خاک آفریدیم در واقع می گوید استعجاب، دلیل بر

انکار قیامت نخواهد شد زیرا از وقوع قیامت و بازگشت انسان ها در عالم آخرت عجیب تر خلقت انسان ها از خاک و از عدم است. روزی که خاک بودیم خداوند قادر متعال به ما لباس وجود پوشاند و به ما چشم و گوش و زبان داد و نیروی فکر و شعور و عقل مرحمت کرد حال که به این مرحله رسیدیم برای بار دوّم نمی تواند ما را برای روز بازپسین برگرداند؟!

### اسرار پنهان خلقت

اصولاً اسرار و راز و رمز خلقت برای بشر معلوم نشده نیروی الکتريسته که از آن فواید فراوان برده می شود در متن این خلقت بوده است اما پس از قرن ها مردم به وجود آن پی بردند و اگر به آنها گفته می شد که نیرویی در آینده کشف می شود که هم آب را مبدّل به یخ می کند و هم آن را به جوش می آورد و هم روشنایی می دهد و هم نیروی محرّکه می شود و . . . انکار می کردند. امروزه بعضی گمان می کنند که بشر به بام علم و صنعت فرار گرفته و از یک سو دل اتم را شکافته و از سوی دیگر کهکشان ها را مشاهده می کند و فاصله بین اجرام سماوی را اندازه گیری می کند. اما اهل بینش و دانش اعتراف می کنند که ما آگاهی و علم ناچیزی نسبت به خلقت داریم و به تمام اسرار و شگفتی های جهان خلقت آگاه نیستیم. دانشمند محقّقی که سالیان دراز پیرامون اسرار خلقت بدن و جسم انسان مطالعه می کند و عمر خود را در این راه به کار می گیرد کتابی تحت عنوان (انسان موجود ناشناخته) می نویسد بنابر این چگونه می توان به مجرد اینکه چیزی در نظر ما عجیب آمد آنرا انکار کنیم؟

قرآن به تمامی انسانها، نوابغ و صاحبان فکر و اندیشه خطاب می کند و می فرماید:

(وَمَا أَوْتِيْتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيْلًا)<sup>(185)</sup> (جز اندکی از دانش به شما داده نشده است).

این جمله را آنگاه می فرماید که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از حقیقت روح سؤال می شود در جواب گفته می شود روح از عالم آمر و فرمان الهی است و شما از دانش اندکی بهره مند گردیده اید. یعنی انسان از حقیقت خود و روح و نفس خود که شبانه روز با آن عجین است بی خبر است چه رسد به اسرار مخلوقات و

جهان خلقت، و با وجود آگاهی اندک انسان از راز و رمز جهان خلقت چطور می تواند چیزی را که باعث تعجب او گردیده، انکار کند و آن را نفی نماید<sup>(186)</sup>؟!

### تلاش برای افزایش عمر انسان

مسئله طول عمر و حتی نگه داشتن انسان را در شرایط و نشاط جوانی از مدّت ها پیش مورد توجه اطّبا و صاحبان فکر و اندیشه قرار گرفته و پیرامون آن آزمایش ها، و مقالات فراوانی از خود به جای گذاردند، و تا کنون کسی طول عمر و طولانی نمودن آن را محال و غیر ممکن ندانسته است.

دکتر فورد نوف یکی از مشاهیر پزشکان که راجع به امکان طولانی کردن عمر و تازه کردن جوانی در روی حیوانات آزمایش های فراوانی نموده می گوید: ششصد آزمایش موفقیت آمیز انجام داده ام و اطمینان می دهم که در آینده نزدیک تجدید قوای پیران و برطرف ساختن گرد و غبار سالخوردگی و خمیدگی قامت آنها عملی خواهد شد، چنانچه دیررس ساختن پیری و طولانی کردن عمر با حفظ صحت قلب و دماغ تا آخر عمر بلکه تغییر صفات و شخصیّات و عادات ممکن خواهد شد.

زیست شناس معروف فرانسوی (بلوفر) در ضمن مطالعات مداوم خود پیرامون زنبور عسل متوجه مسئله حیرت انگیزی شد و آن طولانی بودن عمر ملکه زنبوران (یعنی عمر ملکه چهار صد برابر عمر دیگر زنبوران است) آن هم توأم با نیرومندی و جوانی.

وی در ضمن مطالعه دریافت که ملکه زنبوران از خوراک مخصوصی که توسط کارگران فراهم می آید در تمام عمر تغذیه می نماید در صورتی که دیگر زنبوران فقط در سه روز نخستین زندگی خود از این ماده اسرارآمیز برخوردارند.

آقای بلوفر این زیست شناس فرانسوی با مطالعات شبانه روزی خود برای رسیدن به رمز طول عمر ملکه و بالاخره با تجارب ۱۴ ساله خود ثابت کرد که علّت طول عمر ملکه زنبوران همان شهد شاهانه است که از مواد مخصوص (مثل کربن، هیدروژن، ازت، و ویتامین ب و . . .) ترکیب شده و حتی از این ترکیبات، ماده ای بنام (آپی سرم) ساخت و با تجویز آن در اشخاص فرسوده و پیران به نتایج حیرت آوری دست پیدا کرد.



(بلوفر) با اتکاء بر صدها تجربه اعلام داشت که تأثیر شهید شاهانه در انسان گو اینکه از پیری جلوگیری نمی کند ولی دوران جوانی را طولانی و توأم با تندرستی و نیرومندی می سازد.

چطور حیوانی همچون زنبور عسل بتواند برای طولانی شدن عمر ملکه خود به غذائی دست بیابد که عمر ملکه را به چهار صد برابر عمر عادی زنبوران افزایش دهد اما نسبت به انسان که اشرف مخلوقات است و آن هم حجت خدا که دارای علوم خدادادی می باشد؟ از استفاده غذائی که عمر او را طولانی کند جایز ندانیم؟!

بعضی از دانشمندان بر اساس آزمایش هائی که روی مگس های میوه انجام داده اند عمر آنها را به نصد برابر افزایش داده اند.

اگر چنین آزمایشی با موفقیت بر روی انسان داده می شود و عمر طبیعی انسان را هشتاد سال بگیریم به هفتاد و دو هزار سال خواهد رسید.

پس امکان عادی طول عمر در جهان علم صد در صد مورد قبول و غیر قابل انکار است.

### عمرهای طولانی در بعضی از افراد گیاهان و حیوانات

نه فقط در انسان، افرادی دیده شده که از عمر طولانی و غیر عادی برخوردار شدند، در سایر موجودات زنده مانند نباتات و حیوانات نیز افرادی دیده شده که از سایر انواع خود عمرهای طولانی تری پیدا کرده اند. مثلاً در کالفرنیا درخت کاجی است به طول سیصد قدم که محیط آن سی قدم می باشد و عمرش شش هزار سال است و یا ماهی هائی در اقیانوس اطلس در شمال اروپا دیده شده که عمر آنها را سه میلیون سال برآورد کرده اند و مارهائی که عمر چند هزار ساله دارند.

وجود افراد استثنائی نشان می دهد که برای عمر افراد، حد و مرزی که تخلف ناپذیر باشد وجود ندارد، درست است که اکثر انسان ها قبل از صد سالگی می میرند، ولی مأنوس بودن ما به این مقدار از عمر دلیل نمی شود که تجاوز از صد سال امکان ندارد زیرا افراد زیادی دیده شده که صد سال بیشتر زندگی کرده اند.

وجود انسان های صد و پنجاه ساله و صد و هشتاد ساله و دویست ساله که حتی در عصر خودمان گاه و گاه یافت می شوند دلیل روشنی است بر اینکه عمر انسان حدّ و مرزی ندارد، زیرا فرق نمی کند که انسان دویست سال زندگی کند یا دو هزار سال هر دو نامأنوس و غیر متعارف است.

### طول عمر از دیدگاه تاریخ

عمر طولانی از نظر تاریخ مورد تأیید است زیرا تاریخ افراد زیادی را نشان می دهد که از عمر طولانی برخوردار شده اند یکی از کتاب هائی که در خصوص اشخاص معمرین نوشته شده و از مآخذ و مصادر و کتب تراجم و رجالی به شمار می آید کتابی است که ابو حاتم سجستانی متوفای ۲۵۰ به نام (المعمرون) تألیف کرده و نیز کتاب (الآثار الباقیه) تألیف ابو ریحان بیرونی و نیز مسعودی مورخ مشهور عده ای از افراد را که دارای طول عمر بودند در کتاب خود نام برده از جمله: آدم ۹۳۰ سال - شیث 912 سال - انوش ۹۶۰ سال - قینان ۹۲۰ سال - مهلائل ۷۰۰ سال - لوط ۷۳۲ سال - ادریس 300 سال - متوشالح ۹۶۰ سال - نوح ۹۵۰ سال - ابراهیم ۱۹۵ سال - کیومرث ۱۰۰۰ سال - جمشید ۶۰۰ یا ۹۰۰ سال - عمر بن عامر ۸۰۰ سال و عاد ۱۲۰۰ سال.

### عمرهای طولانی از دیدگاه کتب آسمانی

از تورات فعلی که حجت است بر ملت یهود و نصاری نام عده ای از معمرین از قبیل آدم ۹۳۰ سال - شیث ۹۱۲ سال - انوش ۹۰۵ سال آمده است.

و از همه مهمتر و یقین آورتر قرآن مجید است که با صراحت خبر از عمر طولانی برخی از انسان ها و یا غیر انسان ها داده است مثلاً در رابطه با حضرت نوح می فرماید: **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ**<sup>(193)</sup> (ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد و سرانجام طوفان آنان را فرا گرفت و بنابر بعضی از احادیث، عمر حضرت نوح در زمان رسالت و اضافه نمودن عمر ایشان در قبل از رسالت و بعد از طوفان به ۲۵۰۰ سال می رسد و ظاهر آیه هم این است که زمان رسالت نوح در بین قوم خود تا فرا رسیدن طوفان ۹۵۰ سال بوده است.

و نیز در رابطه با حضرت عیسی می فرماید ( . . . ) : **وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا**

**حَكِيمًا \* وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ** )

«قطعاً عیسی را نکشتند بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خداوند توانا و حکیم است و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه قبل از مرگش به او ایمان می آورد».

در ذیل این آیه روایاتی از عامه و خاصه رسیده که در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، حضرت عیسی از آسمان نزول می کند و اهل کتاب به طور عموم به حیات و زنده بودن او ایمان می آورند.

مفسر بزرگ علامه طباطبائی می نویسد <sup>(195)</sup> روایات پیرامون نزول عیسی (علیه السلام) در زمان ظهور مهدی (علیه السلام) به طور مستفیض از عامه و خاصه نقل شده است. احمد حنبل و بخاری و مسلم و بیهقی نقل می کند که قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): **(كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ؟** چگونه است حال شما آن موقعی که پسر مریم یعنی حضرت عیسی از آسمان نزول کند و در رکاب مهدی و نماز جماعت ایشان شرکت کند و امام از شما باشد که اشاره به این است که حضرت عیسی اقتدا به حضرت مهدی می کند و ایشان را یاری می نماید.

از این آیه شریفه و نیز روایات آن کاملاً استفاده می شود که حضرت عیسی زنده است و تا کنون بیش از دو هزار سال از عمر شریفش می گذرد.

(و نیز در رابطه با حضرت یونس می گوید) **:فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ \* لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ** <sup>(196)</sup> (اگر یونس در شکم ماهی تسبیح ما را نمی کرد هر آینه در همان شکم ماهی تا قیامت باقی می ماند گرچه از آیه به طور صراحت استفاده نمی شود که آیا زنده باقی می ماند و یا همانجا می مرد اما در بعضی از تفاسیر آمده که او زنده می ماند.

و در رابطه با ابلیس بعد از تمرد او از سجده نمودن بر آدم و رانده شدن از درگاه ایزد متعال از پروردگار تقاضای عمر طولانی آن هم تا قیامت نمود با اینکه عمر آنها قطعاً این مقدار تداوم نداشته و الا از خداوند درخواست نمی کرد و خداوند متعال به او مهلت داد و فرمود) **:إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ** (تو از مهلت داده شده گانی منتهی تا وقت معلوم و معینی.

اگر بنا شود قرآن درباره یک عنصر خبیث و اغواگر، طول عمر چند هزار سال را تأیید کند و از آن به عنوان یک واقعه ای که محقق شده خبر دهد، چطور درباره انسانی مانند ولیّ خدا و بنده شایسته إلیّی غیر ممکن است؟

### مناظره سید بن طاوس

سید بن طاووس با بعضی از اهل سنت در رابطه با طول عمر امام زمان (علیه السلام) بحث می کردند و آنها استعجاب می کردند. به آنها فرمود اگر کسی بیاید و بگوید ای مردم من روی دجله بغداد بدون وسیله خاصی، راه می روم، مردم تعجب می کنند و قهراً جمع کثیری برای تماشا کنار دجله می روند و اگر مشاهده کردند که راست می گوید و روی آب بدون وسیله حرکت می کند و چنانچه شخص دیگری همان ادعا را تکرار نماید این بار تعجب مردم کمتر می شود و از اجتماع آنها در کنار دجله کاسته می شود و اگر شخص ثالث و رابعی بیاید و همین ادعا را بکند تعجب مردم منتفی می گردد و کسی برای تماشا به کنار دجله نخواهد رفت. سپس سید بن طاووس می فرماید: مسئله طول عمر امام زمان از همین قبیل است چون شما اهل سنت در احادیث خود نقل می کنید ادیس زنده است و در آسمان است و خضر از زمان موسی و بلکه قبل از آن زنده است تا حال حاضر و عیسی بن مریم زنده است و در آسمان است آیا بعد از این سه نمونه دیگر جای تعجب است اگر بر اساس ادله گذشته معتقد شویم به طول عمر یکی از فرزندان و اوصیاء پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که آن فرزند پیامبر می آید و شرق و غرب عالم را پر از عدل و داد می کند و اگر بنا شود که تعجب کنیم باید از گسترش عدل و داد به دست حضرت مهدی (علیه السلام) آن هم بعد از پر شدن جهان از ظلم و جور تعجب کرد نه از طول عمر حضرت.

در میان اهل سنت افراد معدودی از قبیل ابن حجر و محب الدین خطیب هستند که اصولاً سعی می کنند فاصله بین شیعه و سنی را زیاد کنند و گاهی دیده می شود که اعتقاد به طول عمر حضرت را نسبت می دهند به افرادی که جاهل ترین انسان ها است<sup>(204)</sup>؟! با اینکه عدّه ای از مشاهیر و بزرگان اهل سنت اعتراف کرده اند که مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است.

برخی دیگر از آنها گفته اند حضرت مهدی به دنیا نیامده و با شیعه موافقت ندارند اما حمله ای به شیعه و اعتقاد آنها نکرده و اعتقاد به طول عمر را یک مسئله غیر ممکن ندانسته اند.

امروزه دشمنان اسلام سعی در فاصله انداختن بین شیعه و سنی دارند و برخی نیز آگاهانه یا نا آگاهانه به دنبال تحقق بخشیدن به آرمان های آنها قلم به دست می گیرند و به ایجاد فاصله و بغض بین شیعه و سنی می افزایند. اگر این افراد بر اساس مزدوری و عناد اینگونه مطالب را می نویسند و دنبال می کنند که نمی توان با آنها بحث و گفتگو نمود، و اما اگر در جستجوی حقیقت هستند به آنها می گوئیم: شما مسلمانید و معتقد به قرآن و خداوند را فَعَالٌ مَا يَشَاءُ می دانید و اراده او را حاکم بر همه عوامل طبیعی می دانید چطور جرأت نموده و اینگونه جسارت به گروهی از مسلمانان می کنید که چیزی را می گویند که گذشته از اینکه از طریق قوانین طبی و تاریخی مورد تأیید است از دیدگاه قرآن و روایات نیز مورد تصدیق است و نمونه هائی که در متن قرآن آمده و شما به آن معتقد هستید و گاهی همان آیات را در نماز و غیر نماز قرائت می کنید آیا بین این اعتقاد شما و بین آن جسارتهای شما منافاتی نیست؟) (فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ).

### تشرفات و طول عمر

در بحث اثبات وجود مقدس حضرت مهدی (علیه السلام) گذشته از ادله عقلی و نقلی که در مباحث قبل ملاحظه نمودید، دانستیم که گروه فراوانی از اخیار و نیکان و احياناً از علماء ربّانی به خدمت حضرت رسیدند و با ایشان سخن گفتند و از این طریق، مشکلات علمی و اجتماعی خود را حل نمودند که حکایات آنان در کتب آمده و هر یک به تنهائی کافی است که ما ایمان بیاوریم به وجود آن حضرت تا چه رسد که تعداد اینها از حدّ تواتر گذشته و تماماًً خبر از ملاقات و دیدار حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند با وجود این همه افراد صالح و شایسته ای که در طول تاریخ غیبت به محضر امام شرفیاب شده، و یا به مقصد و مقصود خود نائل گردیده اند دیگر چه جائی برای استعجاب نمودن از طول عمر حضرت مهدی (علیه السلام) باقی خواهد ماند.

### اعتراف بزرگان اهل سنت

گروه کثیری از علما و بزرگان اهل سنت در این عقیده با شیعه وحدت نظر دارند و می گویند که حضرت مهدی (علیه السلام) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است و در سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمده است. عالم بزرگوار آیه الله صافی در کتاب خود منتخب الأثر، نام ۶۵ نفر از علماء اهل سنت را به همراه کتابشان ذکر کرده است.

و چنانچه مشاهده می شود بعضی طول عمر حضرت را امر عجیب و غریبی دانسته اند و معتقدین به آن را به جهل و نادانی نسبت داده اند، باید بدانیم که این کلام جسورانه، کلام و سخن افراد معدودی است و همانگونه که قبلاً گفته شد، احتمال غرض ورزی و ایجاد شکاف و اختلاف افکندن بین شیعه و سنی در کلام آنها داده می شود و الا باید این افراد، عده کثیری از دانشمندان و فرزانه های خود را به جهل و نادانی نسبت دهند.

و اینک می پردازیم به نقل چند نفر از علماء عامه بر اساس نقل منتخب الأثر که مهدی موعود را فرزند امام عسکری(علیه السلام) دانسته اند و می گویند: ولادت ایشان در گذشته واقع شده است.

1- ابن صباغ مالکی در کتاب فصول المهمّة می نویسد: ابوالقاسم محمّد، حجة بن الحسن در شهر سمرن رای در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمد از کنیزی به نام نرجس.

2- ابن خلکان در کتاب وفيات الاعیان می نویسد، ولادت حضرت مهدی(علیه السلام) روز جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری بوده، و چون پدرش از دنیا رفت، ایشان پنج سالش بوده و نام مادرش خمط و یا نرجس بوده است.

3- ابن حجر هیثمی که شافعی مذهب است در کتاب صواعق خود بعد از ذکر بعضی از حالات امام عسکری(علیه السلام) می نویسد اُبی محمد فرزندی را غیر از اُبی القاسم محمد از خود باقی نگذاشت.

4- شیخ شمس الدین صاحب کتاب تاریخ کبیر<sup>(206)</sup> و تذکره الخواص راجع به مهدی موعود(علیه السلام) می نویسد: (هو محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب(علیهم السلام)) و بعد از اینکه نسب حضرت مهدی(علیه السلام) را به جدش علی بن ابیطالب می رساند می گوید: کنیه ایشان ابو عبدالله و ابو القاسم است و او حجّت و صاحب زمان و قائم و منتظر می باشد و سپس به روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اشاره می کند که حضرت فرموده: اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، فردی از اهل بیت من خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد نماید.

5- نورالدین دشتی که حنفی مذهب است و صاحب کتاب شرح کافیّه و شواهد النبوة است، ایشان گذشته از اینکه به ولادت ایشان از امام عسکری اعتراف می کند و می گوید: ایشان حجة بن الحسن الامام الثانی عشر است می پردازد به نقل حوادث عجیب و غریبی که در هنگام ولادت ایشان رخ داده از قبیل جستن روی کنده های پا

و دست ها را به سوی آسمان بلند کردن و چون عطسه می کند، می فرماید: **الحمد لله رب العالمین** و نقل کسیکه از امام عسکری درخواست کرد امام بعد از شما کیست و ایشان به داخل اطاقی رفت و چون بیرون آمد یک پسر بچه سه ساله مثل ماه شب چهارده نورانی را در بغل گرفته و به آن شخص سائل نشان داد و فرمود: اگر نبود جایگاه خوبی که نزد خدا داری این فرزند را به تو نشان نمی دادم. . .

6- شیخ حافظ ابو عبد الله گنجی صاحب کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان و کتاب کفایة الطالب فی مناقب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب، بعد از اینکه تصریح می کند به اینکه: حضرت مهدی فرزند امام عسکری است می نویسد: دلیل بر بقاء و طول عمر حضرت مهدی، بقاء و طول عمر حضرت عیسی و الیاس و خضر است که از اولیاء خدا هستند و نیز بقاء دجال و ابلیس است که از دشمنان خدا هستند. . .

7- شیخ محی الدین اندلسی در فتوحات خود می نویسد: خروج و قیام مهدی حتمی است بعد از آنکه زمین پر از جور و ظلم شود. و اشاره می کند به روایت مشهور و معروف از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (لو لم یبق من دنیا الا یوم واحد . . .) که بالاخره مهدی (علیه السلام) می آید و جهان را پر از عدل و داد می نماید.

وی در ادامه می گوید: مهدی از فرزندان فاطمه و نواده حسین بن علی است و فرزند حسن عسکری است. . .

8- شیخ عبد الرحمان صاحب کتاب مرآة الاسرار و یکی از مشایخ صوفیه در کتاب خود که به زبان فارسی است می نویسد: آن آفتاب دین و دولت، آن هادی جمیع ملت و دولت، آن قائم مقام پاک احمدی، امام بر حق ابو القاسم محمد بن الحسن المهدی (قدس سره)، وی امام دوازدهم است از ائمه اهل بیت، مادرش ام ولد بود، نرجس نام داشت ولادتش شب جمعه پانزدهم شعبان سنه خمس و خمسین و مأتین. . .

9- شیخ محمد بن ابراهیم جوینی، شافعی مذهب بوده، در کتاب فرائد السمطین روایت دعبیل خزاعی را از حضرت علی بن موسی الرضا نقل می کند. و سپس نقل می کند که امام رضا (علیه السلام) فرمود: امام بعد از من، فرزندم جواد تقی است و بعد فرزندش علی الهادی النقی است و بعد فرزندش حسن عسکری و بعد فرزندش) **حُجَّةُ الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ فِي غَيْبَتِهِ، الْمَطَاعُ فِي ظُهُورِهِ** (حجت حق مهدی است که باید در زمان غیبت او به انتظارش بود و در زمان ظهورش از او اطاعت و فرمانبرداری نمود).

10- بهلول بهجت افندی قاضی و محقق، صاحب کتاب (المحاكمة فی تاریخ آل محمد) که به زبان ترکی نوشته و به فارسی ترجمه شده، در این کتاب بعد از امامت اثنی عشر و بیان فضائل آنان می نویسد: دوازدهمین امام در پانزدهم شعبان سال 255 متولد گردید، و اسم مادرش نرجس است و او دارای دو غیبت می باشد، غیبت صغری و غیبت کبری، و تصریح می کند که او زنده است تا خداوند به او اذن بدهد و ظاهر گردد و زمین را پر از عدل و داد کند، و ظهور ایشان مطلبی است که تمامی مسلمانان بر آن اتفاق دارند و احتیاجی به آوردن دلیل نیست.

11- شیخ جلال الدین سیوطی در کتاب خود به نام (احیاء المیت بفضائل اهل البیت) می نویسد یکی از ذراری امام حسین، مهدی است که در آخر الزمان مبعوث خواهد شد، سپس می نویسد: امام اول علی بن ابیطالب (علیه السلام) و نام یک یک ائمه را می برد تا می رسد به امام یازدهم حضرت عسکری، می گوید: امام دوازدهم فرزند عسکری است که (محمد القائم المهدی) می باشد و در رابطه با امام دوازدهم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و نیز از بقیه پدران ایشان که همه از بزرگان بوده اند روایات داریم، و امام دوازدهم هم صاحب شمشیر است و او قائم منتظر است.

12- شیخ احمد جامی در اشعار خود می گوید:

من ز مهر حیدرم هر لحظه اندر دل صفا از پی حیدر، حسن ما را امام و رهنما است

همچو کلب افتاده ام بر آستان بو الحسن خاک نعلین حسین بر هر دو چشمم توتیا است

عابدین تاج سر و باقر دو چشم روشنم دین جعفر بر حق است و مذهب موسی رواست

ای موالی وصف سلطان خراسان را شنو ذره ای از خاک قبرش دردمندان را دواست

پیشوای مؤمنان است ای مسلمانان تقی گر نقی را دوست داری بر همه ملت رواست

عسگری نور دو چشم آدم است و عالم است همچو یک مهدی سپهسالار در عالم کجا است



## شاعران از بهر سیم و زر سخنها گفته اند احمد جامی غلام خاص شاه اولیاء است

این بود نمونه ای از کلمات علماء و بزرگان اهل سنت پیرامون ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) و اعتراف آنان درباره طول عمر حضرت مهدی (علیه السلام) و اینکه با داشتن نمونه هائی در قرآن، جای هیچگونه استعجاب و شک و تردیدی باقی نمی ماند.

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: **فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهِيَ طُولُ الْعُمُرِ**<sup>(207)</sup> قائم ما اهل بیت (یعنی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)) یک خصلت و شباهت به حضرت نوح دارد و آن طول عمر آن حضرت است.

### خلاصه گفتار هفتم

بعد از اثبات وجود حیات حضرت مهدی (علیه السلام) مسئله طول عمر مطرح است بعضی از اهل سنت طول عمر حضرت را مسئله عجیب و غیر قابل قبول دانسته اند، اما فقط استعجاب نموده اند و هیچ دلیلی بر عدم امکان آن نیاورده اند با وجود این که استعجابدلیل بر امتناع نمی شود. خلقت انسان از خاک بسیار عجیب است اما این امر واقع شده است و قرآن از همین طریق به منکرین معاد جواب داده و اصولاً می دانیم که انسان با تمام ترقیات علمی از راز و رمز جهان خلقت بی خبر است کما اینکه قرآن به انسان ها حتی نوابغ خطاب می کند و می گوید) **وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلاً** (بنابر این چطور می توان چیزی را که دلیلی بر امتناع آن نداریم انکار نمائیم، و از این گذشته اطباء و محققین برای طولانی کردن عمر تلاش می کنند و آزمایش های زیادی در این رابطه انجام داده اند و نیز برخوردارند به ملکه زنبوران که در اثر غذای خاصی که برایش فراهم می شود، عمرش چهار صد مرتبه بیشتر از دیگران است و نیز عمر مگس های روی میوه ها را به نصد برابر افزایش داده اند پس اعتقاد به طول عمر، یک اعتقاد مخالف علم نیست و بلکه فرضیه ها و تجربه هایی که به عمل آمده کاملاً دلالت بر امکان آن می کند.

شاهد دیگر برای امکان طول عمر و بلکه وقوع آن تاریخ است و نیز تورات و از همه مهم تر قرآن است که درباره نوح و عیسی و ابلیس قائل به طول عمر می باشد و حتی بنابر احتمالی از آیه ۱۴۴ سوره صافات استفاده

می شود که اگر یونس در دل ماهی تسبیح نمی کرد تا قیامت در شکم ماهی زنده می ماند و سید بن طاووس با استشهاد به همین آیات و موارد در مناظره با بزرگان اهل سنت غالب و پیروز شد کما اینکه بعضی دیگر از بزرگان اهل سنت بر اساس همین افرادی که در قرآن با عمر طولانی معرفی شده اند اعتراف می نماید که طول عمر حضرت مهدی کاملاً قابل قبول است.

از همه این ها گذشته در رابطه طول عمر حضرت می توان از آیات فراوانی استفاده کرد، آن آیه ای که دلالت می کند بر اینکه هر چرا خدا بخواهد می شود و خواسته او بر تمام علل و اسباب عالم مادی حاکم است کما اینکه او خواست ابراهیم را از میان آتش سالم بیرون بیاورد که بیرون آمد و خواست یوسف را بر تخت سلطنت بنشانند که نشانند با توجه به اینکه در بحث طول عمر حضرت مهدی با بعضی از اهل سنت مقابل هستیم و آنها تماماً در مقابل آیات قرآن تسلیم و تواضع می کنند.

و سپس اشاره کردیم به این که با آن همه براهین عقلی و نقلی که در مباحث گذشته مطرح شد، خصوصاً ملاقات های فراوانی که ناقل آن ها از صلحا و شایستگان می باشند، جائی برای تردید در طول عمر حضرت باقی نمی ماند.

و در خاتمه گفته شد که عده کثیری از علماء اهل سنت نیز اعتراف کرده اند که حضرت مهدی (علیه السلام) فرزند امام عسکری است و در سال ۲۵۵ متولد شده و می گویند: با داشتن نمونه هایی از افراد که آنان دارای طول عمر بوده اند و در قرآن مطرح شده است و نیز با در دست داشتن روایاتی در این رابطه جای هیچگونه استعجابی نیست. و امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: قائم ما شباهتی به حضرت نوح دارد و آن هم طول عمر ایشان است.

## سؤالات گفتار هفتم

1- کسانی که طول عمر حضرت مهدی را امر عجیب دانسته و قبول نکرده اند آیا دلیلی برای گفتار خود

دارند؟

- 2- منکرین معاد از چه امری اظهار شگفتی می نمودند و قرآن به آنها چه جوابی داده است؟
- 3- انسان تا چه حدی از اسرار عالم و مخلوقات آگاهی دارد؟
- 4- دکتر فورد پیرامون طولانی شدن عمر و امکان آن چه می گوید؟
- 5- عمر ملکه زنبوران چند برابر زنبوران دیگر است؟
- 6- نتیجه آزمایشی را که روی مگس های میوه به عمل آوردند چه بود؟
- 7- کتاب (المعمّرون والوصایا) تألیف چه کسی است؟
- 8- یکی از کسانی که طول عمر داشته و در تاریخ ثبت است و یا در تورات آمده، نام ببرید.
- 9- از عمر درخت کاجی که در کالیفرنیا می باشد چند سال می گذرد؟
- 10- کدام حیوان دریایی سه میلیون سال عمر نموده؟
- 11- قرآن در رابطه با نوح و عیسی و یونس چه فرموده است؟
- 12- مناظره سید بن طاوس با بعضی از بزرگان اهل سنت پیرامون طول عمر امام زمان چه بود؟
- 13- بعضی از مشاهیر و بزرگان اهل سنت را که طول عمر حضرت مهدی را قابل قبول می دانند، نام ببرید.
- 14- از آیاتی که دلالت می کند بر حاکمیت اراده و مشیت الهی در بحث طول عمر حضرت مهدی (علیه السلام) چگونه استفاده کردیم؟
- 15- دلیل پنجم ما در بحث طول عمر حضرت مهدی (علیه السلام) چه بود؟
- 16- نام یکی از علمای اهل سنت را که به ولادت امام مهدی در سال 255 معتقد است، نام ببرید.
- 17- امام سجاد (علیه السلام) شباهت حضرت مهدی (علیه السلام) را با نوح پیامبر در چه امری دانسته است؟

## گفتار هشتم

### پیرامون مسئله انتظار

#### انتظار در قرآن و روایات

قرآن و روایات، آینده تاریخ و سرانجام کاروان بشریت را روشن و زیبا معرفی می کند و به صاحبان ایمان بشارت می دهد که حکومت زمین متعلق به آنها و مستضعفان خواهد بود، و هیچ قدرتی نمی تواند بر خلاف آن گام بردارد.

سپس دستور انتظار می دهد و به مردم می فرماید: که منتظر برقرار شدن حکومت عدل و داد، و نابودی کفر و نفاق و الحاد باشند.

آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. و نیز می فرماید: **يُرِيدُونَ لَيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ** <sup>(210)</sup> (می خواهند نور خدا را با دهان هایشان خاموش کنند و خداوند تمام کننده نور خویش است هر چند کافران را خوش نیاید. و بالاخره قرآن در یک جمله به صاحبان ایمان نوید می دهد و پیروان خود را به انتظار دعوت می نماید و می فرماید:

**قُلِ اِنْتظِرُوا اِنَّا مُنْتَظِرُونَ** <sup>(211)</sup> (گو منتظر باشید که ما هم منتظریم.

**قَتَرَبَّصُوا اِنَّا مَعَكُمْ مُتْرَبِّصُونَ** <sup>(212)</sup> (منتظر باشید که ما هم با شما منتظریم.

**قَاتَنْظِرُوا اِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ** <sup>(213)</sup> (منتظر باشید که من هم با شما منتظرم.

این آیات، از یک جامعه سالم و آینده روشن برای انسان ها خبر می دهد و به انتظار و صبر و شکیبائی برای فرا رسیدن آن روز مبارک دعوت می نماید.

احادیث فراوانی بیانگر این است که صالحان و مؤمنان در آینده دارای یک حکومت عادلانه، و جامعه ای قرین با آرامش و آسایش و اقبال مردم به تقوی و ایمان خواهد بود و منجی و مصلح آن، یکی از فرزندان رسول خدا یعنی مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله) می باشد و بخش عظیمی از این روایات را محدثین اهل سنت نقل نموده اند.

از روایان شیعه و سنی نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: **لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يُوَاطِي اسْمَهُ اسْمِي وَكُنِيَّتَهُ كُنِّيَّتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا**<sup>(214)</sup> اگر از دنیا جز یک روز نماند خداوند متعال آن روز را طولانی می کند تا مردی از فرزندان من بیرون آید که نامش نام من و کنیه اش کنیه من است، زمین را پر از عدل و داد نماید همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد.

و در روایتی دیگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انتظار فرج را بهترین عبادت دانسته و فرموده اند: **أَفْضَلُ**

## الْعِبَادَةُ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ

### مراتب و انواع انتظار

بشر در زندگی اجتماعی و فردی خود مرهون نعمت انتظار است و چنانچه شخصی از انتظار تهی گردد زندگی برایش معنی و مفهومی نخواهد داشت.

ارزش هر انسانی مربوط می شود به ارزش و اهمیت آن انتظاری که مورد نظر او است یکی منتظر پایان سال و گرفتن رتبه و حقوق است، دیگری در انتظار اخذ مدرک و فردی در انتظار خرید منزل و ماشین و . . . و یک محقق و متفکر منتظر است که با تألیف و زحمات خود مشکلات علمی را حل نماید و آن پزشک دلسوز منتظر دیدن نتیجه طبابت خود در مریض است همچنین حزب ها و رژیم ها، تماماً به انتظار تحقق یافتن اهداف خویش هستند و بالاخره دو لشکر که در مقابل یکدیگر قرار می گیرند هر دو به انتظار پیروزی خودشان هستند.

## انتظار پیروان مکتب اهل البیت

انتظاری که بر اساس تعلیمات وحی، از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار(علیهم السلام) به پیروان خودشان توصیه شده، انتظار گسترش عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری در تمامی نقاط کره زمین است تا همه مردم تحت حکومت و قانونی واحد، در امن و امان زندگی کنند.

## تلاش و کوشش، لازمه انتظار واقعی

تمامی مردم برای تحقق اهداف خود، در حرکت و تلاش هستند. هر انسانی برای رسیدن به خواسته مورد انتظار خود به سر می برد و تلاش می کند تا زودتر و بهتر به آرزوی خود واصل گردد.

اسلام از این عامل حرکت آفرین استفاده نموده و مسلمانان را به نابودی ظلم و استکبار و برقراری حکومت عدل اسلامی در زیر سایه (انتظار) دعوت نموده، چنان که قرآن کریم می فرماید: **قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى**»<sup>(216)</sup> (بگو همه ما و شما در انتظاریم) گروهی در انتظار پیروزی حق و تحقق یافتن وعده های الهی و دیگری در انتظار نابودی اهل حق) حال که چنین است انتظار بکشید، اما به زودی می دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم و چه کسی هدایت یافته است.»

بله اگر در زمانی و با شرایطی قرار بگیریم که نتوانیم عملاً با ظلم و جور و نابسامانی ها مبارزه کنیم و بدانیم که به نتیجه مطلوب نمی رسیم، باید در جهت خود سازی بکوشیم و خود را و اهل منزل خود و زیر مجموعه خود را طوری تربیت کنیم که وقتی حضرت بقیه الله اعظم ظهور کرد، در زمره اعوان و انصار او باشیم، و خلاصه این که انتظار حکومت عدل و انتظار ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) به معنای دست روی دست گذاردن و انزوا گزیدن و دوری از مسائل اجتماعی نیست، بلکه همانند تمامی انتظارها انتظار برای حکومت داد گستر نیز با عمل و سعی فراوان مقرون خواهد بود.

همچنان که منتظران یک عزیز سفر کرده، منزل را از حیث نظافت و فراهم آوردن وسایل پذیرائی و استراحت مسافر، میبایا می سازند و شخصی که در انتظار کسب نمره خوب و قبولی در آخر سال می باشد از خواب و استراحت خود می کاهد و به مطالعه و تحصیل علم می پردازد، و مادرانی که در انتظار داشتن فرزندی

برومند می باشند. تمامی مشکلاتی را که در مسیر بچه داری هست به جان می خرنند تا روزی فرارسد که جوانی با شخصیت و با سواد را در مقابل خود مشاهده کنند.

بدین ترتیب، انتظار ظهور یک مصلح جهانی و برقراری حکومت عدل در سراسر زمین به مراتب جدیت و تلاش بیشتری را می طلبد.

اینک با مراجعه به لسان روایات در رابطه با انتظار حضرت مهدی ارواحنا فداه خواهیم دید که انتظار را اولاً از مقوله عمل و تلاش قرار داده و ثانیاً آن را یک کار سخت و دشوار معرفی نموده است.

علی (علیه السلام) می فرماید: **الْمُنْتَظِرُ لِمَرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ** <sup>(217)</sup> کسی که منتظر دولت ما می باشد مانند کسی است که در راه خدا به خون خود غوطه‌پور است.

قال الصادق (علیه السلام): **(إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ**

البته برای ما دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد محقق می گردد و هر کس دوست دارد که از اصحاب حضرت قائم (علیه السلام) باشد باید منتظر باشد، و منتظر هم باید خود را به ورع و اخلاق نیک مجهز نماید.

### جایگاه انتظار در مباحث اعتقادی

در بحث گذشته دانستیم که انتظار، به معنای حرکت و تلاش برای رسیدن به مطلوب و یا لاقال آماده شدن برای آن است. ولی قابل توجه است که (انتظار فرج) در ضمن روایات، به عنوان یکی از مسائل اعتقادی شمرده شده و شاهد بر این مطلب روایت ابوالجارود است. وی که یکی از موالیان و علاقه مندان اهل بیت بوده، خدمت امام باقر (علیه السلام) عرض کرد: شما می دانید که من از محبتین و پیروان شما هستم حضرت فرمود: بله همین طور است. عرض کرد: سؤالی دارم چون ناینها هستم و از راه رفتن عاجزم و نمی توانم زیاد خدمت شما برسم جواب من را بدهید حضرت فرمود: سؤال خود را مطرح کن. عرض کرد: آن دین و اعتقادی که شما برای خود و خانواده خود پسندیده ای به من نیز بیاموز تا آن گونه باشم. حضرت فرمود: سؤالت کوتاه است اما محتوای زیادی دارد، (آری آن دین و اعتقاد و راه و روش صحیح عبارت است از): شهادت به وحدانیت

خدا) لا اله الا الله (و شهادت به رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) (وان محمد رسول الله (و این که به تمامی آنچه حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) آورده اقرار کنیم و در مقابل آن تسلیم و خاضع باشیم، دوست داشتن دوستان ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم بودن در مقابل دستورات و فرامین ما، و در انتظار قائم ما بودن، سپس فرمود: والاجتهاد والورع یعنی بعد از همه این مراحل، باید جدیت و تقوی داشته باشید و جدیت در مسیر اعتلای کلمه توحید و پیاده کردن احکام اسلام آن است که لا اقل در تهذیب و آمادگی خودمان برای ظهور امام زمان بکوشیم.

معنی و مفهوم (انتظار) این است که با قول و عمل از خدا بخواهیم: **اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُ بِهَا الْأَسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.**

#### امید بخشیدن، اصل مهم تربیت اسلامی

یکی از اصول مهم تربیتی مکتب وحی و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت پاک او، القاء روح امید در پیروان خود و مبارزه با حالت یأس است، در خصوص روش قرآن در این رابطه به چند نمونه اشاره می شود قرآن کریم خطاب به جوانی که با مشکلات گوناگون از قبیل شغل و خانه و فراهم آوردن خرج زندگی و ... در پرتگاه سقوط قرار گرفته و می خواهد از تشکیل خانواده و ازدواج مأیوس شود، می فرماید:

**(وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ<sup>(220)</sup>)** (مردان و زنان بی همسر خود را، همسر دهید همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، و چنانچه فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه است.

صاحبان ایمان، صبور و شکیبا باشید بر دویست نفر از دشمن کافر پیروز خواهید شد»، و یا به گنه کاری که در گناه غوطه‌ور می باشد و گمان می کند که تمامی روزنه های آشتی بین او و خداوند مسدود است. نوید می دهد و می فرماید: **قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ<sup>(222)</sup>** (بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم نموده اید از رحمت خدا نا امید نشوید که خدا گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.»).



حضرت یعقوب پس از سالیان دراز که در فراق یوسف ناله زد و برادران یوسف، از بازگشت یوسف و بلکه حیات او مأیوس بودند، خطاب می کند و می فرماید: **يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكٰفِرُوْنَ** <sup>(223)</sup> (پسرانم بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می شوند).

و چنانچه گروهی از مسلمانان مرتد شوند و از امت اسلامی فاصله بگیرند و به صف دشمنان بپیوندند قرآن به جامعه مسلمین بشارت می دهد و می فرماید اگر این ها رفتند، بهتر از آنان جای آن ها را خواهند گرفت و با قطعیت اعلام می کند: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكٰفِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ**.

#### روش پیامبر و ائمه (علیهم السلام)

روش اولیاء خدا و اهل بیت عصمت و طهارت نیز چنین است. برنامه های تربیتی سلسله جنبان رسالت و امامت و عقل و اندیشه، حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) که برای همگان الگو و اسوه است هنگامی که از کوه حرا سرازیر می شود، یک تنه در مقابل انبوه شرک و الحاد، نخوت و تکبر قرار گرفته و فریاد برمی آورد: **بِكَوَيْدٍ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ** (تا رستگار شوید و در همان اوائل بعثت اعلان می کند که مکتب من باقی می ماند و بعد از من جانشینان به حق من، اهداف مرا دنبال می کنند، آن شخصیت والای عالم ملک و ملکوت با گفتار و کردار خود روح امید را در مردم می دمد و با تمام وجود، جلوی یأس و ناامیدی را می گیرد).

فرزند بزرگوارش یعنی زینب کبری که در مهد ولایت و عصمت و امامت پرورش یافته از همین روش استفاده می کند و در مجلس یزید در حالی که اسیر دست دشمن کینه جو قرار گرفته با وجود از دست دادن برادران و یاران و اسارت در دست دشمنان به یزید روی می کند و می فرماید: **ثُمَّ كَذَّ كَيْدَكَ وَاجْهَدُ جَهْدَكَ فَوَ اللّٰهِ الَّذِي شَرَّفَنَا بِالْوَحْيِ وَ الْكِتَابِ وَ النُّبُوَّةِ وَ الْاَنْتِخَابِ، لَا تَدْرُكُ اَمَدَنَا وَ لَا تَبْلُغُ غَايَتَنَا وَ لَا تَمْحُو ذِكْرَنَا وَ لَا يَرْحَسُ عَنْكَ عَارُنَا**.

یعنی ای یزید، تمام مکر و حيله ات را به کار گیر و سعی خود را بکن، قسم به خدایی که ما را انتخاب نموده و مفتخر ساخته به وحی و کتاب و نبوت نمی توانی به عمق ارزشی وجود ما واصل شوی و نیز نمی توانی نام و یاد ما را محو کنی، و هرگز آن عار و نکبتی که در اثر رفتارت، با ما نصیب تو شد نمی توانی از خود بزدائی.

این بخشی از آیات و گفتار بزرگان دین بود که نشان می دهد اولاً: آنان تلاش می کردند که نگذارند انسان مأیوس شود و از حرکت و فعالیت در مسیر رسیدن به اهداف خود جدا گردد زیرا یأس عامل همه بدبختی ها و شکست ها است ثانیاً: آنچه وحی الهی و یا بزرگان دین مطرح کردند و نوید دادند جامه عمل پوشیده و محقق شده است. امروز مشاهده می کنیم نام اهل بیت و آثار آنها در هر گوشه و کناری به چشم می خورد و از همه مهم تر مهر و محبت اهل بیت بر دل میلیون ها انسان آزاده و مؤمن حکومت می کند اما از معاویه و دودمان او هیچ خبری نیست.

### طلوع صبح و تابش آفتاب جهان شمول در راه است

دانستیم که مکتب آسمانی و رهبران الهی پیروان خود را با القاء امید، با نشاط و فغال نگه می دارند اکنون با بررسی روایات انتظار می نگریم که اولیاء دین با بیان یک واقعیت قطعی، یعنی ظهور یک مصلح جهانی و دادگستر در زمین و ترغیب مسلمانان و صاحبان ایمان نسبت به انتظار آن شخصیت والا و طلوع خورشید جهان تاب و لزوم آمادگی برای آن قیام و نهضت بزرگ، اولاً هرگز اجازه نمی دهد پیروان مکتب قرآن و اهل بیت، با دیدن ظالمینی همچون معاویه ها و منصورها و متوکل ها مأیوس گردند و یا از بقاء اسلام و مسلمانان ناامید شوند و ثانیاً اعتقاد به وجود منجی و صاحب خود باعث می شود که با تمام وجود در مقابل دشمن مقاومت نمائیم، همانگونه که مشاهده می کنید در طی قرن ها پیروان ائمه (علیهم السلام) با همه وجود در مقابل ناملایمات ایستادند و حتی حاضر شدند که خون بدهند و مکتب را حفظ کنند و به نسل بعدی بسپارند، این پایداری معلول همان انتظار است که در روایات از آن به بهترین اعمال تعبیر شده است. در خاتمه به یک حدیث شریف توجه می کنیم. علی (علیه السلام) می فرماید: **اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اِنْتَظَارَ الْفَرَجِ** <sup>(226)</sup> در انتظار فرج باشید و از رحمت الهی مأیوس نشوید که بهترین عمل در نزد پروردگار ما انتظار فرج است.

### انتظار

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم به گفتگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم

حدیث روضه نگویم گل بهشت نبویم جمال حور نجویم دوان به سوی تو باشم

می بهشت ننوشم ز دست ساقی رضوان مرا به باده چه حاجت که مست روی تو باشم

### خلاصه گفتار هشتم

آینده کاروان بشریت از دیدگاه قرآن و روایات، آینده ای روشن است که حکومت در دست صالحان قرار می گیرد و همه در امن و امان در زیر سایه دین زندگی می کنند. اسلام پیروان خود را به انتظار برای فرارسیدن آن روز فرخنده دعوت نموده و در روایت مورد اتفاق و قبول همگان آمده که اگر از دنیا یک روز هم باقی مانده باشد، حکومت عدل برقرار خواهد شد و انتظار چنین روزی را بهترین عمل معرفی نموده است.

اصولاً همه مردم با انتظار زندگی می کنند و ارزش انسان ها بستگی دارد به اهمیت آنچه به انتظارش می باشد پیروان مکتب اهل بیت در انتظار یک مصلح جهانی و اصلاح تمامی نقاط روی زمین می باشند و لذا باید در هر شرایطی تلاش و جدیت به خرج دهند. روایات انتظار فرج منتظر واقعی را همانند مجاهد و رزمنده ای قرار داده که برای خداوند در خون خود غوطه‌ور شده است، ضمناً بنابر حدیث ابو الجارود که از امام باقر (علیه السلام) نقل نموده، (انتظار فرج) یکی از مسائل اعتقادی و مهم می باشد که باید هر مؤمنی به آن معتقد شود، نتیجه مهمی که بر انتظار مترتب می شود این است که: افراد را امیدوار می کند و از یأس و ناامیدی جدا می سازد و اصولاً یکی از تعالیم حیات بخش اسلام، امید بخشیدن به افراد است. پیامبر و فرزندان پاک او همواره در شرایط سخت و مأیوس کننده با امید و نشاط صحبت کرده اند که در این باره به شیوه تربیتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سخنان زینب کبری در مجلس یزید اشاره شد.

روایات انتظار چنین حالتی را در انسان زنده می کند و اجازه نمی دهد که مسلمانان بر اثر سرکشی و ستم سردمداران ظالم، از آینده روشن خود مأیوس گردند. در خاتمه به روایت حضرت علی (علیه السلام) اشاره شد که می فرماید: در انتظار فرج باشید و از رحمت الهی مأیوس نشوید.

## سؤالات گفتار هشتم

- 1- آیه ای را که آینده زمین را از آن صالحان می داند، ذکر کنید.
- 2- در روایات برای انتظار فرج چه فضیلتی بیان شده است؟
- 3- پیروان مکتب اهل بیت در انتظار چه روزی به سر می برند؟
- 4- برای اثبات این که انتظار از مقوله عمل و جدیت و تلاش است، چه دلیلی اقامه شد؟
- 5- انتظار، در کلام علی (علیه السلام) به چه چیزی تشبیه شده است؟
- 6- از حدیثی که ابوالجارود از امام باقر (علیه السلام) نقل نموده چه مطلبی به اثبات می رسد؟
- 7- قرآن به کسی که می خواهد ازدواج کند ولی مشکلات فراوان در مقابل خود می نگرد چه توصیه ای می نماید؟
- 8- قرآن با گنه کاران آلوده چگونه سخن گفته است؟
- 9- آیه ۵۴ مائده چه می فرماید؟
- 10- زینب کبری سلام الله علیها در مجلس یزید چه فرمود؟
- 11- عامل مهم استقامت پیروان قرآن و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در مقابل ظالمین چیست؟
- 12- حضرت علی (علیه السلام) درباره انتظار فرج چه می فرماید؟
- 13- خلاصه بحث را بیان فرمائید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

( يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا ) ( يوسف : ٨٨ )

جلوه گل عندلیبان را غزل خوان می کند \* \* \* دیدن مهدی هزاران درد درمان می کند

مدعی گوید که با یک گل نمی گردد بهار \* \* \* من گلی دارم که عالم را گلستان می کند

دوازده گفتار

درباره دوازدهمین حجت خدا حضرت مهدی ( علیه السلام )

تألیف : حسین اوسطی

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (1)

الطاف الهیّه

سپاس و حمد ، پروردگاری را سزا است که برای تکامل بندگان خود جهانی بس عظیم را خلق نمود و آنرا مهد پیدایش و پرورش انسان قرار داد و در آن انواع نعمت ها را گسترش داد بطوری که جوابگوی تمامی نیازها و خواسته های بشری در بُعد زندگی و ادامه حیات گردید .

حمد و ثناء ، لایق خداوندی است که برای ارتقاء روحی و سیر معنوی بندگان خود و واصل شدن آنان به قلّه رفیع اخلاق و سیر و سلوک ، یعنی تحصیل معرفت الهی و تخلّق به اخلاق حضرت حقّ و مهر و محبت ورزیدن به ذات لایزال ربوبی ، رسولان و رهبران آسمانی را مجهّز به وحی و آیات ینّات برانگیخت .

برای اینکه بعداز حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله این واسطه و رابطه بین خالق و مخلوق قطع نگردد ، امامانی معصوم و مسلّح به سلاح علم لدنی را بهوسیله وحی ، و گفتار و کلمات پیامبر عظیم الشان خود ، به امت اسلامی معرفی نمود ، و مسلمانان را با نام و نشانه های بارز و روشن آنان آشنا ساخت .

آری خداوند متعال ، جهان را به عنوان مدرسه و دانشگاه قرار داده و رسولان و

---

1رعد : ۷

امامان را معلّمین و اساتید آن ، تا بندگانش بتوانند به عنوان دانشجو از این بستر آماده ، خود را به کمال برسانند و در قرآن به این مطلب اشاره شده و می فرماید :

(اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا<sup>(۱)</sup> . )

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید ، و از زمین نیز همانند آنها را خلق نمود ، فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیزی تواناست . و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد

و نیز با صراحت تمام اعلان نموده که ( **وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ** )<sup>(2)</sup> ( هر قوم و گروهی یک هادی و مرشدی که از جانب خداوند منصوب باشد ، خواهند داشت .

### با هزاران تأسف

با تأسف فراوان باید اعتراف کرد که این انسان های نمونه و مرشدان الهی مورد بی مهری بسیاری از مسلمانان فرار گرفتند ، و همین امر باعث شد که ظالمان و دژخیمانی همچون حجّاج ابن یوسف ها و متوکّل ها و . . . ، حکومت و قدرت را به دست بگیرند و خود را به عنوان امیر المؤمنین معرفی نمایند و جانشینان واقعی رسول خدا را به اشکال مختلف از بین ببرند و ملت اسلامی را از فیض وجود و حضور پر برکت آنان محروم سازند . خداوند متعال نعمت های مادی و معنوی خود را به بندگان ارزانی داشت و آن را به کمال رساند ، و نعمتی را که خداوند به بندگانش عطا می کند هرگز آن را بی جهت نمی گیرد مگر آنکه بندگان صلاحیت خود را از دست بدهند و نسبت به آن نعمت إلهی ناشکر و ناسپاس گردند ، در سوره مبارکه انفال به این واقعیت اشاره شده و می فرماید :

(ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)<sup>(3)</sup> )

---

1. اطلاق : ۱۲

2. رعد : ۷

3. انفال : ۵۳

خداوند ، هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی دهد جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند .

قهرآ مردم در اثر سوء عمل خودشان ، وجود حاکمانی همچون علی بن ابی طالب ، امام صادق ، علی بن موسی الرضا و . . . ، را که همه جوابگوی مسائل دینی و تفسیری و اعتقادی و عرفانی آنان بودند و هم عدل و داد را بطوری واقع در جامعه پیاده می کردند ، از دست دادند .

### بقای حجت الهی در عالم ، ضروری و لازم است

اما از آنجائی که اراده و مشیت الهی و بلکه حکمت پروردگار تعلق گرفته به بقای حجت و وجود یک انسان کامل که او بتواند بحق ، خلیفه الله باشد تا مصداق آیه ( **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** )<sup>( 1 )</sup> ( منتفی نگردد . دوازدهمین خلیفه و جانشین رسول خدا ) **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) را که آخرین سلسله امامان و هادیان معرفی شده از جانب وحی و رسول خدا ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) بوده از انظار مخفی داشت ، و با این کار ، او را از دسترس ظالمان و ستمگران خود کامه مصون و محفوظ نمود .

### امام در پشت پرده غیبت

گرچه امام وحجت خدا در پشت پرده غیبت به تمامی شئونات و امورات وابسته به امامت مشغول است و او همچون خورشیدی است در پشت ابر که باعث برقراری نظام ، در منظومه شمسی است ، و نور خود را از پشت ابر به تمامی جمادات و نباتات و حیوانات و انسان ها منتشر می نماید ، و همه آنها از وجودش بهره مند می گردند .

امام عصر و حجت الهی نیز وجود مبارکش اگر چه در پشت پرده غیبت قرار گرفته ، أمّا ، برای نظام جهان خلقت مفید است و به برکت وجودش رزق و روزی تمام جانداران داده می شود ، و نسبت به انسان ها نیز توجه و عنایت های ویژه ای دارد از قبیل هدایت‌های

---

1. بقره : ۳۰ .



معنوی و دادرسی‌ها و دستگیریه‌ها برای مضطربین و ملتزمین در اطراف و اکناف عالم ، و با دعا‌های خود و بلکه با کارهای مخفیانه خود ، نقشه‌های شوم و خطرناک دشمنان اسلام را باطل نموده ، و باعث دوام اسلام و مسلمین ، و به خصوص مکتب تشیع و پیروان آن می‌گردد .

آری اگر امروز بعد از گذشت چهارده قرن از ظهور و بروز اسلام و نزول قرآن می‌نگریم که اسلام و مکتب تشیع برقرار است آن هم با وجود دشمنان قدرتمند و کینه‌توزی در هر عصر و زمانی همچون معاویه و فرزند خبیث او ، یزید که یکی قسم می‌خورد و می‌گوید : **والله کاری بکنم که نام محمد ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ )** (در زیر خاک مدفون گردد و دیگری واقعه طفّ و کربلا را به پا می‌کند و به خیال خام خود ، اصل و ریشه رسالت و امامت را نابود گرداند .

مع ذلک ما شاهد بقاء اسلام و مسلمین و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت هستیم و این حاکی از این است که یک انسان الهی و روح بزرگی برای حفظ دین و دیانت در تلاش و تکاپو است و در همین رابطه از وجود نازنین حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) نقل شده که می‌فرماید : **إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ<sup>(1)</sup>** (ما توجه خودمان را از شما بر نمی‌داریم و شما را فراموش نخواهیم کرد .

اگر حضرت خضر آن عبد صالح و غائب از انظار ، برای حفظ یک کشتی ، تا بدست ظالم نیفتد و یا باقی ماندن گنجی تا صاحبان آن بزرگ شوند و نیز برای حفظ ایمان پدر و مادری ، خود را به تکاپو می‌اندازد و کارهای عجیب و غریبی انجام می‌دهد تا مصالح ضعیفان و صاحبان حق پایمال نشود . قطعاً حجت غائب ما حضرت مهدی - ارواحنا فداه - ضمن هزاران هزار دادرسیها و کار سازیه‌ها برای بیچارگان و صاحبان ایمان ، مخصوصاً برای استغاثه‌کنندگان به درگاه آن حضرت ، برای حفظ اسلام و مکتب تشیع به مراتب سعی و تلاش بیشتری خواهند کرد .

---

1. امکیال المکارم و امامت و مهدویت که از احتجاج طبرسی نقل می‌نماید .

مخفی نماند که غیبت امام عصر با توجه به اینکه بسیاری از کارهای مربوط به مقام امامت در حال غیبت انجام می‌گیرد اما فیض حضور امام را از مردم سلب نموده و آنان را در فراق محبوب خود به سوز و گداز افکنده است .

و از سوی دیگر ، وضع آشفته و نابسامان جوامع بشری و شیوع ظلم و بی عدالتی در اطراف و اکناف آن ، و کم رنگ شدن دین و دیانت و بلکه انسانیت و شرافت در بین مردم ، و مشاهده بیوفائیه و جنایتها و ضایع نمودن حقوقها در جوامع اسلامی و حتی از ناحیه بعضی از مدعیان تشیع و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت ، طبیعی است که قلب حضرت را در غم و غصّه فرو برده و روح بزرگ ایشان را در فشار قرار می دهد .

و نیز صاحبان ایمان و پیروان واقعی مکتب اهل بیت و امام زمان ، سخت در ناراحتی و غربت و فشار واقع می شوند ، زیرا از یک طرف دشمنان اسلام سعی می کنند آنان را به انزوا بکشند و ضربات خود را بر آنان وارد سازند و از طرف دیگر خانتهای زمانه با وسوسه های خود می کوشند تا این افراد را به وادی شک و تردید رهسپار نمایند .

### مهم ترین وظیفه مسلمانان و به خصوص شیعیان

مهمترین وظیفه ای که بر آحاد مسلمین و بهویژه شیعیان و پیروان اهل بیت ( علیهم السلام ) متوجه است این است که : اعتقادات خود را از کتاب و سنت بگیرند و با ادله عقلیه آن را تحکیم نمایند و در این رابطه از مطالعه کتب سودمند و یا حضور در جلسات علماء و دانشمندان غفلت نمایند زیرا قوی ترین عامل برای جهت بخشی به حرکت و سیر انسانی آراء و عقائد او است .

آری بشر بر اساس افکار و عقائد خویش حرکت می کند و طبق آن عمل می نماید اسلام ، تعلیم و تربیت را از فکر و اندیشه آغاز کرد و قبل از هر چیز ، در مقام اصلاح عقائد بر آمد ، پیامبر عظیم الشان اسلام ( صلی الله علیه و آله ) با شعار « قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » دعوت خود را شروع کرد زیرا اگر توحید برای مردم معلوم گردد و به صورت یک اعتقاد و ایمان در آید به طور قهری ، از هر گونه شرکی از قبیل بت پرستی ، آدم پرستی ، ماه پرستی و ... احتراز

می کنند و همچنین عقیده به توحید ، تبت و قصد انسان را به مرحله خدا خواهی می رساند که در اعمال و کردار جز راه او و جلب رضای او به جهت دیگری متمایل نمی گردد .

و نیز عقیده به رسالت و نبوت ، روح تعبد را در انسان زنده می کند و چون انبیاء را واسطه بین خالق و خلق می دانند با آرامش کامل و رضایت خاطر به وظائف دینی و انسانی خود مشغول می گردد .

و اما عقیده به حضرت مهدی ( علیه السلام ) و این که فردی خواهد آمد که عدل و عدالت را گسترش می دهد ، و ظلم و فسق و فجور را از روی زمین محو می کند و تمامی مستضعفان جهان را از دست مستکبران و خود کامگان نجات می بخشد و . . . قطعاً چنین عقیده و ایمانی باعث می شود اولاً : خود را از صحنه های ظلم و ستم و فساد و گناه دور نگه دارد چون می داند که آن مصلح کلّ ، با هر ظلم و فسادی مقابله و برخورد خواهد کرد . ثانیاً : فکر و اندیشه انسان را وسیع ، و جهان اندیش می سازد و لذا می نگریم در عصر حاضر که زمان غیبت امام ( علیه السلام ) است ، یگانه فرقه و گروهی که غم مظلومین و محرومین عالم را می خورند و در این رابطه هیچ مرز و حصری قائل نیستند پیروان مکتب اهل بیت ( علیهم السلام ) و معتقدین به حضرت مهدی و منتظرین امام زمان می باشند .

ثالثاً : اعتقاد به حضرت مهدی و به حیات و غیبت ایشان و نیز آشنا شدن با خصوصیات و ویژگی های حضرتش باعث می شود از وسوسه های شیاطین و نوشته های مسموم و دعوت بعضی از شیادان و حيله گران در امان بمانند زیرا با شناخت حق و آشنا شدن با آن ، دیگر جائی برای جولان دادن باطل باقی نمی ماند . منتهی باید شیعیان در کنار مسائل شعار گونه و مسائل احساساتی ، خود را مسلح کنند به سلاح شعور و آگاهی ، و با این مسئله مهم اعتقادی بر اساس دلیل و برهان آشنا گردند و خوشبختانه افراد کثیری را مشاهده می کنیم که در این رابطه از ایمانی برخوردار گردیده اند که غیبت امام ( علیه السلام ) در آنان هیچ ضعف و فتوری ایجاد نکرده ، و با یک قاطعیت تمام و روح امیدوار و با نشاط ، به انتظار سپیده دم صبح و طلوع خورشید ولایت و امامت می باشند ، و با تمام وجود با ظلم و بی عدالتی ها مقابله می کنند و در مقابل ناملایمات صبر می نمایند ، مع ذلک فریاد بر می آورند :

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ ، أَيْنَ الْمَعْدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلْمَةِ ، أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِاقَامَةِ الْأُمَّتِ  
وَالْعَوَجِ ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ ، أَيْنَ الْمُدْحَرُّ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ ، . . . أَيْنَ مُعَزُّ  
الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ (1) . . .

«کجاست بجا مانده خدا که از عترت هدایتگر و راهنما خالی نمی گردد ، کجاست آن که آماده ریشه کن  
ساختن ستمگران است ؟ . . . کجاست ذخیره الهی برای نو کردن فریضه ها و سنت های دین . . . کجاست عزت  
بخش دوستان و خوار کننده دشمنان » . . .

### طلوع خورشید قطعی است

آنچه مسلم است و جای هیچ شک و تردیدی نیست این است که : آینده کاروان بشریت آینده ای روشن و  
نورانی است ، و روزی خواهد آمد که شایستگان وارثان زمین ، و مستضعفان ، إمامان و زمامداران می باشند ،  
و حکومت عدل و داد در سر تا سر گیتی برقرار می گردد و مردم با رعایت حقوق یکدیگر در امن و امان  
زندگی می کنند ، علاقه و تمایل مردم به عبادت و بندگی خدا و نیز به پاکان عالم همچون أهل بیت عصمت و  
طهارت ( علیهم السلام ) زیاد می گردد .

و شکل و شمایل جوامع بشری به طور کلی تغییر می کند ، ظلم و جور ، جای خود را به عدل و داد ، و دوری از  
پاکان ، جای خود را به نزدیک شدن به آنها ، و تمرّد و فسق ، جای خود را به ایمان و تقوی واگذار می کند .

اگر از قرآن این مطلب استفسار گردد ( که آیا چنین جامعه و حکومت زیبایی محقق می گردد ؟ ) قرآن با  
صراحت می گوید ( : بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ (2) ) .

«ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را هلاک سازد و اینگونه باطل محو و نابود می شود . » و اگر از  
روایات اسلامی اعم از روایات وارده از طرق أهل سنت و یا شیعه ،

---

1. افزازهایی از دعای شریف ندبه .

سؤال شود ، بطور اتفاق خواهند گفت : آینده جهان تحت یک حکومت عدل و داد قرار خواهد گرفت آنهم بدست افراد پاکان و صلاحیت دار .

و اگر در این رابطه از سایر ادیان و مذاهب توضیح بخواهیم ، آنها نیز می گویند : یک انسان کامل و قدرتمندی که می تواند مستضعفان جهان را از دست مستکبران نجات بخشد ، خواهد آمد ، و پیروان زبور و تورات و انجیل همه و همه به انتظار آن روز فرخنده و صبح امید به سر می برند ) : **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ** <sup>(1)</sup> .

و اگر آینده بشریت را از جبر تاریخ سؤال کنیم و به عبارت دیگر از فطرت و نهاد انسان ها ( که از زشتی ها بیزار و عاشق خوبی ها است ) بپرسیم ، یقیناً صدای بشارت آمیزی به گوش خواهد رسید که مأیوس نباشید زیرا آنچه که فطرت تو طالب آن است یعنی عدالت ، صداقت ، امانت ، حقیقت و زدوده شدن ظلم ها و جنایت ها و حق کشی ها از جامعه بشری ، و خلاصه : خاتمه یافتن کذب ها و تهمت ها و دغل کاری ها ، در انتظار تو است .

و مولای ما امیر المؤمنین ( علیه السلام ) به این جبر تاریخ و یا ندای فطرت در کلام خود اشاره نموده و می فرماید : **لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَكْدِهَا ، وَتَلَاعَقِيْبَ ذَلِكَ : وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلِيَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلِيَهُمُ الْوَارِثِينَ** <sup>(2)</sup> دنیا پس از چموشی ( همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خود داری می کند و برای بچه اش نگه داری می کند ) بما خانواده روی می آورد ، سپس آن حضرت به دنبال این سخن این آیه را تلاوت کرد : می خواهیم بر مستضعفین زمین منت گذاریم و آنها را پیشوایان زمین و وارثان آن قرار دهیم .

و اگر گوش دل به فریاد شهیدان بسپاریم و چشم دل را باز نموده و قطرات خون آنها را که بر روی زمین نقش آفرینی کرده و خواهد کرد ، بنگریم ، این پیام به گوش می رسد :

(وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا) <sup>(۱)</sup> (آن کس که مظلوم کشته شده برای ولی او سطله و حق قصاص قرار دادیم) .

یعنی روزی خواهد آمد که ولی تمامی شهدا قیام کند و انتقام این خونها را از ستمگران بستاند و بالاخره در یک جمله این صدای خدای بزرگ و خواسته تمامی بندگان است که :

(وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) <sup>(۲)</sup> (فَانتظروا إني معكم من المنتظرين) <sup>(۳)</sup> (از خداوند متعال می خواهیم که هر چه زودتر ، لباس فرج به قامت حجت خود ، یعنی آن انسان کاملی که همه انبیاء و ائمت ها ، و تمامی مؤمنان و مستضعفان ، به انتظار او می باشند ، بیوشاند و با طلوع آن خورشید عالم تاب ، جهان و جهانیان را غرق نور و سرور بگرداند ، آمین رب العالمین .

### حسین اوسطی

1. اسراء : ۳۳

2. قصص : ۸۳

3. اعراف : ۷۱

گفتار دهم

وقایع قبل از ظهور

## نامعین بودن زمان ظهور

از روایات فراوان چنین برداشت می شود که برای ظهور وقتی معین نشده، بلکه ائمه اطهار (علیهم السلام) تعیین کننده وقت ظهور را تکذیب نموده اند و به ما نیز دستور داده اند که آن ها را تکذیب کنید، فضیل می گوید: از امام باقر (علیه السلام) سؤال کردم: آیا ظهور مهدی (علیه السلام) وقت معینی دارد؟

حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمود: **كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ.**

## علائم ظهور

با وجود نامشخص بودن زمان ظهور، در متون اسلامی روایات فراوانی داریم که در آن ها برای ظهور حضرت صاحب الأمر - عجل الله تعالی فرجه - علائم و نشانه هائی ذکر شده است. ما در مقام شمارش یکایک آنها نیستیم و با توجه به این که بعضی از این علائم و نشانه ها و روایات آنها خالی از رمز و اشاره نیست،<sup>(252)</sup> ما نیز از میان علائم و نشانه های ظهور دو مورد را در این گفتار بیان می کنیم:

اول: شیوع فساد در جوامع، دوم: شیوع ظلم و جور در اقطار زمین.

## علائم و نشانه های ظهور متفاوت هستند

قبل از ورود به این مبحث باید یادآور شویم که بعضی از این علائم و نشانه ها حتمی است و به هیچ قید و شرطی وابسته نیست و قبل از ظهور باید واقع شود،<sup>(253)</sup> و برخی از همین علائم حتمی مقارن و یا بعد از ظهور با فاصله بسیار کم محقق می گردد، مانند ندای آسمانی که قبل از ظهور، در شب بیست و سوم ماه مبارک، جبرئیل با صدای بلند به طوری که شرق و غرب آن صدا را بشنوند، ندا می کند: **الحق مع علی و شیعتة.**

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: حضرت قائم در کنار خانه کعبه ظاهر گردد و چون آفتاب برآید، منادی از آسمان ندا کند: این مهدی آل محمد است و آباء طاهریین او را یک به یک نام می برد و شرق و غرب این صدا را می شنوند و به مردم توصیه می کند با ایشان بیعت کنید و این ندا بعد از ظهور به گوش می رسد.

این نوع از علائم حتمی دلیل واضحی است بر این که بلافاصله حضرت صاحب الأمر ظهور می نماید، ولی بعضی دیگر از این علائم حتمی فقط حاکی از این است که ظهور تا اندازه ای نزدیک شده، اما دلالتی ندارد که بعد از حدوث آن علامت، بلافاصله حضرت صاحب الأمر ظهور نماید.

### شیوع فساد قبل از ظهور

یکی از علائم ظهور شیوع فساد و گناه و غربت اسلام می باشد و بعضی از روایات، شیوع فساد را علامت ظهور معرفی کرده و بعضی روایات دیگر آن را از نشانه های آخر الزمان و اشراف الساعة دانسته است و بعضی از بزرگان<sup>(255)</sup> احتمال داده اند که مراد از هر دو عنوان یک چیز بیش نیست که همان شیوع گناه قبل از ظهور حضرت است. بعضی از این مفاصد که در احادیث آمده عبارتند از: ۱ - شراب خواری و خرید و فروش مسکرات آشکارا انجام می گیرد ۲ - ربا خواری رواج می یابد ۳ - زنا و اعمال شنیع دیگر متداول و آشکار می گردد. ۴ - قساوت قلب شیوع پیدا می کند. ۵ - تقلب زیاد می شود. ۶ - نفاق فراوان می گردد. ۷ - رشوه خواری رواج پیدا می کند. ۸ - ریا کاری متداول می شود. ۹ - مردمان بدعت در دین می گذارند. ۱۰ - غیبت و سخن چینی رواج می یابد. ۱۱ - بی عفتی و بی حیائی شایع می گردد. ۱۲ - زنان از حجاب کناره گرفته و با لباس زننده و جذاب در اجتماع آشکار می گردند. ۱۳ - امر به معروف و نهی از منکر تعطیل می گردد و صاحبان ایمان توانایی جلوگیری از گناهان را نخواهند داشت. ۱۴ - کفر و الحاد رواج پیدا می کند. ۱۵ - به اسلام و قرآن عمل نمی شود. ۱۶ - فرزندان، حرمت پدران و مادران را رعایت نکرده و به آنها بی حرمتی می کنند. ۱۷ - کوچکتر احترام بزرگتر را رعایت نمی کند و بزرگتر نیز به کوچکتر ترحم نمی نماید. ۱۸ - صلح رحم انجام نمی شود. ۱۹ - خمس و زکات پرداخت نمی شود و یا به مصرف صحیح نمی رسد. ۲۰ - بیگانگان و اهل باطل بر مسلمانان چیره می شوند. ۲۱ - مسلمانان در لباس و گفتار و کردار از کفار و اجانب پیروی می کنند. ۲۲ - حدود الهی تعطیل می گردد. ۲۳ - مکر و حيله شیوع پیدا می کند. ۲۴ - مساجد از حیث بنا آباد، و از حیث محتوا خراب خواهند بود. ۲۵ - مردم دین خود را به دنیا می فروشند. ۲۶ - اوقات نماز سبک شمرده می شود.



27- طلاق زیاد می شود. ۲۸ - لجاجت و عناد زیاد می گردد. ۲۹ - در شهوات مردان به مردان اکتفاء می کنند و زنان به زنان. ۳۰ - با زبان به یکدیگر اظهار علاقه می کنند و در دل با یکدیگر در نزاع و جنگ هستند و . . .

امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که فرمود: چگونه است حال شما (جامعه اسلامی) آن روزی که زنان شما فاسد و جوانان شما فاسق شوند و امر به معروف نکنید و نهی از منکر ننمائید؟ عرض شد: یا رسول الله چنین روزگاری خواهد آمد؟ حضرت فرمود: روزی می رسد که بدتر از این خواهد شد در آن روز مردم را به منکر، امر می کنید و از کارهای خوب و معروف نهی می نمائید. اصحاب با تعجب عرض کردند: امت اسلامی به چنین وضعی مبتلا خواهند شد؟ حضرت فرمود: بدتر از این خواهد شد، در آن روز کار خوب را بد می دانید و کارهای بد را، خوب.

### وضع امت اسلامی در حال حاضر

امروز ما مسلمانان اکثر قریب به اتفاق مفسد یاد شده را در جوامع بشری و بلکه در امت اسلامی شاهد هستیم و جوامع بشری و نیز جامعه اسلامی از شش جهت، هدف تیرهای آلوده و مفسده خیز قرار گرفته اند و با تأسف و تأثر فراوان باید گفت که امروز دنیای اسلام با این مفسد خو گرفته و با سرعت در گرداب مفسد فرو می رود. ناگفته نماند که با انقلاب اسلامی ایران بسیاری از مفسد در ایران تعطیل شد، اما متأسفانه بر اساس تسامح و تساهل بعضی از مسئولین بخشی از مفسد بار دیگر به جامعه ما برگشت ولی امیدواریم که سران حکومت و صاحب منصبان، در حفظ دستاوردهای انقلاب و برقراری احکام اسلامی بکوشند و مرز و بوم مملکت اهل بیت و امام زمان را از تهاجم دشمنان که اصولاً از طریق فرهنگ و رسانه های عمومی وارد می شوند، حفظ نمایند و مسئولین در تحقق بخشیدن احکام اسلام سعی و تلاش خود را بنمایند.

### آیا حضرت قائم دین جدید می آورد؟

با توجه به اخبار و روایاتی که از ائمه اطهار و در رأس آن ها حضرت ختمی مرتبت در رابطه شیوع مفسد و گناه در آخر الزمان و قبل از قیام قائم آمده، درمی یابیم که آن رهبران آسمانی با چشم نهان بین خود، وضع امت اسلام را بیش از هزار سال قبلپیش بینی کرده و با وضوح بیان نمودند که امت اسلام نه فقط گناه و مفسد مرتکب می شوند، بلکه کار آنها به جایی می رسد که کار زشت و گناه را خوب و پسندیده، می نگرند و شخص گنه کاری را که به عفاف جامعه لطمه می زند یک فرد هنرمند می دانند!! طبیعی است که چنین جامعه ای تا

چه حدّ از اسلام و احکام آن بی خبر خواهند بود. چنین افرادی خود را مسلمان می دانند اما از اسلام اطلاعی ندارند و لذا وقتی وجود مقدس حضرت مهدی ظهور می کند و احکام اسلام و حقیقت قرآن را بیان می کند، گروهی تصورشان این است که حضرت مهدی دین جدید آورده، حال آن که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روایتی می فرماید: مهدی پای خود را جای پای من می گذارد و تخطّی از آن نخواهد کرد.

آری قبل از ظهور به نحوی حقیقت اسلام و واقعیت قرآن مستور می گردد که با آمدن حضرت مهدی و تبیین اسلام ناب محمدی، مردم گمان می کنند که آن حضرت دین جدید آورده است.

البته مخفی نماند که مهجور ماندن اسلام بدین معنی نیست که در جهان اسلام، درس تفسیر و فقه و اخلاق به طور کامل تعطیل می گردد. بلکه ظاهر این است که هر گروهی قرآن را به رأی خود و بر اساس مسلک و مذهب خود تفسیر می کند و هر فقیهی بر اساس قیاس و استحسان آنگونه که جوّ حاکم بر جامعه می پسندد، حکم می کند چنان که امروزه عدّه ای از مسلمانان گروه دیگری را به وسیله مواد منفجره می کشند و متأسفانه این عمل را باعث تقربّ خود به خدا می دانند و حال آن که قرآن کریم با صراحت می فرماید: **وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا**،<sup>(259)</sup> کسی که مؤمنی را عمدتاً بکشد برای همیشه در جهنم خواهد بود.» مگر امروز مشاهده نمی کنیم که در همین قرون اخیر فرقه هایی پیدا شده اند گروه کثیری از مسلمانان را مشرک می دانند و احیاناً بعضی از فقیهان خود فروخته و مزدور آنان، ریختن خون دیگر مسلمانان را مباح می شمارند و خلاصه این گونه احکامی که در اسلام بدعت گذاری شده با اسلام واقعی ارتباطی ندارد، کم نیست. با چنین وضعی طبیعی است که با ظهور حضرت مهدی و بسط حکومت او در تمامی نقاط روی زمین، عدّه ای خیال کنند که ایشان دین جدید آورده اند.

## غربت دوباره اسلام

در کتاب شریف غیبت نعمانی بابی وجود دارد تحت عنوان «حضرت قائم مردم را دعوت جدید می نماید و اسلام همان گونه که در ابتدای ظهور آن غریب بوده، مجدداً به غربت کشیده می شود»<sup>(260)</sup>. و سپس شش روایت در این باره نقل می کند از آن جمله حدیث ابوبصیر است که می گوید: به امام صادق عرض کردم: مراد امیر المؤمنین از این کلام که فرمود: **إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ كَمَا بُدِئَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ** اسلام در اوایل بعثت برای مردم آشنا نبوده و یک امر جدیدی بود و در آینده اسلام به همین غربت مبتلی می شود

خوشا به حال آنهایی که در این زمان با اسلام آشنا هستند) چیست؟ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: وقتی حضرت قائم ظهور می کند، مردم را به احکام جدیدی دعوت می کند. همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مردم را به احکام جدیدی دعوت نمود.

یعنی همانطوری که مردم جاهلیت از احکام نوین و حیات بخش اسلام خبر نداشتند و احکام اسلام برای آنها مسائل و مطالب جدیدی بود، در زمان حضرت مهدی - سلام الله علیه - به همین منوال خواهد بود زیرا مردم بقدری از مسائل اسلامی فاصله گرفته اند که نسبت به آن بیگانه شده اند و دعوت حضرت گرچه دعوت به اسلام است، اما دعوت جدیدی به نظر خواهد رسید.

### انتظار واقعی در آخر الزمان دشوار است

طبیعی است که اگر کسی بخواهد در چنین جامعه ای و در میان چنین افرادی که از احکام و دین فاصله گرفته اند، از منتظرین واقعی امام زمان باشد (که معنای انتظار واقعی در مبحث انتظار ذکر شد) با مشکلات متعددی برخورد خواهد کرد و در بعضی از روایات انتظار آمده است: شخصی که منتظر حکومت عدل الهی است و خود را برای آن آماده می سازد، همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلطان است.

### شیوع ظلم و جور

یکی دیگر از علائم ظهور که بیش از سیصد روایت درباره آن نقل شده این است که ظلم سر تا سر جهان را فرا می گیرد و جوامع بشری از آتشی که ظالمین برافروخته اند به ستوه می آیند و بعد از فراگیر شدن ظلم و جور در همه نقاط... ( بعد ما مُلَّتْ ظَلَمًا وَجوراً ) (آن مصلح و منجی حقیقی ظهور خواهد کرد و عدل و داد را بر روی زمین برقرار می نماید).

البته باید توجه داشته باشیم که معنای این روایات آن نیست که مردم ظالم و متجاوز خواهند شد، بلکه ظلم و جور جهان را فرا می گیرد. به عنوان مثال، یک نفر دیکتاتور مثل صدام یک ملت چند ملیونی را به خفقان می کشد و یا چند نفر از سران حکومت های جهان خوار و استعمارگر یک قاره را با کشورهای متعدد و صدها

میلیون جمعیت، از لحاظ اقتصادی و نظامی تحت سلطه خود درمی آورد و به عنوان دفاع از حقوق بشر و آزادی، هر نوع ظلم و ستمی را بر آنها روا می دارد.

از سوی دیگر آحاد مردم در اثر کناره گیری از دین و بی خبری از احکام و دستورات الهی و نیز متابعت از غرایز سرکش و طغیانگر، نسبت به یکدیگر اجحاف نموده و حق دیگران را پایمال می نمایند.

این روند ظلم و ستم، هم از ناحیه سردمداران خود کامه و دیکتاتور و هم از ناحیه آحاد جامعه در حال رشد و توسعه است و حتی احتمال تضاد و اصطکاک بین سران جهان خوار وجود دارد که بر اثر آن چه بسا آتش جنگ جهانی مجدداً برافروخته شود.

### شیوع فساد از دو ناحیه

چنان که گفتیم، شیوع ظلم در چنین زمانی معلول هوی پرستی ها و خود کامگی های گروهی از حکام زمان می باشد اما نباید فراموش کنیم که بخشی از ظلم در جوامع بشری معلول جدائی انسان ها از مکتب وحی و عمل نکردن به دستورات حیات بخش آن و فرورفتن در منجلاب های فساد و گناه می باشد زیرا جامعه ای که افراد و آحاد آن مبتلا به گناه و فساد شده اند اثر وضعی آن تسلط اشرار است. با مراجعه به تاریخ مشاهده می کنیم که در هر جامعه ای که فساد رواج یابد، اجانب و ستمگران و دیکتاتورها بر آن قوم سلطه پیدا می کنند و به طور کلی یکی از نقشه های شوم سلطه گران جهان خوار برای رسیدن به مقصود خود ترویج و تهاجم فرهنگی و شیوع فساد است و این حقیقت را پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وائمه اطهار (علیهم السلام) مکرراً گوشزد نموده اند<sup>(262)</sup> که در اینجا به ذکر یک حدیث بسنده می کنیم.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: زمانی بر مردم خواهد آمد که صورت آنان صورت آدمی و دل های آنها دل های شیاطین است، همانند گرگهای درنده خون یکدیگر را می ریزند و از انجام کارهای بد، خودداری نمی کنند. پیروان خود را به شک و شبهه می کشانند و اگر با آنان سخن بگویند به آنها دروغ خواهد گفت و اگر از نزد آنها برود، غیبت و بدگوئی آنها را می کند، سنت واقعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) (نزد اینها بدعت و بدعتهای خودشان را سنت رسول خدا می دانند و کسانی را که حلیم و بردبار هستند، خائن می گمارند و بر عکس خائن را حلیم و بردبار می شمارند صاحبان ایمان در بین آنها کوچک و حقیرند اما فاسق در نزد آنها صاحب شرف و عظمت. بچه های آنان پای از گلیم خود دراز نموده و باعث اذیت و آزار دیگران می

شوند و زنان آن ها بی پروا و بی باک، با خوی و خباثت خود، نزدیکان و اهل خود را به رنج می آورد، پیران و سالخوردهگان امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند، پناه بردن به این مردم غیر از خواری و اعتماد نمودن به آنها غیر از ذلت چیز دیگری نیست در چنین زمانی خداوند باران رحمت خود را قطع نموده و موقعی باران می فرستد که برای آنها سودی ندارد و نیز اشرار را بر آنها حاکم و امیر می سازد که مردم را به بدترین و رنج آورترین کارها می گمارند، بچه های آنها را می کشند و زنانشان را به بیگاری وادار می نمایند و در این هنگام نیکان دعا می کنند، اما مستجاب نمی شود.

بدین ترتیب معصومین (علیهم السلام) به مردم هشدار داده اند که در صورت ارتکاب فساد و گناه، ظالم و دیکتاتور بر آنان مسلط می شود.

آن روزی که جوامع بشری از یک سو در فساد و جدائی از عالم وحی و دیانت غوطه‌ور شده و از سوی دیگر، ظلم و ستم هر کاشانه و آشیانه را فراگیرد، ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) نزدیک خواهد بود.

### آزمایش بزرگ اهل ایمان

در آخر الزمان دین داری و حفظ حریم احکام الهی بسیار مشکل می شود و اعتقادات حقه اسلامی مورد دستبرد شیاطین قرار می گیرد و مردم در معرض یک امتحان و آزمایش عظیم قرار می گیرند.

سدیر صیرفی می گوید: به همراه مفضل بن عمرو و ابو بصیر و ابان بن تغلب بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدیم، دیدیم امام روی خاک نشسته و مانند مادری که فرزند خود را از دست داده و دلش سوخته گریه می کند و می گوید: **سِیدِی غِیْبَتِکْ نَفَتْ رِقَادِی وَضِیْقَتَ عَلَی مِهَادِی . . .** ای آقای من، غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و بستر استراحت را بر من تنگ نموده و آرامش از دلم رخت بر بسته . . . سدیر می گوید: چون امام را با این حال پریشان و گریان دیدم با خود گفتم: حتماً حادثه ناگواری پیش آمده به حضرت عرض کردیم: آیا اتفاقی افتاده که شما این گونه گریه می کنید؟

حضرت فرمود: امروز به کتاب جفر که وقایع مهم جهان تا قیامت در آن درج شده نگاه می کردم، و اخبار مربوط به غیبت قائم آل محمد و طول عمر ایشان و امتحانی که برای صاحبان ایمان در آن زمان پیش می آید

و شبهاتی که در اثر طولانی شدن غیبت عارض می شود وعده ای از دین دست می کشند، مشاهده می کردم که باعث دگرگونی حال من شد.

### نصرت بعد از یأس

از بعضی روایات چنین برداشت می شود که ظهور حضرت مهدی - ارواحنا فداه - و نصرت الهی بعد از یک حالت یأس و ناامیدی حاصل می گردد برای توضیح مطلب لازم است که نظر شما را به معنی و تفسیر این آیه شریفه جلب کنم که می فرماید) : **حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرًا فَتَنَجَّيْ مِّنْ نَّشَاءٍ وَلَا يُرَدُّ بِأَسْنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمَجْرِمِينَ.**

گرچه توضیح و تفسیر این آیه احتیاج به بحث مفصّلی دارد اما یکی از اقوال که در تفسیر آمده و با ظاهر آیه نیز قابل تطبیق است این است که پیامبران به دعوت خود ادامه می دادند و متقابلاً دشمنان هم مخالفت می کردند و صاحبان ایمان که در سختی به سر می بردند و منتظر آن نصرت الهی بودند که رسولان و پیامبران به آن ها خبر داده بودند به شک و شبهه می افتند و بلکه با خود فکر می کنند که پیامبران به آن ها به دروغ وعده نصرت الهی را داده اند در چنین حالی خداوند می فرماید: یاری ما به سراغ آنها آمد، آنان را که خواستیم نجات دادیم و عذاب و مجازات ما هم شامل گنه کاران و مجرمین می شود. از این آیه به خوبی استفاده می شود که برای صاحبان ایمان در عصر انبیاء گذشته نیز چنین صحنه های خطرناک و آزمایش های سختی پیش می آمده اما در نهایت نصرت الهی بر آنها نازل می شده چنان که فرزندان یعقوب، بعد از مایوس شدن از حیات یوسف، و بازگشت او به آغوش خانواده، یوسف را یافتند و در کنار او زندگی شیرینی را آغاز نمودند.

و قابل توجه این که امام صادق(علیه السلام) به نقل از پدران از امیر مؤمنان (علیهم السلام) نقل می کند که حضرت آیه فوق) **حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا** (را منطبق نموده با وضع صاحبان ایمان در آخر الزمان و قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و جمله) **جَاءَهُمْ نَصْرًا** (را با ظهور قائم آل محمد (علیهم السلام) منطبق ساخته و فرموده : **وَذَلِكَ عِنْدَ قِيَامِ قَائِمِنَا الْمَهْدِيِّ.**

### اخطار به اهل ایمان

بر مردان و زنان مؤمن لازم است که اعتقادات خود و من جمله اعتقاد به حضرت مهدی موعود را از منابع صحیح مانند قرآن و روایات و نیز با أدله روشن و براهین عقلی، محکم کنند تا در پیش آمد این گونه آزمایش ها در دام وسوسه ها و ظن و گمان های شیطانی قرار نگیرند و خدای نکرده بدون معرفت و اعتقاد به امام زمان خود از دنیا نروند که اگر چنین اتفاقی بیفتد به مرگ جاهلیت مرده اند یعنی فاقد دین و شرف و انسانیت از دنیا خواهند رفت.

### زمینه سازی برای ظهور مصلح جهانی

دوّمین اثری که بر یک جامعه فرو رفته در فساد و گناه و زیر چکمه های ظالم استخوانش خورد شده و به ستوه آمده این است که به دنبال یک انسان کامل و رهبر بزرگ می گردد که آن ها را نجات ببخشد و غل و زنجیرها را از دست و پای آن ها باز نماید.

اگر در حال حاضر گروهی از اهل ایمان در صبح جمعه امام خود را صدا می زنند و ندا می دهند: **أَيْنَ طَامِسٌ** آثار الزّیغ والأهواء **أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدِ الْعَتَاةِ وَالْمَرْدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ** والتّضليلِ **وَالْإِلْحَادِ** . . . کجاست آن کس که انحرافات و هوی و هوس ها را محو نماید؟ کجاست آن کسی که جلوی دروغ ها و دروغ بافی ها را بگیرد؟ کجاست آن آقای که ریشه لجاجت ها و گمراهی ها و بی دینی را نابود کند.

در آن روز تمامی مردم از سیاه و سفید، شرقی و غربی، و در هر سلک و حزب و مسلکی که هستند فریادشان (به) **این المنجی**، کجاست نجات بخش بشریت؟ بلند خواهد شد و این یکی از مهمترین زمینه سازی ها برای ظهور مصلح کبیر جهانی است، زیرا شرط اساسی برای یک انقلاب جهانی پذیرش و آمادگی جوامع است. با وجود فراهم آمدن چنین زمینه ای می توان گفت سلاح های ظالمین کاربرد نخواهد داشت. ما فراموش نمی کنیم که در دوازده بهمن ۱۳۵۷ شمسی وقتی رهبر کبیر انقلاب ایران حضرت امام خمینی (قدس سره) در فرودگاه مهرآباد فرود آمدند، با اینکه هنوز حکومت ایران در دست طاغوتیان بود و ارتش و قوای مسلحه در ظاهر تحت فرمان آنها بود، امام خمینی از فرودگاه تا بهشت زهرا را در میان میلیون ها جمعیت حرکت می کند و در آنجا سخنرانی می کند و صریحاً می فرماید: من به دهان این حاکمان ظالم می زنم. . .

البته ما نمی گوئیم که سلطه و پیروزی حضرت مهدی - سلام الله علیه - دقیقاً همانند پیروزی انقلاب ایران خواهد بود، زیرا ممکن است به شکل دیگری پیروزی برای حضرت حاصل شود قرآن هلاکت فرعون و فرعونیان را و سپس پیروزی موسی و بنی اسرائیل را در قرآن بیان فرموده. <sup>(267)</sup> حال آن که قبل از غرق شدن فرعونیان هیچ کس نمی دانست که آن حکومت جبار چگونه نابود می شود. آنچه می توان گفت این است که باید در جهان زمینه پذیرش یک مصلح کل، فراهم آید و این زمینه بعد از شیوع فساد و ظلم قطعاً فراهم خواهد آمد.

### توجه به یک نکته مهم

تصریح روایات بر این که قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) فساد و ظلم شیوع پیدا می کند، هرگز بدان معنا نیست که ما در مقابل این همه گناه و ظلم ساکت و نظاره گر باشیم، چه رسد به آن که احیاناً شخصی بگوید باید به وضع موجود راضی شد زیرا بعد از چنین وضعی امام زمان - عجل الله تعالی فرجه - ظهور می کند، در واقع روایات از یک حادثه ای که در آخر الزمان واقع می شود خبر می دهد.

بزرگترین فرائض الهی شمرده شده <sup>(269)</sup> و اقامه این فریضه الهی احتیاج به مقدماتی دارد که اگر انجام آن برای ما میسر باشد قهراً آن مقدمات نیز واجب می شود و باید دنبال تحقق بخشیدن به آن مقدمات باشیم و نمی توان گفت که این حکم الهی در زمان خاصی به طور مطلق خواسته نشده است. مبدا شیطان بعضی را بغرید و به کسانی که برای امر به معروف و نهی از منکر و برای دفاع از حریم اسلام برخاسته اند و فریاد زده اند و احیاناً به زندان و شکنجه گاه رفته و یا جان به جان آفرین سپرده اند، نسبت های ناروا بدهد و یا بگویند که آنان وظیفه ای غیر از سکوت نداشتند، حال آن که آنان دنبال انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بودند که قرآن و سنت برای آنان مقرر نموده است.

با وضع آشفته جوامع بشری و گسترش ظلم و فساد و فراموش شدن تعالیم حیات بخش انبیا جا دارد که محبوب خودمان حضرت بقیة الله اعظم را با ابیات مولانا در دیوان شمس تبریزی مخاطب قرار دهیم و به محضر ایشان عرضه داریم:



بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

یعقوب وار و اسفاها همی زخم دیدار خوب یوسف کنعانم آرزوست

بالله که شهر بی تو مرا حبس می شود آوارگی کوه و بیابانم آرزوست

زین همرهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

جانم ملول گشت زفرعون و ظلم او آن نور روی موسی عمرانم آرزوست

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتم که یافت می نشود جسته ایم ما گفت آنکه یافت می نشود آنم آرزوست

گویا ترم زبلبل، اما ز رشک جام مهر است بر دهانم و افغانم آرزوست

خلاصه گفتار دهم:

وقت ظهور حضرت معلوم نیست و اگر کسی وقت آن را اعلان نماید از طرف ائمه اطهار (علیه السلام) دروغگو معرفی شده، اما نشانه هایی در روایات به عنوان علائم ظهور آمده البته بعضی از آنها به طور حتم باید واقع شود تا مهدی موعود ظهور کند و وقوع بعضی از آنها قبل از ظهور محتمل است. در این گفتار به دو علامت از علائم ظهور اشاره شد:

نخست، شیوع فساد و گناه به طوری که اسلام به غربت می افتد. در این رابطه به ۳۰ مورد از مفاسد اجتماعی اشاره نمودیم و سپس به روایتی که امام صادق (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می کند اشاره شد و گفتیم: امروز ما آن غیب گوئی های رهبران آسمانی را شاهد هستیم و می نگریم که تا چه حدی مردم از حقائق اسلام دور شده اند و اسلام عزیز مهجور مانده است. در روایات آمده است که اسلام در ابتداء غریب بود و بار دیگر به غربت خواهد افتاد، بلکه اگر اسلام به این غربت بیفتد و مردم آن گونه از اسلام واقعی

دور شوند، این موجب می شود که هنگام ظهور حضرت مهدی تصور کنند حضرت آن ها را به دین جدیدی دعوت می کند، حال آن که پیامبر می فرماید: مهدی پای خود را جای پای من می گذارد.

دوم: شیوع ظلم و جور در جوامع بشری است و این شیوع ظلم از دو ناحیه است: ۱ - حکام خود کامه و ستمگر ۲ - تعدی و تجاوز آحاد مردم به یکدیگر، زیرا مردمی که از تعالیم آسمانی دور شوند حقوق یکدیگر را رعایت نخواهند کرد و عجیب این است که در روایات آمده که سلطه اشرار، معلول عمل زشت و گناهان آحاد مردم است.

در چنین جامعه ای که ظلم و فساد همه جا را گرفته اولاً مردم در آزمایش سختی قرار می گیرند که حدیث سدیر صیرفی از امام صادق (علیه السلام) بخشی از آن را توضیح داده است. در اثر طولانی شدن غیبت گروهی به شک و تردید می افتند و بلکه از آمدن مهدی آل محمد (علیهم السلام) مأیوس می شوند، در چنین زمانی بر هر مؤمنی لازم است که در صدد تحکیم عقیده خود نسبت به حضرت مهدی باشد.

ثانیاً: شیوع ظلم و فساد یکی از عواملی است که زمینه را برای ظهور حضرت فراهم می آورد زیرا مردم به ستوه می آیند و برای پذیرش یک رهبر عادل و انسان کامل و دلسوز آماده خواهند شد.

البته نباید از یک مطلب مهم غافل شد و آن این که اهل ایمان نباید دست از امر به معروف و نهی از منکر بکشند، به بهانه این که هر چه فساد و گناه زیادتر شود زمینه برای ظهور حضرت، آماده تر می گردد، چنین فکری قطعاً شیطانی است و وظیفه ما در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر هرگز تعطیل نمی گردد.

## سوالات گفتار دهم

1- امام باقر (علیه السلام) در پاسخ به کسی که سؤال کرد: آیا ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) وقت معینی

دارد، چه فرمود؟

2- یکی از نشانه هایی را که حقیقت آن برای ما معلوم نیست و احتمالاً اشاره به حادثه خاصی باشد، نام ببرید؟

- 3- دو مورد از موارد و نشانه های حتمی را اسم ببرید؟
- 4- در ابتدای ظهور حضرت در کنار کعبه، منادی چه ندائی سر می دهد؟
- 5- پنج مورد از موارد شیوع فساد را در قبل از ظهور بیان کنید؟
- 6- امام صادق (علیه السلام) در رابطه با آینده امت از پیامبر اکرم (علیه السلام) چه روایتی را نقل نموده است؟
- 7- یک روایت در رابطه با غربت اسلام ذکر کنید؟
- 8- حدود روایاتی که بر شیوع ظلم و ستم در تمامی نقاط روی زمین دلالت می کند چه مقدار است؟
- 9- شیوع فساد از چه ناحیه ای در جوامع، حاصل می گردد؟
- 10- سدیر صیرفی، حال امام صادق (علیه السلام) را چگونه دید و از ایشان چه نقل می کند؟
- 11- از آیه ۱۱۰ سوره یوسف چه برداشت می شود؟
- 12- چه عاملی زمینه ساز ظهور حضرت می گردد؟
- 13- آیا در زمان شیوع ظلم و فساد وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تعطیل خواهد شد؟
- 14- مضمون اشعار دیوان شمس تبریزی را به طور خلاصه بیان کنید؟
- 15- خلاصه این گفتار را بیان نمائید؟

**گفتار یازدهم**

**ویژگی های حکومت**

## برقراری عدالت

آنچه مسلم است حضرت مهدی (علیه السلام) حکومتی را برقرار خواهد کرد که انبیاء عظام و حضرت ختمی مرتبت و آباء ارجمندهش یعنی ائمه اطهار (علیهم السلام) به دنبال آن بودند و لذا باید دید این بزرگان در صدق ایجاد چه نوع حکومتی بوده اند؟

قرآن کریم غرض نهایی انبیا و یگانه هدف عالی آنان را اقامه قسط و عدل معرفی می کند و می فرماید: **لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ** (270) (ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان (یعنی قوانین عادلانه را که بتوانند حق را از باطل تشخیص دهند)، نازل نمودیم تا مردم به عدالت قیام کنند).

همچنین در سوره بقره هدف از بعثت انبیا را داوری نمودن بین مردم در اختلافاتی که پیش می آید، دانسته و فرموده: **فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ** (271) (که در اینجا هم به مسأله برقراری عدل و عدالت در جامعه اشاره دارد. بنابراین، ویژگی حکومتی که انبیا به دنبال آن بودند عدالت خواهی و عدالت پروری است، حکومتی که تحقق ایده و خواسته صاحبان ایمان و در رأس آنها رسولان و امامان (علیهم السلام) است و در سوره حج اینگونه ترسیم شده): **الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ** (کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خداست).

در این آیه هم حکومتی را مورد توجّه نیکان و پاکان معرفی می کند که در آن ارتباط مردم با خدای خود و نیز با محرومین جامعه برقرار شود و یکدیگر را به خوبی ها توصیه نمایند و از بدی ها باز دارند و چنین جامعه ای قطعاً عدالت محور خواهد شد.

### احکام اسلام، تجلّی عدالت خواهی

برای آگاهی از ماهیت حکومتی که مورد نظر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و مورد توجه و خواسته تمامی ائمه بوده و هست، کافی است به محتوای مکتب اسلام و بایدها و نبایدهای آن و بهویژه به مسائل اخلاقی اسلام که بشریت را از ظلماتِ وهم و صفات زشت به عالم نور و تزکیه نفس می رساند و او را یک فرد اینارگر و خدای جو قرار می دهد، نگاهی بیفکنیم، خواهیم دید که آن حکومت عادلانه و عدل پرور چیزی غیر از پیاده نمودن احکام اسلام نیست.

با نگاهی به فقه اسلام در بخش معاملات و سیاسات درمی یابیم که تا چه اندازه دقّت به عمل آمده تا جلو ظلم ها و اجحاف ها گرفته شود خودکامگی ها و خودخواهی را بگیرد آیا با رعایت نمودن احکام قضا و شهادت و شرائط قاضی و قواعد فقهی عدالت اجتماعی برقرار نمی گردد؟

حتّی احکام عبادات از قبیل اباحه مکان و لباس و قربانی و احرامی ووو که مورد ابتلای اهل ایمان است بر مبنای ظلم ستیزی مقرر شده و از تصرف به مال و ملک و حق مردم به طور عدوانی جلوگیری می کند.

همچنین با نگاهی به مسائل حقوقی اسلام از قبیل حق والدین بر فرزند و بالعکس، حق زوج بر زوجه و بالعکس، حق راعی بر رعیت و بالعکس، حق کارفرما بر کارگرو بالعکس، حق همسایگان بر یکدیگر و حتّی حقوق حیوانات بر انسانها<sup>(272)</sup> و با توجّه به این مسائل حیاتی و به کار بستن آنها واقعاً زندگی بشری رنگ و بوی دیگری پیدا می کند اگر بر این دو یعنی فقه و حقوق اسلامی، دستورات اخلاقی را ضمیمه کنید و محبّت و ایثار و نوع دوستی و گذشت و عفو بر جامعه حاکم گردد آیا جایی برای تعدّی و تجاوز باقی می ماند؟ آیا بوی بهشت و بهشتیان از چنین جامعه ای به مشام نمی رسد؟

مسئولیت همه مکلفین از پیر و جوان، زن و مرد، در آشکارا و نهان، در شهر و بیابان، امر به معروف و نهی از منکر است که تارک آن، مرده متحرک معرفی شده و انجام آن از بزرگترین تکالیف دانسته شده و در اهمیت آن همین بس که علی (علیه السلام) می فرماید:

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ  
لُجِّي<sup>(273)</sup>. تمامی کارهای نیک حتی جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر مانند قطره ای از  
آب دهان در برابر دریای موج می باشد.

اگر امر بمعروف و نهی از منکر با این شدت بر همگان واجب شد برای این است که عدالت و حق در همه جا  
پیاپی شود و پلیس و ناظر آن هم خود مردم باشند و این نظارت عمومی باعث شود که کسی از خط سیر عدل  
و حق پا فراتر نگذارد. و همچنین اسلام به همگان دستور می دهد که به یکدیگر توصیه حق و توصیه صبر داشته  
باشید (تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ) (و نیز یکدیگر را نصیحت کنید).

قرآن به پیروان خود دستور می دهد که با دشمن خود بر اساس عدالت رفتار کنید، مبدا بغض و عداوت،  
باعث شود که افراد را از عدالت و رعایت آن، حتی در مورد دشمنان خود دور گرداند؛<sup>(274)</sup> زیرا یکی از  
عوامل ظلم و حق کشی ها همین بغض و کینه توزی نسبت به یکدیگر است.

#### نگاهی به حکومت کوتاه علی (علیه السلام)

بهترین برای آن حکومتی که مورد علاقه انبیا و ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده حکومت کوتاه علی بن ابیطالب  
(علیه السلام) است.<sup>(275)</sup> که در این مدت کوتاه با وجود شعلهور شدن آتش در جنگ های، جمل و صفین و  
نهروان، عدالت علی (علیه السلام) در اداره حکومت برقرار بود حتی عدالت در میدان جنگ و در برخورد با  
دشمن نیز کاملا رعایت می شد در صفین بعد از باز پس گرفتن شریعه و در اختیار داشتن آب استفاده از  
شریعه و آب را برای لشکر معاویه آزاد می کند در حالی که معاویه استفاده از آب را برای لشکریان علی (علیه  
السلام) ممنوع کرده بود.

ایشان در زمان حکومتش سیره پیغمبر اکرم را که مدت ها فراموش شده بود احیا نمود، مساوات و عدالت  
اجتماعی را اجرا کرد، تمامی امتیازات را از بین برد، حکمرانان و فرمانروایان بی بند و بار را عزل نمود، اموالی

را که از بیت المال به غارت رفته بود و یا املاک و مستغلاتی را که مقام خلافت بخشیده بود پس گرفت و هر کسی را که از مقررات دینی تخلف می نمود مجازات می کرد. با تمام شجاعتی که داشت بی اندازه مهربان و رئوف بود در جنگ ها زنان و کودکان و ناتوانان را نمی کشت و اسیر نمی گرفت فراریان را تعقیب نمی نمود، هرگز علاقه به ریختن خون نداشت بلکه عاشق هدایت شدن و رستگاری مردم بود، هنگام عصر به دشمن حمله می کرد که زخمی ها خود را به کنار کشند و اگر کسی می خواهد از میدان فرار کند از تاریکی شب استفاده کند و با فرا رسیدن شب افراد کمتری کشته شوند.

به عناوین و القاب بی اعتنا بود. هنگامی که حضرت به سمت اهل شام برای جهاد می رفت به شهر انبار نزدیک شد، مردم به جهت تعظیم و احترام از مرکب های خود پیاده شدند و مقابل حضرت به عنوان احترام با شتاب حرکت می کردند حضرت فرمود: «این چه کاری است که انجام می دهید؟ گفتند: ما امیران خود را این گونه تعظیم و تجلیل می کنیم، حضرت فرمود: امیران شما از این عمل سودی نمی برند و شما هم خود را به زحمت می افکنید.

و بالاخره علی (علیه السلام) برای بدست آمدن خلافت اسلامی در شورایی که عمر برای بعد از مرگ خود طراحی کرد حاضر نبود بر خلاف عقیده خود کلمه ای را اظهار کند و حاضر نبود در ازای به دست آوردن سلطنت و حکومت حتی بر موری ظلم نماید. و هنگام فرارسیدن شهادت با جمله ( **فُرْتُ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ** ) با دنیا و مظاهر آن وداع می کند.

اصولاً نام علی با، واژه عدالت دو کلمه لازم و ملزوم هستند آن چنان که دانشمند مسیحی با شناخت شخصیت والا و الهی علی، شیفته او می گردد و با افتخار، برای معرفی او به جهان بشریت، قلم به دست می گیرد و کتابی با نام (صوت العدالة الانسانیة) تألیف می کند و نیز دیگری می گوید:

**مَاتَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِيطَالِبٍ لَشِدَّةِ عِدَالَتِهِ مَاتَ وَالصَّلَاةُ بَيْنَ شَفَّتَيْهِ مَاتَ وَفِي قَلْبِهِ الشُّوقُ إِلَى رَبِّهِ.**

از این بحث دو مطلب برای ما روشن می گردد تمام انبیا و اولیای الهی در آرزوی تحقق یافتن و بلکه در مقام اقامه حکومت عادلانه و عدالت گستر بوده اند گرچه متأسفانه بسیاری از آنها در مسیر برقراری چنین حکومتی از دنیا رفتند و یا آنان را کشتند.

بنابراین اگر ما انبیاء و ائمه (علیهم السلام) را منادیان عدالت و عاشقان عدل و داد و شهیدان راه برقراری قسط و عدل بدانیم هرگز گزاف گوئی نکرده ایم البته ناگفته نماند که انبیاء عظام با زحمات طاقت فرسای خود اولاً هر یک به سهم خود مردم را بیدار کردند و از ظلم و ستم و طاغوت و طاغوتیان متنفر ساختند و در واقع زمینه را برای برقراری حکومت عادلانه آماده کرده اند و ثانیاً اگر به عدالت اجتماعی به طور کامل دست نیافتند و به آن حکومت ایده آل نرسیدند ولی توانستند عدّه ای را چه کم و چه زیاد دعوت به ایمان نمایند و آنان را با عدل و عدالت آشنا کنند زیرا شیوه انبیا این نیست که یا حکومت به دست ما بیفتد و الاّ ما کاری با مردم نداریم، خیر اینطور نیست انبیاء همچون طبیبانی دلسوز هستند که اگر یک مریض هم پیدا کنند به مداوای او می پردازند و خلاصه اگر نتوانند عدالت اجتماعی را برقرار کنند به برقراری عدالت های خانوادگی و بلکه فردی می پردازند و می گویند): **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ.**

**تُسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ** <sup>(279)</sup> (و بر اساس همین تلاش انبیاء عظام می نگریم هزاران هزار انسانهای مؤمن و خدای جو و عادل پیدا شد و بلکه امت های بزرگی همچون یهود و نصاری و دیگران در جهان شکل گرفتند.

انبیا و اولیای الهی به دلایل گوناگون نتوانستند حکومت کاملاً عدل محور، را پیاده کنند امّا حضرت مهدی (علیه السلام) طبق روایات فراوان بر اساس فراهم آمدن شرائط و مرتفع شدن بسیاری از موانع به این قله رفیعه یعنی برقراری حکومت دادگستر نائل خواهد شد و برای بشریت بعد از بهره مند شدن از مزایای آن حکومت و زندگی راحت در زیر سایه چنین حکومتی، ثابت می شود که خداوند حکیم از ابتدای خلقت و رسالت آدم ابوالبشر چنین حکومت و زندگی را برای بندگان خود خواسته بود ولی انسان ها با سوء اختیار خود بهشت دنیوی خود را به جهنم سرا و زد و خورد و ظلم و ستم سپری کردند و آن روز تأسف می خورند و پشت دست خود را می گزند که چرا دنبال انبیاء نرفتند و جواب مثبت به آنان ندادند.



## حکومت حضرت مهدی از دیدگاه روایات

همان گونه که از مطالب قبل دانستیم آن حکومت مورد علاقه همه انبیا و ائمه اطهار (علیهم السلام) در زمان ظهور حضرت بقیة الله اعظم (عج) برقرار می شود و مردم طعم حکومت الهی را می چشند.

ولی بسیاری از صاحبان ایمان و منتظران حضرت دوست دارند بدانند که کیفیت حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) در روایات اهل بیت چگونه ترسیم شده که در بیش از سیصد روایت آمده: **يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِهٖ قِسْطًا وَعَدْلًا** (به وسیله حضرت مهدی، خداوند متعال زمین را پر از عدل و داد می کند).

حضرت مهدی (علیه السلام) در کنار خانه کعبه به فرمان الهی ظهور می کند. پرچم و شمشیر و عمامه و پیراهن پیامبر با اوست و به قتل دشمنان خدا و اسلام می پردازد و از ستمگران انتقام می گیرد. یاران ویژه او سید و سیزده نفرند که در مکه به او ملحق می شوند. این ها مردانی جنگجو و سلحشور و صالح و با ایمان، و راهبان شب و شیران روزند. دل های آنان همچون آهن، محکم، و در اطاعت از آن حضرت کوشا می باشند و به هر مقصدی حرکت کنند پیروز می شوند.

امام بعد از مدتی به سوی مدینه حرکت می کند و در آنجا به مبارزه می پردازد و سپس با سپاه خود به سوی عراق و کوفه می رود در کوفه با سید حسنی ملاقات می کند سید حسنی و سپاهیان او با امام بیعت می کنند و عیسی مسیح (علیه السلام) از آسمان فرود می آید و امام را یاری می کند و در نماز به ایشان اقتدا می نماید.

امام (علیه السلام) کوفه را مرکز حکومت خود قرار می دهد و شرق و غرب جهان را فتح می کند و اسلام را در همه جا حکمفرما می سازد.

در حکومت امام، برکات زمین آشکار و ثروت و نعمت و محصولات فراوان و فقر از بین می رود به طوری که برای دادن زکوات و صدقات فقیری پیدا نمی کنند، عدل و امنیت در همه جا سایه گستر می شود حتی اگر پیرزنی، طبقی از طلا و جواهر بر سر گیرد و تنها از شهری به شهری برود کسی مزاحم او نمی شود، گنجینه هایی که در زمین نهفته است مورد استفاده قرار می گیرد، حضرت با دست کشیدن بر سر افراد، عقل های آنان را کامل می کند، دین با تمامی ابعاد خود جلوه گر می شود بدعت ها به وسیله حضرت و اصحابش از بین می رود مردم به عبادات رو می آورند، کسی نیست بغض اهل بیت در دلش بوده باشد.

حضرت سؤال کرد: چگونه صاحب الأمر را بشناسیم؟ حضرت این آیه را تلاوت کرد (الَّذِينَ إِِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)<sup>(283)</sup> سپس حضرت فرمود: هر وقت مردی از ما اهل بیت را دیدی که برنامه هائی را که این آیه اعلام می کند اجراء می نماید از او پیروی کنید که او صاحب امر است.

در حدیثی که از امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل شده<sup>(284)</sup> که حضرت مهدی در موقع بیعت اموری را با مردم شرط می کند از جمله این است که: دزدی نکنند، مرتکب زنا نگردند، فحش و دشنام ندهند، هتک حرمت کسی را ننمایند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را به غیر حق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو را ذخیره نکنند، شراب نخورند، خز و حریر نپوشند، راهزنی ننمایند و راه را نا امن نسازند، موادّ غذائی را احتکار نکنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

و نیز حضرت در ضمن بیعت، با خود شرط می کند، که مانند آن ها عمل نماید، مثل آن ها لباس بپوشد و بر مرکبی که آنان سوار می شوند سوار شود و به اندک، راضی گردد و حاجب و دربانی برای خود قرار ندهد و نیز از ویژگی های حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) این است که: بر کارگزاران سخت می گیرد، تا مبدا در انجام وظیفه خود کوتاهی کنند و یا انتظار رشوه و هدیه از جانب مردم داشته باشند.

مردم با هم مهربان می شوند، باران های نافع در موقع می بارد، توجه مردم به خدا زیاد می شود، ویرانه ها آباد می گردد، و دل های مردم شادمان می گردد و . . .

و می توان شاخصه حکومت حضرت مهدی را در یک جمله گفت و آن همان است که در صدها روایات آمده که قسط و عدل در جامعه گسترش پیدا می کند و آنچه که در جامعه حکم فرما می شود قانون و نظم است.

### **دو ویژگی مهم در عصر حضور**

دو چیز در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در جامعه واقع می شود که می توان گفت: زمینه ساز گسترش عدالت در جامعه می شود.

اول: ارتقاء سطح علمی به طوری که قابل مقایسه با قبل از ظهور نخواهد بود زیرا طبق روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده<sup>(286)</sup> می فرماید: علم بیست و هفت حرف است و تمامی علومی را که به وسیله

پیامبران انتشار یافته نتیجه دو حرف از آن ۲۷ حرف است وقتی که حضرت قائم قیام می کند آن ۲۵ حرف دیگر منتشر می سازد.

دوم: رشد عقل انسان ها است، امام باقر (علیه السلام) می فرماید: زمانی که قائم ما قیام نماید دست مبارک خود را بر سر مردم می گذارد و عقول آن ها بر سر ایشان جمع، و نیروی فکر و تعقل آنان کامل می گردد.

در جامعه ای که عقل و علم حکمفرما است و فرهنگ حاکم، فرهنگ علمی و عقلانی است قهراً اخلاق نیکو، مهر و محبت ورزیدن به یکدیگر، رعایت قانون، شوق به عبودیت و بندگی خدا، حکمفرما خواهد شد در واقع گسترش عدالت در جامعه به طور جبر و فشار نیست بلکه زمینه های گسترش عدالت در جامعه فراهم می آید، در جامعه ای که شاخصه آن دانش و بینش بوده باشد کجا پرونده های جنائی و حقوقی متراکم خواهد شد و در جامعه ای که عقول افراد آن رشد یافته جائی برای گسترش فساد و ظلم و تعدی باقی نمی ماند.

### پاسخ به یک سؤال مهم

سؤال می شود که در حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) وضع کافران و منافقان و بطور کلی غیر مسلمانان چه خواهد شد؟ آیا این ها تماماً از بین برداشته می شوند و کشته می شوند؟

در پاسخ به این سؤال گفته می شود: انسان ها در هر مذهب و کیشی که هستند وقتی می نگرند جامعه ای بر اساس عدالت و ارتقاء علمی برقرار شده و گنجینه های طبیعت در آن کشف شده و وضع مردم از فقر و نابسامانی ها نجات یافته و امنیت در شهر و روستا و بیابان ها برقرار است و در کنار همه این امور ملت نصاری با این کثرت جمعیت در روی زمین، مشاهده می کنند که پیامبر عظیم الشان آن ها آمده و پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند و او را یاری می کند قهراً مردم فوج فوج به اسلام و نیز به محور و قطب آن یعنی وجود امام زمان ایمان می آورند آن هم با رغبت، کما اینکه در صدر اسلام بعد از آگاهی مختصری از احکام اسلام و روش و شیوه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای مردم حاصل شد، آنان فوج فوج به اسلام گرایش پیدا کردند که قرآن خبر می دهد و می فرماید: **يَذْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا.**

و حال آنکه وضع جامعه و بسط و عدالت و رفاه و آگاهی از تعالیم حیات بخش اسلام در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) قابل مقایسه با صدر اسلام نیست.

بنابراین اگر انسان‌ها با عقل و فکر حرکت کنند و نیز اگر حکومت آن عصر را با حکومت‌های طاغوتی قبل مقایسه کنند قطعاً به اسلام و امام زمان ایمان می‌آورند و بلکه خوشحالند از این نعمت عظمی که برای آن‌ها پیش آمده. بله در هر عصر و زمانی نیز گروهی معاند و لجوج و خودخواه و کوتاه فکر هستند که می‌خواهند فکر خود را بر همگان تحمیل کنند و خلل در حکومت و جامعه ایجاد کنند با چنین افرادی باید برخورد شود کما اینکه عقلاء، این برخورد را منصفانه و به نفع جامعه می‌دانند که امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قطعاً با چنین افرادی برخورد خواهد کرد و این میکرب‌های خطرناک و مزاحم را از سر راه بر می‌دارد.

**صدها چراغ دارد و بی راهه می‌رود بگذار تا بیفتد و بیند سزای خویش**

**چهره حکومت مهدی(علیه السلام) از دیدگاه نهج البلاغه**

حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) خبر داده که در آینده مردم و اهل دنیا به ما رو می‌آورند و سرانجام به در خانه ما زانو خواهند زد حضرت می‌فرماید:

لَتَعَطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصَّرُوسِ عَلَي وُلْدِهَا ، وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ :

(وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ).

دنیا پس از چموشی همچون شتری که از دادن شیر به کسی که او را می‌دوشد خودداری می‌کند و شیر را برای بچه خود نگه می‌دارد به ما خانواده روی می‌آورد<sup>(290)</sup> و سپس این آیه را تلاوت نمودند، می‌خواهیم بر مستضعفین زمین منت بگذاریم و آنها را پیشوایان زمین و وارثان آن قرار دهیم.

موضع مولایمان علی (علیه السلام) در زمان حیات و شهادتش با الآن خیلی تفاوت کرده، آن روز جنازه حضرت را مخفیانه دفن می‌کنند که مبادا به جنازه و قبر حضرت جسارتی شود، اما امروز دانشمندان مسیحی همچون جرج جرداق و دانشمندان مادی هم چون شبلی شمیل مدبجه سرای حضرت می‌باشند. اگر آن روز ریحانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به همراه فرزندان و اصحاب با وفایش با لب تشنه سر از بدنشان جدا ساختند،

امروزه میلیونها نفر در اطراف و اکناف جهان به او عشق می‌ورزند و حتی عدّه ای از غیر مسلمانان متوجّه عظمت و جلالت حضرت شده اند، تا جائی که با نذر و توسّل به ایشان از خداوند حاجات خود را می‌گیرند.

اگر آن روز امام صادق (علیه السلام) را نشناختند و با آشکار نمودن چهره ای همچون ابو حنیفه بر چهره حضرتش پرده و حجاب افکندند، امروز علم و دانش شاگردان امام صادق در روایات و احادیث واصله از ایشان چشم خردمندان و دانشمندان را خیره نموده است.

و امّا در رابطه با کلام علی (علیه السلام) پیرامون کیفیت حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) مراجعه شود به خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه که تمام شارحین نهج البلاغه متفقاً می‌گویند<sup>(291)</sup>: فرزهایی از این خطبه به عصر ظهور حضرت قائم (علیه السلام) و گرچه اصل خطبه به حوادث مهمّ آینده مربوط است. امّا بخشی از فرزهای آن اختصاص به عصر ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) دارد.

در این کلام حضرت با اشاره به چهار خصوصیت و ویژگی مهمّ حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) می‌فرماید:

**يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ... فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرِهٖ وَيُحْيِي مَبْتَأَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ.**

اوّل: خواسته های دل و هوی و هوس ها را به سوی هدایت الهی سوق می‌دهد بعد از آن که مردم، هدایت الهی را و تعالیم اصیل اسلامی را تحت الشعاع خواسته های دل خود قرار داده اند. اکنون گروهی نه فقط به دنبال خواسته های دل حرکت می‌کنند و از آن متابعت می‌نمایند، بلکه به هوی و هوس های نفسانی خود رنگ دین و خدا و اسلام می‌زنند و پیروی از نفس اماره را به عنوان (اله) تلقی می‌کنند پروردگار به پیامبر اکرم خطاب می‌کند و می‌فرماید): **أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ الْهَوَاهُ أَفْأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا.**

(آیا دیدی کسی را که هوای نفس خود را معبود خویش قرار داده؟! آیا تو می‌توانی او را هدایت کنی؟)

حضرت استاد بزرگوار آیت حق، شیخ مرتضی حائری (قدس سره) این آیه را برای شاگردان خود می‌خواند و می‌فرمود: کسی که خواسته های دل خود را رنگ خدائی زده و آن را دین و صراط مستقیم تصوّر می‌کند، هیچ کسی او را نمی‌تواند به راه راست سوق دهد حتّی نفس گرم شخص شخیص حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه وآله) نیز در او اثری نمی‌گذارد، اگر این حالت در یک فرد پیدا شود این گونه از حق و حقیقت دور می

گردد، پس آن گاه که جامعه به این صورت در آید چه می شود؟! از این کلام مولی علی (علیه السلام) استفاده می شود که قبل از ظهور وضع جامعه مسلمین در چنین شرایطی قرار می گیرد و حضرت با ظهور خود، هدایت الهی و احکام اصیل اسلامی را حاکم می کند و خواستهای دل را به سوی هدایت ها و ارشادها سوق می دهد.

### پاسخ به یک سؤال

دانستیم که در عصر ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، جلو هوی پرستی ها گرفته می شود و خواستهای ناروای دل، به موازین شرعی و دستورات الهی سوق داده می شود، ممکن است کسی سؤال نماید که آیا در عصر حکومت حضرت به طور کامل هوی پرستی ها و تمایل های بی جا از میان می رود؟ و آیا نفس امّاره دیگر وجود ندارد تا مردم را به اعمال زشت و ناپسند دعوت نماید؟

در پاسخ به این سؤال می توان گفت: بسیار بعید است که در عصر ظهور مطلقاً نفس امّاره از بین برود و مردم تماماً از افراط و تفریط در تمایلات و غرائز نجات بیابند زیرا سرشت انسانها از عقل و شهوت ترکیب شده و آیتی همچون) **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا** (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي) (وَنَفْسٌ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيَهَا) (و... در عصر حضور نیز، حکمفرما و برقرار خواهد بود.

امّا پیروان هوی و هوس به دو دسته تقسیم می شوند گاهی این افراد از شخصیت های سرشناس و چهره های معروف اجتماعی و سیاسی است و می خواهد به آمال و آرزوی خود برسد اگرچه نظم اجتماع و وحدت جامعه در هم بریزد همانند بنیانگذاران سقیفه بنی ساعده و طلحه و زبیرها این گونه اشخاص باعث فتنه و اخلال در نظم و آرامش بوده و هستند گاهی از طریق قلم و مطبوعات و گاهی از طریق سخنرانی و تبلیغات و گاهی از طرق دیگر جامعه ای را به آشوب می کشند و مردم را به جان یکدیگر می افکنند، این نوع هوی پرستی ها و خود کامگی ها قطعاً در حکومت مهدی جمع آوری می شود و هرگز اجازه داده نمی شود که یک نفر مقاله نویسی و یا رئیس قبیله و یا رهبر حزب و سازمانی هر جور که دلخواه او است عمل کند.

امّا در مواردی، هوی پرستی در زندگی و روش شخصی افراد است از قبیل چشم چرانی ها و دستبرد به مال مردم و ضایع کردن حقی از هم نوع و...، گرچه با ارتقاء علم و عقل، مردم نسبت به یکدیگر مهربان و نیکوکار می شوند، امّا این نوع هوی پرستی عموماً در بعضی از افراد وجود خواهد داشت ولی سیطره قانون در همه

جا حتی در بیابان ها و صحراها باعث می شود که این نوع هوی پرستان نیز نتوانند هرگونه که دلشان می خواهد عمل کنند.

مثلاً در روایات آمده<sup>(293)</sup> اگر پیرزنی طبقی طلا و جواهر بر سر گیرد و به تنهائی و پیاده از شهری به شهری برود کسی مزاحم او نمی گردد و در ثروت او طمع نمی کند.

این روایت دلالت نمی کند که تمامی افراد در آن عصر اهل تقوی و عدالت خواهند بود بلکه بدان معناست که اگر کسی هم بخواهد به ثروت این پیرزن آن هم در بیابانها تعرض کند، از سیطره قانون و پلیس خوف دارد چون در روایات آمده تمام کره زمین در مقابل امام زمان مانند کف دستی می ماند که به تمامی نقاط اشراف کامل دارد و بر اساس شمشیر و عدالت با مردم برخورد می کند و هیچگونه اغماضی در این راه نخواهد کرد.

و نیز حضرت یارانی دارد مصمم و قوی که آنان را در شهرها و مرکز استان ها می گمارد، و برنامه آنها رفع ظلم و اجحاف و نیز آباد کردن بلاد و روی زمین است و حضرت آنها را در همه حال می نگرد و آنان نیز حضرت را می بینند.

آری اگر حضرت مهدی(علیه السلام) و یاران او که مسئولیتی بس گران دارندومی خواهند چهره جهان را دگرگون نمایند غیر از این باشند، قادر به انجام مأموریت خود نخواهند بود.

چه زیبا فرمود مولای ما علی (علیه السلام) در رابطه با چهره حکومت مهدی موعود که: **يُعْطِفُ الْهَوَى عَلَيَّ الْهَدَى إِذَا عَطَفُوا الْهَدَى عَلَيَّ الْهَوَى** آن حضرت خواستهای دل و هوی و هوس مردم را به سوی هدایت الهی و قانون بر می گرداند بعد از این که مردم به دنبال هوس های خود می رفتند و از هدایت های الهی غافل شده بودند این مربوط به جمله اوّل علی (علیه السلام) در نحوه حکومت حضرت قائم،

دوم: مسلمانان از هر فرقه و گروهی و از هر مسلک و مذهبی که هستند آرا و نظریات خود را بر قرآن تحمیل می کنند و آیات قرآن را با نظریات خود تطبیق می دهند، جبری مسلک، قرآن را طرفدار جبر می داند. و تفویضی طرفدار تفویض، اشاعره برای افکار خودشان به قرآن استناد می کنند و معتزله برای راه و روش خود نیز به قرآن تمسکمی جوید، البته این بلای بزرگی که بر امت اسلام وارد شده با داشتن کتابی

همچون قرآن که می تواند محور وحدت امت اسلامی شود متأسفانه هر گروهی آیات آن را سپر برای دفاع افکار خود قرار داده اند و این تفرقه و تشتت که در امت اسلام مشاهده می شود، معلول عدم پیروی از مفسرین و عالمان قرآن است که در کلام پیامبر به طور تواتر آنها را معرفی کرده و فرموده:

(إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَعِثْرَتِي) (کتاب خدا و عترت می تواند شما را به سر منزل مقصود برساند و در کنار حوض کوثر شما را به من ملحق نماید).

آری زمانی که حضرت مهدی (علیه السلام) ظهور می کند، تمامی آراء و نظریات باطل برچیده می شود و تمام افراد با معنای حقیقی قرآن آشنا می شوند و خلاصه این طور نخواهد بود که افراد و گروه ها اول برای خود رأی و نظریه بسازند و آماده کنند و سپس از قرآن شاهد بیاورند بلکه به محضر قرآن می روند تا بنگرند قرآن چه نظریه ای را برای آن ها می پسندد تا آن را سرمشق زندگی و عقاید و افکار خویش قرار دهند و بنا به فرمایش علی (علیه السلام) در زمان ظهور مهدی (علیه السلام) این امر مهم واقع می شود و تمامی افشار پیروی از قرآن می کنند آن هم قرآنی که از طرف عترت و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تفسیر می گردد.

سوم: حضرت مهدی (علیه السلام) سیره و روش دادگرانه را به جهانیان نشان خواهد داد و مردم با حقیقت واژه (عدل - عدالت) آشنا می شوند و آن را در تمامی شئون زندگی خود لمس می کنند.

چهارم: در عصر حکومت حضرت، تمامی احکام قرآن و سنت نبوی (صلی الله علیه و آله) که به فراموشی سپرده شد احیاء می گردد و مورد توجه حکومت و مردم قرار می گیرد.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: زمانی که به حضرت قائم اذن ظهور داده می شود حضرت بالای منبر می رود و مردم را به سوی خود دعوت می کند و به خداوند متعال قسم می خورد که بر اساس سنت و روش پیامبر عمل نماید.

### توصیف عدل گستری مهدی از زبان علی (علیه السلام)

مطلبی که در اینجا نباید از آن غفلت نمود این است که کسی چون علی بن ابی طالب که خود مجسمه عدل و عدالت خواهی است و دوست و دشمن او را به عظمت و پاکی می شناسند و حتی حاضر نشد برای برادر خود



مقداری از حریم عدالت پا فراتر نهد و بیت المال را به طور مساوات تقسیم نمود و درباره معاویه فرمود: تلاش و جدّیت خواهم کرد تا زمین را از این شخص وارونه و این جسم کج اندیش پاک سازم<sup>(297)</sup> و بالاخره آن کسی که وقتی می شنود در گوشه از مملکت اسلامی خلخال از پای یک زن غیر مسلمان که در تحت حمایت حکومت اسلام زندگی می کرده درآورده اند پریشان می شود و ناراحتی خود را ابراز می دارد، این چنین مردی سخن از حکومت عادلانه و عدل پرور فرزندش مهدی سر می دهد، گوئی آنچه شخصیتی مثل علی (علیه السلام) در آرزوی آن است، به دست حضرت مهدی جامه عمل می پوشد.

تفاوت بسیار وجود دارد میان آن که حکومتی را، مردم عادلانه بدانند، با حکومتی که علی (علیه السلام) آن را عادلانه بدانند و درباره آن بفرماید: **فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرَةِ**، روش دادگرانه را به شما نشان خواهد داد. دو نام است که همیشه با کلمه (عدل) قرین بوده ۱- نام علی (علیه السلام) 2- نام مهدی (علیه السلام) اما نکته قابل توجه آن است که علی (علیه السلام) نیز به انتظار حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) است.

**اللّٰهُمَّ ارِنَا الطَّلِعَةَ الرَّشِيْدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيْدَةَ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَعْوَانِهِ وَاَنْصَارِهِ اٰمِيْنَ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ .**

ای شاهد حسن غیب یزدانی ای مظهر اقتدار سبحانی

ای مصلح عالم، ای جهان آرا ای پرتو آفتاب ربّانی

بازآی و جهان به عدل و داد آرای تا چند درون پرده پنهانی

این خانه شرع را عمارت کن از لطف که می کشد بویرانی

ای مظهر سرّ آدم و خاتم ای با تو عصای پور عمرانی

بازآی و بگیر کشور دین را زین گم شدگان تیه نادانی

ای مهر سپهر علم و دین بازآی عالم شده شام تار ظلمانی

ای رهبر عالم ای که صد خضر است از شوق لقای تو بیابانی

ما تشنه جرعه وصال تو تو چشمه کوثری و رضوانی

لطفی کن و خلق را زغم برهان بنمای رخ ای جمال سبحانی

تو ظلّ خدای فرد یکتائی تو منبع لطف وجود و احسانی

ما را سر خوان جود و احسانت بپذیر تو از کرم به مهمانی

روند تاریخ به انسان ها بشارت می دهد

در خاتمه این گفتار لازم است به یک نکته مهم اشاره شود و آن این که: علاوه بر آیات و روایات که از یک انقلاب عظیمی در جوامع بشری و برقراری حکومت عادلانه و برطرف شدن ظلم و جور در روابط انسان ها خبر می دهند، قانون هدایت عمومی و روند تاریخ نیز انسان ها را به چنین مدینه فاضله ای بشارت می دهد، و قافله بشری خواه ناخواه به سوی یک اجتماع مقرون به سعادت گام بر می دارد، گرچه این مطلب احتیاج به توضیح بیشتری دارد ولی برای طولانی نشدن کلام، به اختصار بسنده می کنیم.

هر غریزه و خواستی را که خداوند متعال و حکیم، در بشر قرار داده اولاً بی حکمت نبوده و قطعاً فوائد و آثار مفیدی بر آن مترتب می باشد و ثانیاً مطلوب و خواسته او یا در جهان، موجود است و یا در آینده به وجود می آید<sup>(299)</sup> اگر انسان در خود احساس گرسنگی و تشنگی می کند، غذا و آب در خارج موجود است و اگر در خود احساس نیاز به پژوهش و کشف مجهولات می کند، راه عالم شدن و طلب علم در خارج برای رسیدن به مطلوب موجود است و انسان می تواند به مطلوب خود نائل گردد.

با توجه به این دو مقدمه می نگریم که هر انسانی در نهاد خود احساس می کند که از بدی ها و ظلم و ستم ها متنفر است و به خوبی ها و عدالت گرایش دارد، اگر چه از زمان وقوع این ظلم و یا عدالت خواهی، قرن ها گذشته باشد و هیچ ربطی به زمان و عصر حاضر نداشته باشد.

آری این فطرت انسان است که عاشق خوبی‌ها و نیکان است و متنفر از زشتی‌ها و بدکاران پس معلوم می‌شود که انسان از حیث کشش باطنی طالب عدل و داد و سعادت و زیبایی‌هاست و از هر ظلم و ستم و حق‌کشی و تعدی و اجحاف متنفر می‌باشد.

و این خواسته و طلبی که در نهاد انسان‌ها نهفته بهترین دلیل است برای تحقق یافتن مطلوب آن یعنی روزی خواهد آمد که جامعه بشری پر از عدل و داد شده و همگان با صفا و صمیمیت در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد.

روزی خواهد رسید که انسان هم، مانند همه انواع آفرینش به موجب قانون هدایت عمومی، به کمال خود که همان عدالت و سعادت و جامعه عادلانه می‌باشد خواهد رسید، علامه طباطبائی (رحمه الله) در این باره می‌فرماید:

بشر از روزی که در بسیط زمین سکنی ورزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت (به تمام معنی) می‌باشد و به امید رسیدن چنین روزی قدم بر می‌دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش نمی‌بست، چنان‌که اگر غذائی نبود، گرسنگی نبود، و اگر آبی نبود، تشنگی تحقق نمی‌گرفت، و اگر تناسلی نبود، تمایل جنسی تصور نداشت از این روی، به حکم ضرورت (جبر) آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا همزیستی نماید و افراد انسانی، غرق فضیلت و کمال شوند و البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای منجی جهان بشریت و به لسان روایات (مهدی) خواهد بود.

### **خلاصه گفتار یازدهم:**

آنچه مسلم است حضرت مهدی برقرار کننده حکومتی خواهد بود که انبیاء عظام و اجداد بزرگوار ایشان به دنبال آن بودند و آیه سوره ۲۵ حدید و ۴۱ سوره حج بیانگر آن است. به عبارت دیگر آن حضرت بنیان‌گذار حکومتی خواهد شد که با تعالیم حیات بخش اسلام منطبق باشد زیرا رعایت فقه و حقوق و اخلاق اسلامی، دنیای ما را به مدینه فاضله و بهشت برین، مبدل می‌سازد به عنوان مثال، اگر مسئله‌ای معروف و نپی از منکر در جامعه پیاده شود، نتیجه زیبایی در جامعه از خود می‌گذارد. با نگاهی اجمالی به حکومت کوتاه مدت علی (علیه السلام) خواهید دید که اسلام چگونه حکومتی را برای مردم طراحی نموده است. در ادامه بحث، به دو

مطلب اشاره شد اوّل: این که اگر انبیاء به حکومت دلخواه خود نرسیدند از هدایت مردم غافل نشدند و هزاران هزار مؤمن و خداپرست در جهان پرورش داده اند. دوّم: با دورنمای حکومت حضرت از دیدگاه قرآن آشنا شدیم چهره حکومت حضرت مهدی از دیدگاه روایات و شرطی را که حضرت مهدی با پیروان خود در موقع بیعت می نماید، بیان کردیم.

در عصر ظهور دو چیز ارتقاء پیدا می کند ۱- سطح علم و دانش ۲- نیروی فکر و تعقل؛ و طبعاً در چنین جامعه زمینه شیوع فساد فراهم نیست و همین دو چیز باعث می شوند که غیر مسلمانان به اسلام گرایش پیدا کنند. بله اگر گروهی بخواهند بعد از اتمام حجّت، لجاجت به خرج بدهند با آنها برخورد خواهد شد.

در کلام مولایمان علی (علیه السلام) فرازهایی آمده که شکل و ساختار حکومت حضرت مهدی را نشان می دهد. حضرت می فرماید: اهل دنیا بعد از سرکشی هایی که با ما خواهند داشت، به ما رو می آورند و به سمت ما تمایل پیدا می کنند.

و در فراز دیگر چهار خضیصه را برای حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) (بیان می کند اوّل: هوی پرستی ها و خواسته های دل را به هدایت ها و صراط مستقیم برمی گرداند.

دوّم: آراء و نظریاتی که بر قرآن تحمیل شده است و هر فرقه ای قرآن را با رأی خود تفسیر می نمایند، به رأی واحد بر می گرداند که آن تفسیر قرآن از دیدگاه اهل بیت و عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که به دلیل حدیث ثقلین که مورد قبول همگان است پیامبر (صلی الله علیه و آله) فقط آنها را معلم و مفسر قرآن معرفی نموده است.

سوّم: حضرت مهدی (علیه السلام) سیره و روش دادگرانه را به جهانیان نشان خواهد داد.

چهارم: احکام واقعی اسلام که به دست نسیان سپرده شده، مجدّداً زنده می گرداند و آنها را به مرحله عمل وارد می سازد.

نکته قابل توجهی که در کلام علی (علیه السلام) وجود دارد، این که شخصیتی مثل علی (علیه السلام) که خود مظهر عدل است و تمام حرکات و سکنات او برای تحقق یافتن عدالت بوده و سرانجام در همین راه شهید گردید، چنین شخصیتی می فرماید: مهدی با ظهور خود آن حکومت عادلانه را به بشریت نشان می دهد. در

خاتمه به قانون هدایت عامّه و جبر تاریخ اشاره کردیم، که بر اساس آن، قافله بشریت قطعاً در آینده به یک مدینه فاضله خواهد رسید، زیرا عدالت خواهی و تنفّر از ظلم و تعدّی در نهاد بشر نهفته و هر غریزه ای که در انسان هست، قطعاً مطلوب آن نیز دیر یا زود محقق می گردد و به عبارت دیگر، بر اساس قانون هدایت عامّه که هر نوعی را به کمال خود راهنمایی می کند و سوق می دهد، نوع انسان نیز روزی به دست حضرت مهدی به کمال خود واصل می گردد و مدینه فاضله را بنیان می نهد. در این رابطه کلام جامع و ارزنده علامه طباطبائی را نقل نمودیم.

### سوالات گفتار یازدهم

- 1- حکومت مورد قبول قرآن و انبیا در آیه ۲۵ حدید و آیه ۲۱۳ بقره چگونه تعریف شده است؟
- 2- چه باید کرد تا عدالت اجتماعی در جامعه حاکم گردد؟
- 3- علی (علیه السلام) بعد از سلطه یافتن بر شریعه آب در صفین چه دستوری صادر نمودند؟
- 4- چرا علی (علیه السلام) هنگام عصر به دشمن حمله می کرد؟
- 5- دانشمند مسیحی که چندین جلد کتاب در شخصیت و فضائل علی (علیه السلام) نوشته، کیست و کتاب خود را چه نامیده است؟
- 6- انبیاء عظام زمانی که به حکومت دلخواه خود نرسیدند، چه نقشی را در جامعه ایفا می کردند؟
- 7- چند مورد از ویژگی های حکومت حضرت را از دیدگاه روایات بیان کنید؟
- 8- حضرت در ضمن بیعت با مردم چه شرطی را مطرح خواهند کرد؟
- 9- بنا به فرموده امام صادق (علیه السلام)، علم چند حرف است؟

10- آیا کافران و تبه کاران همگی کشته می شوند؟

11- علی (علیه السلام) در حکمت ۲۰۹ نهج البلاغه چه می فرماید؟

12- در کلام علی (علیه السلام) چهار ویژگی برای حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) مطرح شده، آنها را نام ببرید.

13- آیا در حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) هیچ گونه طغیان و هوی پرستی یافت نمی شود؟

14- جبر تاریخ و قانون هدایت عامّه چه بشارتی به انسان ها می دهد؟

15- کلام علامه طباطبائی در رابطه با قانون هدایت عامّه چه بود؟

16- خلاصه این گفتار را بیان کنید؟

### گفتار دوازدهم

### پاسخ به سئوالات

### توضیحی پیرامون چند مورد از علائم حتمی ظهور

همانگونه که با مطالعه مقالات و مباحث گذشته ملاحظه کردید بحث (مهدویت در اسلام) یک بحث مبسوط و مهمی است و از قرآن و روایات و عقل ریشه می گیرد و دارای ابعاد گوناگون از قبیل (غیبت، انتظار، کیفیت حکومت حضرت و ...) می باشد، مطالعه و یا بررسی چنین مطالب مهمّ اسلامی بی شک موجب طرح سؤالاتی برای مخاطبان خواهد شد که باید به آنها پاسخ داده شود.

این سؤالات گاهی به مباحث اصلی (مهدویت) مربوط می شود که در خلال مقالات گذشته سؤالات مهمی از قبیل (فلسفه غیبت چیست؟ فایده امام غایب چیست و ...) مطرح شد و جواب کافی به آنها داده شد.

اما گاهی نیز سؤالاتی برای بعضی افراد و چه بسا دوستان و علاقه مندان به امام زمان پیش می آید که ربطی به مسائل اصلی (مهدویت) ندارد و به حواشی این بحث مربوط است و افراد می خواهند اطراف و زوایای بحث مهدویت برایشان روشن گردد، لذا مناسب دیده شد که بعضی از این سؤالات را مطرح نموده، و به آن ها پاسخ داده شود.

### علائم قطعی ظهور در روایات

در روایات فراوانی سخنی از خروج دجال و سفیانی و سید حسنی و ندای آسمانی به میان آمده و آن ها را از علائم حتمی شمرده است، برای روشن شدن مطلب پیرامون این چهار علامت حتمی، توضیحاتی داده شود.

پاسخ: همانگونه که در سؤال آمده، حوادثی که قبل از ظهور حضرت واقع می شود از آنها به علائم ظهور تعبیر شده و آنها به دو بخش تقسیم می شود<sup>1</sup> (301) - غیر حتمی، یعنی حوادثی که احتمال وقوع آن داده می شود و چنانچه واقع شد می توان به نزدیکی ظهور، امیدوار شد، و این علائم زیاد است مثلاً خراب شدن بغداد بعد از آنکه در کمال آبادی باشد، یکی از این علائم است که امروز می نگریم در اثر خود کامگی های صدام ملعون که آتش جنگ را بین ملت عراق و ایران روشن نمود و زمینه ورود اجانب و کفار را به مملکت عراق و به خصوص بغداد فراهم نمود و هر روز شاهد انفجارهای متعدّد و خرابی آن می باشیم.

خروج خراسانی از خراسان که باعث فتنه عظیمی خواهد شد نیز از علائم غیر حتمی شمرده شد.

2- علائم حتمی، یعنی حوادثی که قبل از ظهور حتماً به وقوع می پیوندد که در رأس همه آنها شیوع ظلم و فساد و گناه است که در گفتار دهم تحت عنوان) علائم قبل از ظهور) به تفصیل گذشت و بیش از سیصد روایت نقل شد که بنا بر آنها، حضرت مهدی (علیه السلام) بعد از پر شدن دنیا از ظلم و جور ظهور می کند، و نیز حوادث دیگری) مثل دجال و خروج سفیانی و سید حسنی و ندای آسمانی) از این علائم خواهد بود.

### امکان ظهور، قبل از وقوع علائم قطعی

از بعضی از روایات استفاده می شود که علائم حتمی نیز ممکن است تغییر کند و حضرت قبل از وقوع آنها ظهور کند، مثلاً امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی می فرماید: **فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ**

انتظار فرج و امید ظهور حضرت را در هر صبحگاهان و شامگاهان داشته باشید<sup>(302)</sup> اگر وقوع این حوادث قطعی و یقینی باشد، دیگر انتظار در هر صبح و شامی، معنی و مفهوم نداشت.

چه را بخواهد اثبات می کند، و ام الكتاب - که به لوح محفوظ معنی شده - نزد اوست. شاهد بر همین مطلب است، بنابراین ما باید در هر روز و شبی و در هر ساعت و لحظه ای انتظار فرج داشته باشیم و در امر ظهور حضرت با تمام وجود دعا کنیم تا شاید انشاءالله در ظهورش تعجیل شود و صاحبان ایمان و منتظران حضرتش خوشحال و مسرور گردند. با توجه به مطلب فوق که امر فرج حضرت مهدی وابسته به اراده الهی است و هر لحظه ممکن است اذن ظهور بدهد اگر چه بعضی از نشانه های حتمی واقع نشده باشد. در روایات فراوانی<sup>(305)</sup> اشاره شده که چند چیز حتماً قبل از ظهور واقع می شود مانند خروج سفیانی و دجال و سید حسنی و ندای آسمانی و فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین پیدا لذا مناسب است برای آگاهی از این حوادث، و آشنائی با افراد مذکور، توضیح مختصری پیرامون آنها ارائه کنیم.

### سفیانی کیست؟

یکی از علائم حتمی که از روایات متعددی استفاده می شود آن است که پیش از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، مردی از نسل ابو سفیان خروج می کند، او خود را در شکل صلحا جلوه می دهد و دائماً ذکر الهی می گوید ولی شخص بسیار خبیث و پلیدی است، و در نتیجه گروه کثیری را فریب می دهد و با خود همراه می کند و بعضی از مناطق مثل شام و فلسطین و اردن را تصرف می نماید و گروه زیادی از شیعیان را به قتل می رساند، به ویژه در کربلا و نجف افراد بسیاری را می کشد، و یاران او اعلان می کنند که هر کس سر یک نفر از شیعیان علی بن ابی طالب را بیاورد هزار درهم جایزه به او داده می شود، گروهی از لشکریان خود را که حدود سیصد هزار نفر خواهند بود به سمت مکه روانه می کند و چون به مدینه می رسند سه روز در آنجا خرابی و قتل عام می کنند و از آنجا به سمت مکه حرکت می کنند چون به زمین (بیدا) که منطقه ای است بین مدینه و مکه می رسند با تمامی سلاح و وسائلی که دارند در زمین فرو می روند که در روایات یکی از علائم حتمیه را همین فرو رفتن لشکر سفیانی در بیدا تحت عنوان (خسف الارض) (معرفی نموده بعد از آگاه شدن سفیانی از هلاکت لشکریانش، از شام به سمت کوفه حرکت می کند و در آنجا به خرابی و فساد مشغول می شود و چون لشکر حضرت مهدی (علیه السلام) (به کوفه می رسند او به طرف شام می گریزد حضرت گروهی را به دنبال او می فرستد و سرانجام در بیت المقدس او را به قتل می رسانند.



## خروج دجال

از دیگر علائم حتمی خروج دجال است که در روایات فراوانی به آن اشاره شده است. دجال در نزدیکی ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، خروج می کند، او را توصیف کرده اند به اینکه: مردی است کافر و دارای یک چشم می باشد آن هم در پیشانی و جبین او نوشته شده که او کافر است و همگان از کفر او آگاهند در زمان خروج او قحطی و گرانی قیمت مردم را آزار می دهد او در سحر بسیار ماهر و قوی است مردم در پیش روی او کوه سیاهی می نگرند که آن را کوه نان و نیز کوه سفیدی در پشت سر او احساس می کنند که چشمه های آب زلال از آن روان است که آن را کوه آب تصوّر می نماید از نهرها و دریاها عبور می کند و شیاطین دور او را می گیرند و با نغمه های جذّاب گروه کثیری را به دنبال خود در می آورد و با صدائی که تمام جهانیان می شنوند ندا می کند: من خدای بزرگ شما هستم که شما را آفریده و روزی برای شما می رساند به سوی من بشتابید و گروهی مخصوصاً ملت یهود از او متابعت می کنند، و سرانجام میان لشکر او و لشکر حضرت قائم جنگ واقع می شود و شخص دجال به دست حضرت مهدی و یا به دست حضرت عیسی کشته می شود. در مورد این که دجال در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) متولّد شده و دارای عمر طولانی خواهد بود یا آن که در همان نزدیکی ظهور حضرت مهدی متولد می گردد، دو نظریّه بین صاحب نظران موجود است.

## دجال و طول عمر

نخست این که می گویند: دجال زمان رسول خدا متولّد شد و نام او عبد الله و یا صائد بن صید، می باشد و در روایات عامه و خاصه چنین آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با بعضی از اصحاب به خانه او رفت و او را به اسلام و ایمان دعوت نمود و او گفت: من از تو سزاوارتر به نبوت و رسالت هستم و طبق روایتی حضرت به فرشته ای دستور می دهد که او را به یکی از نواحی زمین منتقل سازد تا موقع خروجش فرا برسد عامّه طبق روایتی که از صحیح مسلم و سنن ابی داود نقل شده به همین نظریه معتقدند و می گویند: دجال از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا ظهور مهدی موعود زنده است و او را یکی از معمرین دنیا می دانند.

مرحوم صدوق در کتاب کمال الدین<sup>(307)</sup> در این مقام با علماء عامه سخنی دارد بسیار زیبا و لطیف گرچه مربوط می شود به مسئله طول عمر امام زمان اما حیفاً است که به این احتجاج زیبا اشاره نکنیم مضمون کلام

ایشان این است که: اهل عناد و لجاج بر اساس نقل خبر مذکور، غیبت و طول عمر دجال را تصدیق می کنند با این که او عنصری کافر و فاسد است اما طول عمر حضرت قائم (علیه السلام) را با آن همه روایات و بیان خصوصیات انکار می کنند، با این که او را منجی و اصلاح کننده جامعه بشری می دانند در پاسخ به آنها می گوئیم: شما تصدیق می کنید که دجال و ابلیس عمری بیشتر از عمر اهل زمانه داشته باشد اما چنین حالتی را برای قائم آل محمد (علیهم السلام) روا نمی شمارید و طول عمر حضرت مهدی را یک امر محال و واهی می پندارید؟!!

### دجال یعنی دروغگوی فتنه انگیز

دوم: بعضی معتقدند که دجال به معنای دروغگوی فتنه انگیز است که در هر عصر و زمانی به شکلی خود را جلوه می دهند و این افراد هم در عصر انبیاء گذشته بودند و هم در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) و هم امروز، خلاصه دجال، نام شخص معینی نیست. شاهد بر این مطلب این که در کتب روایی آمده که پیغمبر اسلام مردم را از فتنه دجال می ترسانید و می فرمود: پیامبری را خدا مبعوث نکرد الا این که قوم خودش را از فتنه دجال می ترسانیدند.

و از سنن ابی داود نقل شده که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: قیامت بر پا نمی شود تا این که سی نفر دجال که خود را پیغمبر می پندارند، ظاهر شوند.

و نیز از انجیل یوحنا چنین نقل شده است: کسی که مسیح بودن عیسی را انکار کند او دجال است از این شواهد و قرائن استفاده می شود که دجال اسم شخص معینی نیست و به هر دروغگو و گمراه کننده ای اطلاق می شود.

البته روایات فراوانی حاکی است که قبل از ظهور حضرت مهدی یک دجال که منشأ فتنه انگیزی و فساد و خرابی می شود پیدا خواهد شد و در دروغگویی و حقه بازی سرآمد تمامی دجال های تاریخ خواهد بود و چنین جلوه می دهد که آب و نان مردم به دست او است، و مردم به طوری اغفال می شوند که گمان می کنند آسمان و زمین در اختیار او است اما این که آن دجال، همان دجال زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) یعنی صائد بن صید باشد، معلوم نیست و حدیثی هم که می گوید همان دجال زنده می باشد تا موقع ظهور حضرت از نظر سند ضعیف است و قابل اعتماد نیست و اگر هم پیامبر صائد را دیده و از او تعبیر به دجال کرده مراد همان دجال

لغوی است یعنی درگگوی فتنه انگیز، و به عنوان یکی از مصادیق دجال به اصحاب خود معرفی کرده و چون بعداً از خروج دجال آخرالزمان خبر داده، این دو مطلب سبب اشتباه مردم شده و مردم گمان کرده اند که دجال آخر الزمان همان صائد، خواهد بود و او زنده و دارای عمر طولانی است.

آنچه درباره دجال از روایات استفاده می شود و به طور قاطع می توان گفت این است که: در نزدیکی ظهور حضرت مهدی فرد فتنه انگیزی پیدا می شود و گروه کثیری را منحرف می سازد و فتنه او بالا می گیرد تا آنجا که ادعای نبوت و بلکه ألوهیت می کند و سرانجام به دست حضرت مهدی و اصحاب ایشان نابود و هلاک می گردد، و اما درباره سایر خصوصیات او از طول عمر و غیره، مدرک قابل اعتمادی در دست نیست، والله العالم.

### نہضت سید حسنی

یکی دیگر از علائم حتمی که در روایات آمده، قیام و نهضت سید حسنی می باشد و ایشان در روایات به جوانی خوش سیما توصیف شده که از ناحیه دیلم و قزوین خروج می کند و از شیعیان اهل بیت و پیرو حق است هیچ انگیزه ای برای خروجش ندارد، جز اصلاح و نجات مردم از دست ظلم و فسق و فجور و احیای دین مبین اسلام و هرگز ادعای امامت و مهدویت ندارد، عدّه ای شجاع و قوی دل، اطراف او جمع می شوند و کارش بالا می گیرد، و سید حسنی همچون یک سلطان عادل در میان آنها حکم فرمائی می کند، کم کم بر عدّه ای از ستمگران و طاغیان غلبه پیدا می کند و از قزوین تا کوفه را از لوٹ وجود ظالمان پاک می سازد و در کوفه خبردار می شود که حضرت مهدی ظهور نموده و از مدینه به کوفه آمده، سید حسنی با اصحاب خود به خدمت حضرت مشرف می شوند و او کاملاً به حقانیت و صداقت امام مهدی (علیه السلام) یقین پیدا می کند و لکن برای اطمینان اصحاب خود از حضرت مطالبه دلائل امامت و مواریث انبیا می کند و حضرت آنها را ارائه می کند و پیروان سید که تا حدود صد هزار نقل شده به حضرت ایمان می آورند، فقط گروه قلیلی که حدود چهار هزار نفر می باشند ایمان نمی آورند حضرت به آنها سه روز مهلت می دهد و آنها را موعظه و ارشاد می کند و حجت بر آن ها تمام می گردد، ولی متأسفانه آن ها یا از روی لجاج و یا همانند خوارج نهروان از روی جهل و خودخواهی ایمان نمی آورند که به دستور حضرت به هلاک می رسند.

### ندای آسمانی

یکی دیگر از علائم حتمی که در روایات آمده بر خواستن صدائی است از آسمان که شرق و غرب عالم آن را می شنوند و طبق روایات دو صدا از آسمان به گوش می رسد. اوّل: قبل از ظهور حضرت در شب بیست و سوّم ماه مبارک بهوسیله جبرئیل که همگان می شنوند که ندا می کند ( **الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ** ) و در وسط روز شیطان صدا می زند ( **الْحَقُّ مَعَ عُثْمَانَ وَشِيعَتِهِ** ).

دوّم: ندائی است که مقارن ظهور در جهان طنین می افکند. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: حضرت قائم در مکه داخل می شود و در کنار خانه کعبه قرار می گیرد و چون آفتاب بلند شود از جانب خورشید ندائی بر می خیزد که اهل زمین و آسمان می شنوند، می گوید: این مهدی آل محمد است و او را با نام و کنیه جدش پیامبر یاد می کند و پدران او را تا علی بن ابی طالب نام می برد و سپس توصیه می کند که با او بیعت کنید و با او مخالفت نکنید که گمراه خواهید شد.

و در نزدیکی غروب، شیطان فریاد می زند: پروردگار شما در وادی یابس وارد شده و او عثمان بن عنبسه، از فرزندان یزید بن معاویه بن ابی سفیان است (که همان سفیانی می باشد) با او بیعت کنید تا هدایت شوید.

### خلاصه این سؤال و جواب

قبل از ورود به اصل سؤال و جواب عرض شد: طبیعی است که برای هر پژوهشگری آنهم نسبت به موضوع مهمّ اسلامی مانند (مهدویت) سؤالاتی پیش خواهد آمد. گاهی این سؤالات و پرسشها مربوط می شود به مسائل مهم و اصیل مهدویت که در خلال مباحث گذشته مطرح نمودیم. و گاهی مربوط می شود به حواشی این بحث که طرح آنها و آگاهی از پاسخ آنها خالی از لطف نیست و بلکه در بعضی موارد می تواند مانع بعضی از شیظنتها گردد، البته در این گفتار به برخی از این سؤالاها می پردازیم.

سؤال: توضیحی پیرامون اموری که از علائم حتمی ظهور معرفی شده داده شود.

پاسخ: علائم ظهور به دو بخش تقسیم می گردد. حتمی مانند خروج دجال و صیحه آسمانی ووو، و غیر حتمی مثل خرابی بغداد و خروج خراسانی ووو، (البته شیوع فساد و ظلم در جوامع بشری دو نشانه ظهور بوده که در گفتار دهم به تفصیل گذشت). در رابطه با علائم و نشانه های حتمی باید توجه داشت که از کلام علی(علیه

السلام) و نیز امام صادق(علیه السلام) و هم چنین آیه ۳۹ رعد استفاده می شود که امکان ظهور حضرت بدون وقوع علائم حتمیّه وجود دارد.

سپس اشاره شد به سفیانی که یکی از علائم حتمیه شمرده شده و اینکه: ظهور و بروز او در منطقه شامات خواهد بود و دست به فساد و کشتار مردم می زند و نسبت به شیعیان و نابودی آنان تلاش فراوان می کند.

و سپس مقداری از اوصاف و نشانه های دجّالی که قبل از ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) بیان شد و نیز گفته شد دجّال به معنای دروغگو و حقّه باز است و در زمانهای پیامبران و نیز پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) دجّالی بوده و در عصر ظهور نیز دجّالی پیدا می شود، و آنچه در احادیث اهل سنت آمده که دجّال زمان پیامبر دارای طول عمر خواهد بود تا ظهور حضرت مهدی مورد اعتماد نیست.

و امّا سیّد حسنی مرد بزرگ و پیرو مکتب اهل بیت است و بعد از خروج از ناحیه دیلم و قزوین زمین را از لوٹ ظالمین تا کوفه پاک می کند و سرانجام خود و اصحابش به یاران امام زمان ملحق می گردند.

و امّا درباره ندای آسمانی، عرض شد که دو مرتبه صدا در آسمان ظاهر می شود، یکی در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، و دیگری مقارن ظهور در حالی که حضرت مهدی(علیه السلام) در کنار کعبه قرار گرفته و اذن ظهور صادر می شود.

### سؤالات از این پرسش و پاسخ

1- بررسی و تحقیق پیرامون مسائل مهمّ، موجب چه امری می شود؟

2- علائم ظهور به چند بخش تقسیم می گردد؟

3- از کلام امام صادق که فرمود ( **تَوَقَّعُوا الْفَرَجَ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ** ) چه استفاده می شود؟

4- دو علامت از نشانه های حتمی ظهور را نام ببرید.

5- سفیانی در کجا هلاک می گردد؟

6- آن دجّالی که قبل از ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) خروج می کند چه اوصافی دارد؟

7- آیا دجال از زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) تا ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) عمر می کند؟ کلام شیخ صدوق در این رابطه با علماء عامّه چیست؟

8- سیدحسینی از حضرت مهدی(علیه السلام) چه تقاضایی می کند؟

9- دانستیم که دو صدا و ندا قبل از ظهور، در عالم انجام می گیرد، بفرمایید: مفاد و مضمون آن دو ندا چیست؟

### دعای ندبه

سؤال: بعضی از اهل ایمان پیرامون دعای ندبه از حیث سند و احیاناً بعضی از فرازهای دعا پرسش می کنند تا با اعتماد بیشتری از این دعا بهره گیری نمایند، و ضمناً جلو تاخت و تاز برخی از فرصت طلبان گرفته شود.

پاسخ: عالم جلیل القدر و کارشناس مسائل مهدویت حضرت آیه الله صافی گلپایگانی در خصوص این دعا، جزوه ای را تحت عنوان فروغ ولایت در دعای ندبه تالیف نموده اند که هم پیرامون سند این دعا بحث نموده اند و هم توضیحات کافی پیرامون بعضی از فرازهای این دعا داده اند، و این حقیر خلاصه ای از مطالب این جزوه را با اضافات مختصری اینجا می آورم و چنانچه کسی طالب توضیح بیشتر باشد به جزوه مذکور مراجعه نماید.

قبل از ورود در پاسخ، لازم است به یک مطلب مهم توجه شود و آن این است که معتبر دانستن دعای شریف ندبه از اصول دین نیست و چنانچه از اعتبار کافی برخوردار نباشد به صحت عقائد شیعه هرگز خللی وارد نمی سازد.

موضوعی مانند موضوع مهدویت که از ادله و براهین عقلیه و هزاران روایات و دلیل نقلی برخوردار است و حتی از مسلمات اسلامی به حساب می آید را نمی توان آنرا، با صحت یک دعا و یا یک حدیث مرتبط ساخت تا موضوع مهدویت مورد شک و تردید قرار گیرد، گاهی شیاطین و کج فکran با ایجاد شک و تردید در صحت یک مسئله فرعی افراد عوام را به بیراهه می کشند و آن ها را گمراه می سازند و متأسفانه مشاهده می شود که یکی از بیماری های خطرناک، بیماری شک پذیری در مسائل مذهبی است.

البته پی گیری بعضی از مسائل مثل دعای ندبه برای اطمینان بیشتر به دعای مذکور و به عبارت دیگر پی گیری و تحقیق در مسائل اسلامی حتی پیرامون بحث از سند و دلالت یک روایت بلا اشکال می باشد، بلکه مستحسن و مطلوب است.

### بحث از سند دعای ندبه

وَعَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ وَفَرَجَنَا بِهِ وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ . . . (این دعا مربوط است به صاحب الزمان و مستحب است در اعیاد چهارگانه یعنی عید فطر و قربان و غدیر و جمعه خوانده شود و همچنین در مزار قدیم که ظاهراً از تالیفات قطب راوندی نقل شده است.

و نقل دعا در مثل هر یک از این سه کتاب، دلیل بر این است که: آن شخصیت‌های بزرگ و متبحر و حدیث شناس، این دعا را معتبر دانسته اند.

از ایشان روایت بسیاری نقل نموده<sup>(317)</sup> در کتاب دعای خود، دعای ندبه را روایت نموده است.

پس معلوم می شود که این دعای شریف در زمان غیبت صغری نیز خوانده شده است.

علامه مجلسی با تتبع و اطلاع وسیعی که در اخبار و نیز در رجال و معرفت اسانید دارد گذشته از نقل دعای ندبه در بحار و تحفة الزائر، در کتاب زاد المعاد خود پیرامون این دعا می فرماید:

و اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقائد حقّه و تأسف بر غیبت حضرت قائم (علیه السلام) به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که مستحب است این دعا را در چهار عید یعنی جمعه، عید فطر، عید قربان، عید غدیر بخوانید.

قطعاً کسی چون علامه مجلسی چنین شهادت محکمی را بدون مأخذ و مصدر معتبر بیان نمی کند.

تا اینجا معلوم شد که دعای ندبه اولاً قبل از سید بن طاووس در کتب ادعیه ذکر شده، و ثانیاً مستند به حضرت صادق (علیه السلام) می باشد و خواندن آن در اعیاد اربعه مستحب است.

ثانیاً: روایات متعددی داریم که معروف شده به روایات (مَنْ بَلَغَ) (و عامه و خاصه این روایات را نقل نموده اند و فقهاء بزرگوار ما برای اثبات حکم استحبابی در مواردی که آن حکم از مدرک محکمی برخوردار نیست به روایات من بلغ تمسک جسته اند و فتوای به استحباب داده اند. مفاد این روایات این است که اگر برای عملی از جانب خدا و یا رسول خدا ثوابی نقل شده و شخصی آن عمل را به امید آن ثواب انجام دهد به ثواب می رسد اگر چه آن نقل و حدیث مذکور صحیح نباشد و حکمی از جانب خدا و رسول خدا (و یا ائمه اطهار که بیانگر احکام الهی هستند) صادر نشده باشد. در این باره به یک روایت اشاره می کنیم، امام باقر (علیه السلام) می فرماید: اگر ثوابی از جانب خدا برای شخصی نقل شد و آن شخص عمل مذکور را برای رسیدن به آن ثواب انجام داد، ثواب مذکور برای او ثبت می شود، اگر چه حدیث، صحیح نبوده باشد.

فقهاء عظام بر اساس این روایات، در ادله سنن و مستحبات تسامح می کنند و اگر حدیث ضعیفی هم بر استحباب عملی دلالت کند و یا در بعضی موارد فقیهی و محدثی، عملی را مستحب بداند، معمولاً حکم به استحباب می کنند، چنان که در کلام سید بن طاووس و محمد بن مشهدی و بزوفری آمده بود که خواندن دعای ندبه در اعیاد اربعه مستحب است.

بنابراین، اگر بر فرض، سندی برای آن نیابیم و یا آن سند ضعیف باشد، استحباب خواندن دعای مذکور به وسیله اخبار «من بلغ» ثابت می گردد.

### مضامین کلی این دعا مورد تأیید قرآن و روایات است

نکته سوم آن است که مطالب کلی این دعا دربردارنده موضوع نبوت و خلافت و ولایت علی (علیه السلام) است. و فضائل و فداکاری های مولایمان علی (علیه السلام) و مخالفت هائی که اهل کینه و نفاق و جاه پرستان نسبت به ایشان اعمال نمودند، با بیانی رسا شرح می دهد و سپس با لسان عاشقانه و ملتسمانه حضرت مهدی (علیه السلام) را مخاطب قرار می دهد، همانند شخصی که چراغ برداشته و در شب تاریک، گمشده و محبوب خود را می جوید و با آن محبوب سخن می گوید. در پایان دعا نیز با خدا مناجات می کنیم و می گوئیم **اللَّهُمَّ أَنْتَ كَسَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى . . .** و خواسته های خود را به درگاه حضرت حق متعال مطرح می نمائیم.



هر یک از این مطالب از پشتوانه عقلی و نقلی اعم از آیات و روایات برخوردار است و چنانچه حضرت مهدی را مخاطب قرار می‌دهیم یا با کلمه (اَیْنَ) و یا با کلمه (یا اَیْنَ) می‌گوئیم: کجاست آن اقامه‌کننده عدل و نابودکننده ظالمین که صدها روایت نیز حضرت را به چنین وصفی تعریف نموده و یا در آخر دعا با خداوند خود راز و نیاز می‌کنیم و حاجاتی را از درگاه ایزد متعال می‌خواهیم که آیات و روایات ما را به این کار تشویق نموده و یک عمل عبادی است. پس می‌توان گفت متن دعای ندبه و مطالب کلی مندرج در آن خود بهترین مجوّز برای قرائت و بهره‌گیری از آن است، هر چند درک معدودی از جملات آن ممکن است برای عموم آسان نباشد و یا احیاناً اشکالی در اذهان ایجاد کند که به حمد الله بزرگان و صاحب نظران در این باره جواب کافی داده‌اند.

### ندبه و گریه در مصائب و فراق عزیزان

رباعاً: شک نیست که هر یک از ما انسانها اگر عزیزی را از دست بدهیم و یا مصیبتی بر ما وارد شود بی اختیار ناله می‌زنیم و اشک می‌ریزیم و گاهی این ناله و افغان مدّت‌ها بلکه سال‌ها به طول می‌انجامد و عقلاً چنین فردی را ملامت نمی‌کنند.

کدام مصیبتی در عالم از مصیبت غیبت امام بالاتر که صاحبان ایمان ببینند ظالمین ستمگر و دژخیمان بی‌رحم بر سر مردم مسلط می‌باشند و فساد و گناه، هر شهر و کوی و برزن را فرا گرفته و نیکان و ابرار در کنج انزوا، خاموشی گزیده‌اند و دروغ‌پردازان مزدور بوق و کرنا به دست گرفته و جولان می‌دهند و ... آیا در چنین حالی اگر نیکان و دل‌سوختگان دور هم بنشینند و با هم در فراغ آن مصلح‌کل، و منجی عالم بشریت، و عزت‌بخش به مؤمنان، و نابودکننده کفر و نفاق و الحاد بگریند و بنالند، روا نیست؟

سید بن طاووس در اقبال بعد از دعای وداع ماه رمضان - که جدا شدن از ماه مبارک برای مؤمنین و مؤمنات سخت است - می‌فرماید: وظیفه شیعه در چنین حالی و در چنین وقتی یعنی در زمان غیبت امام (علیه السلام) این است که اندوهگین باشد به خاطر محروم بودن از برکات فیض حضور و آثار ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) . . .

گریه شدید امام صادق (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) در عصر خود و در زمانی که هنوز قائم آل محمد متولد نشده، وقتی که در پس پرده غیب به وقایع و حوادث آینده جهان می نگرد، از یک سوی غیبت قائم آل محمد و طول عمر ایشان را مشاهده می کند و از سوی دیگر دوری مردم از دین و استیلاي ظالمین بر آنها و ورود شبهات و خروج مردم را از صحنه شریعت سخت به گریه می افتد تا آنجا که قائم آل محمد را مخاطب قرار می دهد و می فرماید :

**سَيِّدِي غَيْبُكَ نَفَتْ رُقَادِي وَضَيَّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي** <sup>(319)</sup> . . . آقاي من غیبت تو، خواب را از من ربوده و خوابگاهم را بر من تنگ نموده . . .

آری، اگر نبود مگر فراغ و جدایی از آثار و برکات زیبای حکومت حضرت مهدی، جا داشت که صبحگاهان و شامگاهان در فراغ آن حضرت بنالیم و گریه کنیم تا چه رسد که در زمان غیبت حضرت هزاران بلا و مصائب بر جامعه بشری و به خصوص برای مؤمنین پیش می آید و ظاهراً گریه امام صادق (علیه السلام) نیز برای دوری از آن حکومت عدل الهی و ابتلای نیکان به انواع بلاها و مصائب است.

بنابراین چه مانعی دارد که مؤمنین در صبح جمعه دور هم بنشینند و در انتظار مولایشان مهدی و ظهور آن حضرت که باعث برطرف شدن هر نوع ظلم و تعدی است گریه کنند و گاهی با امام خودشان راز و نیاز کنند و بگویند : **أَيْنَ مُبِيدِ الْعَتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعَزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُدْلِ الْأَعْدَاءِ** . . . کجاست آنابود کننده متکبران و متمردان؟ کجاست ریشه کن کننده لجبازان و گمراه کنندگان و بی دینان؟ کجاست عزیز کننده دوستان و ذلیل کننده دشمنان.

و گاهی هم با خدای خویش راز و نیاز کنند و بگویند : **اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمَذْكُرِ بِكَ وَبَنِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ اِكْرَامًا**.

«بارالها، ما بندگان ناتوان توئیم که به ولی تو، که تو و پیامبرت را به یاد ما می آورد، مشتاقیم، همان که او را برای ما پناهگاه آفریدی و برای بقای ما، ملجأ و نگهدار، و برای مؤمنین پیشوای مفترض الطاعة قراردادی، از طرف ما به آن حضرت سلام و درودی بفرست و کرامت خود را بدین وسیله بر ما بیفزای.

صاحبان ایمان در ضمن دعای افتتاح در شب های ماه مبارک رمضان در فراق مولایشان حضرت مهدی (علیه السلام) به درگاه خداوند شکوه می کنند، ما نیز با آنان هم صدا می شویم و در خاتمه این بحث این جملات را زمزمه می کنیم.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَّلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقَلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهِرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعْجَلُهُ وَيَضُرُّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تُطَهِّرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلَبِّسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

### خلاصه این سؤال و جواب

سؤال: مقداری پیرامون سند و مضمون دعای ندبه توضیح داده شود تا اهل ایمان و علاقمندان به امام زمان با آرامش و آگاهی بیشتری آن را بخوانند.

پاسخ: برای توضیح کامل بایدمرآجه شود به رساله فروغ ولایت تألیف حضرت آیه الله صافی(مدظله) و لکن برای روشن شدن مطلب به طور اختصار به چند نکته اشاره می شود:

1- مسأله مهم اعتقادی مانند موضوع مهدویت که از ادله فراوان برخوردار است هرگز با صحت و سقم یک دعا و یا یک حدیث خلل پذیر نمی گردد.

2- دعای ندبه در اقبال سید بن طاوس که از علمای قرن هفتم بوده ثبت شده تا می رسد به بزوفری، که استاد شیخ مفید بوده و در عصر غیبت صغری می زیسته و فرمودند خواندن آن در اعیاد اربعه مستحب است. علامه مجلسی غیر از بیان استحباب خواندن آن، مستند نموده به امام صادق(علیه السلام) و قطعاً چنین محدث متنبی بدون دلیل این نسبت را نمی دهد کما اینکه کسانی که حکم به استحباب نموده اند نیز باید دلیل شرعی در دست داشته باشند والا حکم به استحباب جایز نیست.

3- احادیث (من بلغ) می تواند دلیل و مدرکی برای استحباب خواندن دعای ندبه بوده باشد.

4- مضامین کلی این دعا مورد تأیید و تصدی آیات و روایات است.

مثلا در این دعا مقداری به فضائل علی(علیه السلام) و نیز برخورد ائمت با آن حضرت پرداخته که مورد قبول روایات فریقین و تاریخ است و..

5- اصولا گریه بر فراق عزیزمان و یا محروم ماندن از فیوضات معنوی، امری است طبیعی بلکه مورد قبول عقلا و در این مقام اشاره شد به حدیثی که حاکی از گریه شدید امام صادق(علیه السلام) می کرد و چون از حضرت جهت گریه را پرسیدند، فرمود: توّجّهی به زمان غیبت حضرت مهدی کردم و نیز به مشکلات صاحب ایمان در آن عصر وو.

سؤالات از این پرسش و پاسخ

1- اسم چهار نفر از بزرگان برده شد که حکم به استحباب خواندن دعای ندبه نموده اند. آنها چه کسانی بودند؟

2- علامه مجلسی دعای ندبه را از کدام امام نقل می کند؟

3- مفاد احادیث (من بَلَّغَ) چیست؟

4- مقداری به مضامین کلی این دعای شریف اشاره نمایید.

5- صاحبان ایمان در دعای افتتاح در فراق مولایشان حضرت مهدی چگونه به درگاه الهی شکوه می کنند؟

**بحثی پیرامون اسماء و القاب ائمه اطهار(علیه السلام)**

سؤال: آن گونه که مشهور است حضرت مهدی (علیه السلام) از نام ها و لقب های متعددی برخوردارند. برای آگاهی علاقمندان و صاحبان ایمان در این زمینه توضیح داده شود.

پاسخ: خوب است قبل از ورود در جواب، نظر عزیزان را به دو مطلب جلب کنم.

**اسماء ائمه حاکی از مقامات ایشان است**

این اسماء تا حدودی در آن‌ها منعکس شده به عنوان مثال فاطمه را فاطمه می‌گویند چون دوستان او از آتش جهنم فاصله خواهند داشت<sup>(323)</sup> و نیز اگر به دختر پیامبر، زهراء گفته شده برای این است که در موقعی که در محراب عبادت قرار می‌گیرد نور وجودش برای اهل آسمان‌ها جلوه گر خواهد شد و اگر به امام چهارم لقب سجاد داده شد برای این است که در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند و در موضع سجده ایشان آثار سجده ظاهر می‌گردیده.

بنابراین، بحث پیرامون اسما و القاب حضرت حجت (عج) اولاً بر معرفت ما نسبت به مقامات و ابعاد وجودی حضرت می‌افزاید. و ثانیاً: با آگاه شدن به معانی این اسماء و القاب، تأویل بعضی از آیات برای ما روشن می‌گردد که در خلال بحث به آن اشاره خواهیم کرد.

و ثالثاً: پاسخ بعضی از سئوالاتی که پیرامون مهدویت برای بعضی پیش می‌آید، معلوم می‌گردد.

### نام ائمه را برای فرزندان خود انتخاب کنیم

دوم: آشنائی ما با نام‌ها و لقب‌های ائمه اطهار (علیهم السلام) باعث می‌شود برای نامیدن فرزندان خود از آنها استفاده کنیم و اسامی و القاب امامان خود را در جامعه شیوع دهیم و نباید شیعیان و علاقه‌مندان به خاندان عصمت و طهارت از این مسئله مهم غافل شوند و برای فرزندان خود نامی را که معانی زیبایی‌ها را ندارد و یا مطابق با فرهنگ غرب است، انتخاب کنند و متأسفانه امروز می‌نگریم که چنین وضعی پیش آمده و نام‌های زیبا و معنی‌داری مانند (علی، حسن، حسین، صادق، کاظم و ...) در برخی موارد کنار گذاشته شده و نام‌های غیراسلامی جایگزین آن‌ها شده، یکی از اساتید بنده که چندین سال از وجودش بهره‌مند بودم، اسمش عبدالعلی بود، ایشان می‌فرمودند: همین که در روز قیامت من را صدا بزنند: عبد‌العلی بیا، برای من کافی است.

آری این اسم او را در صحنه قیامت و در مقابل پیامبر اکرم و ائمه اطهار (علیهم السلام) سرافراز می‌کند، اما اسم‌های غیراسلامی و بی‌معنی انسان را شرم‌نده می‌سازد.

## اسماء و القاب حضرت حجّت (علیه السلام)

اسماء و القاب حضرت مهدی (علیه السلام) را می توان به چند دسته تقسیم نمود.

اول: اسم و کنیه ای که در روایات متعددی نهی شده از این که حضرت را با این نام و کنیه بخوانیم و آن همان نام و کنیه مشهور و معروف جدّ بزرگوارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می باشد، و بر اساس همین روایات بعضی از فقها می گویند: در زمان غیبت ذکر نام حضرت مهدی جایز نیست و عدّه ای از علما ادعای اجماع نمودند بر حرمت نام بردن حضرت، حتّی پیامبر اکرم که کراراً نام جانشینان خود را برده و ائمه بعد از خود را یک به یک اسم می برد، مع ذلک به نام دوازدهمین امام که می رسد می فرماید: آن امامی که **اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي** (نام او، نام من است و کنیه او کنیه من).

با توجه به این روایات در می یابیم که سرّی در کار است که ما آن را درک نمی کنیم و باید مانند سایر احکام فقهی آن را تعبداً بپذیریم تا حضرت ظهور کند و سرّ این مطلب را فاش نماید.

با این بیان دیگر برای ما مهم نیست که افراد معدودی که عدّه آنها از انگشتان یک دست تجاوز نمی کنند<sup>(326)</sup> قائل به جواز شوند و بگویند: چطور می توان پذیرفت که نام و کنیه حضرت مهدی را نباید به زبان آورد و حال آن که در روایات صریحاً آمده: نام و کنیه او، نام و کنیه رسول خدا است و نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای همگان معلوم و روزی چندبار بالای مأذنه ها برده می شود، در جواب می گوئیم: آری، از این روایات می توان دریافت که نام و کنیه حضرت مهدی (علیه السلام) چیست، امّا بر اساس روایاتی که مخاطب قرار دادن حضرت مهدی را با این نام نهی کرده، باید گفت که ذکر این نام و کنیه برای حضرت مهدی، حرام و یا خلاف احتیاط است.

## او حجّة الله و خلیفه الله و داعی الله است

(حجّة ابن الحسن المهدی الناطق القائم بحقّ الله<sup>(330)</sup>) بنابر این یکی از اسماء حضرت عنوان (ناطق) است.

در حالی که ما پیامبر و یا امامی که خاموش باشند نداشتیم و اصولاً رسالت و نبوت با مسئله تبلیغ در کنار هم

قرار می گیرند و قرآن هم می فرماید: **وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ**

وثنائاً؛ سالیان دراز است که حضرت در خفا به سر می برند و از بیانات و سخنان ایشان محروم هستیم، پس چطور به ایشان لقب (ناطق) اطلاق شده و او را ناطق به حق معرفی کرده اند؟

در پاسخ می توان همان علتی را که در اختصاص (داعی الله) نسبت به حضرت مهدی (علیه السلام) گفته شد در اینجا نیز بگوئیم، زیرا آن گوینده و ناطقی که سخن خود را بهگوش همه جهانیان می رساند و حجت را بر یکایک انسان ها تمام می گرداند، وجود مقدس امام زمان خواهد بود.

عالم جلیل القدر و محدث بزرگ حاج میرزا حسین نوری توجیه دیگری نیز برای این لقب ذکر نموده، می فرماید: ائمه اطهار و پدران بزرگوار امام زمان، مهر خموشی بر لب زده بودند و آن گونه که باید، اسرار و معارف و حکم را برای مردم بیان کنند، یا به جهت تقیه، و یا برای نیافتن مخاطب<sup>(332)</sup>، حضرت مهدی تمام آن علوم و اسرار را ظاهر می کند و چیزی از حقایق را ناگفته نمی گذارد.

در دعای افتتاح از خداوند متعال می خواهیم: **اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِي دِينِكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.**

گر چه نام (مهدی) برای حضرت قائم، شهرت پیدا کرده اما در روایات به تمامی ائمه (علیهم السلام) اطلاق (مهدی) شده زیرا تمام آن ها از طرف خداوند متعال دارای علم و دانش بودند و به راز و رمز دین و تفسیر و تأویل آیات آگاه، یکی از آیاتی که دلالت بر امامت و حقانیت مکتب اهل بیت (علیهم السلام) می کند این آیه است که می فرماید: **أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ**<sup>(335)</sup> (آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کسی که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند، شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید.

### جانشین رسول خدا باید دارای دو جنبه باشد

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بعد از تشکیل حکومت و به دست گرفتن قدرت، هم زعامت امت را در دست داشت و هم هدایت گر انسان ها بود، هم مملکت داری می کرد و هم مردم را ارشاد می فرمود، بنابراین کسی می تواند جانشین و خلیفه رسول خدا بشود که هم لیاقت زمام داری و به دست گرفتن حکومت را داشته باشد و هم جوابگوی مسائل دینی باشد و بتواند مردم را به قلّه رفیع کمالات برساند.

بنابر این نباید امامت را تنها به معنای زمامداری بگیریم و بگوییم که دیگران نیز حق حاکمیت دارند، زیرا امام باید به تمام راز و رمز مکتب و نیازهای بشری آگاه باشد و جواب گوی آن ها باشد و تنها همان دوازده نور پاک که همه آن ها (مهدی) بودند و از جانب خداوند متعال مسلح به سلاح علم می باشند، چنین ویژگی هایی را دارا هستند خوشبختانه عدّه ای از بزرگان اهل سنت درباره امام علی (علیه السلام) (اعتراف نموده اند که ایشان اعلم امت می باشند، و می گویند: در آگاهی و قضاوت و تقوی کسی در امت اسلام هم طراز او نیست و خداوند به او علم و دانش داده و لذا ما به آن ها اعتراض می کنیم و می گوئیم شما بر اساس همین اعتراف و اقرار خودتان باید قائل شوید به خلافت بلا فصل علی (علیه السلام)، «نه اینکه ایشان را چهارمین خلیفه بدانید. بنابراین، اعتقاد و شعار شیعه آن است که جانشین رسول خدا(صلی الله علیه و آله) باید (مهدی) باشد.

### مهدی ما نیز خواهد آمد

مهدی زمان ما که در حال حاضر در خفا به سر می برد روزی ظهور خواهد کرد و زمام حکومت جهانی را به دست می گیرد، و سراسر زمین در زیر لواء و پرچم مهدویت قرار می گیرد، و نظم و امنیت را در همه جا مستقر می سازد، و نیز از حیث تبیین مسائل اسلامی و تفسیر قرآن و بیان معارف حقّه، بشریت را به کمال می رساند، بنابراین مهدی زمان ما به معنای واقعی مهدویت خود را نشان خواهد داد.

### اسماء مختصّه

سوّم: نام هائی که اختصاص دارد به حضرت مهدی (علیه السلام)، این نام ها فراوان است، ولی ما به چند اسم اختصاصی اکتفا می کنیم.

### حضرت، بقیّه الله است

بقیّه الله: در بعضی از روایات، آیه شریفه) **بَقِيَّةُ اللَّهِ حَيْرٌ لَّكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**<sup>(336)</sup> (به حضرت منطبق شده که یکی از آن روایات، به نقل از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: چون به حضرت اذن ظهور داده می شود و خروج می کند، تکیه بر خانه کعبه می زند و سیصد و سیزده بار حضرت حاضر می گردند، اوّلین سخنی را که حضرت مطرح می کند این آیه شریفه است) **بَقِيَّةُ اللَّهِ حَيْرٌ لَّكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**، سپس می فرماید: **أَنَا**



بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ، و سلام نمی کند بر او سلام کننده ای مگر با این عنوان، و می گوید: **السلام عليكم يا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.**

و اما وجه تسمیه حضرت به **(یا از آن جهت است که وجود مبارکش به اراده الهی باقی مانده و یا به جهت این است که ایشان یگانه شخصی است که از تبار انبیا و ائمه در روی زمین باقی مانده و لذا به حضرت مهدی) (علیه السلام) (بَقِيَّةُ الْأَنْبِيَاءِ وَنُورُ الْأَصْفِيَاءِ (اطلاق شده، و نیز به حضرت لقب) (وارث) (اطلاق شده است زیرا او وارث علوم گذشتگان و اشیاء ویژه انبیا و ائمه (علیهم السلام) می باشد، مانند عصای موسی، انگشتر سلیمان، شمشیر و عمامه رسول خدا، و قرآنی که علی (علیه السلام) جمع آوری کرده و مصحف حضرت زهرا (علیها السلام) و . . .**

امام صادق (علیه السلام) به یعقوب بن شعیب فرمود: آیا پیراهن حضرت قائم آل محمد را که در آن خروج می کند به تو نشان بدهم؟ عرض کردم: بلی، حضرت صندوقچه ای را طلب کرد و از درون آن پیراهن کرباسی را بیرون آورد و پهن کرد و در آستین چپ آن مقداری خون بود، فرمود: این پیراهن رسول خدا است و آن روزی که دندان حضرت را شکستند در تن حضرت بوده و حضرت قائم در حالی که این پیراهن را بر تن دارد، خروج میکند، راوی می گوید: پیراهن و خونی که در آن بود بوسیدم و سپس حضرت در جای خود گذاشت.

### **دیگر از اسماء حضرت، قائم است**

یکی از اسماء حضرت مهدی (علیه السلام)، (قائم) است یعنی کسی که روی پا ایستاده است. در بیان علت تسمیه حضرت مهدی (علیه السلام) به (قائم)، چند وجه گفته شده که اکثراً از روایات گرفته شده: ۱- ایشان همچون عبدی است که در مقابل مولای خود ایستاده و منتظر صدور امر است، زیرا حضرت در شب و روز به انتظار دستور حق متعال برای ظهور است و در روایات هم آمده که امر ظهور حضرت در یک شب اصلاح و صادر می گردد.

این گونه انتظار ظهور، ما را به یاد بعضی از منتظرین می اندازد که شب ها، شمشیر خود را بالای سر خود می گذاردند که اگر ندای آسمانی به گوششان رسید و حضرت ظهور کرد اینها لحظه ای تأمل نکنند و شمشیر به دست به یاری حضرت بشتابند.

2- ایشان را قائم می گویند چون قیام به حق می کند و اسلام واقعی را در جامعه پیاده می نماید.

3- قیام حضرت بعد از یأس واقع می شود، یعنی قیامی که مردم هرگز تصوّر وقوع آن را نداشتند، چون بسیاری از مردم و حتی کسانی که معتقد به حضرت بودند می گویند: هر کس بوده دیگر از دنیا رفته و خبری از او نیست. در چنین وضعی حضرت قیام می نماید.

4- ابو حمزه ثمالی به امام باقر (علیه السلام) عرض کرد: مگر شما خانواده، قائم به حق نیستید؟ امام فرمود: چرا، عرض کرد: پس چرا صاحب الأمر را قائم نامیده اند؟ حضرت فرمود: چون جدّم حسین (علیه السلام) را شهید کردند، ملائکه به گریه افتادند و به خداوند عرض کردند: بار الهی! فرزند پیامبر و بهترین انسان ها را کشتند. پروردگار فرمود: من انتقام این خون را خواهم گرفت هر چند بعد از گذشت مدت زمانی باشد، خداوند متعال حجاب ها را از جلو چشم ملائکه بر می دارد، نور فرزندان حسین که امامان بعد از او می باشند به ملائکه نشان داده شد و یکی از آن انوار در میان آنها ایستاده و مشغول به نماز بود، حضرت حق فرمود: به وسیله این فردی که ایستاده، انتقام خواهم گرفت.

بنابراین، وجود مقدّس امام زمان از آن هنگام، ملقب به قائم بوده، و این معنای اخیر برای قائم مرادف است با معنای (منتقم) که یکی دیگر از اسماء حضرت مهدی (علیه السلام) است، این مطلب در دعای ندبه این گونه آمده: **أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ؟ أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بَكْرَبَلَا.**

### آیا موقع شنیدن کلمه قائم وظیفه ای داریم؟

گاهی دیده می شود که بعضی از اهل ایمان هنگام شنیدن لقب (قائم) از جا بر می خیزند و حالت ادب و احترام در مقابل حضرت به خود می گیرند، آیا این عمل، یک وظیفه است برای ما که موقع شنیدن این نام، باید از جا بر خیزیم یا این که این برخاستن، فقط یک ادب و احترام است؟

در روایات چیزی به عنوان دستور، نسبت به برخاستن نداریم، ولی بعضی از محدثین حدیثی را نقل نموده اند که امام صادق (علیه السلام) در موقع شنیدن اسم قائم از جا برخاسته است، محدث قمی رحمه الله از استادش محدث نوری نقل می کند: از محدث جزائری این مطلب سؤال شد و ایشان در جواب فرمودند: روزی در

مجلس حضرت صادق (علیه السلام) اسم مبارک آن جناب برده شد، پس حضرت به جهت تعظیم و احترام از جا برخاست و سپس محدث قمی از کتاب تکملة أمل الأمل نقل می کند: دعبل خزاعی وقتی قصیده تائیه خود را نزد امام رضا (علیه السلام) خواند و به این بیت رسید:

**خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مُحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ بِالْبُرْكَاتِ**

امام هشتم از جا برخاست و بر روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را به سوی زمین خم کرد و کف دست راست خود را بر سر نهاد و فرمود: **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَنْصُرْنَا بِهِ نَصْرًا عَزِيزًا.**

قابل توجه است که محدث قمی که خود در فن حدیث، متبحر و کارشناس است در باب تکالیف عباد نسبت به امام عصر (علیه السلام) می فرماید: یکی از تکالیف، برخاستن از برای تعظیم شنیدن اسم مبارک آن حضرت است، خصوصاً اگر اسم مبارک قائم (علیه السلام) باشد، چنانچه بسیاری از علاقه مندان به امام زمان و بلکه تمامی آنان، هنگام شنیدن نام (قائم) از جا برمی خیزند و به ساحت مقدس امام عصر (علیه السلام) اظهار ادب و احترام می نمایند. محدث قمی می فرماید: این عمل شیعیان خود کاشف است از وجود مأخذ و اصلی برای این عمل.

در نتیجه می توان گفت: برخاستن از جا در موقع شنیدن نام مقدس امام عصر و به خصوص نام حضرت قائم (علیه السلام) یک ادب و احترام است به آن حضرت و از این جهت، عمل نیکو و پسندیده ای خواهد بود.

### **دیگر القاب حضرت**

گاهی مشاهده می شود که به وجود مبارک حضرت بقیة الله اعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - «قلب عالم امکان» گفته می شود و گاهی هم اطلاق قطب می کنند گر چه در این خصوص روایتی ظاهراً نقل نشده اما از مناظره ای که هشام بن حکم شاگرد برومند امام صادق (علیه السلام) با عالم بزرگ بصره عمرو بن عبید داشت و شرح آن در گفتار اول این کتاب گذشت چنین برداشت می شود که می توان امام عصر را قلب و قطب، برای خلقت انسانها دانست و بلکه می توان بر اساس بعضی از ادله لزوم حجّت - که در گفتار اول مورد

بحث قرار گرفت - امام زمان را قلب و قطب عالم امکان دانست. در دعای عدیله هنگام ذکر نام مقدس حضرت مهدی سلام الله علیه می فرماید:

الَّذِي بَقَاةَهُ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَيُمِّنُهُ رُزْقَ الْوَرَى وَبِوُجُودِهِ قَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ آن مهدی منتظری که با ماندگاری او جهان مانده است و از برکت وجود او تمامی آفریدگان، روزی دریافت می کنند و بهوجود او زمین و آسمان استوار مانده.

ملاحظه می کنید که این جملات و معانی، با کلمه قلب و قطب کاملاً سازگار است.

محدث نوری در رابطه با کلمه (قطب) - که معمولاً عرفا از این اسم زیاد استفاده می کنند - جمله ای را از عالم بزرگوار کفعمی نقل می کند و می فرماید: ایشان در ضمن دعای ام داود که آمده: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ** می فرماید: دنیا خالی نیست از یک قطب و چهار اوتاد و چهل ابدال و هفتاد نجیب و سیصد و شصت صالح که قطب حضرت مهدی (علیه السلام)<sup>(340)</sup> است. ملاحظه می کنید که طبق این نقل، شخصیتی همچون کفعمی با آن عظمت و کمالات به حضرت مهدی اطلاق «قطب» نموده، بنابراین اگر حضرت را با نام (قلب و قطب) بنامیم و یا در اشعار خود بیاوریم، مانعی در کار نیست.

## ابا صالح

ابا صالح یکی از کنیه های مشهور حضرت مهدی (علیه السلام) است. محدث نوری (رحمه الله) نقل می کند که در میان عرب از واژه ابا صالح زیاد استفاده می شود، مخصوصاً در مقام استغاثه جستن به صاحب الامر و روایتی را از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که هر گاه در راه گم شدی، ندا کن **( يَا صَالِحُ يَا أبا صَالِحِ ارْشُدُونَا إِلَى الطَّرِيقِ رَحِمَكُمُ اللَّهُ )**.

شعراء این کنیه را در اشعار خود زیاد می آورند و ما نیز در خاتمه این بحث با چند بیت شعر دست توسل به ذیل عنایت حضرت بقیة الله اعظم دراز می کنیم، و در این ظلمات دنیا از او طلب ارشاد می کنیم و ایشان را با کنیه ابا صالح صدا می زنیم، امید است، مشمول عنایات ایشان قرار گیریم.

ابا صالح دلم سامان ندارد مگر هجران تو پایان ندارد؟

ابا صالح بیا دردم دوا کن مرا از دیدنت حاجت روا کن

ابا صالح مرا با رو سیاهی به خود راهم بده با یک نگاهی

ابا صالح فقیرم من، فقیرم بده دستی که دامانت بگیرم

ابا صالح تو خوبی من بدم، بد مرا از درگهت ردّم مکن ردّ

ابا صالح چه خوش زبینه باشد که تو لعل لبّت پر خنده باشد

ابا صالح عزیز آل یاسین بیا در جمع ما امشب تو بنشین

### خلاصه این سؤال و جواب:

سؤال: پیرامون اسماء و القاب حضرت مهدی(علیه السلام) توضیح داده شود.

پاسخ: مقدّمه به دو نکته اشاره شد:

1- اسماء و القاب ائمه(علیهم السلام) هر یک دارای معنی و مفهوم عالی و زیبایی هستند که حاکی از مقامات ایشان می کند، آشنایی با این معانی، معرفت ما را نسبت به این خانواده و به خصوص حضرت مهدی(علیه السلام) زیاد می کند.

2- بر علاقه مندان اهل بیت لازم است که از اسماء و القاب این خانواده برای فرزندانشان انتخاب کنند.

امّا اسما و القاب حضرت مهدی(علیه السلام) فراوان است، حاجی نوری 182 اسم و لقب و کنیه آورده، بعضی از آنها را در زمان غیبت امام، نباید به زبان بیاوریم.

و بعضی دیگر اسماء و القابی است که بر تمامی حجج الهی اطلاق می شود مانند (حجّة الله، خلیفه الله و وو) منتهی اطلاق این اسماء بر حضرت مهدی(علیه السلام) ویژگی دارد که توضیح داده شد.

و سپس به مشهورترین لقب حضرت که (مهدی) است اشاره شد و با معنای بلند و بالای آن آشنا شدیم و گفته شد: پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) غیر از منصب حکومت داری، مسؤولیت هدایت و ارشاد مردم را داشت تا آنها را با راه راست آشنا سازد و باید جانشین او نیز دارای هر دو جنبه باشد و آن کسی است که از جانب خدا مسلح به علم و هدایت و رشاد بوده باشد یعنی (مهدی) باشد تا بتواند هادی شود.

برخی از اسماء حضرت، اسماء مختصه به ایشان است مثل (بقیة الله و وو) که توضیحی پیرامون (بقیة الله) و (القائم) داده شد و اینک چرا به حضرت (قائم) می گویند به چهار مطلب اشاره شد، و خوب است که در موقع شنیدن این اسم (قائم) به عنوان احترام ازجا برخیزیم کما اینکه امام هشتم(علیه السلام) طبق روایتی چنین کردند.

در خاتمه توضیحاتی پیرامون کلمات (قطب، قلب، ابصالح) داده شد و اینکه می توان حضرت مهدی(علیه السلام) را به هر یک از این اسما، مخاطب نمود و او را صدا زد.

### سؤالات از این پرسش و پاسخ

1- بررسی و آشنایی با معانی اسما و القاب ائمه و به خصوص حضرت مهدی(علیه السلام) چه فائده ای دارد؟

2- سه اسم از اسماء حضرت مهدی(علیه السلام) را که با سایر حجج الهی مشترک است نام ببرید.

3- با اینکه حضرت مهدی(علیه السلام) در حال غیبت به سر می برد، چطور به ایشان (ناطق) گفته می شود؟

4- جانشین پیامبر(صلی الله علیه و آله) چرا باید (مهدی) بوده باشد؟

5- چرا به حضرت مهدی(علیه السلام) (قائم) گفته می شود؟

6- امام هشتم(علیه السلام) با شنیدن شعر دعبل که اشاره به خروج و قیام حضرت مهدی شده بود، چه کرد؟

7- یک بیت شعر که با کلمه (ابصالح) شروع می شود، بیاورید.

## اعتقاد به منجی در سایر ادیان

سؤال: آیا عقیده به مهدی موعود به عنوان یک منجی و مصلح در آخر الزمان، اختصاص به مسلمانان دارد یا در سایر ادیان نیز چنین عقیده ای وجود دارد؟

پاسخ: پیروان بسیاری از ادیان و مذاهب معتقدند که در یک عصر تاریک و بحرانی که فساد و ظلم همه جا را فراگرفته، یک نجات دهنده بزرگ جهانی قیام خواهد کرد و با مدد غیبی وضع آشفته را اصلاح می کند.

هر ملتی او را با لقب مخصوصی می شناسد و او را از ملت خود می دانند، یهودیان او را به نام سرور میکائیلی و مسیحیان به نام مسیح موعود و زرتشتیان به نام سوشیانس (به معنای نجات دهنده جهان) و مسلمانان به نام مهدی منتظر می شناسند.

توجه داشته باشید که اولاً مهدی منتظر از نسل ابراهیم است که بنی اسرائیل نیز از همان دودمان و خاندان می باشند، اما بنی هاشم از نسل اسماعیل است و بنی اسرائیل از نسل اسحاق ولی هر دو به یک شجره متصل می گردند و نیز مهدی منتظر، از طریق مادرش نرجس خاتون که شاهزاده و رومی بوده با عیسویان انتساب پیدا می کند.

و اما در انتساب حضرت با ایرانیان که آئین زرتشت در بین آنها رواج داشته از طریق مادر حضرت امام سجاد شهربانو که دختر یزدگرد پادشاه ساسانی بوده برقرار می گردد.

وثائقی آنچه را که در این ادیان و مذاهب وعده داده شده، مطابق است با روایات اسلامی، از باب نمونه به موارد مختصری اشاره می شود.

در کتاب (دید) که نزد هندویان از کتب آسمانی است آمده: پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر الزمان پیدا می شود که پیشوای خلایق باشد و نام او منصور<sup>(342)</sup> باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود در آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد بر آید.

در کتاب (زند) که از کتاب های مذهبی زردشتیان است چنین آمده : آنگاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان برانگیخته می شود. و اهریمنان را منقرض می سازند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و بر انداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهد نشست.

همچنین در تورات، در سفر تکوین از دوازده امام که از نسل اسماعیل بوجود می آیند سخن گفته شده است. و در مزامیر حضرت داود (علیه السلام) آمده است: . . . و امّا صالحان را خداوند تأیید می کند. . . صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن همیشه ساکن خواهند بود.

### **معرفی منجی بشریت در اخبار ما مفصل تر است**

مخفی نماند که اگر مطالعه تورات و انجیل و کتاب های مذهبی زرتشتیان و نیز بررسی عقائد هندوها و مصریان قدیم بازگویی این مطلب است که در آینده تاریخ ظهور یک انسان بزرگ و اصلاح گر و نجات دهنده مظلومان از دست ظالمان امری است حتمی و طلوع چنین شمس عدالت گستری به انسان ها بشارت داده شده است.

ولی آنچه مسلم است در این خصوص سهم دین مقدس اسلام و مذهب تشیع بیش از سایر مذاهب و ادیان است، زیرا روایات اسلامی در این خصوص به تفصیل نام او را معرفی نموده و او را فرزند امام حسن عسکری دانسته و نسب ایشان را تا علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا(علیها السلام) بیان کرده و آثاری که قبل از ظهور واقع می شود شرح داده و کیفیت حکومت ایشان و این که از کجا شروع به قیام می کند به تفصیل ذکر شده و نیز خصوصیات دیگری که در روایات به تفصیل آمده تا از این مقام و منصب سوء استفاده نشود و دروغگویان ادعای مهدویت نکنند.

در خاتمه به این نکته توجه نمائید که لزومی ندارد برای اثبات مهدی موعود به بشارت های کتب عهدین و یا سایر کتب مذهبی از ادیان و مذاهب گذشته استدلال کنیم، زیرا به قدری برای اثبات حضرت مهدی (علیه السلام) دلیل عقلی و نقلی داریم که احتیاجی به این بشارت ها نیست، بلکه هدف ما تأکید بر این نکته است که



عقیده به ظهور یک نجات دهنده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است و همه پیامبران به آن بشارت داده اند و تمامی ملل در انتظار او می باشند.

### خلاصه سؤال و جواب

سؤال: آیا در سایر ادیان و مذاهب، سخنی از منجی و مصلح جهانی به میان آمده؟ یا این موضوع اختصاص به دین مبین اسلام دارد؟

پاسخ: در بسیاری از مکاتیب و ادیان می نگریم که به انتظار یک مصلح جهانی می باشند و هر یک برای آن مصلح، نامی نهاده اند، شما به کتاب (دید) که در نزد هندویان از کتب آسمانی به حساب می آید و کتاب (زند) که از کتابهای مذهبی زردشتیان است و نیز به تورات و مزامیر داود مراجعه کنید خواهید دید که هر یک به نحوی خبر از آمدن یک انسان بزرگ و اصلاح گر جامعه بشری داده است.

البته توضیح کامل این مطلب و بیان خصوصیات آن منجی، و شرائط و علائم ظهور ایشان ووو، در روایات اسلامی و به خصوص در احادیث اهل بیت عصمت و طهارت آمده است.

### سؤالات از این پرسخ و پاسخ:

1- نام بعضی از مکاتیب و مذاهبی که به آمدن مصلح کل، اشاره دارند، ببرید.

2- در مزامیر داود، پیرامون آینده جهان چه مطلبی آمده؟

### مهدی واقعی را چگونه بشناسیم

با توجه به اینکه در گذشته، چه زمان حیات ائمه اطهار (علیهم السلام) و چه در زمان های بعد افرادی پیدا شدند که یا خود ادعای مهدویت داشتند و یا گروهی او را به عنوان مهدی موعود می خواندند مثلاً گروهی از مسلمانان، محمد حنفیه را امام و مهدی می پندارند و گروه دیگری محمد بن عبد الله بن حسن را مهدی غایب می دانند، و بعضی از اسماعیلیه، اسماعیل فرزند امام صادق را مهدی می خوانند و خلاصه از این قبیل گروه ها و افرادی که به این عنوان ظهور و بروز کردند و یا آنان را به این عنوان خواندند در تاریخ اسلام فراوان هستند.

اکنون این پرسش پیش می آید که چگونه و با چه معیاری می توان مهدی واقعی را تشخیص داد؟

چه بسا نام فردی (محمد) و از تبار هاشم نیز باشد و در اثر قیام و نهضت، طوفان و انقلابی برپا کرده باشد و نهضت او در اذهان مردم جلوه نموده و او را مهدی موعود دانسته اند، چگونه می توان به این ها گفت: شما در مسیر باطل گام بر داشته اید و با امام واقعی خود آشنا نشده اید؟

پاسخ: در طول تاریخ اسلام، چه قبل از ولادت حضرت قائم و چه بعد از آن، افرادی بوده اند که نام آن ها (محمد) و احياناً کنیه آنها (ابوالقاسم) بوده گروهی از جهّال آنان را مهدی موعود پنداشته اند، و بعضی از آنان که فرصت طلب بودند، از عقیده پاک مردم که از مصدر وحی سرچشمه می گرفت، بهره برداری کرده و خود را به عنوان مهدی موعود وانمود کرده اند و بعید نیست که بعضی از آن افراد قصد سوئی نداشته، بلکه می خواستند به این وسیله از ستمکاران انتقام بگیرند و امت را رهایی ببخشند.

البته مخفی نماند که ادّعای مهدویت، و این که کسی خود را مهدی موعود بنامد و یا اجازه دهد که دیگران او را این گونه بخوانند، خود جرم بزرگی است و در واقع به بازی گرفتن عقیده پاک و صحیح مردم است، اگر چه قصد آنان، از بین بردن ستمکاران و کمک به مظلومین باشد. و متأسفانه این حوادث سبب شد که احادیث مجعولی هر چند اندک در تعریف و توصیف مهدی و علائم ظهور، در بین مردم شایع گردد تا بتوانند به وسیله آن روایات به خواسته خود نائل گردند.

اما در رابطه با شناخت مهدی واقعی باید گفت که نشانه های حضرت قائم (علیه السلام) در اسم و کنیه و لقب حضرت خلاصه نمی شود تا هر فردی با داشتن نام (محمد) و یا کنیه (ابوالقاسم) و یا لقب (مهدی) بتواند از این جایگاه رفیع، سوء استفاده نماید، بلکه آن مهدی موعود و آن عزیز غایب از انظار نشانه های بسیاری دارد که حقانیت او در موقع ظهور همچون خورشید در آسمان برای همگان واضح و روشن می گردد.

به چند نمونه از آن نشانه ها که در ده ها و صدها روایات ذکر شده، اشاره می کنیم:

1- او یازدهمین فرزند پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و دهمین فرزند علی (علیه السلام) و نهمین فرزند امام حسین (علیه السلام) و هشتمین فرزند امام سجاد (علیه السلام) و هفتمین فرزند امام باقر (علیه السلام) و ششمین فرزند امام صادق (علیه السلام) و پنجمین فرزند امام کاظم (علیه السلام) و چهارمین فرزند امام رضا

(علیه السلام) و سومین فرزند امام جواد (علیه السلام) و دومین فرزند امام هادی (علیه السلام) و فرزند بلا فصل امام عسکری (علیه السلام) خواهد بود.

2- مهدی موعود دارای دو غیبت خواهد بود، ابتدا غیبت کوتاه و سپس غیبت دراز مدت.

3- مادرش به نام نرجس، نواده قیصر روم خواهد بود.

4- ولادت او هم چون ولادت موسی بن عمران به طور مخفی و معجز آسا واقع می شود.

5- او با وجودی که عمر طولانی دارد، در سیمای یک جوان، ظاهر می گردد.

6- هنگام ظهور او، عیسی بن مریم از آسمان نزول می کند و در نماز جماعت به حضرت مهدی اقتدا می نماید و او را یاری می کند.

7- او بعد از ظهور سراسر زمین را تحت سیطره خود در می آورد و عدل و داد را در همه جا برقرار می سازد.

8- مهدی موعود از کنار خانه کعبه مقارن با ندا و صیحه آسمانی ظهور می کند.

9- یاران خاص او ۳۱۳ نفرند که در کنار حضرت حاضر می شوند.

10- بعد از ظهور، علم و عقل مردم به سرعت تکامل می یابد و مردم به اسلام و عبادت روی می آورند و در کمال امنیت به سر می برند و یک دشمن اهل بیت یافت نمی شود و . . .

### خلاصه از این سؤال و جواب

سؤال: با توجه به اینکه بعضی در طول تاریخ ادعای مهدویت کرده اند، و یا گروهی معتقد به مهدویت فرد خاصی شده اند و احياناً این افراد اصلاحاتی در جامعه خودشان به عمل آورده اند با چه ملاک و معیاری می توان حق را از باطل تشخیص داد و فریب مدعیان دروغگو را نخورد؟

جواب: مسأله مهدویت با نام و کنیه و لقب تمام نمی شود که اگر کسی نام او مهدی بود مثلاً بتواند از این مقام، سوء استفاده نماید. در روایات اسلامی، مهدی موعود را از ابعاد مختلف معرفی نموده از قبیل انساب حضرت و شمائل ایشان، علائم قبل از ظهور و کیفیت حکومت ایشان و برقراری عدل و قسط در تمام روی زمین و ده ها علائم و نشانه های دیگر که در موقع ظهور، مانند آفتاب، حقانیت ایشان برای همگان ثابت می گردد.

اصولاً امام، کسی است که بتواند بر کرسی تعلیم و تربیت بنشیند و بر اساس علم خدادادی خود، جواب گوی هرگونه سؤالات مردم بوده باشد و مدعیان دروغگو برای یک لحظه هم در چنین مقامی نمی توانند قرار بگیرند.

### سؤالات از این پرسش و پاسخ:

- 1- نام بعضی را که یا ادعای مهدویت کرده و یا او را مهدی موعود دانسته اند، ببرید.
- 2- آیا کسی می تواند شرعاً و عقلاً به بهانه اصلاح جامعه و رفع ظلم، ادعای مهدویت کند؟
- 3- ده خصیصه و ویژگی برای شناخت مهدی واقعی بیان شد، به بعضی از آنها اشاره کنید.
- 4- یک تفاوت مهم و روشنگر برای شناخت مهدی واقعی از دیگر مدعیان را بیان کنید.

### یک تفاوت مهم و روشنگر

اصولاً هر فردی می تواند خود را به شکل روحانی، ارتشی، فقیر، ثروتمند و . . . در آورد و با پوشیدن لباس خاص و یا با آرایش سر و صورت، خود را به عنوان یکی از شخصیت های مذکور معرفی نماید، اما هرگز کسی نمی تواند به دروغ لحظه ای در مسند تدریس بنشیند و ریاضی یا فقه تدریس کند. می توان یک فردی را با پوشاندن لباس روحانی به شکل یک عالم و فقیه در آورد، اما او برای یک لحظه هم نمی تواند زبان بگشاید و در مقام تعلیم و تدریس بنشیند، **الْمَرْءُ مَجْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ**.

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

بنابراین محال است کسی بتواند به دروغ خود را استاد ریاضی معرفی کند و در کرسی تدریس بنشیند، تا چه رسد که کسی بخواهد خود را جای امام زمان و حجت خدا وانمود کند، آن انسانی که دارای علم لدنی، و خدادادی است و به راه های آسمان ها هم چون راه های زمین آشنا است، آری مهدی واقعی آن شخصیت والائی است که مانند پدران و اجداد بزرگوارش جواب گوی مسائل و خواسته های مردم می باشد و لذا کسانی که از این عنوان (مهدویت) سوء استفاده کردند، به سرعت رسوا شدند و پیروان آنها مضمحل شده اند و از آنان حتی یک نفر هم به عنوان طرفدار باقی نمانده اند، بنابراین کسی نمی تواند خود را به عنوان مهدی موعود وانمود کند.

## میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است

### آیا بیشتر مردم در حکومت مهدی، کشته می شوند؟

می دانیم که اغلب مردم در حال حاضر غیر مسلمان هستند و در میان مسلمانان نیز افراد خودخواه، فرصت طلب، لجوج و معاند کم نیستند.

در نتیجه بین دعوت حضرت مهدی (علیه السلام) و خواسته های آنان تضاد حاصل می شود. آیا حضرت این جمعیت انبوه را خواهد گشت؟ و آیا افراد باقی مانده که هر یک ده ها و بلکه صدها نفر از فامیل و نزدیکان و دوستان خود را از دست داده اند، به حکومت حضرت و شخص امام (علیه السلام) دلبستگی پیدا می کنند؟

پاسخ: در مباحث گذشته به این سؤال پاسخ داده شد، اما از آنجا که این سؤال زیاد به ذهن ها خطور می کند در اینجا با تفصیل بیشتر به جواب آن می پردازیم.

اولاً یکی از القاب حضرت مهدی (علیه السلام) لقب منجی است که در کتاب های عتیق نیز به همین عنوان آمده و در ضمن عقائد بعضی از فرقه های غیر مسلمان نیز مشاهده می شود که آنان نیز به انتظار یک (منجی) می باشند یعنی منتظرند که فردی بیاید و بشریت را نجات ببخشد و از شرک و کفر و الحاد و نابسامانی های اجتماعی رها سازد.

بنابراین نباید فراموش کنیم که ظهور حضرت موجب نجات بشریت است، نه نابودی آنان.

و ثانیاً: شرایط اجتماعی و وضع و حال مردم در زمان ظهور برای ما معلوم نیست ممکن است که جوامع بشری در شرق و غرب، در اثر جنگ‌ها و خونریزی‌ها، و ظلم و ستمی که بر آن‌ها وارد شده، قیام و نهضت حضرت را همچون چشمه زلالی بدانند که تشنه لبان با تمام وجود آن را در برگیرند. مثلاً از امام صادق (علیه السلام) نقل شده) <sup>(347)</sup> **لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَعْشَارِ النَّاسِ** (قائم آل محمد (علیه السلام) ظهور نمی‌کند مگر وقتی که از هر ده نفر، نه نفرشان هلاک گردند، آیا مردم در چنین وضعی حکومت عادلانه و قوانین حیات بخش امام عصر را نخواهند پذیرفت؟

ما در عصر و زمان خودمان شاهد بودیم که ملت ایران با تمام اختلافاتی که در بین اقوام و احزاب وجود داشت برای نجات یافتن از حکومت طاغوت و ستمگر پهلوی چگونه با آغوش باز از امام خمینی استقبال نمودند و شعار (مرگ بر شاه) سردادند.

و ثالثاً: جزء اعتقاد ما پیروان قرآن و مکتب اهل بیت است که تا حجّت و دلیل روشن برای مردم از جانب خداوند اقامه نشود و راه حق از باطل معلوم نگردد، هرگز آنان مؤاخذه و عقوبت نخواهند شد چنان که قرآن کریم می‌فرماید: **قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ** <sup>(348)</sup> (بگو: دلیل رسا و قاطع برای خداست). یعنی دلیلی از جانب خداوند برای مردم اقامه می‌گردد که جای هیچ‌گونه بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد.

و همین مضمون در آیه دیگر این گونه آمده است: **وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا** <sup>(349)</sup>. (ما مردم را هرگز عذاب نمی‌کنیم مگر اینکه رسول خودمان را برای او فرستاده و حجّت را بر او تمام نماییم.

بنابراین، همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با اذله و معجزات خود، حجت را بر همگان تمام کرد، وجود مقدس بقیه الله اعظم نیز قطعاً چنین خواهد کرد و با پیروی از جدّ بزرگوارش حجّت را بر همگان تمام می‌کند و هرگز کسی بی‌جهت کشته نخواهد شد خصوصاً مسیحیان عالم که جمعیت انبوهی از افراد روی زمین را تشکیل می‌دهند، هنگامی که ملاحظه کنند که حضرت مسیح از آسمان فرود آمده و در این قیام و نهضت جهانی حضرت مهدی را یاری می‌نماید، دیگر چه عذری می‌توانند بیاورند؟

اما با تمام این اوصاف، گروهی خیره سر و لجوج و خودکامه در هر جامعه و عصری وجود دارند که زیر بار حق و حقیقت نمی روند و چنانچه این افراد از موقعیت اجتماعی هم بر خوردار باشند، فتنه و آشوب ایجاد خواهند کرد، برخورد حضرت مهدی با این افراد، قاطعانه خواهد بود و این گونه افراد به دست یاران حضرت مهدی نابود می گردند و تعداد آنها نسبت به تمام جمعیت روی زمین، قطعاً اندکی بیش نیست.

### خلاصه از این سؤال و جواب:

سؤال: آیا در حکومت حضرت مهدی(علیه السلام) بیشتر مردم کشته می شوند؟

پاسخ: اولاً، حضرت می آید برای نجات بشریت و لذا یکی القاب ایشان) منجی) است، نه برای هلاکت آنان.

ثانیاً: طبق بعضی از روایات، وضع مردم در اثر شیوع فساد و ظلم از یک سو و از طرف دیگر وقوع جنگهای بزرگ و مهیب، بسیار آشوب می باشد و گرد و غبار خستگی و افسردگی بر چهره ها مشاهده می شود، با آمدن یک رهبر دلسوز و مصلح، همه و همه با آغوش باز استقبال می کنند.

ثالثاً: یکی از سنتهای الهی این است که: بدون اتمام حجت، بندگان خود را مؤاخذه و عذاب نمی کند.

رابعاً: مسیحیان جهان که یک جمعیت انبوهی را تشکیل می دهند با دیدن حضرت مسیح به عنوان یار و مددکار حضرت مهدی، موجب می شود که به امام زمان گرایش پیدا کنند و به او معتقد گردند.

بله گروهی هر چند نسبت به کل افراد روی زمین اندک و قلیل می باشند، دارای عناد و خیره سری می باشند و انسانهای لجوجی هستند و می خواهند به راه فاسد و باطل خود ادامه دهند و چه بسا از موقعیتی برخوردارند که بتوانند جامعه را به آشوب بکشند، در این صورت، امام(علیه السلام) و یاران ایشان هرگز چنین اجازه ای را به آنها نخواهند داد.

### سؤالات از این پرسش و پاسخ:

1- از لقب (منجی) بودن حضرت چه استفاده می شود؟

2- وضع نابسامان جامعه بشری موجب می شود برای پذیرش دعوت حضرت مهدی(علیه السلام) برای این مطلب شاهی از انقلاب اسلامی ایران آوردیم، آن شاهد چه بود؟

3- از آیه ۱۵ سوره مبارکه اسرا چه استفاده می شود؟

4- برخورد اصحاب حضرت مهدی(علیه السلام) با معاندین و لجوجهای جامعه چگونه خواهد بود؟

1<sup>(1)</sup> رعد: ۷

2<sup>(2)</sup> طلاق: ۱۲

3 رعد: ۷

4<sup>(4)</sup> انفال: ۵۳

5 بقره: ۳۰

6 مکیال المکارم و امامت و مهدویت که از احتجاج طبرسی نقل می نماید.

7<sup>(7)</sup> فراهایی از دعای شریف ندبه.

8<sup>(8)</sup> انبیاء: ۱۸.

9<sup>(9)</sup> انبیاء: ۱۰۵

10 نهج البلاغه حکمت: ۲۰۹

11 اسراء: ۳۳

12 قصص: ۸۳

13 اعراف: ۷۱



می خواهیم که هر چه زودتر، لباس فرج به قامت حجّت خود، یعنی آن انسان کاملی که همه انبیاء و امت ها، و تمامی مؤمنان و مستضعفان، به انتظار او می باشند، بپوشاند و با طلوع آن خورشید عالم تاب، جهان و جهانیان را غرق نور و سرور بگرداند، آمین رب العالمین.

حسین اوسطی

25

### گفتار اول

اثبات وجود حجّت خدا ، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (از دیدگاه عقل

27

### اثبات وجود حضرت مهدی - ارواحنا فداه -

لازم است قبل از پرداختن به بحث اثبات وجود حضرت مهدی به دو نکته توجه شود :

**نخست** ، بحث پیرامون مهدویت و اثبات وجود حضرت ، بحثی کاملاً اسلامی است و روی سخن با مسلمانان جهان و پیروان مذاهب مختلف اسلامی است ، یعنی کسانی که خدا و رسول خدا و قرآن و سنت را پذیرفته اند و هر دستور و یا گفتاری از این ناحیه برسد ، انجام می دهند و در مقابل آن تسلیم هستند . بنابراین بحث مهدویت به عنوان حجّه خدا و خلیفه رسول الله با کسی که خدا و یا رسول خدا را قبول ندارد معنی ندارد ؟

البته می توان با چنین فردی که منکر دین و خدا است از این زاویه وارد بحث شد که آینده تاریخ و سرانجام کاروان بشریت ، به عدل و داد و رفع ظلم و ستم گرایش پیدا می کند .

اینک با توجه به این که بحث مهدویت یک بحث اسلامی است ، طبعاً می توان در تمامی مباحث مربوط به حضرت مهدی از مدارک مورد قبول مسلمانان ، همچون قرآن و کلام پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) استفاده کرد و به آن استدلال نمود .

هرچند در بعضی از مباحث مهم در رابطه مهدویت - مانند اثبات وجود حجّت الهی - هم دلیل عقلی وجود دارد و هم نقلی که ان شاء الله به آن اشاره خواهد شد .

---

## 28

---

**دوم :** برآحاد مسلمین در هر عصر و زمانی واجب و ضروری است که مسئله امامت را ، دنبال کنند و امام زمان خود را بشناسند .

لزوم پیگیری این مسئله به جهت این است که اولاً ، باید توجه کند که احکام الهی را از چه کسی اخذ می کند و به فرمان چه کسی گردن می نهد و آیا کسانی که به عنوان مصادر احکام الهی برای خود برگزیده راهی به سوی « الله » دارند ؟ و آیا می توانند امامت و رهبری او را با دلیل مورد قبولی به اثبات برسانند و بگویند همه گفته های این فرد صحیح و از جانب خداوند متعال است ؟

آنچه مسلم است اختلاف فراوانی بین ائمه و پیشوایان اهل سنت یعنی مالک و ابوحنیفه و شافعی و احمد حنبل وجود دارد و نیز بین مکتب اهل بیت و دیگران اختلافاتی به چشم می خورد و هیچ عقلی نمی پذیرد که بدون دلیل روشن و

قبولی گفته شود که آنچه ابوحنیفه می گوید ، احکام ناب اسلامی است ، و یا دیگری ادعا کند که هر چه مالک و یا احمد حنبل می گوید ، اسلام حقیقی است . خلاصه آن که هیچ انسان با شعوری تجویز نمی کند که دین الهی

را که انبیاء و شخص پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله )

با آن همه زحمات و صدمات تبیین نموده اند ، به راحتی به زید و عمرو بکر واگذار نمائیم و این مطلب ضرورت بحث امامت و رهبری را در هر عصر و زمانی برای ما به اثبات می رساند و آن را از همه نیازهای آدمی مهم تر می گرداند ، زیرا اگر آب و خوراک سالم به بدن نرسد ، جسم ما در معرض خطر می افتد اما اگر دست ما از ائمه راستین و امامان به حق کوتاه گردد و به دنبال امام ضالّ و مضلّ حرکت کنیم

سرانجام گمراه و به شقاوت ابدی مبتلا خواهیم شد ( 1 ) مگر نه این که قرآن با صراحت می گوید هر انسانی در روز قیامت با امام و پیشوای خودش محشور می گردد (2)

---

1. قرآن برای بیداری ما گوشزد می نماید که همانگونه که امام هادی و ائمه راستین وجود دارد متقابلاً ائمه کفر و ضالّ و مضلّ هم وجود دارد تا ما انسان ها چشم خود را باز نموده و عقل خود را به کار گرفته تا از سرچشمه وحی الهام گیریم ، امامی انتخاب نمائیم که دین مرضی پروردگار را برای ما باز گو نماید ، (فاعتبروا یا اولی الأبصار ) حشر : ۲ .

( 2 . یوم ندعو کل اناس بامامهم ) ( اسراء : ۷۱ ) .

---

## 29

---

اگر قیامت چشم باز کنیم و ببینیم که امام و رهبر ما از ائمه ضلال است چه باید کرد؟ (1) !

### لزوم شناخت امام زمان

روایتی را شیعه و سنی از رسول خدا ( صلی الله علیه وآله ) نقل نموده اند و مورد قبول همگان است به طوری که علامه امینی در الغدیر (2) می نویسد . . . ( لَمْ یَخْتَلِفْ فِی ذَلِکَ اِثْنَانٌ وَلَا اَنْ اَحَدًا خَالَجَهُ فِی ذَلِکَ شَکٌّ ) دو نفر مسلمان هم در این حدیث اختلاف ندارند و نسبت به صدور این حدیث از رسول خدا ( صلی الله علیه وآله ) احدی یافت نمی شود که شک و شبهه ای داشته باشد و علامه امینی حدود ده کتاب از صحاح و مسانید اهل سنت نام می برد که این حدیث را نقل نموده اند . متن حدیث از این قرار است :

قال رسول الله ( صلی الله علیه وآله ) : ( مَنْ مَاتَ وَلَمْ یَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیْتَةً جَاهِلِیَّةً .

کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد ، مرگ او مرگ جاهلیت است .

( کلینی ) قدس سره ( محدث بزرگ جهان تشیع در اصول کافی (3) نیز چندین روایت نزدیک به

---

1. در سوره فرقان از آیه ۲۷ به بعد حال کسانی که راه صحیحی برای وصول به رسول خدا ( صلی الله علیه وآله ) و دین الهی اخذ نمودند اینگونه بیان نموده ( : **ویوم یعضّ الظالم علی یدیہ یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً لقد اضلّنی عن الذکر بعد اذ جاءنی وکان الشیطان للانسان خذولاً وقال الرسول یا ربّ انّ قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً .** )

قرآن راه صحیح را برای رسیدن به خدا و رسول الله ( صلی الله علیه وآله وسلم ) و اسلام واقعی با دو آیه در قرآن بیان نموده یکی در سوره شوری آیه ۲۳ ( **قل لا اسئلكم علیه أجرأ الا الموده فی القربی** ) که می فرماید : بگو : من چیزی بعنوان اجرت رسالت از شما نمی خواهم جز مودت و رزیدن به ذوی القربی که زیر بنای متابعت و پیروی آنها است و دیگر در سوره فرقان آیه ۵۷ ( **قل ما اسئلكم علیه من اجر الا من شاء ان یتخذ الی ربه سبیلاً** ) آنچه به عنوان پاداش رسالت خواستم برای این بود که هر که مایل است راه صحیحی برای خود انتخاب کند ، بتواند . آیا راهی جز راه متابعت و عشق و رزیدن به علی ( علیه السلام ) و زهرای مرضیه ( علیها السلام ) و فرزندان ایشان باقی می ماند ؟ که یگانه مصداق ذوی القربای رسول خدا ( صلی الله علیه وآله وسلم ) می باشند ؟

2. الغدیر جلد ۱۰ ص ۳۶۰ .

3. اصول کافی : ج ۱ ص ۳۷۶ .

همین مضمون از پیامبر اکرم ( صلی الله علیه وآله ) نقل نموده که من جمله این حدیث است که راوی از امام صادق ( علیه السلام ) سؤال می کند <sup>(۱)</sup> آیا این روایت ( **من مات . . . را پیامبر** ) صلی الله علیه وآله فرموده اند ؟ حضرت فرمود : بلی ، عرض می کند مراد از مرگ جاهلیت چیست ؟ یعنی می میرد در حالی که امام خود را نشناخته و به او جاهل بوده ؟ و یا به مرگ جاهلیه جهلاء ( همچون مردمی که در زمان جاهلیت به سر می بردند و فاقد دین و شرف و انسانیت بودند ) خواهد مرد ؟

حضرت فرمود : مراد از جاهلیت کفر و نفاق و ضلال است .

و علامه امینی در توضیح ذیل حدیث یعنی ( **میتة جاهلیة** ) ( می نویسد ) <sup>(2)</sup> **إِنَّمَا هِيَ شَرُّ مَيْتَةٍ ، مَيْتَةُ كُفْرٍ وَالْحَادِ** ) بدترین نوع مرگ است یعنی مردن در حال کفر و عناد و لجاج .

مفاد این روایت هر مسلمانی را ملزم می کند تا مسأله امامت ، مخصوصاً امام زمان خویش را پی گیری کند و اگر آن امامی را که باید بشناسد و از او پیروی کند نشناخت و با حق آشنا نشد و از دنیا رفت ، اسلام او مقبول نیست و هم چون افراد زمان جاهلیت است که اسلام نیاوردند و در حال کفر و الحاد از دنیا رفتند .

### به این حکایت توجه کنید :

یکی از ائمه جماعات تهران که مورد وثوق بود برای من نقل کرد :

علامه امینی از نجف به تهران آمده بود . من به دیدن ایشان رفتم و تقاضا نمودم که شبی به منزل ما تشریف بیاورند . آقای امینی اجابت نمودند ، وعده ای از علماء را هم به افتخار ایشان دعوت نمودم . شب موعود فرا رسید و از ایشان تقاضا کردم مطلبی را بیان فرمایند ، ایشان فرمودند : برای مطالعات بعضی از کتب ، مدتی در حلب <sup>(3)</sup> به سر می بردم یکی از تجار فهمیده و منطقی از اهل سنت با من آشنا شد و شبی از من دعوت به عمل آورد . علماء طراز اول شهر و قضات عالی رتبه و بعضی از اساتید دانشگاه و عده ای از

---

1. همان : ص ۳۷۷

2. الغدیر : ج ۱۰ ، ص ۳۶۱ .

3. شهر بزرگی است از شهرهای شام ( سوریه ) بسیار خرم . . . لغت نامه دهخدا .

تجّار نیز در آنجا حضور داشتند . پس از شام ، عالم بزرگ و مفتی اعظم شهر گفت : آقای امینی این بحث امامت چه ریشه و اساسی در اسلام دارد که شیعیان و علمای تشیع آن را رها نمی کنند ؟ من به ایشان گفتم : آیا این حدیث را که از رسول خدا ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) ( نقل شده ) **مَنْ مَاتَ وَكَمْ يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ**

میتة جاهلیة ( قبول داری ؟ گفت : بلی . به او گفتم : برای پی گیری و بررسی بحث امامت همین حدیث بس است ، وی ساکت شد و چیزی نگفت . از او سؤال کردم : فاطمه زهراء ( علیها السلام ) چگونه بانوئی است ؟ وی گفت ( : **إِنَّهَا مَطَهَّرَةٌ بِنَصِّ الْكِتَابِ** ) ( به صراحت ) قرآن مطهره و معصوم است چون در شأن اهل بیت آیه تطهیر نازل شده و حضرت زهراء از بزرگ ترین مصادیق اهل بیت رسول الله ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) است .

به او گفتم : چرا فاطمه زهراء ( علیها السلام ) در حال خشم و غضب از حاکمان وقت از دنیا رفت : آیا آنان امام امت و خلیفه به حق رسول خدا نبودند یا حضرت زهراء امام خود را نشناخت و فوت کرد ؟ عالم بزرگ حلب دید اگر بگوید غضب و خشم حضرت زهراء ( علیها السلام ) کار صحیحی بوده باید خط بطلان به جبین حاکمان آن وقت بکشد و این برخلاف اعتقاداتشان می باشد و اگر بگوید کار حضرت زهراء ( علیها السلام ) خطا بوده و او بدون معرفت به امام خویش از دنیا رفته ، با مقام عصمت و طهارت ایشان که مورد قبول قرآن است منافات دارد ، به همین دلیل ، برای خلط بحث گفت : آقای امینی بحث ما چه ربطی به موضوع غضب و خشم حضرت زهراء نسبت به حکام زمان خودش دارد ؟ افرادی که در مجلس حضور داشتند از حیث علم و دانش اشخاص برجسته و فهیمی بودند ، و متوجه شدند که آقای امینی با طرح این سؤال چه ضربه محکمی به عقاید آنان وارد ساخت ، و گفت که شما نه فقط امام زمان خود را نشناخته اید بلکه در حقایق افرادی که آنان را خلیفه رسول خدا ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) می دانید نیز در شک و تردید به سر می برید ، صاحب منزل که کناری ایستاده بود رو به عالم بزرگ حلب کرد و گفت : **شَيْخُنَا أُسْكُتُ قَدْ افْتَضَحْنَا** ، یعنی دیگر ساکت شو که ما را رسوا کردی .

بحث تا نزدیک سحر به طول انجامید وعده ای از اساتید دانشگاه و قضات و تجار به سجده افتادند و مستبصر شدند و از راهنمایی علامه امینی تشکر نمودند .

غرض از نقل این حکایت این بود که اهل سنت همانند شیعه حدیث ( **مَنْ مَاتَ**

**وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً** ) را قبول دارند . با توجه به این حدیث معلوم می شود در هر عصری و زمانی امامی وجود دارد که باید به وجود او معرفت داشت و مسلمین باید

بدانند معالم دین را از چه کسی اخذ می‌کنند و در حال حاضر امام عصر  
آنان کیست؟ (1)

### محتوای حدیث ثقلین

برای ضرورت و لزوم پی‌گیری شناخت امام همین بس که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای هدایت  
امت، دو یادگار از خود به جا گذاشت و فرمود: اگر به این دو ثقل یعنی قرآن و عترت تمسک بجوئید هرگز  
گمراه نمی‌شوید و این روایت که به (حدیث ثقلین) معروف است مورد قبول همه مسلمانان است (2). بنابراین  
این باید تفحص و تحقیق نمود که اهل بیت چه کسانی هستند و تا قیامت و تا کنار حوض کوثر از قرآن جدا  
نمی‌شوند و همتای قرآن و یگانه وسیله هدایت امت هستند؟ انشاء الله در مباحث بعدی پیرامون این حدیث  
بیشتر صحبت می‌شود.

### جهان منهای حجت

در بحث اثبات وجود امام از طریق عقل و نقل، باید گفت آنچه مسلم و مورد قبول همه انسان‌ها است این  
است که موجودات بزرگ و کوچک که اطراف ما را از شش جهت احاطه کرده‌اند وجود آن‌ها برای  
بهره‌مندی انسان‌ها است. تابش آفتاب باعث رشد گیاهان و رسیدن میوه‌جات و جویبات برای استفاده انسان  
می‌شود و این حرکت منظم ماه و خورشید باعث شناخت روز و ماه و سال می‌شود و ابر و باد و مه و  
خورشید و فلک برای بهره‌مندی انسان مسخر شده‌اند.

---

1. بحثی بین دو عالم شیعی و سنی یعنی ابن ابی‌جمهور احسائی و فاضل هروی در خراسان پیرامون این  
حدیث واقع شده که در کتاب نامه دانشوران آمده است. (فراجع)

2. در کتاب المراجعات ص ۴۲ به بخشی از مدارک این حدیث از طرق اهل سنت اشاره نموده است.

در ذهن انسان با شعور ، مخصوصاً موحدین و خدا شناسان از هر کیش و قومی این سؤال مطرح است که این انسان که مخدوم و مورد احترام این همه مخلوقات الهی است برای چه هدفی خلق شده است ؟

به حکم عقل حکمت پروردگار ، با چنین وضعی که تمام اجزای هستی در خدمت انسان هستند ، باید هدف مقدسی برای انسان در نظر گرفته شده باشد و آن هدف و غایت برای انسان ها غیر از رسیدن به کمال و وصول به مقام عبودیت و علم و معرفت به اسماء و صفات الهی چیز دیگری نیست . قرآن کریم این حقیقت را چنین مطرح نموده است .

(اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا) (1)

«خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین همانند آنها را نیز آفرید ، فرمان او پیوسته در میان آنها فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد .»

اینک که معلوم گشت هدف از خلقت انسان ، رسیدن به کمال علم و عرفان و عبودیت است این سؤال مطرح می شود کیست که بتواند این انسان را به آن هدف مقدس خود برساند ؟ هزاران فرقه و مسلک در جوامع بشری انسان را به سوی خویش دعوت می کنند که هر کدام می گویند : به دنبال ما بیائید ، ریاضت کش و مرتاض هندو می گوید : دست از کار و کسب و تشکیل خانواده بکش و به دنبال من در گوشه جنگل بنشین تا به کمال برسی . دیگری می گوید : کمال انسانی در سایه سرمایه داری است ، سومی می گوید : رشد و کمال انسان به آزاد بودن او از هر قید و بند با این اختلاف فراوان در افکار و عقاید بشری ، هر انسان موحد و خداشناسی قاطعانه حکم می کند که باید فردی از جانب خداوند که مسلح به سلاح علم و وحی بوده و از اسرار خلقت جهان و انسان آگاه باشد ، برای راهنمایی و هدایت بشر مشخص شود در غیر این صورت جهان و

---

. 1 اطلاق : ۱۲



خلقت آن ، هم چون مدرسه ای می ماند که با مصالح بسیار عالی ساخته شده اما معلم و مدرّس نداشته باشد و یا مانند بیمارستانی است که سالن ها و اطاق های عمل جراحی و همه امکانات لازم را داشته باشد اما دکتر و طبیب نداشته باشد و هر عاقلی حکم می کند که ساختن این مدرسه و بیمارستان عبث و بیهوده است .

آری جهان مدرسه است و انسان دانش آموزان این مدرسه و باید معلم و مربی وجود داشته باشد که این دانش آموزان را به اهداف عالی واصل گرداند و آن مربی ، کسی جز حجت خدا نیست . در غیر این صورت خلقت جهان عبث و بیهوده خواهد بود .

### مناظره هشام بن حکم

هشام آن شاگرد زبر دست امام صادق ( علیه السلام ) با دلایل ساده اما مستحکم ، عمرو بن عبید را که منکر وجود حجت خدا بود . قانع کرد که جهان بدون حجت خدا همچون بدن انسان است بدون قلب . خلاصه حکایت از این قرار است که هشام به عالم بصری گفت : آیا تو چشم داری ؟ جواب داد : بلی . هشام پرسید : چه فایده ای دارد ؟ او فواید چشم را بیان کرد و به همین منوال سؤال از دست و پا و زبان و گوش و فواید آنها کرد و او جواب داد . در آخر پرسید : تو قلب هم داری ؟ (1) جواب داد : بلی ، هشام فرمود : قلب ، چه فایده ای دارد ؟ او گفت : اگر خطائی برای اعضا رخ دهد مثلاً شبیحی را از دور می نگریم و نمی دانیم که جماد است یا نبات یا حیوان و یا انسان ، به قلب مراجعه می کنیم و آن رفع شبهه می کند مثلاً می گوید : چون آن شبیح حرکت می کند جماد نیست و چون روی دو پا حرکت می کند حیوان نیست و انسان است و نیز گوش صدائی را از پشت دیوار می شنود و نمی فهمد که صاحب صدا کیست ؟ نیروی عقل بلا فاصله می گوید : این صدای فلان شخص می باشد .

هشام فرمود : خداوند حکیمی که برای بدن یک انسان با داشتن چند عضو مختصر ، امامی قرار داده که شبهات را برای آنها رفع نماید آیا می توان گفت برای کاروان بشریت ،

---

1. امراد از قلب نیروی عقل و فکر انسان است .

با این همه اختلافات و سلیقه های متفاوت ، امامی و راهنمایی معین ننموده است ؟ عمرو بن عبید مات و مبهوت ماند و نتوانست چیزی بگوید .

امام صادق ( علیه السلام ) از این مناظره با خبر شد . روزی که عدّه ای از اصحاب در محضر حضرت بودند ، فرمودند : ای هشام ! مناظره خود را با عمرو بن عبید برای ما نقل کن . هشام برای رعایت ادب و حیاء ساکت شد ( اشاره به این که در مجلسی که شما هستید ، صحیح نیست من سخن بگویم ) حضرت فرمود : وقتی چیزی را از شما می خواهیم ، انجام دهید . هشام واقعه را نقل نمود <sup>(1)</sup> امام فرمود : این استدلال را چه کسی به تو آموخته بود ؟ عرض کرد : از شما یاد گرفتم . حضرت فرمود : به خدا قسم این دلیل ، در صحف ابراهیم و موسی مذکور است .

### مناظره دیگر هشام

یونس بن یعقوب می گوید : چند روز قبل از موسم حج بود امام صادق ( علیه السلام ) در کنار مسجد الحرام ، خیمه ای زده بود . شخصی از شام آمد و داخل خیمه حضرت شد و گفت : من شخص فقیه و متکلمی هستم و از شام آمدم تا با اصحاب تو مناظره کنم . با اینکه عدّه ای از اصحاب امام از قبیل حمران بن اعین و هشام بن سالم و قیس ، در خیمه حاضر بودند ، هشام بن حکم که جوانی بیش نبود ، از راه رسید . حضرت برای هشام جا باز کرد و فرمود : هشام با زبان و دل ، یار و ناصر ما می باشد ، و به مرد شامی فرمود : با این جوان صحبت کن . شامی به هشام گفت : پیرامون لزوم امام و حجت خدا بحث کن . هشام پرسید : آیا خدا مصلحت بندگان را بهتر می داند یا مردم ؟ شامی گفت : خدا ، هشام پرسید : چه کسی این مصالح عباد را از جانب خدا به مردم می رساند ؟ شامی گفت : رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) هشام پرسید : بعد از رسول خدا چه کسی ، شامی گفت : کتاب و سنت ، هشام گفت : آیا کتاب و سنت امروزه برای رفع اختلافات کافی است ؟ شامی گفت : بلی ، هشام پرسید : پس چرا بین ما و شما اختلاف هست به طوری که تو برای دفاع از نظریات خودت از شام به

---

۱. اصول کافی کتاب الحجّة : ج ۱ ، ص ۱۷۰

اینجا آمدی؟ شامی ساکت شد .

امام صادق ( علیه السلام ) به شامی فرمود ( : **مَالِكٌ لَا تَتَكَلَّمُ ؟** ) چرا صحبت نمی کنی و ساکت شدی ؟

شامی گفت : اگر بگویم : اختلاف نداریم که دروغ است و اگر بگویم : کتاب و سنت اختلافات را بر طرف می کند که کلامی باطل و خلاف واقع است ( چون کتاب و سنت را هر کسی به نفع خود توجیه می کند ) و اگر بگویم اختلاف هست ولی همگی حق می گوئیم ، کتاب و سنت عبث و بیهوده خواهد شد .

ولی اجازه دهید من این سئوالات را از هشام پیرسم تا ببینم چه جوابی می دهد امام صادق ( علیه السلام ) فرمود : از او سؤال کن که شخص با اطلاعی است . شامی گفت : مصلحت مردم را خدا بهتر می داند یا خود مردم ؟ ( عین سئوالات هشام را یک به یک به هشام برگرداند ) تا رسید به اینجا که کلام و مصالح عباد را چه کسی به ما می رساند ؟ هشام فرمود : زمان رسول خدا یا اکنون ؟ شامی گفت : در حال حاضر . هشام فرمود : **( هَذَا الْقَاعِدُ الَّذِي تَشَدُّ إِلَيْهِ الرَّحَالُ )** این مرد که اینجا نشسته و از اطراف و اکناف می آیند و سئوالات خود را مطرح می کنند و قانع می شوند و شک و شبهه آنان مرتفع می گردد . شامی گفت : از کجا بدانم که ایشان همین گونه است که تو می گوئی ؟ هشام گفت : هر چه می خواهی از او بپرس تا حجّت بر تو تمام گردد ، شامی متوجه امام شد و با حضرت صحبت کرد و امام ( علیه السلام ) از سفر او و اتفاقاتی که در راه افتاده بود خبر داد و تماماً مورد تصدیق شامی قرار گرفت و در خاتمه شامی مستبصر شد و شهادت به امامت و حقانیت حضرت داد (1) .

این دو مناظره مستدلّ کاملاً روشن می سازد که خلقت بشر منهای حجت خدا یک کار عبث و بیهوده ای خواهد بود و نتیجه خلقت جهان که برای وصول انسان به کمالات علمی و عملی است عبث خواهد شد .

آری عقل براساس حکمت الهی و نظام جهان خلقت حکم می کند بر ضرورت وجود یک انسان کامل تا کاروان بشریت را به سر منزل مقصود راهنمائی نماید .

## هدایت عامه

دلیل دیگری که ضرورت وجود حجت خدا را در هر عصر و زمانی به اثبات می‌رساند ، مشاهده حرکت هر موجود به سوی کمال خویش است ، که از آن به هدایت عامه و حرکت به سوی هدف تعبیر می‌شود علامه طباطبائی ( قدس سره ) از این راه لزوم حجّت و امام را در هر عصر و زمانی به اثبات می‌رساند ، ایشان در این رابطه می‌فرماید :

طبق قانون ثابت و ضروری هدایت عمومی ، هر یک از انواع آفرینش از راه تکوین و آفرینش به سوی کمال و سعادت نوعی خود هدایت و رهبری می‌شود .

نوع انسان نیز که یکی از انواع آفرینش است از کلیت این قانون عمومی مستثنی نیست و از راه غریزه واقع بینی و تفکر اجتماعی ، در زندگی خود به روش خاصی باید هدایت شود که سعادت دنیا و آخرتش را تأمین نماید .

به عبارت دیگر باید یک سلسله اعتقادات و وظائف عملی را درک نموده و روش زندگی خود را با آنها تطبیق کند تا سعادت و کمال انسانی خود را به دست آورد و گفته شد که راه درک این برنامه زندگی که ( دین ) نامیده می‌شود ، راه عقل نیست بلکه راه دیگری است به نام ( وحی و نبوت ) که در برخی از پاکان جهان بشریت به نام انبیاء ( پیغمبران خدا ) یافت می‌شود .

پیغمبران وظائف انسانی مردم را به وسیله وحی از جانب خدا دریافت داشته و به مردم می‌رسانند ، تا در اثر به کار بستن آنها تأمین سعادت کنند . روشن است که این دلیل چنان که لزوم و ضرورت چنین درکی را در میان افراد بشر به ثبوت می‌رساند ، همچنین لزوم و ضرورت پیدایش افرادی که پیکره دست نخورده این برنامه را حفظ کنند و در صورت لزوم به مردم برسانند ، به ثبوت می‌رساند .

چنان که به اقتضای عنایت خدائی لازم است اشخاصی پیدا شوند که وظائف انسانی را از راه وحی درک نموده به مردم تعلیم کنند ، همچنان لازم است که این وظائف انسانی آسمانی برای همیشه در جهان انسانی محفوظ

بماند و در صورت لزوم به مردم عرضه و تعلیم شود ، یعنی پیوسته اشخاصی وجود داشته باشند که دین خدا را آن طوری که نازل

شده نگهداری نموده و صحیح و سالم بر مردمان عرضه بدارند (1) .

این دلیل و برهان محکم ، برای فهم همگانی به توضیح و شرح احتیاج دارد لذا توجه شما را به نکاتی چند جلب می نمایم .

**نخست :** شکی نیست که هر نوعی از انواع موجودات از راه تکوین و آفرینش به سوی کمال و سعادت نوعی خود هدایت می شود .

این دانه گندم است که در دل خاک با شرایط مناسبی قرار می گیرد و شروع به رشد و نمو کرده تا بوته ای کامل و دارای خوشه و دانه می شود .

و اگر هسته ای مانند گردو در دل زمین قرار گیرد راه منظم و مشخصی را پیموده و بالاخره درختی برومند و بارور می شود و اگر نطفه حیوانی در رحم مادر قرار گیرد شروع به تکامل نموده و سرانجام موجودی کامل از همان حیوان پدید می آید .

هرگز دانه گردو در مسیر تکامل به صورت گاو و گوسفند در نمی آید کما اینکه نطفه گوسفند نیز مبدل به درخت انار و چنار نخواهد شد قرآن در این رابطه می فرماید ( **وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّئُهَا** ) (2) ( هر کدام هدف و غایتی دارد که آن را پیش می گیرد .

قرآن در تعلیم خود این رهسپاری و کشش را که در هر نوعی از موجودات مشاهده می شود و راه کمال خود را در پیش گرفته و می رود ، به هدایت الهی نسبت می دهد .

( **قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى** ) (3) ( موسی به فرعون گفت : پروردگار ما کسی است که به هر موجودی ، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده ، سپس هدایت کرده است همین مطلب را نیز در سوره

مبارکه اعلی بیان کرده است ) : **سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى \* الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى \* وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى .** (

آیا این قانونی که بشر خواهان آن است یعنی قانونی که بتواند جلو هرگونه خود کامگی ها و تبعیض ها را بگیرد و همه افراد جامعه در آسایش و امنیت کامل بسر ببرند

---

1. شیعه در اسلام: ص ۲۶۳، تحت عنوان: امامت در بیان معارف الهیه .

2. بقره: ۱۴۸ .

3. طه: ۵۰ .

می توان به وسیله عقل و خرد به آن رسید ؟

در جواب باید گفت: انسان به وسیله عقل از سایر انواع موجودات امتیاز پیدا می کند و به واسطه خرد به تفکر پرداخته و از تمام مخلوقات و موجودات برای رفاه خود استفاده نموده، در فضای بی کران آسمان ها اوج می گیرد و در اعماق دریاها شناور می شود و جماد و نبات و حیوان را به استخدام خویش در می آورد .

اما چنین قانونی که مورد قبول همه انسان ها باشد وجود ندارد و چنانچه انسان با نهاد خدادادی و از طریق آفرینش و تکوین با چنین قوانینی آشنا بود همانگونه که لزوم این قوانین را با نهاد خدا دادی درک می کند باید هر انسان با عقل خود آن قوانین را درک می کرد همانگونه که سود و زیان خود را درک می کند .

بنابر این قانونی که سعادت جامعه بشری را تأمین کند خرد درک نمی کند و چون به مقتضای نظریه هدایت عمومی دانستیم که وجود چنین درکی در نوع بشر ضروری است ناگزیر دستگاه درک کننده دیگری در میان نوع بشر باید وجود داشته باشد که وظایف واقعی و جامع الاطراف را به آنان بفهماند و در دسترس همگان گذارد و این شعور و درک چیزی غیر از (شعور وحی) که مافوق شعور عقل و حس است نمی تواند باشد .

پس انسان بر اساس قانون هدایت عمومی و وصول به کمال خویش محتاج به وحی و دین است که به وسیله انبیاء و حجج الهی ارائه می شود .

**دوم** ، بدیهی است که نوع انسان از این قانون کلی مستثنی نیست و هدایت تکوینی که در همه انواع آفرینش حکومت می کند در مورد انسان نیز حاکم است .

انسان به حسب طبع اوّلی ، سعادت خود را در آزادی مطلق می نگرد و می خواهد زیر بار هیچ قانون و مقرراتی نرود کما اینکه شما کودکان را مشاهده می کنید که در رسیدن به خواسته های خود به چیزی جز زور و گریه متوسل نمی شوند و در مقابل هیچ قانونی تواضع نمی کنند .

اما او کم کم احساس می کند که سازمان وجودی اش یک سازمان اجتماعی است و نیازمندی های بی شمار دارد که هرگز به تنهایی توانایی رفع آنها را ندارد . در این هنگام احساس می کند که باید بخشی از آزادی خود را در برابر سودی که از دیگران می برد از

---

#### 40

---

دست بدهد و معادل آنچه از رنج دیگران بهره می گیرد ، از رنج خود بهره بدهد .

و خلاصه ادامه حیات خود را و نیز اداره زندگی خویش را مرهون اجتماع می بیند و ناچار آن را می پذیرد .

**سوم** ، انسان به دنبال پذیرفتن ساختار اجتماعی ، وجود قانون را لازم می شمرد تا وظیفه هر یک از افراد را معین نماید و کیفر متخلف را مشخص سازد ، در غیر این صورت انسان به حسب سرشت خود که طالب آزادی مطلق است ، به سوی هرج و مرج می رود و هرگز با این وضع افراد جامعه به سعادت واقعی نخواهند رسید .

**چهارم** ، همانگونه که از راه عنایت و لطف الهی لازم است اشخاصی پیدا شوند که وظایف انسانی را از راه وحی درک نموده و به مردم برسانند همچنان لازم است که این وظایف آسمانی برای همیشه در جهان انسانی محفوظ بماند و در صورت لزوم به مردم عرضه و تعلیم شود .

به عبارت دیگر همانگونه که لازم است افرادی در جامعه یافت شوند که متصدی اخذ و دریافت احکام از جانب خدا باشند که از آنها به ( نبی و رسول ) تعبیر می شود ، باید اشخاصی نیز باشند که متصدی حفظ و نگهداری دین آسمانی باشند و از جانب خدا به این مقام اختصاص یافته که از آنها به ( امام ) نام برده می شود .

دکتر کربن که مصاحبه های ارزنده ای با استاد فقید علامه طباطبائی داشته در رابطه با لزوم حجتو امام در هر عصری نظریه جالبی ارائه می دهد که از مبحث فوق اتخاذ شده است .

ایشان می گوید : مذهب تشیع ( به علت وجود مهدی موعود ) **علیه السلام** ( تنها مذهبی است که رابطه را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و به طور استمرار و پیوسته ولایت را زنده و پا بر جا می دارد ؛ زیرا مذهب یهود ، نبوت را که رابطه ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی در حضرت کلیم ) **علیه السلام** ختم کرده و پس از آن به حضرت مسیح و حضرت محمد ( **صلی الله علیه وآله** ) اذعان نموده و رابطه مزبور را قطع می کند و همچنین نصاری در حضرت مسیح متوقف شده ، و اهل سنت از مسلمین نیز در حضرت محمد ( **صلی الله علیه وآله** ) توقّف نموده و با

---

#### 41

---

ختم نبوت در ایشان دیگر رابطه ای میان خالق و خلق قائل نمی باشد ، و تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد ( **صلی الله علیه وآله** ) ختم شده می داند ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می باشد بعد از حضرت ختمی مرتبت برای همیشه زنده می داند . رابطه ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهیت حکایت می کند و بعد از حضرت محمد ( **صلی الله علیه وآله** ) به واسطه ولایت جانشینان وی زنده بوده و خواهد بود <sup>(1)</sup> .

همان دلایلی که وجود انبیا را ضروری می داند ، لزوم استمرار ولایت را نیز لازم و ضروری می شمارد . اگر پیامبر عظیم الشان اسلام سلسله نبوت را ختم نمی کرد ، لازم بود تا قیامت انبیاء و رسولان در میان مردم باشند ، ولی چون با وجود ایشان نبوت ختم شد باید مسئله ولایت برای همیشه برقرار باشد .

#### یک دلیل روشن دیگر

عقل بدیهی حکم می کند که اگر فرد مصلحی با زحمات توان فرسای خویش در طول سالیان دراز ، طرحی را پیاده کرده و روش جدیدی را برای جامعه بشری ابداع نموده ، طبعاً بایستی برای بقاء و استمرار طرح و روش مزبور بلکه رشد و بالندگی آن نیز چاره اندیشی کند ، هرگز عقل سلیم نمی پذیرد که شخص با زحمات بسیار ،



بنائی را تأسیس کند ولی برای حفظ آن از خطرات آینده هیچ نوع پیشگیری به عمل نیاورد و متولی و مسئولی را برای حفظ آن بنا معرفی نکند (2) .

پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله ) ، بزرگترین شخصیت جهان بشریت است ، با آوردن شریعت خود ،

---

1. مدرک سابق نقلاً از مکتب تشیع سالانه دوم ص ۲۰ و ۲۱ .

2. موسس و بانی مدرسه عالی شهید مطهری ( سپهسالار سابق ) واقع در میدان بهارستان تهران که در عصر خود مدرسه نسبتاً بزرگ و ساختمانی با شکوه بوده ، برای حفظ و حراست و تحکیم بنای آن در وقف نامه دستورات قابل توجهی داده مثلاً توصیه کرده که در آمد موقوفات در درجه اول در تحکیم بنای مدرسه مصرف گردد و برای آن متولی و ناظر قرار داده و سایر دستوراتی که در وقف نامه آمده البته مورد مذکور نمونه ای از هزاران موارد دیگر است که برای همگان معلوم و مشهود است و چون این حقیر وقف نامه مدرسه مزبور را دیده بودم آن را بعنوان مثال مطرح کردم .

---

## 42

---

تحوّلی عظیم در اجتماع بشری ایجاد کرد و تمدنی کاملاً نو را پی ریزی نمود . تعالیم حیات بخشی را به عنوان یک شریعت جاودانه به بشر عرضه کرده و باصراحت خود را آخرین پیامبران معرفی نموده و احکام شریعت خود را از اصول و فروع و حلال و حرام تا قیامت برقرار و غیر قابل تغییر دانسته است . بنا بر این هرگز معقول نیست که ایشان شریعتی ابدی را پایه گذاری کند ولی برای رهبری آن پس از خود ، و حفظ و حراست آن در تمام اعصار فکری نکرده باشد .

پیامبری که از بیان کوچکترین مسئله در زمینه سعادت بشر دریغ نکرده چگونه معقول است برای شریعتی جهانی و ابدی فردی را معین نکند که متولی این شریعت باشد و در موقع لزوم و یا فراهم آمدن شرائط ، آن شریعت را به جهانیان ارائه دهد (1) .

**خلاصه بحث**

در این گفتار بحث پیرامون اثبات وجود حجت خدا از دیدگاه عقل است که در این زمان مصداق آن تنها حضرت مهدی (علیه السلام) است قبل از ورود در این بحث به دو مطلب توجه شود: ۱ - بحث مهدویت یک بحث اسلامی است ولذا سخن ما با مسلمانان است. ۲ - آحاد مسلمانان باید دنبال بررسی و تحقیق از امام باشند زیرا باید بدانند که احکام الهی را از چه شخصی می گیرند آیا او راهی به سوی الله دارد؟ و از این گذشته روایت مورد قبول وارد شده که عدم شناخت امام زمان مساویست با مرگ جاهلیت و کفر و الحاد.

علامه امینی از همین حدیث استفاده کرده و پاسخی کوبنده به علمای حلب داده و بر آحاد مسلمین است که طبق حدیث معروف و مشهور ثقلین که محدثین عامه و خاصه نقل نمودند و راه نجات را منحصر به پیروی از قرآن و عترت دانسته است، برای شناخت عترت سعی و تلاش بنمایند.

---

. این استدلال زیبا و روشن از کتاب منشور عقاید امامیه تالیف استاد عالیقدر و عالم فرزانه و کارشناس مسائل کلامی در عصر حاضر حضرت آیت الله سبحانی (مد ظله العالی) اقتباس شده است.

به سه مطلب توجه کنید: ۱ - منافع وجودی بسیاری از مخلوقات مربوط به انسان است. ۲ - هدف از خلقت انسان که موجود برتر است؟ برای وصول به کمال است. ۳ - مکتب های سرمایه داری و کمونیسم و تارکان دنیا نمی توانند وی را به سعادت و کمال برسانند بلکه تنها حجت خدا که می تواند انسان را به قله رفیع کمال خویش برساند.

در ادامه دو مناظره زیبا از هشام نقل شد که با دلیل محکم عقلی لزوم حجت خدا را اثبات می نمود و وجود یک انسان کاملی که جواب گوی همه مسائل بوده و رفع اختلافات نماید و آگاه از اسرار خلقت باشد را لازم می شمرد.

و سپس به دلیل و برهان دیگری تحت عنوان (هدایت عامه) و اینکه این قانون کلی ما را با لزوم امام، و حجت خدا آشنا می سازد که علامه طباطبائی از این برهان برای اثبات امام در هر عصری استفاده نموده و سپس توضیحی پیرامون این برهان داده شد و کلامی از پرفسور کربن در ویژگی مذهب تشیع و عدم انقطاع واسطه

فیض بین خالق و مخلوق آورده شد که قابل توجه است در خاتمه به یک دلیل روشنی اشاره شد که هرگز معقول نیست یک فرد مصلحی با زحمات فراوان تحوُّلی ایجاد کند ولی در فکر عامل نگهدارنده او نبوده باشد و اصولاً این افراد مهمترین مسئله را فراهم آوردن اسباب و عوامل بقاء آن می دانند در این گفتار از پنج طریق برای اثبات وجود امام و حجت خدا در هر عصر و زمانی وارد شدیم که هر یک برای صاحبان عقل و اندیشه کافی است تا در مقابل حق و حقیقت تواضع کنند و به حجت خدا در هر عصر و زمانی ایمان پیدا کنند .

### \*سؤالات گفتار اول

- 1- مخاطب ما در بحث مهدویت چه کسانی هستند ؟
- 2- به چه دلیلی پیگیری شناخت امام بر مسلمان واجب و لازم است ؟
- 3- علامه امینی در رابطه با حدیث ( من مات ولم يعرف امام زمانه ) . . . چه می فرماید ؟
- 4- یکی از ادله عقلی در اثبات وجود حجت ، وضع خلقت جهان بود ، تقریر آن چگونه است ؟
- 5- هشام بن حکم در بصره با چه کسی مناظره کرد ؟
- 6- هشام در آن مناظره از چه راهی وارد شد و وجود حجت خدا را چگونه ثابت کرد ؟
- 7- هشام چگونه فقیه شامی را محکوم نمود و او را امام شناس کرد ؟
- 8- مراد از قانون ( هدایت عمومی و حرکت به سوی هدف ) چیست ؟
- 9- کمال انسان در سایه چه قانونی تأمین می شود و آیا این قانون را می توان از طریق عقل به دست آورد ؟
- 10- پرفسور کرین ویژگی مذهب تشیع را در چه می داند ؟
- 11- مهمترین مسئله برای بنیانگذاران بناهای مهم و پایه گذاران نهضت های اصلاحی چیست ؟

12- در این گفتار مجموعاً از چند طریق به عنوان دلیل عقلی برای اثبات امام و حجت خدا در هر عصری

استفاده کردیم؟

---

45

### گفتار دوم

**اثبات وجود حجت خدا (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حضرت مهدی از دیدگاه نقل**

---

47

### ضرورت وجود امام زمان از دیدگاه قرآن

در مباحث گذشته وجود یک انسان کامل و حجت خدا که واسطه بین خالق و مخلوق باشد و از دین و شریعت اصیل و ناب حفاظت نماید، از طرق مختلف به اثبات رسید، و دریافتیم که به حکم عقل، خلقت عالم بدون وجود حجت الهی کاری عبث و بیهوده است.

در این گفتار با یاری و توفیق الهی مسئله رهبری و مهدویت را از دیدگاه آیات و روایات بررسی می کنیم تا معلوم شود خداوند متعال و پیامبر عظیم الشان اسلام تا چه اندازه به این مطلب عنایت داشته اند و امت اسلام را با این مسئله حیاتی و بنیادی آشنا ساخته اند تا جایی که به تعداد پیشوایان آسمانی و نام آنها و به خصوص به مهدی موعود و ویژگیهای او با صراحت تمام اشاره شده است.

### قرآن و امامت

در قرآن آیات زیادی داریم که یا به مسئله امامت و رهبری اهل بیت (علیهم السلام) مربوط می شود و یا به عظمت و فضائل آنان اشاره می کند تا از این طریق، شخصیت های ممتاز جهان اسلام را به امت اسلامی معرفی نماید. قرآن کریم می فرماید: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** «<sup>(1)</sup> (خداوند می خواهد پلیدی و

گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد .

(وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ<sup>(۱)</sup>) (پیش از تو، جز

مردانی که به آنها وحی می کردیم، نفرستادیم اگر نمی دانید از آگاهان بپرسید .

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ<sup>(۲)</sup>) « (ای کسانی که ایمان آورده اید از ) مخالفت

فرمان ( خدا بپرهیزید ، و با صادقین باشید » .

(قَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ

وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ<sup>(۳)</sup>) « ( هرگاه بعد از علم و دانشی که به تو

رسیده ، افرادی با تو به محاجه و ستیز برخیزند ، به آنها بگو : بیائید ما فرزندان خود را دعوت کنیم و شما هم

فرزندان خود را ، ما زنان خویش را شما هم زنان خود را ما ، نفوس خود را شما نیز نفوس خود را دعوت

نمائید ، آنگاه مباحله کنیم ، و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم » .

(أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ<sup>(۴)</sup>) « ( آیا کسی

که به سوی حق هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است ، یا آن کسی که خود هدایت نمی شود ، مگر

هدایتش کنند ؟ شما را چه می شود ، چگونه داوری می کنید ؟ » و ده ها آیه دیگر که در جای خود مطرح

شده و پیرامون آنها توضیحاتی داده شده .

در این جا با اشاره به دو آیه از آیات مذکوره و با بیان نظریات محدثین و مفسرین شیعه و سنی در رابطه با

شأن نزول آنها و معنی و مفهوم آنها توضیحی داده می شود تا برای امت اسلام معلوم گردد که خداوند متعال

برای بعد از رحلت رسول خدا ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) فرد خاصی را معین نموده و به مسئله رهبری عنایت

ویژه ای مبذول داشته است .

1. نحل : ۴۳ و انبیاء : ۷ منتهی در سوره انبیاء آمده ( وما ارسلنا قبلك ) تا آخر .

2. توبه : ۱۱۹

3. آل عمران : ۶۱

4. یونس : ۳۵

### آیه تبلیغ

آیه اول ( : يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ <sup>(1)</sup> ) ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان ، و الا رسالت او را انجام نداده ای ، خداوند تو را از شر مردمان در امان نگه می دارد و خداوند کافران را هدایت نمی کند .

### نگاه اجمالی به آیه تبلیغ

هر مسلمان منصف که خود را اسیر تعصبات مذهبی و پیش داوری ها ننماید ، با توجه به قرائن و شواهد موجود در آیه فوق به طور قطع حکم می کند که آیه به مسئله رهبری و امامت بعد از رحلت رسول اکرم ( صلی الله علیه و آله ) مربوط است . به برخی از آنها ذیلا اشاره می شود :

1- سوره مائده در اواخر عمر رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) نازل شده است .

2- در آیه تکلیفی را بر دوش پیامبر می گذارد و با خطاب ای پیامبر ( يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ ) شروع می شود .

3- آنچه از جانب پروردگار نازل شده و دستور داده شده به مردم برسان ( بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ ) .

4- اگر از ابلاغ این دستور خودداری کنی ، رسالت الهی را ابلاغ ننموده ای .

5- خداوند تو را از خطرات احتمالی حفظ می کند که معلوم می شود در تبلیغ آن ، احتمال خطر و وقوع فتنه در بین مسلمانان وجود داشته است .

6- در آخر آیه کسانی که در برابر این مطلب لجابت کنند و به آن کفر بورزند با جمله ( **وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ** ) مورد تهدید قرار گرفته اند .

اکنون این پرسش مطرح می شود که آن چیزی که پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) مأموریت یافته به مردم و به قدری مهم است که اگر انجام نگیرد ، رسالت انجام نگرفته چیست ؟ تا جایی که

---

. 1مائده: ۶۷

---

50

پیامبر را در صورت عدم تبلیغ تهدید نموده - حال آن که پیامبر هرگز تخلف از دستور الهی نمی کرد - و به او اطمینان داده می شود که خداوند تو را از خطرات احتمالی حفظ می نماید ، این چه مطلب مهمی بوده که با چنین لحنی در آخر عمر حضرت نازل شده است ؟<sup>(1)</sup>

آیا می توان گفت که مسئله به شرک و توحید و بت شکنی که از ابتدای بعثت مطرح بوده مربوط می شود . آیا می توان گفت مسئله مربوط به احکام بوده ، حال آن که احکام نماز و روزه و جهاد و حج و زکات و ... پیش از آن مطرح شده و تفصیل داده شده و هرگز درباره یک حکم شرعی حتی مثل نماز که ستون دین است با چنین لحنی با رسول خدا ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) سخن گفته نشده است .

آیا می توان گفت مسئله مربوط به اهل یهود و نصاری و یا منافقین بوده و حال آنکه اسلام از ابتدای ورود در مدینه با آنها مبارزه کرده و برخورد نموده و آیات فراوانی در این رابطه نازل شده و پیامبر هرگز در برخورد با آنها وحشت نداشته است .

پس نزول آیه در اواخر عمر حضرت توحوف ایشان از کارشکنی های منافقانو مساوی بودن ابلاغ این مسئله با تمامی رسالت الهی ، دلالت کامل دارد که این موضوع ، چیزی غیر از تعیین جانشین برای پیامبر ( صلی الله علیه وآله ) و سرنوشت آینده اسلام و مسلمین نخواهد بود .

در تفسیر نمونه آمده دانشمندان اهل تسنن ، اعم از مفسر و محدث و مورخ و جمع کثیری از صحابه مثل ابو سعید خدری و ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری و ابوهریره و حذیفه و ابن مسعود و دیگران نقل کرده اند که آیه ( **يا أَيُّهَا الرَّسُولُ** ) . . . . ( درباره علی ) **عليه السلام** ( و ماجرای روز غدیر نازل گردیده است )<sup>(2)</sup> .

---

1. در تفسیر المیزان ج ۵ ص ۱۶۷ آمده : مورد قبول تمامی اهل نقل است که سوره مائده آخرین سوره طولانی است که در اواخر عمر شریف پیامبر نازل گردیده و لذا روایات شیعه و سنی می گوید : آیات سوره مائده ناسخ هست اما منسوخ ندارد . در تفسیر نمونه از ج ۶ المنار ص ۱۱۶ نقل می کند : این سوره در حجۃ الوداع و بین مکه و مدینه نازل شده است .

2. توجه داشته باشید که روایاتی که در بالا اشاره شد فقط روایاتی است که می گوید : آیه ( **يا أَيُّهَا الرَّسُولُ** ) . . . . ( درباره علی ) **عليه السلام** نازل شده و الا روایاتی که درباره جریان غدیر و خطبه پیامبر ( صلی الله علیه وآله وسلم ) و معرفی علی ( **عليه السلام** ) به عنوان وصی و ولی نقل شده به مراتب بیش از آن است ، علامه امینی ( **رحمه الله** ) در الغدیر حدیث غدیر را از ۱۱۰ صحابی و ۸۴ تابعی با اسناد و مدارک نقل نموده آن هم از 360 دانشمند و کتاب معروف اسلامی و حدیث غدیر یکی از قطعی ترین روایات متواتر اسلامی است که جای هیچگونه شک و تردید باقی نمی گذارد و همچون خورشید در وسط روز ، ولایت و امامت علی بن ابیطالب ( **عليه السلام** ) را برای مسلمانان معلوم و مشخص می نماید .



آیه دوم ) : **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاِعُونَ** « (

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است و پیامبر او ، و آنها که ایمان آورده اند و نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند » .

آیه شریفه با کلمه ( انما ) شروع شده که دربردارنده معنای « حصر » خواهد بود یعنی فقط خدا و رسول خدا و کسانی که ایمان آورده اند و نماز می خوانند و در حال رکوع زکات می دهند ولی ، و سرپرست شما می باشند .

کلمه ( ولی ) را در آیه نمی توان به معنای دوست و ناصر گرفت زیرا دوستی و یاری کردن مخصوص کسانی نیست که در حال رکوع زکات بدهند بلکه دستور است که همه مسلمانان یکدیگر را دوست بدارند و یار و یاور همدیگر باشند خواه زکات بر آنها واجب باشد یا خیر و خواه زکات را در حال نماز و رکوع پردازند یا در حال دیگر .

پس معلوم می شود که مراد از ( ولی ) در این آیه شریفه به معنای سرپرستی و امامت و رهبری در امور مادی و معنوی است خصوصاً اینکه ولایت کسانی که در نماز و در حال رکوع زکات می دهند در ردیف ولایت خدا و رسول خدا قرار گرفته است که قرآن با صراحت در رابطه با پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) و ولایت ایشان می فرماید ( **النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ** )<sup>(1)</sup> ( پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است » ، و بالاخره می نگریم که ولایت خداوند و پیامبر ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) و کسانی که در نماز و در حال رکوع زکات می دهند در یک کلمه ( **وَلِيُّكُمْ** ) و با یک تعبیر اداء شده بنابر این آیه شریفه با بیانی صریح و روشن

---

۱ احزاب : ۶ .

دلالت می کند بر ولایت و امامت گروه و یا فرد خاصی که در حال رکوع نماز خود ، زکات پرداخته و صدقه داده است .

## کسی که در حال رکوع نماز صدقه داده کیست ؟

عالم بزرگ و دانشمند فرزانه سید شرف الدین در کتاب گران سنگ خود ( المراجعات ) می نویسد ، ( ۱ )  
روایات متواتر از ائمه طاهرین داریم که آیه در حق علی ( علیه السلام ) نازل شده و نیز عده ای از بزرگان  
اهل سنت در کتاب های خود روایاتی نقل نموده اند که دلالت می کند براین که : نزول آیه مربوط به علی (  
علیه السلام ) می باشد و این موضوع در صحیح نسائی و اسباب النزول امام واحدی و مسند ابن مردویه و  
کنز العمال نقل شده و این روایات به قدری مشهور است که عده ای از علماء اهل سنت مانند امام قوشجی  
در مبحث امامت شرح تجرید می گوید : اجماع داریم براین که آیه ( **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** ) . . . در حق  
علی بن ابی طالب ( علیه السلام ) نازل شده است .

سپس سید شرف الدین از تفسیر کبیر امام ثعلبی - که از جایگاه بسیار بالائی در نزد اهل سنت برخوردار  
است - روایتی را که ایشان در ذیل آیه ( **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** ) . . . از اباذر غفاری نقل نموده ، نقل می نماید :

ابوذر می گوید مطلبی را از رسول خدا ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) شنیدم و شاهد بودم که اگر دروغ بگویم هر  
دو گوشم کر باد و هر دو چشمم کور باد ، حضرت فرمودند « : **عَلِيٌّ قَائِدُ الْبَرَّةِ وَقَاتِلُ الْكُفْرَةِ مَنصُورٌ**  
**مَنْ نَصَرَهُ مَخْذُولٌ مِّنْ حَذَلِهِ** . » علی ( علیه السلام ) پیشوای نیکو کاران و کشنده کافران است هر کس او  
را یاری کند خدا یاریش خواهد کرد و هر کس دست از یاریش بردارد خدا دست از یاری او برخواهد داشت .

سپس ابوذر اضافه کرد : ای مردم ، روزی با رسول خدا ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) در مسجد نماز می خواندم ،  
سائلی وارد شد و از مردم تقاضای کمک کرد ، چیزی به او داده نشد ، دست به آسمان بلند کرد و عرضه  
داشت : خداوندا ! در مسجد رسول تو کمک خواستم ، کسی

---

. المراجعات : ص ۱۶۲

جوابم را نداد در همین حال علی ( علیه السلام ) که در حال رکوع نماز بود با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد ، سائل نزدیک آمد و انگشتر را از دست آن حضرت بیرون آورد ، در این هنگام پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت : خداوندا ! برادرم موسی از تو خواست که به او شرح صدر بدهی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبانش بگشائی تا مردم گفتارش را بفهمند و نیز تقاضا کرد که برادرش هارون را وزیر و یاورش قرار دهی و بهوسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی<sup>(1)</sup> و خواسته های او را عطا کردی ، خداوندا من محمد برگزیده توام ، سینه مرا گشاده و کارها را بر من آسان ساز ، و از خاندانم ، علی ( علیه السلام ) را وزیر من گردان تا بهوسیله او پشتم قوی و محکم گردد .

ابوذر می گوید : هنوز دعای پیامبر ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و آیه ( :  
إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا ) . . . را بر حضرت خواند<sup>(2)</sup> .

کمتر آیه ای در قرآن وجود دارد که در رابطه با شأن نزول آن ، این همه روایات از شیعه و سنی نقل شده باشد ، تاجائی که فقط از کتاب غایه المرام<sup>(3)</sup> تعداد ۲۴ حدیث در این باره از طریق اهل تسنن و ۱۹ حدیث از طریق شیعه نقل می نماید .

آیا می توان این همه روایات را نادیده گرفت ؟ حال آن که معمولاً مفسرین شیعه و سنی در شأن نزول آیات به یک و یا دو روایت بسنده می کنند .

بنابر این ، آیه ( إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ ) . . . یکی از آیاتی است که به طور روشن و قطعی ، دلالت بر ولایت و امامت علی ( علیه السلام ) می کند و به عبارت دیگر این آیه به وضوح اهمیّت

---

۱. مراجعه شود به سوره طه از آیه ۲۵ تا آیه ۳۶ .

۲. علامه امینی در جلد ۲ الغدیر ص ۵۲ نام بیست نفر از بزرگان و مشاهیر اهل سنت را می برد که نزول

آیه ( انما ولیکم الله ) . . . را مربوط به علی ( علیه السلام ) می دانند و عده ای از این بیست نفر روایت

ابوذر را که در بالا نقل شده آورده اند ، برای اطلاع از نام آنها و کتاب های آنها با ذکر صفحات و خصوصیات دیگر به کتاب مذکور مراجعه شود .

در تفسیر نمونه ج ۴ ص ۴۲۵ آمده ، کتاب های معروفی که این حدیث در آن نقل شده از سی کتاب تجاوز می کند که همه از منابع اهل تسنن است که مقداری از آنها را با ذکر صفحات نقل می نماید .  
۳تألیف سید هاشم بحرانی متوفی ۱۱۰۷ هجری .

---

## 54

---

امامت و خلافت را بعد از رسول خدا ( **صلی الله علیه وآله** ) می رساند و نیز دلالت کامل دارد که باید مسئله رهبری امت اسلامی از جانب خداوند متعال تعیین گردد .

آری این مسئله به قدری روشن و آشکار بوده که حسان بن ثابت آن شاعر معروف در عصر پیامبر ( **صلی الله علیه وآله** ) واقع را به شعر درآورده و می گوید : بهترین و عالی ترین ولایت را خداوند متعال برای علی ( **علیه السلام** ) اعلان نموده است .

فَأَنْتَ الَّذِي أُعْطِيتَ إِذْ كُنْتَ رَاكِعًا \* \* \* زَكَةً فَدَنَّتْ النَّفْسُ يَا خَيْرَ رَاكِعٍ

فَأَنْزَلَ فَيْكَ اللَّهُ خَيْرَ وَلِيَّةٍ \* \* \* وَبَيْنَهَا فِي مُحْكَمَاتِ الشَّرَائِعِ (1)

یعنی تو بودی که در حال رکوع زکات دادی ، جان به فدای تو باد ای بهترین رکوع کنندگان ! به دنبال آن خداوند بهترین ولایت را درباره تو نازل نمود و در ضمن قرآن و آیات ، آن را به ثبت رساند .

### نتیجه گیری

از این بحث کوتاه و مختصر معلوم شد که اولاً خداوند متعال در نصب امام و رهبری که بتواند همچون رسول خدا عهده دار رهبری و جواب گوی مسائل دینی و دنیوی و اخروی همگان باشد ، اقدام نموده و چنین کسی را معین کرده است .

ثانیاً اعلان و ابلاغ آن را با رسالت برابر دانسته و ثالثاً به او ولایتی هم طراز با ولایت خود و رسولش داده است .

با توجه به اهمیت فوق العاده امامت و رهبری در جامعه بشری و تأثیر آن در سراسر زندگی مادی و معنوی همگان ، و معرفی فردی که لیاقت جانشینی پیامبر ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) را داشته باشد هم در تصدی و اداره حکومت اسلامی و هم در جواب گوئی به احتیاجات دینی آنها ، قطعاً تعیین چنین فردی منحصر به زمان خاصی مثل زمان حیات علی بن ابیطالب ( **عَلَيْهِ السَّلَام** ) نمی شود بلکه باید تعیین چنین امامی برای هر عصری از أعصار تا انقراض کاروان

---

. اعلانه امینی در الغدير جلد ۲ ص ۵۹ این اشعار حسان را از خطیب خوارزمی و شیخ الإسلام حمّونبی و گنجی و سبط بن جوزی و جمال الدین زرندی که از علمای اهل سنت می باشند نقل می نماید .

بشریت ، از جانب خداوند انجام شود . بیان نام و ویژگی های آن امامان راستین ، به عهده رسول خدا ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) گذارده شده ، چنان که تفصیل مسائل دیگر از قبیل نماز و روزه و حج و زکات و نیز تفصیل بعضی از مسائل اعتقادی از قبیل حال محتضر و سؤال در قبر و خصوصیات و مواقف قیامت و ... به عهده رسول خدا ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) گذارده شده است . و پیامبر عظیم الشان همان گونه که به امامت و خلافت علی بن ابی طالب ( **عَلَيْهِ السَّلَام** ) تصریح نموده ، در ضمن روایات فراوان و کلمات خویش بارها تعداد و حتی نام و خصوصیات جانشینان خود را برای تمامی زمان ها بیان نموده که در بحث روائی به آنها اشاره خواهیم کرد .

بنابراین قرآن پیروان خود را باصراحت به یک امام و رهبر صالح که دارای ولایت از جانب خداوند باشد ارجاع می دهد و گاهی از آنان به اهل ذکر و صادقین و گاهی اهل بیت و ذوی القربی و گاهی راسخین در علم و ... تعبیر نموده است .

قرآن کریم به اندازه ای مسأله امامت را با اهمیت شمرده که علامه طباطبائی ( قدس سره ) در ذیل آیه ( **إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ** ) ، «<sup>(1)</sup> این قرآن به راهی که استوارترین راههاست هدایت می کند » در بحث روائی در مقام تفسیر آیه دو روایت نقل می کند که در یکی آمده ( **يَهْدِي إِلَى الْوَلَايَةِ** ) و در دیگری آمده ( **يَهْدِي إِلَى الْإِمَامِ** )<sup>(2)</sup> یعنی قرآن پیروان خود را به سوی امامت و ولایت راهنمائی می کند .

یکی از روش هایی که قرآن برای معرفی امامان صالح و شایسته اتخاذ نموده و مردم را به سوی آنها هدایت کرده این است که به پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) می فرماید : « بگو من اجرت و پاداشی برای رسالتم از شما درخواست نمی کنم ، جز دوست داشتن نزدیکان و اهل بیتم » ( **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى** )<sup>(3)</sup> .

و در سوره فرقان می فرماید ( **قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا** ) « بگو من در مقابل ابلاغ دین و رسالت هیچگونه پاداشی از شما نمی طلبم مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند » .

---

1. اسراء: ۹ .

2. المیزان: ج ۱۳ ، ص ۷۴ .

3. شوری: ۲۳ .

این دو آیه در کنار هم به روشنی بیان می کند که راهی به سوی خدا و دین و حقیقت نیست مگر به پیروی از ذوی القربی که همان اهل بیت رسول خدا می باشند ) . **هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ** .

در این رابطه روایات فراوان نقل شده است و علمای بزرگ کتاب های ارزنده ای در این رابطه تالیف کرده اند از جمله احادیث ثقلین و سفینه و طیر و منزلت و این که علی نفس رسول الله ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) (وصی حضرت و اعلم امت و افضی الناس و ... است .

## تعداد امامان و اسامی آنها

تعداد امامان بحق و معصوم در روایات فراوان نقل شده است . فقط روایاتی که تعداد امامان و خلفای رسول خدا ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) را دوازده نفر می داند . ۲۷۱ حدیث است که بخشی از این روایات از کتاب های صحیح بخاری و صحیح ترمذی و صحیح مسلم و صحیح ابی داود و مسند احمد و دیگر کتاب های معتبر اهل سنت نقل شده است . تنها احمد حنبل این روایات را از ۳۴ طریق نقل می کند ، اینک به یک روایت که از صحیح بخاری نقل شده توجه نمائید :

... . جابر بن سمره قال سمعت النبی ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) يقول : **يَكُونُ اثْنِي عَشَرَ أَمِيرًا** ، فَقَالَ **كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا** فَقَالَ أَبِي : **إِنَّهُ قَالَ : كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ** . جابر می گوید : از پیامبر ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) شنیدم که فرمود : دوازده امیر خواهد آمد و سپس کلمه ای را گفتند که من نشنیدم ، پدرم به من گفت : حضرت فرمودند : تماماً از قریش خواهند بود .

و نیز ۴۰ حدیث نقل شده که عدد ائمه را با عدد نقباء بنی اسرائیل و حواریین عیسی ( علیه السلام ) منطبق کرده که عدد آنها نیز دوازده بود .

این مقدار روایات که از حدّ تواتر نیز می گذرد دلیل بارز و روشنی است بر حقانیت مذهب شیعه اثنی عشریه ، چون عدد ۱۲ با عقیده هیچ یک از فرق اسلامی قابل انطباق نیست ، خصوصاً این که در برخی از این روایات آمده اینها از قریش هستند و در برخی

همچنین ۱۳۳ روایت دلالت می کند براینکه ائمه دوازده نفرند و نخستین آنها علی بن ابیطالب ( علیه السلام ) است ، در ینابیع المودّه تالیف شیخ سلیمان بلخی قندوزی حنفی از علماء عامه چنین نقل شده است : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي حَرِيْبَكَ حَرِيْبِي وَسَلْمِكَ سَلْمِي وَأَنْتَ الْإِمَامُ وَأَبُو الْأَئِمَّةِ الْأَحَدِي عَشَرَ الَّذِينَ هُمُ الْمُطَهَّرُونَ الْمَعْصُومُونَ وَمِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا . رسول خدا ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) فرمود : ای علی تو وصی من هستی ، جنگ تو به منزله جنگ من است ، سلم تو به منزله سازش من است و تو امام و پدر یازده امام هستی که آنها از طهارت و عصمت برخوردارند و یکی از آنها مهدی است که زمین را از قسط و عدل پرخواهد کرد .

و نیز ۹۱ حدیث دلالت می کند بر این که ائمه دوازده نفرند اوّل آنها علی ( علیه السلام ) و آخر آنها مهدی عجل الله فرجه الشریف است .

در کمال الدین شیخ صدوق آمده است : امام سجاد ( علیه السلام ) از پدرش و ایشان از جدّش نقل می کند که رسول خدا ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) فرمود : الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ عَلِيٌّ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ . . . امامان دوازده نفرند ، اولی آنها تو هستی یا علی ، و آخر ایشان قائم .

همچنین در ۹۴ حدیث ، فقط آخرین حلقه از این سلسله را بیان نموده و چنین فرموده است : آخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ .

از مناقب ابن شهر آشوب نقل شده که امام صادق ( علیه السلام ) می فرماید : قَالَ النَّبِيُّ ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقِي وَمِيثَاقَ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا بَعْدِي وَهُمْ حُجَجُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ ، الثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِّتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا . پیامبر ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) فرمود : خداوند متعال از من و دوازده امام بعد از من ميثاق و عهد گرفته ( که به شرائط رسالت و امامت عمل کنند ) و اینها حجت های الهی بر خلق هستند دوازدهمین آنها قائم است که زمین را بعد از ظلم و جور ، پر از قسط و عدل می کند .

120 حدیث نیز دلالت می کند که ائمه دوازده نفرند و رسول خدا ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) تا امام حسین (

علیه السلام ) را اسم برده و سپس فرموده : نه نفر دیگر از فرزندان حسین ( علیه السلام ) خواهند بود .



در کفایة الأثر آمده است : عبدالله بن عباس قال سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) يَقُولُ : أَنَا وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَنِسْعَةُ مِنْ وَوَلَدِ الْحَسَنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ .

107 حدیث دیگر نیز همانند احادیث قبل است و می افزاید که نهمین فرزند امام حسین ( علیه السلام ) ، قائم و مهدی آنها است .

در کشف الیقین علامه حلی به نقل از مسند احمد حنبل نقل شده که پیامبر اکرم ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) به امام حسین ( علیه السلام ) فرمود : هَذَا ابْنِي إِمَامٌ ، أَحْوَامٌ ، أَبَوَاتُهُ تِسْعَةٌ ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ . این حسین فرزندی ، امام است و برادر امام است و پدر نه نفر از امامان است که نهمین آنان قائم است .

در ۱۸۵ حدیث آمده که مهدی از نسل علی بن الحسین ( علیه السلام ) است .

و در ۱۰۳ حدیث آمده که مهدی از نسل امام باقر ( علیه السلام ) است .

و نیز در ۱۰۳ حدیث آمده که مهدی از نسل امام صادق ( علیه السلام ) است و ۹۹ حدیث می گوید که او ششمین فرزند امام صادق ( علیه السلام ) است .

همچنین در ۱۰۱ حدیث آمده که مهدی از نسل امام کاظم ( علیه السلام ) است و ۹۸ حدیث می گوید که او پنجمین فرزند امام کاظم ( علیه السلام ) است .

95 حدیث مهدی را از فرزندان علی بن موسی الرضا ( علیه السلام ) می داند .

90 حدیث مهدی را سومین فرزند امام جواد ( علیه السلام ) شمرده است .

و در ۹۰ حدیث آمده که مهدی از فرزندان امام هادی ( علیه السلام ) است .

و بنا برنقل ۱۴۸ حدیث ، مهدی فرزند امام عسکری است .

و قابل توجه این که در پنجاه حدیث نام تمامی این دوازده نفر نقل شده است و ما به ذکر یک روایت بسنده می کنیم .

. . . جابر بن عبدالله انصاری می گوید وقتی آیه ( **أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** ) نازل شد به پیامبر ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) عرض کردم : خدا و رسول را می شناسیم ، این اولی الامر که طاعت اینها قرین طاعت خدا و رسولش قرار گرفته چه کسانی هستند ؟ حضرت فرمود : اینها خلفاء من و ائمه مسلمین خواهند بود اول آنها علی بن ابی طالب بعد حسن بعد حسین بعد علی بن الحسین بعد محمد بن علی که در تورات معروف است به باقر و تو او را خواهی دید و سلام من را به ایشان برسان ، بعد جعفر بن محمد الصادق و

بعد موسی بن جعفر و بعد علی بن موسی و بعد محمد بن علی و بعد علی بن محمد و بعد حسن بن علی و بعد فرزند حسن بن علی - صلوات الله عليهم اجمعين - آن که نام او نام من و کنیه او کنیه من است و بعد از غیبتی به دست او مشرق و مغرب زمین فتح خواهد شد (1) . . . .

نکاتی که از این احادیث استفاده می شود :

**اولاً :** این احادیث با این کثرت بیانگر یک غیب گوئی و معجزه از رسول خدا ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) است که تا حدود ۲۵۰ سال بعد از خود را بیان نموده است .

**ثانیاً :** اینکه حضرت فرمودند : خلفاء من دوازده نفرند این عقیده و مذهب ، با عقائد هیچ یک از فرق اسلامی جز مذهب امامیه اثنا عشریه قابل انطباق نیست .

زیرا اهل سنت معمولاً اکتفاء می کنند بر خلفاء چهارگانه ( یعنی ابابکر و عمر و عثمان و علی ) و اگر بخواهند خلفاء بنی امیه را بر آن ها بیفزایند بیش از دوازده نفر می شوند (2) و اگر بخواهند با خلفاء بنی العباس منطبق کنند که خلافت آنها با عصر رسول خدا ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) فاصله داشته و عددشان بیش از سی نفر است .

از آنجا که این روایات در مقابل چشم علماء و محدثین بوده و نخواستند اعتراف به حق کنند و یا مرعوب ساخته های ذهنی خود بودند با تشویش خاطر دست به تاویلاتی خنده آور زده اند ، مثلاً قاضی عیاض دوازده نفر را منطبق نموده با ابابکر و عمر و عثمان و علی ( علیه السلام ) و معاویه و یزید بن معاویه و عبدالملک مروان و چهار فرزندان او یعنی ولید ، سلیمان ، یزید ، هشام و دوازدهمین را با ولید بن یزید بن عبدالملک منطبق نموده و مدعی شده که در زمان خلافت این گروه مسلمانان اجتماع بر خلافت آنها داشته و اسلام در عزت بسر می برده است .

و ابن حجر هم کلام قاضی عیاض را بهترین توجیه برای این روایات دانسته است (3) .

---

1 آنچه از تعداد امامان تا اینجا ذکر شد تماماً از کتاب شریف و ارجمند منتخب الأثر نقل شده که تالیف عالم جلیل القدر حضرت آیت الله صافی گلپایگانی مد ظلّه العالی است .

2 زیرا از معاویه تا مروان بن محمد بن مروان بن حکم که آخرین خلیفه این سلسله بود چهارده نفر می شوند که با چهار خلیفه مجموعاً هیجده نفر خواهند شد .

3 منتخب الأثر : ص ۱۸ ، پاورقی .

این افراد خواسته اند یک عدد دوازده ای درست کنند و دانسته یا نادانسته ، از این نکته غافل شدند که در این روایات دوازده نفر را از قریش و بلکه از بنی هاشم معرفی می کند و نیز در مقام مدح و تجلیل از آن دوازده نفر آنها را تشبیه به نقباء بنی اسرائیل و حواریین عیسی کرده است . آیا می توان این افراد را با معاویه منطبق کرد که در مقابل علی ایستاد و آن همه خونریزی کرد ؟ و آیا می توان با یزید منطبق کرد که ریحانه رسول خدا ( صلی الله علیه وآله ) و یارانش را آن گونه به قتل رساند ؟ و آیا می توان عبدالملک را خلیفه رسول خدا دانست که شخصی مثل حجاج را والی و حاکم بر مسلمین کرد ؟

و بالاخره آیا می توان ولید بن یزید بن عبدالملک را خلیفه رسول خدا دانست که مبالغه در شرب خمر می کرد حتی اراده کرد به حج برود و بالای بام کعبه شراب بخورد و به قدری مرتکب محرمات شد که مردم با او دشمن شدند .

نقل شده که تفالی به قرآن زد و قرآن را باز کرد تا از آینده خود آگاه شود این آیه آمد ( **وَ اسْتَغْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ** ) قرآن را هدف تیر قرار داد و آن را پاره کرد و سپس این اشعار را خواند :

تَهْدِدُنِي بِجَبَّارٍ عَنِيدٍ \* \* \* فَهَا أَنَا ذَاكَ جَبَّارٌ عَنِيدٌ

إِذَا مَا جِئْتَ رَبِّكَ يَوْمَ حَشْرٍ \* \* \* فَقُلْ يَا رَبِّ مَزَقْنِي الْوَلِيدَ (1)

و بعد از این جسارت علنی به قرآن ، زیاد زنده نماند و به درک واصل شد . آیا در زمان خلافت اینها اسلام عزیز بود و مسلمانان همگی آنها را قبول داشتند ؟ چنان که ملاحظه کردیم ، نام دوازده نفر در روایات به انحاء مختلف ذکر شده و هرگز قابل انطباق با دیگران نیست ، ( **فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ** ) .

**ثالثاً :** از این روایات استفاده می شود که آن فرقه ناجیه در میان فرق اسلامی که معروف است و وارد شده است که امت اسلامی ۷۳ فرقه می شوند و یک فرقه آن ها اهل نجاتند ، غیر از فرقه ناجیه اثنا عشریه نخواهد بود .

---

. اِتِّمَّةُ الْمُنْتَهَى ص ۹۱ .

**رابعاً :** اگر این روایات را ضمیمه کنیم به روایت متفق علیه ، ثقلین و نیز روایت سفینه و آیه شریفه ( **يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ** ) معلوم می گردد که خلافت این دوازده نفر تا آخر دنیا برقرار است و هرگز زمانی نخواهیم داشت که اهل بیت در کنار قرآن نباشند و یا کشتی نجات امت از حرکت باز بماند .

**خامساً :** این روایات فراوان دلالت دارد که نام و اسم حضرت مهدی از زمان رسول خدا و ائمه اطهار تا زمان ولادتش بر سر زبان ها بوده و تمامی ائمه بدون استثناء از حضرت مهدی نام برده و درباره ایشان سخن گفته اند (1) .

### روایات در خصوص حضرت مهدی ( علیه السلام )

روایات در مورد مهدی موعود ( علیه السلام ) و خصوصیات ایشان مثل روایاتی که در رابطه با ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف وارد شده و در رابطه با اسم مهدی ، شمایل مهدی ، غیبت مهدی ، وقایعی که قبل از ظهور در عالم واقع می شود - بعد از ظهور دنیا را پر از عدل و قسط خواهد کرد - زهد و عدالت حضرت - نزول عیسی ( علیه السلام ) از آسمان - فضل و ثواب انتظار حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف ، تکالیف شیعه در زمان غیبت ، محدثین شیعه و سنی احادیث بسیاری نقل نموده اند . به عنوان مثال فقط 318 حدیث در بیان طول عمر حضرت و ۶۵۷ حدیث در بشارت به ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف وارد شده ( 2 ) و بیش از ۳۰۰ روایات دلالت دارد بر این که وقتی ظلم سرتاسر جهان را گرفت حضرت بقیة الله خواهد آمد و جهان را زیر لوای عدل

---

1. مراجعه شود به کتاب دادگستر جهان تالیف آیت الله امینی از ص ۵۵ به بعد که از هر یک از ائمه روایتی در این رابطه نقل نموده .

احادیث حضرت مهدی در کتاب مسند حنبل متوفای ۲۴۱ و صحیح بخاری متوفای ۲۵۶ که قبل از تولد حضرت قائم ( علیه السلام ) نوشته شده و نیز در کتاب مشیخه تالیف حسن بن محبوب که از مؤلفان شیعه است و به گفته ، مرحوم طبرسی متجاوز از صد سال قبل از غیبت کبرای امام تالیف شده آمده ( جزوه امام زمان موسسه در راه حق ص ۱۶ ) .

2. منتخب الأثر .

احادیث و اخبار مربوط به آن حضرت آن قدر زیاد است که کمتر موضوعی از مسائل اسلامی به این پایه می رسد و قطعیت این احادیث از نظر شیعه و سنی مسلم است زیرا علاوه بر علمای شیعه ، گروهی از علمای اهل تسنن به تواتر و قطعی بودن آنها تصریح کرده اند که در کتاب نوید آمن و امان اسامی ۱۷ نفر از مشایخ و بزرگان اهل سنت ذکر شده است<sup>(۱)</sup> .

در رساله ارزنده و محققانه ( در راه حق ) مربوط به امام زمان ( علیه السلام ) از صاحب کتاب ( الامام المهدی<sup>(۲)</sup> ) نقل شده است : اگر اخبار رسیده از طریق شیعه و سنی درباره امام مهدی ( علیه السلام ) شماره گردد به بیش از شش هزار روایت بر می خوریم که رقم بسیار بالائی است و حتی در مورد بسیاری از مسائل بدیهی اسلام که مسلمان ها در آنها تردیدی ندارند و مورد قبول همه می باشد ، این مقدار روایت وارد نشده است ، بعید است شخص مسلمانی به قرآن و سنت پیامبر ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) و کلمات و روایات حضرت ختمی مرتبت مؤمن و معتقد باشد و با وجود این همه روایات در رابطه با حضرت مهدی ( علیه السلام ) فرزند امام حسن عسکری ( علیه السلام ) تردید کند خصوصاً که دلیل قاطع و محکم عقلی نیز بر لزوم حجت خدا وجود دارد .

(إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ<sup>(۳)</sup> ) .

در اینجا به دو شاهد تاریخی در این رابطه اشاره می کنیم :

**نخست** ، شعرای بزرگی که قبل از ولادت حضرت مهدی ( علیه السلام ) در این رابطه شعر گفتند .

**دوم** : سوء استفاده هایی که از نام ( مهدی ) قبل از ولادت حضرت شده و یا کسانی که به اشتباه محمد حنفیه را مهدی موعود می دانستند .

این شواهد تاریخی تماماً گویای این مطلب است که نام ( مهدی ) در عصر پیامبر و

---

۱. امامت و مهدویت : ج ۲ ، ص ۳۰۷ .

۲. جزوه امام زمان انتشارات مؤسسه در راه حق ص ۱۷ .

دوران ائمه زیاد بر سر زبان ها بود و نیز موضوع مهدی موعود از یک اصالت ویژه برخوردار می باشد .

از جمله شعرایی که قبل از ولادت حضرت مهدی درباره ایشان شعر سروده اند ، اسماعیل حمیری ( متوفای ۱۷۳ هـ . ق ) که می گوید :

وَأَشْهَدُ رَبِّي أَنَّ قَوْلَكَ حُجَّةٌ \* \* \* عَلَى الْخَلْقِ طَرّاً مِنْ مُطِيعٍ وَمَذْنِبٍ

بِأَنَّ وِلِيَّ الْأَمْرِ وَالْقَائِمَ الَّذِي \* \* \* تَطَّلَعَ نَفْسِي نَحْوَهُ بِتَطَرُّبٍ

لَهُ غَيْبَةً لَا بَدَّ مِنْ أَنْ يَغِيْبَهَا \* \* \* فَصَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُ مِنْ مُتَعَيِّبٍ

فَيَمُكِّتُ حِينَئِذٍ يَظْهَرُ حِينَهُ \* \* \* فَيَمْلَأُ عَدْلًا كُلَّ شَرْقٍ وَمَغْرَبٍ

پروردگارم را گواه می گیرم که قول تو ( ای امام صادق ) بر همه خلق چه مطیع و چه گنه کار حجت است که فرمودی : ولی امر و قائمی که جانم مشتاق او است ، غیبتی دارد که بدون تردید غائب خواهد شد ، درود الهی بر آن شخص غائب باد ، مدتی در پس پرده غیبت می ماند و سپس ظهور می کند و شرق و غرب جهان را پر از عدل و داد می کند (۱) .

و نیز کمیت ، شاعر مبارز و نستوه شیعی ( متوفای ۱۲۶ هجری قمری ) شعری در مورد امام موعود در محضر امام باقر ( علیه السلام ) سرود و از زمان قیام آن گرامی سؤال نمود :

مَتَى يَقُومُ الْحَقُّ فَيَكْمُ مَتَى \* \* \* يَقُومُ مَهْدِيْكُمْ الثَّانِي (۲)

چه وقتی حق قیام می کند و بالاخره چه وقتی مهدی شما اهل بیت یعنی امام

1. الغدير : ج ۲ ، ص ۲۴۶ و از کمال الدین صدوق نقل می کند که سید حمیری در امر غیبت ، گمراه بود و معتقد به غیبت محمد حنفیه بود ( و مذهب کیسانیه داشت ) با امام صادق ( علیه السلام ) ملاقات کرد و علائم امامت و وصایت را در ایشان مشاهده کرد و از مسئله غیبت سؤال کرد ، حضرت فرمود : آن غائب ، دوازدهمین از ائمه است محمد حنفیه از دنیا رفته و پدرم امام باقر ( علیه السلام ) شاهد دفن او بود ، سید مستبصر شد و اشعاری سروده که برخی از آنها ابیات فوق است که خطاب به امام صادق ( علیه السلام ) می کند و می گوید و اشهد ربی ان قولک حجة . . .

2. الغدير : ج ۲ ، ص ۲۰۲ مراد از ( الثانی ) همان ثانی عشر است و اینکه ( الثانی آورده ) برای حفظ قافیه شعری است چون ابیات قبل با ( یاء ) ختم شده در مطلع ابیات خود می گوید :

أضحكنی الدهر وابکانی \* \* \* والدهر ذو صرف والوان

64

ثانی عشر قیام می نماید و ظهور می کند ؟

قصیده دعبل خزاعی آن شاعر توانا ، در محضر حضرت ثامن الحجج ( علیه السلام ) معروف و مشهور است :

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ \* \* \* يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ \* \* \* وَيَجْزِي عَلَى النِّعَمِ وَالنَّقِمَاتِ (1)

خروج و ظهور امامی که با مدد الهی حرکت خواهد کرد و حق را از باطل جدا خواهد نمود حتمی است .

ملاحظه می کنید که شعراء چگونه قبل از ولادت حضرت راجع به حضرت مهدی و آثار و برکات وجودی او سخن گفته اند و این تنها به جهت فراوانی روایات که در این رابطه در دست آنها بوده است قابل توجیه می باشد .

و نیز همین کثرت روایات باعث شد که قبل از ولادت حضرت مهدی بعضی به دروغ نام ( مهدی ) بر خود بگذارند و ادعای مهدویت کنند و یا بعضی را به اشتباه مهدی غائب بدانند .



## نگاهی به مفاد حدیث ثقلین

تا اینجا با برخی از روایات مربوط به حضرت مهدی ( علیه السلام ) آشنا شدیم و دانستیم که بخش عظیمی از آنها را اهل سنت نیز نقل نموده اند و این روایات دلالت می کنند که اولاً هرگز قافله بشریت خالی از حجت نمی ماند ، ثانیاً امروز حجت خدا وجود نازنین حضرت مهدی ( علیه السلام ) است و ثالثاً وجود ایشان در پشت پرده منشاء بسیاری از خیرات و برکات و بلکه هدایت ها و ارشادات است که شرح آن در بحث فایده وجود امام در زمان غیبت خواهد آمد و از این گذشته بحثی از جنبه دلیل عقلی مطرح شد و دانستیم جهان خلقت بدون امام و حجت خدا عبث و بی هدف می باشد .

---

1. الغدير : ج ۲ ، ص ۳۶۰

می توانیم از حدیث ثقلین نیز برای اثبات وجود حجت خدا در هر عصر و زمانی الهام بگیریم و به آن استناد بجوئیم ، و این حدیث شریف را به عنوان یک دلیل قاطع برای وجود امام و حجت الهی در هر عصر و زمانی در مقابل تمامی فرق اسلامی ارائه دهیم زیرا این حدیث را بسیاری از بزرگان اهل سنت نقل کرده اند به طوری که احتمال داده نمی شود کسی از مسلمانان این حدیث را نپذیرد (1) .

پیامبر اکرم ( صلی الله علیه وآله ) می فرماید : من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم اگر به آنها تمسک نمائید هرگز بعد از من گمراه نمی شوید . کتاب خدا و اهل بیت من و این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض ، بر من وارد شوند حضرت این مضمون را در روز عرفه و مسجد خیف و حجة الوداع و لحظات آخر عمر بر منبر ایراد فرمودند .

از این حدیث شریف و کلام گران سنگ حضرت ختمی مرتبت چنین برداشت می شود : همان گونه که قرآن در کنار قافله بشریت باقی می ماند و خداوند آن را حفظ خواهد کرد . اهل بیت نیز با این قافله همراه خواهد بود تا روزی که حتی یک فرد از انسانها باقی است . این حدیث شریف با داشتن قرائن و شواهد روشن ، هم چون دلیل عقلی و صدها و بلکه هزاران روایت در رابطه با لزوم حجت و بقاء آن و تعیین نام و مشخصات آن

هرگز قابل اغماض نیست و هر منصفی را وادار می کند که در کنار قرآن ، به حجت خدا که از اهل بیت رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) است ، ایمان آورد .

---

1 . در کتاب مهدی کیست ترجمه کتاب من هو المهدی ص ۱۲ حدیث ثقلین را از بزرگان اهل سنت با نام

کتاب و نشانه صفحه نقل کرده که در اینجا بطور فهرست و آماری به بخشی از آن اشاره می کنیم :

به ۶۵ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از زید بن ارقم نقل نموده اند .

به ۷ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از حذیفه نقل نموده اند .

به ۱۸ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از جابر نقل نموده اند .

به ۱۰ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از زید بن ثابت نقل نموده اند .

به ۸ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از علی ( علیه السلام ) نقل نموده اند .

به ۱۵ کتاب اهل سنت اشاره می کند که حدیث را از ابو سعید نقل نموده اند .

و نیز از فاطمه زهراء ( علیها السلام ) و حمزه اسلمی و ابن عباس و ابوذر و ام سلمه و ابو هریره و دیگران نیز نقل نموده اند .

### حدیث ثقلین از دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبائی ( قدس سره ) از حدیث ثقلین نکاتی را استنباط کرده که باقی ماندن عترت پیغمبر تا روز قیامت همانند قرآن در تمامی اعصار و زمان ها یکی از آنهاست .

ایشان می فرماید :

زید بن أرقم از پیغمبر ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) نقل کرده که فرمود : گویا خدا مرا به سوی خویش دعوت نموده باید اجابت کنم ، ولی دو چیز بزرگ و وزین را در بین شما بر جا می گذارم کتاب خدا و اهل بیت ، آگاه باشید که چگونه با آنها رفتار می کنید ، آن دو امر هرگز از هم جدا نخواهد شد تا این که بر کوثر بر من وارد شوند .

حدیث ثقلین از احادیث مسلم و قطعی است که به سندهای بسیار و عبارات مختلفی روایت شده است و سنی و شیعه به صحتش اعتراف و اتفاق دارند ، از این حدیث و امثال آن چند مطلب مهم برداشت می شود .

1- همچنان که قرآن تا قیامت در بین مردم باقی می ماند ، عترت پیغمبر نیز تا قیامت باقی خواهد ماند ، یعنی هیچ زمانی از وجود امام و رهبر حقیقی خالی نمی گردد .

2- پیغمبر اسلام ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) به وسیله این دو امانت بزرگ تمام احتیاجات علمی و دینی مسلمین را تأمین نموده و اهل بیتش را به عنوان مرجع علم و دانش به مسلمین معرفی کرده و اقوال و اعمالشان را معتبر دانسته است .

3- قرآن و اهل بیت نباید از هم جدا شوند و هیچ مسلمانی حق ندارد از علوم اهل بیت اعراض کند و خودش را از ارشاد و هدایت آنان بیرون نماید .

4- مردم اگر از اهل بیت اطاعت کنند و به اقوال آنان تمسک جویند ، گمراه نمی شوند و همیشه حق نزد آنها خواهد بود .

5- جمیع علوم لازم و احتیاجات دینی مردم در نزد اهل بیت موجود است و هر کس از آنها پیروی نماید به گمراهی دچار نمی شود و به سعادت حقیقی نایل می گردد ، یعنی اهل بیت از خطاء و اشتباه معصومند ، از این رو معلوم می شود که مراد از اهل بیت و عترت تمام خویشان و اولاد پیغمبر نیستند بلکه افراد معینی می باشند که از جهت علوم دین ، کامل باشند و خطا و عصیان در ساحت وجودشان راه نداشته باشد تا صلاحیت رهبری

داشته باشند و آنها عبارتند از علی بن ابیطالب و یازده فرزندش که یکی پس از دیگری به امامت منصوب شدند چنانچه در روایات نیز به همین معنا تفسیر شده است (1) .

### یک نکته مهم

پس از اثبات ضرورت وجود حجت ، اینک موقع آن رسیده که به یک سلسله روایاتی که از محدثین شیعه و اهل سنت نقل شده اشاره داشته باشیم از قبیل روایاتی که دلالت می کند براین که اولین خلق الهی نور و وجود حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله ( صلی الله علیه و آله ) بوده و بعضی از این روایات نور حضرت علی ( علیه السلام ) را نیز ضمیمه نور پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) نموده و می گوید این دو نور پیش از همه خلق شده اند (2) .

این روایات به احادیث نور معروف شده که بیانگر اولین مخلوق الهی است همانند اولین پرتو صادره از جرم خورشید آن توده های آتش و شعله های سوزان است که هر جسمی را ذوب می کند ولی در اثر تنزل وطی مسافت - به نور - آفتاب که برای موجودات مخصوصاً نباتات و حیوانات و انسان ها فایده بخش است مبدل می گردد . و تمامی روشنائی ها و فوایدی که آفتاب دارد بر می گردد به آن شعله های اولیه که از جرم خورشید صادر شده گرچه خود آن شعله های اولیه با تمام قدرتی که دارد از جرم خورشید است و استقلالی از خود ندارد .

قبول این سلسله مراتب پذیرفتن همان قانون علیّت و سبب و مسبب است که مورد قبول همه اندیشمندان و فلاسفه می باشد و هیچ برخوردی با مسئله شرک ندارد .

و براین اساس می توان گفت تمام موجودات به طفیل این ذوات مقدسه بوجود آمده و تمامی آنها به وجود ولیّ خدا و قطب عالم امکان محتاجند با اینکه خود این ذوات مقدسه از خود هیچ چیزی ندارند و نسبت به خدای بزرگ فقیر محض می باشند .

2. مراجعه شود به تفسیر روح المعانی: ج ۲۱، ص ۱۳۸ و امامت و مهدویت: ج ۲، ص ۴۵ از بخاری و بیهقی و ابن سعد و طبرانی و دیگران نقل می نماید .

محدث بزرگ شیخ صدوق ( قدس سره ) نقل می کند <sup>(۱)</sup> که پیامبر ( صلی الله علیه وآله ) ( به علی ) علیه السلام ( می فرماید : خداوند انبیاء را بر ملائکه فضیلت داد و من را بر تمامی انبیاء و رسولان فضیلت بخشید و بعد از من این مقام و برتری مخصوص شما و امامان بعد از شما است و سپس فرمودند ) :  **يَا عَلِيُّ لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ )** ( اگر ما نبودیم خداوند ، نه آدم و نه حواء ، نه بهشت و نه جهنم ، نه آسمان و نه زمین را هرگز خلق نمی کرد .

چه زیبا است که این مطلب و مقام والای اهل بیت را ( که تمامی مخلوقات وابسته به خلقت این انوار الهی هستند و نیز بقاء و بر قراری جهان وابسته به وجود آنها است ) از زبان یکی از محدثین بزرگ اهل سنت یعنی جوینی شافعی <sup>(۲)</sup> بشنویم .

ایشان حدیثی را با نقل سلسله سند از امام زین العابدین ( علیه السلام ) نقل می کند که حضرت فرمودند :  **وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَائِمُكُمْ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِنَائِمُكُمْ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبِنَا يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَيَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَيَخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَلَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا .**

خداوند به واسطه ما آسمان را از افتادن به زمین نگه می دارد ( مگر خداوند بر سقوط آن اذن دهد که اراده حق حاکم است ) و به واسطه ما زمین را از اضطراب حفظ نموده و به واسطه ما باران را نازل می کند و رحمت خود را منتشر می نماید و برکات زمین را بیرون می آورد و چنانچه زمین از وجود ما خالی گردد ، اهل خود را فرو می برد .

مولای متقیان علی بن ابیطالب ( علیه السلام ) می فرماید :  **فَإِنَّا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا ،** <sup>(۳)</sup> ما تربیت یافتگان پروردگاران هستیم و مردم تربیت یافتگان ما هستند .

نتیجه گیری از این دسته روایات

روایاتی که دلالت می کند بر اینکه نور وجود حضرت ختمی مرتبت و پسر عم او

1. کمال الدین: ج ۱، باب ۲۳، حدیث ۴ .

2. امامت و مهدویت: ج ۲، ص ۲۸ به نقل از جوینی متوفای ۷۳۰ در کتابش فرائد السبطين: ج ۱۱، ص ۴۵ .

3. نهج البلاغه: نامه ۲۸ .

علی بن ابیطالب ( علیه السلام ) اولین مخلوق بود و نیز خلقت پیامبر اکرم ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) و اهل بیت پاک او قبل از خلقت عالم بوده و مخلوقات تماماً وابسته به وجود این ذوات مقدسه هستند بسیار است که هم از محدثین اهل سنت از قبیل تاریخ ابن عساکر ، فرائد السمطين ، سیوطی و ... نقل شده و هم از محدثین بزرگوار شیعه از قبیل کلینی و صدوق و دیگران و اگر کسی بخواهد از تواتر این اخبار آگاه شود می تواند به کتاب عیقات مراجعه کند .

مخفی نماند که در کتاب فرائد السمطين جوینی شافعی این عالم معروف و مشهور اهل سنت ، بعضی از احادیث مبشّره به حضرت مهدی ( علیه السلام ) را روایت کرده است و در مقام مدح آن حضرت در دیباچه کتاب می گوید :

الْحُجَّةُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ ، الْعَارِفُ بِحَقَائِقِ مَا صَدَرَ مِنَ الْكَافِ وَالنُّونِ ، الْمُحِيطُ عِلْمًا بِدَقَائِقِ مَا جَرَى بِهِ الْقَلَمُ  
وَنَفَثَ بِهِ النُّونُ ، سُبْحَانَهُ مِنْ لَطِيفِ خَبِيرٍ رَزَعَ فِي أَرَاضِي الْإِبْجَادِ وَالتَّكْوِينِ جَنَّةَ الْوَلَايَةِ فَأَخْرَجَ شَطَاها  
بِعَلِيٍّ الْمُرْتَضَى سَيْفِ اللَّهِ لِمَنْتَضَى ، وَأَزْرَهُ بِالْأُمَّةِ الْمُعْصُومِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ أَهْلِ الْهَدَايَةِ وَالتَّقْوَى ، فَاسْتَعْلَظَ  
بِمِيَامِنِ اجْتِهَادِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ، ذَوِي الْمَجَاهِدَاتِ وَالْمُكَاشِفَاتِ الْمُجْدِّينَ فِي قَمْعِ الْهَوَى فَاسْتَوَى  
عَلَى سَوْفِهِ بِالْمَهْدَى الْهَادِي الْمَكِينِ الْأَمِينِ (1) .

ملاحظه می کنید که اگر پیامبر اکرم ( صلی الله علیه وآله ) و اهل بیت پاک او را از این رهگذر بشناسیم ، نحوه شناخت ما و معرفت و عرفان ما نسبت به این خاندان طهارت کاملاً تغییر می کند ، و عوض اینکه در مقام اثبات وجود آنان باشیم خود را و بلکه تمامی موجودات را وابسته به آنان می نگریم و احتیاج خودمان را نسبت به آن ذوات مقدسه نه فقط در جهت هدایت و راه یابی بلکه در تمامی ابعاد وجودی احساس خواهیم کرد و در این موقع است که زمزمه می کنیم و می گوئیم :

از رهگذر خاک سر کوی شما بود \* \* \* هر نافه که بر دست نسیم سحر افتاد

---

۱. وابستگی جهان به امام زمان ( علیه السلام ) : ( ص ۲۸ در پاورقی و اضافه می کند که : این عالم سنی ، یکی از علمای اهل سنت است که معتقد به امامت ائمه اثنی عشر ( علیهم السلام ) است .

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نسیت \* \* \* منت خاک درت بر بصری نیست که نیست

ناظر روی تو صاحب نظرانند ولیک \* \* \* بوی گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

در پایان این گفتار به نقل از امام صادق ( علیه السلام ) می پردازیم (۱) .

فِي الْأَصْلِ كُنَّا نَجُومًا يُسْتَضَاءُ بِنَا \* \* \* وَفِي الْأَبْرِيَّةِ نَحْنُ الْيَوْمَ بُرْهَانُ

نَحْنُ الْأُبْحُورُ الَّتِي فِيهَا لِغَائِصِهَا \* \* \* دُرٌّ ثَمِينٌ وَيَاقُوتٌ وَمَرْجَانُ

مَسَاكِينُ الْخُلْدِ وَالْفَرْدُوسِ نَمَلِكُهَا \* \* \* وَنَحْنُ لِلْخُلْدِ وَالْفَرْدُوسِ خُزَّانُ

مَنْ شَدَّ عَنَّا فَبِرْهُوتِ مَكَائِنِهِ \* \* \* وَمَنْ أَتَانَا فَجَنَّاتٌ وَرِضْوَانُ

ترجمه :

ما ستارگان بودیم که از نور ما بهره مند می شدند و اکنون نیز در این جهان راهنمای گمشدگان می باشیم ، مثل ما مثل آن دریا‌هایی است که غواص های آن از درّهای گران قیمت و یاقوت و مرجان بهر مند می شوند اصولاً جایگاه های عالی هم چون خلد و فردوس در اختیار ما است و ما نسبت به خلد و فردوس نگهبان و مالکیم هر کس که از ما اعراض بکند جایگاهی غیر از برهوت ندارد در عوض هر کس به دنبال ما آید و از ما تبعیت کند جای او بهشت و رضوان خواهد بود .

### خلاصه این گفتار :

بعد از بیان ادله عقلیه در رابطه ضرورت وجود حجّت خدا به بیان ادله نقلیه پرداختیم و ابتدا به مسئله نصب امام و لزوم آن از دیدگاه قرآن وارد شدیم و به چند آیه اشاره کردیم و سپس مقداری پیرامون آیه تبلیغ و آیه ولایت بحث شد و بحمد الله

---

. 1 أعيان الشيعة در بحث حالات و گفتار امام صادق ( عليه السلام ) و نیز امامت و مهدویت : ج ۲ ، ص ۲۶

ضرورت وجود امام نیز از دیدگاه قرآن برای هر صاحب انصافی روشن و معلوم گردید ، و اصولاً قرآن پیروان خود را به دنبال یک انسان کاملی که دارای ولایت مطلقه بوده و جواب گوی امور دینی و دنیوی همگان باشد فرستاده است .

سپس بحث را از دیدگاه روایات بررسی کردیم ، روایات در این زمینه از جهات مختلف وارد شده :

الف - علی ( عليه السلام ) اعلم امت و اقضى الناس است .

ب - خلفاء من دوازده نفرند .

ج - نام اولین و آخرین آن ها .

د - نه نفر از فرزندان امام حسین ( عليه السلام ) .



هـ - مهدی فرزند چندمین امام صادق و امام کاظم و امام رضا ( علیهم السلام ) می باشد .

و - ۵۰ حدیث که نام همه ۱۲ نفر را برده و به حدیث جابر در موقع نزول آیه

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ) اشاره نمودیم .

و سپس پنج مطلب مهم از این روایات استفاده شد آنگاه وارد شدیم در نقل روایات در خصوص حضرت مهدی ( علیه السلام ) ، آن هم در ابعاد مختلف که تواتر آن حتی از دیدگاه بعضی علماء اهل سنت قطعی است ، کثرت آن به حدی است که می گویند : روایات مذکوره بیش از شش هزار حدیث است و به دو شاهد تاریخی اشاره شد :

1- گفتار شعرا پیرامون حضرت مهدی .

2- سوء استفاده فرصت طلبان از نام مهدی .

که این دو مطلب بهترین شاهد است برای اینکه نام مهدی و اعتقاد به آن از زمان رسول خدا به طور مداوم در بین مسلمانان برقرار بوده .

گذشته از روایات مذکوره ، از روایت ثقلین استفاده می شود که عترت پیامبر همچون قرآن با کاروان بشریت خواهد بود کما اینکه علامه طباطبائی ( قدس سره ) به این نکته اشاره می کند و سپس مطالب ارزنده دیگری را نیز از این حدیث شریف استفاده نموده .

و در خاتمه اشاره کردیم به روایات نور که دلالت می کند بر اینکه وجود موجودات و وصول فیض از جانب خداوند به مخلوقات تماماً به برکت این ذوات مقدسه می باشد .

و قابل توجه است که بعضی از علماء اهل سنت نیز همانند جوینی به این روایات اشاره نموده که اشاره ای به برخی از آنها شد و صاحب کتاب فرائد السمطین به این مقام والای اهل بیت مخصوصاً حضرت مهدی ( علیه السلام ) تصریح نموده است .

آری جایگاه اهل بیت با توجه به این روایات از یک عظمت و جلالت فوق العاده برخوردار می شود که امام صادق (علیه السلام) در اشعار زیبای خود به گوشه ای از این مقام والا اشاره فرموده: فی الاصل کنا نجوماً . . .

### \*سؤالات گفتار دوم

- 1- آیه ای در رابطه امامت و رهبری ذکر کنید .
- 2- آیه تبلیغ در کجا نازل شده است .
- 3- ( ولی ) در آیه ( **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** ) . . . به چه معنائی است ؟
- 4- حسان بن ثابت کیست و در موقع نزول آیه ( **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** ) . . . چه کرد ؟
- 5- تعداد روایاتی که خلفاء رسول خدا را دوازده نفر می داند ، چه مقدار است ؟
- 6- چند روایت وارد شده که نام تمامی دوازده امام ذکر شده است ؟
- 7- قاضی عیاض دوازده امام را با چه کسانی منطبق نموده و اشکال آن در چیست ؟
- 8- یکی از شعرایی که قبل از ولادت حضرت مهدی درباره ایشان شعر گفته را نام ببرید ؟
- 9- از حدیث ثقلین برای ضرورت وجود حجت خدا در تمام اعصار و ازمنه چگونه استفاده می شود ؟
- 10- علامه طباطبائی چند مطلب از حدیث ثقلین استنباط می کند ؟
- 11- مراد از روایات نور چیست ؟
- 12- از روایات نور چه مطالبی برداشت می شود ؟
- 13- امام صادق ( **علیه السلام** ) در اشعار خود چه فرموده است ؟

### گفتار سوم

کسانی که با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ملاقات کرده اند

### کسانی که به ملاقات حضرت راه یافتند

با اینکه در رابطه اثبات وجود مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه از دیدگاه عقل و نقل مورد بحث قرار گرفت و مطلب به وضوح برای صاحبان فکر و اندیشه روشن گردید مع ذلک راه دیگری هست که می توان گفت برای توده مردم قابل فهم و اطمینان بخش تر می باشد و آن عبارت است از بررسی و تحقیق پیرامون کسانی که به خدمت حضرت رسیدند و جمال نورانی و زیبای امام خود را مشاهده نمودند .

این افراد از گروههای مختلف و در زمانهای متفاوت بودند که به این نعمت عظمی نائل گردیدند و ما بطور اجمال به آنها اشاره خواهیم داشت :

1- کسانی که در زمان طفولیت و مدت مصاحبت ایشان با پدر بزرگوارشان امام عسکری (علیه السلام) به خدمت حضرت رسیدند و ایشان را ملاقات نمودند .

عده ای از این افراد کسانی بودند که در داخل خانه امام عسکری (علیه السلام) راه داشتند از قبیل حلیمه خاتون عمه امام عسکری (علیه السلام)<sup>(1)</sup> و نسیم و ابو نصر که خادم منزل امام عسکری بودند که هر دوی اینها از وجود حضرت مهدی کرامتی را نقل می کنند و نیز عقید که غلام امام عسکری و نیز تربیت شده حضرت بوده که در لحظات آخر عمر حضرت دستور می دهد به آوردن آب مصطکی<sup>(2)</sup> . . .

1 که وضع حمل نرجس خاتون و کیفیت به دنیا آمدن حضرت و حوادث بعد از آن را نقل کرده است .

2در کفایه الموحدین ج ۲ نحوه ملاقات هر یک از نسیم و ابو نصر و عقیدرا توضیح داده مراجعه شود به

ص ۷۹۳

گروه دیگری از بزرگان اصحاب و راویان بودند که اینها نیز در زمان حیات امام عسکری ( علیه السلام ) به ملاقات حضرت مهدی ( علیه السلام ) شرفیاب شدند ، که به دو مورد اشاره می شود :

الف : شیخ صدوق از معاویة بن حکیم و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان که هر سه از مفاخر روات بودند نقل می کند : ما چهل نفر بودیم و خدمت امام عسکری ( علیه السلام ) رسیدیم و فرزندش را به ما نشان داد و فرمود : این امام شما بعد از من است و جانشین من بر شما است از او پیروی کنید و الا هلاک خواهید شد و بعد از امروز دیگر او را نمی بینید (1) .

ب : و نیز شیخ صدوق از احمد بن اسحاق قمی که از بزرگان علما و روات است به سند خود نقل نموده : روزی به خدمت امام عسکری ( علیه السلام ) شرفیاب شدم و قصد داشتم از امام بعدی سؤال کنم ولی قبل از این که سؤال خود را مطرح کنم امام عسکری ( علیه السلام ) فرمود : ای احمد هرگز زمین خالی از حجت خدا نمی شود و بهوسیله آن خیرات و برکات نازل می گردد و بلاها دفع می گردد ، عرض کردم امام بعد از شما کیست ؟ به داخل منزل رفت و چون بیرون آمد پسری سه ساله بسیار جذّاب در دست حضرت بود امام فرمود : چون خیلی پیش ما عزیز هستی این فرزند که همانم جدش می باشد به تو نشان دادم و این زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد ، عرض کردم علامت امامت ایشان چیست ؟ ناگاه دیدم که آن طفل لب به سخن گشود و با کلام فصیح فرمود : **أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ أَنَا الْمُتَّقِمُ وَأَنَا الْمَهْدِيُّ وَأَنَا الْغَائِمُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنَا الْخَاتِمُ وَأَنَا الَّذِي أَمَلَاءُ الْأَرْضِ قَسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا** (2) .

2\_ کسانی که در غیبت صغری (3) به خدمت حضرت شرفیاب شدند .

البته در هنگام فوت امام عسکری ( علیه السلام ) و مخصوصاً موقع نماز خواندن بر پیکر پاک امام ، و ظاهر شدن فرزندش مهدی ( علیه السلام ) و نماز خواندن بر پدر بزرگوارش طبیعی است که

1. موعودی که جهان در انتظار او است به نقل از اکمال الدین صدوق .

2. کفایة الموحدين : ج ۲ ، ص ۷۹۴ .

3. غیبت صغری حدوداً ۶۹ سال به طول انجامید ابتدای آن سال ۲۶۰ هجری بود بعد از رحلت امام عسکری (

علیه السلام ) و انتهای آن سال ۳۲۹ هجری بود که نایب چهارم حضرت آقای سمری بود که از دنیا رفت .

عدّه کثیری شاهد این منظره تاریخی بوده اند و شرحش در کتب آمده است<sup>(۱)</sup> .

و اما پس از ورود در سرداب و شروع غیبت صغری حضرت چهار نایب خاص داشت که عبارت بودند : به ترتیب از عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان و حسین بن روح و ابو الحسن علی بن محمد صیمری و بعضی نیز سَمَری نوشته اند<sup>(۲)</sup> .

که اینها واسطه بین مردم و حضرت مهدی بودند و اگر مسئله ای پیش می آمد ، شیعیان از طریق نامه به وسیله همین افراد از محضر امام ( علیه السلام ) استفاده می کردند .

این چهار نفر بسیار جلیل القدر و بزرگوار بودند ، اما عثمان بن سعید وکیل امام هادی و امام عسکری ( علیهما السلام ) نیز بوده است<sup>(۳)</sup> .

احمد بن اسحاق می گوید : از امام هادی ( علیه السلام ) پرسیدم اگر نتوانم به خدمت شما برسم سخن چه کسی را بپذیرم فرمود : این ابو عمرو ( عثمان بن سعید عمری ) مورد اطمینان و امین است . هر چه بگوید ، از من می گوید و سپس احمد می گوید : همین سؤال را از امام عسکری ( علیه السلام ) پرسیدم حضرت همان جواب پدرشان را تکرار کردند<sup>(۴)</sup> و ایشان بدستور امام متکفل کفن و دفن امام عسکری شدند<sup>(۵)</sup> و پس از امام عسکری به فرمان حضرت مهدی ( علیه السلام ) به وکالت و نیابت ادامه دادند<sup>(۶)</sup> و پیش از فوت خود فرزندش ( محمد ) را به امر امام جانشین خود و نایب حضرت معرفی کرد<sup>(۷)</sup> .

و اما محمد بن عثمان از بزرگان شیعه ، در تقوی و عدالت و بزرگواری مورد قبول شیعیان بود به طوری که هیچکس در عدالت و امانت او تردید نداشت . از ناحیه حضرت

---

1. مراجعه شود به بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۶۷ و منتهی الآمال: ج ۲، ص ۲۷۶ .

2. در جلالت سفراء اربعه و شخصیت و تقوای آنها مراجعه شود به منتخب الأثر: ص ۳۲۹ و جزوه امام زمان نوشته مؤسسه راه حق: ص ۴۰ به بعد .

3. بهجة الآمال: ج ۵، ص ۳۳۳ .

4. بحار: ج ۵۱، ص ۳۴۴ .

5. اعیان الشیعه: ج ۲، ص ۴۷ .

6. اعیان الشیعه: ج ۲، ص ۴۷ .

7. مدرک سابق .

توقیعی به عنوان تسلیت فوت پدرش صادر گردید و امام عسکری نسبت به او و پدرش اعلان اعتماد کرد<sup>(1)</sup> و فرمود: **الْعَمْرَىٰ وَأَبْنُهُ ثِقَتَانِ فَمَا آدِيَا إِلَيْكَ فَعَنِّي يُودِيَانِ وَمَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَأَطِعْهُمَا فَإِنَّهُمَا الثَّقَتَانِ الْمَأْمُونَانِ** .

محمد بن عثمان برای خود قبری ترتیب داده بود که هر روز داخل آن می شد و یک جزء قرآن قرائت می کرد و از مرگ خود خبر داد و شیعیان از نایب بعد استفسار کردند، فرمود: امام ( علیه السلام ) امر کرده که حسین بن روح را برای سفارت و نیابت معرفی کنم .

عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: از محمد بن عثمان پرسیدم: صاحب الأمر را دیده ای؟ فرمود: آخرین ملاقاتم با او کنار بیت الله الحرام بود که می گفت: **اللَّهُمَّ أَنْجِرْ لِي مَا وَعَدْتَنِي** .

و نیز فرمود: صاحب الأمر هر سال در حج حاضر می شود او مردم را می بیند و می شناسد و مردم او را می بینند ولی نمی شناسند .

و اما حسین بن روح نزد موافق و مخالف عظمت و بزرگی ویژه ای داشت و به عقل و بینش و تقوی و فضیلت مشهور بود و عموم فرقه های مذهبی به او توجه داشتند و در زمان نایب دوم محمد بن عثمان متصدی پاره ای از امور بود و محمد بن عثمان در موقع مرگ از طرف صاحب الأمر ، ایشان را به عنوان سفارت و نیابت معرفی کرد (2) .

و اما ابو الحسن سَمَری : از کتاب منتهی المقال درباره ایشان نقل شده که می نویسد : جلالت قدر او آنچنان زیاد است که نیازی به توصیف ندارد (3) .

غرض از این توضیح مختصر پیرامون شخصیت و جایگاه نوّاب اربعه این است که : بدانیم آنها افراد شناخته شده و مورد اعتماد عام و خاص و بعضاً وکیل امام هادی و عسکری ( **علیهما السلام** ) بودند و برای هر یک از اینها از طرف ولی الله اعظم نصّ خاص و توقیعی صادر گردید و گذشته از همه اینها شیعه ، گفتار هیچ یک را نپذیرفت مگر بعد از ظهور و بروز معجزه به دست هر یک از آنان از طرف امام عصر ( **علیه السلام** ) . مثلاً جمعی از بزرگان و

---

1. مدرک سابق .

2. جزوه امام زمان مؤسسه در راه حق : ص ۴۶ .

3. مدرک سابق .

مشایخ قم در بغداد به خدمت ابو الحسن سمری رسیدند و ایشان فرمودند : خداوند به شما در مصیبت علی بن بابویه قمی اجر عنایت فرماید ، او در این ساعت از دنیا رفت ، آنها ساعت و روز و ماه را یادداشت کردند ، ۱۷ یا ۱۸ روز بعد خبر رسید که در همان ساعت علی بن بابویه قمی در گذشته است (1) .

آری اینها افراد ناشناخته ای نبودند و نیز افراد عادی و معمولی نبودند . آنها از حیث عدالت و تقوی و ایمان و بلکه گاهی مشاهده کرامات از آنها مورد اعتماد صد در صد همگان بودند و اینها با این خصوصیات مدعی ملاقات با امام عصر ( علیه السلام ) بودند .

در غیبت صغری علاوه بر نواب اربعه ، عده کثیری به ملاقات حضرت راه یافتند که مرحوم طبرسی در کفایه الموحدین صد و هشت نفر از آنها را یاد آور شده و به کیفیت تشریف آنها اشاره نموده و در انتهای این حکایات می نویسد : این جمّ غفیر که عدد ایشان زیادتراً از حدّ تواتر است با این همه دلایل و معجزات با آنکه همه آن اشخاص از صلحاء و پاکان زمان خود بودند از اعظم برهان و دلیل است در مقام حجّت از برای کسانی که طالب حقند . و چهلمین نفری را که نام می برد حکایت تشرّف ابن مهزیار اهوازی است <sup>(2)</sup> که حکایت ایشان به طور اختصار از این قرار است :

می گوید : بیست سفر به حج رفتم و تمام کوشش من ، زیارت مولایم صاحب الأمر بود ( چون حضرت در موسم حج شرکت می کند و در موافق حضور دارند ) اما به هدف خود نرسیدم ، شبی در بستر خود خوابیده بودم که دیدم شخصی می گوید : امسال به حج برو ( ظاهراً از این جمله استفاده کرد که امسال به مقصود خود خواهی رسید ) روز شماری می کردم تا ایام حج فرا رسید و به مدینه رفتم هر چه تفحص کردم از فرزند امام حسن

عسکری ( علیه السلام ) اثری نیافتم به مکه رفتم شبی قبل از تاریک شدن کامل هوا در طواف جوان خوش سیمائی را دیدم که نور عبادت در پیشانی اشکار است و دو حله سفید پوشیده به

---

1. بحار: ج ۵۱، ص ۳۶۱ .

2. بعضی علی بن مهزیار ثبت کرده اند و بعضی ابراهیم بن مهزیار و این حکایت را صاحب کفایه الموحدین در جلد ۲ ص ۸۰۹ از جماعتی از اصحاب حدیث من جمله شیخ صدوق ( قدس سره ) نقل نموده ، و در منتخب الأثر ص ۳۶۲ از غیبت شیخ طوسی ( قدس سره ) نقل می کند و بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۹ .



او نزدیک شدم و سلام کردم و او جواب داد ، از من پرسید : اهل کجائی ؟ عرض کردم : اهواز ، پرسید از ابن خضیب چه خبر داری ؟ <sup>(1)</sup> گفتم : فوت کرده ، سه مرتبه فرمود : رحمت خداوند بر او باد چه شب هایی که بر می خاست و رو به درگاه الهی می آورد سپس پرسید از ابن مهزیار چه خبر داری ؟ گفتم : خودم هستم فرمود : امانتی که از ابا محمد حسن عسکری ( علیه السلام ) باقی مانده کجاست ؟ <sup>(2)</sup> انگشتی که به ارث به او رسیده بود به آن بزرگوار داد ، ایشان گرفت و بوسید و گریه می کرد و روی نگین آن که نوشته بود یا الله یا محمد یا علی نگاه می کرد ، فرمود : به چه قصدی به حج آمدی ؟ عرض کردم به امید دیدار امام عصر ( علیه السلام ) می آیم ، فرمود : من مأمورم که تو را به امام ( علیه السلام ) برسانم چون پاسی از شب که گذشت به کوه صفا بیا تا حرکت کنیم ، رفتم و در موقع آن جوان آمد و به دنبال او حرکت کردم مقداری از پستی و بلندی ها را پشت سر گذارده فرمود : سحر است وقت نماز شب ، ایستادیم به نماز باز حرکت کردیم تا طلوع فجر فرمود : پیاده شو و نماز صبح را اوّل وقت بخوانیم سپس حرکت کردیم به یک وادی رسیدیم که نور از دور ساطع بود و بوی مشک به مشام می رسید در وسط آن خیمه ای بود که نور از آن به آسمان برمی خاست آن جوان به من فرمود : پیاده شو و مرکبت را رها کن که اینجا وادی امن است مقداری جلو رفتیم فرمود : اینجا بایست تا برایت اذن دخول بگیرم رفت و برگشت ، فرمود : داخل

---

1. ابن خضیب بنام جعفر بن احمد از مخلصان اهل بیت و مردی مجتهد سحر خیز و شب زنده دار بود ( مهدی موعود نوشته دستغیب . )

2. احتمالاً انگشتی بوده که امام عسکری ( علیه السلام ) به پدر ابراهیم بن مهزیار داده بود که به ارث به فرزندش رسیده و اصولاً ابن مهزیار از طائفه ای است که آباء و اجدادش به اهل بیت ارادت خاصی داشتند .  
جدّش شبی در بیابان جهت پیدا کردن آب وضو می گشت ناگاه از مسواک که در دست داشت نوری تابید و منظره آب را به وسیله آن نور پیدا کرد .

ابتدا وحشت کرد ولی بعداً متوجه شد این نور سوزاننده نیست وضو گرفت و نمازش را خواند و پس از مدتی آن نور خاموش شد و چون خدمت امام هادی ( علیه السلام ) رسید جریان را برای حضرت نقل کرد و سؤال کرد آن نور چه بود ؟

حضرت فرمود : این نور ولایت ما اهل بیت می باشد ، آری ابن مهزیار فرزند و نوه چنین شخصیت های بزرگ می باشد که ولایت را به ارث از آباء گرام خود برده است ( مهدی موعود نوشته دستغیب ص ۸۰ . )

شو ! تا وارد خیمه شدم ، نور جمال حضرت من را خیره کرد و خالی در رخسار ایشان بود و بسیار موقر و با هیبت بودند ، خود را روی قدم های حضرت انداختم و سلام دادم و ایشان جواب دادند .

عرض کردم پدر و مادرم فدای تو باد بعد از رحلت پدر بزرگوارتان امام عسکری ( علیه السلام ) شهر به شهر در تفحص و جستجوی تو بودم که خداوند این نعمت را به من ارزانی داشت <sup>(۱)</sup> . حضرت برای من و نزدیکان من دعا فرمودند ، مبلغی که بیش از پنجاه هزار درهم بود به حضرت دادم ولی ایشان تبسم نمودند و فرمودند این مال را در برگشتن که سفری طولانی خواهی داشت برای خود صرف کن . . . این یک نمونه از ملاقات های فراوانی است که در زمان غیبت صغری اتفاق افتاده است .

### کسانی که در غیبت کبری به ملاقات حضرت نائل گردیدند

شمار کسانی که در غیبت کبری با حضرت ملاقات نمودند و نعمت تشریف برای آنان حاصل شده بسیار است . برای اطلاع و آگاهی می توان به کتب بحار الأنوار و نجم الثاقب و جنه المأوی و دار السلام و کشف الاستار و عبقری الحسان و دیگر کتاب هایی که در این موضوع نوشته شده مراجعه کرد . محدث نوری ( قدس سره ) در باب هفتم کتاب نجم الثاقب صد حکایت نقل می کند و این عالم جلیل القدر در آغاز آن می نویسد : من هر چه شنیدم نقل نکردم بلکه در صدق و دیانت ناقلان دقت نمودم و آنچه نقل نمودم از کسانی است که دارای وثاقت و صداقت می باشند و بسیاری از آنها صاحبان مقامات عالیه و کرامات باهره اند <sup>(۲)</sup> مثلاً در حکایت حاج علی بغدادی می نویسد اگر نبود در این کتاب شریف مگر این حکایت متقنه صحیحه که در آن فواید بسیار است و در این نزدیکی ها

---

. بعضی از گفتگوها این بود : فقلت سیدی لقد بعد الوطن و طال المطلب فقال یا بن المازیار ، أبی ابو محمد

عهد إلیّ ان لا أجاور قوماً غضب الله علیهم ولعنهم . . . وأمرنی ان لا اسکن من الجبال الا وعرها ومن البلاد الا

قفرها . . . ابن مهزیار می گوید : چند روزی در آنجا ماندم و حضرت به من اذن خروج داد . در بازگشت از مکه تا منزل و مقصد به راحتی گذشت و هیچ ناملایمتی پیش نیامد .

. 2 نجم الثاقب : ص ۲۱۱ .

واقع شده هر آینه کافی بود در شرافت و نفاست آن <sup>(۱)</sup> و سپس توضیح می دهد که حکایت حاج علی بغدادی را ابتداءً از عالم فقیه و با تقوی جناب آقای سید محمد کاظمینی که در حرم شریف کاظمین امام جماعت و ملاذ و ملجاء طلاب و غرباء و زوار بود شنیدم و خواستار ملاقات خود حاج علی بغدادی شدم با مشکلاتی که در سر راه بود بالاخره موفق شدم گرچه حاج علی از نقل آن حکایت ابا می کرد ، ولی با اصرار ، بالاخره بیان کرد ، حاجی نوری می نویسد : از سیمای او آثار صدق و صلاح به نحوی نمایان بود که تمام حاضرین با تمام مذاقه که در امور دینی و دنیوی داشتند قطع پیدا کردند به صدق واقعه <sup>(۲)</sup> . برای اطلاع از اصل حکایت به کتاب نجم الثاقب و مفاتیح الجنان مراجعه شود .

### تشرفات در عصر حاضر

در عصر حاضر نیز تشرفات برای افراد روی داده که فقیه عالی مقدار حضرت آقای صافی گلپایگانی در کتاب اصالت مهدویت به چند نمونه از آنها اشاره نموده و نیز تشرّف متعلقه فاضل ارجمند جناب آقای متقی همدانی که مورد اعتماد علما و مجتهدین بود و این حقیر اصل حکایت را از خود جناب آقای متقی شنیدم و به صدق و صداقت و کمال مشهود بود <sup>(۳)</sup> و نیز تشرّف دختر حضرت آیت الله العظمی آقای اراکی که در حال طواف انجام گرفت با این که مکرراً از افراد شنیده بودم ، از پسر بزرگوار آیت الله اراکی ، حضرت آقای مصلحی که یکی از اساتید و مجتهدین است . پرسیدم و ایشان پس از تصدیق آن فرمود : خواهرم اولاً تربیت شده پدرم هست و ثانیاً در مقام افشا و بازگوئی نیست و نمی خواهد حکایت خود را منتشر سازد .

و خلاصه اگر کسی آستین همت بالا بزند و بخواهد این حکایات متقنه و مورد قبول را جمع آوری کند که در تمام اعصار و امصار به طور معمول ، کم یا بیش اتفاق افتاده هر آینه مشتمل بر چندین جلد کتاب قطور خواهد شد و اگر احیاناً در تک تک آنها بتوان

---

1. همان: ص ۲۷۱ .

2. همان: ص ۲۷۳ .

3. مشروح این واقعه را در بحث آینده نقل خواهیم کرد .

تشکیک کرد ( با اینکه عقلا در مقابل کلام شخص عادل و موثق متعبد می گردند و آنرا می پذیرند ) اما در کل این حکایات به علم و یقین خواهیم رسید که وجود مقدس حضرت بقیه الله اعظم همانگونه که در روایات آمده در پشت پرده غیبت موجود است و به و طائف خود مشغول و توجه به اطراف و اکناف عالم دارند که در موقع لزوم در آنجا حاضر و یا در جایی که مصلحت می بینند جمال نورانی خود را به بعضی ، نشان می دهند .

#### اسباب و جهات تشرفات متفاوت است

شرفیابی افراد به خدمت حضرت دارای جهات مختلفی است گاهی اضطرار و درماندگی سبب تشریف شده مانند تشریف سید رشتی که محدث قمی از استادش محدث نوری در مفاتیح نقل نموده و گاهی این افراد مضطر ، توجه به حضرت نمودند و استغاثه به حضرت نموده اند و ملاقات بر قرار شده مثل قصه انار در بحرین و سه روز مهلت گرفتن برای دادن جواب شب سوم ، شخصی بنام محمد بن عیسی با پا و سر برهنه به صحرا می رود و چون آخر شب شد شنید که مردی به او خطاب می کند . . .

و گاهی حضرت به عنوان کمک رسانی جلوه نموده مثل آنچه برای علامه حلی رخ داد ، شرح واقعه از این قرار است .

یکی از علماء اهل سنت که در بعضی از فنون استاد بود کتابی در ردّ مذهب شیعه امامیه نوشته بود و گاهی هم برای گمراه نمودن مردم آنرا می خواند اما حاضر نبود هرگز کتاب را از خود جدا سازد و به دیگری بدهد

که مبادا علماء شیعه بر ردّ آن چیزی بنویسند . برخی می گویند که علامه نزد آن عالم سنی درس خوانده بود و او به علامه علاقه خاصی داشت . علامه از او تقاضا کرد که کتاب را برای مطالعه به وی دهد یا این که یکی از شاگردان علامه نزد آن عالم سنی درس خوانده بود و با درخواست و تشویق علامه ، او از استادش تقاضای مذکور را مطرح کرد . آن عالم سنی برای این که مبادا کتاب استنساخ شود و بر آن ردّی نوشته شود ، گفت : قسم یاد کرده ام که بیش از یک شب کتاب را به کسی ندهم ، علامه همان مقدار را نیز غنیمت شمرد گرچه با یک شب هرگز امکان

استنساخ نبود ، علامه مشغول استنساخ شد نیمی از شب گذشت و خواب بر علامه غلبه کرد . ادامه حکایت به دو صورت نقل شده است :

1- بی اختیار خواب علامه را گرفت و قلم از دستش افتاد ، صبح روز بعد علامه بیدار شد و بسیار افسوس خورد که فرصت را از دست داده ، اما به کتاب نگاه کرد و دید تمام کتاب نوشته شده و در آخر آن نوشته ( کتبه م ح م د ابن الحسن العسکری صاحب الزمان . )

2- ناگاه حضرت صاحب الأمر پیدا شد و به علامه فرمود کتاب را به من واگذار و تو خواب کن ، وقتی علامه بیدار شد ، دید به برکت وجود صاحب الأمر تمامی کتاب نوشته شده است<sup>(1)</sup> .

گاهی نیز تشریفاتی حاصل شده که علت آن بر ما معلوم نیست مثل شرفیابی سید مهدی بحر العلوم در حرم حضرت امیر ( علیه السلام )<sup>(2)</sup> ( و نیز حرکت علامه حلی در شب جمعه به سمت کربلاء و ملاقات با حضرت<sup>(3)</sup> ) و از همه مهمتر ملاقاتی که برای حاج علی بغدادی در بازگشت از کاظمین به بغداد رخ داد .

آری ، سرّ اینگونه ملاقات ها که برای بعضی از نیکان و زبندگان دست می دهد برای ما روشن نیست ، اینطور نیست که هر کس دارای صفات عالیّه و کمالات روحی شود به خدمت حضرت برسد ؛ زیرا انسان های ممتاز و خدای جوئی هم بوده اند که توفیق شرفیابی برایشان حاصل نگردید<sup>(4)</sup> .

اینک که معلوم گردید اولاً در زمان غیبت کبری عدّه کثیری از افراد به خدمت حضرت مهدی رسیده اند که گروه فراوانی از علماء بزرگ و یا صلحا و نیکان بودند . ثانیاً :

---

1 . اقصص العلماء تنکابنی : ص ۳۵۸ .

2 بحار الانوار : جلد ۵۳ ، ص ۳۰۲ .

3 اقصص العلماء تنکابنی : ص ۳۵۹ و منتخب الأثر : ص ۴۱۷ .

4 نقل شد که از آیت الله میرزا جواد تهرانی آن مجسمه تقوی و اخلاص در موقعی که به جبهه های حق علیه باطل رفته بود ، سؤال شد آیا شما به خدمت حضرت رسیده ای و او را زیارت کرده ای فرموده بود من ایشان را ندیده ام اما خوشحالم که او من را می بیند .

---

## 87

---

این ملاقات ها در زمان های مختلف و در اماکن و بلاد متفاوت رخ داده است . ثالثاً : جهات و اسباب این تشرفات متفاوت و مختلف بوده است . در اینجا پرسشی پیش می آید که ذیلاً به آن می پردازیم .

### مضمون توقیع را چگونه معنی کنیم

دانستیم که صدها بلکه هزاران انسان مضطر و یا مؤمن به خدمت حضرت رسیدند و گاهی هم این ملاقات ها نقل گردیده و دیگران مطلع شده اند . آیا این ملاقات ها با توقیعی که از طرف ناحیه مقدسه صادر گردیده و بهوسیله نایب چهارم جناب علی بن محمد سمیری ( صیمیری ) اعلان گردیده منافات ندارد ؟

ابتدا می پردازیم به متن توقیع که در کتاب منتخب الأثر از کتاب غیبت شیخ طوسی نقل نموده (1) که علی بن محمد سمیری قبل از وفات خود این توقیع را برای مردم قرائت نمود :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فَيْكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ  
وَبَيْنَ سِتْنَةِ أَيَّامٍ فَأَجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِلِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْعَيِّبَةُ التَّامَّةُ

فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ . . . سَيَأْتِي لِشِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَالصَّيْحَةَ وَهُوَ  
كَذَّابٌ مُفْتَرٌ .

(بنام خداوند بخشنده مهربان ای علی بن محمد سمری خداوند اجر و پاداش دوستان و برادرانت را بیفزاید ، شما در شش روز آینده فوت خواهی کرد کار خود را مرتب کن و به عنوان نایب خاص و جانشینی خود ، کسی را معرفی نکن ، غیبت کبری شروع می شود و هر زمان که خداوند اراده کند ، ظهور خواهیم کرد . . . عدّه ای پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ، ادعای مشاهده و ملاقات من را خواهند نمود که این ها دروغگو خواهند بود . )

ملاحظه می کنید که در ذیل این نامه ، آمده هر کس در زمان غیبت کبری وقبل از

---

1. منتخب الأثر : ص ۴۰۰ .

خروج سفیانی و صیحه آسمانی که هر دو از علائم ظهور حضرت است ادعای ملاقات نماید ، او دروغگو و حقه باز است ولذا باید دید که این جمله را با آن همه حکایات فراوان چگونه باید توجیه کرد .

در پاسخ به اشکال فوق می گوئیم اولاً این روایت نمی تواند با آن همه حکایات متواتره که ناقلین آنها از نیکان و مورد وثوق می باشند معارضه کند زیرا این اخبار متواتر قطعی است ولکن توقیع مذکور بر فرض صحت سند ، ظنی است ، علی الخصوص که مفاد آن هم مربوط به احکام شرعیه نیست .

ثانیاً تمام علماء شیعه اتفاق دارند که مشاهده و ملاقات با حضرت برای عدّه کثیری اتفاق افتاده حتی خود شیخ طوسی که ناقل توقیع می باشد نیز وقوع شرفیابی را پذیرفته است .

ثالثاً با توجه به اعتراف تعداد کثیری از اولیا و نیکان درباره تشرّف می توان گفت که مراد از ( کذاب مفتر ) عمومیت ندارد ، بلکه حمل می شود بر موردی که طرف ، ادعای نیابت و سفارت داشته باشد و شاهد بر این

معنی این است که امام عصر خطاب به علی بن محمد سمری می فرماید که کسی را به عنوان نیابت و سفارت مشخص نکند .

رابعاً امکان دارد جمله ( کذاب مفتر ) را حمل کنیم بر ادعای ملاقات اختیاری که هر وقت بخواهد می تواند به خدمت حضرت برسد ( که چنین قدرت و سمتی در غیبت کبری به احدی داده نشده است . )

خامساً، از جمله ( **من يدعی المشاهدة** ) استفاده کنیم و بگوئیم : کسانی را تکذیب کنید که ادعای مشاهده دارند و در مقام تثبیت مقام و موقعیتی برای خود هستند .

در خاتمه به دو نکته توجه فرمائید :

**اول :** پیروان مکتب اهل بیت و عاشقان حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) باید اهل فکر و تعقل و اندیشه باشند که ائمه پیروان خود را نسبت به این مطلب بسیار تحریص و ترغیب نموده اند ، مبادا از فرط عشق و علاقه به حضرت مهدی ، چشم بسته و فکر نکرده دنبال شخص فرصت طلبی حرکت کنیم و پس از مدت ها بفهمیم که خطا رفتیم و اشتباه کرده ایم .

ملاک و معیار را روش بزرگان و علماء قرار دهیم یعنی بنگریم که بزرگانی همچون آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری و آقای بروجردی و آقای گلپایگانی و امام خمینی این انسان های شیفته و عاشق حضرت مهدی چگونه قدم برداشته اند ما نیز به همان منوال حرکت کنیم .

علی ( **علیه السلام** ) در نامه 31 نهج البلاغه به فرزندش امام حسن ( **علیه السلام** ) توصیه می کند :

« . . . وَالْأَخْذُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ ، وَالصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ » . . . یکی از توصیه های

حضرت علی ( **علیه السلام** ) به فرزندش این است که : راهی را که صلحا و نیکوکاران قبل از تو رفته اند برو )

. آری این نصیحت مولایمان امیر المؤمنین ( **علیه السلام** ) باید برای علاقمندان حضرت مهدی ( **علیه السلام** )

(مورد توجه قرار گیرد زیرا شیادان و شیاطین به اشکال مختلف از این شور و عشق مردم به حضرت مهدی

سوء استفاده می نمایند و آنها را به بیراهه سوق می دهند .



**دوم :** نکته قابل توجهی که باید به آن توجه نمود و از روایات فراوان نیز استفاده می شود این است که برنامه الهی و حکمت پروردگار در عصر حاضر بر اساس غیبت و مخفی بودن ولی الله استوار شده و اگر در بعضی موارد چهره تابناک خود را نشان داده بر اساس مصلحت بوده و قبلاً اشاره کردیم که اینطور نیست هر کس خود را مهدب نمود و صاحب تقوی و ورع شد به خدمت حضرت برسد بنا بر این نباید انتظار داشته باشیم که اگر به مسجد جمکران و یا مسجد سهله و یا عرفات و مشعر رفتیم ، باید به خدمت حضرت برسیم . گاهی شاهد هستیم که گروهی با عبارت های نامناسبی حضرت را مخاطب قرار می دهند که « مهدی آمدم . . . اما به من توجه نکردی » ! ما باید به وظائف خودمان در زمان غیبت عمل کنیم و او خود می داند که با ما چگونه برخورد کند (1) .

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن \* \* \* که خواجه خود روش بنده پروری داند

---

1. چنانکه گاهی ما در مقام دعا می خواهیم مصلحت خودمان را برای خدا اثبات کنیم و حال آنکه اینگونه سخن گفتن با خداوند حکیم جسارت است . خداوند بیشتر از ما به مصالح ما آگاه است .

### خلاصه بحث

یکی از راه های اثبات وجود حضرت بقیة الله اعظم که برای تمام اقشار و توده مردم قابل فهم است بررسی کسانی است که به محضر حضرت مهدی تشرّف یافته و ایشان را ملاقات نموده و اینها به چند دسته تقسیم می شوند :

1- کسانی که در زمان حیات امام عسکری ( علیه السلام ) ایشان را زیارت کردند مانند حلیمه خاتون و نسیم و ابو نصر و عقید و نیز معاویة بن حکیم و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان و احمد بن اسحاق قمی و دیگران .

2- کسانی که در غیبت صغری با حضرت ملاقات کردند عدّه کثیری بودند که در رأس آنها چهار نائب خاص حضرت بودند که تمامی آنها از جلالت و وثاقت خاصی برخوردار بودند و صاحب کفایة الموحدين صد و هشت حکایت را نقل می کند که آنها تماماً در غیبت صغری به خدمت امام ( علیه السلام ) رسیدند که یکی از آنها جناب ابن مهزیار است .

3- کسانی که در غیبت کبری به ملاقات حضرت نائل گردیدند در زمان های مختلف و اماکن و بلاد متفاوت که تعداد آنها از حدّ تواتر می گذرد فقط محدّث نوری در کتاب نجم الثاقب به صد حکایت اشاره نموده که به صحّت آنها اعتراف می نماید .

در ادامه ، پرداختیم به توقیعی که از ناحیه مقدسه رسیده و می فرماید : مدّعی مشاهده را تکذیب نمائید و جواب های متعددی بر این روایت داده شد و جمله مذکور به معنای قابل قبولی توجیه گردید .

در خاتمه به دو مطلب اشاره نمودیم :

**اول :** باید پیروان مکتب اهل بیت ، اهل فکر و اندیشه باشند و دنبال هر صدائی نروند .

**دوم :** حکمت الهی در حال حاضر بر مخفی بودن حجت خدا اقتضاء می کند و نباید ما توقع داشته باشیم با مختصر عمل صالحی ، به ملاقات حضرت نائل شویم .

### \*سؤالات گفتار سوم

1- چه کسانی در اندرون خانه امام عسکری با حضرت مهدی ملاقات کردند ؟

2- مضمون حدیثی که شیخ صدوق از اسحاق بن احمد قمی نقل می کند چیست ؟

3- نواب اربعه را به ترتیب نام ببرید ؟

4- ابن خضیب چه کسی بود ؟

5- حکایت تشرّف علی بن مهزیار را اجمالاً نقل کنید ؟

6- محدث نوری در نجم الثاقب چند حکایت در رابطه کسانی که به ملاقات امام ( علیه السلام ) در غیبت

کبری نائل شده اند نقل نموده است ؟

7- توقیعی که از طرف امام زمان برای سمّری رسید چه بود ؟

8- چگونه مضمون توقیع ، با این همه حکایات و اخبارِ ملاقات که از پاکان نقل شده ، قابل توجیه است ؟

9- علی ( علیه السلام ) به فرزندش چه توصیه ای می کند ؟

10- خلاصه گفتار سوم را بیان کنید ؟

---

93

#### گفتار چهارم

#### اثبات وجود حضرت مهدی ( عجل الله تعالی فرجه الشریف )

از طریق ظهور و بروز معجزات و کرامات از ناحیه مقدسه آن بزرگوار

---

95

#### ظهور و بروز کرامات از ناحیه مقدسه

یکی از نشانه ها و براهین روشن برای اثبات وجود نازنین حضرت مهدی ( علیه السلام ) ظهور و بروز کرامات و معجزات و دستگیری ها و شفا بخشیدن ها و فریاد رسی هایی است که در طول زمان غیبت آن امام مستور از دیدگان ، واقع شده و در هر عصر و مکانی و بلکه برای هر عاشق و علاقمند آن جناب ، به وقوع پیوسته است . مواردی که برای بزرگان و اهل دقت ثابت شده و مشهور گردیده در کتاب ها ، فراوان است و چه بسیار جوان و پیر و زن و مردی که دست توّسل به دامن امام زمان حضرت مهدی ( علیه السلام ) زدند و مشکلات خود را با آن وجود مقدس در میان گذاردند و جواب گرفتند و با عنایت آن حضرت ، کشتی شکسته و آسیب

دیده خود را به ساحل نجات رساندند . حکایات اسماعیل هرقلی و ابو الحسن کاتب و محمد بن عیسی بحرینی و شفا یافتن شیخ حرّ عاملی و کمک مالی کردن به بحر العلوم در مکه معظمه و رفع مشکلات از شیخ حسین آل رحیم و در عصر حاضر شفا بخشیدن همسر جناب آقای متقی در قم و صدها حکایات از این قبیل که توجه و عنایت حضرت به دوستان و گرفتارها در آنها کاملاً مشهود و ملموس بوده . آیا این همه کرامات و معجزات که از ناحیه مقدسه حضرت ظهور و بروز نموده خود دلیل واضحی برای اثبات آن وجود مقدس در پشت پرده غیبت و نیز اشراف داشتن ایشان به اطراف و اکناف جهان در شب و روز نیست ؟ !

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود \* \* \* هر که عبرت نکند ، نقش بود بر دیوار

### حق ماندنی است و باطل رفتنی

ممکن است کسی بگوید : درست است که در موارد فراوان در هر زمان و مکانی این فریاد رسی ها و دستگیری ها مشاهده شده اما از کجا بدانیم که دست باطل در کار نیست ؟

قرآن برای مشخص نمودن حق از باطل ، معیارها و ملاک هایی را ارائه نموده که از این طریق می توان به آسانی ، حق را از باطل جدا نمود در برخی از آیات می فرماید : باطل رفتنی است و آنچه برای همیشه و استوار برقرار می ماند ، حق است .

(وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا) (1) بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ (2) و در سوره رعد برای شناخت حق و باطل مثال واضحتری زده شده است می فرماید ( : أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْاَرْضِ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ (3) . )

از این آیات مشخص می شود که باطل جلوه ای می کند و بلکه جولانی می دهد اما دوام و ثبات ندارد بر خلاف حق که ریشه های آن در زمینه دل ها و فطرت های بشری قرار دارد و شاخه های آن متصل به آسمان

اندیشه و عقول انسان ها است . مثل معروفی است که می گوید : **للباطل جولة و للحق دولة** ، باطل یک خود نمائی و جولانی می دهد و سپس مضمحل می شود اما دولت ، و دوام ، مختص به حق و حقیقت است .

---

1. اسراء : ۸۱ ، ( باطل رفتنی است ) .

2. انبیاء : ۱۸ ، « بلکه ما حق را بر سر باطل می کویم تا آن را هلاک سازد » .

3. زمر : ۱۷ ، « خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر درّه و رودخانه ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه در کوره ها برای بدست آوردن زینت آلات یا وسائل زندگی آتش روی آن روشن می کنند نیز کف هائی مانند آن به وجود می آید ، خداوند حق و باطل را چنین مثل می زند ، اما کف ها به بیرون پرتاب می شوند ولی آنچه به مردم سود می رساند آب یا فلز خالص در زمین می ماند ، خداوند این چنین مثال می زند » .

بنابر این مشاهده می کنیم که ندای توحید از پیدایش بشر تا حال برقرار است و ندای انبیاء همچون ابراهیم و موسی و عیسی و ... استمرار دارد و قرآن و آیات محکم و متقن آن همچون زمان نزول تا حال جلوه گر است و عقول بشری را به خود جذب نموده است ، امّا در کنار مکتب توحید و دعوت انبیاء عظام و قرآن مجید صدها مکتب و شعار و نوشته آمد و جولانی داد و برای همیشه به دست نسیان سپرده شد ، به طوری که از آنها در تاریخ علوم هم اثری نیست و همین تفاوت کاملاً حق را از باطل جدا می سازد .

مسئله توسّل به ذوات مقدسه ائمه و نیز در عصر غیبت به وجود حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) به یکی دو واقعه منحصر نیست تا احتمال اتفاق و تصادف دهیم و نیز به یک زمان خاص و محدودی منحصر نیست که گفته شود چرا امروز از آن خبری نیست بلکه در طول زمان و در اماکن متعدد و فراوان در خلوت و جلوت در شهر و بیابان دست استغاثه بسوی حضرت مهدی دراز شده و آن بزرگوار با رأفت و عطوفت تمام دست آن ها را گرفته و از منجلاب و خطر رهانیده و گاهی دستگیری حضرت به قدری مشهور شده - مثل حکایت محمد بن عیسی در بحرین و شفا یافتن اسماعیل هرقلی - که نه فقط مردم متوجه شدند بلکه حاکمان وقت هم یقین

کردند که در پشت پرده غیبت ، امام و حجت الهی هست و می تواند بر اساس ولایتی که خداوند به او داده کارهای مهمی انجام دهد . آیا با چنین نشانه ها و آثار واضحی می توان در وجود آن امام بزرگوار و حقانیت او شک و تردید نمود ؟ !

### ساحران به موسی ایمان آوردند

وقتی موسی و هارون به سوی فرعون و اطرافیاناش آمدند و آنها را به سوی خدا دعوت کردند و موسی معجزه ای همچون عصا و ید بیضاء نشان داد آنها قبول نکردند و نسبت سحر و ساحری به آنها دادند جناب موسی فرمود : آیا شما حق را با سحر فرق نمی گذارید ؟ و حال آن که ساحران هرگز پیروز نخواهند شد و چنانچه ساحری بخواهد خود را به عنوان رسول الله معرفی کند و سپس سحر خود را به جای معجزه و نشانه الهی وانمود کند ، قطعاً خداوند او را رسوا می کند و هرگز به مقصد نائل نخواهد شد . فرعون از

ساحران زمان دعوت به عمل آورد و در یک میدان مسابقه و مبارزه در مقابل موسی قرار گرفتند ، موسی فرمود : هر چه می توانید ، انجام دهید و چون از اعمال خود فارغ شدند جناب موسی قبل از انداختن عصا فرمود : آنچه شما آوردید سحر است و خداوند به زودی آن را باطل می سازد زیرا خداوند هرگز عمل مفسدان را اصلاح نمی کند .

(قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ \* وَيَحِقُّ لِلَّهِ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ<sup>(1)</sup>)

آری باطل در قالب سحر در این میدان جولانی داد اما وقتی موسی عصا را انداخت و اژدهائی شد ، تمام ساخته ها و بافته های ساحران را بلعید و ساحران وقتی این اثر وجودی را از آن اژدها دیدند فهمیدند که کار موسی سحر نیست و لذا با تمام وجود و از صمیم قلب در آن صحنه مبارزه به خدای موسی و هارون ایمان آوردند . غرض از نقل این مطلب همان جمله ای است که حضرت موسی فرمود : آنچه شما آوردید سحر است و باطل و خداوند به زودی آن را نابود می کند و هرگز خداوند متعال باطل را در صحنه مبارزه با حق پیروز نمی گرداند . نکته دیگر آن که اثر و آثار حقیقت وقتی ظاهر شد دیگر جای شک و تردید و تأمل نیست

باید به آن ایمان آورد چنانکه ساحران به خدای موسی ایمان آوردند آن هم با دیدن یک معجزه و اژدها شدن عصای ایشان . نتیجه ای که از این بحث قرآنی گرفته می شود این است که صاحبان ایمان در اطراف و اکناف جهان استغاثه می کنند به فردی به عنوان ( ولی الله ، حجة الله ، امام زمان ، سفیر الهی ، باب الله ) وهرگز خداوند اجازه نمی دهد دست شیطانی و باطل در اینجا فعال باشد ، با توجه به اینکه این ظهور کرامات از صدر اسلام تا حال حاضر برقرار و مستمر است و بعبارت دیگر می گوئیم :

آیا این همه کرامات و داد رسی ها که بعضی از آنها را می توان گفت که مافوق اژدها شدن عصای موسی بوده آن هم به طور مکرر چنین آثاری از وجود مقدس بقیة الله اعظم ظهور و بروز کرده آیا می توان در وجود مقدس او و نیز دادرسی و عنایت ایشان نسبت به مضطربین و گرفتارها تشکیک نمود ؟ !

---

. لرجوع شود به آیات ۷۴ الی ۸۲ سوره یونس و سوره طه .

### حکایت اسماعیل هرقلی

توجه شما را به یک واقعه ای که برای بزرگان و علماء به اثبات رسیده و حتی مردم بغداد و حله و سامرا متوجه شدند و حاکمان وقت نیز این معجزه را از امام عصر ارواحنا فداه به وضوح دریافتند و پی به حقانیت مذهب تشیع و وجود امام عصر و مهدی موعود در پشت پرده غیبت بردند ، جلب می نمایم این حکایت را از کتاب نجم الثاقب<sup>(۱)</sup> تألیف عالم ربانی آقای میرزا حسین نوری نقل می کنیم منتهی با عبارتی که برای مردم امروز ما آشناتر باشد و الاً مطلب و اصل واقعه تغییر نخواهد کرد .

عالم فاضل علی بن عیسی اربلی در کتاب خود بنام کشف الغمه می نویسد : گروهی از دوستان مورد اعتماد حکایتی را نقل نمودند که در حله ، شخصی به نام اسماعیل هرقلی<sup>(۲)</sup> بود که در زمان ما فوت کرد و من او را ندیدم اما پسرش ( شمس الدین )<sup>(۳)</sup> برای من حکایت کرد که در سنین جوانی پدرم توثه ای<sup>(۴)</sup> که به مقدار یک مشت بود در ران چپش بیرون آمد و در فصل بهار می ترکید و از آن خون و چرک بیرون می آمد و درد و رنج آن پدرم را از هر کاری باز می داشت به حله رفت و خدمت سید بن طاوس<sup>(۵)</sup> رسید

و ناراحتی خود را به ایشان گفت ، سید جراحان حله را حاضر نمود ولی همه گفتند : توئه بالای رگ اکحل قرار گرفته و چنانچه توئه را ببریم رگ اکحل بریده می شود و زنده نخواهد ماند و خلاصه علاج آن که فقط بردن آن است با خطر زیادی مواجه است .

سید به اسماعیل گفت من قصد بغداد دارم همراه من بیا شاید اطباء بغداد که تواناترند کاری بکنند ولی متأسفانه اطباء بغداد نیز همان را گفتند که جراحان حله گفته بودند .

---

1. انجم الثاقب : ص ۲۲۸ .

2. حله یکی از بلاد و شهرهای عراق است و هرقل یکی از فراء و محلات شهر حله است .

3. حجاجی نوری در پایان حکایت مذکور از کتاب ( أمل الآمل ) نوشته شیخ حرّ عاملی نقل می کند که : محمد بن اسماعیل پسر اسماعیل هرقلی عالمی فاضل و از شاگردان علامه حلی بوده است .

4. ظاهراً مراد از توئه همان دمل بزرگ است .

5. از اعظام علماء شیعه است و دارای تالیفات فراوان متوفای ۶۶۴ هـ .

اسماعیل دلگیر شد ، سید بن طاووس به عنوان دلداری به او گفت : نمازت با وجود این خون صحیح است و صبر کردن در مقابل این درد و رنج اجر و ثواب خواهد داشت .

اسماعیل گفت : حال که چنین است من به سامرا می روم و دست توستل به دامن ائمه هدی می زنم<sup>(1)</sup> سپس به سامرا می رود بعد از زیارت امام علی النقی و امام حسن عسکری ( علیهما السلام ) ، به سرداب می رود و شب را در آنجا با استغاثه به صاحب الأمر مشغول بوده و می گوید : صبح به طرف دجله رفتم جامه خود را شستم و غسل زیارت کردم و ابریقی که داشتم پر از آب کردم و مجدداً متوجه حرم مطهر شدم هنوز به شهر و قلعه نرسیده بودم که دیدم چهار سوار می آیند فکر کردم از شرفاء اطراف سامرا می باشند وقتی جلو آمدند دیدم دو نفر جوان که یکی از آن ها تازه موی به صورتش روئیده بود و نیز یک پیر مرد بسیار پاکیزه



و تمیز که نیزه ای به دست داشت و چهارمی شمشیری حمایل کرده و روی آن لباسی که معروف بود به ( فرجی ) پوشیده است و تحت الحنک انداخته<sup>(2)</sup> و نیزه ای در دست دارد پیر مرد طرف راست و آن دو جوان طرف چپ آن فرجی پوش قرار گرفته اند فرجی پوش به من فرمود : فردا روانه می شوی ؟ گفتم : بلی ، گفت : جلو بیا تا ببینم چه چیز تو را آزار می دهد ؟ با خود گفتم : من شستشو کرده ام و از سوی دیگر عرب بادیه نشین احتراز از نجاست ندارد و لباس من هنوزتر است لذا تمایل به جلو رفتن نداشتم اما ایشان خودش خم شد و مرا به طرف خود کشید و دست بر آن جراحی نهاد و فشرد به طوری که بدرد آمد در همین حال آن پیرمرد به من گفت : **أَفَلَحْتَ يَا إِسْمَاعِيلُ** یعنی رستگار شدی .

من گفتم : **أَفَلَحْتُمْ** ، یعنی رستگار باشید ولی تعجب کردم که نام من را از کجا می دانند مجدداً آن پیرمرد به من فرمود : امام است امام ، به سرعت جلو رفتم ران و رکابش را بوسیدم امام حرکت کرد من نیز با جزع و فزع به دنبال رکاب او در حرکت بودم به من فرمود : برگرد عرض کردم از شما جدا نمی شوم باز فرمود : برگرد که مصلحت تو در

---

1. ظاهراً نظرش توسل به امام عصر ارواحنا فداه بود و الا کاظمین در نزدیکی بغداد بود و می توانست به آنجا برود .

2. گوشه عمامه خود را از زیر گلو به پشت انداخته .

برگشتن است من نیز گفتم : از شما جدا نمی شوم ، آن پیرمرد گفت : اسماعیل شرم نمی کنی ، امام دو مرتبه به تو می فرماید برگرد و تو بر نمی گردی ؟ ! من ایستادم ، چند قدم که از من دور شدند ، حضرت روی به من کرد و فرمود : چون به بغداد رسیدی ، مستنصر<sup>(1)</sup> تو را می طلبد و به تو عطائی خواهد کرد از او قبول نکن و به فرزندم ( رضی<sup>(2)</sup> ) بگو : تو را به علی بن عرض معرفی کند و من به او سفارش می کنم که هر چه خواهی به تو بدهد .

من در همان مکان ایستادم تا از نظر من غائب شدند ، ساعتی با حال تأسف در آنجا نشستم و سپس به سمت شهر و حرم عسکریین روانه شدم چون مردم من را مضطرب و متغیر دیدند گفتند : مشکل داری ؟ گفتم : نه ، با کسی نزاع کردی ؟ گفتم : نه ، شما به من بگوئید : این سواران را که از اینجا گذشتند دیدید ؟

گفتند : ایشان از شرفا می باشند گفتم : نه ، بلکه یکی از آنها امام عصر عجل الله فرجه الشریف بود پرسیدند : آن شیخ و پیرمرد و یا صاحب لباس فرجی گفتم : صاحب فرجی گفتند زخم را به او گفتم ؟ حکایت را نقل کردم ، لباس من را بالا زدند و ران من را دیدند که اثری از زخم باقی نمانده بود مردم ازدحام کردند و پیراهن من را پاره پاره کرده خبر به ( ناظر بین النهرین<sup>(3)</sup> ) رسید و آمد از نزدیک بررسی کرد و رفت و واقعه را به بغداد گزارش داد من شب را در سامرا ماندم ، صبح حرکت کردم ، چون به بغداد رسیدم دیدم جمعیت کثیری در انتظار من هستند و هر کس وارد می شود اسم او را می پرسند و چون من را شناختند مجدداً پیراهن من را پاره پاره کردند و به عنوان تبرک بردند و بالاخره سید بن طاووس با گروهی رسیدند و من را از دست مردم خلاص نمودند .

سید فرمود : تو شفا یافتی ؟ عرض کردم : بلی ، ران من را دید ، چون زخم را قبلاً دیده بود و از آن اثری ندید ساعتی از خود بیخود شد ، چون به حال عادی برگشت فرمود : خبر

---

1. خلیفه عباسی که از سال ۶۲۳ تا سال ۶۴۰ هجری حکومت کرده است .

2. مراد سید بن طاووس ( قدس سره ) است .

3. مأموری که از طرف حکومت در بین النهرین نظارت داشته و گزارش امور را به مرکز خبر می داده است .

تو به وزیر رسیده و از من خواسته که نزد او برویم ، رفتند ، سید فرمود : این مرد ، برادر من و از بهترین اصحاب من می باشد ، وزیر گفت : قصه را برایم نقل کن چون قصه را نقل نمودم ، وزیر به دنبال اطباء فرستاد چون حاضر شدند ، به آنها گفت : شما زخم این مرد

را دیده بودید ؟ گفتند : بلی پرسید که دواى آن چیست ؟ همه گفتند علاج آن منحصر است در بریدن آن زخم ولى زنده ماندن او بعید است پرسید : اگر نمیرد تا چه مدتی آن زخم خوب می شود ؟ گفتند : اقلّاً دو ماه آن جراحت باقى میماند و جای آن هرگز موی نخواهد روئید ، باز پرسید : شما چند روز است که او را ندیدید ، گفتند : با امروز ده روز است .

وزیر ران را برهنه کرد و به اطباء نشان داد دیدند با ران دیگر اصلاً تفاوتی ندارد .

یکی از اطباء که نصرانی بود فریاد برآورد و گفت ( : **وَاللّٰهِ هٰذَا مِنْ عَمَلِ الْمَسِيحِ** ) یعنی به خدا قسم که این از معجزات حضرت مسیح است .

خبر به خلیفه رسید وزیر من را به نزد او برد ، مستنصر گفت : قصه را بیان کن ، چون نقل کردم دستور داد کیسه ای که در آن هزار دینار بود به من بدهند و گفت : این را بگیر و مصرف کن ، گفتم : دانه ای از آن ها را قبول نمی کنم خلیفه گفت از چه کسی می ترسی ؟ گفتم از آن کسی که من را شفا بخشیده زیرا به من فرمود از ابو جعفر چیزی قبول نکنی ، خلیفه ناراحت شد و گریست (1) .

صاحب کتاب کشف الغمّه از پسر اسماعیل هرقلی نقل می کند که پدرم هر سال به سامرا می رفت تا شاید یکبار دیگر چهره زیبای امام خود را ببیند و این عمل چهل بار تکرار شد اما شرف زیارت دست نداد .

بعد از این که شیخ حرّ عاملی که یکی از علما و محدثین بزرگ جهان تشیع است حکایت اسماعیل هرقلی را نقل می کند ، می نویسد مانند این جریان در زمان ما و نیز در گذشته از آن حضرت به طور متواتر و قطعی برای ما واصل گردیده است (2) .

---

1. این حکایت را عدّه ای از بزرگان و محدثین نیز نقل نموده اند .

2. جزوه مؤسسه در راه حق که از کتاب اثبات الهداء ج ۷ ص ۳۵۵ نقل می نماید .

اگر شیخ حرّ عاملی آن مرد بزرگ می نویسد: اینگونه کرامات و معجزات در زمان ما و گذشته بطور متواتر نقل شده این حقیر نویسنده کتاب حکایتی را که حاکی از لطف و عنایت بارز حضرت بقیه الله اعظم است و برای همسر عالم فاضل و موثق جناب حاج آقای متقی همدانی واقع شد<sup>(1)</sup> و حکایت با واسطه برای من نقل شد اما خوشبختانه از جناب حاج آقای متقی وقت گرفتیم و بعد از نماز مغرب و عشا با دو دوست عزیزم جناب آقای شاکری و جناب آقای قاسمی و به همراه خانواده ها به منزل ایشان رفتیم و حکایت را به طور مستقیم و شفاهی خودشان برای ما نقل نمود .

اما چون آیت الله صافی از ایشان درخواست نموده که اصل واقعه را برای ایشان بنویسد<sup>(2)</sup> بهتر این است که ما نیز به عین نوشته حاج آقای متقی بسنده کنیم عین متن آن را در اینجا نقل می کنیم: بعد از حمد و صلوات و سلام بر اهل بیت پاک می نویسد: مناسب دیدم توسلی را که به حضرت بقیه الله فی الارضین حجة ابن الحسن العسکری نموده و توجهی که آن جناب فرمودند ذکر نمایم چون موضوع کتاب در اثبات وجود آن حضرت است از طریق معجزات و خرق عادات .

روز دوشنبه هجدهم ماه صفر از سال هزار و سیصد و نود و هفت امر مهمی پیش آمد که سخت مرا و صدها نفر دیگر را نگران نمود یعنی همسر اینجانب ( محمد متقی همدانی ) در اثر غم و اندوه و گریه و زاری دو سال که از داغ دو جوان خود که در یک لحظه در کوه های شمیران جان سپردند در این روز مبتلا به سکنه ناقص شدند . البته طبق دستور دکترها مشغول به معالجه و مداوا شدیم ولی نتیجه ای به دست نیامد . تا شب جمعه

بیست و دوم ماه صفر یعنی چهار روز بعداز حادثه سکنه شب جمعه تقریباً ساعت یازده رفتم در غرفه خود استراحت کنم . پس از تلاوت چند آیه از کلام الله و خواندن دعائی

---

1. مرجع عالی قدر حضرت آیت الله صافی گلپایگانی درباره ایشان می نویسد: آقای متقی: از فضلاء همدانی های حوزه علمیه قم و به تقوا و طهارت نفس معروف و خود اینجانب سال ها است ایشان را به دیانت و اخلاق حمیده می شناسم .

2. امامت و مهدویت: ص ۱۷۱ .

مختصر از دعا‌های شب جمعه، از خداوند تعالی خواستم که امام زمان حجة ابن الحسن - صلوات الله علیه و علی آباءه المعصومین - را مأذون فرماید که به داد ما برسد و جهت اینکه متوسل به آن بزرگوار شدم و از خداوند - تبارک و تعالی مستقیماً حاجت خود را نخواستم این بود که تقریباً از یک ماه قبل از این حادثه دختر کوچکم فاطمه از من خواهش می کرد که من قصه ها و داستان های کسانی که مورد عنایت حضرت بقیة الله - روحی و ارواح العالمین له الفداء - قرار گرفته و مشمول عواطف و احسان آن مولا شده اند را برای او بخوانم من هم خواهش این دختر ده ساله را پذیرفتم و کتاب نجم الثاقب حاجی نوری را برای او خواندم .

در ضمن من هم به این فکر افتادم که مانند صدها نفر دیگر چرا متوسل به حجت منتظر امام ثانی عشر ( علیه السلام ) - نشوم لذا همانطور که در بالا تذکر دادم در حدود ساعت یازده شب به آن بزرگوار متوسل شدم و با دلی پراز اندوه و چشمی گریان به خواب رفتم ، ساعت چهار بعد از نیمه شب جمعه طبق معمول بیدار شدم ، ناگاه احساس کردم از اطاق پائین<sup>(1)</sup> که مریض سکنه کرده ما آنجا بود صدای همهمه می آید سر و صدا قدری بیشتر شد سپس ساکت شدند . اذان صبح به قصد وضو پایین آمدم ناگهان دیدم صبیبه بزرگم که معمولاً در این وقت در خواب بود بیدار و غرق در نشاط و سرور است تا چشمش به من افتاد گفت : آقا مژده بده ؟ گفتم : چه خبر است ؟ من گمان کردم خواهرم یا برادرم از همدان آمده اند .

گفت : بشارت ، مادرم را شفا دادند . گفتم : کی شفا داد ؟ گفت : مادرم چهار ساعت بعد از نیمه شب با صدای بلند و شتاب و اضطراب ما را بیدار کرد چون برای مراقبت مریض دختر و برادرش حاج مهدی و خواهر زاده اش مهندس غفاری که این دو نفر اخیراً از تهران آمده بودند تا زن بیمار را برای معالجه به تهران ببرند ناگهان داد و فریاد زن بیمار که می گفت : بر خیزید آقا را بدرقه کنید بر خیزید آقا را بدرقه کنید . می بیند که تا این ها از خواب بر خیزند آقا رفته ، خودش که چهار روز بود نمی توانست حرکت کند از

---

. 1 در همین اطاق جناب آقای متقی برای ما حکایت رابعداز گذشت پنج ماه از اصل واقعه نقل می نمود .

جای برخواست دنبال آقا تا دم در حیاط می رود .

دخترش که مراقب حال مادر بود در اثر سر و صدای مادر که آقا را بدرقه کنید بیدار شده بود دنبال مادر تا دم در حیاط می رود تا ببیند که مادرش کجا می رود ، دم در حیاط مریض به خود می آید ولی نمی تواند باور کند که خودش تا اینجا آمده از دخترش زهرا می پرسد که زهرا من خواب می بینم یا بیدارم ؟

دخترش پاسخ می دهد که مادر جان تو را شفا دادند . آقا کجا بود که می گفتی آقا را بدرقه کنید ما کسی را ندیدیم . مادر می گوید : آقای بزرگواری در لباس اهل علم ، سید عالی قدری که نه جوان و نه پیر به بالین من آمد گفت : برخیزید خدا تو را شفا داد .

گفتم : نمی توانم برخیزم . با لحنی تندتر فرمود : شفا یافتی برخیز . من از مهابت آن بزرگواری برخاستم ، فرمود : تو شفا یافتی دیگر دوا نخور و گریه هم مکن .

چون خواست از اتاق بیرون رود من شما را بیدار کردم که او را بدرقه کنید . ولی دیدم شما دیر جنبیدید خودم از جا برخاستم و دنبال آقا رفتم .

بحمد الله تعالی پس از این توجه و عنایت ، حال مریض فوراً بهبود یافت و چشم راستش که در اثر سکنه غبار آورده بود برطرف شد . پس از چهار روز که میل به غذا نداشت تقاضای غذا کرد . لیوان شیری به او دادند و در اثر فرمان آن حضرت که گریه مکن ، غم و اندوه از دلش بر طرف شد و ضمناً خانم مذکوره از پنج سال قبل رماتیسم داشت از لطف حضرت ( علیه السلام ) شفا یافت با آنکه اطباء نتوانسته بودند معالجه کنند .

ناگفته نماند که در ایام فاطمیّه در منزل ، مجلسی بعنوان شکرانه این نعمت عظمی منعقد کردیم . موضوع را به آقای دکتر دانشور یکی از دکترهای معالج وی توضیح دادم . دکتر اظهار فرمود : آن مرض سکنه که من دیدم از راه عادی قابل معالجه نبود مگر آنکه از طریق خرق عادات و اعجاز شفا یابد . الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله المعصومین لا سیما امام العصر و ناموس الدهر ، قطب دایره امکان سرور و سلار انس و جان ، صاحب زمین و زمان ، مالک رقاب جهانیان ، حجة بن الحسن العسکری - صلوات الله و سلامه علیه وعلی آبائه المعصومین الی قیام یوم الدین - ابن محمد تقی متقی همدانی .

## نامه ای از آیت الله حائری ( رحمه الله )

بعد از براهین و ادله ای که برای اثبات وجود حجت خدا در هر عصر و زمانی از دیدگاه عقل و نقل و نیز اثبات وجود مقدس حضرت مهدی ( علیه السلام ) که حجت خدا در عصر حاضر می باشد مطرح گردید مناسب دیده شد که در این مقام نامه ای که حضرت آیت الله شیخ مرتضی حائری آن فقیه و دانشمند بزرگوار و نقاد مباحث علمی و دارای سجایا و خلقیات والای انسانی که از حیث علم و عمل مورد قبول عام و خاص بود در رابطه با اثبات حجت خدا در هر عصر و زمانی به ستاد برگزاری جشن های میلاد حضرت مهدی ( علیه السلام ) فرستاده که با وجود اختصار به دلیل زیبایی در این زمینه اشاره فرمودند نقل کنیم تا علاقه مندان از آن استفاده نمایند البته جای نقل این نامه در گفتار اوّل و یا دوم بود که بحث پیرامون اثبات حجت خدا بود از طریق عقل و نقل ولی اکنون که با ادله اثبات وجود حجت الهی از طرق مختلفه آشنا شدید خوب است در این نامه دقت به عمل آید که راه تازه ای را در این راستا گشوده است گرچه متن نامه برای توده مردم قابل فهم نیست اما صلاح دیده شد که عین نامه ای که از آیت الله شیخ مرتضی حائری در رابطه با اثبات حجت خدا به ستاد برگزاری جشن های میلاد امام عصر ارسال گردیده نقل نماییم و آن چنین است :

مقام محترم ستاد برگزاری جشن های میلاد حضرت خلیفه الله حجة بن الحسن المهدی - صلوات الله علیه وعلی جده و آباءه الطاهرین - .

پس از اهداء سلام و تحیات اینجانب به واسطه دنباله کسالت قلب و اعصاب از قسمت زیادی از وظائف ، برکنارم و لذا از نوشتن مقاله مفصلی که تا حد تشخیص نالایق خودم تناسبی با مقام معظم ولی الله اعظم و مولای مکرم داشته باشد معذرت می طلبم ولی برای این که تا حدّ خیلی پایینی قیام به وظیفه نوکری نموده باشم چند کلمه راجع به این موضوع ارجمند می نویسم بعونه تعالی و توفیقه .

غیر از هزارها دلیل که از اماناء وحی رسیده و از تورات گرفته تا امام یازدهم بیان فرموده و همه بشارت به وجود مبارک او داده اند . و غیر از عدّه زیادی که پیش از غیبت و در غیبت صغری و غیبت کبری خدمتش رسیده اند که تنها در کتاب نجم الثاقب صد

حکایت راجع به آنها که در غیبت کبری خدمت رسیده اند ذکر می کند . و غیر از آن کسانی که خود اینجانب می دانم که خدمتش رسیده و بعضی از آنها در این زمان هستند که نام آنها برده نمی شود .

یک دلیل قرآنی ذکر می شود که خصوص این دلیل را ندیده ام کسی به این بیان ذکر کرده باشد و آن آیه ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره است که اول آن جمله شریفه ( **وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** ) (می باشد که خلاصه آن این است که خداوند به فرشتگان فرمود که من قرار دهنده جانشینی در روی زمین هستم فرشتگان گفتند : آیا آفرینشی در روی زمین می کنی که در آن فساد و خونریزی می کنند ؟ چون می دانستند که خلقت خلیفه تنها نخواهد بود ، و مقصود این است که شاید آگاه شوند که خداوند متعال چه حکمتی در مقابل این فساد دارد حق متعال اسماء را ( ظاهراً خصوصیات و حقائق موجودات ) را به آدم تعلیم فرمود و ملائکه نمی دانستند و به آدم فرمود : آنان را از این حقائق آگاه نماید .

پس از آن ، ملائکه دانستند راز آفرینش بشر و خلیفه الله را و اینکه فساد که از لوازم خلقت بشری است در مقابل خلقت ( خلیفه الله ) چیزی نیست ، و بیان دلالت از چهار راه است .

1- می گویند و ظاهر کلام نیز چنین است که جمله اسمیۀ دلالت بر دوام دارد یعنی جمله ( **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** ) ( من در روی زمین خلیفه و جانشینی قرار دهنده هستم ، این جمله تمام اعصار و ازمنه را خواهد گرفت .

2- بودن علّت قرار دادن خلیفه ای که تدارک فساد جامعه بشری باشد به وجود جانشین خدا در روی زمین که عالم به حقائق موجودات است در همه اعصار ، زیرا فساد جامعه بشری در اعصار توسعه آن زیادتر و خیلی بیشتر است .

3- با قطع نظر از تدارک فساد بشری قابلیت درک حقائق موجودات و تعلیم آن به فرشتگان دائم و همیشگی است ، پس باید این لطف دائم باشد چون فائده آن دائم و همیشگی است .

4- از آیه شریفه معلوم می شود که ممکن است یکی از موجودات بشری به قدری



بلند پایه باشد که عارف به حقائق موجودات بوده به حدّی که فرشتگان از او باید تعلّم نمایند . بنابر این باید همیشه موجود باشد چون با وجود قابلیت قطع فیض از واجب الوجود که آماده فیض است قبیح است و مسلماً افاضه می فرماید (1) .

**1/ج ۱ / ۱۴۰۲ مرتضی حائری**

### خلاصه بحث

ظهور و بروز کرامات از ناحیه مقدسه ، دلیل روشن دیگری است بر وجود حضرت مهدی ( علیه السلام ) این کرامات به وفور در زمان های مختلف و اماکن و بلاد متعدد مشاهده شده ، هر صاحب خردی حکم می کند که در پشت پرده ، شخصی که از ولایت الهیه برخوردار است وجود دارد و به دو مطلب قرآنی اشاره شد ۱ - باطل دوام ندارد ۲ - باطل نمی تواند با حق مقابله کند تا چه رسد از طریق باطل کسی بخواهد خود را رسول و سفیر الهی معرفی کند .

پس استغاثه به عنوان حجت خدا و ولی خدا و جواب گرفتن و مشاهده الطاف آن بزرگوار نمی توان گفت : دست باطل در کار است و این بروز و ظهور کرامات از طرف غیر حجت خدا است .

و سپس به نمونه از اینگونه الطاف بی شمار که از ناحیه مقدسه بقیة الله اعظم صادر گردید اشاره شد یعنی لطفی که از جانب ولی الله اعظم حضرت مهدی ارواحنا فداه به اسماعیل هرقلی شد و نیز به نمونه در عصر حاضر اشاره شد که مربوط می شود به توجه عنایات حضرت به خانم متقی و در خاتمه ، نامه ای که از حضرت استاد آیت الله شیخ مرتضی حائری ( قدس سره ) به ستاد برگزاری جشن های میلاد حضرت مهدی ( علیه السلام ) فرستاده و از آیه ( **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** ) استدلال نموده برای لزوم حجت خدا در هر عصر از اعصار نقل شد .

---

۱. گرچه همانگونه که قبلاً اشاره کردیم بعضی عبارات ها و جملات نامه احتیاج به توضیح داشت . و از فهم همگان مقداری دور است ولی بهتر این بود که امانت در نقل را رعایت کنیم تا صاحب نظران و اندیشمندان بهتر بتوانند از این نامه بهره برداری کنند .

## \*سؤالات گفتار چهارم

- 1- چطور از ظهور کرامات می توان بهوجود صاحب الزمان و حجت خدا پی برد ؟
- 2- از آیه ۱۷ سوره رعد چه برداشت می شود ؟
- 3- از آیات ۷۴ تا ۸۲ سوره یونس چه برداشت می شود ؟
- 4- اسماعیل هرقلی در حله به چه کسی مراجعه نمود ؟
- 5- اطباء درباره بیماری اسماعیل چه گفتند ؟
- 6- امام ( علیه السلام ) به اسماعیل چه فرمود ؟
- 7- شفا یافتن اسماعیل در عصر کدام خلیفه از خلفای عباسی بود ؟
- 8- محدث بزرگ شیخ حرّ عاملی بعد از نقل حکایت اسماعیل هرقلی چه می گوید ؟
- 9- همسر آقای متقی به چه مرضی مبتلا شد ؟
- 10- امام زمان به خانم متقی چه فرمود ؟
- 11- آقای متقی به عنوان تشکر از عنایت امام زمان چه کرد ؟
- 12- دکتر دانشور در این باره چه گفت ؟
- 13- خلاصه گفتار را بیان نمائید .

### استغاثه و توسل به ذوات مقدسه

در بحث ظهور و بروز کرامات امام عصر سؤالی مطرح می شود و آن اینکه اگر خداوند به بعضی از بندگان برگزیده و ممتاز خود قدرت فوق العاده ای مرحمت کند و او بتواند دردها را درمان کند و استغاثه ها را جواب . بدهد آیا با مسئله توحید منافات دارد؟ (1)

### سنت لا یتغیر الہی

خداوند متعال جهان را بر اساس اسباب و مسببات قرار داده است . اگر کسی گرسنه شد باید به سراغ غذا برود و اگر تشنه شد باید به آب پناه ببرد و اگر بیمار شد به سوی دارو و درمان برود . . .

و این خداوند متعال است که این خواص را درون گیاهان و ریشه درختان قرار داده یعنی در روغن زیتون و عسل و سیب و انجیر و گل گاو زبان و سبزیجات و میوه جات و . . . خاصیت درمانی قرار داده است و همچنین در زهر و سمّ مار خواصی را به ودیعه

1 . گرچه یک دلیل واضح و روشن آن همان وقوع کرامات و جواب گوئی هائی است که از ناحیه این ذوات مقدسه در پی استغاثه ها و توسلات مردم در زمان های مختلف و اماکن متفاوت محقق شده و چنانچه جنبه الہی و دینی نداشت هرگز این شفا بخشی ها و درمان دردها و داد رسی ها واقع نمی شد که جهت آن در مباحث گذشته معلوم گردید .

گذارده که می تواند بعضی از دردهای صعب العلاج بشری را درمان کند (1) .

اینک سؤال این است که اگر کسی دنبال این اسباب برود ، آیا مورد سرزنش عقلا قرار می گیرد ؟ و آیا می توان گفت که بر خلاف دستورات شرع مقدس حرکت کرده است ؟ و آیا می توان به او نسبت شرک داد و بگوییم این عمل با توحید منافات دارد ؟ قطعاً جواب این سؤالها ، منفی است .

پیروان مکتب اهل بیت و شیعه اثنا عشریه مدعی هستند که بر اساس ادله فراوان خداوند متعال به نفوس قدسیه همانند انبیاء عظام و ائمه اطهار ( علیهم السلام ) قدرتی داده که دیگران فاقد آن می باشند (2) .  
و سپس بندگان را به آن ها ارجاع داده و با این بزرگان عالم خلقت مرتبط ساخته است .

### ادله ای که این مدعا را ثابت می کند

قرآن با صراحت تمام برای بعضی از انبیاء و بلکه انسان های ممتاز این قدرت فوق العاده را بیان نموده و آن ها را دارای نیروی تصرف در جهان خلقت معرفی می نماید ، در این رابطه به دو نمونه اشاره می شود .

1- در رابطه با حضرت مسیح ( علیه السلام ) آمده است ؟ ( اُنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ اُنِّي اَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنْ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَاَنْفُخُ فِيْهِ فَيَكُوْنُ طَيْرًا يٰۤاٰذِنِ اللّٰهِ وَاَبْرِئِ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ وَاٰخِي الْمَوْتٰى يٰۤاٰذِنِ اللّٰهِ وَاَنْبِئَكُمْ بِمَا تَاْكُلُوْنَ وَمَا تَدَّخِرُوْنَ فِيْ بُيُوْتِكُمْ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لآيَةً لِّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ) (3) .

«من نشانه ای از طرف پروردگار شما ، برایتان آورده ام ، من از گل چیزی به شکل پرنده می سازم سپس در آن می دمم و به فرمان خدا پرنده ای می گردد ، و با اذن خدا کور مادر زاد و مبتلایان به برص یعنی پیسی را بهبودی می بخشم و

---

1. تا جایی که ملاحظه می کنید داروخانه ها عکس دو مار است که در جامی زهر خود را می ریزند .

2. گرچه قدرتی را که خداوند به این بزرگان داده به طور یکسان نیست بلکه بعضی بیشتر و بعضی کمتر است .

مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم و از آنچه می‌خورید و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید ، به شما خبر می‌دهم ، مسلماً در اینها ، نشانه‌ای برای شما است اگر ایمان داشته باشید .»

حضرت عیسی می‌فرماید من گل را به صورت کبوتر و پرنده می‌سازم و من در آن می‌دمم من کور مادر زاد و بیمار مبتلا به برص را شفا می‌دهم و من مرده را زنده می‌کنم و بالاخره من از غیب به شما خبر می‌دهم منتهی این قدرت را خداوند در وجود من قرار داده و برای به کارگیری آن نیز با اذن و رضایت او بکار گرفته می‌شود . پس معلوم می‌شود خداوند به ایشان این قدرت و توان را داده و اگر بندگان مبتلای خود را به این انسان‌های ممتاز ارجاع بدهد مانعی ندارد ؟

آیا می‌توان گفت : بهره‌گیری از خواص گل گاوزبان برای درمان مانعی ندارد اما پناه بردن به حضرت عیسی برای بهره‌گیری از قدرت نفسانی و الهی او شرک محسوب می‌شود !!

2- در سوره مبارکه نمل حکایت خبر آوردن هدهد را برای سلیمان بازگو می‌کند ، و سلیمان را از مملکتی به نام سبا و پادشاه آن به نام بلقیس و از اوضاع و احوال حکومت و مملکت مطلع می‌سازد . سلیمان به اطرافیان خود می‌گوید : کدام یک از شما تخت او را برای من حاضر می‌کنید قبل از این که آنها تسلیموار پیش من آیند ؟ فردی که از طائفه جَنِّیان بود و قرآن از آن به ( عفریت ) نام برده گفت : من آن را می‌آورم قبل از اینکه از جای خود برخیزی اما انسانی که به تعبیر قرآن به او علم و دانشی داد شده بود به حضرت سلیمان گفت : پیش از آنکه چشم بر هم بزنی آنرا نزد تو خواهم آورد (1) .

در روایات آمده آن شخص عاصف بن برخیا بود و نکته قابل توجه این است که فردی عادی از چنین قدرتی برخوردار است و می‌تواند در جهان خلقت دخل و تصرف کند و به چشم برهم زدنی تخت بلقیس را از فرسخ‌ها فاصله حاضر کند و حضرت سلیمان هم از قدرت و توان او استفاده می‌نماید و می‌فرماید ( : یا أَيُّهَا

الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي

1. نمل : ۴۰ ، ( قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ . )

بِعَرَشِهَا » ( ای بزرگان کدام یک از شما تخت او را برای من می آورید « معلوم می شود که صاحبان چنین قدرتی در بین حاضرین متعدّد بوده اند (1) .

آیا خداوند متعال این قدرت فوق العاده را به بعضی از بندگان خود داده که هیچ استفاده از آن نشود ؟ یقیناً این طور نیست حضرت سلیمان از آنها خواست که این کار را برای او انجام دهند و واژه توسل چیزی غیر از این نیست که از بزرگی و صاحب نفسی و صاحب قدرتی بخواهیم که ما را کمک نماید . با توجه به اینکه این افراد بزرگ تمام قدرت و توانائی آنها از جانب خدا است ما که به آنها مراجعه می کنیم معتقدیم که آنها هر چه دارند از خدا است و خودشان نیز اعتراف می کنند که ما هر چه داریم از جانب خداوند است و لذا این قدرت خدادادی را در مسیر غیر رضای خداوند به کار نمی گیرند . بنابراین استمداد و کمک خواهی از این افراد هیچ گونه تضادی با مسأله توحید ندارد .

### دور نمائی از قدرت و توانائی ائمه اطهار ( علیهم السلام )

اگر نگاهی به روایات کتاب اصول کافی باب الحجّة در رابطه با علم و توانائی های ائمه ( علیهم السلام ) داشته باشیم و مضامین زیارت ها مخصوصاً زیارت جامعه کبیره را در نظر بگیریم می توان تصویر و یا شبهی از وفور علم و قدرت و توانائی آنها در ذهن ایجاد کنیم .

در این گفتار کوتاه فقط به دو نکته در این خصوص اشاره می شود :

محدث بزرگ شیخ کلینی در اصول کافی ( باب الحجّة ) روایاتی نقل نموده که اسم اعظم الهی دارای ۷۳ جزء است و ۷۲ جزء آن در اختیار ائمه اطهار ( علیهم السلام ) است .

و حال آنکه عاصف بن برخیا که توانست تخت بلقیس را با یک چشم برهم زدن مقابل سلیمان حاضر کند از یک جزء اسم اعظم برخوردار بود ، تفاوت ره از کجاست تا به کجا ! !

1. درخواست حضرت سلیمان از آن گروه برای احضار تخت بلقیس دلیل نمی شود که خود حضرت توانائی چنین کاری را نداشته زیرا محتمل است که می خواسته این کار از طریق پرورش یافته های او و اطرافیان او انجام بگیرد .

دوم : مقایسه بین آیه ) : **قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** <sup>(1)</sup> . )

با آیه ) : **قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ** <sup>(2)</sup> . )

مفسرین شیعه می گویند مراد از ( **مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** ) حضرت علی بن ابی طالب ( **علیه السلام** ) است و روایات هم در این رابطه متعدد وارد شده مخصوصاً علامه طباطبائی در المیزان <sup>(3)</sup> با دلیل محکم و قاطعی ثابت می کند که مراد از ( **مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** ) کسی غیر از علی ( **علیه السلام** ) نمی تواند باشد .

و روایتی را از ابی سعید خدری نقل می کند <sup>(4)</sup> و می گوید : به رسول خدا ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) عرض کردم : مراد از آیه ( **قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ** ) کیست ؟ فرمود : وصی برادرم ، سلیمان بن داود . عرض کردم یا رسول الله مراد از آیه ( **قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** ) کیست ؟ فرمود : برادرم علی بن ابیطالب ( **علیه السلام** ) .

این روایت و نظیر آن بیان می کند که در صدر اسلام نیز مقایسه بین این دو آیه در بعضی از اذهان مطرح بوده است . آری در آیه اول ( علم ) نکره است و به مختصر علم از کتاب نیز اطلاق می شود ، اما در آیه دوم با اضافه شدن علم به ( کتاب ) که الف و لام دارد و مفید عموم است مراد تمامی علم کتاب خواهد بود .

برای روشن شدن مطلب به یک مثال توجه کنید اگر گفته شود : آبی از دریا ، می توان آنرا به قطره ای از آب دریا اطلاق کرد اما اگر گفته شود آب دریا فقط در جائی به کار می رود که تمامی آب دریا را اراده کرده باشیم .

آری پیش عاصف علمی از کتاب بود اما علی بن ابی طالب ( **علیه السلام** ) از تمام علم کتاب

---

1. اُرعِد : ٤٣

2. نَمَل : ٤٠

3. مفسرین عامه سعی کرده اند که ( **مِن عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ** ) را منطبق کنند با چند نفر از علماء اهل کتاب مانند تمیم داری و جارود مخصوصاً روی عبدالله بن سلام پافشاری می کنند که علامه طباطبائی می فرماید :  
سوره رعد به اتفاق فریقین مکی است و هرگز در مکه از علماء اهل کتاب ایمان نیاورده اند . . .

4. المیزان : ج ١١ ، ص ٤٢٧ .

برخوردار می باشد .

شاعر می گوید :

میان ماه من تا ماه گردون \* \* \* تفاوت از زمین تا آسمان است

و شاید همین مطلب باعث شده که از رسول خدا ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) سؤال می شود مراد از ( **مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** ) کیست و مراد از ( **مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** ) کیست ، بنا بر این باید اعتراف کرد :

اگر مقداری از علم کتاب که در نزد عاصف بود و توانست آن قدرت نمائی را بکند و خواسته سلیمان را جامه عمل بپوشاند مولای متقیان علی بن ابیطالب ( **عَلَيْهِ السَّلَام** ) چه قدرتی خواهد داشت ؟ !

و به حمد الله مظاهر این قدرت نمائی ها به وفور از ائمه اطهار مشاهده شده و با کمترین توجه خود مهمترین مشکلات را حل نمودند که صدها نمونه آن در کتب مسطور است (1) .

به ذره گر نظر لطف بو تراب کند \* \* \* به آسمان رود و کار آفتاب کند

نسبت ناروا به موحدین



متأسفانه گروهی از مسلمانان که در این قرون اخیر پیدا شده و معروف شده اند به فرقه وهابیت<sup>(2)</sup> مسئله توسل را شرک دانسته و به پیروان قرآن جاهلانه و یا مغرضانه مشرک اطلاق می کنند گرچه خوشبختانه قاطبه اهل سنت با آنان هم فکر و همراه نیستند . ولذا لازم است برای رفع اتهام از پیروان اهل بیت و آگاهی بخشیدن به وهابی ها اگر

---

1. حکایت نجات ابو الحسین کاتب از دست فرمانروای ظالم و شفا یافتن شیخ حرّ عاملی در سن ده سالگی از جمله این حکایت است که در منتهی الآمال شرح آن آمده است .

2. بررسی پیدایش فرقه وهابیت در عربستان و بهائیت در ایران و بعضی دیگر از ممالک اسلامی آن هم همزمان ، گویای آن است که این دو فرقه دو حزب بوده اند که با دست اجانب پیدا شدند . برای اثبات این مطلب به کتاب آئین وهابیت تالیف استاد عالیقدر آیت الله سبحانی مد ظلّه العالی و دیگر کتبی که در این زمینه نوشته شده مراجعه نمائید .

زمینه تنبّه در آنها وجود داشته باشد و یا لا اقل اتمام حجت بیشتر برای آنان ، به نکاتی اشاره کنیم .

### ملائکه و تدبیر عالم

قرآن در آیات فراوانی به مسؤولیت هایی که به ملائکه واگذار شده است اشاره می کند :

1- قبض ارواح ۲ - سؤال در قبر ۳ - با نفخ صور اول همگان را می میرانند ۴ - با نفخ صور دوم تمامی را زنده می کنند ۵ - وضع میزان در قیامت ۶ - سوق انسان ها به جهنم و بهشت ۷ - نزول وحی و دفع شیاطین از مداخله در آن ۸ - تأیید و تقویت مؤمنین در جنگ ۹ - استغفار برای تطهیر صاحبان ایمان ۱۰ - نشر و انتشار ابرها .

و در سوره نازعات آمده ( **فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا** ) که تدبیر امور و حوادث عالم به دست اینها است .

در این مورد تفاوتی ندارد بگوئیم : مراد مطلق ملائکه است - که در تفسیر المیزان این قول را نسبت داده به اکثر مفسرین و بعضی ادعای اتفاق کرده اند - یا بگوئیم : مراد ملائکه چهارگانه هستند که هر یک تدبیر بخشی از جهان هستی را در اختیار دارند .

علامه طباطبائی بحثی را مطرح می کند تحت عنوان ( **انَّ الْمَلَائِكَةَ وَسَائِطَ فِي التَّدْبِيرِ** ) که می فرماید : ملائکه و فرشتگان هم در ابتداء خلقت اشیاء و نیز حوادث کنونی دنیا و هم در عالم آخرت و حتی در مسائل نزول وحی و تشریح و ... کار ساز بوده اند و خداوند تدبیر این امور را به آنها واگذار کرده است (1) .

و سپس می فرماید : وساطت ملائکه و سببیت آنها برای تحقق یافتن حوادث امور مهم در جهان خلقت منافات با توحید ندارد زیرا سببیت آنها در طول سببیت پروردگار است ( نه در عرض آن ) .

جای بسی تعجب است که اگر خداوند متعال این قدرت و امکانات را در اختیار

---

. 1 جزء ۳۰ المیزان : ص ۲۸۳ .

یک انسان الهی همچون انبیا و اولیا قرار دهد ، یعنی آن انسانی که معلم و مسجود ملائکه قرار گرفت باید گروهی فریاد برآورند که اینگونه اعتقاد و فکر و اندیشه شرک است !! و با توحید منافات دارد ؟

### نحوه تعلیم و تربیت قرآن در این رابطه

قرآن گاهی به طور دستور و امر و گاهی به نحو نقل حکایت از انبیا که منادیان توحید بودند مردم را برای رفتن به سوی الله و پیمودن راه کمال و آمرزش گناهان و بهبود یافتن بیماران به خانه انبیاء و بزرگان و مقربان درگاه ربوبی ، ارجاع می دهد و مسئله توسل را مطرح می نماید .

در یک جا به طور عام صاحبان ایمان و تقوی را برای رفتن به سوی خدا به تمسک و توسل یافتن به وسیله دستور می دهد و می فرماید ( : **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ** » ( ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بپرهیزید ، و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید .

وسيله چیزی است که باعث تقرب جستن انسان به مطلوب و خواسته اش می باشد و لذا ایمان و جهاد و نماز و صوم و زکات و ... می توانند وسیله برای تقرب الی الله قرار گیرند (1) .

و نیز می تواند وسیله استمداد نمودن از مقام والی اولیای الهی باشد . در بعضی روایات وارد شده : **إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَخَذَ بِحُجْرَةِ رَبِّهِ وَنَحْنُ آخِذُونَ بِحُجْرَتِهِ وَأَنْتُمْ آخِذُونَ بِحُجْرَتِنَا** (2) رسول خدا ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) به وجود پروردگار تمسک می کند و ما ائمه به وجود پیامبر و شما به وجود ما تمسک می نمائید ( و نیز آمده : در تفسیر آیه ) **وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ** : ( **تَقَرَّبُوا إِلَيْهِ بِالْإِمَامِ** ، به وسیله امام به خدا نزدیک شوید (3) .

---

1. در نهج البلاغه خطبه ۱۱۰ در این رابطه سخن گفته شده ( **إِنْ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمَتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ** سبحانه و تعالی ایمان بالله . . . ) .

2. المیزان : ج ۵ ، ص ۳۶۲ ( حجزه به معنای کمربند ) .

3. المیزان و نور الثقلین : ج ۱ ، ص ۲۲۷ .

### **توسل به ذوی القربی و اهل بیت پیامبر ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) در منابع اهل سنت**

موضوع توسل و روایات در این رابطه در منابع روایی شیعه به قدری روشن است که نیاز به نقل احادیث نیست . مهم بررسی این موضوع از دیدگاه اهل سنت و روایات آنان است .

در تفسیر نمونه<sup>(1)</sup> از کتاب وفاء الوفاء تالیف دانشمند معروف سنی (سمهودی) نقل شده که مدد گرفتن و شفاعت خواستن از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و از مقام ایشان، هم پیش از خلقت او جایز است و هم بعد از تولد و هم بعد از رحلتش. و سپس به توسل نمودن آدم ابوالبشر به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اشاره می‌کند. و نیز از نسائی و ترمذی دو دانشمند معروف اهل سنت به عنوان شاهد برای جواز توسل نقل کرده، نابینائی از پیامبر درخواست دعا برای شفاء بیماری اش کرد حضرت فرمود این گونه بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي فِي حَاجَتِي لِتَقْضِي لِي**، مضمون این دعا این است که یا رسول الله ما به تو روی آورده ایم برای رفتن به سوی خدا در رابطه با قضاء حاجاتمان.

و نیز سمهودی اضافه می‌کند که شخصی در زمان خلافت عثمان یعنی بعد از رحلت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد کنار قبر پیامبر و با همان جملات قبل (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ) . . . به حضرت توسل یافت و مشکل او حل شد. نویسنده مذکور ۲۶ حدیث در این رابطه نقل می‌کند.

که در بعضی از آنها از امام شافعی پیشوای معروف اهل تسنن نقل می‌کند که به اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) توسل می‌جسته و چنین می‌گفته:

أَلُ النَّبِيِّ ذَرِيعَتِي وَهُمْ إِلَيَّ وَسِيلَتِي \* \* \* أَرْجُو بِهِمْ أَعْطَى غَدًا بِيَدِ الْيَمِينِ صَحِيفَتِي (2)

. 1 تفسیر نمونه: ج ۴، ص ۳۶۷.

2. خاندان پیامبر وسیله من هستند، آنها در پیشگاه او سبب تقرب من می‌باشند، (امیدوارم به سبب آنها فردای قیامت نامه عمل من به دست راست من داده شود).

و نیز از تفسیر روح المعانی تالیف آلوسی که یکی از مفسرین معروف و مشهور اهل سنت است نقل شده که ایشان بعد از بحث طولانی در موضوع توسل و تجزیه و تحلیل آن می‌نویسد: من هیچ مانعی در توسل به

پیشگاه خداوند به مقام پیامبر ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) نمی بینم چه در حال حیات حضرت و چه بعد از رحلت ایشان ، سپس اضافه می کند : توسل جستن به مقام غیر پیامبر نیز مانعی ندارد به شرط اینکه او حقیقتاً در پیشگاه خدا مقامی داشته باشد (1) .

در کتاب شبهای پیشاور (2) از حافظ ابو نعیم و ثعلبی و دیگران از اهل سنت نقل می کند که مراد از ( وسیله ) در آیه شریفه ، عترت و اهل بیت رسول خدا ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) می باشد .

و سپس از ابن ابی الحدید نقل می کند : که فاطمه زهرا ( عَلَيْهَا السَّلَام ) در قضیه غصب فدک در حضور مهاجر و انصار ( در مقام معرفی خودشان و نیز اشاره به تفسیر و تأویل آیه شریفه ) فرمود : **أَحْمَدُ اللهُ الَّذِي لِعَظَمَتِهِ وَنُورِهِ يَبْتَغَى مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ ، وَنَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ** ( حمد می کنم خدائی را که آن قدر بزرگ و عظیم است و نور وجودش شدت دارد که تمامی موجودات آسمانی و ارضی باید برای رفتن به سوی او وسیله و واسطه برای خود فراهم آورند و ما عترت پیامبر ، آن وسیله ها هستیم )

نظیر این جمله نیز در میزان از ابن شهر آشوب نقل شده که علی بن ابیطالب ( عَلَيْهِ السَّلَام ) در توضیح و تفسیر آیه ( **وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ** ) فرمود : **أَنَا وَسِيلَتُهُ** ( آن وسیله که مردم باید به واسطه آن به سوی خدا حرکت کنند من می باشم ) .

### آمرزش گناهان از طریق توسل

قرآن بعضی از گناهکاران را ارجاع می دهد به در خانه انبیاء و مقربان الهی با این که در توبه باز است و هرگز قرآن گنه کار را مأیوس نمی کند (3) مع ذلک آنان را به در خانه

---

1. تفسیر نمونه نقل کرده از تفسیر روح المعانی : ج ۴ ، ص ۱۴۴ و ۱۱۵ .

2. ص ۲۱۹ این کتاب که تالیف عالم جلیل القدر حاج سلطان الواعظین شیرازی است که مکرراً به چاپ رسیده

3در قرآن آمده ) واذ استلک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذ ادعان . (

مقربان درگاه الهی ارجاع می دهد و می فرماید ( : وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا )<sup>(1)</sup> ( اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می کردند به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند . )

نظیر این آیه در اواخر زیارت جامعه کبیره آمده که خطاب به ائمه اطهار ( علیهم السلام ) می گوئیم : یا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ ، ( ای ولی خدا من گناهی کرده ام که مشمول رحمت و لطف الهی قرار نمی گیرم مگر اینکه شما خانواده از من خوشنود شوید . )

#### فرزندان یعقوب از پدر تقاضای دعا می کنند

فرزندان یعقوب بعد از آگاهی یافتن از برادرشان یوسف و با پیدا شدن ایشان تمامی گناهان آنها ظاهر گردید با شرمساری فراوان به نزد پدر آمدند و عرض کردند ( : قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ )<sup>(2)</sup> ای پدر از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطا کار بودیم .

حضرت یعقوب نفرمود : خودتان مستقیماً از خدا طلب مغفرت نمائید اگر این عمل بوی شرک می داد یقیناً حضرت یعقوب که منادی توحید و دشمن سر سخت شرک است می فرمود خودتان از خدا بخواهید چرا از من می خواهید و می گوئید : يَا أَبَانَا ؟ اما آن حضرت در جواب فرمود ( : سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي )<sup>(3)</sup> « (3) » به زودی برای شما طلب مغفرت خواهم کرد . »

این گونه آیات کاملاً دلالت دارد بر این که قرآن توسل و استغاثه به کسانی را که در نزد پروردگار مقامی دارند تجویز نموده و بلکه بر آن تحریم و ترغیب می نماید .

2. یوسف : ۹۷ .

3. یوسف : ۹۸ .

### پیراهن یوسف کارسازی می نماید

قرآن از قول حضرت یوسف نقل می کند ( : اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَاَلْقُوهُ عَلَيَّ وَجْهِي اَبِي يَاتِ بِصِيْرًا <sup>(1)</sup> )  
پیراهن من را ببرید و بر صورت پدرم بگذارید تا بینا شود وقتی پیراهن را آوردند بر صورت پدر گذاشتند  
بلا فاصله بینا شد <sup>(2)</sup> .

این آیه و واقعه دلالت می کند که متعلقات بزرگان و مقربان درگاه الهی از قبیل لباس و قلم و ... کار ساز  
است تا آن جایی که همین اشیا می تواند چشم نابینائی را بینا کند .

اگر بگویند پیراهن یوسف در زمان حیات او چنین عملی را انجام داده ولی پس از مرگ او چنین استغاثه و  
توسلی جایز نیست باید گفت آیا توجه به غیر خدا در زمان حیات بزرگان عالم جایز است و شرک نیست اما در  
زمان فوت آنان شرک محسوب می شود ؟ !

بعضی از بزرگان اهل سنت گفتند توسل به نام پیامبر و اهل بیت طاهرین او ( **عليهم السلام** ) آن هم هزاران  
سال قبل از ولادت ایشان برای آدم کارسازی کرد و موجب قبول توبه او گردید ، ( **فَاعْتَبِرُوا يَا اُولِيَ الْاَبْصَارِ** )

روزی ابوحنیفه امام و پیشوای حنفی ها در خدمت امام صادق ( **عليه السلام** ) بود و غذا می خورد ، امام صادق  
( **عليه السلام** ) بعد از خوردن غذا دست خود را بلند کرد و گفت : **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** خداوندا این  
نعمت از جانب تو و پیامبر تو بوده ابوحنیفه گفت : آیا برای خدا ، شریک قرار می دهی ؟ حضرت فرمود : وای  
بر تو ، خداوند متعال در کتاب خود فرموده ( : **وَمَا نَقْمُوا اِلَّا اَنْ اَغْنَاهُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ** <sup>(3)</sup> ) و در  
جای دیگر فرموده ( : **وَلَوْ اَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللهُ سَيُؤْتِينَا اللهُ مِنْ فَضْلِهِ**  
**وَرَسُولُهُ** <sup>(4)</sup> )

---

. آیوسف : ۹۳ .

( . ۲ قَلَمًا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا . )

۳ توبه : ۷۴ ، « آنان از پیامبر خلافی ندیده اند و هیچ لطمه ای از اسلام نخورده بودند بلکه بر عکس در پرتو حکومت اسلام از نعمت های مادی و معنوی برخوردار شدند و به تعبیر آیه شریفه از فضل خداوند و فضل رسول خدا بهره مند بودند . در این آیه ، فضل و تفضلات رسول خدا در کنار فضل الهی قرار گرفته » .

۴ توبه : ۵۹ ، ترجمه آیه : « اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده راضی باشند و بگویند خداوند برای ما کافی است و بزودی خدا و رسولش از فضل خود به ما می بخشد برای آنها بهتر است . » ملاحظه می کنید در این آیه نیز فضل رسول خدا در کنار فضل الهی آمده و نیز عطا و بخشش رسول خدا در کنار عطا و بخشش الهی قرار گرفته باز تکرار می کنیم که قبول داریم پیامبر اکرم هر چه دارد از جانب خدا است و آنچه می کند به عنایت الهی است . اما آنانکه می گویند : در کنار فضل الهی دیگر سخن از دیگران نشود و در مقابل لطف خدا دیگر سخن از الطاف دیگران به میان نیاید که شرک می شود که ابو حنیفه چنین اشکالی را به امام صادق ( علیه السلام ) می کند این دو آیه کاملاً این طرز تفکر را ردّ نموده و فضل رسول خدا ( صلی الله علیه و آله وسلم ) را در کنار فضل الهی مطرح نموده است .

ابو حنیفه عرض کرد به خدا سوگند گویا این دو آیه را در قرآن نخوانده ام و اکنون از شما شنیدم ! امام صادق ( علیه السلام ) فرمود : چرا هم خوانده ای و هم شنیده ای منتهی خداوند درباره تو و امثال تو فرموده ( : أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَفْعَالُهَا . ) ( و نیز فرموده ) : كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . (1)

### نکته ای در باب توسل

گرچه دانستیم که در مشکلات و سختی ها و نیز آمرزش گناهان از بزرگان و مقربان درگاه الهی می توان استغاثه کرد و از آنها مدد گرفت اما باید بدانیم که مهم ترین توسل ما به ائمه ( علیهم السلام ) پیروی کردن



از آنان و راه و روش آنها را دنبال کردن است که گاهی در کلمات ائمه مشاهده می شود که از این افراد تعریف و تمجید فراوان به عمل آمده و حتی در غیبت کبری نعمت عظمای تشریف به خدمت ولی الله اعظم برای این انسان های مطیع و پیرو ائمه دست داده که یک نمونه بسیار بارز و روشن آن تشریف حاج علی بغدادی به خدمت حضرت بقیه الله اعظم امام زمان ( علیه السلام ) می باشد .

امام هشتم ( علیه السلام ) از رسول خدا ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) نقل می کند که پیامبر ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) فرمودند : امامان از نسل حسین ( علیه السلام ) هستند ( مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ هُمُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَهُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ) هر کسی از اینها پیروی کند از خدا پیروی نموده و کسانى که اینها مخالفت نمایند با خدا مخالفت کرده اند و اینها آن دستگیره محکم و وسیله

1. مطغفین : ۱۴ ترجمه آیه : « چنین نیست که آنها می پندارند بلکه اعمالشان همچون زنگار ، بر دلپاشان

نشسته است . » ؛ بحار الأنوار : ج ۱۰ ، ص ۲۱۶

مستحکم می باشند برای راه یابی و تقرب جستن بسوی خداوند (1) .

این روایت دلالت می کند بر این که توسل یافتن حقیقی به ائمه اطهار ( علیهم السلام ) همان پیروی کردن از اوامر و نواهی آنها است و اگر ائمه ( علیهم السلام ) ، وسیله ما برای رفتن به سوی خدا می باشند مراد همان پیروی از دستورات آنان می باشد .

### خلاصه بحث

به مناسبت بحث ظهور کرامات از ناحیه مقدسه و نیز معمول بودن توسل یافتن به امام زمان عجل الله فرجه الشریف در بین اهل ایمان خوب است که بحث توسل از جهت قرآن و روایات و عقل ریشه یابی شود .

در ابتدا گفتیم که اگر خداوند ، قدرت و امکاناتی را در تحت اختیار افرادی قرار دهد و سپس مردم را برای رفع گرفتاری به آنها ارجاع دهد منافاتی با توحید ندارد کما اینکه در گیاهان ، خواصی را قرار داده و بیماران را به آن ارجاع می دهد .

و سپس برای اثبات این مطلب از دیدگاه قرآن و روایات ، به دو آیه اشاره شد :

1- عیسی بن مریم ( **علیها السلام** ) می گوید : من به اذن الهی بیماری پیسی و کوری را شفا می دهم و مردگان را زنده می کنم .

2- واقعه آوردن تخت بلقیس بهوسیله عاصف ، آن هم به یک چشم به هم زدن .

و در روایات نیز به دو نکته اشاره شد :

**اول :** روایات می گوید : اسم اعظم الهی ۷۳ جزء دارد و 72 جزء آن نزد ائمه ( **علیهم السلام** ) است و حال آن که در نزد عاصف یک جزء از آن بود که توانست آن گونه قدرت نمایی کند .

**دوم :** مقایسه ای بین آیه ( : **قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ** ) با آیه ( : **مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** ) و اشاره شد به روایتی که ابو سعید خدری از رسول خدا نقل می نماید .

فرقه وهابیت که در قرون اخیر پیدا شده با مسئله توسل مخالفند ، آن ها می گویند

---

. 1تفسیر نور الثقلین : ج ۱ ، ص ۱۲۶ .

خداوند متعال قدرت و نیروئی به مخلوقات خود نداده است . اما آیات فراوانی داریم که بیانگر قدرت ملائکه است تا جائی که تدبیر در جهان خلقت می نمایند .

به عقیده وهابیان ، استغاثه از دیگران در قرآن و اسلام نیامده است . در جواب باید گفت : اولاً قرآن دستور می دهد که برای رفتن به سوی خدا وسیله بجوئید . و از برخی بزرگان اهل سنت مانند ابو نعیم و ثعلبی نقل

شده که مراد از ( وسیله ) در آیه شریفه عترت رسول خدا ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) است . و نیز در آیه ۶۴ نساء آمده که برخی از گنه کاران تا استغفار نکنند و پیامبر نیز برای آنها استغفار نکند خداوند آنها را نمی آمرزد و همچنین فرزندان یعقوب از پدر تقاضای دعا و استغفار نمودند و گفتند : **يا أَبانا اسْتَغْفِرْ لَنَا . .** .

اگر توسل منافات با توحید داشت قطعاً یعقوب که از منادیان توحید است این نحوه توسل را محکوم می نمود . علمای اهل سنت نظیر سمهودی در وفاء الوفاء و نسائی و ترمذی و آلوسی و ابن ابی الحدید به توسل کردن تصریح می کنند و آن را منافی توحید نمی دانند . در قرآن با صراحت آمده که پیراهن یوسف باعث بینائی پدر یعنی یعقوب گردید . در خاتمه به دو نکته اشاره شد ، اول : حدیثی بسیار ارزنده که امام صادق ( **عليه السلام** ) در جواب به ابو حنیفه بیان نموده . دوم : توسل به ائمه ( **عليهما السلام** ) منحصر به استغاثه جستن به آن ها نمی شود بلکه بهترین توسل اقتداء نمودن به افعال و کردار ائمه ( **عليهما السلام** ) و به کارگیری فرامین و دستورات آنان است .

### \*سؤالات گفتار پنجم

- 1- اگر خداوند متعال خاصیتی را در گیاهی قرار داد و بیمار برای استفاده از آن خاصیت به آن گیاه روی آورد ، مشرک است ؟
- 2- خداوند به عیسی بن مریم ( **عليهما السلام** ) چه قدرتی داده بود ؟
- 3- سلیمان از حاضرین در مجلس چه درخواستی کرد ؟
- 4- عاصف در جواب سلیمان ( **عليه السلام** ) چه گفت ؟
- 5- اسم اعظم دارای چند جزء است و چه مقدار از آنها در نزد ائمه اطهار ( **عليهم السلام** ) است ؟
- 6- تفاوت بین ( **الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ** ) ( با ) ( **مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** ) چیست ؟
- 7- ابو سعید خدری از رسول خدا چه پرسید ؟

8- وهابیت در چه مملکتی و بر چه مبنایی شکل گرفت ؟

9- مقداری از قدرت و نیروهای فرشتگان را بشمارید .

10- بعضی از بزرگان اهل سنت را که مسئله توسل را تجویز نمودند نام ببرید .

11- حضرت زهرا ( علیها السلام ) در رابطه با وسیله بودن عترت پیامبر ( صلی الله علیه وآله ) چه فرموده

؟

12- مفاد آیه ۶۴ سوره نساء چیست ؟

13- فرزندان یعقوب از پدر چه تقاضائی نمودند ؟

14- چشمان یعقوب چگونه بینا شد ؟

15- ابو حنیفه چه اشکالی به امام صادق ( علیه السلام ) نمود و حضرت چه جوابی داد ؟

16- بهترین توسلات به ائمه ( علیهم السلام ) کدام است ؟

17- خلاصه بحث را بیان نمائید ؟

---

129

### گفتار ششم

**پیرامون غیبت امام زمان ( عجل الله تعالی فرجه الشریف )**

---

131

**غیبت حضرت مهدی ( علیه السلام )**

مسئله غیبت حضرت مهدی ( علیه السلام ) یکی از مباحث مهم مهدویت است . بحث غیبت حضرت مهدی (

علیه السلام ) از زمان پیامبر اکرم ( صلی الله علیه وآله ) تا دویست و پنجاه سال عصر ائمه ( علیهم السلام )

در کلام یکایک این معصومین مطرح بوده . . . زراره می گوید : از امام صادق ( علیه السلام ) شنیدم که می فرمود : **إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقَوْمَ** <sup>(1)</sup> . . . برای حضرت قائم غیبتی خواهد بود . و حتی به نحوه غیبت که ابتدا کوتاه و سپس دراز مدت خواهد بود اشاره شده است .

امام صادق ( علیه السلام ) می فرماید : **لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ أَحَدُهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ** <sup>(2)</sup> . . . و تا آنجا مسئله غیبت مورد توجه خاص و عام بوده که گروهی از راویان و اصحاب ائمه ( علیهما السلام ) که معمولاً احادیث را جمع آوری می کردند هرگاه روایات مربوط به حضرت مهدی ( علیه السلام ) را در رساله ای نقل می کردند ، نام آن رساله را ( کتاب الغیبة ) می گذاردند که به برخی از آنها ذیلاً اشاره می شود :

- 1- کتاب غیبت ، تألیف ابوالحسن طاطاری از اصحاب امام کاظم ( علیه السلام ) .
- 2- کتاب غیبت ، تألیف ابوالفضل ناشری معاصر با امام جواد ( علیه السلام ) .
- 3- کتاب غیبت ، تألیف حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی همزمان با امام رضا ( علیه السلام ) .

---

1. غیبت نعمانی : ص ۱۶۶ .

2. همان : ص ۱۷۰ .

4- کتاب غیبت ، تألیف ابراهیم بن صالح انماطی .

5- کتاب غیبت ، تألیف علی بن حسن فضال از اصحاب امام هادی و عسکری ( علیهما السلام ) .

6- کتاب غیبت ، تألیف اعرج کوفی <sup>(1)</sup> .

بزرگانی که بعد از ولادت حضرت و بعد از غیبت صغری پیرامون حضرت کتاب نوشته اند نام کتاب خود را ( کتاب الغیبة ) گذارده اند که به چند نمونه اشاره می شود :

1- کتاب غیبت ، تالیف فضل بن شاذان نیشابوری که به گفته محدث نوری بعد از ولادت حضرت تالیف شده و به گفته صاحب کتاب الذریعة تألیف کتاب مقارن با وفات امام عسکری ( علیه السلام ) و آغاز غیبت صغری بوده است .

2- کتاب غیبت شیخ مفید متوفای ۴۱۳ .

3- کتاب غیبت سید مرتضی متوفای ۴۳۶ .

4- کتاب غیبت شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ .

شیخ بزرگ صاحب کتاب الذریعة نام ۴۲ کتاب را می برد که دانشمندان شیعه پیرامون غیبت حضرت مهدی ( علیه السلام ) کتاب نوشته اند و نام کتاب خود را ( غیبت ) نهاده اند .

علامه مجلسی نیز از دانشمندان متأخر که جلد سیزده بحار را به وجود اقدس امام زمان ( علیه السلام ) اختصاص داده به ( غیبت بحار ) معروف شده است (2) .

#### عنایت حضرت مهدی ( علیه السلام ) به موضوع غیبت

شخص امام عصر ( علیه السلام ) به بحث غیبت عنایت خاصی دارد زیرا شیخ صدوق ( قدس سره ) که یکی از ارکان محدثین شیعه و از بزرگان جهان تشیع و فقاہت است در مقدمه کتاب کمال الدین و تمام النعمه (3) می نویسد : مدتی در نیشابور توقف داشتم ، حال آنکه زن و فرزند و برادران همه در شهر ری بودند و شبی در فکر رفته بودم که چرا اینگونه اتفاق

---

1. موعودی که جهان در انتظار او است .

2. مدرک سابق .

3. کمال الدین و تمام النعمه مترجم : ص ۶ .

افتاده ( ظاهراً این جدائی باعث غم و غصه ایشان شده بود و برایش مشکل ایجاد کرده بود ) و با همین فکر بخواب رفتم و در عالم رؤیا دیدم که در مسجدالحرام هستم و مشغول طواف کردن در اطراف بیت بودم و بعد از شوط هفتم استلام حجر نمودم و دعای آن را خواندم : **أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لَتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ** ، « این امانت و پیمان من است با تو ، تا در موقعش به آن شهادت دهی » ، آنگاه مولایم صاحب الزمان را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده بود و من با حالی پریشان به نزد ایشان رفتم . حضرت به چهره من نگاه کرد و فرمود : چرا در باب غیبت کتابی تالیف نمی کنی تا اندوهت زائل گردد ؟ عرض کردم : یابن رسول الله رساله هائی تالیف نموده ام ( اشاره به اینکه در خلال مباحث و تألیفات در این موضوع نیز بحث کرده ام ) ، حضرت فرمود : کتابی مستقل پیرامون غیبت بنویس و غیبتی که برای بعضی از انبیا رخ داده در آن کتاب متذکر شو ، شیخ صدوق می نویسد وقتی بیدار شدم تا طلوع فجر به دعا و گریه پرداختم و چون صبح دمید به تألیف این کتاب مشغول شدم .

#### چند سؤال پیرامون غیبت امام :

#### آیا غیبت حضرت با تبیین احکام منافات ندارد ؟

سؤال اول : آیا غیبت حضرت منافات با تبیین احکام و تشریح مسائل اسلامی ندارد ؟ با این که یکی از وظائف امام و حجّت الهی ، تبیین احکام است .

باید گفت : گرچه حضور حضرت و دسترسی به حجت خدا ، برکات فراوانی دارد که یکی از آن ها اخذ احکام از سرچشمه زلال ولایت و امامت است ولی غیبت حضرت هیچ اختلالی در آشنائی مردم با حلال و حرام و آگاهی از مسائل مختلف اسلام ایجاد نمی کند زیرا اصول اساسی اسلام و احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و نیز سایر ابعاد آن در طول رسالت پیامبر اسلام ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) و نیز در عصر امامان معصوم ( **عليهم السلام** ) ( تا سال ۲۶۰ هجری ) که در جامعه حضور داشتند با تمام مشکلاتی که از ناحیه خلفاء جور و دشمنان متوجه آنان بود ( تبیین گردید و به مرحله تدوین رسید .

به طوری که امروزه صاحب نظران و محققان اسلامی به وسیله این منبع عظیم علوم و آثاری که از این ذوات مقدسه به دست ما رسیده قادرند در تمامی ابعاد اسلامی جوابگو بوده باشند و حتی در مسائل مستحدثه یعنی مسائلی که با پیشرفت علم و صنعت برای افراد جامعه مطرح می شود با الهام گرفتن از اصولی که از ائمه رسیده ، حکم الهی و یا لاقل وظیفه مکلفین را بیان نمایند و بالاتر اینکه اگر زمینه یک حکومت واحد جهانی برای فقیه جامع الشرائط فراهم آید به برکت همین آیات و روایات و علوم واصله از ائمه اطهار قدرت و توانائی اداره آن را خواهد داشت (1) .

پس غیبت امام عصر ( علیه السلام ) منافاتی با تبیین احکام و آگاهی مکلفین بهوظائف خود ندارد .

### فلسفه غیبت چیست ؟

سؤال دوم : برای غیبت حضرت مهدی چه دلیل و فلسفه را می توان مطرح کرد ؟

پاسخ : آنچه مسلم است غیبت بر اساس حکمت الهی صورت گرفته و ما به همه اسرار آن واقف نیستیم عبد الله بن فضل هاشمی میگوید شنیدم که امام صادق ( علیه السلام ) می فرماید : برای صاحب این امر ( یعنی حضرت قائم ) غیبتی خواهد بود که گروهی به شک می افتند . به امام صادق عرض کردم غیبت ایشان برای چیست ؟ حضرت فرمود : مأذون نیستیم که جهت آنرا بیان کنیم .

عرض کردم : در غیبت امام چه حکمتی است ؟ حضرت فرمود : حکمت غیبت نمودن حجج الهیه در زمان های قبل می باشد و همانگونه که حکمت کارهای خضر معلوم نشد مگر موقع جدا شدن موسی از خضر . سپس امام صادق ( علیه السلام ) فرمود : ای پسر فضل ، مسئله غیبت یکی از اسرار الهی است .

---

1. اصولاً از روایات و کلمات ائمه هدی ( علیهم السلام ) از قبیل روایت عمر بن حنظله و دیگر روایات مشخص می شود که ائمه ( علیه السلام ) در رابطه بیان احکام در مقام این بوده اند که اصول و کلیات آن را بگویند و استخراج و استنباط فروعات را به صاحب نظران موکول نمایند تو گوئی که زمان غیبت امام را با طول مدت کاملاً در نظر داشته اند .



و چون خدا را حکیم می دانیم باید اعتراف کنیم که غیبت نیز دارای حکمتی است<sup>(1)</sup> گرچه به حسب این روایت راز و رمز واقعی و علت واقعی غیبت امام (علیه السلام) ، بعد از ظهور حضرت کشف خواهد شد .

البته با توجه به یک مطلب تاریخی شاید بتوان مقداری به سرّ غیبت پی برده و احتمالاً کلام امام صادق (علیه السلام) را که فرمود : حکمت غیبت بعد از ظهور حضرت معلوم می گردد . ناظر به آن دانست ، و آن این است که : حکومت اسلامی توسط پیامبر عزیز اسلام (صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) (پیاپی) شده تا جلوه های آن را بشر ببیند و از غیر آن بیزار گردد و در زیر لوای این حکومت عدل ، ابعاد مختلف مسائل اسلامی اعم از مسائل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ، در جامعه تحقق یابد .

اما از سوی مردم برای اینگونه حکومت آمادگی وجود نداشت . اگر مردم آماده پذیرش آن بودند امام غائب نمی شد و به اجرای قانون الهی می پرداخت و حکومت عدل اسلامی سراسر جهان را فرا می گرفت و بعید نیست بعضی از روایاتی که قیام و ظهور قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) را نزدیک معرفی می کند<sup>(2)</sup> و یا امر به انتظار نموده و در تمام اعصار مردم را به حال آماده باش در می آورد برای این است که اگر مردم احیاناً حالت پذیرش پیدا کردند بلا فاصله حضرت ظهور خواهد کرد .

خواجه نصیر الدین طوسی در کشف المراد می نویسد<sup>(3)</sup> سبب غائب شدن امام از انظار ، خود مردم می باشند و علامه حلی اعلی الله مقامه در مقام شرح و توضیح این عبارت می نویسد :

لطف بودن وجود امام وابسته به سه امر است : ۱ - خداوند چنین امامی را خلق نماید

1. بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۹۱ .

2. مثل روایتی که منتخب الأثر از منتخب کنز العمال نقل می کند که به عوف بن مالک گفته می شود : امت به هفتاد و سه فرقه منشعب می گردد و یک فرقه اهل نجات است و فتنه ها دنبال یکدیگر پیدا می شوند تا مردی از اهل بیت من که به او مهدی گفته می شود خروج کند و اگر او را درک کردی از او متابعت کن تا اهل نجات بوده باشی .

که از حیث علم و قدرت بتواند رهبری انسان ها را بدست بگیرد . ۲ - شخص امام ، تمامی مشکلات و سختی های این امامت را متحمل گردد . ۳ - رعیت او را کمک کنند و نسبت به اوامر و نواهی او تسلیم بوده باشند ، اگر رعیت آمادگی پذیرفتن چنین امامی را نداشتند غیبت یک مسئله طبیعی است و قرآن با صراحت به این حقیقت اشاره نموده و می فرماید : **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** <sup>(۱)</sup> )  
(متأسفانه این رمز تا هنگام ظهور پنهان است و در آن وقت مردم جهان در می یابند که علت غیبت در وجود خودشان نهفته بوده و از آن غافل بودند و چنانچه در اعصار و زمان های قبل ، خود را آماده می ساختند امام بر آن ها ظاهر می شد اما در صدد اصلاح و آمادگی خود بر نیامدند و به رژیم های گوناگون و مسلک های فاسد دل بستند و گمان کردند که آن ها می توانند دردی را دوا کنند . روایتی از امام کاظم ( **علیه السلام** ) نقل شده <sup>(۲)</sup> که حضرت در تفسیر و توضیح آیه شریفه ( **أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ** <sup>(۳)</sup> ) ( می فرماید : جنب الله امیر المؤمنین علی ) **علیه السلام** ) و نیز اوصیاء بعد از او هستند تا می رسد به آخرین آنها که حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) می باشد و زمان ظهور ، مردم انگشت ندامت به دندان می گزند و می گویند : وای بر ما که چه کوتاهی کردیم نسبت به امامان خود و نیز کوتاهی و سهل انگاری کردیم در فراهم آوردن زمینه برای حکومت عدل آنان .

البته معنای اینکه می گوئیم مردم موجب غیبت امام عصر ( **علیه السلام** ) شده اند آن نیست که افرادی نیستند که حضرت را یاری نمایند و مطیع و منقاد ایشان نباشند بلکه مراد حدّ نصابی است که برای ظهور آن حضرت لازم است زیرا بسیاری از شایستگان همیشه آماده ظهور بوده و هستند اما جامعه بشریت این آمادگی را در حدّ نصاب دارا نیست با توجه به اینکه انقلاب حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) یک انقلاب منطقه ای و جزئی نیست بلکه

حضرت می خواهد جوامع بشری را از شرقی و غربی همه و همه را اصلاح نماید و اگر در چنین شرائطی حضرت ظهور کند قطعاً حکومت و انقلاب عظیم و جهانی ایشان محقق

1. اعراد: ۱۱ .

2. منتخب الأثر: ص ۱۵۹ از ینایع الموده نقل می کند .

3. زمزم: ۵۶ .

نخواهد شد و لذا غیبت ادامه پیدا می کند و غیبت صغری به غیبت کبری منتهی می گردد و خداوند به وسیله غیبت ، امام زمان را از قتل حفظ می نماید تا زمینه ظهور حضرت فراهم آید و آمادگی در جامعه حاصل گردد .

### فواید حجت غایب از نظر

سؤال سوم: چه نفعی بر وجود حجت مستور و غایب از انظار مترتب است ؟

معمولاً کسانی این سؤال را طرح می کنند که شئون امام را در مرجعیت دینی و زعامت اجتماعی منحصر می کنند و حال آنکه این موضوع یکی از شئون امامت و ولایت است و طبق مدارک اسلامی<sup>(۱)</sup> وجود امام و حجت خدا حالت قلب را دارد نسبت به اعضای بدن<sup>(۲)</sup> که با تعطیل شدن قلب ، تمامی اعضاء از کار می افتند و نیز ارتباط موجودات عالم با وجود حجت خدا همانند ارتباط کرات منظومه شمسی است نسبت به خورشید .

(3)

امام سجاد ( علیه السلام ) می فرمود: ما پیشوایان مسلمین و حجت بر اهل عالم و سادات مؤمنین و رهبر نیکان و صاحب اختیار مسلمین هستیم ما باعث امان برای اهل زمین هستیم به واسطه ماست ، آسمان بر زمین فرود نمی آید اگر ما روی زمین نبودیم اهلش را فرو می برد و سپس فرمود: از روزی که خدا آدم را آفرید تا حال هیچگاه زمین از حجت خالی نشده منتهی گاهی حجت ظاهر بوده و گاهی مستور تا قیامت نیز از حجت خالی نخواهد شد .

1. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد نباید فراموش کنیم که بحث پیرامون حضرت مهدی ( علیه السلام ) یک بحث اسلامی است و لذا در مقام استدلال در موضوعات مربوط به مسئله مهدویت می توان از وحی و روایات که مورد قبول تمامی مسلمانان است استفاده نمود

2. در گفتار اوّل گذشت که هشام برای عمرو بن عبید عالم بصری از همین طریق وارد شد و لزوم وجود حجّت را ثابت نمود .

3. روایات متعددی داریم که دلالت می کند بر این که استفاده مردم از وجود امام ( علیه السلام ) در زمان غیبت همانند بهره بردن مردم است از خورشید در هنگامی که ابر جلوی آن را گرفته است .

---

### 138

---

سلیمان که راوی خبر است می گوید به امام سجاد ( علیه السلام ) عرض کردم مردم چگونه از وجود امام غایب منتفع می گردند ؟ فرمود : همانگونه که از خورشید در موقعی که زیر ابر است بهره می برند<sup>(1)</sup> در علوم طبیعی و فلکی ثابت شده که خورشید مرکز منظومه شمسی است و جاذبه آن حافظ زمین و سایر کرات منظومه از سقوط می باشد و حرارت آن سبب حیات و زندگی حیوانات و نباتات و انسان ها است و نورش روشنی بخش زمین می باشد و این فواید مهم خورشید بر وجود آن مترتب می گردد خواه در پشت ابر باشد یا ظاهر .

رشد و نمو موجودات زنده ، تغذیه و تولید آنها ، حسّ و حرکت و جنبش ، آبیاری زمین های مرده ، غرّش امواج دریا ، وزش حیات بخش بادها ، ریزش زندگی آفرین باران و برف ، صدای زمزمه آبشارها ، نغمه های مرغان ، زیبایی خیره کننده گل ها ، گردش خون در عروق انسان ها ، و طپش قلب ها ، عبور برق آسای اندیشه از لابلای پرده های مغز و هزاران فعل و انفعالات در جهان طبیعت تماماً وابسته است به وجود خورشید و شعاع آن ، خواه خورشید ظاهر باشد و خواه پشت ابرها پنهان . بله گاهی مشاهده می شود که قسمتی از آثار نیاز به تابش مستقیم خورشید دارد اما اینگونه آثار در مقابل آثار وجود خورشید و شعاع آن خواه ظاهر باشد یا پشت ابر بسیار ناچیز است .

**خلقت جهان وابسته به وجود این ذوات مقدسه است**

اساس خلقت وابسته به این ذوات مقدسه است . شاهد بر این مطلب کلام رسول خدا است که خطاب به علی ( علیه السلام ) می فرماید : **يَا عَلِيُّ لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ** - (2) .

امام صادق ( علیه السلام ) همین مطلب را در قالب شعر بیان نموده و ائمه ( عليهم السلام ) را اینگونه معرفی می نماید :

1. منتخب الأثر : ص ۲۷۱ از ینابیع المودّة تالیف شیخ سلیمان بلخی از علماء عامه و نیز از غایة المرام و بحار الأنوار نقل کرده که از کتب معروف شیعه است .  
2. کمال الدین صدوق : باب ۲۳ ، حدیث ۴ .

فِي الْأَصْلِ كُنَّا نُجُومًا يُسْتَضَاءُ بِنَا \* \* \* وَفِي الْبَرِّيَّةِ نَحْنُ الْيَوْمِ بُرْهَانُ  
نَحْنُ الْبُحُورُ الَّتِي فِيهَا لِفَائِصُهَا \* \* \* ذُرٌّ تَمِينٌ وَيَأْقُوتٌ وَمَرْجَانُ  
مَسَاكِينُ الْخَلْدِ وَالْفِرْدُوسِ نَمْلِكُهَا \* \* \* وَنَحْنُ لِلْخَلْدِ وَالْفِرْدُوسِ خُزَّانُ  
مَنْ شَدَعْنَا قَبْرِهُوتُ مَكَاتُهَا \* \* \* وَمَنْ أَتَانَا فَجَاتَتْ وَرِضْوَانُ

از رهگذر خاک سر کوی شما بود \* \* \* هر نافه که بر دست نسیم سحر افتاد

علی ( علیه السلام ) در نهج البلاغه می فرماید : **يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّبِيلُ وَلَا يَرْقِي إِلَيَّ الطَّيْرُ** چشمه های زلال و آب حیات بخش از قله رفیع وجود من سرا زیر می شود و بشریت سیراب می گردد .

سیل برکات هستی از منبع قیاض به قله رفیع این ذوات مقدسه ریخته می شود و سپس از آنجا به سایر ممکنات واصل می گردد و این مطلب در دعای عدیله اینگونه تعبیر شده : **يُيْمِنُهُ رُزْقَ الْوَرَى وَبُجُودِهِ تَبَّتْ**

الأَرْضُ وَالسَّمَاءُ ، آری خداوند بزرگ چنین مقامی را به این بزرگان عطا کرده و آنان را واسطه فیض رسانی خود قرار داده با اینکه می توانست خود شخصاً فیوضات را به مخلوقات برساند ( وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ) و این مطلب هیچگونه با توحید منافات و تضادی ندارد .

### هدایت معنوی امام در تمامی حالات

علامه طباطبائی ( قدس سره ) در ذیل آیه ( وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا <sup>(1)</sup> ) بحثی دارد تحت این عنوان که ابراهیم بعد از نبوت و رسالت ( که شأن آن هدایت ظاهری مردم است تا انسان ها را ارائه طریق بنماید ) به مقام امامت ، منصوب می گردد که شأن امامت چیزی است ما فوق ارائه طریق و هدایت ظاهری . و سپس اضافه می کند که در قرآن هر جا متعرض معنی و حقیقت امامت شده آن را به عنوان هادی و هدایت گر تفسیر نموده مانند آیه : وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا

1. المیزان جلد اول ، ص ۲۷۵ ذیل آیه ۱۲۴ بقره و نیز در ذیل آیه ۷۳ سوره انبیاء به همین مطلب اشاره نموده است .

جَعَلْنَا صَالِحِينَ \* وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا <sup>(1)</sup> ( و نیز آیه ) : وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ <sup>(2)</sup> ( و در این آیات هدایت را مقید نموده به ( امر ) و ( امر الهی در آیه ) :  
إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ <sup>(3)</sup> ( و نیز آیه ) : وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ )  
<sup>(4)</sup> بیان شده که عالم امر عالم تجرّد است و وقایع و حوادث در آن عالم دفعی است و تدریج و تدرّج که از لوازم عالم خلق است در آنجا نیست .

با این مقدمات معلوم می گردد که مقام امامت گذشته از ارشاد و هدایت ظاهری ، یک نوع هدایت و جذبه معنوی است که با نورانیت و بصیرتی که خداوند متعال به او عطا نموده در دل های آماده و شایسته تأثیر و

تصرف می نماید و این صاحب‌دلان را به سوی کمال ، و اصل می نماید و به اصطلاح ، آنها را هدایت به معنای ایصال الی المطلوب می کند .

علامه طباطبائی ( قدس سره ) در کتاب شیعه در اسلام خود<sup>(5)</sup> در رابطه فواید وجود امام در حال غیبت می فرماید :

کسانی که اعتراض می کنند که شیعه وجود امام را برای بیان احکام دین و حقایق آیین و راهنمایی مردم لازم می دانند و غیبت امام ناقض این غرض است زیرا امامی که به واسطه غیبتش مردم هیچگونه دسترسی به وی ندارند فایده ای بر وجودش مترتب نیست ... به حقیقت معنای امامت پی نبرده اند .

زیرا در بحث امامت روشن شد که وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردم نیست و امام چنانکه وظیفه راهنمایی صوری مردم را به عهده دارد همچنان ولایت و رهبری باطنی اعمال را به عهده دارد و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم

---

1. انبیاء : ۷۳ .

2. الم سجده : ۲۴ .

3. بقره : ۸۳ .

4. قمر : ۵۰ .

5. شیعه در اسلام : ص ۱۵۲ .

می کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می دهد ، بدیهی است که غیبت و حضور جسمانی امام در این باب تاثیری ندارد و امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد اگر چه از چشم جسمانی ایشان مستور است و وجودش پیوسته لازم است اگر چه موقع حضور و اصلاح جهانیش تا کنون نرسیده است .

## توضیح کلام علامه طباطبائی در نفوذ معنوی امام ( علیه السلام )

می دانیم خورشید یک سلسله اشعه مرئی دارد که از ترکیب آن ها با هم هفت رنگ معروف پیدا می شود و یک سلسله اشعه نامرئی که به نام ( اشعه فوق بنفش ) و اشعه ( مادون قرمز ) نامیده می شود . همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی خواه پیامبر باشد یا امام ، علاوه بر تربیت تشریحی که از طریق گفتار و رفتار تعلیم و تربیت عادی صورت می گیرد ، یک نوع تربیت روحانی و از راه نفوذ معنوی در دل ها و فکرها دارد که می توان آن را تربیت تکوینی نام گذارد در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار نقشی ندارد بلکه تنها جاذبه و کشش درونی کار می کند .

در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می خوانیم که گاهی بعضی افراد منحرف و گناهکار با برخورد و ارتباطی اندک با آن ذوات مقدسه ، به کلی تغییر مسیر می دادند و از گمراهی و ضلالت به سوی نور و صراط مستقیم هدایت می شدند .

این دگرگونی های تند و سریع و همه جانبه ، این انقلاب های جهش آسا و فراگیر آن هم با یک نگاه یا ارتباطی اندک ( البته برای آنها که در عین آلودگی ، یک نوع آمادگی نیز دارند ) نتیجه جاذبه ناخود آگاه است که گاهی از آن به نفوذ شخصیت تعبیر می شود .

اشخاصی با یک برخورد و ملاقات با افرادی که دارای روح بزرگ و عالی بودند چنان بی اختیار و ناخود آگاه تحت تأثیر آن قرار می گیرند که کاملاً متحول می شوند .

این تأثیر گذاری قابل توجیه نیست مگر اینکه بپذیریم که این تأثیر گذاری نتیجه شعاع اسرار آمیزی است که از درون ذات انسان های بزرگ برمی خیزد .

برخورد ( اسعد بن زراره ) با پیامبر ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) در کنار خانه کعبه و تغییر جهت مسیر و طرز تفکر او و با توجه به اینکه دشمنان سر سخت پیامبر ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) نام آن حضرت را ساحر



می گذاردند و مردم را به خاطر آن از نزدیک شدن به او باز می داشتند ، مع ذلک این افراد جذب به حضرت می شدند و شیفته ایشان می گردیدند اینها همه حاکی از نفوذ شخصیت پیامبر ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) در افراد مختلف است .

همچنین آنچه درباره تأثیر کلام امام حسین ( **عليه السلام** ) روی فکر ( زهیر ) در مسیر کربلا نقل شده و یا کشش عجیب و فوق العاده که ( حر بن یزید ریاحی ) در خود احساس می کرد و با تمام شجاعتش می لرزید و سرانجام او را به صف شهدای کربلا وارد ساخت و یا داستان جوانی که در همسایگی ( ابو بصیر ) زندگی می کرد و با پول فراوانی که از خدمت گذاری به دستگاه بنی امیه به دست آورده بود و به عیش و نوش مشغول بود ، ولی با یک پیام امام صادق ( **عليه السلام** ) بکلی دگرگون شد و مسیر خود را عوض کرد و نیز توفیق عجیبی که برای عالم جلیل القدر سید شبر در تألیفات رخ می دهد و می گوید : تماماً به برکت توجه امام کاظم ( **عليه السلام** ) است که در عالم رؤیا قلمی به من داد و فرمود : اکتب ، ( بنویس ) از آن وقت این برکت در قلم و تألیفات من پیدا شد <sup>(1)</sup> و عنایت و توجهی که امام صادق به ( مفضل بن عمرو ) کرد و تمامی اسرار موجوداتی که در جلسات متعدّد برای او بیان کرده بود در لحظه در سینه و ذهنش حاضر گردید ، همه و همه نشانه ای از همین تأثیر ناخودآگاه است که می توان آنرا شعبه ای از ولایت تکوینی پیامبر و امام دانست .

استاد بزرگوار ما فقیه عالیقدر حضرت آقای شیخ مرتضی حائری ( **قدس سره** ) وقتی توجه امام صادق ( **عليه السلام** ) را به مفضل بن عمرو بیان نمود فرمودند : لحظه ای از اینگونه توجهات ائمه را نمی توان با شصت سال دویدن مقایسه کرد .

به ذره گر نظر لطف بو تراب کند \* \* \* به آسمان رود و کار آفتاب کند

ما قطب های مغناطیس زمین را با چشم خود نمی بینیم ولی اثر آن ها را روی عقربه های قطب نما ، در دریاها و صحراها و آسمان ها که راهنمای بشریت است و

---

1. اسید شبر یکی از علماء بزرگ شیعه است و در بغداد زندگی می کرده و 52 سال یا 54 سال بیشتر عمر نکرده غیر از زعامت دینی و فصل خصومات و جواب به سؤالات و تدریس و نیز کارهای شخصی خود به قدری کتاب تالیف نموده که به ایشان مجلسی ثانی لقب داده شده .

میلیون ها مسافر را به مقصد میرساند کاملاً مشاهده می کنیم . اگر این قطب های مغناطیسی اینگونه بتواند هزاران عقربه قطب نما را هدایت کند ؛ آیا جای تعجب است اگر گفته شود ( آنهم بر اساس آیات قرآن و دلیل و برهان ) حضرت مهدی ( علیه السلام ) در پشت پرده غیبت با امواج معنوی و جاذبه وجودی خویش ، افکار و جان های زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند هدایت می کند ؟ !

#### خدمات حضرت به جامعه در زمان غیبت

گرچه دو فایده ای که برای وجود امام غائب مطرح شد بسیار مهم و ارزنده بود با این وجود حضرت شخصاً و گاهی به وسیله أعوان و انصار مخصوص خود در امور اجتماعی و داد رسی از بیچارگان و رفع مشکلات از آحاد جامعه و احیاناً رفع مشکلات که برای جامعه مسلمین و یا شیعیان پیش می آید ، اقدام می نماید .

اصولاً معنی و مفهوم غایب بودن حجّت خدا انزوا نمودن و کناره گیری از کارهای اجتماعی نیست بهترین شاهد برای این مطلب حکایت ملاقات موسی بن عمران که ولّی ظاهر بود با ولّی غائب از انظار که به نام خضر معروف است این مرد الهی به گونه ای بود که حتّی موسی با او آشنا نبود و تنها با راهنمائی خدا او را شناخت و از عملش بهره گرفت .

چنانکه می فرماید ( : فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا \* قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا <sup>(1)</sup> ) ( موسی و همراهش با بنده ای از بندگان ما که او را مشمول رحمت خود قرار داده بودیم ، و از جانب خویش به او علمی آموخته بودیم ، در کنار دریا آشنا شد موسی به ایشان گفت : آیا اجازه می دهی همراه تو باشم تا از علوم رشد آفرین خود بما بیاموزی .

قرآن سپس شرحی از کارهای مفید و سودمند آن شخص را بیان می کند که کاملاً دلالت می کند بر اینکه مردم از آثار و برکات او بهره مند بوده اند با اینکه کاملاً مستور از انظار بوده تا جایی که حضرت موسی هم او را نمی شناخت و از جایگاه او مطلع نبود .

---

1. کهف: ۶۵-۶۶ .

### ولی غائب که معلم حضرت موسی بود

حضرت موسی بن عمران ( علیه السلام ) با راهنمایی پرودگار با خضر آشنا می گردد و از او تقاضای مصاحبت و استفاده از علم و دانش وی را می کند .

قطعاً این شخص که فردی همچون موسی بن عمران ، از وی می خواهد که از او بهره مند شود باید از اولیاء خدا باشد و از نظر علم برتر و به راز و رمز عالم آگاه تر باشد ( ولو در بعضی از علوم و فنون ) که وقتی موسی از او اجازه می خواهد که پیروی او را بکند و از علوم او استفاده کند در جواب می گوید : تو نمی توانی با من صبر کنی ، چگونه خواهی توانست کارهایی را که از اسرار آنها خبر نداری تحمل نمائی ؟

بررسی حالات این ولی خدا که از دیدگان پنهان بوده در همان چند لحظه کوتاه از زندگی حساس او که با حضرت موسی گذرانده است ( از قبیل سوراخ کردن کشتی و کشتن طفلی که ظاهراً تقصیری نداشت و ساختن دیوار در کنار دهی که اهل آن حاضر نشدند مقداری غذا به آنها بدهند که شرح آن در سوره مبارکه کهف آمده ) ما را به نکاتی آشنا می سازد :

1- این ولی زمانی پنهان از دیدگان بود ، کسی او را نمی شناخت و اگر خدا او را معرفی نمی کرد کسی با او آشنا نمی شد بنابراین این شرط ولی خدا بودن ، این نیست که حتماً مردم او را بشناسند .

2- این ولی خدا با اینکه از دیدگان غایب و پنهان بود هرگز از حوادث زمان و اوضاع جهان غفلت نداشت و بر اساس ولایتی که از جانب خداوند به او داده شده بود در اموال و نفوس تصرف می کرد و در خیر و مصلحت عباد اقدام می نمود .

3- نکته جالب اینکه نه تنها خود او غایب بود بلکه تصرفات او نیز از دیدگان عادی پنهان بود ، اگر مردم و سرنشینان کشتی از تصرف او و معیوب ساختن کشتی آگاه می شدند هرگز به او اجازه نمی دادند که دست به چنین کاری بزنند و نیز اگر مردم شاهد قتل نفس او بودند هرگز رهایش نمی کردند و ... از اینکه او همه این کارهای شگفت آور را در دل اجتماع انجام داد و احدی متوجه کار او نشد می توان فهمید که نه تنها خود او پنهان بود بلکه تصرف او در اوضاع و حوادث نیز بر مردم پنهان بود ، آنها تنها اثر فعل او را

---

## 145

---

می دیدند نه کار او را .

4- هدایت و رهبری که از شئون اولیاء الهی است گاهی به صورت فرد سازی است و گاهی به صورت ( جمع سازی ) و نیز گاهی در ظاهر و گاهی در پنهان و خفاء انجام می گیرد . مگر پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) نبود که حدود سه سال مخفیانه دعوت می کرد و وظیفه او ( فرد سازی ) بود و سپس مأمور به اعلان گردید و مگر حضرت نوح نبود که عرضه می دارد ( **ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا** ) ( 1 ) ( حقیقت توحید و راه مستقیم را برای آنان آشکارا و نهان بیان کردم ) که دعوت در خفا همان هدایت فرد است و فرد سازی .

مفاد آیه ( **وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا** ) ( 2 ) ( این است که : هر طور که خدا به امامان دستور می دهد آنان وظیفه هدایت را انجام می دهند چه پنهان و چه آشکارا .

حضرت ولی عصر ( **عليه السلام** ) نیز همانند خضر شخص ناشناخته ای است که اقدام به کارهای سودمندی برای بشریت و ضعفاء انجام می دهد پس غیبت امام به معنی انفصال وجدائی او از جامعه نیست .

**عنایت ائمه ( علیه السلام ) به مشکلات دوستان خود**

واینک می پردازیم به برخی از روایاتی که دلالت دارد بر کمک رسانی و توجه ائمه (علیهم السلام) برای رفع مشکلات مردم به طوری که برای مردم محسوس نبود .

رمیله می گوید : در زمان خلافت امیر المؤمنین (علیه السلام) تب شدیدی بر من عارض شد و چون روز جمعه رسید مقداری تب فرو کشید و با خود گفتم چیزی بهتر از این نیست که خود را شستشو بدهم و بروم پشت سر علی (علیه السلام) نماز گذارم همین که حضرت شروع به خطبه کرد تب شدت پیدا کرد بعد از نماز حضرت وارد دارالاماره شد و من نیز با ایشان داخل شدم حضرت به من توجهی کرد و فرمود : چرا ناراحتی و به خود می پیچی ؟

---

1. نوح : ۹ .

2. انبیاء : ۷۳ .

حال خود را برای حضرت بیان کردم که تب شدیدی داشتم و امروز مقداری بهتر بودم و به نماز آمدم ولی مجدداً حالم سنگین شد حضرت فرمود : رمیله هیچ مؤمنی نیست که وقتی مریض می شود ما نیز برای مرض او مریض و برای حزن و اندوه او اندوهگین می شویم و آنان دعائی نمی کنند مگر ما برای استجاب آن آمین می گوئیم و اگر ساکت بماند ما برایشان دعا می کنیم .

رمیله می گوید : عرض کردم این مطلب مربوط می شود به دوستان و مؤمنانی که در همین شهر و در اطراف شما هستند ؟ و حال آنکه دوستان شما و صاحبان ایمان در اطراف و اکناف عالم پخش هستند برای آنها چه عنایتی می شود ؟

حضرت فرمود : هیچ مؤمنی در شرق و غرب این زمین نیست الا اینکه از حال او مطلع هستیم و از دید ما غائب نیست .

کمک رسانی امام عصر (علیه السلام) به مردم

روایات و شواهدی که دلالت می کند بر کمک رسانی و توجه امام عصر ( علیه السلام ) در رفع مشکلات مستضعفان و شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت ( علیه السلام ) فراوان است به یکی دو نمونه از آن ها اشاره می شود .

علی ( علیه السلام ) می فرماید : فتنه هایی که وقوع آن ها به شما خبر داده شده به زودی ظاهر می گردد . هر یک از خانواده ما که با آن فتنه ها برخورد کنند با چراغی روشن و بر روش پاکان و شایستگان حرکت نموده تا در نتیجه گره ها را بکشاید و ملت های اسیر را آزاد کند و گمراهان را پراکنده نماید (1) شارحین نهج البلاغه می گویند : مراد امام از جمله ( آلا وَمَنْ أَدْرَكَهَا مِتًّا ) و ( گره گشائی ، آزاد نمودن اسیران ) . . . مربوط به حضرت مهدی ( علیه السلام ) است .

چون حضرت از کارهایی که آن فرد از اهل بیت در زمان وقوع فتنه انجام می دهد

---

1. خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه متن کلام حضرت اینگونه است : هَذَا إِتْبَانٌ وَرُودٌ كُلُّ مَوْعُودٍ وَدُنُوٌّ مِنْ طَلْعَةٍ مَا لَا تَعْرِفُونَ ، اَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِتًّا يَسِرُّ فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَيَحْدُوا فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَجُلَّ فِيهَا رِبْقًا وَيُعْتَقَ فِيهَا رِقًّا وَيَصْدَعَ شَعْبًا وَيَشْعَبَ صَدْعًا فِي سُنَّتِهِ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَكَو تَابِعَ نَظَرَهُ .

خبر می دهد ( : فِي سُنَّتِهِ عَنِ النَّاسِ ) . . . او پنهان از انظار به سر می برد به طوری که جستجوگران با تمام سعی و کوشش خود نمی توانند اثری از او بیابند ، و یگانه فردی که از اهل بیت غایب از انظار می باشد حضرت مهدی ( علیه السلام ) می باشد .

بر اساس روایات تمامی ائمه ( علیهم السلام ) اقدامات آشکار و پنهان در مسیر اصلاح جامعه مسلمین دارند . از احتجاج طبرسی نقل شده که حضرت مهدی ( علیه السلام ) می فرماید : إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ ، وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَأَصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ (1) .

(ما در مراعات شما کوتاهی نمی کنیم و شما را فراموش نمی نمائیم ، و اگر این نبود ، شرّ و ناملايمات بر شما نازل می شد و دشمنان بر شما مستولی می گردیدند . )

بعد از نزول آیه ( **أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** ) جابر از رسول خدا می خواهد که مراد از این اولی الامر چه کسانی می باشند ؟ پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) در این حدیث نام دوازده جانشینان خود را می برد و می فرماید : اینها اولی الامر هستند و چون به دوازدهمین آنان می رسد می فرماید : نام او نام من و کنیه او کنیه من است و از انظار غایب است ، جابر عرض می کند : آیا شیعیان از وجود ایشان بهره می برند ؟ پیامبر فرمود : آری ، سوگند به آن کسی که مرا به پیغمبری برانگیخت در دوران غیبت او ، از نور او روشنی می گیرند و به ولایت او بهره مند می شوند مانند خورشید که در پشت ابر است و مردم از نور او استفاده می کنند (2) .

### نتیجه گیری از بحث گذشته

وجود مقدس امام زمان حضرت مهدی ( **عليه السلام** ) در پشت پرده غیبت مشغول راهنمائی ها دستگیری ها و ... می باشد و وظیفه خود را انجام می دهد و هرگز غایب بودن امام به معنای انزوا و کنار گرفتن از همه کارهای ارشادی و تعلیمی و اجتماعی ... نخواهد بود .

---

1 امامت و مهدویت : ج ۲ ، ص ۴۷۳ .

2 منتخب الأثر : ص ۱۰۱ .

### به این کلام معجزه آسا توجه کنید

ابو نصر که خادم امام عسکری ( **عليه السلام** ) می باشد می گوید : من روزهای اول ولادت حضرت مهدی ( **عليه السلام** ) به خدمتشان رسیدم ، صورت ایشان مثل قرص ماه روشنائی داشت . به او سلام کردم ، جواب من را داد . ایشان به من نگاهی کردند و فرمودند ( **أَتَعْرِفُنِي** ) آیا مرا می شناسی ؟ گفتم ( **أَنْتَ سَيِّدِي** ) و

ابن سیدّی ( تو آقای من ، فرزند آفا و مولای منی فرمود : نه ، این مقدار نخواستم ، عرض کردم پس چه ؟ فرمود ) : **أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ بِي يَرْفَعُ الْبَلَاءَ عَنِ شِيعَتِي** ( من خاتم اوصیاء هستم یعنی همان کسانی که یکی پس از دیگری آمدند و حافظ نظام عالم بودند ، من آخرینشان هستم که بعد از من دیگر کسی به این عنوان و با این منصب نخواهد آمد ، و به وجود من ، از شیعیان بلا دفع می شود <sup>(1)</sup> .

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست \* \* \* منت خاک درت بر بصری نیست که نیست

ناظر روی تو صاحب نظرانند ولیک \* \* \* بوی گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

### وجود رهبر و امام اگر چه غائب باشد موجب بقاء مکتب خواهد بود

محاسبات عقلی و اجتماعی ثابت می کند که اعتقاد به وجود امام اگر چه غایب از انظار بوده باشد اثر عمیقی در تداوم آیین و مذهب خواهد داشت . زیرا هر جامعه ای که برای خود سازمان و تشکیلاتی دارد ، وجود رهبر برای آن ضروری است اگر چه آن رهبر به عللی محبوس و زندانی یا در تبعید و یا بیمار باشد ، چرا که مردم در این هنگام دست به دست هم داده و به کارهای خود ادامه می دهند و به مجرد این که رهبر از دنیا برود ، تفرقه و پراکندگی و تشتت قوا در میان آنها حکم فرما خواهد شد .

در جنگ احد ، زمانی که صدایی به اشتباه و یا غرض ورزی بلند شد : **أَلَا قَدْ قُتِلَ**

---

1. کفایة الموحدين : ج ۲ ، ص ۷۹۳

**مُحَمَّدٌ** ( محمد کشته شد ) اتحاد و پیوستگی مسلمین از هم گسسته شد و هر کدام به گوشه ای گریختند و به محض اینکه مطلع شدند که پیامبر زنده است ( و آن صدای قبلی شیطانی و دروغ بوده ) بار دیگر از گوشه و کنار به صحنه نبرد آمدند و دفاع را از سر گرفتند .



به طور کلی در میدان های نبرد ، تلاش هر گروه آن است که پرچم خود را در برابر حملات دشمن برافراشته و در حال اهتزاز نگه دارند و سربازان دشمن می کوشند پرچم طرف مقابل را سرنگون نمایند زیرا برافراشته بودن پرچم به سربازان دلگرمی می بخشد و مهمتر از پرچم ، مقرر فرماندهی است که اگر آن نابود شود یک لشکر عظیم و بزرگ ، متلاشی می گردد .

## گانندی در زندان

رهبر یک جنبش عدالتخواهی اگر چه در میان پیروان خود نباشد می تواند موجب فشردگی و به هم پیوستگی صفوف معتقدان به نهضت باشد .

به عنوان مثال در نهضت هندوها که منجر به استقلال هندوستان شد رهبر آن ها ( گاندی ) در زندان دشمن و دولت استعمارگر بود . اما نهضت « عدم همکاری با دولت استعمارگر بریتانیا » با شدت ادامه یافت . مردم هند گاندی را در میان خود نمی دیدند ، اما گاندی زنده بود و نفوذ و قدرت معنوی او همچنان مردم هند را به هم پیوند می داد و از این نمونه در نهضت ها بسیار فراوان است . در عصر خودمان شاهد بودیم که امام خمینی را به بورسای ترکیه تبعید کردند و مردم از ایشان خبری نداشتند اما می دانستند که زنده است و نهضت ادامه داشت و پانزده سال با نبود رهبر در میان مردم روز به روز بر وحدت و پیوستگی مردم افزوده شد تا شاه مجبور به فرار شد و امام ( قدس سره ) به وطن بازگشت .

## اثر اعتقاد شیعه به حیات امام عصر ( علیه السلام )

شیعیان بر اساس عقیده ای که به وجود امام ( علیه السلام ) وزنده بودن او دارند هر چند او را در میان خود نمی بینند ، اما خود را تنها نمی دانند و در هر لحظه و ساعت به انتظار ظهور او نشسته و با امید فراوان او را می خوانند .

علاوه بر همه فواید وجود حضرت مهدی ( علیه السلام ) در زمان غیبت ، که هر یک از اهمیّت زیادی برخوردار است ، اینک به فایده دیگری اشاره می شود و آن این که طبق اعتقاد شیعه که برگرفته از روایات فراوان است ، امام به طور مداوم در دوران غیبت مراقب حال پیروان خویش است و با تکیه بر یک الهام الهی و ولایت و نیرویی که خداوند به آن ها عطا نموده از وضع اعمال شیعیان آگاه می گردد و به تعبیر روایات ، همه هفته و طبق بعضی از روایات هر روز برنامه اعمال آن ها به نظر مبارک امام می رسد و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آن ها آگاه می شود .

این عقیده اولاً سبب می شود که همه معتقدان و علاقه مندان به مقام ولای امامت و ولایت در یک حال مراقبت دائمی قرار گیرند و به هنگام ورود در هر کاری توجه به آن « نظارت عالی » داشته باشند و اثر تربیتی این باور ، بسیار زیاد و قابل توجه است و ثانیاً : بر مبنای این عقیده ، رهبر و امام ما ، نه فقط زنده است و با ظهور خود عدل و قسط را در جهان بر پا می نماید ، بلکه او از حالات ما و مشکلات فردی و اجتماعی ما آگاه است و برای اصلاح امور دوستان و پیروان خود اقدام خواهد نمود .

### خلاصه گفتار ششم

مسئله غیبت مورد توجه خاص پیامبر و ائمه اطهار ( علیهم السلام ) بوده و لذا در کلمات خود به غیبت حضرت مهدی ( علیه السلام ) و کیفیت آن اشاره نموده اند و عده ای از اصحاب ائمه و نیز بزرگانی مانند شیخ مفید و شیخ طوسی کتاب غیبت تألیف نموده اند و حکایت تألیف کتاب کمال الدین بیانگر توجه ویژه حضرت مهدی به مسئله غیبت است . سپس در رابطه با غیبت ، سؤالاتی مطرح شد :

1- آیا غیبت امام منافات با تبیین احکام دارد ؟

در پاسخ گفته شد : البته اگر حاضر بودند بهتر و شفاف تر بیان احکام می شد اما چون ائمه ( علیه السلام ) کلیات احکام را بیان نمودند و مجتهدین می توانند وظائف عباد را استخراج کنند لذا منافاتی در این رابطه وجود ندارد .

طبق روایت عبدالله بن فضل هاشمی حکمت غیبت ، بعد از ظهور معلوم می گردد ، مع ذلک می توان گفت :  
علت و سبب غیبت خود مردم می باشند با اینکه گوشه ای از حکومت عادلانه را در تاریخ انبیا و پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) و چند سال حکومت حضرت علی ( **عَلَيْهِ السَّلَام** ) دیدند ولی خود را برای تحقق یافتن چنین حکومتی برای همیشه آماده نمودند .

### 3- چه فائده ای بر وجود امام در حال غیبت مترتب می گردد ؟

وجود امام و آثاری که بر آن مترتب می شود منحصر نیست به زعامت دینی و اجتماعی تا گفته شود با غیبت ایشان دیگر فایده ای برای وجود مستور حضرت نخواهد بود کما این که خورشید در حال مخفی شدن در پشت ابر فواید زیادی دارد و هرگز فایده آن منحصر نمی شود به تابش آفتاب همین تشبیه در روایات و من جمله در روایت سلیمان اعمش از امام سجاد ( **عَلَيْهِ السَّلَام** ) آمده مگر نه این است که جرم خورشید جنبه محوری برای سیارات منظومه شمسی دارد ؟ وجود امام طبق روایات فراوان در حفظ و نظام این جهان مؤثر است و در این رابطه به کلام رسول خدا ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلِيٌّ** ) **عَلَيْهِ السَّلَام** ( و اشعار امام صادق ) اشاره شد ، و دیگر از فواید وجود حضرت هدایت و جذب معنوی است که بر نفوس اشراف دارد و بر دل های آماده تأثیر و تصرف می نماید که علامه طباطبائی ( **قُدس سره** ) به این مطلب اشاره نموده و در توضیح کلام علامه به اشعه نامرئی خورشید و جذب قطب های مغناطیسی اشاره شد و سپس مواردی از هدایت های معنوی و جذب های باطنی که از پیامبر اکرم و ائمه صادر شده و برای ما معلوم گردیده ، بیان گردید .

و از همه این ها گذشته حضرت مهدی شخصاً و یا به واسطه یاران خاص خود ، شبانه روز در رفع مشکلات و داد رسی درماندگان و اصلاح امور مسلمین اقدام می نماید و جمع آوری حکایاتی که در این رابطه به ما واصل شده مستلزم تألیف چندین جلد کتاب خواهد بود ، غایب شدن حجت خدا از انظار به معنای انزوای او از کارهای فردی و اجتماعی نیست ، و بهترین نمونه آن خضر است که در چند لحظه سه کار مهم را انجام داد و در سوره کهف شرح آن آمده و ما نیز به پنج نکته در این رابطه اشاره نمودیم ، امام زمان و دیگر ائمه کارهای ناپیدایی در مسیر اصلاح امور مسلمین و ایجاد جذب های معنوی

دارند که چند حدیث در این رابطه نقل شد .

در خاتمه اشاره کردیم که وجود و حیات امام و رهبر اگر چه در زندان و تبعید باشد و یا در پس پرده غیبت به سر ببرد ، روح بخش و باعث امید امت و پیروان خویش خواهد بود . خصوصاً آن رهبر و امامی که از حالات فردی و اجتماعی دوستان خویش با خبر باشد .

### \*سؤالات گفتار ششم\*

- 1- برای اهمیت مسئله غیبت حضرت مهدی ( علیه السلام ) در نظر اهل بیت ( علیهم السلام ) به کلامی از ایشان اشاره نمایید .
- 2- یکی از کسانی که قبل از ولادت حضرت مهدی ( علیه السلام ) ، کتاب غیبت نوشته نام ببرید ؟
- 3- در کتاب الذریعة نام چند نفر از علماء که کتابی تحت عنوان ( غیبت ) نوشته اند ، ذکر گردیده است ؟
- 4- چه چیزی باعث شد که شیخ صدوق ( قدس سره ) کتاب کمال الدین را تألیف نمود ؟
- 5- فلسفه غیبت چیست ؟ و مراد خواجه طوسی که فرموده : **وَعَدَمُهُ مِنَّا** چه می باشد ؟
- 6- چند مورد از فایده های وجود امام ( علیه السلام ) را در زمان غیبت ذکر کنید .
- 7- در روایات فایده وجود حضرت در زمان غیبت به چه چیزی تشبیه شده است ؟
- 8- علامه طباطبائی فایده وجود حضرت را چگونه ذکر کرده است ؟
- 9- یکی از مواردی که ائمه اطهار با جذب معنوی و هدایت باطنی ، یاران خود را راهنمایی کرده اند بیان کنید ؟
- 10- خدمات حضرت مهدی در زمان غیبت به آحاد جامعه را بیان کنید .
- 11- حضرت خضر در زمانی که با حضرت موسی همراه بود چه کارهایی انجام داد ؟

12- از حکایت موسی و خضر پنج نکته برداشت می شود به یکی از آنها اشاره کنید .

13- حدیث رمیله چه مطلبی را به ما می آموزد ؟

14- روایتی مبنی بر کمک رسانی حضرت مهدی ( علیه السلام ) در زمان غیبت ذکر کنید .

15- ابو نصر از زمان صباغت حضرت مهدی ( علیه السلام ) چه مطلبی را نقل نموده ؟

16- اعتقاد به حیات و زنده بودن رهبر و امام برای پیروانش چه فایده دارد ؟

17- خلاصه بحث را بیان کنید ؟

---

155

### گفتار هفتم

### پیرامون طول عمر حضرت مهدی ( عجل الله تعالی فرجه الشریف )

---

157

### مسئله طول عمر

در این جا سؤال پیش می آید که اگر حضرت مهدی ( علیه السلام ) از سنه ۲۵۵ تا به حال در قید حیات باشد قهراً عمری بیش از هزار سال خواهند داشت آیا این طول عمر را می توان قبول کرد ؟ و آن را با قوانین و قواعد طبیعی منطبق ساخت ؟ و آیا مدارک و ادله اسلامی آن را تأیید می نماید ؟

شیعه و نیز عده کثیری از علماء اهل سنت بر اساس ادله ای که در دست است و به آن ها اشاره خواهیم کرد فرمودند : طول عمر کاملاً قابل قبول است و با مدارک شرعی و نیز قوانین طبیعی در تضاد نیست .

بعضی از اهل سنت می گویند : مهدی موعود در نزدیکی ظهور ، به دنیا می آید و در آن عصر و زمان متولد می گردد . و گاهی مشاهده می شود که بعضی از این آقایان بدون تأمل و دقت در این مسئله حمله ای شدید به شیعه کرده و آنها را به جهل و نادانی نسبت داده اند و گفته اند : چگونه می توان به یک چنین مسئله عجیب

و غریب یعنی طول عمر معتقد شد ؟ منتهی فقط به استبعاد و استعجاب اکتفاء نموده و هرگز برای مدّعی خود دلیلی اقامه ننموده اند .

در جواب این سؤال گرچه بزرگان و اندیشمندان از جهات مختلف داد سخن داده و موضوع طول عمر و امکان آن را از دیدگاه علم و وحی توضیح داده اند که می توان به کتاب های بحار الانوار و کمال الدین و کنز الفوائد ( البرهان علی صحه طول عمر

الامام صاحب الزمان ) و منتخب الاثر و نوید امن و امان و داد گستر جهان و ... مراجعه نمود .

### آیا شگفت آور بودن می تواند دلیل بر انکار شود ؟

اولاً : عجیب بودن چیزی نمی تواند دلیل بر امتناع و محال بودن آن چیز شود ، بسیاری از امور است که به مراتب عجیب تر از طول عمر است ولی به آن معتقد هستیم مثلاً خلقت انسان از خاک و نطفه و القاء روح به آن . منکرین معاد ، بازگشت انسان را عجیب دانستند و گفتند :

( إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ <sup>(1)</sup> ) هنگامی که ما مردیم و خاک و استخوان شدیم آیا برانگیخته خواهیم شد ؟ ! و یا احياناً استخوان پوسیده را در قبرستان پیدا می کردند و به دست می گرفتند و با استعجاب زیادی می گفتند ) : مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ <sup>(2)</sup> ( چه کسی این استخوان ها را زنده می کند در حالی که پوسیده است ؟ !

قرآن در جواب این افراد می گوید ) : يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ . <sup>(3)</sup> ( . ای مردم اگر در رستخیز شک دارید ما شما را از خاک آفریدیم در واقع می گوید استعجاب ، دلیل بر انکار قیامت نخواهد شد زیرا از وقوع قیامت و بازگشت انسان ها در عالم آخرت عجیب تر خلقت انسان ها از خاک و از عدم است ، روزی که خاک بودیم خداوند قادر متعال به ما لباس وجود پوشاند و به ما چشم و گوش و زبان داد و نیروی فکر و شعور و عقل مرحمت کرد حال که به این مرحله رسیدیم برای بار دوّم نمی تواند ما را برای روز بازپسین برگرداند ؟ !

اصولاً اسرار و راز و رمز خلقت برای بشر معلوم نشده نیروی الکتریسته که از آن

1. واقعه : ۴۷ .

2. پس : ۷۸ .

3. حج : ۵ .

فواید فراوان برده می شود در متن این خلقت بوده است اما پس از قرن ها مردم به وجود آن پی بردند و اگر به آنها گفته می شد که نیرویی در آینده کشف می شود که هم آب را مبدل به یخ می کند و هم آن را به جوش می آورد و هم روشنایی می دهد و هم نیروی محرکه می شود و . . . انکار می کردند . امروزه بعضی گمان می کنند که بشر به بام علم و صنعت قرار گرفته و از یک سو دل اتم را شکافته و از سوی دیگر کیهکشان ها را مشاهده می کند و فاصله بین اجرام سماوی را اندازه گیری می کند . اما اهل بینش و دانش اعتراف می کنند که ما آگاهی و علم ناچیزی نسبت به خلقت داریم و به تمام اسرار و شگفتی های جهان خلقت آگاه نیستیم . دانشمند محققى که سالیان دراز پیرامون اسرار خلقت بدن و جسم انسان مطالعه می کند و عمر خود را در این راه به کار می گیرد کتابی تحت عنوان ( انسان موجود ناشناخته ) می نویسد بنابر این چگونه می توان به مجرد اینکه چیزی در نظر ما عجیب آمد آنرا انکار کنیم ؟

قرآن به تمامی انسانها ، نوابغ و صاحبان فکر و اندیشه خطاب می کند و می فرماید :

(وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا)<sup>(1)</sup> ( جز اندکی از دانش به شما داده نشده است .

این جمله را آنگاه می فرماید که از پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) از حقیقت روح سؤال می شود در جواب گفته می شود روح از عالم امر و فرمان الهی است و شما از دانش اندکی بهره مند گردیده اید . یعنی انسان از حقیقت خود و روح و نفس خود که شبانه روز با آن عجین است بی خبر است چه رسد به اسرار

مخلوقات و جهان خلقت . و با وجود آگاهی اندک انسان از راز و رمز جهان خلقت چطور می تواند چیزی را که باعث تعجب او گردیده ، انکار کند و آن را نفی نماید (2) ؟ !

---

1. اسراء : ۸۵

2. امروز آبدانی را در قبر مشاهده کرده اند که صاحبان آن هزار سال است از دنیا رفته اند و بدن آنها تازه و سالم مانده مثل قبر جابر بن عبد الله انصاری و شیخ صدوق و حر بن یزید ریاحی و . . . ، آیا علم می تواند به علت آن واقف گردد ؟ ! و آیا بقاء ابدان این افراد با اینکه بدن در عرض چند روزی متلاشی می شود و از استخوان های او هم باقی نمی ماند امر عجیبی نیست ؟ !

---

160

### تلاش برای افزایش عمر انسان

مسئله طول عمر و حتی نگه داشتن انسان را در شرایط و نشاط جوانی از مدّت ها پیش مورد توجه اطّبا و صاحبان فکر و اندیشه قرار گرفته و پیرامون آن آزمایش ها ، و مقالات فراوانی از خود به جای گذاردند ، و تا کنون کسی طول عمر و طولانی نمودن آن را محال و غیر ممکن ندانسته است .

دکتر فورد نوف یکی از مشاهیر پزشکان که راجع به امکان طولانی کردن عمر و تازه کردن جوانی در روی حیوانات آزمایش های فراوانی نموده می گوید : ششصد آزمایش موفقیت آمیز انجام داده ام و اطمینان می دهم که در آینده نزدیک تجدید قوای پیران و برطرف ساختن گرد و غبار سالخوردگی و خمیدگی قامت آنها عملی خواهد شد ، چنانچه دیررس ساختن پیری و طولانی کردن عمر با حفظ صحت قلب و دماغ تا آخر عمر بلکه تغییر صفات و شخصیات و عادات ممکن خواهد شد (1) .

زیست شناس معروف فرانسوی ( بلوفر ) در ضمن مطالعات مداوم خود پیرامون زنبور عسل متوجه مسئله حیرت انگیزی شد و آن طولانی بودن عمر ملکه زنبوران ( یعنی عمر ملکه چهار صد برابر عمر دیگر زنبوران است ) آن هم توأم با نیرومندی و جوانی .



وی در ضمن مطالعه دریافت که ملکه زنبوران از خوراک مخصوصی که توسط کارگران فراهم می‌آید در تمام عمر تغذیه می‌نماید در صورتی که دیگر زنبوران فقط در سه روز نخستین زندگی خود از این ماده اسرارآمیز برخوردارند .

آقای بلوفر این زیست‌شناس فرانسوی با مطالعات شبانه روزی خود برای رسیدن به رمز طول عمر ملکه و بالاخره با تجارب ۱۴ ساله خود ثابت کرد که علت طول عمر ملکه زنبوران همان شهد شاهانه است که از مواد مخصوص (مثل کربن، هیدروژن، ازت، و ویتامین ب و ...) ترکیب شده و حتی از این ترکیبات، ماده ای بنام (آپی سرم) ساخت و با تجویز آن در اشخاص فرسوده و پیران به نتایج حیرت‌آوری دست پیدا کرد .

(بلوفر) با اتکاء بر صدها تجربه اعلام داشت که تأثیر شهد شاهانه در انسان گو اینکه

---

. انوید امن و امان به نقل از مجله کل‌شیء، و تفسیر طنطاوی : ج ۱۷، ص ۲۲۴ .

---

## 161

---

از پیری جلوگیری نمی‌کند ولی دوران جوانی را طولانی و توأم با تندرستی و نیرومندی می‌سازد<sup>(۱)</sup> .

چطور حیوانی همچون زنبور عسل بتواند برای طولانی شدن عمر ملکه خود به غذائی دست بیابد که عمر ملکه را به چهار صد برابر عمر عادی زنبوران افزایش دهد اما نسبت به انسان که اشرف مخلوقات است و آن هم حجت خدا که دارای علوم خدادادی می‌باشد؟ از استفاده غذائی که عمر او را طولانی کند جایز ندانیم؟! بعضی از دانشمندان بر اساس آزمایش‌هایی که روی مگس‌های میوه انجام داده‌اند عمر آنها را به نهد برابر افزایش داده‌اند<sup>(۲)</sup> .

اگر چنین آزمایشی با موفقیت بر روی انسان داده می‌شود و عمر طبیعی انسان را هشتاد سال بگیریم به هفتاد و دو هزار سال خواهد رسید<sup>(۳)</sup> .

پس امکان عادی طول عمر در جهان علم صد در صد مورد قبول و غیر قابل انکار است .

## عمرهای طولانی در بعضی از افراد گیاهان و حیوانات

نه فقط در انسان ، افرادی دیده شده که از عمر طولانی و غیر عادی برخوردار شدند ، در سایر موجودات زنده مانند نباتات و حیوانات نیز افرادی دیده شده که از سایر انواع خود عمرهای طولانی تری پیدا کرده اند . مثلاً در کالفرنیا درخت کاجی است به طول سیصد قدم که محیط آن سی قدم می باشد و عمرش شش هزار سال است و یا ماهی هائی در اقیانوس اطلس در شمال اروپا دیده شده که عمر آنها را سه میلیون سال

---

1. انوید امن و امان به نقل از اطلاعات شماره ۸۹۳۰ .

2. منتخب الاثر ص ۲۷۸ به نقل از مجله الهلال .

3. ما در این مقام اکتفاء به چند نمونه از آزمایش ها و گفتار دانشمندان نمودیم و چنانچه افرادی بخواهند در این رابطه بطور مبسوط از سخنان و مقالات آنها مطلع گردند می توانند به کتاب نوید امن و امان و داد گستر جهان و دیگر کتابها که در این رابطه توضیح بیشتری داده اند مراجعه نمایند .

برآورد کرده اند و مارهائی که عمر چند هزار ساله دارند<sup>(۱)</sup> .

وجود افراد استثنائی نشان می دهد که برای عمر افراد ، حد و مرزی که تخلف ناپذیر باشد وجود ندارد ، درست است که اکثر انسان ها قبل از صد سالگی می میرند ، ولی مأنوس بودن ما به این مقدار از عمر دلیل نمی شود که تجاوز از صد سال امکان ندارد زیرا افراد زیادی دیده شده که صد سال بیشتر زندگی کرده اند .

وجود انسان های صد و پنجاه ساله و صد و هشتاد ساله و دویست ساله که حتی در عصر خودمان گه و گاه یافت می شوند دلیل روشنی است بر اینکه عمر انسان حدّ و مرزی ندارد ، زیرا فرق نمی کند که انسان دویست سال زندگی کند یا دو هزار سال هر دو نامأنوس و غیر متعارف است .

عمر طولانی از نظر تاریخ مورد تأیید است زیرا تاریخ افراد زیادی را نشان می دهد که از عمر طولانی برخوردار شده اند یکی از کتاب هائی که در خصوص اشخاص معمرین نوشته شده و از مآخذ و مصادر و کتب تراجم و رجالی به شمار می آید کتابی است که ابو حاتم سجستانی متوفای ۲۵۰ به نام ( المعمرون ) تألیف کرده و نیز کتاب ( الآثار الباقیه ) تألیف ابو ریحان بیرونی و نیز مسعودی مورخ مشهور عده ای از افراد را که دارای طول عمر بودند در کتاب خود نام برده از جمله : آدم ۹۳۰ سال - شیث 912 سال - انوش ۹۶۰ سال - قینان ۹۲۰ سال - مهلائل ۷۰۰ سال - لوط ۷۳۲ سال - ادریس 300 سال - متوشالچ ۹۶۰ سال - نوح ۹۵۰ سال - ابراهیم ۱۹۵ سال - کیومرث ۱۰۰۰ سال - جمشید ۶۰۰ یا ۹۰۰ سال - عمر بن عامر ۸۰۰ سال و عاد ۱۲۰۰ سال . (2)

### عمرهای طولانی از دیدگاه کتب آسمانی

از تورات فعلی که حجت است بر ملت یهود و نصاری نام عده ای از معمرین از قبیل

---

. انوید امن و امان .

. 2داد گستر جهان : ص ۲۵۲ ، به نقل از مروج الذهب .

---

### 163

آدم ۹۳۰ سال - شیث ۹۱۲ سال - انوش ۹۰۵ سال آمده است .

و از همه مهمتر و یقین آورتر قرآن مجید است که با صراحت خبر از عمر طولانی برخی از انسان ها و یا غیر انسان ها داده است مثلاً در رابطه با حضرت نوح می فرماید ( : وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ<sup>(1)</sup> ) ( ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد و سرانجام طوفان آنان را فرا گرفت و بنابر بعضی از احادیث ، عمر حضرت نوح در زمان رسالت و اضافه نمودن عمر ایشان در قبل از رسالت و بعد از طوفان به ۲۵۰۰ سال می رسد و ظاهر آیه هم این است که زمان رسالت نوح در بین قوم خود تا فرا رسیدن طوفان 950 سال بوده است .

و نیز در رابطه با حضرت عیسی می فرماید ( . . . ) : **وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا \* وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ** (2)

«قطعاً عیسی را نکشتند بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خداوند توانا و حکیم است و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه قبل از مرگش به او ایمان می آورد .»

در ذیل این آیه روایاتی از عامه و خاصه رسیده که در زمان ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) ، حضرت عیسی از آسمان نزول می کند و اهل کتاب به طور عموم به حیات و زنده بودن او ایمان می آورند .

مفسر بزرگ علامه طباطبائی می نویسد (3) روایات پیرامون نزول عیسی ( علیه السلام ) در زمان ظهور مهدی ( علیه السلام ) به طور مستفیض از عامه و خاصه نقل شده است . احمد حنبل و بخاری و مسلم و بیهقی نقل می کند که قال رسول الله ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) : **( كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ ؟ )** چگونه است حال شما آن موقعی که پسر مریم یعنی حضرت عیسی از آسمان نزول کند و در رکاب مهدی و نماز جماعت ایشان شرکت کند و امام از شما باشد که اشاره به این است که حضرت عیسی اقتدا به حضرت مهدی می کند و ایشان را

---

1. عنکبوت : ۱۴ .

2. نساء ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ .

3. المیزان ج ۵ ص ۱۵۲ .

از این آیه شریفه و نیز روایات آن کاملاً استفاده می شود که حضرت عیسی زنده است و تا کنون بیش از دو هزار سال از عمر شریفش می گذرد .

(و نیز در رابطه با حضرت یونس می گوید ) : **فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ \* لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ** <sup>(1)</sup> ) اگر یونس در شکم ماهی تسبیح ما را نمی کرد هر آینه در همان شکم ماهی تا قیامت باقی می ماند گرچه از آیه به طور صراحت استفاده نمی شود که آیا زنده باقی می ماند و یا همانجا می مرد اما در بعضی از تفاسیر آمده که او زنده می ماند .

و در رابطه با ابلیس بعد از تمرد او از سجده نمودن بر آدم و رانده شدن از درگاه ایزد متعال از پروردگار تقاضای عمر طولانی آن هم تا قیامت نمود با اینکه عمر آنها قطعاً این مقدار تداوم نداشته و الا از خداوند درخواست نمی کرد و خداوند متعال به او مهلت داد و فرمود ( : **إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ** ) تو از مهلت داده شده گانی منتهی تا وقت معلوم و معینی .

اگر بنا شود قرآن درباره یک عنصر خبیث و اغواگر ، طول عمر چند هزار سال را تأیید کند و از آن به عنوان یک واقعه ای که محقق شده خبر دهد ، چطور درباره انسانی مانند ولیّ خدا و بنده شایسته ایلی غیر ممکن است ؟

### مناظره سید بن طاوس

سید بن طاوس با بعضی از اهل سنت در رابطه با طول عمر امام زمان ( **علیه السلام** ) بحث می کردند و آنها استعجاب می کردند . به آنها فرمود اگر کسی بیاید و بگوید ای مردم من روی دجله بغداد بدون وسیله خاصی ، راه می روم ، مردم تعجب می کنند و قهراً جمع کثیری برای تماشا کنار دجله می روند و اگر مشاهده کردند که راست می گوید و روی آب بدون وسیله حرکت می کند و چنانچه شخص دیگری همان ادعا را تکرار نماید این بار تعجب مردم کمتر می شود و از اجتماع آنها در کنار دجله کاسته می شود و اگر شخص

---

. 1صاّات ۱۴۴ .

ثالث و رابعی بیاید و همین ادعا را بکند تعجب مردم منتفی می گردد و کسی برای تماشا به کنار دجله نخواهد رفت . سپس سید بن طاووس می فرماید : مسئله طول عمر امام زمان از همین قبیل است چون شما اهل سنت در احادیث خود نقل می کنید ادريس زنده است و در آسمان است و خضر از زمان موسی و بلکه قبل از آن زنده است تا حال حاضر و عیسی بن مریم زنده است و در آسمان است آیا بعد از این سه نمونه دیگر جای تعجب است اگر بر اساس ادله گذشته معتقد شویم به طول عمر یکی از فرزندان و اوصیاء پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله ) که آن فرزند پیامبر می آید و شرق و غرب عالم را پر از عدل و داد می کند و اگر بنا شود که تعجب کنیم باید از گسترش عدل و داد به دست حضرت مهدی ( علیه السلام ) آن هم بعد از پر شدن جهان از ظلم و جور تعجب کرد نه از طول عمر حضرت (1) .

و لذا بعضی از مشاهیر و بزرگان اهل سنت بر اساس وجود افرادی از معمرین که نام آنها در قرآن و یا احادیث اسلامی آمده تصریح می کنند که طول عمر حضرت مهدی امری است کاملاً قابل قبول مثلاً حافظ گنجی شافعی (2) برای اثبات طول عمر حضرت مهدی ( علیه السلام ) استدلال نموده به بقاء عیسی و خضر و ایلیاس و بقاء دجال (3) و إبلیس (4) که به زودی کلام ایشان و دیگر علماء اهل سنت را در این رابطه نقل خواهیم کرد .

### اراده خداوند بر همه چیز حاکم است

فرد مسلمان و معتقد به قرآن می داند که آیات فراوانی در قرآن آمده که می گوید خداوند هر چه اراده کند انجام می دهد (5) و ملت یهود را سخت مذمت می کند که

---

1. منتخب الاثر : ص ۲۷۵ ، نقلاً از کشف الحجه سید بن طاووس ، فصل ۷۹ .

2. البیان باب ۲۵ طبق نقل منتخب الاثر ص ۲۷۶ .

3. در روایات اهل سنت مثل صحیح مسلم و غیره آمده که دجال از زمان حضرت پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله و سلم ) تا ظهور حضرت مهدی زنده است ( گرچه این مطلب از دیدگاه علماء و دانشمندان شیعی مورد

بحث است و در جای مناسب خود خواهد آمد ) شما ملاحظه می کنید که علماء اهل سنت در طول عمر دجال استعجاب نمی کنند اما از طول عمر حضرت مهدی ( علیه السلام ) تعجب می نمایند ؟ !

4 نظیر کلام حافظ گنجی نیز از بیهقی که امام الحرمین بوده و همچنین از ابن جوزی نقل شده است .

5 . کس : ۸۲ ، ) اِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . (

می گویند دست خدا بسته شد ( 1 ) و مکرر گوشزد می کند که خداوند بر هر چیزی قادر است ( 2 ) و گاهی به مواردی اشاره می کند که خداوند بقاء و حفظ فردی را اراده کرده است . حال آنکه تمامی علل و اسباب ظاهری در جهت نابودی او بوده اند ، مثل حفظ یوسف در چاه و موسی در آب و ابراهیم در آتش و اسماعیل در وادی غیر ذی زرع و برگرداندن پیامبر اکرم ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) را به وطن خویش یعنی مکه مکرمه و پیروزی ایشان بر تمامی مشرکان سرزمین حجاز .

در میان اهل سنت افراد معدودی از قبیل ابن حجر و محب الدین خطیب هستند که اصولاً سعی می کنند فاصله بین شیعه و سنی را زیاد کنند و گاهی دیده می شود که اعتقاد به طول عمر حضرت را نسبت می دهند به افرادی که جاهل ترین انسان ها است ( 3 ) ؟ ! با اینکه عدّه ای از مشاهیر و بزرگان اهل سنت اعتراف کرده اند که مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری ( علیه السلام ) است .

برخی دیگر از آنها گفته اند حضرت مهدی به دنیا نیامده و با شیعه موافقت ندارند اما حمله ای به شیعه و اعتقاد آنها نکرده و اعتقاد به طول عمر را یک مسئله غیر ممکن ندانسته اند .

امروزه دشمنان اسلام سعی در فاصله انداختن بین شیعه و سنی دارند و برخی نیز آگاهانه یا نا آگاهانه به دنبال تحقق بخشیدن به آرمان های آنها قلم به دست می گیرند و به ایجاد فاصله و بغض بین شیعه و سنی می افزایند . اگر این افراد بر اساس مزدوری و عناد اینگونه مطالب را می نویسند و دنبال می کنند که نمی توان با آنها بحث و گفتگو نمود ، و اما اگر در جستجوی حقیقت هستند به آنها می گوئیم : شما مسلمانید و

معتقد به قرآن و

خداوند را قَال ما يَشَاءُ می دانید و اراده او را حاکم بر همه عوامل طبیعی می دانید چطور جرأت نموده و اینگونه جسارت به گروهی از مسلمانان می کنید که چیزی را می گویند که

---

1. امائده : ٤٤ ، ) قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا . ( )

2. احزاب : ٢٧ ، ) وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا . ( )

3. می گویند : اگر کسی مبلغی را وصیت کند برای جاهل ترین افراد باید آن مبلغ را به معتقدین طول عمر حضرت مهدی عج داد ؟ !

---

## 167

---

گذشته از اینکه از طریق قوانین طبی و تاریخی مورد تأیید است از دیدگاه قرآن و روایات نیز مورد تصدیق است و نمونه هائی که در متن قرآن آمده و شما به آن معتقد هستید و گاهی همان آیات را در نماز و غیر نماز قرائت می کنید آیا بین این اعتقاد شما و بین آن جسارتهای شما منافاتی نیست ؟ ( فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ . )

### تشرفات و طول عمر

در بحث اثبات وجود مقدس حضرت مهدی ( علیه السلام ) گذشته از ادله عقلی و نقلی که در مباحث قبل ملاحظه نمودید ، دانستیم که گروه فراوانی از اخبار و نیکان و احیاناً از علماء ربّانی به خدمت حضرت رسیدند و با ایشان سخن گفتند و از این طریق ، مشکلات علمی و اجتماعی خود را حل نمودند که حکایات آنان در کتب آمده و هر یک به تنهائی کافی است که ما ایمان بیاوریم به وجود آن حضرت تا چه رسد که تعداد اینها از حدّ توانر گذشته و تماماً خبر از ملاقات و دیدار حضرت مهدی ( علیه السلام ) داده اند با وجود این همه افراد صالح و شایسته ای که در طول تاریخ غیبت به محضر امام شرفیاب شده ، و یا به مقصد و مقصود خود نائل گردیده اند دیگر چه جائی برای استعجاب نمودن از طول عمر حضرت مهدی ( علیه السلام ) باقی خواهد ماند .



## اعتراف بزرگان اهل سنت

گروه کثیری از علما و بزرگان اهل سنت در این عقیده با شیعه وحدت نظر دارند و می گویند که حضرت مهدی ( علیه السلام ) ( فرزند امام حسن عسکری ) علیه السلام ( است و در سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمده است . عالم بزرگوار آیه الله صافی در کتاب خود منتخب الأثر ، نام ۶۵ نفر از علماء اهل سنت را به همراه کتابشان ذکر کرده است .

و چنانچه مشاهده می شود بعضی طول عمر حضرت را امر عجیب و غریبی دانسته اند و معتقدین به آن را به جهل و نادانی نسبت داده اند ، باید بدانیم که این کلام جسورانه ، کلام و سخن افراد معدودی است و همانگونه که قبلاً گفته شد ، احتمال غرض ورزی و ایجاد شکاف و اختلاف افکندن بین شیعه و سنی در کلام آنها داده می شود و الا

باید این افراد ، عده کثیری از دانشمندان و فرزانه های خود را به جهل و نادانی نسبت دهند (1) .

و اینک می پردازیم به نقل چند نفر از علماء عامه بر اساس نقل منتخب الأثر که مهدی موعود را فرزند امام عسکری ( علیه السلام ) دانسته اند و می گویند : ولادت ایشان در گذشته واقع شده است .

1- ابن صباغ مالکی در کتاب فصول المهمّة می نویسد : ابوالقاسم محمد ، حجة بن الحسن در شهر سرّمن رای در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمد از کنیزی به نام نرجس .

2- ابن خلکان در کتاب وفيات الاعیان می نویسد ، ولادت حضرت مهدی ( علیه السلام ) روز جمعه ، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری بوده ، و چون پدرش از دنیا رفت ، ایشان پنج سالش بوده و نام مادرش خمط و یا نرجس بوده است .

3- ابن حجر هیثمی که شافعی مذهب است در کتاب صواعق خود بعد از ذکر بعضی از حالات امام عسکری ( علیه السلام ) می نویسد ابی محمد فرزندی را غیر از ابی القاسم محمد از خود باقی نگذاشت .

4- شیخ شمس الدین صاحب کتاب تاریخ کبیر<sup>(2)</sup> و تذکره الخواص راجع به مهدی موعود ( علیه السلام ) می نویسد : ( هو محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب ) **علیهم السلام** ( و بعد از اینکه نسب حضرت مهدی ( علیه السلام ) را به جدش علی بن ابیطالب می رساند می گوید : کنیه ایشان ابو عبدالله و ابو القاسم است و او حجّت و صاحب زمان و قائم و منتظر می باشد و سپس به روایتی از رسول خدا ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) اشاره می کند که حضرت فرموده : اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز ، فردی از اهل بیت من خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد نماید .

5- نورالدین دشتی که حنفی مذهب است و صاحب کتاب شرح کافیّه و شواهد

---

1. منتخب الأثر : ص ۳۲۱ .

2. از ابن خلکان نقل شده که می گوید : تاریخ کبیر را به خط شیخ شمس الدین در چهل جلد دیدم .

النّبوة است ، ایشان گذشته از اینکه به ولادت ایشان از امام عسکری اعتراف می کند و می گوید : ایشان حجة بن الحسن الامام الثانی عشر است می پردازد به نقل حوادث عجیب و غریبی که در هنگام ولادت ایشان رخ داده از قبیل جستن روی کنده های پا و دست ها را به سوی آسمان بلند کردن و چون عطسه می کند ، می فرماید : **الحمد لله رب العالمین** و نقل کسیکه از امام عسکری درخواست کرد امام بعد از شما کیست و ایشان به داخل اطاقی رفت و چون بیرون آمد یک پسر بچه سه ساله مثل ماه شب چهارده نورانی را در بغل گرفته و به آن شخص سائل نشان داد و فرمود : اگر نبود جایگاه خوبی که نزد خدا داری این فرزند را به تو نشان نمی دادم .

..

6- شیخ حافظ ابو عبد الله گنجی صاحب کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان و کتاب کفایة الطالب فی مناقب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ، بعد از اینکه تصریح می کند به اینکه : حضرت مهدی فرزند امام عسکری است

می نویسد : دلیل بر بقاء و طول عمر حضرت مهدی ، بقاء و طول عمر حضرت عیسی و الیاس و خضر است که از اولیاء خدا هستند و نیز بقاء دجال و ابلیس است که از دشمنان خدا هستند . . .

7- شیخ محی الدین اندلسی در فتوحات خود می نویسد : خروج و قیام مهدی حتمی است بعد از آنکه زمین پر از جور و ظلم شود . و اشاره می کند به روایت مشهور و معروف از رسول خدا ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) ( لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد . . . ) که بالاخره مهدی ( عَلَيْهِ السَّلَام ) می آید و جهان را پر از عدل و داد می نماید .

وی در ادامه می گوید : مهدی از فرزندان فاطمه و نواده حسین بن علی است و فرزند حسن عسکری است . . .

8- شیخ عبد الرحمان صاحب کتاب مرآة الاسرار و یکی از مشایخ صوفیه در کتاب خود که به زبان فارسی است می نویسد : آن آفتاب دین و دولت ، آن هادی جمیع ملت و دولت ، آن قائم مقام پاک احمدی ، امام بر حق ابو القاسم محمد بن الحسن المهدی ( قَدَسَ سِرُّهُ ) ، وی امام دوازدهم است از ائمه اهل بیت ، مادرش امّ ولد بود ، نرجس نام داشت ولادتش شب جمعه پانزدهم شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین . . .

9- شیخ محمد بن ابراهیم جوینی ، شافعی مذهب بوده ، در کتاب فرائد السمطين

روایت دعبل خزاعی را از حضرت علی بن موسی الرضا نقل می کند . و سپس نقل می کند که امام رضا ( عَلَيْهِ السَّلَام ) فرمود : امام بعد از من ، فرزندم جواد تقی است و بعد فرزندش علی الهادی النقی است و بعد فرزندش حسن عسکری و بعد فرزندش ( حُجَّةُ الْمَهْدِيِّ الْمُتَنْظِرِ فِي غَيْبَتِهِ ، الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ ) حجت حق مهدی است که باید در زمان غیبت او به انتظارش بود و در زمان ظهورش از او اطاعت و فرمانبرداری نمود .

10- بهلول بهجت افندی قاضی و محقق ، صاحب کتاب ( المحاکمة فی تاریخ آل محمد ) که به زبان ترکی نوشته و به فارسی ترجمه شده ، در این کتاب بعد از امامت اثنی عشر و بیان فضائل آنان می نویسد : دوازدهمین امام در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ متولد گردید ، و اسم مادرش نرجس است و او دارای دو غیبت

می باشد ، غیبت صغری و غیبت کبری ، و تصریح می کند که او زنده است تا خداوند به او اذن بدهد و ظاهر گردد و زمین را پر از عدل و داد کند ، و ظهور ایشان مطلبی است که تمامی مسلمانان بر آن اتفاق دارند و احتیاجی به آوردن دلیل نیست .

11- شیخ جلال الدین سیوطی در کتاب خود به نام ( احياء الميَّت بفضائل اهل البيت ) می نویسد یکی از ذراری امام حسین ، مهدی است که در آخر الزمان مبعوث خواهد شد ، سپس می نویسد : امام اول علی بن ابیطالب (علیه السلام ) و نام یک ائمه را می برد تا می رسد به امام یازدهم حضرت عسکری ، می گوید : امام دوازدهم فرزند عسکری است که ( محمد القائم المهدی ) می باشد و در رابطه با امام دوازدهم از پیامبر ( صلی الله علیه وآله ) و علی ( علیه السلام ) و نیز از بقیه پدران ایشان که همه از بزرگان بوده اند روایات داریم ، و امام دوازدهم هم صاحب شمشیر است و او قائم منتظر است .

12- شیخ احمد جامی در اشعار خود می گوید :

من ز مهر حیدرم هر لحظه اندر دل صفا \* \* \* از پی حیدر ، حسن ما را امام و رهنما است

همچو کلب افتاده ام بر آستان بو الحسن \* \* \* خاک نعلین حسین بر هر دو چشم توتیا است

عابدین تاج سر و باقر دو چشم روشنم \* \* \* دین جعفر بر حق است و مذهب موسی رواست

ای موالی وصف سلطان خراسان را شنو \* \* \* ذرّه ای از خاک قبرش دردمندان را دواست

پیشوای مؤمنان است ای مسلمانان تقی \* \* \* گر نقی را دوست داری بر همه ملّت رواست

عسگری نور دو چشم آدم است و عالم است \* \* \* همچو یک مهدی سپهسالار در عالم کجا است

شاعران از بهر سیم و زر سخنها گفته اند \* \* \* احمد جامی غلام خاص شاه اولیاء است

این بود نمونه ای از کلمات علماء و بزرگان اهل سنت پیرامون ولادت حضرت مهدی ( علیه السلام ) و اعتراف آنان درباره طول عمر حضرت مهدی ( علیه السلام ) و اینکه با داشتن نمونه هائی در قرآن ، جای هیچگونه استعجاب و شک و تردیدی باقی نمی ماند .

امام سجاد ( علیه السلام ) می فرماید : **فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهِيَ طُولُ الْعُمُرِ** <sup>(1)</sup> قائم ما اهل بیت ( یعنی حضرت مهدی موعود ) ( علیه السلام ) ( یک خصلت و شباهت به حضرت نوح دارد و آن طول عمر آن حضرت است .

### خلاصه گفتار هفتم

بعد از اثبات وجود حیات حضرت مهدی ( علیه السلام ) مسئله طول عمر مطرح است بعضی از اهل سنت طول عمر حضرت را مسئله عجیب و غیر قابل قبول دانسته اند ، اما فقط استعجاب نموده اند و هیچ دلیلی بر عدم امکان آن نیاورده اند با وجود این که استعجاب دلیل بر امتناع نمی شود . خلقت انسان از خاک بسیار عجیب است اما این امر واقع شده است و قرآن از همین طریق به متکرین معاد جواب داده و اصولاً می دانیم که انسان با تمام

---

1. کمال الدین صدوق ج ۲ باب ۴۶ ح ۵ .

ترقیات علمی از راز و رمز جهان خلقت بی خبر است کما اینکه قرآن به انسان ها حتی نوابغ خطاب می کند و می گوید ( **وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا** ) بنابر این چطور می توان چیزی را که دلیلی بر امتناع آن نداریم انکار نمائیم ، و از این گذشته اطباء و محققین برای طولانی کردن عمر تلاش می کنند و آزمایش های زیادی در این رابطه انجام داده اند و نیز برخوردارند به ملکه زنبوران که در اثر غذای خاصی که برایش فراهم می شود ، عمرش چهار صد مرتبه بیشتر از دیگران است و نیز عمر مگس های روی میوه ها را به نهد برابر افزایش داده اند پس اعتقاد به طول عمر ، یک اعتقاد مخالف علم نیست و بلکه فرضیه ها و تجربه هایی که به عمل آمده کاملاً دلالت بر امکان آن می کند .

شاهد دیگر برای امکان طول عمر و بلکه وقوع آن تاریخ است و نیز تورات و از همه مهم تر قرآن است که درباره نوح و عیسی و ابلیس قائل به طول عمر می باشد و حتی بنابر احتمالی از آیه ۱۴۴ سوره صافات استفاده می شود که اگر یونس در دل ماهی تسبیح نمی کرد تا قیامت در شکم ماهی زنده می ماند و سید بن طاووس با استشهاد به همین آیات و موارد در مناظره با بزرگان اهل سنت غالب و پیروز شد کما اینکه بعضی دیگر از بزرگان اهل سنت بر اساس همین افرادی که در قرآن با عمر طولانی معرفی شده اند اعتراف می نماید که طول عمر حضرت مهدی کاملاً قابل قبول است .

از همه این ها گذشته در رابطه طول عمر حضرت می توان از آیات فراوانی استفاده کرد ، آن آیاتی که دلالت می کند بر اینکه هر چرا خدا بخواهد می شود و خواسته او بر تمام علل و اسباب عالم مادی حاکم است کما اینکه او خواست ابراهیم را از میان آتش سالم بیرون بیاورد که بیرون آمد و خواست یوسف را بر تخت سلطنت بنشانند که نشانند با توجه به اینکه در بحث طول عمر حضرت مهدی با بعضی از اهل سنت مقابل هستیم و آنها تماماً در مقابل آیات قرآن تسلیم و تواضع می کنند .

و سپس اشاره کردیم به این که با آن همه براهین عقلی و نقلی که در مباحث گذشته مطرح شد ، خصوصاً ملاقات های فراوانی که ناقل آن ها از صلحا و شایستگان می باشند ، جایی برای تردید در طول عمر حضرت باقی نمی ماند .

و در خاتمه گفته شد که عده کثیری از علماء اهل سنت نیز اعتراف کرده اند

---

173

---

که حضرت مهدی ( علیه السلام ) فرزند امام عسکری است و در سال ۲۵۵ متولد شده و می گویند :  
با داشتن نمونه هائی از افراد که آنان دارای طول عمر بوده اند و در قرآن مطرح شده است و نیز با در دست داشتن روایاتی در این رابطه جای هیچگونه استعجابی نیست . و امام سجاد ( علیه السلام ) می فرماید : قائم ما شباهتی به حضرت نوح دارد و آن هم طول عمر ایشان است .

---

174

---

\*سؤالات گفتار هفتم

- 1- کسانی که طول عمر حضرت مهدی را امر عجیب دانسته و قبول نکرده اند آیا دلیلی برای گفتار خود دارند ؟
- 2- منکرین معاد از چه امری اظهار شگفتی می نمودند و قرآن به آنها چه جوابی داده است ؟
- 3- انسان تا چه حدی از اسرار عالم و مخلوقات آگاهی دارد ؟
- 4- دکتر فورد پیرامون طولانی شدن عمر و امکان آن چه می گوید ؟
- 5- عمر ملکه زنبوران چند برابر زنبوران دیگر است ؟
- 6- نتیجه آزمایشی را که روی مگس های میوه به عمل آوردند چه بود ؟
- 7- کتاب ( المعمرین والوصایا ) تألیف چه کسی است ؟
- 8- یکی از کسانی که طول عمر داشته و در تاریخ ثبت است و یا در تورات آمده ، نام ببرید .
- 9- از عمر درخت کاجی که در کالیفرنیا می باشد چند سال می گذرد ؟
- 10- کدام حیوان دریایی سه میلیون سال عمر نموده ؟
- 11- قرآن در رابطه با نوح و عیسی و یونس چه فرموده است ؟
- 12- مناظره سید بن طاوس با بعضی از بزرگان اهل سنت پیرامون طول عمر امام زمان چه بود ؟
- 13- بعضی از مشاهیر و بزرگان اهل سنت را که طول عمر حضرت مهدی را قابل قبول می دانند ، نام ببرید .
- 14- از آیاتی که دلالت می کند بر حاکمیت اراده و مشیت الهی در بحث طول عمر حضرت مهدی ( علیه السلام ) چگونه استفاده کردیم ؟
- 15- دلیل پنجم ما در بحث طول عمر حضرت مهدی ( علیه السلام ) چه بود ؟

16- نام یکی از علمای اهل سنت را که به ولادت امام مهدی در سال ۲۵۵ معتقد است ، نام ببرید .

17- امام سجاد ( علیه السلام ) شباهت حضرت مهدی ( علیه السلام ) را با نوح پیامبر در چه امری دانسته

است ؟

18- خلاصه بحث را بیان کنید .

### گفتار هشتم

#### پیرامون مسئله انتظار

#### انتظار در قرآن و روایات

قرآن و روایات ، آینده تاریخ و سرانجام کاروان بشریت را روشن و زیبا معرفی می کند و به صاحبان ایمان بشارت می دهد که حکومت زمین متعلق به آنها و مستضعفان خواهد بود ، و هیچ قدرتی نمی تواند بر خلاف آن گام بردارد .

سپس دستور انتظار می دهد و به مردم می فرماید : که منتظر برقرار شدن حکومت عدل و داد ، و نابودی کفر و نفاق و الحاد باشند .

قرآن می فرماید ( : **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ** )<sup>(1)</sup> همانا

در زبور ، پس از ذکر ( تورات ) نگاشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند . و نیز می فرماید :

( **وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ** )<sup>(2)</sup> ( ما خواسته ایم

که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم . و نیز می فرماید ) :



يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (3) ( می خواهند نور خدا را با

دهان هایشان خاموش کنند و خداوند تمام کننده نور خویش است هر چند کافران را خوش نیاید . و

---

1. انبیاء : ۱۰۵ .

2. قصص : ۵ .

3. صف : ۸ .

---

## 180

---

بالاخره قرآن در یک جمله به صاحبان ایمان نوید می دهد و پیروان خود را به انتظار دعوت می نماید و می فرماید :

(قُلِ اَنْتَظِرُوا اِنَّا مُنْتَظِرُونَ) (1) ( بگو منتظر باشید که ما هم منتظریم .

(فَتَرَبَّصُوا اِنَّا مَعَكُمْ مُتْرَبِّصُونَ) (2) ( منتظر باشید که ما هم با شما منتظریم .

(فَاَنْتَظِرُوا اِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ) (3) ( منتظر باشید که من هم با شما منتظرم .

این آیات ، از یک جامعه سالم و آینده روشن برای انسان ها خبر می دهد و به انتظار و صبر و شکیبائی برای فرا رسیدن آن روز مبارک دعوت می نماید .

احادیث فراوانی بیانگر این است که صالحان و مؤمنان در آینده دارای یک حکومت عادلانه ، و جامعه ای قرین با آرامش و آسایش و اقبال مردم به تقوی و ایمان خواهد بود و منجی و مصلح آن ، یکی از فرزندان رسول خدا یعنی مهدی آل محمد ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) می باشد و بخش عظیمی از این روایات را محدثین اهل سنت نقل نموده اند .

از روایان شیعه و سنی نقل شده که رسول خدا ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) فرمودند : لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يُوَاطِي اسْمَهُ اسْمِي وَكُنْيَتَهُ كُنْيَتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا<sup>(4)</sup> اگر از دنیا جز یک روز نماند خداوند متعال آن روز را طولانی می کند تا مردی از فرزندان من بیرون آید که نامش نام من و کنیه اش کنیه من است ، زمین را پر از عدل و داد نماید همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد .

و در روایتی دیگر رسول خدا ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) انتظار فرج را بهترین عبادت دانسته و فرموده اند :  
أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ<sup>(5)</sup>

---

1. انعام : ۱۵۸

2. توبه : ۵۲

3. اعراف : ۷۸

4. امامت و مهدویت : ص ۳۸۴

5. کمال الدین : ج ۱ ، ص ۵۳۷

## مراتب و انواع انتظار

بشر در زندگی اجتماعی و فردی خود مرهون نعمت انتظار است و چنانچه شخصی از انتظار تهی گردد زندگی برایش معنی و مفهومی نخواهد داشت .

ارزش هر انسانی مربوط می شود به ارزش و اهمیت آن انتظاری که مورد نظر او است یکی منتظر پایان سال و گرفتن رتبه و حقوق است ، دیگری در انتظار اخذ مدرک و فردی در انتظار خرید منزل و ماشین و ... و یک محقق و متفکر منتظر است که با تألیف و زحمات خود مشکلات علمی را حل نماید و آن پزشک دلسوز منتظر

دیدن نتیجه طبابت خود در مریض است همچنین حزب ها و رژیم ها ، تماماً به انتظار تحقق یافتن اهداف خویش هستند و بالاخره دو لشکر که در مقابل یکدیگر قرار می گیرند هر دو به انتظار پیروزی خودشان هستند .

### انتظار پیروان مکتب اهل البیت

انتظاری که بر اساس تعلیمات وحی ، از سوی پیامبر اکرم ( صلی الله علیه وآله ) و ائمه اطهار ( علیهم السلام ) به پیروان خودشان توصیه شده ، انتظار گسترش عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری در تمامی نقاط کره زمین است تا همه مردم تحت حکومت و قانونی واحد ، در امن و امان زندگی کنند .

### تلاش و کوشش ، لازمه انتظار واقعی

تمامی مردم برای تحقق اهداف خود ، در حرکت و تلاش هستند . هر انسانی برای رسیدن به خواسته مورد انتظار خود به سر می برد و تلاش می کند تا زودتر و بهتر به آرزوی خود واصل گردد .

اسلام از این عامل حرکت آفرین استفاده نموده و مسلمانان را به نابودی ظلم و استکبار و برقراری حکومت عدل اسلامی در زیر سایه ( انتظار ) دعوت نموده ، چنان که قرآن کریم می فرماید ( : قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ

فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الْمِرَاطِ

السَّوِيِّ وَمَنْ اهْتَدَى » ( 1 ) ( بگو همه ما و شما در انتظاریم ) گروهی در انتظار پیروزی حق و تحقق یافتن وعده های الهی و دیگری در انتظار نابودی اهل حق ) حال که چنین است انتظار بکشید ، اما به زودی می دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم و چه کسی هدایت یافته است . »

بله اگر در زمانی و یا شرایطی قرار بگیریم که نتوانیم عملاً با ظلم و جور و نابسامانی ها مبارزه کنیم و بدانیم که به نتیجه مطلوب نمی رسیم ، باید در جهت خود سازی بکوشیم و خود را و اهل منزل خود و زیر مجموعه خود را طوری تربیت کنیم که وقتی حضرت بقیة الله اعظم ظهور کرد ، در زمره اعوان و انصار او باشیم ، و خلاصه این که انتظار حکومت عدل و انتظار ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) به معنای دست روی دست

گذاردن و انزوا گزیدن و دوری از مسائل اجتماعی نیست ، بلکه همانند تمامی انتظارها انتظار برای حکومت داد گستر نیز با عمل و سعی فراوان مقرون خواهد بود .

همچنان که منتظران یک عزیز سفر کرده ، منزل را از حیث نظافت و فراهم آوردن وسایل پذیرائی و استراحت مسافر ، مهیا می سازند و شخصی که در انتظار کسب نمره خوب و قبولی در آخر سال می باشد از خواب و استراحت خود می کاهد و به مطالعه و تحصیل علم می پردازد ، و مادرانی که در انتظار داشتن فرزندی برومند می باشند . تمامی مشکلاتی را که در مسیر بچه داری هست به جان می خرنند تا روزی فرارسد که جوانی با شخصیت و با سواد را در مقابل خود مشاهده کنند .

بدین ترتیب ، انتظار ظهور یک مصلح جهانی و برقراری حکومت عدل در سراسر زمین به مراتب جدیت و تلاش بیشتری را می طلبد .

اینک با مراجعه به لسان روایات در رابطه با انتظار حضرت مهدی ارواحنا فداه خواهیم دید که انتظار را اولاً : از مقوله عمل و تلاش قرار داده و ثانیاً : آن را یک کار سخت و دشوار معرفی نموده است .

علی ( علیه السلام ) می فرماید : **الْمُنْتَظِرُ لَأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ** <sup>(2)</sup> کسی که منتظر

---

1. سوره طه ۱۳۵ .

2. منتخب الأثر : ص ۴۹۷ .

دولت ما می باشد مانند کسی است که در راه خدا به خون خود غوطه‌ور است .

قال الصادق ( علیه السلام ) : **( اِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللهُ بِهَا اِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ : مَنْ سَرَّ اَنْ يَكُونَ مِنْ اَصْحَابِ**

**الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْاَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ** <sup>(1)</sup>

البته برای ما دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد محقق می گردد و هر کس دوست دارد که از اصحاب حضرت قائم ( علیه السلام ) باشد باید منتظر باشد ، و منتظر هم باید خود را به ورع و اخلاق نیک مجهز نماید .

### جایگاه انتظار در مباحث اعتقادی

در بحث گذشته دانستیم که انتظار ، به معنای حرکت و تلاش برای رسیدن به مطلوب و یا لافل آماده شدن برای آن است . ولی قابل توجه است که ( انتظار فرج ) در ضمن روایات ، به عنوان یکی از مسائل اعتقادی شمرده شده و شاهد بر این مطلب روایت ابوالجارود است . وی که یکی از موالیان و علاقه مندان اهل بیت بوده ، خدمت امام باقر ( علیه السلام ) عرض کرد : شما می دانید که من از محبتین و پیروان شما هستم حضرت فرمود : بله همین طور است . عرض کرد : سؤالی دارم چون نابینا هستم و از راه رفتن عاجز و نمی توانم زیاد خدمت شما برسم جواب من را بدهید حضرت فرمود : سؤال خود را مطرح کن ، عرض کرد : آن دین و اعتقادی که شما برای خود و خانواده خود پسندیده ای به من نیز بیاموز تا آن گونه باشم . حضرت فرمود : سؤالت کوتاه است اما محتوای زیادی دارد ، ( آری آن دین و اعتقاد و راه و روش صحیح عبارت است از : ) شهادت به وحدانیت خدا ( لا اله الا الله ) و شهادت به رسالت حضرت محمد ( صلی الله علیه و آله ) ( وان محمد رسول الله ) و این که به تمامی آنچه حضرت محمد ( صلی الله علیه و آله ) آورده اقرار کنیم و در مقابل آن تسلیم و خاضع باشیم ، دوست داشتن دوستان ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم بودن در مقابل دستورات و فرامین ما ، و در انتظار قائم ما بودن ، سپس فرمود : والاجتهاد والورع یعنی بعد از همه این مراحل ، باید جدیت و تقوی داشته باشید و جدیت در مسیر اعتلای کلمه توحید و

---

. 1. فیه ایضاً ص ۴۹۸ .

معنی و مفهوم ( انتظار ) این است که با قول و عمل از خدا بخواهیم : **اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَعَزُّ بِهَا الْأَسْلَامَ وَأَهْلُهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ** (1) .

### امید بخشیدن ، اصل مهم تربیت اسلامی

یکی از اصول مهم تربیتی مکتب وحی و سنت پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) و اهل بیت پاک او ، القاء روح امید در پیروان خود و مبارزه با حالت یأس است ، در خصوص روش قرآن در این رابطه به چند نمونه اشاره می شود قرآن کریم خطاب به جوانی که با مشکلات گوناگون از قبیل شغل و خانه و فراهم آوردن خرج زندگی و ... در پرتگاه سقوط قرار گرفته و می خواهد از تشکیل خانواده و ازدواج مأیوس شود ، می فرماید :

**(وَأَنْتُمْ حُورٌ الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)** (2) ( مردان و زنان بی همسر خود را ، همسر دهید همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را ، و چنانچه فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه است .

در میدان جنگ چه بسا با دیدن کثرت دشمن و تجهیزات آنان ، حالت یأس بر انسان عارض گردد ، در اینجا نیز قرآن سرباز مسلمان و با ایمان را مخاطب قرار می دهد و می فرماید ( **إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ** ) (3) « اگر بیست نفر از شما صاحبان ایمان ، صبور و شکیبا باشید بر دویست نفر از دشمن کافر پیروز خواهید شد ، و یا به گنه کاری که در گناه غوطه‌ور می باشد و گمان می کند که تمامی روزنه های آشتی بین

---

1. دعای افتتاح مغایح الجنان مروی از حضرت مهدی ارواحنا فداه .

2. نور : ۳۲ .

3. انفال : ۶۵ .

او و خداوند مسدود است . نوید می دهد و می فرماید ( : قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ » <sup>(1)</sup> ) بگو : ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم نموده اید از رحمت خدا نا امید نشوید که خدا گناهان را می آمرزد ، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است . »

حضرت یعقوب پس از سالیان دراز که در فراق یوسف ناله زد و برادران یوسف ، از بازگشت یوسف و بلکه حیات او مأیوس بودند ، خطاب می کند و می فرماید ( : يَا بَنِيَّ أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنِّي يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ <sup>(2)</sup> ) پسرانم بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می شوند .

و چنانچه گروهی از مسلمانان مرتد شوند و از امت اسلامی فاصله بگیرند و به صف دشمنان بپیوندند قرآن به جامعه مسلمین بشارت می دهد و می فرماید اگر این ها رفتند ، بهتر از آنان جای آن ها را خواهند گرفت و با قاطعیت اعلام می کند ( : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ <sup>(3)</sup> ) .

### روش پیامبر و ائمه ( علیهم السلام )

روش اولیاء خدا و اهل بیت عصمت و طهارت نیز چنین است . برنامه های تربیتی سلسله جناب رسالت و امامت و عقل و اندیشه ، حضرت ختمی مرتبت ( صلی الله علیه وآله ) که برای

1. زمر : ۵۳ .

2. یوسف : ۸۷ .

3مائده : ۵۴ . آیات در این زمینه فراوان است از قبیل آیه ( ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد ) که به پیامبر نوید بازگشت به مکه و فتح آن را می دهد و آیه . . . ) انا نبشرك بغلام علیم قال أبشیر تمونی علی ان مستی الکبر فیم تبشرون قالوا بشرناک بالحق فلا تکن من القانطین قال ومن یقنط من رحمة الله الا الضالون ( حجر آیه ۵۴ و ۵۵ و ۵۶

همگان الگو و اسوه است هنگامی که از کوه حرا سرازیر می شود ، یک تنه در مقابل انبوه شرک و الحاد ، نخوت و تکبر قرار گرفته و فریاد برمی آورد : بگوئید ( لا اله الا الله ) تا رستگار شوید و در همان اوائل بعثت اعلان می کند که مکتب من باقی می ماند و بعد از من جانشینان به حق من ، اهداف مرا دنبال می کنند ، آن شخصیت والای عالم ملک و ملکوت با گفتار و کردار خود روح امید را در مردم می دمد و با تمام وجود ، جلوی یأس و ناامیدی را می گیرد .

فرزند بزرگوارش یعنی زینب کبری که در مهد ولایت و عصمت و امامت پرورش یافته از همین روش استفاده می کند و در مجلس یزید در حالی که اسیر دست دشمن کینه جو قرار گرفته با وجود از دست دادن برادران و یاران و اسارت در دست دشمنان به یزید روی می کند و می فرماید : **ثُمَّ كَذَّ كَيْدَكَ وَأَجْهَدُ جَهْدَكَ فَوَ اللَّهُ الَّذِي شَرَّفَنَا بِالْوَحْيِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبُوءَةِ وَالْإِنْتِخَابِ ، لَا تَدْرُكُ أَمَدَنَا وَلَا تَبْلُغُ غَايَتَنَا وَلَا تَمُحُّوْا ذِكْرَنَا وَلَا يَرْحُصْ عَنكَ عَارُنَا** (1) .

یعنی ای یزید ، تمام مکر و حيله ات را به کار گیر و سعی خود را بکن ، قسم به خدایی که ما را انتخاب نموده و مفتخر ساخته به وحی و کتاب و نبوت نمی توانی به عمق ارزشی وجود ما واصل شوی و نیز نمی توانی نام و یاد ما را محو کنی ، و هرگز آن عار و نکبتی که در اثر رفتارت ، با ما نصیب تو شد نمی توانی از خود بزدائی .

این بخشی از آیات و گفتار بزرگان دین بود که نشان می دهد اوّلًا : آنان تلاش می کردند که نگذارند انسان مأیوس شود و از حرکت و فعالیت در مسیر رسیدن به اهداف خود جدا گردد زیرا یأس عامل همه بدبختی ها و شکست ها است ثانیاً : آنچه وحی الهی و یا بزرگان دین مطرح کردند و نوید دادند جامه عمل پوشیده و محقق شده است . امروز مشاهده می کنیم نام اهل بیت و آثار آنها در هر گوشه و کناری به چشم می خورد



و از همه مهم تر مهر و محبت اهل بیت بر دل میلیون ها انسان آزاده و مؤمن حکومت می کند اما از معاویه و دودمان او هیچ خبری نیست .

. 1 امامت و مهدویت : ص ۳۷۸ ، نقلاً از احتجاج طبرسی چاپ بیروت ص ۳۰۹ .

### طلوع صبح و تابش آفتاب جهان شمول در راه است

دانستیم که مکتب آسمانی و رهبران الهی پیروان خود را با القاء امید ، با نشاط و فقاَل نگه می دارند اکنون با بررسی روایات انتظار می نگریم که اولیاء دین با بیان یک واقعیت قطعی ، یعنی ظهور یک مصلح جهانی و دادگستر در زمین و ترغیب مسلمانان و صاحبان ایمان نسبت به انتظار آن شخصیت والا و طلوع خورشید جهان تاب و لزوم آمادگی برای آن قیام و نهضت بزرگ ، اولاً هرگز اجازه نمی دهد پیروان مکتب قرآن و اهل بیت ، با دیدن ظالمینی همچون معاویه ها و منصورها و متوکل ها مأیوس گردند و یا از بقاء اسلام و مسلمانان ناامید شوند و ثانیاً اعتقاد به وجود منجی و صاحب خود باعث می شود که با تمام وجود در مقابل دشمن مقاومت نمائیم ، همانگونه که مشاهده می کنید در طی قرن ها پیروان ائمه ( علیهم السلام ) با همه وجود در مقابل ناملازمات ایستادند و حتی حاضر شدند که خون بدهند و مکتب را حفظ کنند و به نسل بعدی بسپارند ، این پایداری معلول همان انتظار است که در روایات از آن به بهترین اعمال تعبیر شده است . در خاتمه به یک حدیث شریف توجه می کنیم . علی ( علیه السلام ) می فرماید : **اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اِنْتَظَارَ الْفَرَجِ** (1) در انتظار فرج باشید و از رحمت الهی مأیوس نشوید که بهترین عمل در نزد پروردگار ما انتظار فرج است .

### انتظار

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم \* \* \* بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم \* \* \* به گفتگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم

حدیث روضه نگویم گل بهشت نبویم \* \* \* جمال حور نجویم دوان به سوی تو باشم

---

1. اخصال شیخ صدوق .

می بهشت ننوشم ز دست ساقی رضوان \* \* \* مرا به باده چه حاجت که مست روی تو باشم

### خلاصه گفتار هشتم

آینده کاروان بشریت از دیدگاه قرآن و روایات ، آینده ای روشن است که حکومت در دست صالحان قرار می گیرد و همه در امن و امان در زیر سایه دین زندگی می کنند . اسلام پیروان خود را به انتظار برای فرارسیدن آن روز فرخنده دعوت نموده و در روایت مورد اتفاق و قبول همگان آمده که اگر از دنیا یک روز هم باقی مانده باشد ، حکومت عدل برقرار خواهد شد و انتظار چنین روزی را بهترین عمل معرفی نموده است .

اصولاً همه مردم با انتظار زندگی می کنند و ارزش انسان ها بستگی دارد به اهمیت آنچه به انتظارش می باشد پیروان مکتب اهل بیت در انتظار یک مصلح جهانی و اصلاح تمامی نقاط روی زمین می باشند و لذا باید در هر شرایطی تلاش و جدیت به خرج دهند . روایات انتظار فرج منتظر واقعی را همانند مجاهد و رزمنده ای قرار داده که برای خداوند در خون خود غوطه‌پور شده است ، ضمناً بنابر حدیث ابو الجارود که از امام باقر ( علیه السلام ) نقل نموده ، ( انتظار فرج ) یکی از مسائل اعتقادی و مهم می باشد که باید هر مؤمنی به آن معتقد شود ، نتیجه مهمی که بر انتظار مترتب می شود این است که : افراد را امیدوار می کند و از یأس و ناامیدی جدا می سازد و اصولاً یکی از تعالیم حیات بخش اسلام ، امید بخشیدن به افراد است . پیامبر و فرزندان پاک او همواره در شرایط سخت و مأیوس کننده با امید و نشاط صحبت کرده اند که در این باره به شیوه تربیتی رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) و سخنان زینب کبری در مجلس یزید اشاره شد .

روایات انتظار چنین حالتی را در انسان زنده می کند و اجازه نمی دهد که مسلمانان بر اثر سرکشی و ستم سردمداران ظالم ، از آینده روشن خود مأیوس گردند . در خاتمه به روایت حضرت علی ( علیه السلام ) اشاره شد که می فرماید : در انتظار فرج باشید و از رحمت الهی مأیوس نشوید .

### \*سؤالات گفتار هشتم

- 1- آیه ای را که آینده زمین را از آن صالحان می داند ، ذکر کنید .
- 2- در روایات برای انتظار فرج چه فضیلتی بیان شده است ؟
- 3- پیروان مکتب اهل بیت در انتظار چه روزی به سر می برند ؟
- 4- برای اثبات این که انتظار از مقوله عمل و جدیت و تلاش است ، چه دلیلی اقامه شد ؟
- 5- انتظار ، در کلام علی ( علیه السلام ) به چه چیزی تشبیه شده است ؟
- 6- از حدیثی که ابوالجارود از امام باقر ( علیه السلام ) نقل نموده چه مطلبی به اثبات می رسد ؟
- 7- قرآن به کسی که می خواهد ازدواج کند ولی مشکلات فراوان در مقابل خود می نگرد چه توصیه ای می نماید ؟
- 8- قرآن با گنه کاران آلوده چگونه سخن گفته است ؟
- 9- آیه ۵۴ مائده چه می فرماید ؟
- 10- زینب کبری سلام الله علیها در مجلس یزید چه فرمود ؟
- 11- عامل مهم استقامت پیروان قرآن و مکتب اهل بیت ( علیهم السلام ) در مقابل ظالمین چیست ؟
- 12- حضرت علی ( علیه السلام ) درباره انتظار فرج چه می فرماید ؟

### گفتار نهم

#### وظیفه اهل ایمان در زمان غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

#### وظایف ما در زمان غیبت چیست ؟

مطلبی که همیشه مورد سؤال صاحبان ایمان بوده و علاقه مندان به مکتب اهل بیت و عاشقان و معتقدین به امام زمان حضرت مهدی ارواحنا فداه از آن پرسش می کنند این است که : آیا در عصر غیبت ، علاوه بر انتظار ، تکالیف دیگری متوجه ما می باشد ؟ آنچه مسلم است پیروان و معتقدین به وجود مبارک امام زمان در زمان غیبت و وظائف و تکالیفی دارند که باید نسبت به آنها آگاهی پیدا کنند و به آن عمل کنند و آنچه مربوط به اعتقاد و التزام قلبی است ، با آن آشنا شوند و معتقد به آن باشند .

در این گفتار به برخی از آن وظایف به طور گذرا اشاره می شود .

**اول :** آنچه در عصر غیبت بر همگان واجب است شناخت امام زمان بر اساس دلیل و برهان است زیرا روایتی که از رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) نقل شده و مورد قبول عامه و خاصه می باشد حاکی از آن است که اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است و علامه امینی در جلد دهم الغدیر این روایت را با مضامین مختلف از کتب اهل سنت نقل نموده و نیز کلینی رضوان الله علیه در اصول کافی چندین روایت به همین مضمون آورده است <sup>(1)</sup> بنابر این اولین و مهمترین وظیفه ما در عصر غیبت این است که با امام خود آشنا بشویم و او را بر اساس عقل و برهان بشناسیم و احیاناً اگر در بعضی از

1. اصول کافی : ج ۱ ، ص ۳۷۶ ، ( باب من مات ولیس له امام . )

خصوصیات وجود حضرتش از قبیل طول عمر ، شک و تردیدی داریم از بزرگان و اندیشمندان پیرسیم و رفع اشکال کنیم و خلاصه ارتباط خودمان را با وجود مقدّسش تنها به ذکر نام آن حضرت منحصر نکنیم . بلکه علاوه بر آن ، باید زیر بنای شعار خودمان را به شعور و آگاهی محکم و تقویت نمائیم مخصوصاً امروز مسئله مهدویت مورد توجه قرار گرفته و دشمنان از این ناحیه حمله می کنند تا ایمان جوانان ما را متزلزل نمایند ، امروز شبهاتی که در قرون گذشته مطرح بوده و علمای کلامی ما مطرح نمودند و جواب دادند ، غالباً مورد توجّه نیست و دشمن هم از آن طریق وارد نمی شود اما مسئله مهدویت و غیبت حضرت و بعضی دیگر از خصوصیات ایشان دسیسه دشمنان قرار گرفته و شیاطین روزگار از این طریق افراد را وسوسه می کنند .

لذا ما علاوه بر توصیه به آحاد مسلمانان و پیروان مکتب اهل بیت مبنی بر تحکیم این عقیده و ایمان به حضرت مهدی ، به گویندگان و خطبای مذهبی و نیز نویسندگان و صاحبان قلم ، خاضعانه عرض می کنیم که در این امر مهم اعتقادی گامی بردارید و توده مردم را با این مسئله اصیل اسلامی بهتر آشنا سازید و حتّی المقدور در این مقام از نقل خواب و رؤیا و حکایات ، آن هم از اشخاصی که مورد وثوق و اطمینان نیستند ، پرهیز کنید زیرا اعتقاد ما به حضرت مهدی و مهدویت اعتقادی است که پشتوانه آن آیات فراوانی است در قرآن ، و بیش از هزاران روایات که از پیامبر و ائمه معصومین ، برای ما رسیده و نیز ادلّه عقلی است که لزوم حجت خدا در جهان خلقت را اثبات می کند ، و هرگز احتیاجی به نقل خواب و یا مطالب واهی در این رابطه نداریم و چنانچه چنین مسئله محکم و متّقی اسلامی با داشتن چنین پشتوانه های فراوان با افسانه آمیخته شود ، قطعاً از اوج و عظمت خود ساقط می گردد و چنین کاری به صلاح و مصلحت شیعیان نخواهد بود .

به حمد الله بزرگان و دانشمندان در گذشته و حال ، در رابطه با مسائل مربوط به حضرت بقیة الله اعظم و ابعاد وجودی ایشان کتاب های مفید و سودمندی نوشته اند که علاقه مندان می توانند کمال استفاده را از آن ها داشته باشند .

**دوم :** وظیفه دیگر ما در زمان غیبت امام ( **علیه السلام** ) برقراری ارتباط بین خود و امام است . قبل از این که به مصادیق این ارتباط پردازیم نظر شما را جلب می کنم به حدیثی شریف از امام باقر ( **علیه السلام** ) که در تفسیر آیه شریفه ( **اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا** ) فرمودند : **اصبروا علی اداء الفرائض وصابروا عدوکم ورابطوا إمامکم ( المنتظر )<sup>(1)</sup> .**

امام باقر ( **علیه السلام** ) فرمودند : در مقابل انجام واجبات صبور و شکبیا باشید ، و در مقابل دشمن پایدار و ثابت قدم و بین خود و امام زمان خود رابطه برقرار کنید .

بنابراین حدیث شریف و نیز نهاد و عقل هر انسانی حکم می کند بر این که پیروان باید با رهبر و پیشوای خود ارتباط داشته باشند بر شیعیان لازم است که در عصر غیبت یک پل ارتباطی بین خود و امام زمان خود برقرار کنند .

ممکن است این پرسش پیش آید که این پل ارتباطی را چگونه و با چه عملی می توان برقرار کرد . در پاسخ به این پرسش به چند مورد اشاره می کنیم .

### **دعا برای سلامتی و ظهور حضرت**

1- در مواقع دعا و بعد از نماز و نیز در وقتی که به یاد امام ( **علیه السلام** ) می افتیم ، برای سلامتی حضرت و مخصوصاً برای فرج آن امام دعا کنیم در یکی از توفیعاتی<sup>(2)</sup> که به دست محمد بن عثمان نایب خاص دوم امام زمان در غیبت صغری رسید آمده است : برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید زیرا فرج شما نیز در سایه فرج امام زمان انجام می گیرد<sup>(3)</sup> .

قابل توجه است که امامان معصوم ما نیز برای فرج قائم آل محمد دعا می کردند . هروی می گوید : از دعبل شنیدم که می گفت : وقتی که قصیده خودم را نزد امام رضا ( **علیه السلام** )

---

1. لغیبت نعمانی ، ص ۱۹۹ و آیه شریفه ۲۰۰ از سوره آل عمران است که ترجمه آن چنین است « ای کسانی که ایمان آورده اید در برابر مشکلات و هوس ها استقامت کنید و در برابر دشمنان پایدار باشید و بین قوا و افراد اجتماع ارتباط برقرار کنید و از خدا بپرهیزید ، شاید رستگار شوید » .

2. توفیق عبارت است از نامه هایی که از ناحیه مقدسه رسیده است .

3. منتهی الآمال به نقل از احتجاج طبرسی .

خواندم که مطلع آن چنین بود :

مَدَارِسُ آيَاتِ حَلَّتْ مِنْ تِلَاوَتِ \* \* \* وَمَنْزِلٌ وَحَى مَقْفَرُ الْعَرَصَاتِ

و در ادامه ، با اشاره به قیام امام مهدی ( علیه السلام ) و جدا شدن حق از باطل و رسیدن هر یک از پیروان حق و باطل به جزای خویش ، گفتم :

خُرُوجِ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ \* \* \* يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ بِالْبُرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ \* \* \* وَيَجْزِي عَلَى النِّعَمِ وَالنِّقَمَاتِ

امام هشتم ( علیه السلام ) با شنیدن این دو بیت شدیداً گریه کرد ( بکی الرضا بكاءً شديداً ) و سپس سربلند کرد و فرمود : ای خزاعی ، روح القدس این دو بیت را به زبانت جاری نموده و او تو را کمک کرده که توانستی این گونه شعر بگوئی (1) .

محدث قمی ( قدس سره ) اضافه می کند وقتی دعبل این دو بیت را خواند ، حضرت برخاست و سر خود را خم کرد و کف دست راست خود را بر سر نهاد و گفت : اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَمَخْرَجَهُ وَأَنْصُرْنَا بِهِ نَصْرًا عَزِيزًا ، برای تعجیل فرج آن امام همام و آن منجی بشریت دعا کرد (2) . و امام هشتم ( علیه السلام ) امر می فرمودند به دعا کردن از برای حضرت صاحب الامر به این طریق اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَوَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ

وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَلِسَانِكَ الْمُعْبَّرِ عَنْكَ النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ . . . آمِنْتُ بِهِ الْجُورَ وَأَظْهَرُ بِهِ الْعَدْلَ وَرَيْنُ  
بَطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضِ ، تا آخر دعا (3) .

و نیز محدث قمی در صفحات آخر مفاتیح دعای دیگری از سید بن طاووس نقل نموده که در زمان غیبت  
خوانده شود و سید بن طاووس توصیه می کند که از مزایای این دعا غفلت نکنید که ما این دعا را از فضل الهی  
شناختیم . ابتدای آن دعا این است :

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ  
تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن

---

1 کمال الدین باب ۳۵ ، ح ۶ و بحارالانوار ، ج ۵۱ ص ۱۵۴ .

2 منتهی الآمال ، ص ۳۳۲ و نیز این جملات در ذیل روایاتی آمده که در منتخب الأثر در ص : ۵۰۶ نقل شده

3 این دعا در اواخر مفاتیح الجنان آمده است .

---

197

---

لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً . . .

و اما دعای جامع و کوتاهی که می توان هر شب و روزی لب های خود را به آن مترنم سازیم و با دعا برای  
ولی نعمت خودمان و امام زمان مان ارتباطی بین خود و امام عصر برقرار کنیم ، این دعای معروف است :

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَوَلِيًّا  
وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا (1)

صدقه دادن از طرف امام ( علیه السلام )



2- گاهی از طرف حضرت ، صدقه بدهیم ، چنان که برای سلامتی خود و خانواده خود صدقه می دهیم و بدین وسیله از برخی امراض و حوادث ناگوار در امان می مانیم . چه کسی عزیزتر و گرانقدرتر از وجود حضرت بقیة الله اعظم ( ارواحنا فداه ) است ؟ کمترین اثر این صدقات آن است که محبت و علاقه ما را به ساحت مقدس امام آشکار می کند . نقل شده که پیر زنی با مختصر کلافی که در دست داشت به سوی بازار رفت برای خرید یوسف به او گفتند : بعضی یوسف را با مبلغ های گزاف خریدارند و نوبت به آن ها نمی رسد ، شما با این مختصر کلاف چه می گوئید ؟ پیر زن جواب داد : می دانم یوسف را به من نمی دهند اما با این کار خود ثابت می کنم که من هم از علاقه مندان و مشتریان یوسف می باشم .

هر کس به زبانی سخن از حمد تو گوید \* \* \* بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

### انجام برخی عبادات به نیابت از حضرت

3- در زمانی که به یکی از مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه می رویم ، لا اقل یک نوبت به نیابت از طرف امام عصر به زیارت آن امام ، داخل حرم شویم و اگر به مکه

---

1- محدث قمی این دعا را در ضمن اعمال شب ۲۳ ماه مبارک از بعضی معصومین در مفاتیح الجنان نقل می کند .

مشرف هستیم از طرف آن بزرگوار یک عمره و یا لا اقل یک طواف انجام دهیم ، بعضی از صاحبان ایمان و عاشقان امام زمان فردی را احیر می کنند که از طرف حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف به حج بروند و مناسک را تماماً انجام دهد . این کارها که گاهی کوچک به نظر می آید ، ارتباط روحی و باطنی ما را با امام عصر برقرار می سازد . فراموش نمی کنم که در سال ۱۳۶۴ شمسی که آتش جنگ بین ایران و عراق شعله‌ور بود ، در مکه برای ادای نماز صبح در مسجد الحرام نشسته بودم . شخص عربی از من حدّ طواف را پرسید ، دانستم که او شیعه است و از عراق آمده است .

پس از کمی گفتگو ، پرسید : **تَزُورُ مَشْهَدِ الرُّضَا** ؟ آیا به زیارت امام رضا می روی ؟ عرض کردم بلی . یک تسبیح صد دانه تربت ( که آن ایام بسیار کمیاب بود زیرا مهر و تسبیح کربلا به ایران نمی آمد و زائری رفت و آمد نمی کرد ) به من داد گفت : وقتی به زیارت امام رضا رفتی یک سلام به نیابت بده ، گفتم : اسم شما چیست ؟ تا از طرف شما سلام بدهم و زیارت کنم ، گفت : به نیابت از طرف حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) زیارت کن ( نه از طرف من ) گفتم : مانعی ندارد ، هم از طرف امام زمان وهم از طرف شما سلام می دهم . آن شیعه عراقی که دلش پر می زند برای زیارت امام رضا ( **علیه السلام** ) اما می گوید : به نیابت از طرف امام زمان سلام بده . آیا جا دارد که این شیعه عراقی و علاقه مند به حضرت مهدی یوسف زهرا را خطاب کند و عرضه بدارد :

( **يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضَّرَّ وَجِئْنَا بَبِضَاعَةٍ مُزْجَاءَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا** ) (1) ؟

زیرا او با این کار خود ، علاقه و عشق خود را به ساحت مقدس امام زمان ثابت نموده و ارتباطی بین خود و امام زمانش برقرار ساخته است .

### اظهار علاقه به وجود مقدس امام زمان

شیعیان در زمان غیبت امام زمان ( **عجل الله تعالی فرجه الشریف** ) باید به نحوی علاقه و شور و عشق خود را به محضر امام ( **علیه السلام** ) ثابت کنند . عالم و فقیه بزرگوار حضرت آیت الله میلانی که یکی از مراجع

---

1. یوسف : ۸۸

تقلید در عصر خود و مورد علاقه بزرگانی از قبیل علامه طباطبائی و دیگران بوده در برقراری ارتباط بین شیعیان و امام زمان در جلسه درس اخلاق خطاب به طلاب علوم دینی فرمودند : لازم و واجب است بر شما که در شبانه روز لا اقل چند دقیقه با امام خودتان سخن بگوئید و با او خواسته ها و مشکلات خود را مطرح کنید و

برای او دعا کنید و از این طریق ما وظیفه غلامی و سربازی خود را ادا نموده و ابراز علاقه به ساحت مقدسش نموده ایم ، او هم قطعاً به وظیفه بزرگواری و آقائی خودش آگاه است .

دلبرا گر بنوازی به نگاهی مارا \* \* \* خوشتر از آن که دهی منصب شاهی ما را

به من بی سر و پا گوشه چشمی بنما \* \* \* که محال است جز این گوشه پناهی ما را

به دلِ تار من ای چشمه خورشید بتاب \* \* \* نبود بدتر از این روز سیاهی ما را

از ازل در دل من تخم محبت کشتند \* \* \* نبود بهتر از این بذر گیاهی ما را

گرچه از پیش گه خاطر عاطر دوریم \* \* \* هم مگر یاد کند لطف تو گاهی ما را (1)

خیلی مناسب است که بعد از نماز صبح ، دعائی را که در مفاتیح بعد از دعای ندبه نقل شده به عنوان ابراز ادب

و سلام به پیشگاه امام زمان بخوانیم . آن دعا این گونه آغاز می شود : **اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُوَلایَ صَاحِبِ الزَّمانِ**

**صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ . . . .**

### **استغائه به حضرت مهدی ( علیه السلام )**

**سوم :** از وظائف ما شیعیان در زمان غیبت این است که توجّه داشته باشیم در پشت پرده غیبت ، امام و اربابی

داریم که خداوند توانائی های زیادی در اختیارش گذارده و او می تواند خاک را به نظر کیمیا کند و دارای

مقامی هست که با یک دعا و توجّه می تواند تحول و انقلابی در جامعه و خانواده و یا افراد ایجاد کند و با تمام

این توانایی ها مانند آباء ارجمند و جدّ بزرگوارش پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) ، هم کریم است و هم

نسبت به مؤمنین رؤف و مهربان . لذا جا دارد که در مواقع اضطرار و پریشانی ها از آن بزرگوار استغائه

نموده و

---

1. اشعار از سروده های فقیه و فیلسوف بزرگ حضرت آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی ( **قدس سره** )

می باشد .

کمک بگیریم . در مباحث گذشته<sup>(1)</sup> اشاره کردیم که اولاً استغاثه هرگز با توحید منافاتی ندارد و ثانیاً : افراد زیادی در طول تاریخ اسلام در این خانه را زدند و جواب مثبت گرفتند که به یکی ، دو مورد اشاره نمودیم و ثالثاً : همین ظهور و بروز کرامات و معجزات و دادرسی از بیچارگان و درماندگان دلیل واضحی بود برای اثبات وجود حضرت مهدی ارواحنا فداه .

آنچه را که در این مقام می خواهیم مطرح کنیم این است که ما شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت در زمان غیبت از چنین شخصیت والائی برای حل مشکلات غفلت نکنیم و مبدا به هر سوئی برویم و هر دری را بکوبیم و دست نیاز پیش هر کسی دراز کنیم ، جز درب خانه آن امام رئوف و رحیم .

### دو حدیث ارزنده

پیش تر اشاره کردیم که در رجال کشی<sup>(2)</sup> نقل می کند : رمیله<sup>(3)</sup> که یکی از اصحاب امیر المؤمنین ( علیه السلام ) بوده می گوید : تب شدیدی بر من عارض شد . چون روز جمعه احساس کردم مقداری سبکتر شده ام و تبم کاهش یافته با خود گفتم : چیزی بهتر از این نیست که غسل کنم و به نماز جمعه که به امامت حضرت علی ( علیه السلام ) منعقد می شود بروم ، این کار را انجام دادم و به مسجد رفتم ، اما همین که حضرت به منبر رفت ، تبم ، شدید شد و حالم مجدداً دگرگون شد ، بعد از نماز حضرت هنگام خروج از مسجد ، متوجه من شد و فرمود : ناراحتی چه شده ؟ وضع بیماری خودم را برایش بازگو کردم . حضرت فرمود :

مؤمنی

نیست که مریض شود و محزون گردد مگر این که ما نیز مریض و محزون می شویم و مؤمنی نیست که دعا کند ، مگر این که ما برای او ( آمین ) می گوئیم و از خداوند ، استجاب دعاى او را خواستار می شویم و مؤمنی نیست که ساکت و خاموش باشد مگر اینکه ما

---

. 1مراجعه شود به گفتار چهارم پیرامون اثبات حضرت مهدی ( علیه السلام ) از طریق ظهور و بروز

معجزات و کرامات از ناحیه مقدسه آن بزرگوار .

3. زمیله به ضم راء و فتح میم و سکون یاء خوانده می شود البته بعضی زمیله به ازاء خوانده اند .

برای او دعا می کنیم . عرض کردم : آیا این لطف و بزرگواری شما تنها شامل حال کسانی می شود که در این شهر به سر می برند ؟ ( اشاره به این که این توجه شما مخصوص همین اطرافیان و آشنایانی است که دور شما را گرفته اند ؟ ) و یا عمومیت دارد و شامل همه اهل ایمان است ؟ حتی آنهایی که در شرق و غرب زمین زندگی می کنند ، حضرت فرمود ( : **يَا رُمَيْلَةُ، تَيْسَ يَغِيْبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا** ) ای زمیله ! هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین نیست که از دیدگاه و منظر ما مخفی باشد .

و نیز پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) به **أَبُو الْوَفَاءِ** فرمود : هرگاه در کار خود درمانده شدی ، استغاثه کن به حضرت حجة ( **عَلَيْهِ السَّلَام** ) که او تو را درمی یابد و او فریاد رس و پناه دهنده است برای هر کسی که به او استغاثه کند (1) .

همچنین از وجود مبارک مهدی آل محمد نقل شده که می فرماید : **أَنَا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ** ، (2) ما توجه خودمان را از شما بر نمی داریم و شما را فراموش نمی کنیم .

با وجود لطف و بزرگواری این بزرگان و ذات حضرت بقیة الله اعظم حیف است که شیعیان مضطر و گرفتار از این آستان کرم غافل شوند و از فیض آن بی بهره بمانند .

در استغاثه به امام زمان ( **عَجَلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ** ) آمده : دو رکعت نماز بخوان و برو زیر آسمان رو به قبله بگو : **سَلَامُ اللهِ الْكَامِلِ التَّامِ الشَّامِلِ وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَةُ عَلَى حُجَّةِ اللهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ** ، تا آخر دعا (3) .

ای عروة الوثقی من \*\*\* دنیای من عقبای من

محبوب بی همتای من \*\*\* یابن الحسن یابن الحسن

ماه معین من توئی \* \* \* حبل المتین من توئی

درّ ثمین من توئی \* \* \* یابن الحسن یابن الحسن

1. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۳۳ .

2. مکیال المکارم، امامت و مهدویت که از احتجاج طبرسی نقل نموده .

3. مفاتیح الجنان قبل از مناجات خمس عشره .

### با اعمال زشت خود امام زمان را نیازاریم

**چهارم :** یکی از مسائلی که لازم است صاحبان ایمان در زمان غیبت رعایت نمایند و نسبت به آن دقیق و محتاط باشند این است که کاری نکنند که قلب ولی الله اعظم آزرده شود و ایشان مغموم و آزرده خاطر گردند، زیرا روایات فراوانی داریم که دلالت می کند بر این که تمامی اعمال و کردار ما به محضر امام ( **علیه السلام** ) عرضه می شود و ایشان از تمامی اعمال ما با خبر است و طبیعی است که وقتی اعمال زشت و یا گناه و معصیتی را از شیعیان خود و کسانی که دم از علاقه و محبت او می زنند، می نگرند، خاطر ایشان مکدر می شود .

در روایتی به نقل از امام صادق ( **علیه السلام** ) آمده است که ایشان خطاب به یاران خود فرمود: چرا پیامبر اکرم ( **صلی الله علیه و آله** ) را اذیت و آزار می کنید؟ عرض شد: چگونه ما پیامبر را ناراحت می کنیم؟ ( و حال آن که سال هاست از بین ما رفته و رحلت فرموده اند . )

حضرت فرمود: مگر نمی دانید اعمال شما عرضه می شود بر ایشان و هرگاه با اعمال زشت شما برخورد کند و از آنها آگاه گردد، ناراحت می شود؟ پس تلاش کنید که موجب خرسندی پیامبر شوید (1) .

اینجاست که زنگ خطر برای دوستان امام زمان به صدا در می آید که مبدا با نفاق و مکر و حيله خودمان و یا سهل انگاری در نماز و بی مبالاتی در حفظ حجاب و . . . دل آن یگانه محبوب را آزرده کنیم و در عین حال فریاد برآوریم که ( **عَجَّلْ عَلَيَّ ظَهْرَكَ** ) .

یکی از دوستان روحانی<sup>(2)</sup> می فرمودند: وقتی که عالم جلیل القدر، میر جهانی ( **قدس سره** )<sup>(3)</sup> ( به اصفهان منتقل شد، بنده گاهی به خدمتشان می رسیدم تا از ایشان بهره مند شوم، یک بار که خدمتشان رسیدم، فرمودند: شبی در عالم رؤیا حضرت صدیقه کبری ( **علیها السلام** ) را دیدم، به من فرمودند:

دلی شکسته تر از من در آن زمانه نبود \* \* \* در این زمان دل فرزند من شکسته تر است

---

1. اصول کافی، کتاب الحجّة، ص ۲۱۹ .

2. فاضل ثقه جناب رهبر یکی از روحانیون اصفهان .

3. صاحب تألیفات فراوان .

گرچه ناراحتی های حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) علل مختلفی دارد همچون سلطه ظالمین بر عدّه ای ضعیف و بی پناه، شیوع انواع گناه ها و معاصی در جوامع بشری و فرا نرسیدن زمان فرج وو، امّا یک علت ناراحتی حضرت که می توان گفت قلب ایشان را در فشار قرار می دهد این است که دوستان و کسانی که عشق و علاقه به ائمه اطهار و به خصوص به ولیّ الله اعظم دارند، چرا باید آلودگی به گناه و یا بی اعتنائی به واجبات داشته باشند؟!

### وظیفه شیعیان در عصر غیبت

پنجم: یکی از وظائف مهم شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت در زمان غیبت، انتخاب طریق صحیح است که ما را با فرامین و دستورات ائمه طاهربین آشنا کند. علاقمندان به اهل بیت و خصوصاً به امام زمان، حضرت مهدی ( **عجل الله تعالی فرجه الشریف** ) (زیاد هستند، امّا متأسفانه گروه گروه شده و هر گروه

و دسته ای برای خود راه جداگانه ای را پیش گرفته اند و از راهنما و رهبر خود پیروی می کنند ، حال آن که خود ائمه اطهار برای چنین زمانی وظیفه دوستان خود را معین و مشخص نموده اند تا مبدا در چنین عصری که حجت خدا در پس پرده غیبت است آنان در دام صیادان و شیادان بیفتند و عده ای هوا پرست و ریاست طلب با دام های شیطانی خود آنان را فریب دهند .

اکنون باید دید آن راه صحیح و صراط مستقیم که مورد تأیید امامان بزرگوار ما می باشد کدام است ؟ یگانه راهی که در زمان غیبت ما را به ساحل نجات می رساند و مورد رضایت و خوشنودی امام زمان است ، پیروی کردن از یک عالم فقیه و مجتهد جامع الشرائط است که از عدالت و تقوای کامل برخوردار باشد و بتواند احکام الهی را که ائمه اطهار برای دوستان خود بیان کردند از لابلای آیات و روایات استخراج نمایند و در دسترس علاقه مندان به مکتب اهل بیت قرار دهند . ائمه اطهار ( علیهم السلام ) ما را به چنین اشخاصی رجوع داده اند و آنان را حاکم قرار داده اند و مخالفت با آنها را به منزله مخالفت با خودشان دانسته اند . اینک چند حدیث در این رابطه نقل می کنیم .

1- عمر بن حنظله می گوید : به امام صادق ( علیه السلام ) عرض کردم : دو نفر از شیعیان باهم نزاعی دارند و برای رفع اختلاف به سلطان و یا قضات حکومتی مراجعه می کنند ، آیا این

کار درست است ؟

حضرت فرمود : کسی که نزاع و دعوای خود را نزد این ها ببرد و به حکم و قضاوت آنها رجوع کند ، در واقع به طاغوت پناه برده و از او طلب قضاوت و حکم نموده و حال آن که باید به طاغوت کفر ورزید و از آنان دوری گزید . ( امام صادق به این آیه استشهاد کرد ) : **يُرِيدُونَ أَن يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ** <sup>(1)</sup> ) و حتی اگر طاغوت حکم به حق کند و شخصی به حق خودش برسد ، آن مال ، برای او حرام است چون به حکم طاغوت و قضاوت او به این مال رسیده است .

راوی عرض می کند : پس برای قضاوت و رفع نزاع چه بکنند ؟ حضرت فرمود : بروند نزد کسی که از خود شما شیعیان است و احادیث ما و احکام ما را نقل می کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر است و شناخت کامل



نسبت به احکام ما دارد . باید شیعیان به حکم صادره از سوی چنین شخصی خوشنود باشند و من آنها را بر شما حاکم قرار می دهم و چنانچه این افرادی که احکام ما را بیان می کنند و در مابین شما قضاوت و حکومت می نمایند ، مورد قبول آنها واقع نشوند بدانید که به حکم الهی بی اعتنائی شده و در واقع ، حکم ما را نپذیرفته اند و کسانی که حکم ما را ردّ نمایند ، فرمان خدا را ردّ نموده اند و در حدّ شرک قرار می گیرند ) .

2 )

ملاحظه می کنید اولاً ، امام ( علیه السلام ) پیروان خود را به افرادی ارجاع داده که ناقل و راوی احادیث امامان معصوم باشد ، آن هم با این خصوصیت که در فهم احکام الهی صاحب نظر باشد .

ثانیاً : در موقع دعوی و نزاع که قطعاً حکم به نفع یک طرفِ نزاع صادر می شود و طرف دیگر بی بهره می ماند ، وظیفه داریم که در مقابل حکم چنین مجتهدی تسلیم باشیم و به این انسان های والا مراجعه کنیم ، اگر چه بر علیه ما حکم کنند . برای آشنا شدن با احکام الهی و کیفیت آن مانند روزه و نماز و تجارت و ... که بیانگر همان صراط مستقیم است و دین مورد مرضی خدا و ائمه است به طریق اولی باید از این افرادِ خاص

---

1. انساء : ۶۰ .

2. وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۹۸ .

تبعیت کنیم .

ثالثاً : امام ( علیه السلام ) طبق این روایت فرموده که اگر طاغوت به حقّ هم ، حکم کند ، صاحب مال نمی تواند در آن مال تصرف کند چون اساس آن محکمه بر باطل است و الهام از مصادر وحی نمی گیرند از این جمله روایت ، و این فرموده امام صادق ( علیه السلام ) استفاده می شود که پیروان ائمه باید برای پیدا کردن راه و طریق دین و عبودیت به در خانه ای بروند که اساساً مورد قبول ائمه می باشند و فریب بعضی از مطالب مانند ذکر و ورد و ... را نخوردند زیرا شیاطین برای اغواء انسان ها با نشان دادن تابلو حقّ و ارائه یک مسئله اسلامی ، افراد را به ورطه هلاکت می کشانند و نیز گاهی مشاهده می شود که مردم به دنبال فردی

می روند و به او ارادت میورزند تا از او در جهت بیان اخلاق و یا مرثیه و روضه خوانی استفاده کنند ، اما آن شخص در حوادث مهم و مسائل قابل توجه اجتماعی و یا دینی ابراز نظر می کند . این افراد باید توجه داشته باشند که نباید در احکام و مسائل شرعی از آنان تقلید کنند و به نظر یک مجتهد جامع الشرائط که نایب عام امام زمان است بی اعتنائی شود .

2- احمد بن اسحاق می گوید به امام هادی ( علیه السلام ) عرض کردم : از چه کسی احکام دین را بگیرم و قول و کلام چه کسی را در بیان دین قبول کنم ؟ حضرت فرمود : از عثمان بن سعید که ملقب است به ( عمري ) احکام دین خود را بگیرید زیرا او نزد من ثقه و مورد اطمینان است و هرچه از من نقل می کند صحیح نقل می کند . احمد بن اسحاق می گوید همین سؤال را از امام حسن عسکری پرسیدم حضرت فرمود ( : الْعُمَرَى وَأَبْنُهُ ثَقَاتَانِ فَمَا آدِيَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِيَانِ وَمَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَأَطِعْهُمَا فَإِنَّهُمَا الثَّقَاتَانِ الْمَأْمُونَانِ ) عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان ثقه و مورد اطمینان هستند هرچه از من نقل کنند ، کلام من است . سخن آن ها را گوش کن و از آن ها اطاعت کن (1) .

با مراجعه به کتب رجال معلوم می گردد که این پدر و پسر از چه مقام والای علمی و

---

1 . وسائل الشیعه : ج ۱۸ ، ص ۱۰۰ .

اطلاع دینی برخوردارند . بر اثر تقوی و ورع فراوان ، هر دوی آن ها به نیابت خاصه امام زمان نائل شدند . پدر یعنی عثمان بن سعید عمري اولین نایب خاص حضرت مهدی شد و فرزندش محمد بن عثمان دومین نایب آن حضرت بود .

آری برای اخذ معالم دینی و برای سیر و سلوک الی الله باید از این مردان بزرگ علم و عمل و مورد قبول ائمه اطهار پیروی کرد .

در روایتی که از کافی نقل شده آمده است ( : **الفقهاء أمناء الرّسل** ) . . . آنهائی مورد قبول و امین رسولان الهی هستند که فقیه باشند ، البته فقیهی که مقام علمی خود را با پیروی از هوی و هوس آلوده نسازد و دنیا و ریاست و جاه را به آخرت خود ترجیح ندهد .

3- شیخ صدوق رحمه الله علیه نقل می کند که اسحاق بن یعقوب به محمد بن عثمان عمّری نایب دوم امام زمان در زمان غیبت صغری نامه ای داد و در آن نوشت : چند مسئله است که می خواستم از حضرت مهدی جواب بگیرم ، جواب به خط حضرت آمد که متضمّن مطالبی بود از جمله در آن چنین آمده بود :

**أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ** ( <sup>1</sup> ) . در مسائل و حوادثی که پیش می آید مراجعه کنید به روایان حدیث ما که آنان حجت من هستند بر شما و من حجت خدایم بر آنان . )

بنابر این ائمه اطهار - سلام الله علیهم اجمعین - و شخص ولی الله اعظم حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) شیعیان و پیروان خود را به در خانه روایان احادیث ارجاع داده اند آن هم روایانی که دارای نظر و تشخیص هستند و می توانند روایت صحیح را از غیر صحیح جدا کنند و در موقع تعارض ، می توانند دنبال چاره برونند و با متن و لسان ائمه آشنا هستند که از این افراد تعبیر می کنیم به فقیه و مجتهد جامع الشرائط .

در عین حال ، به مقام علمی آنها بسنده نشده بلکه باید از تعبد و تقوای کامل برخوردار باشند . لذا طبرسی در کتاب احتجاج از امام عسکری ( **علیه السلام** ) نقل می کند که حضرت فرمودند : **فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ**

1. کمال الدین ، باب ۴۵ ، ح ۴

«از فقیهانی که خویشتن دار و حافظ دین و ایمان خود می باشند و با خواسته های دل مخالفت می کنند و مطیع امر الهی هستند باید پیروی و تقلید نمود و آن هم گروه خاصی از فقیهان خواهند بوده .»

از این روایات چنین برداشت می شود که در زمان غیبت امام زمان و حتی زمان حضور امام در صورتی که دسترسی به امام نداشته باشیم ، باید برای سیر و سلوک و اخذ احکام و حوادثی که پیش می آید به این فقهای عظام و مردان الهی و عالمان ربانی مراجعه کنیم . سعدی می گوید :

عابد و زاهد و صوفی همه طفلان رهند \* \* \* مرد اگر هست به جز عالم ربّانی نیست

### خلاصه گفتار نهم :

اهل ایمان علاقه مندند که وظائف خود را در زمان غیبت امام زمان ( **علیه السلام** ) بدانند و گاهی هم از این مطلب سؤال می کنند البته یکی از وظائف مهم مسلمانان ، مسئله انتظار است که بحث آن و نیز بیان ثمرات آن در گفتار قبلی گذشت ، وظیفه دیگری که از اهمیت خاص ، و ویژه ای برخوردار است این است که معرفت خود را به امام زمان ، بر پایه ادله محکم قرار دهیم و اگر شعار می دهیم آن را با شعور توأم نمائیم و سپس بین خود و امام زمان ارتباط برقرار نمائیم ، چنان که امام باقر ( **علیه السلام** ) در ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می فرماید **رَابِطُوا اِمَامَكُمْ الْمُنتَظِرَ** و عقل هر انسانی نیز حکم می کند که با پیشوای خود باید ارتباطی روحانی داشته باشد .

اما آن ارتباط چگونه برقرار می گردد ؟ گاهی به دعا کردن برای حضرت مخصوصاً برای فرج ایشان - و گاهی به وسیله خواندن دعاهائی که از ائمه در این رابطه به ما رسیده است ، از قبیل دعای ( **الهم کن لولیک الحجة بن الحسن** ) تا آخر و گاهی برای آن حضرت صدقه بدهیم و با این کار ابراز علاقه نمائیم و چنانچه به یکی از مشاهد مشرفه

---

. ۱ میزان الحکمة ، ج ۸ ، ص ۲۸۵ .

رفتیم از طرف حضرت مهدی ( علیه السلام ) نیز زیارت کنیم . بعضی برای حضرت حج به جا می آورند و یا نائب می گیرند و از این طریق نیز می توان علاقه و ارتباط روحی خودمان را به اثبات برسانیم . حکایت آن مرد عراقی در مسجدالحرام بهترین شاهد در این مورد است . فقیه بزرگوار آیت الله میلانی به طلاب توصیه می کردند به صحبت کردن و درد دل نمودن با امام خویش ، اگر چه در شبانه روز چند دقیقه باشد . خوب است گاهی با اشعار مناسب و دلنشین ، با آن امام بزرگوار زمزمه ای داشته باشیم و نیز صبح ها بعد از فریضه دعای ( اللهم بلغ مولای صاحب الزمان تا آخر ) را به عنوان ابراز ادب و تجدید بیعت با مقام عظمای ولایت بخوانیم .

و از دیگر وظائف شیعیان در عصر غیبت استغاثه نمودن به حضرت در مواقع اضطرار و پیش آمدها است که ایشان در صورت مصلحت دستگیری خواهند کرد و شاهد بر این مطلب احادیث رمیلة و ابوالوفاء و آنچه از حضرت مهدی ( علیه السلام ) رسیده که فرمود : **اَنَا غَيْرُ مَهْمَلِينَ لِمَرَاعَاتِكُمْ . . .** می باشد .

یکی دیگر از وظائف ما در عصر غیبت آن است که کاری نکنیم که باعث آزردهی قلب امام زمان ( عجل الله تعالی فرجه الشریف ) شود ، زیرا روایات فراوان داریم که خانواده عصمت و طهارت از اعمال و کردار ما با خبر هستند و اعمال ما به خدمت امام عصر ( علیه السلام ) عرضه می شود ، و لذا امام صادق ( علیه السلام ) فرمود : چرا با عمل خود پیامبر اکرم را ناراحت می کنید ؟ همچنین خوابی که عالم بزرگوار ، میر جهانی دیده بود ، در این رابطه قابل توجه است .

و اما وظیفه بسیار مهم شیعیان در زمان غیبت تشخیص راه صحیح است و راه را ائمه ( علیهم السلام ) برای ما معین نموده اند و آن پیروی از مجتهد جامع الشرائط است ، آن هم مجتهدی خدا ترس و مخالف با خواسته های دل و مطیع امر مولای خود و پیمودن دیگر راه ها جایز نیست ، اگر چه تحت لوای ذکر و دعا و سیر و سلوک باشد .

- 2- بهترین راه برای شناخت امام زمان ( علیه السلام ) کدام است ؟
- 3- امام باقر ( علیه السلام ) در ذیل آیه ( اصبروا وصابروا ورابطوا ) چه می فرماید ؟
- 4- هروی از دعبل چه نقل نموده است ؟
- 5- دعای ( اللهم اذفع عن ولبك ) . . . از کدام امام نقل شده است ؟
- 6- مصرع دوّم این بیت چیست ؟ هر کس به زبانی سخن از حمد تو گوید .
- 7- آن مرد عراقی در مسجد الحرام چه تقاضائی داشت ؟
- 8- آیت الله میلانی به طلبّ چه توصیه ای می کرد ؟
- 9- بعد از نماز صبح چگونه به آستان مقدس امام زمان عرض ادب کنیم ؟
- 10- پیامبر اکرم ( صلی الله علیه وآله ) به ابوالوفاء چه فرمود ؟
- 11- حدیث ( انا غیر مهملین لمراعاتکم ولا ناسین لذکرکم ) از چه امامی رسیده ؟
- 12- عالم جلیل القدر ، میر جهانی چه خوابی دیده بود ؟
- 13- از روایت عمر بن حنظله چه نکته ای برداشت می شود ؟
- 14- امام هادی ( علیه السلام ) به احمد بن اسحاق چه فرمود ؟
- 15- مرحوم طبرسی از امام عسکری ( علیه السلام ) چه روایتی را نقل کرده است ؟
- 16- خلاصه بحث را بیان کنید .

نامعین بودن زمان ظهور

از روایات فراوان چنین برداشت می شود که برای ظهور وقتی معین نشده ، بلکه ائمه اطهار ( علیهم السلام ) تعیین کننده وقت ظهور را تکذیب نموده اند و به ما نیز دستور داده اند که آن ها را تکذیب کنید ، فضیل می گوید : از امام باقر ( علیه السلام ) سؤال کردم : آیا ظهور مهدی ( علیه السلام ) وقت معینی دارد ؟

حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمود : **كَذَبَ الْوَقَاتُونَ ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ** <sup>(1)</sup> .

علائم ظهور

با وجود نا مشخص بودن زمان ظهور ، در متون اسلامی روایات فراوانی داریم که در آن ها برای ظهور حضرت صاحب الأمر - عجل الله تعالی فرجه - علائم و نشانه هائی ذکر شده است . ما در مقام شمارش یکایک آنها نیستیم و با توجه به این که بعضی از این علائم و نشانه ها و روایات آنها خالی از رمز و اشاره نیست ، <sup>(2)</sup> ما نیز از میان علائم و

---

1. بحار : ج ۵۲ ، ص ۱۰۳ .

2. مثل این که گفته شده : در وقت ظهور حضرت مهدی خورشید از مغرب طلوع می کند با این که می دانیم لازمه وقوع اینگونه حوادث این است که : نظم عالم دگرگون شود و لا اقل حرکت و نظم منظومه شمسی تغییر کند ، پس معلوم می شود که روایت اشاره به یک حادثه ای است که برای ما معلوم نیست .

اول : شیوع فساد در جوامع ، دوم : شیوع ظلم و جور در اقطار زمین .

### علائم و نشانه های ظهور متفاوت هستند

قبل از ورود به این مبحث باید یادآور شویم که بعضی از این علائم و نشانه ها حتمی است و به هیچ قید و شرطی وابسته نیست و قبل از ظهور باید واقع شود ، (1) و برخی از همین علائم حتمی مقارن و یا بعد از ظهور با فاصله بسیار کم محقق می گردد ، مانند ندای آسمانی که قبل از ظهور ، در شب بیست و سوم ماه مبارک ، جبرئیل با صدای بلند به طوری که شرق و غرب آن صدا را بشنوند ، ندا می کند : **الحق مع علی و شیعتہ** .

امام صادق ( **علیه السلام** ) می فرماید : حضرت قائم در کنار خانه کعبه ظاهر گردد و چون آفتاب برآید ، منادی از آسمان ندا کند : این مهدی آل محمد است و آباء طاهرین او را یک به یک نام می برد و شرق و غرب این صدا را می شنوند و به مردم توصیه می کند با ایشان بیعت کنید و این ندا بعد از ظهور به گوش می رسد (2) .

این نوع از علائم حتمی دلیل واضحی است بر این که بلافاصله حضرت صاحب الأمر ظهور می نماید ، ولی بعضی دیگر از این علائم حتمی فقط حاکی از این است که ظهور تا اندازه ای نزدیک شده ، اما دلالتی ندارد که بعد از حدوث آن علامت ، بلافاصله حضرت صاحب الأمر ظهور نماید .

### شیوع فساد قبل از ظهور

یکی از علائم ظهور شیوع فساد و گناه و غربت اسلام می باشد و بعضی از روایات ، شیوع فساد را علامت ظهور معرفی کرده و بعضی روایات دیگر آن را از نشانه های

---

1. طبق روایتی از امام صادق ( **علیه السلام** ) که در غیبت نعمانی ص ۲۵۷ آمده ، خروج سفیانی و قتل نفس

زکّیه و خسف بیداء و نداء آسمانی از علائم حتمیّه شمرده شده است .

2. کفایة الموحّدین : ج ۲ ، ص ۸۴۰ .



آخر الزمان و اشراط الساعة دانسته است و بعضی از بزرگان ( 1 ) احتمال داده اند که مراد از هر دو عنوان یک چیز بیش نیست که همان شیوع گناه قبل از ظهور حضرت است . بعضی از این مفاصد که در احادیث آمده عبارتند از : ۱ - شراب خواری و خرید و فروش مسکرات آشکارا انجام می گیرد ۲ - ربا خواری رواج می یابد ۳ - زنا و اعمال شنیع دیگر متداول و آشکار می گردد . ۴ - قساوت قلب شیوع پیدا می کند . ۵ - تقلب زیاد می شود . ۶ - نفاق فراوان می گردد . ۷ - رشوه خواری رواج پیدا می کند . ۸ - ربا کاری متداول می شود . ۹ - مردمان بدعت در دین می گذارند . ۱۰ - غیبت و سخن چینی رواج می یابد . ۱۱ - بی عفتی و بی حیائی شایع می گردد . ۱۲ - زنان از حجاب کناره گرفته و با لباس زننده و جذاب در اجتماع آشکار می گردند . ۱۳ - امر به معروف و نهی از منکر تعطیل می گردد و صاحبان ایمان توانایی جلوگیری از گناهان را نخواهند داشت . ۱۴ - کفر و الحاد رواج پیدا می کند . ۱۵ - به اسلام و قرآن عمل نمی شود . ۱۶ - فرزندان ، حرمت پدران و مادران را رعایت نکرده و به آنها بی حرمتی می کنند . ۱۷ - کوچکتر احترام بزرگتر را رعایت نمی کند و بزرگتر نیز به کوچکتر ترحم نمی نماید . ۱۸ - صله رحم انجام نمی شود . ۱۹ - خمس و زکات پرداخت نمی شود و یا به مصرف صحیح نمی رسد . ۲۰ - بیگانگان و اهل باطل بر مسلمانان چیره می شوند . ۲۱ - مسلمانان در لباس و گفتار و کردار از کفار و اجانب پیروی می کنند ۲۲ . - حدود الهی تعطیل می گردد . ۲۳ - مکر و حيله شیوع پیدا می کند . ۲۴ - مساجد از حیث بنا آباد ، و از حیث محتوا خراب خواهند بود . ۲۵ - مردم دین خود را به دنیا می فروشند . ۲۶ - اوقات نماز سبک شمرده می شود . ۲۷ - طلاق زیاد می شود . ۲۸ - لجاجت و عناد زیاد می گردد . ۲۹ - در شهوات مردان به مردان اکتفاء می کنند و زنان به زنان . ۳۰ - با زبان به یکدیگر اظهار علاقه می کنند و در دل با یکدیگر در نزاع و جنگ هستند و ( 2 ) . . .

---

۱. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در منتخب الأثر .

۲. برای دسترسی به مدارک و روایات امور مذکوره و نیز اطلاع بر بیش از آنچه که ذکر شد مراجعه شود به منتخب الأثر ص ۴۲۴ ؛ روضه کافی ؛ ص ۳۶ ؛ کفایة الموحدين ؛ ج ۲ ، ص ۸۴۴ و جزوه امام زمان نوشته موسسه در راه حق ص ۸۲ .

امام صادق ( علیه السلام ) از پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله ) نقل می کند که فرمود : چگونه است حال شما ( جامعه اسلامی ) آن روزی که زنان شما فاسد و جوانان شما فاسق شوند و امر به معروف نکنید و نهی از منکر ننمائید ؟ عرض شد : یا رسول الله چنین روزگاری خواهد آمد ؟ حضرت فرمود : روزی می رسد که بدتر از این خواهد شد در آن روز مردم را به منکر ، امر می کنید و از کارهای خوب و معروف نهی می نمائید . اصحاب با تعجب عرض کردند : امت اسلامی به چنین وضعی مبتلا خواهند شد ؟ حضرت فرمود : بدتر از این خواهد شد ، در آن روز کار خوب را بد می دانید و کارهای بد را ، خوب (1) .

### وضع امت اسلامی در حال حاضر

امروز ما مسلمانان اکثر قریب به اتفاق مفسد یاد شده را در جوامع بشری و بلکه در امت اسلامی شاهد هستیم و جوامع بشری و نیز جامعه اسلامی از شش جهت ، هدف تیرهای آلوده و مفسده خیز قرار گرفته اند و با تأسف و تأثر فراوان باید گفت که امروز دنیای اسلام با این مفسد خو گرفته و با سرعت در گرداب مفسد فرو می رود . ناگفته نماند که با انقلاب اسلامی ایران بسیاری از مفسد در ایران تعطیل شد ، امّا متأسفانه بر اساس تسامح و تساهل بعضی از مسئولین بخشی از مفسد بار دیگر به جامعه ما برگشت ولی امیدواریم که سران حکومت و صاحب منصبان ، در حفظ دستاوردهای انقلاب و برقراری احکام اسلامی بکوشند و مرز و بوم مملکت اهل بیت و امام زمان را از تهاجم دشمنان که اصولاً از طریق فرهنگ و رسانه های عمومی وارد می شوند ، حفظ نمایند و مسئولین در تحقق بخشیدن احکام اسلام سعی و تلاش خود را بنمایند .

### آیا حضرت قائم دین جدید می آورد ؟

با توجه به اخبار و روایاتی که از ائمه اطهار و در رأس آن ها حضرت ختمی مرتبت در رابطه شیوع مفسد و گناه در آخر الزمان و قبل از قیام قائم آمده ، درمی یابیم که آن

1. وسائل الشیعه ، ج ۱۱ ص ۳۹۶ .

رهبران آسمانی با چشم نهان بین خود ، وضع امت اسلام را بیش از هزار سال قبل پیش بینی کرده و با وضوح بیان نمودند که امت اسلام نه فقط گناه و مفسد مرتکب می شوند ، بلکه کار آنها به جایی می رسد که کار زشت و گناه را خوب و پسندیده ، می نگرند و شخص گنه کاری را که به عفاف جامعه لطمه می زند یک فرد هنرمند می دانند !! طبیعی است که چنین جامعه ای تا چه حدّ از اسلام و احکام آن بی خبر خواهند بود . چنین افرادی خود را مسلمان می دانند اما از اسلام اطلاعی ندارند و لذا وقتی وجود مقدس حضرت مهدی ظهور می کند و احکام اسلام و حقیقت قرآن را بیان می کند ، گروهی تصورشان این است که حضرت مهدی دین جدید آورده ، حال آن که پیامبر ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) در روایتی می فرماید : مهدی پای خود را جای پای من می گذارد و تخطّی از آن نخواهد کرد (1) .

آری قبل از ظهور به نحوی حقیقت اسلام و واقعیت قرآن مستور می گردد که با آمدن حضرت مهدی و تبیین اسلام ناب محمدی ، مردم گمان می کنند که آن حضرت دین جدید آورده است .

البته مخفی نماند که مهجور ماندن اسلام بدین معنی نیست که در جهان اسلام ، درس تفسیر و فقه و اخلاق به طور کامل تعطیل می گردد . بلکه ظاهر این است که هر گروهی قرآن را به رأی خود و بر اساس مسلک و مذهب خود تفسیر می کند و هر فقیهی بر اساس قیاس و استحسان آنگونه که جوّ حاکم بر جامعه می پسندد ، حکم می کند چنان که امروزه عدّه ای از مسلمانان گروه دیگری را به وسیله مواد منفجره می کشند و متأسفانه این عمل را باعث تقرّب خود به خدا می دانند و حال آن که قرآن کریم با صراحت می فرماید ( **وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِداً فِيهَا** ) ، « (2) کسی که مؤمنی را عمدتاً بکشد برای همیشه در جهنم خواهد بود . » مگر امروز مشاهده نمی کنیم که در همین قرون اخیر فرقه هایی پیدا شده اند گروه کثیری از مسلمانان را مشرک می دانند و احیاناً

بعضی از فقیهان خود فروخته و مزدور آنان ، ریختن خون دیگر مسلمانان را مباح

1. منتخب الاثر : ص ۴۹۱ به نقل از فتوحات ابن عربی .

می شمارند و خلاصه این گونه احکامی که در اسلام بدعت گذاری شده با اسلام واقعی ارتباطی ندارد ، کم نیست . با چنین وضعی طبیعی است که با ظهور حضرت مهدی و بسط حکومت او در تمامی نقاط روی زمین ، عدّه ای خیال کنند که ایشان دین جدید آورده اند .

### غربت دوباره اسلام

در کتاب شریف غیبت نعمانی بابی وجود دارد تحت عنوان « حضرت قائم مردم را دعوت جدید می نماید و اسلام همان گونه که در ابتدای ظهور آن غریب بوده ، مجدداً به غربت کشیده می شود (1) » . و سپس شش روایت در این باره نقل می کند از آن جمله حدیث ابوبصیر است که می گوید : به امام صادق عرض کردم : مراد امیر المؤمنین از این کلام که فرمود : **إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ** (اسلام در اوایل بعثت برای مردم آشنا نبوده و یک امر جدیدی بود و در آینده اسلام به همین غربت مبتلی می شود خوشا به حال آنهایی که در این زمان با اسلام آشنا هستند ) چیست ؟ امام صادق ( **علیه السلام** ) فرمودند : وقتی حضرت قائم ظهور می کند ، مردم را به احکام جدیدی دعوت می کند ، همانگونه که پیامبر ( **صلی الله علیه و آله** ) مردم را به احکام جدیدی دعوت نمود .

یعنی همانطوری که مردم جاهلیت از احکام نوین و حیات بخش اسلام خبر نداشتند و احکام اسلام برای آنها مسائل و مطالب جدیدی بود ، در زمان حضرت مهدی - سلام الله علیه - به همین منوال خواهد بود زیرا مردم بقدری از مسائل اسلامی فاصله گرفته اند که نسبت به آن بیگانه شده اند و دعوت حضرت گرچه دعوت به اسلام است ، اما دعوت جدیدی به نظر خواهد رسید .

### انتظار واقعی در آخر الزمان دشوار است

طبیعی است که اگر کسی بخواهد در چنین جامعه ای و در میان چنین افرادی که از

احکام و دین فاصله گرفته اند ، از منتظرین واقعی امام زمان باشد ) که معنای انتظار واقعی در مبحث انتظار ذکر شد ) با مشکلات متعددی برخورد خواهد کرد و در بعضی از روایات انتظار آمده است : شخصی که منتظر حکومت عدل الهی است و خود را برای آن آماده می سازد ، همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلطان است (1) .

### شیوع ظلم و جور

یکی دیگر از علائم ظهور که بیش از سیصد روایت درباره آن نقل شده این است که ظلم سر تا سر جهان را فرا می گیرد و جوامع بشری از آتشی که ظالمین برافروخته اند به ستوه می آیند و بعد از فراگیر شدن ظلم و جور در همه نقاط . . . ) **بعد ما ملئت ظلماً وجوراً** ( آن مصلح و منجی حقیقی ظهور خواهد کرد و عدل و داد را بر روی زمین برقرار می نماید .

البته باید توجه داشته باشیم که معنای این روایات آن نیست که مردم ظالم و متجاوز خواهند شد ، بلکه ظلم و جور جهان را فرا می گیرد . به عنوان مثال ، یک نفر دیکتاتور مثل صدام یک ملت چند ملیونی را به خفقان می کشد و یا چند نفر از سران حکومت های جهان خوار و استعمارگر یک قاره را با کشورهای متعدد و صدها میلیون جمعیت ، از لحاظ اقتصادی و نظامی تحت سلطه خود درمی آورد و به عنوان دفاع از حقوق بشر و آزادی ، هر نوع ظلم و ستمی را بر آنها روا می دارد .

از سوی دیگر آحاد مردم در اثر کناره گیری از دین و بی خبری از احکام و دستورات الهی و نیز متابعت از غرایز سرکش و طغیانگر ، نسبت به یکدیگر اجحاف نموده و حق دیگران را پایمال می نمایند .

این روند ظلم و ستم ، هم از ناحیه سردمداران خود کامه و دیکتاتور و هم از ناحیه آحاد جامعه در حال رشد و توسعه است و حتی احتمال تضاد و اصطکاک بین سران جهان خوار وجود دارد که بر اثر آن چه بسا آتش جنگ جهانی مجدداً برافروخته شود .

1. بحار: ج ۵۲، ص ۱۲۳ « از علی ) علیه السلام : ( الْمُتَنَتِّرُ لِمَرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ » .

## شیوع فساد از دو ناحیه

چنان که گفتیم ، شیوع ظلم در چنین زمانی معلول هوی پرستی ها و خود کامگی های گروهی از حکام زمان می باشد اما نباید فراموش کنیم که بخشی از ظلم در جوامع بشری معلول جدائی انسان ها از مکتب وحی و عمل نکردن به دستورات حیات بخش آن و فرورفتن در منجلاب های فساد و گناه می باشد زیرا جامعه ای که افراد و آحاد آن مبتلا به گناه و فساد شده اند اثر وضعی آن تسلط اشرار است . با مراجعه به تاریخ مشاهده می کنیم که در هر جامعه ای که فساد رواج یابد ، اجانب و ستمگران و دیکتاتورها بر آن قوم سلطه پیدا می کنند و به طور کلی یکی از نقشه های شوم سلطه گران جهان خوار برای رسیدن به مقصود خود ترویج و تهاجم فرهنگی و شیوع فساد است و این حقیقت را پیامبر اکرم ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) و ائمه اطهار ( **عَلَيْهِمُ السَّلَام** ) مکرراً گوشزد نموده اند <sup>(1)</sup> که در اینجا به ذکر یک حدیث بسنده می کنیم .

رسول خدا ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) می فرماید : زمانی بر مردم خواهد آمد که صورت آنان صورت آدمی و دل های آنها دل های شیاطین است ، همانند گرگهای درنده خون یكدیگر را می ریزند و از انجام کارهای بد ، خودداری نمی کنند . پیروان خود را به شک و شبهه می کشانند و اگر با آنان سخن بگویند به آنها دروغ خواهد گفت و اگر از نزد آنها برود ، غیبت و بدگوئی آنها را می کند ، سنت واقعی پیامبر ( **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** ) نزد اینها بدعت و بدعتهای خودشان را سنت رسول خدا می دانند و کسانی را که حلیم و بردبار هستند ، خائن می گمارند و بر عکس خائن را حلیم و بردبار می شمارند صاحبان ایمان در بین آنها کوچک و حقیرند اما فاسق در نزد آنها صاحب شرف و عظمت . بچه های آنان پای از گلیم خود دراز نموده و باعث اذیت و آزار دیگران می شوند و زنان آن ها بی پروا و بی باک ، با خوی و خبانت خود ، نزدیکان و اهل خود را به رنج می آورد ، پیران و سالخوردهگان امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند ، پناه بردن به این مردم غیر از خواری و اعتماد نمودن به آنها غیر از ذلت چیز دیگری نیست در چنین زمانی خداوند باران رحمت خود را قطع نموده و موقعی باران می فرستد که برای آنها سودی ندارد و نیز اشرار

1. به روایاتی که وضع آخر الزمان را بیان می کنند مراجعه شود .

را بر آنها حاکم و امیر می سازد که مردم را به بدترین و رنج آورترین کارها می گمارند ، بچه های آنها را می کشند و زنانشان را به بیگاری وادار می نمایند و در این هنگام نیکان دعا می کنند ، اما مستجاب نمی شود .

(1)

بدین ترتیب معصومین ( **علیهم السلام** ) به مردم هشدار داده اند که در صورت ارتکاب فساد و گناه ، ظالم و دیکتاتور بر آنان مسلط می شود .

آن روزی که جوامع بشری از یک سو در فساد و جدائی از عالم وحی و دیانت غوطه‌خور شده و از سوی دیگر ، ظلم و ستم هر کاشانه و آشیانه را فراگیرد ، ظهور حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) نزدیک خواهد بود .

### آزمایش بزرگ اهل ایمان

در آخر الزمان دین داری و حفظ حریم احکام الهی بسیار مشکل می شود و اعتقادات حقه اسلامی مورد دستبرد شیاطین قرار می گیرد و مردم در معرض یک امتحان و آزمایش عظیم قرار می گیرند .

سدیر صیرفی می گوید : به همراه مفضل بن عمرو و ابو بصیر و ابان بن تغلب بر امام صادق ( **علیه السلام** ) وارد شدیم ، دیدیم امام روی خاک نشسته و مانند مادری که فرزند خود را از دست داده و دلش سوخته گریه می کند و می گوید : **سِیْدِیْ غِیْبَتِکَ نَفَتْ رِقَادِیْ وَضَیَّقَتْ عَلَیْ مِهَادِیْ** . . . ای آقای من ، غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و بستر استراحت را بر من تنگ نموده و آرامش از دلم رخت بر بسته . . . سدیر می گوید : چون امام را با این حال پریشان و گریان دیدم با خود گفتم : حتماً حادثه ناگواری پیش آمده به حضرت عرض کردیم : آیا اتفاقی افتاده که شما این گونه گریه می کنید ؟

حضرت فرمود : امروز به کتاب جفر که وقایع مهم جهان تا قیامت در آن درج شده نگاه می کردم ، و اخبار مربوط به غیبت قائم آل محمد و طول عمر ایشان و امتحانی که برای صاحبان ایمان در آن زمان پیش می آید و شبهاتی که در اثر طولانی شدن غیبت

عارض می شود وعده ای از دین دست می کشند ، مشاهده می کردم که باعث دگرگونی حال من شد (1) .

### نصرت بعداز یأس

از بعضی روایات چنین برداشت می شود که ظهور حضرت مهدی - ارواحنا فداه - و نصرت الهی بعداز یک حالت یأس و ناامیدی حاصل می گردد برای توضیح مطلب لازم است که نظر شما را به معنی و تفسیر این آیه شریفه جلب کنم که می فرماید ( : حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرَّسُلُ وُظِنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مِنْ

نَشَاءٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ) (2) .

گرچه توضیح و تفسیر این آیه احتیاج به بحث مفصّلی دارد اما یکی از اقوال که در تفسیر آمده و با ظاهر آیه نیز قابل تطبیق است این است که پیامبران به دعوت خود ادامه می دادند و متقابلاً دشمنان هم مخالفت می کردند و صاحبان ایمان که در سختی به سر می بردند و منتظر آن نصرت الهی بودند که رسولان و پیامبران به آن ها خبر داده بودند به شک و شبهه می افتند و بلکه با خود فکر می کنند که پیامبران به آن ها به دروغ وعده نصرت الهی را داده اند در چنین حالی خداوند می فرماید : یاری ما به سراغ آنها آمد ، آنان را که خواستیم نجات دادیم و عذاب و مجازات ما هم شامل گنه کاران و مجرمین می شود . از این آیه به خوبی استفاده می شود که برای صاحبان ایمان در عصر انبیاء گذشته نیز چنین صحنه های خطرناک و آزمایش های سختی پیش می آمده اما در نهایت نصرت الهی بر آنها نازل می شده چنان که فرزندان یعقوب ، بعد از مایوس شدن از حیات یوسف ، و بازگشت او به آغوش خانواده ، یوسف را یافتند و در کنار او زندگی شیرینی را آغاز نمودند .

و قابل توجه این که امام صادق ( علیه السلام ) ( به نقل از پدران از امیر مؤمنان ) ( علیه السلام ) نقل می کند

که



1. کمال الدین : باب ۳۳ ، حدیث ۵۱ .

2. یوسف : ۱۱۰ .

حضرت آیه فوق ( حَتَّى إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا ) ( را منطبق نموده با وضع صاحبان ایمان در آخر الزمان و قبل از ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) و جمله ( جَاءَهُمْ نَصْرُنَا ) ( را با ظهور قائم آل محمد ) ( عليهم السلام ) منطبق ساخته و فرموده : **وذلك عند قيام قائمنا المهدي** <sup>(۱)</sup> .

### اخطار به اهل ایمان

بر مردان و زنان مؤمن لازم است که اعتقادات خود و من جمله اعتقاد به حضرت مهدی موعود را از منابع صحیح مانند قرآن و روایات و نیز با أدله روشن و براهین عقلی ، محکم کنند تا در پیش آمد این گونه آزمایش ها در دام وسوسه ها و ظن و گمان های شیطانی قرار نگیرند و خدای نکرده بدون معرفت و اعتقاد به امام زمان خود از دنیا نروند که اگر چنین اتفاقی بیفتد به مرگ جاهلیت مرده اند یعنی فاقد دین و شرف و انسانیت از دنیا خواهند رفت .

### زمینه سازی برای ظهور مصلح جهانی

دوّمین اثری که بر یک جامعه فرو رفته در فساد و گناه و زیر چکمه های ظالم استخوانش خورد شده و به ستوه آمده این است که به دنبال یک انسان کامل و رهبر بزرگ می گردد که آن ها را نجات ببخشد و غل و زنجیرها را از دست و پای آن ها باز نماید .

اگر در حال حاضر گروهی از اهل ایمان در صبح جمعه امام خود را صدا می زنند و ندا می دهند : **أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّبَعِ وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدُ الْعَتَاةِ وَالْمَرْدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ . . .** کجاست آن کس که انحرافات و هوی و هوس ها را محو نماید ؟ کجاست آن کسی که جلوی دروغ ها و دروغ بافی ها را بگیرد ؟ کجاست آن آقایی که ریشه لجابت ها و گمراهی ها و

بی دینی را

---

. 1منتخب الأثر : ص ۳۱۴ که از ینابیع الموده حدیث را نقل نموده .

نابود کند .

در آن روز تمامی مردم از سیاه و سفید ، شرقی و غربی ، و در هر سلک و حزب و مسلکی که هستند فریادشان به ( این المنجی ) ، کجاست نجات بخش بشریت ؟ بلند خواهد شد و این یکی از مهمترین زمینه سازی ها برای ظهور مصلح کبیر جهانی است ، زیرا شرط اساسی برای یک انقلاب جهانی پذیرش و آمادگی جوامع است . با وجود فراهم آمدن چنین زمینه ای می توان گفت سلاح های ظالمین کاربرد نخواهد داشت . ما فراموش نمی کنیم که در دوازده بهمن ۱۳۵۷ شمسی وقتی رهبر کبیر انقلاب ایران حضرت امام خمینی ( قدس سره ) در فرودگاه مهرآباد فرود آمدند ، با اینکه هنوز حکومت ایران در دست طاغوتیان بود و ارتش و قوای مسلحه در ظاهر تحت فرمان آنها بود ، امام خمینی از فرودگاه تا بهشت زهرا را در میان میلیون ها جمعیت حرکت می کند و در آنجا سخنرانی می کند و صریحاً می فرماید : من به دهان این حاکمان ظالم می زنم . . .

البته ما نمی گوئیم که سلطه و پیروزی حضرت مهدی - سلام الله علیه - دقیقاً همانند پیروزی انقلاب ایران خواهد بود ، زیرا ممکن است به شکل دیگری پیروزی برای حضرت حاصل شود قرآن هلاکت فرعون و فرعونیان را و سپس پیروزی موسی و بنی اسرائیل را در قرآن بیان فرموده ، ( ۱ ) حال آن که قبل از غرق شدن فرعونیان هیچ کس نمی دانست که آن حکومت جبار چگونه نابود می شود . آنچه می توان گفت این است که باید در جهان زمینه پذیرش یک مصلح کل ، فراهم آید و این زمینه بعد از شیوع فساد و ظلم قطعاً فراهم خواهد آمد .

### توجه به یک نکته مهم

تصریح روایات بر این که قبل از ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) فساد و ظلم شیوع پیدا می کند ، هرگز بدان معنا نیست که ما در مقابل این همه گناه و ظلم ساکت و نظاره گر باشیم ،

---

1. نور : ۵۵ ، می فرماید ) : **وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما**

**استخلف الدين من قبلهم** » ( . . . خداوند به کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام می دهند وعده

داده که حتماً آنها را حکمران روی زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان ، خلافت روی زمین را بخشید .

»

چه رسد به آن که احياناً شخصی بگوید باید به وضع موجود راضی شد زیرا بعد از چنین وضعی امام زمان - عجل الله تعالی فرجه - ظهور می کند ، در واقع روایات از یک حادثه ای که در آخر الزمان واقع می شود خبر می دهد .

کما این که پیامبر ( **صلى الله عليه وآله** ) از قتل اباذر و عمار و جنگ ناکثین و قاسطین و مارقین با علی ( **عليه السلام** ) خبر داد ، اما وظیفه مردم در قبال ظلم و جور ، مطلب دیگری است که باید در جای خودش بحث شود و به طور اجمال باید بدانیم که امر به معروف و نهی از منکر در هر عصر و زمانی از بزرگترین وظائف مسلمانان است و اگر مسلمانان به فرموده قرآن بهترین امت هستند ، <sup>(1)</sup> به خاطر امر به معروف و نهی از منکر است و این فریضه از بزرگترین فرائض الهی شمرده شده <sup>(2)</sup> و اقامه این فریضه الهی احتیاج به مقدماتی دارد که اگر انجام آن برای ما میسر باشد قهراً آن مقدمات نیز واجب می شود و باید دنبال تحقق بخشیدن به آن مقدمات باشیم و نمی توان گفت که این حکم الهی در زمان خاصی به طور مطلق خواسته نشده است . مبدا شیطان بعضی را بفریبد و به کسانی که برای امر به معروف و نهی از منکر و برای دفاع از حریم اسلام برخواسته اند و فریاد زده اند و احياناً به زندان و شکنجه گاه رفته و یا جان به جان آفرین سپرده اند ، نسبت های ناروا بدهد و یا بگویند که آنان وظیفه ای غیر از سکوت نداشتند ، حال آن که آنان دنبال انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بودند که قرآن و سنت برای آنان مقرر نموده است .

با وضع آشفته جوامع بشری و گسترش ظلم و فساد و فراموش شدن تعالیم حیات

---

1. آل عمران : ۱۱۰ ) کنتم خیر امةً اُخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر وتؤمنون بالله .  
( شما بهترین امتی بودید که آفریده شده اید زیرا امر بمعروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید .

2. نهج البلاغه حکمت ۳۷۴ بعد از اینکه حضرت افراد را تقسیم نموده و فرموده : بعضی انکار منکر می کنند با دست و زبان و قلب و بعضی با قلب و در مقابل بعضی تارک آن هستند و نهی از منکر نمی کنند نه با دست و نه قلب که این ها در واقع ( میت الاحیاء ) مردگانی هستند در ما بین زنده ها حرکت می کنند سپس در اهمیت این فریضه می فرماید ( : وما أعمال البر کلها والجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف والنهی عن المنکر الا کنفئة فی بحر لَجّی ) تمامی اعمال نیکو و حتی جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر هم چون قطره ای است نسبت به دریای پهناور .

---

## 226

---

بخش انبیا جا دارد که محبوب خودمان حضرت بقیة الله اعظم را با ابیات مولانا در دیوان شمس تبریزی مخاطب قرار دهیم و به محضر ایشان عرضه داریم :

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست \* \* \* بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

یعقوب وار واسفاها همی زنم \* \* \* دیدار خوب یوسف کنعانم آرزوست

بالله که شهر بی تو مرا حبس می شود \* \* \* آوارگی کوه و بیابانم آرزوست

زین همرهاں سست عناصر دلم گرفت \* \* \* شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

جانم ملول گشت زفرعون و ظلم او \* \* \* آن نور روی موسی عمرانم آرزوست

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر \* \* \* کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتم که یافت می نشود جسته ایم ما \* \* \* گفت آنکه یافت می نشود آنم آرزوست

گویا ترم زبلبل ، اما ز رشک جام \* \* \* مهر است بر دهانم و افغانم آرزوست

## خلاصه گفتار دهم :

وقت ظهور حضرت معلوم نیست و اگر کسی وقت آن را اعلان نماید از طرف ائمه اطهار ( علیه السلام ) دروغگو معرفی شده ، اما نشانه هایی در روایات به عنوان علائم ظهور آمده البته بعضی از آنها به طور حتم باید واقع شود تا مهدی موعود ظهور کند و وقوع بعضی از آنها قبل از ظهور محتمل است . در این گفتار به دو علامت از علائم ظهور اشاره شد :

نخست ، شیوع فساد و گناه به طوری که اسلام به غربت می افتد . در این رابطه به ۳۰ مورد از مفاسد اجتماعی اشاره نمودیم و سپس به روایتی که امام صادق ( علیه السلام ) از پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) نقل می کند اشاره شد و گفتیم : امروز ما آن غیب گوئی های رهبران آسمانی را شاهد هستیم و می نگریم که تا چه حدی مردم از حقائق اسلام دور شده اند و اسلام عزیز مهجور مانده است . در روایات آمده است که اسلام در ابتداء غریب بود و بار دیگر به غربت خواهد افتاد ، بله اگر اسلام به این غربت بیفتد و مردم آن گونه از اسلام واقعی دور شوند ، این موجب می شود که هنگام ظهور حضرت مهدی تصور کنند حضرت آن ها را به دین جدیدی دعوت می کند ، حال آن که پیامبر می فرماید : مهدی پای خود را جای پای

من می گذارد .

دوم : شیوع ظلم و جور در جوامع بشری است و این شیوع ظلم از دو ناحیه است : ۱ - حکام خود کامه و ستمگر ۲ - تعدی و تجاوز آحاد مردم به یکدیگر ، زیرا مردمی که از تعالیم آسمانی دور شوند حقوق یکدیگر را رعایت نخواهند کرد و عجیب این است که در روایات آمده که سلطه اشرار ، معلول عمل زشت و گناهان آحاد مردم است .

در چنین جامعه ای که ظلم و فساد همه جا را گرفته اولاً : مردم در آزمایش سختی قرار می گیرند که حدیث سدیر صیرفی از امام صادق ( علیه السلام ) بخشی از آن را توضیح داده است . در اثر طولانی شدن غیبت گروهی به شک و تردید می افتند و بلکه از آمدن مهدی آل محمد ( علیهم السلام ) مأیوس می شوند ، در چنین زمانی بر هر مؤمنی لازم است که در صدد تحکیم عقیده خود نسبت به حضرت مهدی باشد .

ثانیاً: شیوع ظلم و فساد یکی از عواملی است که زمینه را برای ظهور حضرت فراهم می آورد زیرا مردم به ستوه می آیند و برای پذیرش یک رهبر عادل و انسان کامل و دلسوز آماده خواهند شد .

البته نباید از یک مطلب مهم غافل شد و آن این که اهل ایمان نباید دست از امر به معروف و نهی از منکر بکشند ، به بهانه این که هر چه فساد و گناه زیادتیر شود زمینه برای ظهور حضرت ، آماده تر می گردد ، چنین فکری قطعاً شیطانی است و وظیفه ما در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر هرگز تعطیل نمی گردد .

### \*سوالات گفتار دهم

- 1- امام باقر ( علیه السلام ) در پاسخ به کسی که سؤال کرد : آیا ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) وقت معینی دارد ، چه فرمود ؟
- 2- یکی از نشانه هایی را که حقیقت آن برای ما معلوم نیست و احتمالاً اشاره به حادثه خاصی باشد ، نام ببرید ؟
- 3- دو مورد از موارد و نشانه های حتمی را اسم ببرید ؟
- 4- در ابتدای ظهور حضرت در کنار کعبه ، منادی چه ندائی سر می دهد ؟
- 5- پنج مورد از موارد شیوع فساد را در قبل از ظهور بیان کنید ؟
- 6- امام صادق ( علیه السلام ) در رابطه با آینده امت از پیامبر اکرم ( علیه السلام ) چه روایتی را نقل نموده است ؟
- 7- یک روایت در رابطه با غربت اسلام ذکر کنید ؟
- 8- حدود روایاتی که بر شیوع ظلم و ستم در تمامی نقاط روی زمین دلالت می کند چه مقدار است ؟
- 9- شیوع فساد از چه ناحیه ای در جوامع ، حاصل می گردد ؟
- 10- سدیر صیرفی ، حال امام صادق ( علیه السلام ) را چگونه دید و از ایشان چه نقل می کند ؟

11- از آیه ۱۱۰ سوره یوسف چه برداشت می شود ؟

12- چه عاملی زمینه ساز ظهور حضرت می گردد ؟

13- آیا در زمان شیوع ظلم و فساد وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تعطیل خواهد شد ؟

14- مضمون اشعار دیوان شمس تبریزی را به طور خلاصه بیان کنید ؟

15- خلاصه این گفتار را بیان نمائید ؟

---

229

### گفتار یازدهم

ویژگی های حکومت حضرت مهدی ( عجل الله تعالی فرجه الشریف )

---

231

### برقراری عدالت

آنچه مسلم است حضرت مهدی ( علیه السلام ) حکومتی را برقرار خواهد کرد که انبیاء عظام و حضرت ختمی مرتبت و آباء ارجمندهش یعنی ائمه اطهار ( علیهم السلام ) به دنبال آن بودند و لذا باید دید این بزرگان در صدد ایجاد چه نوع حکومتی بوده اند ؟

قرآن کریم غرض نهایی انبیا و یگانه هدف عالی آنان را اقامه قسط و عدل معرفی می کند و می فرماید ( : لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ <sup>(1)</sup> ) ( ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان ) یعنی قوانین عادلانه را که بتوانند حق را از باطل تشخیص دهند ) ، نازل نمودیم تا مردم به عدالت قیام کنند .

همچنین در سوره بقره هدف از بعثت انبیا را داوری نمودن بین مردم در اختلافاتی که پیش می آید ، دانسته و فرموده ( : فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا

اِحْتَلَفُوا فِيهِ<sup>(2)</sup> ( که در اینجا هم به مسأله برقراری عدل و عدالت در جامعه اشاره دارد . بنابراین ، ویژگی

حکومتی که انبیا به دنبال آن بودند

عدالت خواهی و عدالت پروری است ، حکومتی که تحقق ایده و خواسته صاحبان

---

1. حدید: ۲۵

2. بقره: ۲۱۳

ایمان و در رأس آنها رسولان و امامان ( علیهم السلام ) است و در سوره حج اینگونه ترسیم شده ) : الَّذِينَ

إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ )

کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خداست .

در این آیه هم حکومتی را مورد توجه نیکان و پاکان معرفی می کند که در آن ارتباط مردم با خدای خود و نیز با محرومین جامعه برقرار شود و یکدیگر را به خوبی ها توصیه نمایند و از بدی ها باز دارند و چنین جامعه ای قطعاً عدالت محور خواهد شد .

### احکام اسلام ، تجلی عدالت خواهی

برای آگاهی از ماهیت حکومتی که مورد نظر پیامبر اکرم ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) و مورد توجه و خواسته تمامی ائمه بوده و هست ، کافی است به محتوای مکتب اسلام و بایدها و نبایدهای آن و بهویژه به مسائل اخلاقی اسلام که بشریت را از ظلماتِ وهم و صفات زشت به عالم نور و تزکیه نفس می رساند و او را یک فرد اینارگر و خدای جو قرار می دهد ، نگاهی بیفکنیم ، خواهیم دید که آن حکومت عادلانه و عدل پرور چیزی غیر از پیاده نمودن احکام اسلام نیست .



با نگاهی به فقه اسلام در بخش معاملات و سیاست درمی یابیم که تا چه اندازه دقت به عمل آمده تا جلوگیری از ظلم ها و اجحاف ها گرفته شود خودکامگی ها و خودخواهی را بگیرد آیا با رعایت نمودن احکام قضا و شهادت و شرائط قاضی و قواعد فقهی عدالت اجتماعی برقرار نمی گردد؟

حتی احکام عبادات از قبیل اباحه مکان و لباس و قربانی و احرامی ووو که مورد ابتلای اهل ایمان است بر مبنای ظلم ستیزی مقرر شده و از تصرف به مال و ملک و حق مردم به طور عدوانی جلوگیری می کند .

همچنین با نگاهی به مسائل حقوقی اسلام از قبیل حق والدین بر فرزند و بالعکس ،

---

### 233

---

حق زوج بر زوجه و بالعکس ، حق راعی بر رعیت و بالعکس ، حق کارفرما بر کارگر و بالعکس ، حق همسایگان بر یکدیگر و حتی حقوق حیوانات بر انسانها (1) . و با توجه به این مسائل حیاتی و به کار بستن آنها واقعاً زندگی بشری رنگ و بوی دیگری پیدا می کند اگر بر این دو یعنی فقه و حقوق اسلامی ، دستورات اخلاقی را ضمیمه کنید و محبت و ایثار و نوع دوستی و گذشت و عفو بر جامعه حاکم گردد آیا جایی برای تعدی و تجاوز باقی می ماند؟ آیا بوی بهشت و بهشتیان از چنین جامعه ای به مشام نمی رسد؟

مسئولیت همه مکلفین از پیر و جوان ، زن و مرد ، در آشکارا و نهان ، در شهر و بیابان ، امر به معروف و نهی از منکر است که تارک آن ، مرده متحرک معرفی شده و انجام آن از بزرگترین تکالیف دانسته شده و در اهمیت آن همین بس که علی ( علیه السلام ) می فرماید :

**وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّي .**  
(2) تمامی کارهای نیک حتی جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر مانند قطره ای از آب دهان در برابر دریای موج می باشد .

اگر امر بمرعوف و نهی از منکر با این شدت بر همگان واجب شد برای این است که عدالت و حق در همه جا پیاده شود و پلیس و ناظر آن هم خود مردم باشند و این نظارت عمومی باعث شود که کسی از خط سیر عدل و حق پا فراتر نگذارد . و همچنین اسلام به همگان دستور می دهد که به یکدیگر توصیه حق و توصیه صبر داشته باشید ( **تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ** ) و نیز یکدیگر را نصیحت کنید .

قرآن به پیروان خود دستور می دهد که با دشمن خود بر اساس عدالت رفتار کنید ، مبادا بغض و عداوت ، باعث شود که افراد را از عدالت و رعایت آن ، حتی در مورد دشمنان خود دور گرداند<sup>(3)</sup>؛ زیرا یکی از عوامل ظلم و حق کشی ها همین بغض و کینه توزی نسبت به یکدیگر است .

---

1. در وسائل الشیعه فصلی تحت عنوان ( احکام الدّواب ) حقوق حیوانات بیان شده است .

2. نهج البلاغه حکمت ۳۷۴ .

3. مراجعه شود به آیه ۸ سوره مائده .

### نگاهی به حکومت کوتاه علی ( علیه السلام )

بهترین برای آن حکومتی که مورد علاقه انبیا و ائمه اطهار ( علیهم السلام ) بوده حکومت کوتاه علی بن ابیطالب ( علیه السلام ) است ،<sup>(1)</sup> که در این مدّت کوتاه با وجود شعلهور شدن آتش در جنگ های ، جمل و صفین و نهروان ، عدالت علی ( علیه السلام ) در اداره حکومت برقرار بود حتّی عدالت در میدان جنگ و در برخورد با دشمن نیز کاملا رعایت می شد در صفین بعد از باز پس گرفتن شریعه و در اختیار داشتن آب استفاده از شریعه و آب را برای لشکر معاویه آزاد می کند در حالی که معاویه استفاده از آب را برای لشکریان علی ( علیه السلام ) ممنوع کرده بود .

ایشان در زمان حکومتش سیره پیغمبر اکرم را که مدت ها فراموش شده بود احیا نمود ، مساوات و عدالت اجتماعی را اجرا کرد ، تمامی امتیازات را از بین برد ، حکمرانان و فرمانروایان بی بند و بار را عزل نمود ، اموالی را که از بیت المال به غارت رفته بود و یا املاک و مستغلاتی را که مقام خلافت بخشیده بود پس گرفت و هر کسی را که از مقررات دینی تخلف می نمود مجازات می کرد . با تمام شجاعتی که داشت بی اندازه مهربان و رئوف بود در جنگ ها زنان و کودکان و ناتوانان را نمی کشت و اسیر نمی گرفت فراریان را تعقیب نمی نمود ، هرگز علاقه به ریختن خون نداشت بلکه عاشق هدایت شدن و رستگاری مردم بود ، هنگام عصر به دشمن

حمله می کرد که زخمی ها خود را به کنار کشند و اگر کسی می خواهد از میدان فرار کند از تاریکی شب استفاده کند و با فرا رسیدن شب افراد کمتری کشته شوند .

به عناوین و القاب بی اعتنا بود . هنگامی که حضرت به سمت اهل شام برای جهاد می رفت به شهر انبار نزدیک شد ، مردم به جهت تعظیم و احترام از مرکب های خود پیاده شدند و مقابل حضرت به عنوان احترام با شتاب حرکت می کردند حضرت فرمود : این چه کاری است که انجام می دهید ؟ گفتند : ما امیران خود را این گونه تعظیم و تجلیل می کنیم ، حضرت فرمود : امیران شما از این عمل سودی نمی برند و شما هم خود را به

---

1. در تتمه المنتهی مدّت خلافت حضرت را چهار سال و نه ماه و چند روز مینویسد .

زحمت می افکنید .

و بالاخره علی ( علیه السلام ) برای بدست آمدن خلافت اسلامی در شورایی که عمر برای بعد از مرگ خود طراحی کرد حاضر نبود بر خلاف عقیده خود کلمه ای را اظهار کند و حاضر نبود در ازای به دست آوردن سلطنت و حکومت حتی بر موری ظلم نماید . و هنگام فرارسیدن شهادت با جمله ( فُزْتُ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ ) با دنیا و مظاهر آن وداع می کند (1) .

اصولاً نام علی با ، واژه عدالت دو کلمه لازم و ملزوم هستند آن چنان که دانشمند مسیحی با شناخت شخصیت والا و الهی علی ، شیفته او می گردد و با افتخار ، برای معرفی او به جهان بشریت ، قلم به دست می گیرد و کتابی با نام ( صوت العدالة الانسانیة ) تألیف می کند و نیز دیگری می گوید :

مَاتَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ لِسِدَّةِ عَدَالَتِهِ مَاتَ وَالصَّلَاةُ بَيْنَ شَفَتَيْهِ مَاتَ وَفِي قَلْبِهِ الشُّوقُ إِلَى رَبِّهِ .

از این بحث دو مطلب برای ما روشن می گردد تمام انبیا و اولیای الهی در آرزوی تحقق یافتن و بلکه در مقام اقامه حکومت عادلانه و عدالت گستر بوده اند گرچه متأسفانه بسیاری از آنها در مسیر برقراری چنین حکومتی از دنیا رفتند و یا آنان را کشتند .

بنابراین اگر ما انبیاء و ائمه ( علیهم السلام ) را منادیان عدالت و عاشقان عدل و داد و شهیدان راه برقراری قسط و عدل بدانیم هرگز گزاف گوئی نکرده ایم البته ناگفته نماند که انبیاء عظام با زحمات طاقت فرسای خود اولاً هر یک به سهم خود مردم را بیدار کردند و از ظلم و ستم و طاغوت و طاغوتیان متنفر ساختند و در واقع زمینه را برای برقراری حکومت عادلانه آماده کرده اند و ثانیاً اگر به عدالت اجتماعی به طور کامل دست نیافتند و به آن حکومت ایده آل نرسیدند ولی توانستند عدّه ای را چه کم و چه زیاد دعوت به ایمان نمایند و آنان را با عدل و عدالت آشنا کنند زیرا شیوه انبیا این نیست که یا حکومت به دست ما بیفتد و الاّ ما کاری با مردم نداریم ، خیر اینطور نیست انبیاء همچون طیببانی دلسوز هستند که اگر

---

۱. برای توضیح و دستیابی به اموری که فهرست وار پیرامون عدالت خواهی و حکومت علی ( علیه السلام )

گفته شد به کتاب موسوعه الامام علی بن ابیطالب ج ۴ و کتاب الفصول المأثمه و ... مراجعه شود .

---

## 236

---

یک مریض هم پیدا کنند به مداوای او می پردازند و خلاصه اگر نتوانند عدالت اجتماعی را برقرار کنند به برقراری عدالت های خانوادگی و بلکه فردی می پردازند و می گویند ( : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ<sup>(۱)</sup> ) .

در این آیه شریفه می فرماید : خود و خانواده خود را از آتش جهنم نجات دهید و در جای دیگر می فرماید : اگر رفیق و مصاحبی یافتی دو نفره والاّ یک نفره ، قیام کن و خود را متصف به ایمان و عدالت بگردان ( قُلْ إِمَّا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى<sup>(۲)</sup> ) . . . و بعد هم توصیه می کنند از کمی جمعیت خود وحشت نکنید ( وَلَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ<sup>(۳)</sup> ) و بر اساس همین تلاش انبیاء عظام می نگریم هزاران هزار انسانهای مؤمن و خدای جو و عادل پیدا شد و بلکه امت های بزرگی همچون یهود و نصاری و دیگران در جهان شکل گرفتند .

انبیا و اولیای الهی به دلایل گوناگون نتوانستند حکومت کاملاً عدل محور ، را پیاده کنند اما حضرت مهدی ( علیه السلام ) طبق روایات فراوان بر اساس فراهم آمدن شرائط و مرتفع شدن بسیاری از موانع به این قله رفیعه یعنی برقراری حکومت دادگستر نائل خواهد شد و برای بشریت بعد از بهره مند شدن از مزایای آن حکومت و زندگی راحت در زیر سایه چنین حکومتی ، ثابت می شود که خداوند حکیم از ابتدای خلقت و رسالت آدم ابوالبشر چنین حکومت و زندگی را برای بندگان خود خواسته بود ولی انسان ها با سوء اختیار خود بهشت دنیوی خود را به جهنم سرا و زد و خورد و ظلم و ستم سپری کردند و آن روز تأسف می خورند و پشت دست خود را می گزند که چرا دنبال انبیاء نرفتند و جواب مثبت به آنان ندادند (4) .

---

1. تحریم : ۶

2. سبأ : ۴۶

3. نهج البلاغه : حکمت ۳۷۴ .

4. همان ندا و صدائی را که ظالمین در قیامت می کنند و می گویند ( : یوم یعضّ الظالم علی یدیه یقول یالیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً ) فرقان : ۲۷ .

### حکومت حضرت مهدی از دیدگاه روایات

همان گونه که از مطالب قبل دانستیم آن حکومت مورد علاقه همه انبیا و ائمه اطهار ( علیهم السلام ) در زمان ظهور حضرت بقیة الله اعظم ( عجل الله تعالی فرجه الشریف ) برقرار می شود و مردم طعم حکومت الهی را می چشند .

ولی بسیاری از صاحبان ایمان و منتظران حضرت دوست دارند بدانند که کیفیت حکومت حضرت مهدی ( علیه السلام ) در روایات اهل بیت چگونه ترسیم شده که در بیش از سیصد روایت آمده ( : یملاً الله الأرض به قسطاً و عدلاً ) به وسیله حضرت مهدی ، خداوند متعال زمین را پر از عدل و داد می کند .

حضرت مهدی ( علیه السلام ) در کنار خانه کعبه به فرمان الهی ظهور می کند . پرچم و شمشیر و عمامه و پیراهن پیامبر با اوست و به قتل دشمنان خدا و اسلام می پردازد و از ستمگران انتقام می گیرد . یاران ویژه او سیصد و سیزده نفرند که در مکه به او ملحق می شوند . این ها مردانی جنگجو و سلحشور و صالح و با ایمان ، و راهبان شب و شیران روزند . دل های آنان همچون آهن ، محکم ، و در اطاعت از آن حضرت کوشا می باشند و به هر مقصدی حرکت کنند پیروز می شوند .

امام بعد از مدتی به سوی مدینه حرکت می کند و در آنجا به مبارزه می پردازد و سپس با سپاه خود به سوی عراق و کوفه می رود در کوفه با سید حسنی ملاقات می کند <sup>(1)</sup> سید حسنی و سپاهیان او با امام بیعت می کنند و عیسی مسیح ( علیه السلام ) از آسمان فرود می آید و امام را یاری می کند و در نماز به ایشان اقتدا می نماید .

---

1. سید حسنی از بزرگان شیعه است که از ایران و ناحیه دیلم و قزوین قیام می کند هرگز ادعای امامت ندارد بلکه مردم را به روش ائمه معصومین دعوت می نماید پیروان زیادی پیدا می کند و به سوی کوفه حرکت می کند و مسیر را از فسق و فجور پاک میکند وقتی به کوفه می رسد به او خبر می دهند که امام قائم با یاران خود به نواحی کوفه آمده اند و چون با امام ملاقات می کند امام را می شناسد اما برای آشنائی لشکریان خود با امام از حضرت می خواهد مواریثی که از پیامبران نزد اوست ارائه دهد حضرت ارائه می کند و نیز معجزاتی آشکار می نماید نتیجه سید حسنی و لشکریان او ( به جز گروهی از آنان ) با امام بیعت می کند .  
بحار الانوار : ج ۵۳ ، ص ۱۵ ، کفایة الموحدين : ص ۸۴۲ .

امام ( علیه السلام ) کوفه را مرکز حکومت خود قرار می دهد و شرق و غرب جهان را فتح می کند و اسلام را در همه جا حکمفرما می سازد .

در حکومت امام ، برکات زمین آشکار و ثروت و نعمت و محصولات فراوان و فقر از بین می رود به طوری که برای دادن زکوات و صدقات فقیری پیدا نمی کنند ، عدل و امنیت در همه جا سایه گستر می شود حتی اگر پیرزنی ، طبقی از طلا و جواهر بر سر گیرد و تنها از شهری به شهری برود کسی مزاحم او نمی شود ،

گنجینه هائی که در زمین نهفته است مورد استفاده قرار می گیرد ، حضرت با دست کشیدن بر سر افراد ، عقل های آنان را کامل می کند ، دین با تمامی ابعاد خود جلوه گر می شود بدعت ها به وسیله حضرت و اصحابش از بین می رود مردم به عبادات رو می آورند ، کسی نیست بغض اهل بیت در دلش بوده باشد .

در حکومت حضرت ، نماز ، زکات ، امر به معروف ، نهی از منکر بهوضوح انجام می گیرد ، و این چهار به عنوان شاخصه حکومت امام قرار می گیرد زیرا در روایتی که از حاکم حسکانی ( یکی از بزرگان اهل سنت است و ۲۱۰ آیه از قرآن و ۱۱۶۳ حدیث در فضائل اهل بیت آورده ) نقل شده <sup>(۱)</sup> که از امام باقر ( **علیه السلام** ) نقل می نماید که : ابی عبیده حذاء از حضرت سؤال کرد : چگونه صاحب الأمر را بشناسیم ؟ حضرت این آیه را تلاوت کرد ( **الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ** ) <sup>(۲)</sup> سپس حضرت فرمود : هر وقت مردی از ما اهل بیت را دیدی که برنامه هائی را که این آیه اعلام می کند اجراء می نماید از او پیروی کنید که او صاحب امر است .

در حدیثی که از امیر المؤمنین ( **علیه السلام** ) نقل شده <sup>(۳)</sup> که حضرت مهدی در موقع بیعت اموری را با مردم شرط می کند از جمله این است که : دزدی نکنند ، مرتکب زنا نگردند ، فحش و دشنام ندهند ، هتک حرمت کسی را ننمایند ، به خانه ای هجوم نبرند ، کسی را

---

۱. رساله وابستگی جهان به امام زمان : ص ۴۱

۲. حج : ۴۱

۳. منتخب الأثر ، ص ۴۶۹

به غیر حق نزنند ، طلا و نقره و گندم و جو را ذخیره نکنند ، شراب نخورند ، خز و حریر نپوشند ، راهزنی ننمایند و راه را نا امن نسازند ، موادّ غذائی را احتکار نکنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند .

و نیز حضرت در ضمن بیعت ، با خود شرط می کند ، که مانند آن ها عمل نماید ، مثل آن ها لباس بپوشد و بر مرکبی که آنان سوار می شوند سوار شود و به اندک ، راضی گردد و حاجب و دربانی برای خود قرار ندهد و نیز از ویژگی های حکومت حضرت مهدی ( علیه السلام ) این است که : بر کارگزاران سخت می گیرد ، تا مبدا در انجام وظیفه خود کوتاهی کنند و یا انتظار رشوه و هدیه از جانب مردم داشته باشند .

مردم با هم مهربان می شوند ، باران های نافع در موقع می بارد ، توجه مردم به خدا زیاد می شود ، ویرانه ها آباد می گردد ، و دل های مردم شادمان می گردد و (1) . . .

و می توان شاخصه حکومت حضرت مهدی را در یک جمله گفت و آن همان است که در صدها روایات آمده که قسط و عدل در جامعه گسترش پیدا می کند و آنچه که در جامعه حکم فرما می شود قانون و نظم است .

### دو ویژگی مهم در عصر حضور

دو چیز در زمان ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) در جامعه واقع می شود که می توان گفت : زمینه ساز گسترش عدالت در جامعه می شود .

اول : ارتقاء سطح علمی به طوری که قابل مقایسه با قبل از ظهور نخواهد بود زیرا طبق روایتی که از امام صادق ( علیه السلام ) نقل شده (2) می فرماید : علم بیست و هفت حرف است و تمامی علمی را که به وسیله پیامبران انتشار یافته نتیجه دو حرف از آن ۲۷ حرف است وقتی که حضرت قائم قیام می کند آن ۲۵ حرف دیگر منتشر می سازد .

1. برای دسترسی به روایات در این زمینه و نیز خصوصیات بیشتر مراجعه شود به غیبت نعمانی ص ۲۱۲ و ص ۲۳۰ و ص ۲۳۶ و منتخب الأثر از ص ۲۹۰ تا ص ۳۰۷ و نیز ص 482 و ص ۴۸۳ و بحار الانوار ، اثبات الهداء ، دادگستر جهان ، جزوه امام زمان مؤسسه در راه حق و کفایة الموحدين .

2. کفایة الموحدين : ج ۲ ، ص ۸۸۰



دوم : رشد عقل انسان ها است ، امام باقر ( **علیه السلام** ) می فرماید : زمانی که قائم ما قیام نماید دست مبارک خود را بر سر مردم می گذارد و عقول آن ها بر سر ایشان جمع ، و نیروی فکر و تعقل آنان کامل می گردد (1) .

در جامعه ای که عقل و علم حکمفرما است و فرهنگ حاکم ، فرهنگ علمی و عقلانی است قهراً اخلاق نیکو ، مهر و محبت ورزیدن به یکدیگر ، رعایت قانون ، شوق به عبودیت و بندگی خدا ، حکمفرما خواهد شد در واقع گسترش عدالت در جامعه به طور جبر و فشار نیست بلکه زمینه های گسترش عدالت در جامعه فراهم می آید ، در جامعه ای که شاخصه آن دانش و بینش بوده باشد کجا پرونده های جنائی و حقوقی متراکم خواهد شد و در جامعه ای که عقول افراد آن رشد یافته جانی برای گسترش فساد و ظلم و تعدی باقی نمی ماند .

### پاسخ به یک سؤال مهم

سؤال می شود که در حکومت حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) وضع کافران و منافقان و بطور کلی غیر مسلمانان چه خواهد شد ؟ آیا این ها تماماً از بین برداشته می شوند و کشته می شوند ؟

در پاسخ به این سؤال گفته می شود : انسان ها در هر مذهب و کیشی که هستند وقتی می نگرند جامعه ای بر اساس عدالت و ارتقاء علمی برقرار شده و گنجینه های طبیعت در آن کشف شده و وضع مردم از فقر و نابسامانی ها نجات یافته و امنیت در شهر و روستا و بیابان ها برقرار است و در کنار همه این امور ملت نصاری با این کثرت جمعیت در روی زمین ، مشاهده می کنند که پیامبر عظیم الشان آن ها آمده و پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند و او را یاری می کند قهراً مردم فوج فوج به اسلام و نیز به محور و قطب آن یعنی وجود امام زمان ایمان می آورند آن هم با رغبت ، کما اینکه در صدر اسلام بعد از آگاهی مختصری از احکام اسلام و روش و شیوه پیامبر اکرم ( **صلی الله علیه و آله** ) برای مردم حاصل شد ، آنان

---

1 کمال الدین ، ج ۲ ، باب ۵۸ ، حدیث ۲۲ .

فوج فوج به اسلام گرایش پیدا کردند که قرآن خبر می دهد و می فرماید ( : يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (1) ) .

و حال آنکه وضع جامعه و بسط و عدالت و رفاه و آگاهی از تعالیم حیات بخش اسلام در زمان ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) قابل مقایسه با صدر اسلام نیست .

بنابراین اگر انسان ها با عقل و فکر حرکت کنند و نیز اگر حکومت آن عصر را با حکومت های طاغوتی قبل مقایسه کنند قطعاً به اسلام و امام زمان ایمان می آورند و بلکه خوشحالند از این نعمت عظمی که برای آن ها پیش آمده . بله در هر عصر و زمانی نیز گروهی معاند و لجوج و خودخواه و کوتاه فکر هستند که می خواهند فکر خود را بر همگان تحمیل کنند و خلل در حکومت و جامعه ایجاد کنند با چنین افرادی باید برخورد شود کما اینکه عقلاء ، این برخورد را منصفانه و به نفع جامعه می دانند که امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قطعاً با چنین افرادی برخورد خواهد کرد و این میکرب های خطرناک و مزاحم را از سر راه بر می دارد .

صدها چراغ دارد و بی راهه می رود \* \* \* بگذار تا بیفتد و ببند سزای خویش

### چهره حکومت مهدی ( علیه السلام ) از دیدگاه نهج البلاغه

حضرت امیر مؤمنان علی ( علیه السلام ) خبر داده که در آینده مردم و اهل دنیا به ما رو می آورند و سرانجام به در خانه ما زانو خواهند زد حضرت می فرماید :

لَتَعَطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصَّرُوسِ عَلَى وَدِّهَا . و تلا عقیب ذلک :

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) (2) .

دنیا پس از چموشی همچون شتری که از دادن شیر به کسی که او را می دوشد

---

1. سوره نصر .

2. نهج البلاغه قسمت قصار ، حکمت ۲۰۹ و آیه ذیل حدیث ، سوره قصص آیه ۵ .

خودداری می کند و شیر را برای بچه خود نگه می دارد به ما خانواده روی می آورد<sup>(1)</sup> و سپس این آیه را تلاوت نمودند ، می خواهیم بر مستضعفین زمین منت بگذاریم و آنها را پیشوایان زمین و وارثان آن قرار دهیم

موضع مولایمان علی ( علیه السلام ) در زمان حیات و شهادتش با الآن خیلی تفاوت کرده ، آن روز جنازه حضرت را مخفیانه دفن می کنند که مبادا به جنازه و قبر حضرت جسارتی شود ، امّا امروز دانشمندان مسیحی همچون جرج جرداق و دانشمندان مادّی هم چون شبلی شمیل مدیحه سرای حضرت می باشند . اگر آن روز ریحانه پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) را به همراه فرزندان و اصحاب با وفایش با لب تشنه سر از بدنشان جدا ساختند ، امروزه میلیونها نفر در اطراف و اکناف جهان به او عشق میورزند و حتی عدّه ای از غیر مسلمانان متوجه عظمت و جلالت حضرت شده اند ، تا جائی که با نذر و توّسل به ایشان از خداوند حاجات خود را می گیرند .

اگر آن روز امام صادق ( علیه السلام ) را نشناختند و با آشکار نمودن چهره ای همچون ابو حنیفه بر چهره حضرتش پرده و حجاب افکندند ، امروز علم و دانش شاگردان امام صادق در روایات و احادیث واصله از ایشان چشم خردمندان و دانشمندان را خیره نموده است .

و امّا در رابطه با کلام علی ( علیه السلام ) پیرامون کیفیت حکومت حضرت مهدی ( علیه السلام ) مراجعه شود به خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه که تمام شارحین نهج البلاغه متفقاً می گویند<sup>(2)</sup> : فرازهایی از این خطبه به عصر ظهور حضرت قائم ( علیه السلام ) ( و ) گرچه اصل خطبه

---

۱. یا کلام حضرت را اینگونه معنی کنیم : اهل دنیا نسبت به ما خانواده همچون شتری است که از دست فرزند خود عصبانی و خشمگین شده و با آن چموشی می کند و نمی گذارد از شیرش استفاده کند ، امّا بالاخره عاطفه مادری او را به سوی فرزند می کشد .

آری یكروز می رسد كه انسانها در هر كیش و مذهبی كه هستند به ما اهل بیت متمایل می گردند گرچه در گذشته زمان به ما جفا و بیوفایی نموده اند ، و این است حقیقت آن آیه ای كه می گوید : روزی فرا می رسد كه خداوند متعال مستضعفین را پیشوایان و حكمفرمایان زمین قرار می دهد .

2. مراجعه شود به ج ۸ ، منهاج البراعة ، ص ۳۴۸ .

به حوادث مهمّ آینده مربوط است . اما بخشی از فرازهای آن اختصاص به عصر ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) دارد .

در این كلام حضرت با اشاره به چهار خصوصیت و ویژگی مهمّ حكومت حضرت مهدی ( علیه السلام ) می فرماید : **يُعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهَدَى إِذَا عَطَفُوا الْهَدَى عَلَى الْهَوَى وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ ... فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّبِيْرَةِ وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ .**

اوّل : خواسته های دل و هوی و هوس ها را به سوی هدایت الهی سوق می دهد بعد از آن كه مردم ، هدایت الهی را و تعالیم اصیل اسلامی را تحت الشعاع خواسته های دل خود قرار داده اند . اکنون گروهی نه فقط به دنبال خواسته های دل حرکت می كنند و از آن متابعت می نمایند ، بلكه به هوی و هوس های نفسانی خود رنگ دین و خدا و اسلام می زنند و پیروی از نفس اماره را به عنوان ( اله ) تلقی می كنند پروردگار به پیامبر اكرم خطاب می كند و می فرماید ( : **أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ الْهَوَاهُ أَفْأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا** )<sup>(۱)</sup> .

( آیا دیدی کسی را كه هوای نفس خود را معبود خویش قرار داده ؟ ! آیا تو می توانی او را هدایت كنی ؟ )

حضرت استاد بزرگوار آیت حق ، شیخ مرتضی حائری ( **قدس سره** ) این آیه را برای شاگردان خود می خواند و می فرمود : کسی كه خواسته های دل خود را رنگ خدائی زده و آن را دین و صراط مستقیم تصوّر می كند ، هیچ کسی او را نمی تواند به راه راست سوق دهد حتّی نفس گرم شخص شخیص حضرت ختمی مرتبت ( **صلی الله علیه وآله** ) نیز در او اثری نمی گذارد ، اگر این حالت در يك فرد پیدا شود این گونه از حق و حقیقت دور می گردد ، پس آن گاه كه جامعه به این صورت در آید چه می شود ؟ ! از این كلام مولی علی ( علیه السلام ) استفاده می شود كه قبل از ظهور وضع جامعه مسلمین در چنین شرایطی قرار می گیرد

و حضرت با ظهور خود ، هدایت الهی و احکام اصیل اسلامی را حاکم می کند و خواستهای دل را به سوی هدایت ها و ارشادها سوق می دهد .

1. فرقان : ۴۳ .

### پاسخ به یک سؤال

دانستیم که در عصر ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) ، جلو هوی پرستی ها گرفته می شود و خواستهای ناروای دل ، به موازین شرعی و دستورات الهی سوق داده می شود ، ممکن است کسی سؤال نماید که آیا در عصر حکومت حضرت به طور کامل هوی پرستی ها و تمایل های بی جا از میان می رود ؟ و آیا نفس امّاره دیگر وجود ندارد تا مردم را به اعمال زشت و ناپسند دعوت نماید ؟

در پاسخ به این سؤال می توان گفت : بسیار بعید است که در عصر ظهور مطلقاً نفس امّاره از بین برود و مردم تماماً از افراط و تفریط در تمایلات و غرائز نجات بیابند زیرا سرشت انسانها از عقل و شهوت ترکیب شده و آیاتی همچون ( **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا** ) ( **إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي** ) ( **وَتَنَفَسُ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا** ) و ... در عصر حضور نیز ، حکمفرما و برقرار خواهد بود .

امّا پیروان هوی و هوس به دو دسته تقسیم می شوند گاهی این افراد از شخصیت های سرشناس و چهره های معروف اجتماعی و سیاسی است و می خواهد به آمال و آرزوی خود برسد اگرچه نظم اجتماع و وحدت جامعه در هم بریزد همانند بنیانگذاران سقیفه بنی ساعده و طلحه و زبیرها این گونه اشخاص باعث فتنه و اخلال در نظم و آرامش بوده و هستند گاهی از طریق قلم و مطبوعات و گاهی از طریق سخنرانی و تبلیغات و گاهی از طرق دیگر جامعه ای را به آشوب می کشند و مردم را به جان یکدیگر می افکنند ، این نوع هوی پرستی ها و خود کامگی ها قطعاً در حکومت مهدی جمع آوری می شود و هرگز اجازه داده نمی شود که یک نفر مقاله نویسی و یا رئیس قبیله و یا رهبر حزب و سازمانی هر جور که دلخواه او است عمل کند .

اما در مواردی، هوی پرستی در زندگی و روش شخصی افراد است از قبیل چشم چرانی ها و دستبرد به مال مردم و ضایع کردن حقی از هم نوع و ...، گرچه با ارتقاء علم و عقل، مردم نسبت به یکدیگر مهربان و نیکوکار می شوند، اما این نوع هوی پرستی ها ظاهراً در بعضی از افراد وجود خواهد داشت ولی سیطره قانون در همه جا حتی در بیابان ها و صحراها باعث می شود که این نوع هوی پرستان نیز نتوانند هرگونه که دلشان

می خواهد عمل کنند .

مثلاً در روایات آمده <sup>(1)</sup> اگر پیرزنی طبقی طلا و جواهر بر سر گیرد و به تنهائی و پیاده از شهری به شهری برود کسی مزاحم او نمی گردد و در ثروت او طمع نمی کند .

این روایت دلالت نمی کند که تمامی افراد در آن عصر اهل تقوی و عدالت خواهند بود بلکه بدان معناست که اگر کسی هم بخواهد به ثروت این پیرزن آن هم در بیابانها تعرض کند، از سیطره قانون و پلیس خوف دارد چون در روایات آمده تمام کره زمین در مقابل امام زمان مانند کف دستی می ماند که به تمامی نقاط اشراف کامل دارد و بر اساس شمشیر و عدالت با مردم برخورد می کند و هیچگونه اغماضی در این راه نخواهد کرد <sup>(2)</sup> .

و نیز حضرت یارانی دارد مصمم و قوی که آنان را در شهرها و مرکز استان ها می گمارد، و برنامه آنها رفع ظلم و اجحاف و نیز آباد کردن بلاد و روی زمین است و حضرت آنها را در همه حال می نگرد و آنان نیز حضرت را می بینند <sup>(3)</sup> .

آری اگر حضرت مهدی ( علیه السلام ) و یاران او که مسئولیتی بس گران دارندومی خواهند چهره جهان را دگرگون نمایند غیر از این باشند، قادر به انجام مأموریت خود نخواهند بود .

چه زیبا فرمود مولای ما علی ( علیه السلام ) در رابطه با چهره حکومت مهدی موعود که : **يُعْطِفُ الْهَوَى**  
**عَلَى الْهَدَى إِذَا عَطَفُوا الْهَدَى عَلَى الْهَوَى** آن حضرت خواستهای دل و هوی و هوس مردم را به سوی

هدایت الهی و قانون بر می گرداند بعد از این که مردم به دنبال هوس های خود می رفتند و از هدایت های الهی غافل شده بودند این مربوط به جمله اوّل علی ( علیه السلام ) در نحوه حکومت حضرت قائم .

دوّم : مسلمانان از هر فرقه و گروهی و از هر مسلک و مذهبی که هستند آرا و نظریات خود را بر قرآن تحمیل می کنند و آیات قرآن را با نظریات خود تطبیق می دهند ، جبری مسلک ، قرآن را طرفدار جبر می داند ، و تفویضی طرفدار تفویض ، اشاعره برای

---

1. اجزوه امام زمان ، مؤسسه در راه حق ، ص ۸۹ .

2. مراجعه شود به غیبت نعمانی ، ص ۲۳۲ و ص ۲۳۳ .

3. دادگستر جهان ، ص ۳۱۹ .

---

## 246

---

افکار خودشان به قرآن استناد می کنند و معتزله برای راه و روش خود نیز به قرآن تمسک می جوید ، البته این بلای بزرگی که بر امت اسلام وارد شده با داشتن کتابی همچون قرآن که می تواند محور وحدت امت اسلامی شود متأسفانه هر گروهی آیات آن را سپر برای دفاع افکار خود قرار داده اند و این تفرقه و تشتت که در امت اسلام مشاهده می شود ، معلول عدم پیروی از مفسرین و عالمان قرآن است که در کلام پیامبر به طور تواتر آنها را معرفی کرده و فرموده :

(إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ التَّغْلِيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَعِترَتِي ) کتاب خدا و عترت می تواند شما را به سر منزل مقصود برساند و در کنار حوض کوثر شما را به من ملحق نماید .

آری زمانی که حضرت مهدی ( علیه السلام ) ظهور می کند ، تمامی آراء و نظریات باطل برچیده می شود و تمام افراد با معنای حقیقی قرآن آشنا می شوند و خلاصه این طور نخواهد بود که افراد و گروه ها اوّل برای خود رأی و نظریه بسازند و آماده کنند و سپس از قرآن شاهد بیاورند بلکه به محضر قرآن می روند تا بنگرند قرآن چه نظریه ای را برای آن ها می پسندد تا آن را سرمشق زندگی و عقاید و افکار خویش قرار

دهند و بنا به فرمایش علی ( علیه السلام ) در زمان ظهور مهدی ( علیه السلام ) این امر مهم واقع می شود و تمامی اقبال پیروی از قرآن می کنند آن هم قرآنی که از طرف عترت و اهل بیت پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) تفسیر می گردد .

سوّم : حضرت مهدی ( علیه السلام ) سیره و روش دادگرانه را به جهانیان نشان خواهد داد و مردم با حقیقت واژه ( عدل - عدالت ) آشنا می شوند و آن را در تمامی شئون زندگی خود لمس می کنند .

چهارم : در عصر حکومت حضرت ، تمامی احکام قرآن و سنت نبوی ( صلی الله علیه و آله ) که به فراموشی سپرده شد احیاء می گردد و مورد توجه حکومت و مردم قرار می گیرد .

امام صادق ( علیه السلام ) می فرماید : زمانی که به حضرت قائم اذن ظهور داده می شود حضرت بالای منبر می رود و مردم را به سوی خود دعوت می کند و به خداوند متعال قسم می خورد که بر اساس سنت و روش پیامبر عمل نماید (1) .

---

1. منهاج البراعة ، ج ۸ ، ص ۳۵۲ .

### توصیف عدل گستری مهدی از زبان علی ( علیه السلام )

مطلبی که در اینجا نباید از آن غفلت نمود این است که کسی چون علی بن ابی طالب که خود مجسمه عدل و عدالت خواهی است و دوست و دشمن او را به عظمت و پاکی می شناسند و حتی حاضر نشد برای برادر خود مقداری از حریم عدالت پا فراتر نهد و بیت المال را به طور مساوات تقسیم نمود و درباره معاویه فرمود : تلاش و جدّیت خواهم کرد تا زمین را از این شخص وارونه و این جسم کج اندیش پاک سازم (1) و بالاخره آن کسی که وقتی می شنود در گوشه از مملکت اسلامی خلخال از پای یک زن غیر مسلمان که در تحت حمایت حکومت اسلام زندگی می کرده درآورده اند پریشان می شود و ناراحتی خود را ابراز می دارد ، این چنین مردی سخن از حکومت عادلانه و عدل پرور فرزندش مهدی سر می دهد ، گوئی آنچه شخصیتی مثل علی ( علیه السلام ) در آرزوی آن است ، به دست حضرت مهدی جامه عمل می پوشد .



تفاوت بسیار وجود دارد میان آن که حکومتی را ، مردم عادلانه بدانند ، با حکومتی که علی ( علیه السلام ) آن را عادلانه بداند و درباره آن بفرماید : **فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيِّرَةِ** ، روش دادگرانه را به شما نشان خواهد داد . دو نام است که همیشه با کلمه ( عدل ) قرین بوده ۱- نام علی ( علیه السلام ) 2 ( - نام مهدی )  
**عليه السلام** ( اما نکته قابل توجه آن است که علی ( علیه السلام ) نیز به انتظار حکومت حضرت مهدی ( علیه السلام ) است .

**اللَّهُمَّ ارِنَا الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ واجعلنا من أعوانه وأنصاره آمين رب العالمين .**

ای شاهد حسن غیب یزدانی \* \* \* ای مظهر اقتدار سبحانی

ای مصلح عالم ، ای جهان آرا \* \* \* ای پرتو آفتاب ربّانی

باز آی و جهان به عدل و داد آرای \* \* \* تا چند درون پرده پنهانی

این خانه شرع را عمارت کن \* \* \* از لطف که می کشد بویرانی

---

. أنهج البلاغه ، نامه ٤٥ ، « سأجهد في أن اطهر الارض من هذا الشخص المعكوس والجسم المركوس

» .

---

248

ای مظهر سرّ آدم و خاتم \* \* \* ای با تو عصای پور عمرانی

باز آی و بگیر کشور دین را \* \* \* زین گم شدگان تیه نادانی

ای مهر سپهر علم و دین باز آی \* \* \* عالم شده شام نار ظلمانی

ای رهبر عالم ای که صد خضر است \* \* \* از شوق لقای تو بیابانی

ما تشنه جرعه وصال تو \* \* \* تو چشمه کوثری و رضوانی

لطفی کن و خلق را زغم برهان \* \* \* بنمای رخ ای جمال سبحانی

تو ظلّ خدای فرد یکتائی \* \* \* تو منبع لطف وجود و احسانی

ما را سر خوان جود و احسانت \* \* \* بپذیر تو از کرم به مهمانی<sup>(1)</sup>

### روند تاریخ به انسان ها بشارت می دهد

در خاتمه این گفتار لازم است به یک نکته مهم اشاره شود و آن این که : علاوه بر آیات و روایات که از یک انقلاب عظیمی در جوامع بشری و برقراری حکومت عادلانه و برطرف شدن ظلم و جور در روابط انسان ها خبر می دهند ، قانون هدایت عمومی و روند تاریخ نیز انسان ها را به چنین مدینه فاضله ای بشارت می دهد ، و قافله بشری خواه ناخواه به سوی یک اجتماع مقرون به سعادت گام بر می دارد ، گرچه این مطلب احتیاج به توضیح بیشتری دارد ولی برای طولانی نشدن کلام ، به اختصار بسنده می کنیم .

هر غریزه و خواستی را که خداوند متعال و حکیم ، در بشر قرار داده اولاً بی حکمت نبوده و قطعاً فوائد و آثار مفیدی بر آن مترتب می باشد و ثانیاً مطلوب و خواسته او یا در جهان ، موجود است و یا در آینده به وجود می آید<sup>(2)</sup> اگر انسان در خود احساس گرسنگی و تشنگی می کند ، غذا و آب در خارج موجود است و اگر در خود احساس نیاز به پژوهش و کشف مجهولات می کند ، راه عالم شدن و طلب علم در خارج برای رسیدن به مطلوب موجود است و انسان می تواند به مطلوب خود نائل گردد .

---

1. اشعار از الهی قمشه ای است .

2. چون طلب و مطلوب از باب تضایف است و وجود یکی بدون امکان پذیری فرد دیگر ، محال و ممتنع است .

با توجه به این دو مقدمه می‌نگریم که هر انسانی در نهاد خود احساس می‌کند که از بدی‌ها و ظلم و ستم‌ها متنفر است و به خوبی‌ها و عدالت‌گرایی دارد، اگر چه از زمان وقوع این ظلم و یا عدالت‌خواهی، قرن‌ها گذشته باشد و هیچ ربطی به زمان و عصر حاضر نداشته باشد.

آری این فطرت انسان است که عاشق خوبی‌ها و نیکان است و متنفر از زشتی‌ها و بدکاران پس معلوم می‌شود که انسان از حیث کشش باطنی طالبِ عدل و داد و سعادت و زیبایی‌هاست و از هر ظلم و ستم و حق‌کشی و تعدی و اجحاف متنفر می‌باشد.

و این خواسته و طلبی که در نهاد انسان‌ها نهفته بهترین دلیل است برای تحقق یافتن مطلوب آن یعنی روزی خواهد آمد که جامعه بشری پر از عدل و داد شده و همگان با صفا و صمیمیت در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد.

روزی خواهد رسید که انسان هم، مانند همه انواع آفرینش به موجب قانون هدایت عمومی، به کمال خود که همان عدالت و سعادت و جامعه عادلانه می‌باشد خواهد رسید، علامه طباطبائی (رحمه الله) در این باره می‌فرماید:

بشر از روزی که در بسط زمین سکنی ورزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت (به تمام معنی) می‌باشد و به امید رسیدن چنین روزی قدم بر می‌دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش نمی‌بست، چنان‌که اگر غذائی نبود، گرسنگی نبود، و اگر آبی نبود، تشنگی تحقق نمی‌گرفت، و اگر تناسلی نبود، تمایل جنسی تصور نداشت از این روی، به حکم ضرورت (جبر) آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا همزیستی نماید و افراد انسانی، غرق فضیلت و کمال شوند و البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای منجی جهان بشریت و به لسان روایات (مهدی) خواهد بود (1).

### خلاصه گفتار یازدهم :

آنچه مسلم است حضرت مهدی برقرار کننده حکومتی خواهد بود که انبیاء عظام و اجداد بزرگوار ایشان به دنبال آن بودند و آیه سوره ۲۵ حدید و ۴۱ سوره حج بیانگر آن است . به عبارت دیگر آن حضرت بنیان گذار حکومتی خواهد شد که با تعالیم حیات بخش اسلام منطبق باشد زیرا رعایت فقه و حقوق و اخلاق اسلامی ، دنیای ما را به مدینه فاضله و بهشت برین ، مبدل می سازد به عنوان مثال ، اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در جامعه پیاده شود ، نتیجه زیبایی در جامعه از خود می گذارد . با نگاهی اجمالی به حکومت کوتاه مدت علی (علیه السلام ) خواهید دید که اسلام چگونه حکومتی را برای مردم طراحی نموده است . در ادامه بحث ، به دو مطلب اشاره شد اول : این که اگر انبیاء به حکومت دلخواه خود نرسیدند از هدایت مردم غافل نشدند و هزاران هزار مؤمن و خداپرست در جهان پرورش داده اند . دوم : با دورنمای حکومت حضرت از دیدگاه قرآن آشنا شدیم چهره حکومت مهدی از دیدگاه روایات و شرطی را که حضرت مهدی با پیروان خود در موقع بیعت می نماید ، بیان کردیم .

در عصر ظهور دو چیز ارتقاء پیدا می کند ۱- سطح علم و دانش ۲- نیروی فکر و تعقل ؛ و طبعاً در چنین جامعه زمینه شیوع فساد فراهم نیست و همین دو چیز باعث می شوند که غیر مسلمانان به اسلام گرایش پیدا کنند بله اگر گروهی بخواهند بعد از اتمام حجّت ، لجاجت به خرج بدهند با آنها برخورد خواهد شد .

در کلام مولایمان علی ( علیه السلام ) فرازهایی آمده که شکل و ساختار حکومت حضرت مهدی را نشان می دهد . حضرت می فرماید : اهل دنیا بعد از سرکشی هایی که با ما خواهند داشت ، به ما رو می آورند و به سمت ما تمایل پیدا می کنند .

و در فراز دیگر چهار خصیصه را برای حکومت حضرت مهدی ( علیه السلام ) بیان می کند اول : هوی پرستی ها و خواسته های دل را به هدایت ها و صراط مستقیم برمی گرداند .

دوم: آراء و نظریاتی که بر قرآن تحمیل شده است و هر فرقه ای قرآن را با رأی خود تفسیر می نمایند ، به رأی واحد بر می گرداند که آن تفسیر قرآن از دیدگاه اهل بیت و عترت پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) است که به دلیل حدیث ثقلین که مورد قبول همگان است پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) فقط آنها را

---

## 251

---

معلم و مفسر قرآن معرفی نموده است .

سوم: حضرت مهدی ( علیه السلام ) سیره و روش دادگرانه را به جهانیان نشان خواهد داد .

چهارم: احکام واقعی اسلام که به دست نسیان سپرده شده ، مجدداً زنده می گرداند و آنها را به مرحله عمل وارد می سازد .

نکته قابل توجهی که در کلام علی ( علیه السلام ) وجود دارد ، این که شخصیتی مثل علی ( علیه السلام ) که خود مظهر عدل است و تمام حرکات و سکنات او برای تحقق یافتن عدالت بوده و سرانجام در همین راه شهید گردید ، چنین شخصیتی می فرماید: مهدی با ظهور خود آن حکومت عادلانه را به بشریت نشان می دهد . در خاتمه به قانون هدایت عامه و جبر تاریخ اشاره کردیم ، که بر اساس آن ، قافله بشریت قطعاً در آینده به یک مدینه فاضله خواهد رسید ، زیرا عدالت خواهی و تنفر از ظلم و تعدی در نهاد بشر نهفته و هر غریزه ای که در انسان هست ، قطعاً مطلوب آن نیز دیر یا زود محقق می گردد و به عبارت دیگر ، بر اساس قانون هدایت عامه که هر نوعی را به کمال خود راهنمایی می کند و سوق می دهد ، نوع انسان نیز روزی به دست حضرت مهدی به کمال خود واصل می گردد و مدینه فاضله را بنیان می نهد . در این رابطه کلام جامع و ارزنده علامه طباطبائی را نقل نمودیم .

---

## 252

---

### \*سؤالات گفتار یازدهم\*

1- حکومت مورد قبول قرآن و انبیا در آیه ۲۵ حدید و آیه ۲۱۳ بقره چگونه تعریف شده است ؟

2- چه باید کرد تا عدالت اجتماعی در جامعه حاکم گردد ؟

- 3- علی ( علیه السلام ) بعد از سلطه یافتن بر شریعه آب در صقین چه دستوری صادر نمودند ؟
- 4- چرا علی ( علیه السلام ) هنگام عصر به دشمن حمله می کرد ؟
- 5- دانشمند مسیحی که چندین جلد کتاب در شخصیت و فضائل علی ( علیه السلام ) نوشته ، کیست و کتاب خود را چه نامیده است ؟
- 6- انبیاء عظام زمانی که به حکومت دلخواه خود نرسیدند ، چه نقشی را در جامعه ایفا می کردند ؟
- 7- چند مورد از ویژگی های حکومت حضرت را از دیدگاه روایات بیان کنید ؟
- 8- حضرت در ضمن بیعت با مردم چه شرطی را مطرح خواهند کرد ؟
- 9- بنا به فرموده امام صادق ( علیه السلام ) ، علم چند حرف است ؟
- 10- آیا کافران و تبه کاران همگی کشته می شوند ؟
- 11- علی ( علیه السلام ) در حکمت 209 نهج البلاغه چه می فرماید ؟
- 12- در کلام علی ( علیه السلام ) چهار ویژگی برای حکومت حضرت مهدی ( علیه السلام ) مطرح شده ، آنها را نام ببرید .
- 13- آیا در حکومت حضرت مهدی ( علیه السلام ) هیچ گونه طغیان و هوی پرستی یافت نمی شود ؟
- 14- جبر تاریخ و قانون هدایت عامّه چه بشارتی به انسان ها می دهد ؟
- 15- کلام علامه طباطبائی در رابطه با قانون هدایت عامّه چه بود ؟
- 16- خلاصه این گفتار را بیان کنید ؟

### توضیحی پیرامون چند مورد از علائم حتمی ظهور

همانگونه که با مطالعه مقالات و مباحث گذشته ملاحظه کردید بحث ( مهدویت در اسلام ) یک بحث مبسوط و مهمی است و از قرآن و روایات و عقل ریشه می گیرد و دارای ابعاد گوناگون از قبیل ( غیبت ، انتظار ، کیفیت حکومت حضرت و . . . ) می باشد ، مطالعه و یا بررسی چنین مطالب مهمّ اسلامی بی شک موجب طرح سئوالاتی برای مخاطبان خواهد شد که باید به آنها پاسخ داده شود .

این سئوالات گاهی به مباحث اصلی ( مهدویت ) مربوط می شود که در خلال مقالات گذشته سئوالات مهمی از قبیل ( فلسفه غیبت چیست ؟ فایده امام غایب چیست و . . . ) مطرح شد و جواب کافی به آنها داده شد .

اما گاهی نیز سئوالاتی برای بعضی افراد و چه بسا دوستان و علاقه مندان به امام زمان پیش می آید که ربطی به مسائل اصلی ( مهدویت ) ندارد و به حواشی این بحث مربوط است و افراد می خواهند اطراف و زوایای بحث مهدویت برایشان روشن گردد ، لذا مناسب دیده شد که بعضی از این سئوالات را مطرح نموده ، و به آن ها پاسخ داده شود .

### علائم قطعی ظهور در روایات

در روایات فراوانی سخنی از خروج دجال و سفیانی و سید حسنی و ندای آسمانی به میان آمده و آن ها را از علائم حتمی شمرده است ، برای روشن شدن مطلب پیرامون

این چهار علامت حتمی ، توضیحاتی داده شود .

پاسخ : همانگونه که در سئوال آمده ، حوادثی که قبل از ظهور حضرت واقع می شود از آنها به علائم ظهور تعبیر شده و آنها به دو بخش تقسیم می شود<sup>1</sup> (1) - غیر حتمی ، یعنی حوادثی که احتمال وقوع آن داده

می شود و چنانچه واقع شد می توان به نزدیکی ظهور ، امیدوار شد ، و این علائم زیاد است مثلاً خراب شدن بغداد بعد از آنکه در کمال آبادی باشد ، یکی از این علائم است که امروز می نگریم در اثر خود کامگی های صدام ملعون که آتش جنگ را بین ملت عراق و ایران روشن نمود و زمینه ورود اجانب و کفار را به مملکت عراق و به خصوص بغداد فراهم نمود و هر روز شاهد انفجارهای متعدّد و خرابی آن می باشیم .

خروج خراسانی از خراسان که باعث فتنه عظیمی خواهد شد نیز از علائم غیر حتمی شمرده شد .

2- علائم حتمی ، یعنی حوادثی که قبل از ظهور حتماً به وقوع می پیوندد که در رأس همه آنها شیوع ظلم و فساد و گناه است که در گفتار دهم تحت عنوان ( علائم قبل از ظهور ) به تفصیل گذشت و بیش از سیصد روایت نقل شد که بنابر آنها ، حضرت مهدی ( علیه السلام ) بعد از پر شدن دنیا از ظلم و جور ظهور می کند ، و نیز حوادث دیگری ( مثل دجال و خروج سفیانی و سید حسنی و نداء آسمانی ) از این علائم خواهد بود .

### امکان ظهور ، قبل از وقوع علائم قطعی

از بعضی از روایات استفاده می شود که علائم حتمی نیز ممکن است تغییر کند و حضرت قبل از وقوع آنها ظهور کند ، مثلاً امام صادق ( علیه السلام ) در ضمن حدیثی می فرماید : **فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ** انتظار فرج و امید ظهور حضرت را در هر صبحگاهان و شامگاهان داشته باشید<sup>(2)</sup> اگر وقوع این حوادث قطعی و یقینی باشد ، دیگر انتظار در هر

---

1. غیبت نعمانی ، ص ۳۱۰ از امام باقر ( علیه السلام ) نقل می کند : **إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ ، أُمُورًا مَوْقُوفَةً ، وَأُمُورًا مَحْتَمَةً .**

2. بحار ، ج ۵۲ ، ص ۱۴۵ ، حدیث ۶۷ .



و نیز امیر المؤمنین ( علیه السلام ) ( از رسول خدا ) صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ( نقل می کند : مهدی از ما اهل بیت است و خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح می کند <sup>(1)</sup> ) از این روایات استفاده می شود که نباید در هر شب و روزی از ظهور حضرت ناامید بود زیرا ممکن است که ظهور حضرت در یک شب واقع شود اگر چه علائم ظهور واقع نشده باشد و به طور کلی روایاتی که تحریص و ترغیب می کند که همیشه در حال انتظار باشید و نیز آیه شریفه می فرماید ( يَمْحُوا اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ) <sup>(2)</sup> ( خداوند هر چه را بخواهد محو ، و هر چه را بخواهد اثبات می کند ، و ام الكتاب - که به لوح محفوظ معنی شده - نزد اوست ) . شاهد بر همین مطلب است ، بنابراین ما باید در هر روز و شبی و در هر ساعت و لحظه ای انتظار فرج داشته باشیم و در امر ظهور حضرت با تمام وجود دعا کنیم تا شاید انشاءالله در ظهورش تعجیل شود و صاحبان ایمان و منتظران حضرتش خوشحال و مسرور گردند . با توجه به مطلب فوق که امر فرج حضرت مهدی وابسته به اراده الهی است و هر لحظه ممکن است اذن ظهور بدهد اگر چه بعضی از نشانه های حتمی واقع نشده باشد . در روایات فراوانی <sup>(3)</sup> اشاره شده که چند چیز حتماً قبل از ظهور واقع می شود مانند خروج سفیانی و دجال و سید حسنی و ندای آسمانی و فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین پیدا لذا مناسب است برای آگاهی از این حوادث ، و آشنائی با افراد مذکور ، توضیح مختصری پیرامون آنها ارائه کنیم .

### سفیانی کیست ؟

یکی از علائم حتمی که از روایات متعددی استفاده می شود آن است که پیش از ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) ، مردی از نسل ابو سفیان خروج می کند ، او خود را در شکل صلحا جلوه می دهد و دائماً ذکر الهی می گوید ولی شخص بسیار خبیث و پلیدی است ، و

1. کفایة الموحدين ، ج ۲ ، ص ۸۶۷ .

2. رعد : ۳۹ .

3. بحار الانوار ، جلد ۵۲ ، ص ۲۹۴ .

در نتیجه گروه کثیری را فریب می دهد و با خود همراه می کند و بعضی از مناطق مثل شام و فلسطین و اردن را تصرف می نماید و گروه زیادی از شیعیان را به قتل می رساند ، به ویژه در کربلا و نجف افراد بسیاری را می کشد ، و یاران او اعلان می کنند که هر کس سر یک نفر از شیعیان علی بن ابی طالب را بیاورد هزار درهم جایزه به او داده می شود ، گروهی از لشکریان خود را که حدود سیصد هزار نفر خواهند بود به سمت مکه روانه می کند و چون به مدینه می رسند سه روز در آنجا خرابی و قتل عام می کنند و از آنجا به سمت مکه حرکت می کنند چون به زمین ( پیدا ) که منطقه ای است بین مدینه و مکه می رسند با تمامی سلاح و وسائلی که دارند در زمین فرو می روند که در روایات یکی از علائم حتمیه را همین فرو رفتن لشکر سفیانی در پیدا تحت عنوان ( خسف الارض ) معرفی نموده بعد از آگاه شدن سفیانی از هلاکت لشگریانش ، از شام به سمت کوفه حرکت می کند و در آنجا به خرابی و فساد مشغول می شود و چون لشکر حضرت مهدی ( علیه السلام ) به کوفه می رسند او به طرف شام می گریزد حضرت گروهی را به دنبال او می فرستد و سرانجام در بیت المقدس او را به قتل می رسانند (1) .

## خروج دجال

از دیگر علائم حتمی خروج دجال است که در روایات فراوانی به آن اشاره شده است . دجال در نزدیکی ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) ، خروج می کند ، او را توصیف کرده اند به اینکه : مردی است کافر و دارای یک چشم می باشد آن هم در پیشانی و جبین او نوشته شده که او کافر است و همگان از کفر او آگاهند در زمان خروج او قحطی و گرانی قیمت مردم را آزار می دهد او در سحر بسیار ماهر و قوی است مردم در پیش روی او کوه سیاهی می نگرند که آن را کوه نان و نیز کوه سفیدی در پشت سر او احساس می کنند که چشمه های آب زلال از آن روان است که آن را کوه آب تصوّر می نماید از نهرها و دریاها عبور می کند و شیاطین دور او را می گیرند و با نغمه های جذّاب گروه

---

1. بحار الانوار ، ج ۵۲ ، باب علامات ظهور و کفایة الموحدين ، ج ۲ ، ص ۸۴۱ .

کثیری را به دنبال خود در می آورد و با صدائی که تمام جهانیان می شنوند ندا می کند : من خدای بزرگ شما هستم که شما را آفریده و روزی برای شما می رساند به سوی من بشتابید و گروهی مخصوصاً ملت یهود از او متابعت می کنند ، و سرانجام میان لشکر او و لشکر حضرت قائم جنگ واقع می شود و شخص دجال به دست حضرت مهدی و یا به دست حضرت عیسی کشته می شود . در مورد این که دجال در زمان پیامبر اکرم ( **صلی الله علیه وآله** ) متولد شده و دارای عمر طولانی خواهد بود یا آن که در همان نزدیکی ظهور حضرت مهدی متولد می گردد ، دو نظریه بین صاحب نظران موجود است .

### دجال و طول عمر

نخست این که می گویند : دجال زمان رسول خدا متولد شد و نام او عبد الله و یا صائد بن صید ، می باشد و در روایات عامه و خاصه چنین آمده که پیامبر ( **صلی الله علیه وآله** ) با بعضی از اصحاب به خانه او رفت و او را به اسلام و ایمان دعوت نمود و او گفت : من از تو سزاوارتر به نبوت و رسالت هستم و طبق روایتی حضرت به فرشته ای دستور می دهد که او را به یکی از نواحی زمین منتقل سازد تا موقع خروجش فرا برسد عامه طبق روایتی که از صحیح مسلم و سنن ابی داود نقل شده به همین نظریه معتقدند و می گویند : دجال از زمان پیامبر اکرم ( **صلی الله علیه وآله** ) تا ظهور مهدی موعود زنده است و او را یکی از معمرین دنیا می دانند .

مرحوم صدوق در کتاب کمال الدین <sup>( 1 )</sup> در این مقام با علماء عامه سخنی دارد بسیار زیبا و لطیف گرچه مربوط می شود به مسئله طول عمر امام زمان اما حیف است که به این احتجاج زیبا اشاره نکنیم مضمون کلام ایشان این است که : اهل عناد و لجاج بر اساس نقل خبر مذکور ، غیبت و طول عمر دجال را تصدیق می کنند با این که او عنصری کافر و فاسد است اما طول عمر حضرت قائم ( **علیه السلام** ) را با آن همه روایات و بیان خصوصیات انکار می کنند ، با این که او را منجی و اصلاح کننده جامعه بشری می دانند در پاسخ به آنها

---

. ۱. باب ۴۷ ، ذیل حدیث ۲ .

می گوئیم : شما تصدیق می کنید که دجال و ابلیس عمری بیشتر از عمر اهل زمانه داشته باشد اما چنین حالتی را برای قائم آل محمد ( **علیهم السلام** ) روا نمی شمارید و طول عمر حضرت مهدی را یک امر محال و واهی می پندارید ؟ ! !

### دجال یعنی دروغگوی فتنه انگیز

دوم : بعضی معتقدند که دجال به معنای دروغگوی فتنه انگیز است که در هر عصر و زمانی به شکلی خود را جلوه می دهند و این افراد هم در عصر انبیاء گذشته بودند و هم در عصر پیامبر اکرم ( **صلی الله علیه و آله** ) و ائمه ( **علیهم السلام** ) و هم امروز ، خلاصه دجال ، نام شخص معینی نیست . شاهد بر این مطلب این که در کتب روایی آمده که پیغمبر اسلام مردم را از فتنه دجال می ترسانید و می فرمود : پیامبری را خدا مبعوث نکرد الا این که قوم خودش را از فتنه دجال می ترسانیدند (1) .

و از سنن ابی داود نقل شده که پیغمبر ( **صلی الله علیه و آله** ) فرمود : قیامت بر پا نمی شود تا این که سی نفر دجال که خود را پیغمبر می پندارند ، ظاهر شوند .

و نیز از انجیل یوحنا چنین نقل شده است : کسی که مسیح بودن عیسی را انکار کند او دجال است از این شواهد و قرائن استفاده می شود که دجال اسم شخص معینی نیست و به هر دروغگو و گمراه کننده ای اطلاق می شود (2) .

البته روایات فراوانی حاکی است که قبل از ظهور حضرت مهدی یک دجال که منشأ فتنه انگیزی و فساد و خرابی می شود پیدا خواهد شد و در دروغگویی و حقه بازی سرآمد تمامی دجال های تاریخ خواهد بود و چنین جلوه می دهد که آب و نان مردم به دست او است ، و مردم به طوری اغفال می شوند که گمان می کنند آسمان و زمین

در اختیار او است اما این که آن دجال ، همان دجال زمان پیامبر ( **صلی الله علیه و آله** ) یعنی صائد بن صید باشد ، معلوم نیست و حدیثی هم که می گوید همان دجال زنده می باشد تا موقع ظهور حضرت

2. امروز ما شاهد رسانه های دروغ پرداز و سازمانهای به ظاهر مدافع بشر هستیم که با دروغ به حیات خود ادامه می دهند .

از نظر سند ضعیف است و قابل اعتماد نیست و اگر هم پیامبر صائد را دیده و از او تعبیر به دجال کرده مراد همان دجال لغوی است یعنی درغگوی فتنه انگیز ، و به عنوان یکی از مصادیق دجال به اصحاب خود معرفی کرده و چون بعداً از خروج دجال آخرالزمان خبر داده ، این دو مطلب سبب اشتباه مردم شده و مردم گمان کرده اند که دجال آخر الزمان همان صائد ، خواهد بود و او زنده و دارای عمر طولانی است<sup>(1)</sup> .

آنچه درباره دجال از روایات استفاده می شود و به طور قاطع می توان گفت این است که : در نزدیکی ظهور حضرت مهدی فرد فتنه انگیزی پیدا می شود و گروه کثیری را منحرف می سازد و فتنه او بالا می گیرد تا آنجا که ادعای نبوت و بلکه اُلوهیت می کند و سرانجام به دست حضرت مهدی و اصحاب ایشان نابود و هلاک می گردد ، و اما درباره سایر خصوصیات او از طول عمر و غیره ، مدرک قابل اعتمادی در دست نیست ، والله العالم .

### نہضت سید حسنی

یکی دیگر از علائم حتمی که در روایات آمده ، قیام و نہضت سید حسنی می باشد و ایشان در روایات به جوانی خوش سیما توصیف شده که از ناحیه دیلم و قزوین خروج می کند و از شیعیان اهل بیت و پیرو حق است هیچ انگیزه ای برای خروجش ندارد ، جز اصلاح و نجات مردم از دست ظلم و فسق و فجور و احیای دین مبین اسلام و هرگز ادعای امامت و مهدویت ندارد ، عدّه ای شجاع و قوی دل ، اطراف او جمع می شوند و کارش بالا می گیرد ، و سید حسنی همچون یک سلطان عادل در میان آنها حکم فرمائی می کند ، کم کم بر عدّه ای از ستمگران و طاغیان غلبه پیدا می کند و از قزوین تا کوفه را از لوٹ وجود ظالمان پاک می سازد و در کوفه خبردار می شود که حضرت مهدی ظهور نموده و از مدینه به کوفه آمده ، سید حسنی با اصحاب خود به خدمت حضرت مشرف

1. مراجعه شود به بحار ، ج ۵۲ ، ص ۱۹۷ تا ۲۷۸ و کفایة الموحدين ، ج 2 ، ص ۸۳۹ ، و دادگستر جهان ، ص ۲۲۳ .

می شوند و او کاملاً به حقانیت و صداقت امام مهدی ( علیه السلام ) یقین پیدا می کند و لکن برای اطمینان اصحاب خود از حضرت مطالبه دلائل امامت و مواریث انبیا می کند و حضرت آنها را ارائه می کند و پیروان سید که تا حدود صد هزار نقل شده به حضرت ایمان می آورند ، فقط گروه خیلی کمی که حدود چهار هزار نفر می باشند ایمان نمی آورند حضرت به آنها سه روز مهلت می دهد و آنها را موعظه و ارشاد می کند و حجت بر آن ها تمام می گردد ، ولی متأسفانه آن ها یا از روی لجاج و یا همانند خوارج نهروان از روی جهل و خودخواهی ایمان نمی آورند که به دستور حضرت به هلاک می رسند (1) .

### ندای آسمانی

یکی دیگر از علائم حتمی که در روایات آمده بر خواستن صدائی است از آسمان که شرق و غرب عالم آن را می شنوند و طبق روایات دو صدا از آسمان به گوش می رسد . اول : قبل از ظهور حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک بهوسیله جبرئیل که همگان می شنوند که ندا می کند ( الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ ) و در وسط روز شیطان صدا می زند ( الْحَقُّ مَعَ عُثْمَانَ وَشِيعَتِهِ ) .

دوم : ندائی است که مقارن ظهور در جهان طنین می افکند . امام صادق ( علیه السلام ) می فرماید : حضرت قائم در مکه داخل می شود و در کنار خانه کعبه قرار می گیرد و چون آفتاب بلند شود از جانب خورشید ندائی بر می خیزد که اهل زمین و آسمان می شنوند ، می گوید : این مهدی آل محمد است و او را با نام و کنیه جدش پیامبر یاد می کند و پدران او را تا علی بن ابی طالب نام می برد و سپس توصیه می کند که با او بیعت کنید و با او مخالفت نکنید که گمراه خواهید شد .

و در نزدیکی غروب ، شیطان فریاد می زند : پروردگار شما در وادی یابس وارد شده و او عثمان بن عنبسه ، از فرزندان یزید بن معاویه بن ابی سفیان است ( که همان سفیانی می باشد ) با او بیعت کنید تا هدایت شوید

---

1. بحار، ج ۵۳، ص ۱۵، کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۴۲.

2. کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۴۰.

### خلاصه این سؤال و جواب

قبل از ورود به اصل سؤال و جواب عرض شد: طبیعی است که برای هر پژوهشگری آنهم نسبت به موضوع مهمّ اسلامی مانند ( مهدویت ) سؤالاتی پیش خواهد آمد. گاهی این سؤالات و پرسشها مربوط می شود به مسائل مهم و اصیل مهدویت که در خلال مباحث گذشته مطرح نمودیم. و گاهی مربوط می شود به حواشی این بحث که طرح آنها و آگاهی از پاسخ آنها خالی از لطف نیست و بلکه در بعضی موارد می تواند مانع بعضی از شیطنتها گردد، البته در این گفتار به برخی از این سؤالات می پردازیم.

سؤال: توضیحی پیرامون اموری که از علائم حتمی ظهور معرفی شده داده شود.

پاسخ: علائم ظهور به دو بخش تقسیم می گردد. حتمی مانند خروج دجال و صیحه آسمانی و غیر حتمی مثل خرابی بغداد و خروج خراسانی و غیره، ( البته شیوع فساد و ظلم در جوامع بشری دو نشانه ظهور بوده که در گفتار دهم به تفصیل گذشت. ( در رابطه با علائم و نشانه های حتمی باید توجه داشت که از کلام علی ( علیه السلام ) و نیز امام صادق ( علیه السلام ) و هم چنین آیه ۳۹ رعد استفاده می شود که امکان ظهور حضرت بدون وقوع علائم حتمی وجود دارد.

سپس اشاره شد به سفیانی که یکی از علائم حتمی شمرده شده و اینکه: ظهور و بروز او در منطقه شامات خواهد بود و دست به فساد و کشتار مردم می زند و نسبت به شیعیان و نابودی آنان تلاش فراوان می کند.

و سپس مقداری از اوصاف و نشانه های دجالی که قبل از ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) بیان شد و نیز گفته شد دجال به معنای دروغگو و حقه باز است و در زمانهای پیامبران و نیز پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله

(دجالی بوده و در عصر ظهور نیز دجالی پیدا می شود ، و آنچه در احادیث اهل سنت آمده که دجال زمان پیامبر دارای طول عمر خواهد بود تا ظهور حضرت مهدی مورد اعتماد نیست .

و امّا سید حسنی مرد بزرگ و پیرو مکتب اهل بیت است و بعد از خروج از ناحیه دیلم و قزوین زمین را از لوث ظالمین تا کوفه پاک می کند و سرانجام خود و اصحابش به یاران امام زمان ملحق می گردند .

و امّا درباره ندای آسمانی ، عرض شد که دو مرتبه صدا در آسمان ظاهر می شود ، یکی در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ، و دیگری مقارن ظهور در حالی که حضرت مهدی ( علیه السلام ) در کنار کعبه قرار گرفته و اذن ظهور صادر می شود .

### سوالات از این پرسش و پاسخ

- 1- بررسی و تحقیق پیرامون مسائل مهم ، موجب چه امری می شود ؟
- 2- علائم ظهور به چند بخش تقسیم می گردد ؟
- 3- از کلام امام صادق که فرمود ( **تَوَقَّعُوا الْفَرَجَ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ** ) چه استفاده می شود ؟
- 4- دو علامت از نشانه های حتمی ظهور را نام ببرید .
- 5- سفیانی در کجا هلاک می گردد ؟
- 6- آن دجالی که قبل از ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) خروج می کند چه اوصافی دارد ؟
- 7- آیا دجال از زمان پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) تا ظهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) عمر می کند ؟  
کلام شیخ صدوق در این رابطه با علماء عامّه چیست ؟
- 8- سیدحسینی از حضرت مهدی ( علیه السلام ) چه تقاضایی می کند ؟



9- دانستیم که دو صدا و ندا قبل از ظهور ، در عالم انجام می گیرد ، بفرمایید : مفاد و مضمون آن دو ندا

چیست ؟

## دعای ندبه

سؤال : بعضی از اهل ایمان پیرامون دعای ندبه از حیث سند و احیاناً بعضی از فرازهای دعا پرسش می کنند تا با اعتماد بیشتری از این دعا بهره گیری نمایند ، و ضمناً جلو تاخت و تاز برخی از فرصت طلبان گرفته شود .

پاسخ : عالم جلیل القدر و کارشناس مسائل مهدویت حضرت آیه الله صافی گلپایگانی در خصوص این دعا ، جزوه ای را تحت عنوان فروغ ولایت در دعای ندبه تالیف نموده اند که هم پیرامون سند این دعا بحث نموده اند و هم توضیحات کافی

پیرامون بعضی از فرازهای این دعا داده اند ، و این حقیر خلاصه ای از مطالب این جزوه را با اضافات مختصری اینجا می آورم و چنانچه کسی طالب توضیح بیشتر باشد به جزوه مذکور مراجعه نماید .

قبل از ورود در پاسخ ، لازم است به یک مطلب مهم توجه شود و آن این است که معتبر دانستن دعای شریف ندبه از اصول دین نیست و چنانچه از اعتبار کافی برخوردار نباشد به صحت عقائد شیعه هرگز خللی وارد نمی سازد .

موضوعی مانند موضوع مهدویت که از ادله و براهین عقلیه و هزاران روایات و دلیل نقلی برخوردار است و حتی از مسلمات اسلامی به حساب می آید را نمی توان آنرا ، با صحت یک دعا و یا یک حدیث مرتبط ساخت تا موضوع مهدویت مورد شک و تردید قرار گیرد ، گاهی شیاطین و کج فکران با ایجاد شک و تردید در صحت یک مسئله فرعی افراد عوام را به بیراهه می کشند و آن ها را گمراه می سازند و متأسفانه مشاهده می شود که یکی از بیماری های خطرناک ، بیماری شک پذیری در مسائل مذهبی است .

البته پی گیری بعضی از مسائل مثل دعای ندبه برای اطمینان بیشتر به دعای مذکور و به عبارت دیگر پی گیری و تحقیق در مسائل اسلامی حتی پیرامون بحث از سند و دلالت یک روایت بلا اشکال می باشد ، بلکه مستحسن و مطلوب است .

### بحث از سند دعای ندبه

در رابطه با سند این دعا باید گفت که اولاً: سید ابن طاووس<sup>(1)</sup> این دعا را در کتاب اقبال نقل نموده و نیز در کتاب مزار محمد بن المشهدی تالیف شیخ جلیل محمد مشهدی حائری<sup>(2)</sup> نقل شده ، و هر دو بزرگوار فرموده اند (  **إِنَّهُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَفَرَجَنَا بِهِ وَيَسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ . . .** ) ( این دعا مربوط است به صاحب الزمان و مستحب است در اعیاد چهارگانه یعنی عید فطر و قربان و

---

1. از اعلام قرن هفتم و از رجال بزرگ شیعه و صاحب مناقب و در علم و ورع و زهد معروف است .

2. از اعلام قرن ششم و علامه مجلسی کتاب مزار ایشان را بعنوان مزار کبیر نام می برد .

غدیر و جمعه خوانده شود و همچنین در مزار قدیم که ظاهراً از تالیفات قطب راوندی<sup>(1)</sup> نقل شده است .

و نقل دعا در مثل هر یک از این سه کتاب ، دلیل بر این است که : آن شخصیت‌های بزرگ و متبحر و حدیث شناس ، این دعا را معتبر دانسته اند .

و قبل از همه این ها محمد بن حسین بزوفری<sup>(2)</sup> که از مشایخ شیخ مفید است ، و مفید از ایشان روایت بسیاری نقل نموده<sup>(3)</sup> در کتاب دعای خود ، دعای ندبه را روایت نموده است .

پس معلوم می شود که این دعای شریف در زمان غیبت صغری نیز خوانده شده است .

علامه مجلسی با تتبع و اطلاع وسیعی که در اخبار و نیز در رجال و معرفت اسانید دارد گذشته از نقل دعای ندبه در بحار و تحفة الزائر ، در کتاب زاد المعاد خود پیرامون این دعا می فرماید :

و اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقائد حقّه و تأسف بر غیبت حضرت قائم ( علیه السلام ) به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ( علیه السلام ) منقول است که مستحب است این دعا را در چهار عید یعنی جمعه ، عید فطر ، عید قربان ، عید غدیر بخوانید .

قطعاً کسی چون علامه مجلسی چنین شهادت محکمی را بدون مأخذ و مصدر معتبر بیان نمی کند .

تا اینجا معلوم شد که دعای ندبه اولاً قبل از سید بن طاووس در کتب ادعیه ذکر

---

1. از اعلام قرن پنجم است و در کتاب الکنی و الالقب او را توصیف می کند به عالم متبحر و فقیه و مفسّر و محقق و ثقه جلیل القدر و از اعظم محدثین شیعه .

2. بر وزن غضنفری به فتح اول و دوم و سکون واو و فتح فاء .

3. آیه الله بروجردی که در علم رجال و حدیث و معرفت طبقات بسیار خبیر و آگاه بوده میفرمود : یکی از طرق معرفت رجال ، شخصیت تلامذه است یعنی وقتی مثل مفید رحمه الله علیه از کسی زیاد روایت نقل کند و قدحی هم بر او نشده باشد ، خود دلیل است بر اینکه چنین شخصی مورد وثوق و اعتماد در نزد او می باشد .

شده ، و ثانیاً مستند به حضرت صادق ( علیه السلام ) می باشد و خواندن آن در اعیاد اربعه مستحب است .

ثانیاً : روایات متعددی داریم که معروف شده به روایات ( مَنْ بَلَغَ ) و عامه و خاصه این روایات را نقل نموده اند و فقهاء بزرگوار ما برای اثبات حکم استحبابی در مواردی که آن حکم از مدرک محکمی برخوردار نیست به روایات من بلغ تمسک جسته اند و فتوای به استحباب داده اند . مفاد این روایات این است که اگر برای عملی از جانب خدا و یا رسول خدا ثوابی نقل شده و شخصی آن عمل را به امید آن ثواب انجام دهد به ثواب

می رسد اگر چه آن نقل و حدیث مذکور صحیح نباشد و حکمی از جانب خدا و رسول خدا ( و یا ائمه اطهار که بیانگر احکام الهی هستند ) صادر نشده باشد . در این باره به یک روایت اشاره می کنیم ، امام باقر ( علیه السلام ) می فرماید : اگر ثوابی از جانب خدا برای شخصی نقل شد و آن شخص عمل مذکور را برای رسیدن به آن ثواب انجام داد ، ثواب مذکور برای او ثبت می شود ، اگر چه حدیث ، صحیح نبوده باشد (1) .

فقهائ عظام بر اساس این روایات ، در ادله سنن و مستحبات تسامح می کنند و اگر حدیث ضعیفی هم بر استحباب عملی دلالت کند و یا در بعضی موارد فقهی و محدثی ، عملی را مستحب بدانند ، معمولاً حکم به استحباب می کنند ، چنان که در کلام سید بن طاووس و محمد بن مشهدی و بزوفری آمده بود که خواندن دعای ندبه در اعیاد اربعه مستحب است .

بنابراین ، اگر بر فرض ، سندی برای آن نیابیم و یا آن سند ضعیف باشد ، استحباب خواندن دعای مذکور به وسیله اخبار « من بلغ » ثابت می گردد .

#### مضامین کلی این دعا مورد تأیید قرآن و روایات است

نکته سوّم آن است که مطالب کلی این دعا دربردارنده موضوع نبوّت و خلافت و ولایت علی ( علیه السلام ) است . و فضائل و فداکاری های مولایمان علی ( علیه السلام ) و مخالفت هائی که اهل

---

. اُسْفِينَةُ الْبَحَارِ مَادَّةُ بَلْغٍ ، متن حدیث از این قرار است : **عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ، يَقُولُ : مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلِيٍّ عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلِ التَّمَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابُ أَوْ تَبِعَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ .**

کینه و نفاق و جاه پرستان نسبت به ایشان اعمال نمودند ، با بیانی رسا شرح می دهد و سپس با لسان عاشقانه و ملتسمانه حضرت مهدی ( علیه السلام ) را مخاطب قرار می دهد ، همانند شخصی که چراغ برداشته و در شب تاریک ، گمشده و محبوب خود را می جوید و با آن محبوب سخن می گوید . در پایان دعا نیز با خدا

مناجات می کنیم و می گوئیم **اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى . . .** و خواسته های خود را به درگاه حضرت حق متعال مطرح می نمایم .

هر یک از این مطالب از پشتوانه عقلی و نقلی اعم از آیات و روایات برخوردار است و چنانچه حضرت مهدی را مخاطب قرار می دهیم یا با کلمه ( اَیْنَ ) و یا با کلمه ( یَا اَیْنَ ) می گوئیم : کجاست آن اقامه کننده عدل و نابود کننده ظالمین که صدها روایت نیز حضرت را به چنین وصفی تعریف نموده و یا در آخر دعا با خداوند خود راز و نیاز می کنیم و حاجاتی را از درگاه ایزد متعال می خواهیم که آیات و روایات ما را به این کار تشویق نموده و یک عمل عبادی است . پس می توان گفت متن دعای ندبه و مطالب کلی مندرج در آن خود بهترین مجوّز برای قرائت و بهره گیری از آن است ، هر چند درک معدودی از جملات آن ممکن است برای عموم آسان نباشد و یا احیاناً اشکالی در اذهان ایجاد کند که به حمد الله بزرگان و صاحب نظران در این باره جواب کافی داده اند .

### ندبه و گریه در مصائب و فراق عزیزان

رابعاً : شک نیست که هر یک از ما انسانها اگر عزیزی را از دست بدهیم و یا مصیبتی بر ما وارد شود بی اختیار ناله می زنیم و اشک می ریزیم و گاهی این ناله و افغان مدتها بلکه سال ها به طول می انجامد و عقلاء چنین فردی را ملامت نمی کنند .

کدام مصیبتی در عالم از مصیبت غیبت امام بالاتر که صاحبان ایمان ببینند ظالمین ستمگر و دژخیمان بی رحم بر سر مردم مسلط می باشند و فساد و گناه ، هر شهر و کوی و برزن را فرا گرفته و نیکان و ابرار در کنج انزوا ، خاموشی گزیده اند و دروغ پردازان مزدور بوق و کرنا به دست گرفته و جولان می دهند و ... آیا در چنین حالی اگر نیکان و دل سوختگان دور هم بنشینند و با هم در فراغ آن مصلح کل ، و منجی عالم بشریت ، و

عزت بخش به مؤمنان ، و نابود کننده کفر و نفاق و الحاد بگردند و بنالند ، روا نیست ؟

سید بن طاووس در اقبال بعد از دعای وداع ماه رمضان - که جدا شدن از ماه مبارک برای مؤمنین و مؤمنات سخت است - می فرماید : وظیفه شیعه در چنین حالی و در چنین وقتی یعنی در زمان غیبت امام ( علیه السلام

(این است که اندوهگین باشد به خاطر محروم بودن از برکات فیض حضور و آثار ظهور حضرت مهدی )  
علیه السلام . . . )

### گریه شدید امام صادق ( علیه السلام )

امام صادق ( علیه السلام ) در عصر خود و در زمانی که هنوز قائم آل محمد متولد نشده ، وقتی که در پس پرده غیب به وقایع و حوادث آینده جهان می نگرد ، از یک سوی غیبت قائم آل محمد و طول عمر ایشان را مشاهده می کند و از سوی دیگر دوری مردم از دین و استیلاي ظالمین بر آنها و ورود شبهات و خروج مردم را از صحنه شریعت سخت به گریه می افتد تا آنجا که قائم آل محمد را مخاطب قرار می دهد و می فرماید :

سَيِّدِي غَيْبُكَ نَفَتْ رُقَادِي وَضَيِّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي <sup>(1)</sup> . . . آقاي من غيبت تو ، خواب را از من ربوده و خوابگاهم را بر من تنگ نموده . . .

آری ، اگر نبود مگر فراغ و جدایی از آثار و برکات زیبای حکومت حضرت مهدی ، جا داشت که صبحگاهان و شامگاهان در فراغ آن حضرت بنالیم و گریه کنیم تا چه رسد که در زمان غیبت حضرت هزاران بلا و مصائب بر جامعه بشری و به خصوص برای مؤمنین پیش می آید و ظاهراً گریه امام صادق ( علیه السلام ) نیز برای دوری از آن حکومت عدل الهی و ابتلای نیکان به انواع بلايا و مصائب است .

بنابراین چه مانعی دارد که مؤمنین در صبح جمعه دور هم بنشینند و در انتظار مولایشان مهدی و ظهور آن حضرت که باعث برطرف شدن هر نوع ظلم و تعدی است گریه کنند و گاهی با امام خودشان راز و نیاز کنند و بگویند :

أَيْنَ مُبِيدِ الْعَتَاءِ وَالْمَرَدَةِ أَيْنَ

---

1. بخشی از این حدیث شریف در گفتار دهم که مربوط بود به وقایع قبل از ظهور که سدید صیرفی نقل نموده از امام صادق و ما از کتاب شریف کمال الدین باب ۳۳ حدیث ۵۱ نقل نمودیم ، گذشت .

مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ . . . ، کجاست آن  
نابود کننده متکبران و متمردان ؟ کجاست ریشه کن کننده لجبازان و گمراه کنندگان و بی دینان ؟ ، کجاست  
عزیز کننده دوستان و ذلیل کننده دشمنان (1) .

و گاهی هم با خدای خویش راز و نیاز کنند و بگویند : اللَّهُمَّ وَتَحْنُ عِبِيدِكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ  
وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا فَبَلِّغُهُ مِنَّا تَحِيَّةً  
وَسَلَامًا وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ أَكْرَامًا (2) .

«بارالها ، ما بندگان ناتوان توئیم که به ولی تو ، که تو و پیامبرت را به یاد ما می آورد ، مشتاقیم ، همان که او  
را برای ما پناهگاه آفریدی و برای بقای ما ، ملجأ و نگهدار ، و برای مؤمنین پیشوای مفترض الطاعة قراردادی ،  
از طرف ما به آن حضرت سلام و درودی بفرست و کرامت خود را بدین وسیله بر ما بیفزای .

صاحبان ایمان در ضمن دعای افتتاح در شب های ماه مبارک رمضان در فراق مولایشان حضرت مهدی ( علیه  
السلام ) به درگاه خداوند شکوه می کنند ، ما نیز با آنان هم صدا می شویم و در خاتمه این بحث این جملات را  
زمزمه می کنیم .

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو الْبَيْتَ فَقَدَ نَبِيِّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَاقِبَتَهُ وَآلِهِ وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا  
وَتَظَاهَرَ الرِّمَانَ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعْجَلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ  
وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

### خلاصه این سؤال و جواب

سؤال : مقداری پیرامون سند و مضمون دعای ندبه توضیح داده شود تا اهل ایمان و علاقمندان به امام زمان  
با آرامش و آگاهی بیشتری آن را بخوانند .

پاسخ : برای توضیح کامل بایدمرآجه شود به رساله فروغ ولایت تألیف حضرت

1. بخشی از دعای ندبه .

2. بخشی از دعای ندبه .

آیه الله صافی (مدّظله) ولکن برای روشن شدن مطلب به طور اختصار به چند نکته اشاره می شود :

1- مسأله مهم اعتقادی مانند موضوع مهدویت که از ادله فراوان برخوردار است هرگز با صحّت و سقم یک دعا و یا یک حدیث خلل پذیر نمی گردد .

2- دعای ندبه در اقبال سیّد بن طاوس که از علمای قرن هفتم بوده ثبت شده تا می رسد به بزّوفری ، که استاد شیخ مفید بوده و در عصر غیبت صغری می زیسته و فرمودند خواندن آن در اعیاد اربعه مستحب است . علامه مجلسی غیر از بیان استحباب خواندن آن ، مستند نموده به امام صادق ( علیه السلام ) و قطعاً چنین محدث متنبّعی بدون دلیل این نسبت را نمی دهد کما اینکه کسانی که حکم به استحباب نموده اند نیز باید دلیل شرعی در دست داشته باشند والا حکم به استحباب جایز نیست .

3- احادیث ( من بلغ ) می تواند دلیل و مدرکی برای استحباب خواندن دعای ندبه بوده باشد .

4- مضامین کلی این دعا مورد تأیید و تصدی آیات و روایات است .

مثلا در این دعا مقداری به فضائل علی ( علیه السلام ) و نیز برخورد امت با آن حضرت پرداخته که مورد قبول روایات فریقین و تاریخ است و . .

5- اصولاً گریه بر فراق عزیزمان و یا محروم ماندن از فیوضات معنوی ، امری است طبیعی بلکه مورد قبول عقلا و در این مقام اشاره شد به حدیثی که حاکی از گریه شدید امام صادق ( علیه السلام ) می کرد و چون از حضرت جهت گریه را پرسیدند ، فرمود : توّجّهی به زمان غیبت حضرت مهدی کردم و نیز به مشکلات صاحب ایمان در آن عصر و .

سوالات از این پرسش و پاسخ



1- اسم چهار نفر از بزرگان برده شد که حکم به استحباب خواندن دعای ندبه نموده اند . آنها چه کسانی بودند ؟

2- علامه مجلسی دعای ندبه را از کدام امام نقل می کند ؟

272

3- مفاد احادیث ( من بَلَغَ ) چیست ؟

4- مقداری به مضامین کلی این دعای شریف اشاره نمایید .

5- صاحبان ایمان در دعای افتتاح در فراق مولایشان حضرت مهدی چگونه به درگاه الهی شکوه می کنند ؟

### بحثی پیرامون اسماء و القاب ائمه اطهار ( علیه السلام )

سؤال : آن گونه که مشهور است حضرت مهدی ( علیه السلام ) از نام ها و لقب های متعددی برخوردارند . برای آگاهی علاقمندان و صاحبان ایمان در این زمینه توضیح داده شود .

پاسخ : خوب است قبل از ورود در جواب ، نظر عزیزان را به دو مطلب جلب کنم .

#### اسماء ائمه حاکمی از مقامات ایشان است

اوّل این که : نام و لقب و کنیه ائمه ( علیهم السلام ) هر یک حاکمی از یک مقام و منزلتی است برای آنان که آگاهی بر آن ، معرفت و عرفان ما را نسبت به مقامات ائمه اطهار می افزاید اگر در زیارت جامعه کبیره به خانواده عصمت و طهارت خطاب می کنیم ( فَمَا أَحَلِي أَسْمَاتِكُمْ ) چه زیباست نام های شما ، برای این است که این نام ها و لقب ها ، حاکمی از آن معانی بلند و بالا می باشد ، شیخ صدوق رحمه الله علیه روایاتی را نقل نموده <sup>(1)</sup> که معانی این اسماء تا حدودی در آن ها منعکس شده به عنوان مثال فاطمه را فاطمه می گویند چون دوستان او از آتش جهنم فاصله خواهند داشت <sup>(2)</sup> و نیز اگر به دختر پیامبر ، زهراء گفته شده برای این است که در موقعی که در محراب عبادت قرار می گیرد نور وجودش برای اهل آسمان ها جلوه گر خواهد

شد و اگر به امام چهارم لقب سَجَّاد داده شد برای این است که در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و در موضع سجده ایشان آثار سجده ظاهر می گردیده (3).

---

1. معانی الاخبار ، ص ۶۴ .

2. قَطَمَ بمعنای فَصَلَ وَقَطَعَ است .

3. یعنی بر پیشانی و دست ها و کُنده های پا ، پینه بسته می شد و لذا به حضرت ذُو الثَّفَنَات گفته می شود .

بنابراین ، بحث پیرامون اسما و القاب حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (اولاً بر معرفت ما نسبت به مقامات و ابعاد وجودی حضرت می افزاید . و ثانیاً : با آگاه شدن به معانی این اسماء و القاب ، تأویل بعضی از آیات برای ما روشن می گردد که در خلال بحث به آن اشاره خواهیم کرد .

و ثالثاً : پاسخ بعضی از سئوالاتی که پیرامون مهدویت برای بعضی پیش می آید ، معلوم می گردد .

### نام ائمه را برای فرزندان خود انتخاب کنیم

دوم : آشنائی ما با نام ها و لقب های ائمه اطهار (علیهم السلام) باعث می شود برای نامیدن فرزندان خود از آنها استفاده کنیم و اسامی و القاب امامان خود را در جامعه شیوع دهیم و نباید شیعیان و علاقه مندان به خاندان عصمت و طهارت از این مسئله مهم غافل شوند و برای فرزندان خود نامی را که معانی زیننده ای ندارد و یا مطابق با فرهنگ غرب است ، انتخاب کنند و متأسفانه امروز می نگریم که چنین وضعی پیش آمده و نام های زیبا و معنی داری مانند (علی ، حسن ، حسین ، صادق ، کاظم و ...) در برخی موارد کنار گذاشته شده و نام های غیراسلامی جایگزین آن ها شده ، یکی از اساتید بنده که چندین سال از وجودش بهره مند بودم ، اسمش عبدالعلی بود ، ایشان می فرمودند : همین که در روز قیامت من را صدا بزنند : عبد العلی یا ، برای من کافی است .

آری این اسم او را در صحنه قیامت و در مقابل پیامبر اکرم و ائمه اطهار ( علیهم السلام ) سرافراز می کند ،  
اما اسم های غیراسلامی و بی معنی انسان را شرمنده می سازد .

### اسما و القاب حضرت حجّت ( علیه السلام )

اسماء و القاب حضرت مهدی ( علیه السلام ) را می توان به چند دسته تقسیم نمود<sup>(1)</sup> .

۱. نام ها و لقب ها و کنیه های حضرت فراوان است ، محدّث نوری ۱۸۲ عدد آن ها را اسم می برد  
و می فرماید : این ها نام هائی است که برای حضرت از قرآن و کتب سماوی و اخبار اهل بیت استفاده شده و  
بعضی بر اساس استنباط خود نام هائی را مطرح کرده اند که ما از آوردن آن ها احتراز نمودیم .

## 274

اول : اسم و کنیه ای که در روایات متعددی نهی شده از این که حضرت را با این نام و کنیه بخوانیم و آن همان  
نام و کنیه مشهور و معروف جدّ بزرگوارش پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله ) می باشد ، و بر اساس همین  
روایات بعضی از فقها می گویند : در زمان غیبت ذکر نام حضرت مهدی جایز نیست و عدّه ای از علما ادعای  
اجماع نمودند بر حرمت نام بردن حضرت ، حتّی پیامبر اکرم که کراراً نام جانشینان خود را برده و ائمه بعد از  
خود را یک به یک اسم می برد ، مع ذلک به نام دوازدهمین امام که می رسد می فرماید : آن امامی که ( **اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي** ) نام او ، نام من است و کنیه او کنیه من .

با توجه به این روایات در می یابیم که سرّی در کار است که ما آن را درک نمی کنیم و باید مانند سایر احکام  
فقهی آن را تعبداً بپذیریم تا حضرت ظهور کند و سرّ این مطلب را فاش نماید .

با این بیان دیگر برای ما مهم نیست که افراد معدودی که عدّه آنها از انگشتان یک دست تجاوز نمی کنند<sup>(1)</sup>  
قائل به جواز شوند و بگویند : چطور می توان پذیرفت که نام و کنیه حضرت مهدی را نباید به زبان آورد و  
حال آن که در روایات صریحاً آمده : نام و کنیه او ، نام و کنیه رسول خدا است و نام پیامبر ( صلی الله علیه  
و آله ) برای همگان معلوم و روزی چندبار بالای مأذنه ها برده می شود ، در جواب می گوئیم : آری ، از این  
روایات می توان دریافت که نام و کنیه حضرت مهدی ( علیه السلام ) چیست ، اما بر اساس روایاتی که

مخاطب قرار دادن حضرت مهدی را با این نام نهی کرده ، باید گفت که ذکر این نام و کنیه برای حضرت مهدی ، حرام و یا خلاف احتیاط است .

### او حجة الله و خلیفة الله و داعی الله است

دوم : بعضی از اسماء حضرت با سایر انبیا و ائمه مشترک است مثلاً حضرت را با القابی چون ( حجة الله ، خلیفة الله ، داعی الله <sup>(2)</sup> ) خطاب می کنیم و این عناوین بر همه انبیا و امامان اطلاق می شود ، اما در اثر طول عمر حضرت مهدی و کثرت اطلاق حجت خدا و

---

1. این نظریه از خواجه نصیر طوسی و علی بن عیسی صاحب کتاب کشف الغمة نقل شده است .

2. هر سه عنوان در زیارت آل یس آمده .

---

## 275

---

خلیفة الله بر ایشان ، در حال حاضر این الفاظ اختصاص به حضرتش پیدا نموده و نیز کلمه ( داعی الله ) انس بیشتری با وجود امام عصر دارد زیرا دعوت به سوی خدا و اجابت مردم از آن دعوت به طور کامل در زمان حکومت حضرت مهدی انجام می گیرد در حدیثی که از امام صادق ( علیه السلام ) در تفسیر سوره شمس رسیده می فرماید : مراد از شمس ، علی بن ابی طالب است و مراد از ضحیا <sup>(1)</sup> ( قیام حضرت قائم ) علیه السلام ) است <sup>(2)</sup> آری آن روزی که ولایت و حکومت خاندان عصمت همانند نور خورشید همه جا را فرا می گیرد و دعوت الی الله به گوش همگان می رسد ، زمان ظهور و حکومت حضرت مهدی خواهد بود .

---

1. ضحی ، به معنای انتشار نور آفتاب و گسترش شعاع آن است و در آیه 59 سوره طه آمده ) . وَأَنْ

يُخَشِّرَ النَّاسَ ضَحِيًّا ( اشاره به همان وقت گسترش آفتاب است و خورشید بالای سر آمده .

2. تفسیر برهان ، ج 4 ، ص 467 .

## او « ناطق » است

یکی از اسماء امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، ناطق است ، در زیارت عاشورا می خوانیم . . . . أن یرزقنی طلباً نارکُم مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم و نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در ضمن حدیثی که نام ائمه را برای سلمان ذکر می کند ، امام دوازدهم را این گونه نام می برد :

(حجّه ابن الحسن المهدی الناطق القائم بحق الله<sup>(3)</sup>) (بنابر این یکی از اسماء حضرت عنوان (ناطق) است ، در حالی که ما پیامبر و یا امامی که خاموش باشند نداشتیم و اصولاً رسالت و نبوت با مسئله تبلیغ در کنار هم قرار می گیرند و قرآن هم می فرماید ) : وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ<sup>(4)</sup> )

وثائقیاً : سالیان دراز است که حضرت در خفا به سر می برند و از بیانات و سخنان ایشان محروم هستیم ، پس چطور به ایشان لقب (ناطق) اطلاق شده و او را ناطق به حق معرفی کرده اند ؟

در پاسخ می توان همان علتی را که در اختصاص (داعی الله) نسبت به حضرت

---

3. نجم الثاقب ، ص ۶۲ .

4. مائده : ۹۹ .

مهدی ( علیه السلام ) گفته شد در اینجا نیز بگوئیم ، زیرا آن گوینده و ناطقی که سخن خود را به گوش همه جهانیان می رساند و حجّت را بر یکایک انسان ها تمام می گرداند ، وجود مقدس امام زمان خواهد بود .

عالم جلیل القدر و محدث بزرگ حاج میرزا حسین نوری توجیه دیگری نیز برای این لقب ذکر نموده ، می فرماید : ائمه اطهار و پدران بزرگوار امام زمان ، مهر خموشی بر لب زده بودند و آن گونه که باید ،

اسرار و معارف و حکم را برای مردم بیان کنند ، یا به جهت تقیّه ، و یا برای نیافتن مخاطب (1) . حضرت مهدی تمام آن علوم و اسرار را ظاهر می کند و چیزی از حقایق را ناگفته نمی گذارد .

در دعای افتتاح از خداوند متعال می خواهیم : **اللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِي دِينِكَ وَسِنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِي شَيْءٌ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ .**

در تفسیر آیه ( : **وَاشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا** ) (2) ( از امام صادق ) **عليه السلام** ( نقل شده (3) با قیام قائم ما ، زمین نورانی می شود و ظاهر این است که این روشنائی ، به گسترش علوم بهوسیله امام زمان اشاره دارد . مخفی نماند که یکی از اسماء امام زمان **عجل الله تعالى فرجه الشريف** ( نور آل محمد می باشد نکته ای که ذکر آن خالی از لطف نیست آن است که آن بزرگوار بنا بر قولی که بعضی آن را مشهورتر می دانند در سال ۲۵۶ هجری قمری متولد گردیده که به حساب ابجد ، تاریخ تولد ایشان مطابق با کلمه نور خواهد شد .

#### مهدی ، نام معروف حضرت

مشهورترین القاب حضرت مهدی است ، معنای آن « هدایت یافته » است . خداوند حکیم ، اگر پیامبران و امامان را برای هدایت و ارشاد خلق می فرستد ، قبلاً آنها را به آگاهی و اطلاع کامل از دین و شریعت و احتیاجات مردم در مسیر تکامل مسلح و مجهز خواهد

---

1. کما اینکه نقل شده علی ( **عليه السلام** ) علوم خود را با چاه بازگو می کرد و لذا بعضی گفته اند اگر به علی ( **عليه السلام** ) گفته شده : بطین ، به معنای مبطن است یعنی مخفی کننده علوم و اسراری که پیامبر ( صلی الله علیه و آله وسلم ) به او آموخته بود .

2. زمر : ۶۹ .

3. نور الثقلین ، ج ۴ ، ص ۵۰۴ .

نمود ، زیرا آنان تامهدی نباشند نمی توانند هادی باشند .

ذات نیافته از هستی بخش \* \* \* کی تواند که شود هستی بخش

گر چه نام ( مهدی ) برای حضرت قائم ، شهرت پیدا کرده اما در روایات به تمامی ائمه ( علیهم السلام ) اطلاق ( مهدی ) شده زیرا تمام آن ها از طرف خداوند متعال دارای علم و دانش بودند و به راز و رمز دین و تفسیر و تأویل آیات آگاه ، یکی از آیاتی که دلالت بر امامت و حقانیت مکتب اهل بیت ( علیهم السلام ) می کند این آیه است که می فرماید ( : أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ <sup>(1)</sup> ) ( آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است ، یا آن کسی که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند ، شما را چه می شود ، چگونه داوری می کنید .

### جانشین رسول خدا باید دارای دو جنبه باشد

پیامبر اکرم ( صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) بعد از تشکیل حکومت و به دست گرفتن قدرت ، هم زعامت امت را در دست داشت و هم هدایت گر انسان ها بود ، هم مملکت داری می کرد و هم مردم را ارشاد می فرمود ، بنابراین کسی می تواند جانشین و خلیفه رسول خدا بشود که هم لیاقت زمام داری و به دست گرفتن حکومت را داشته باشد و هم جوابگوی مسائل دینی باشد و بتواند مردم را به قلّه رفیع کمالات برساند .

بنابر این نباید امامت را تنها به معنای زمامداری بگیریم و بگوییم که دیگران نیز حق حاکمیت دارند ، زیرا امام باید به تمام راز و رمز مکتب و نیازهای بشری آگاه باشد و جواب گوی آن ها باشد و تنها همان دوازده نور پاک که همه آن ها ( مهدی ) بودند و از جانب خداوند متعال مسلح به سلاح علم می باشند ، چنین ویژگی هایی را دارا هستند خوشبختانه عدّه ای از بزرگان اهل سنت درباره امام علی ( علیه السلام ) اعتراف نموده اند که ایشان اعلم امت می باشند ، و می گویند : در آگاهی و قضاوت و تقوی کسی در امت اسلام هم

---

. 1 یونس ۳۵ .

طراز او نیست و خداوند به او علم و دانش داده و لذا ما به آن ها اعتراض می کنیم و می گوئیم شما بر اساس همین اعتراف و اقرار خودتان باید قائل شوید به خلافت بلا فصل علی ( علیه السلام ) ، «نه اینکه ایشان را چهارمین خلیفه بدانید . بنابراین ، اعتقاد و شعار شیعه آن است که جانشین رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) باید ( مهدی ) باشد .

### مهدی ما نیز خواهد آمد

مهدی زمان ما که در حال حاضر در خفا به سر می برد روزی ظهور خواهد کرد و زمام حکومت جهانی را به دست می گیرد ، و سراسر زمین در زیر لواء و پرچم مهدویت قرار می گیرد ، و نظم و امنیت را در همه جا مستقر می سازد ، و نیز از حیث تبیین مسائل اسلامی و تفسیر قرآن و بیان معارف حقّه ، بشریّت را به کمال می رساند ، بنابراین مهدی زمان ما به معنای واقعی مهدویت خود را نشان خواهد داد .

### اسماء مختصّه

سوّم : نام هائی که اختصاص دارد به حضرت مهدی ( علیه السلام ) ، این نام ها فراوان است ، ولی ما به چند اسم اختصاصی اکتفا می کنیم .

### حضرت ، بقیّه الله است

بقیّه الله : در بعضی از روایات ، آیه شریفه ( : **بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ** )<sup>(1)</sup> ) به حضرت منطبق شده که یکی از آن روایات ، به نقل از امام باقر ( علیه السلام ) می خوانیم : چون به حضرت اذن ظهور داده می شود و خروج می کند ، تکیه بر خانه کعبه می زند و سیصد و سیزده بار حضرت حاضر می گردند ، اوّلین سخنی را که حضرت مطرح می کند این آیه شریفه است ( : **بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ** ) ، سپس می فرماید : **أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ** ، و سلام نمی کند بر او سلام کننده ای مگر با این عنوان ، و می گوید :



السلام علیکم یا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ (1) .

و اما وجه تسمیه حضرت به ( بَقِيَّةَ اللَّهِ ) یا از آن جهت است که وجود مبارکش به اراده الهی باقی مانده و یا به جهت این است که ایشان یگانه شخصی است که از تبار انبیا و ائمه در روی زمین باقی مانده و لذا به حضرت مهدی ( علیه السلام ) ( بَقِيَّةَ الْأَنْبِيَاءِ وَنُورُ الْأَصْفِيَاءِ ) اطلاق شده ، و نیز به حضرت لقب ( وَاوْرَثُ ) اطلاق شده است زیرا او وارث علوم گذشتگان و اشیاء ویژه انبیا و ائمه ( علیهم السلام ) می باشد ، مانند عصای موسی ، انگشتر سلیمان ، شمشیر و عمامه رسول خدا ، و قرآنی که علی ( علیه السلام ) جمع آوری کرده و مصحف حضرت زهرا ( علیها السلام ) و . . .

امام صادق ( علیه السلام ) به یعقوب بن شعیب فرمود : آیا پیراهن حضرت قائم آل محمد را که در آن خروج می کند به تو نشان بدهم ؟ عرض کردم : بلی ، حضرت صندوقچه ای را طلب کرد و از درون آن پیراهن کرباسی را بیرون آورد و پهن کرد و در آستین چپ آن مقداری خون بود ، فرمود : این پیراهن رسول خدا است و آن روزی که دندان حضرت را شکستند در تن حضرت بوده و حضرت قائم در حالی که این پیراهن را بر تن دارد ، خروج میکند ، راوی می گوید : پیراهن و خونی که در آن بود بوسیدم و سپس حضرت در جای خود گذاشت .

#### دیگر از اسماء حضرت ، قائم است

یکی از اسماء حضرت مهدی ( علیه السلام ) ، ( قائم ) است یعنی کسی که روی پا ایستاده است . در بیان علت تسمیه حضرت مهدی ( علیه السلام ) به ( قائم ) ، چند وجه گفته شده که اکثراً از روایات گرفته شده : ۱- ایشان همچون عبدی است که در مقابل مولای خود ایستاده و منتظر صدور امر است ، زیرا حضرت در شب و روز به انتظار دستور حق متعال برای ظهور است و در روایات هم آمده که امر ظهور حضرت در یک شب اصلاح و صادر می گردد .

این گونه انتظار ظهور ، ما را به یاد بعضی از منتظرین می اندازد که شب ها ، شمشیر

خود را بالای سر خود می گذاردند که اگر ندای آسمانی به گوششان رسید و حضرت ظهور کرد اینها لحظه ای تأمل نکنند و شمشیر به دست به یاری حضرت بشتابند .

2- ایشان را قائم می گویند چون قیام به حق می کند و اسلام واقعی را در جامعه پیاده می نماید .

3- قیام حضرت بعد از یأس واقع می شود ، یعنی قیامی که مردم هرگز تصوّر وقوع آن را نداشتند ، چون ، بسیاری از مردم و حتی کسانی که معتقد به حضرت بودند می گویند : هر کس بوده دیگر از دنیا رفته و خبری از او نیست . در چنین وضعی حضرت قیام می نماید .

4- ابو حمزه ثمالی به امام باقر ( **علیه السلام** ) عرض کرد : مگر شما خانواده ، قائم به حق نیستید ؟ امام فرمود : چرا ، عرض کرد : پس چرا صاحب الأمر را قائم نامیده اند ؟ حضرت فرمود : چون جدّم حسین ( **علیه السلام** ) را شهید کردند ، ملائکه به گریه افتادند و به خداوند عرض کردند : بار الهی فرزند پیامبر و بهترین انسان ها را کشتند . پروردگار فرمود : من انتقام این خون را خواهم گرفت هر چند بعد از گذشت مدت زمانی باشد ، خداوند متعال حجاب ها را از جلو چشم ملائکه بر می دارد ، نور فرزندان حسین که امامان بعد از او می باشند به ملائکه نشان داده شد و یکی از آن انوار در میان آنها ایستاده و مشغول به نماز بود ، حضرت حق فرمود : به وسیله این فردی که ایستاده ، انتقام خواهم گرفت (1) .

بنابراین ، وجود مقدّس امام زمان از آن هنگام ، ملقب به قائم بوده ، و این معنای اخیر برای قائم مرادف است با معنای ( منتقم ) که یکی دیگر از اسماء حضرت مهدی ( **علیه السلام** ) است ، این مطلب در دعای ندبه این گونه آمده : **أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ ؟ أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا .**

**آیا موقع شنیدن کلمه قائم وظیفه ای داریم ؟**

گاهی دیده می شود که بعضی از اهل ایمان هنگام شنیدن لقب ( قائم ) از جا بر می خیزند و حالت ادب و احترام در مقابل حضرت به خود می گیرند ، آیا این عمل ،

۱. أنجم الثاقب ، ص ۴۶ ، از کمال الدین صدوق نقل می نماید .

یک وظیفه است برای ما که موقع شنیدن این نام ، باید از جا بر خیزیم یا این که این برخاستن ، فقط یک ادب و احترام است ؟

در روایات چیزی به عنوان دستور ، نسبت به برخاستن نداریم ، ولی بعضی از محدثین حدیثی را نقل نموده اند که امام صادق ( علیه السلام ) در موقع شنیدن اسم قائم از جا بر خاسته است ، محدث قمی رحمه الله از استادش محدث نوری نقل می کند : از محدث جزائری این مطلب سؤال شد و ایشان در جواب فرمودند : روزی در مجلس حضرت صادق ( علیه السلام ) اسم مبارک آن جناب برده شد ، پس حضرت به جهت تعظیم و احترام از جا برخاست و سپس محدث قمی از کتاب تکملة أمل الأمل نقل می کند : دعبل خزاعی وقتی قصیده تائیه خود را نزد امام رضا ( علیه السلام ) خواند و به این بیت رسید :

خروجُ امام لا مُحَالَةً خَارِجٌ \* \* \* يَقُومُ عَلَيَّ اسْمُ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ

امام هشتم از جا برخاست و بر روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را به سوی زمین خم کرد و کف دست راست خود را بر سر نهاد و فرمود : **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَنْصُرْنَا بِهِ نَصْرًا عَزِيزًا .**

قابل توجه است که محدث قمی که خود در فن حدیث ، متبحر و کارشناس است در باب تکالیف عباد نسبت به امام عصر ( علیه السلام ) می فرماید : یکی از تکالیف ، برخاستن از برای تعظیم شنیدن اسم مبارک آن حضرت است ، خصوصاً اگر اسم مبارک قائم ( علیه السلام ) باشد ، چنانچه بسیاری از علاقه مندان به امام زمان و بلکه تمامی آنان ، هنگام شنیدن نام ( قائم ) از جا برمی خیزند و به ساحت مقدس امام عصر ( علیه السلام ) اظهار ادب و احترام می نمایند . محدث قمی می فرماید : این عمل شیعیان خود کاشف است از وجود مأخذ و اصلی برای این عمل (1) .

در نتیجه می توان گفت : برخاستن از جا در موقع شنیدن نام مقدس امام عصر و به خصوص نام حضرت قائم ( علیه السلام ) یک ادب و احترام است به آن حضرت و از این جهت ، عمل نیکو و پسندیده ای خواهد بود .

## دیگر القاب حضرت

گاهی مشاهده می شود که به وجود مبارک حضرت بقیه الله اعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - « قلب عالم امکان » گفته می شود و گاهی هم اطلاق قطب می کنند گر چه در این خصوص روایتی ظاهراً نقل نشده اما از مناظره ای که هشام بن حکم شاگرد برومند امام صادق ( علیه السلام ) با عالم بزرگ بصره عمرو بن عبید داشت و شرح آن در گفتار اوّل این کتاب گذشت چنین برداشت می شود که می توان امام عصر را قلب و قطب ، برای خلقت انسانها دانست و بلکه می توان بر اساس بعضی از ادله لزوم حجّت - که در گفتار اوّل مورد بحث قرار گرفت - امام زمان را قلب و قطب عالم امکان دانست . در دعای عدیله هنگام ذکر نام مقدس حضرت مهدی سلام الله علیه می فرماید :

الَّذِي بَقِيَّتْهُ بَقِيَّتِ الدُّنْيَا وَيَمُنُّهُ رِزْقَ الْوَرَى وَبُجُودِهِ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ آن مهدی منتظری که با ماندگاری او جهان مانده است و از برکت وجود او تمامی آفریدگان ، روزی دریافت می کنند و به وجود او زمین و آسمان استوار مانده .

ملاحظه می کنید که این جملات و معانی ، با کلمه قلب و قطب کاملاً سازگار است .

محدّث نوری در رابطه با کلمه ( قطب ) - که معمولاً عرفاً از این اسم زیاد استفاده می کنند - جمله ای را از عالم بزرگوار کفعمی نقل می کند و می فرماید : ایشان در ضمن دعای ام داود که آمده : **اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ** می فرماید : دنیا خالی نیست از یک قطب و چهار اوتاد و چهل ابدال و هفتاد نجیب و سیصد و شصت صالح که قطب حضرت مهدی ( علیه السلام )<sup>(1)</sup> است . ملاحظه می کنید که طبق این نقل ، شخصیتی همچون کفعمی با آن عظمت و کمالات به حضرت مهدی اطلاق « قطب » نموده ، بنابراین اگر حضرت را با نام ( قلب و قطب ) بنامیم و یا در اشعار خود بیاوریم ، مانعی در کار نیست .

ابا صالح یکی از کنیه های مشهور حضرت مهدی ( علیه السلام ) است ، محدث نوری ( رحمه الله ) نقل می کند که در میان عرب از واژه ابا صالح زیاد استفاده می شود ، مخصوصاً در مقام

1. نجم الثاقب ، ص ۴۶ .

استغائه جستن به صاحب الامر و روایتی را از امام صادق ( علیه السلام ) نقل می کند که هر گاه در راه گم شدی ، ندا کن ( یا صالح یا ابا صالح اُرشدونا إلى الطريقِ رَحِمَكُمُ اللهُ )<sup>(۱)</sup> .

شعراء این کنیه را در اشعار خود زیاد می آورند و ما نیز در خاتمه این بحث با چند بیت شعر دست توسل به ذیل عنایت حضرت بقیة الله اعظم دراز می کنیم ، و در این ظلمات دنیا از او طلب ارشاد می کنیم و ایشان را با کنیه ابا صالح صدا می زنیم ، امید است ، مشمول عنایات ایشان قرار گیریم .

ابا صالح دلم سامان ندارد \* \* \* مگر هجران تو پایان ندارد ؟

ابا صالح بیا دردم دوا کن \* \* \* مرا از دیدنت حاجت روا کن

ابا صالح مرا با رو سیاهی \* \* \* به خود راهم بده با یک نگاهی

ابا صالح فقیرم من ، فقیرم \* \* \* بده دستی که دامانت بگیرم

ابا صالح تو خوبی من بدم ، بد \* \* \* مرا از درگهت ردّم مکن ردّ

ابا صالح چه خوش زببنده باشد \* \* \* که تو لعل لبّت پر خنده باشد

ابا صالح عزیز آل یاسین \* \* \* بیا در جمع ما امشب تو بنشین

## خلاصه این سؤال و جواب :

سؤال : پیرامون اسماء و القاب حضرت مهدی ( علیه السلام ) توضیح داده شود .

پاسخ : مقدمه به دو نکته اشاره شد :

1- اسماء و القاب ائمه ( علیهم السلام ) هر یک دارای معنی و مفهوم عالی و زیبایی هستند که حاکی از مقامات ایشان می کند ، آشنایی با این معانی ، معرفت ما را نسبت به این خانواده و به خصوص حضرت مهدی ( علیه السلام ) زیاد می کند .

2- بر علاقه مندان اهل بیت لازم است که از اسماء و القاب این خانواده برای فرزندانشان انتخاب کنند .

---

1. مدرک سابق ، باب نهم ، ص ۴۲۱ .

اما اسما و القاب حضرت مهدی ( علیه السلام ) فراوان است ، حاجی نوری ۱۸۲ اسم و لقب و کنیه آورده ، بعضی از آنها را در زمان غیبت امام ، نباید به زبان بیاوریم .

و بعضی دیگر اسماء و القابی است که بر تمامی حجج الهی اطلاق می شود مانند ( حجة الله ، خلیفه الله ووو ) منتهی اطلاق این اسماء بر حضرت مهدی ( علیه السلام ) ویژگی دارد که توضیح داده شد .

و سپس به مشهورترین لقب حضرت که ( مهدی ) است اشاره شد و با معنای بلند و بالای آن آشنا شدیم و گفته شد : پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله ) غیر از منصب حکومت داری ، مسؤلیت هدایت و ارشاد مردم را داشت تا آنها را با راه راست آشنا سازد و باید جانشین او نیز دارای هر دو جنبه باشد و آن کسی است که از جانب خدا مسلح به علم و هدایت و رشاد بوده باشد یعنی ( مهدی ) باشد تا بتواند هادی شود .

برخی از اسماء حضرت ، اسماء مختصه به ایشان است مثل ( بقیة الله ووو ) که توضیحی پیرامون ( بقیة الله ) و ( القائم ) داده شد و اینک چرا به حضرت ( قائم ) می گویند به چهار مطلب اشاره شد ، و خوب است که در موقع

شنیدن این اسم ( قائم ) به عنوان احترام ازجا برخیزیم کما اینکه امام هشتم ( علیه السلام ) طبق روایتی چنین کردند .

در خاتمه توضیحاتی پیرامون کلمات ( قطب ، قلب ، ابصالح ) داده شد و اینکه می توان حضرت مهدی ( علیه السلام ) را به هر یک از این اسما ، مخاطب نمود و او را صدا زد .

### سؤالات از این پرسش و پاسخ

1- بررسی و آشنایی با معانی اسما و القاب ائمه و به خصوص حضرت مهدی ( علیه السلام ) چه فائده ای دارد ؟

2- سه اسم از اسماء حضرت مهدی ( علیه السلام ) را که با سایر حجج الهی مشترک است نام ببرید .

3- با اینکه حضرت مهدی ( علیه السلام ) در حال غیبت به سر می برد ، چطور به ایشان ( ناطق ) گفته می شود ؟

4- جانشین پیامبر ( صلی الله علیه و آله ) چرا باید ( مهدی ) بوده باشد ؟

---

285

---

5- چرا به حضرت مهدی ( علیه السلام ) ( قائم ) گفته می شود ؟

6- امام هشتم ( علیه السلام ) با شنیدن شعر دعبل که اشاره به خروج و قیام حضرت مهدی شده بود ، چه کرد ؟

7- یک بیت شعر که با کلمه ( ابصالح ) شروع می شود ، بیاورید .

### اعتقاد به منجی در سایر ادیان

سؤال : آیا عقیده به مهدی موعود به عنوان یک منجی و مصلح در آخر الزمان ، اختصاص به مسلمانان دارد یا در سایر ادیان نیز چنین عقیده ای وجود دارد ؟

پاسخ : پیروان بسیاری از ادیان و مذاهب معتقدند که در یک عصر تاریک و بحرانی که فساد و ظلم همه جا را فراگرفته ، یک نجات دهنده بزرگ جهانی قیام خواهد کرد و با مدد غیبی وضع آشفته را اصلاح می کند .

هر ملتی او را با لقب مخصوصی می شناسد و او را از ملت خود می دانند ، یهودیان او را به نام سرور میکائیلی و مسیحیان به نام مسیح موعود و زرتشتیان به نام سوشیانس ( به معنای نجات دهنده جهان ) و مسلمانان به نام مهدی منتظر می شناسند .

توجه داشته باشید که اولاً : مهدی منتظر از نسل ابراهیم است که بنی اسرائیل نیز از همان دودمان و خاندان می باشند ، امّا بنی هاشم از نسل اسماعیل است و بنی اسرائیل از نسل اسحاق ولی هر دو به یک شجره متصل می گردند و نیز مهدی منتظر ، از طریق مادرش نرجس خاتون که شاهزاده و رومی بوده با عیسویان انتساب پیدا می کند .

و اما در انتساب حضرت با ایرانیان که آئین زرتشت در بین آنها رواج داشته از طریق مادر حضرت امام سجاد شهربانو که دختر یزدگرد پادشاه ساسانی بوده برقرار می گردد .

وثائقی : آنچه را که در این ادیان و مذاهب وعده داده شده ، مطابق است با روایات اسلامی ، از باب نمونه به موارد مختصری اشاره می شود .

در کتاب ( دید ) که نزد هندویان از کتب آسمانی است آمده : پس از خرابی دنیا

پادشاهی در آخر الزمان پیدا می شود که پیشوای خلافت باشد و نام او منصور ( 1 ) باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود در آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد بر آید .

در کتاب ( زند ) که از کتاب های مذهبی زردشتیان است چنین آمده : آنگاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان برانگیخته می شود ، و اهریمنان را منقرض می سازند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه



ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و بر انداختن تبار اهریمنان ، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهد نشست .

همچنین در تورات ، در سفر تکوین از دوازده امام که از نسل اسماعیل بوجود می آیند سخن گفته شده است .

و در مزامیر حضرت داود ( **علیه السلام** ) آمده است : . . . و اما صالحان را خداوند تأیید می کند . . . صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن همیشه ساکن خواهند بود (2) .

### معرفی منجی بشریت در اخبار ما مفصل تر است

مخفی نماند که اگر مطالعه تورات و انجیل و کتاب های مذهبی زرتشتیان و نیز بررسی عقائد هندوها و مصریان قدیم بازگویی این مطلب است که در آینده تاریخ ظهور یک انسان بزرگ و اصلاح گر و نجات دهنده مظلومان از دست ظالمان امری حتمی و طلوع چنین شمس عدالت گستری به انسان ها بشارت داده شده است .

---

1. طبق روایتی که در بحار : ج ۵۱ ، ص ۳۰ از امام باقر ( **علیه السلام** ) نقل شده : آیه ۳۳ سوره اسراء که می فرماید ( **وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوِیِّهِ سُلْطٰنًا فَلَا یُسْرِفُ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا** ) مراد از آن کسی که مظلوم کشته شده امام حسین ( **علیه السلام** ) است و مراد از ( **ولی منصور** ) حضرت قائم ( **علیه السلام** ) . ( **ظاهراً** جهت این که به امام زمان ( منصور ) می گویند برای این است که : خداوند او را یاری می کند و زمینه پیروزی را فراهم می آورد خصوصاً این که : با انداختن رعب و ترس در دل دشمنان حضرت ایشان را پیروز می گرداند و در زیارت عاشورا و دعای ندبه نیز به امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اطلاق منصور شده .

2. مؤسسه در راه حق جزوه امام زمان ، ص ۹ و ۱۰ .

ولی آنچه مسلم است در این خصوص سهم دین مقدس اسلام و مذهب تشیع بیش از سایر مذاهب و ادیان است ، زیرا روایات اسلامی در این خصوص به تفصیل نام او را معرفی نموده و او را فرزند امام حسن عسکری دانسته و نسب ایشان را تا علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا ( علیهما السلام ) بیان کرده و آثاری که قبل از ظهور واقع می شود شرح داده و کیفیت حکومت ایشان و این که از کجا شروع به قیام می کند به تفصیل ذکر شده و نیز خصوصیات دیگری که در روایات به تفصیل آمده تا از این مقام و منصب سوء استفاده نشود و دروغگویان ادعای مهدویت نکنند .

در خاتمه به این نکته توجه نمائید که لزومی ندارد برای اثبات مهدی موعود به بشارت های کتب عهدین و یا سایر کتب مذهبی از ادیان و مذاهب گذشته استدلال کنیم ، زیرا به قدری برای اثبات حضرت مهدی ( علیه السلام ) دلیل عقلی و نقلی داریم که احتیاجی به این بشارت ها نیست ، بلکه هدف ما تأکید بر این نکته است که عقیده به ظهور یک نجات دهنده جهانی ، یک عقیده مشترک دینی است و همه پیامبران به آن بشارت داده اند و تمامی ملل در انتظار او می باشند .

### خلاصه سؤال و جواب

سؤال : آیا در سایر ادیان و مذاهب ، سخنی از منجی و مصلح جهانی به میان آمده ؟ یا این موضوع اختصاص به دین مبین اسلام دارد ؟

پاسخ : در بسیاری از مکاتیب و ادیان می نگریم که به انتظار یک مصلح جهانی می باشند و هر یک برای آن مصلح ، نامی نهاده اند ، شما به کتاب ( دید ) که در نزد هندویان از کتب آسمانی به حساب می آید و کتاب ( زند ) که از کتابهای مذهبی زردشتیان است و نیز به تورات و مزامیر داود مراجعه کنید خواهید دید که هر یک به نحوی خبر از آمدن یک انسان بزرگ و اصلاح گر جامعه بشری داده است .

البته توضیح کامل این مطلب و بیان خصوصیات آن منجی ، و شرائط و علائم ظهور ایشان ووو ، در روایات اسلامی و به خصوص در احادیث اهل بیت عصمت و طهارت آمده است .

1- نام بعضی از مکاتیب و مذاهبی که به آمدن مصلح کل<sup>ؑ</sup>، اشاره دارند، ببرید .

2- در مزامیز داود، پیرامون آینده جهان چه مطلبی آمده ؟

### مهدی واقعی را چگونه بشناسیم

با توجه به اینکه در گذشته، چه زمان حیات ائمه اطهار (علیهم السلام) و چه در زمان های بعد افرادی پیدا شدند که یا خود ادعای مهدویت داشتند و یا گروهی او را به عنوان مهدی موعود می خواندند مثلاً گروهی از مسلمانان، محمد حنفیه را امام و مهدی می پندارند و گروه دیگری محمد بن عبد الله بن حسن را مهدی غایب می دانند، و بعضی از اسماعیلیه، اسماعیل فرزند امام صادق را مهدی می خوانند و خلاصه از این قبیل گروه ها و افرادی که به این عنوان ظهور و بروز کردند و یا آنان را به این عنوان خواندند در تاریخ اسلام فراوان هستند (1).

اکنون این پرسش پیش می آید که چگونه و با چه معیاری می توان مهدی واقعی را تشخیص داد ؟

چه بسا نام فردی (محمد) و از تبار هاشم نیز باشد و در اثر قیام و نهضت، طوفان و انقلابی برپا کرده باشد و نهضت او در اذهان مردم جلوه نموده و او را مهدی موعود دانسته اند، چگونه می توان به این ها گفت: شما در مسیر باطل گام بر داشته اید و با امام واقعی خود آشنا نشده اید ؟

پاسخ: در طول تاریخ اسلام، چه قبل از ولادت حضرت قائم و چه بعد از آن، افرادی بوده اند که نام آن ها (محمد) و احياناً کنیه آنها (ابوالقاسم) بوده گروهی از جهال آنان را مهدی موعود پنداشته اند، و بعضی از آنان که فرصت طلب بودند، از عقیده پاک مردم که از مصدر وحی سرچشمه می گرفت، بهره برداری کرده و خود را به عنوان مهدی موعود وانمود کرده اند و بعید نیست که بعضی از آن افراد قصد سوئی نداشته، بلکه

---

1. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب دادگستر جهان، ص ۴۹ .

می خواستند به این وسیله از ستمکاران انتقام بگیرند و اّمت را رهایی ببخشند .

البته مخفی نماند که ادّعی مهدویت ، و این که کسی خود را مهدی موعّد بنامد و یا اجازه دهد که دیگران او را این گونه بخوانند ، خود جرم بزرگی است و در واقع به بازی گرفتن عقیده پاک و صحیح مردم است ، اگر چه قصد آنان ، از بین بردن ستمکاران و کمک به مظلومین باشد . و متأسفانه این حوادث سبب شد که احادیث مجعولی هر چند اندک در تعریف و توصیف مهدی و علائم ظهور ، در بین مردم شایع گردد تا بتوانند به وسیله آن روایات به خواسته خود نائل گردند (1) .

اما در رابطه با شناخت مهدی واقعی باید گفت که نشانه های حضرت قائم ( علیه السلام ) در اسم و کنیه و لقب حضرت خلاصه نمی شود تا هر فردی با داشتن نام ( محمد ) و یا کنیه ( ابوالقاسم ) و یا لقب ( مهدی ) بتواند از این جایگاه رفیع ، سوء استفاده نماید ، بلکه آن مهدی موعود و آن عزیز غایب از انظار نشانه های بسیاری دارد که حقانیت او در موقع ظهور همچون خورشید در آسمان برای همگان واضح و روشن می گردد .

به چند نمونه از آن نشانه ها که در ده ها و صدها روایات ذکر شده ، اشاره می کنیم :

1- او یازدهمین فرزند پیغمبر ( صلی الله علیه و آله ) و دهمین فرزند علی ( علیه السلام ) و نهمین فرزند امام حسین ( علیه السلام ) و هشتمین فرزند امام سجاد ( علیه السلام ) و هفتمین فرزند امام باقر ( علیه السلام ) و ششمین فرزند امام صادق ( علیه السلام ) و پنجمین فرزند امام کاظم ( علیه السلام ) و چهارمین فرزند امام رضا ( علیه السلام ) و سومین فرزند امام جواد ( علیه السلام ) و دومین فرزند امام هادی ( علیه السلام ) و فرزند بلا فصل امام عسکری ( علیه السلام ) خواهد بود .

2- مهدی موعود دارای دو غیبت خواهد بود ، ابتدا غیبت کوتاه و سپس غیبت دراز مدت .

3- مادرش به نام نرجس ، نواده قیصر روم خواهد بود .

4- ولادت او هم چون ولادت موسی بن عمران به طور مخفی و معجز آسا واقع می شود .



1. برای آگاهی از این روایات به پاورقی کتاب دادگستر جهان ، ص ۵۲ مراجعه شود .

- 5- او با وجودی که عمر طولانی دارد ، در سیمای یک جوان ، ظاهر می گردد .
- 6- هنگام ظهور او ، عیسی بن مریم از آسمان نزول می کند و در نماز جماعت به حضرت مهدی اقتدا می نماید و او را یاری می کند .
- 7- او بعد از ظهور سراسر زمین را تحت سیطره خود در می آورد و عدل و داد را در همه جا برقرار می سازد .
- 8- مهدی موعود از کنار خانه کعبه مقارن با ندا و صیحه آسمانی ظهور می کند .
- 9- یاران خاص او ۳۱۳ نفرند که در کنار حضرت حاضر می شوند .
- 10- بعد از ظهور ، علم و عقل مردم به سرعت تکامل می یابد و مردم به اسلام و عبادت روی می آورند و در کمال امنیت به سر می برند و یک دشمن اهل بیت یافت نمی شود و (1) . . . .

### خلاصه از این سؤال و جواب

سؤال : با توجه به اینکه بعضی در طول تاریخ ادعای مهدویت کرده اند ، و یا گروهی معتقد به مهدویت فرد خاصی شده اند و احیاناً این افراد اصلاحاتی در جامعه خودشان به عمل آورده اند با چه ملاک و معیاری می توان حق را از باطل تشخیص داد و فریب مدعیان دروغگو را نخورد ؟

جواب : مسأله مهدویت با نام و کنیه و لقب تمام نمی شود که اگر کسی نام او مهدی بود مثلاً بتواند از این مقام ، سوء استفاده نماید . در روایات اسلامی ، مهدی موعود را از ابعاد مختلف معرفی نموده از قبیل انساب حضرت و شمائل ایشان ، علائم قبل از ظهور و کیفیت حکومت ایشان و برقراری عدل و قسط در تمام روی زمین و ده ها علائم و نشانه های دیگر که در موقع ظهور ، مانند آفتاب ، حقانیت ایشان برای همگان ثابت می گردد .

اصولاً امام ، کسی است که بتواند بر کرسی تعلیم و تربیت بنشیند و بر اساس علم

---

1. مراجعه شود به غیبت نعمانی ، کمال الدین صدوق ، منتخب الأثر ، بحار الانوار ، مهدی کیست .

خدادادی خود ، جواب گوی هر گونه سؤالات مردم بوده باشد و مدعیان دروغگو برای یک لحظه هم در چنین مقامی نمی توانند قرار بگیرند .

### سؤالات از این پرسش و پاسخ :

- 1- نام بعضی را که یا ادعای مهدویت کرده و یا او را مهدی موعود دانسته اند ، ببرید .
- 2- آیا کسی می تواند شرعاً و عقلاً به بهانه اصلاح جامعه و رفع ظلم ، ادعای مهدویت کند ؟
- 3- ده خصیصه و ویژگی برای شناخت مهدی واقعی بیان شد ، به بعضی از آنها اشاره کنید .
- 4- یک تفاوت مهم و روشنگر برای شناخت مهدی واقعی از دیگر مدعیان را بیان کنید .

### یک تفاوت مهم و روشنگر

اصولاً هر فردی می تواند خود را به شکل روحانی ، ارتشی ، فقیر ، ثروتمند و ... در آورد و با پوشیدن لباس خاص و یا با آرایش سر و صورت ، خود را به عنوان یکی از شخصیت های مذکور معرفی نماید ، اما هرگز کسی نمی تواند به دروغ لحظه ای در مسند تدریس بنشیند و ریاضی یا فقه تدریس کند . می توان یک فردی را با پوشاندن لباس روحانی به شکل یک عالم و فقیه درآورد ، اما او برای یک لحظه هم نمی تواند زبان بگشاید و در مقام تعلیم و تدریس بنشیند ، **الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ** .

تا مرد سخن نگفته باشد \* \* \* عیب و هنرش نهفته باشد

بنابراین محال است کسی بتواند به دروغ خود را استاد ریاضی معرفی کند و در کرسی تدریس بنشیند ، تا چه رسد که کسی بخواهد خود را جای امام زمان و حجت خدا وانمود کند ، آن انسانی که دارای علم لدنی ، و

خدادادی است و به راه های آسمان ها هم چون راه های زمین آشنا است ، آری مهدی واقعی آن شخصیت والائی است که مانند

پدران و اجداد بزرگوارش جواب گوی مسائل و خواسته های مردم می باشد و لذا کسانی که از این عنوان ( مهدویت ) سوء استفاده کردند ، به سرعت رسوا شدند و پیروان آنها مضمحل شده اند و از آنان حتی یک نفر هم به عنوان طرفدار باقی نمانده اند ، بنابراین کسی نمی تواند خود را به عنوان مهدی موعود وانمود کند .

میان ماه من تا ماه گردون \* \* \* تفاوت از زمین تا آسمان است

### آیا بیشتر مردم در حکومت مهدی ، کشته می شوند ؟

می دانیم که اغلب مردم در حال حاضر غیر مسلمان هستند و در میان مسلمانان نیز افراد خودخواه ، فرصت طلب ، لجوج و معاند کم نیستند .

در نتیجه بین دعوت حضرت مهدی ( علیه السلام ) و خواسته های آنان تضادّ حاصل می شود . آیا حضرت این جمعیت انبوه را خواهد کُشت ؟ و آیا افراد باقی مانده که هر یک ده ها و بلکه صدها نفر از فامیل و نزدیکان و دوستان خود را از دست داده اند ، به حکومت حضرت و شخص امام ( علیه السلام ) دل بستگی پیدا می کنند ؟

پاسخ : در مباحث گذشته به این سؤال پاسخ داده شد ، اما از آنجا که این سؤال زیاد به ذهن ها خطور می کند در اینجا با تفصیل بیشتر به جواب آن می پردازیم .

اولاً : یکی از القاب حضرت مهدی ( علیه السلام ) لقب منجی است که در کتاب های عتیق نیز به همین عنوان آمده و در ضمن عقائد بعضی از فرقه های غیر مسلمان نیز مشاهده می شود که آنان نیز به انتظار یک ( منجی ) می باشند یعنی منتظرند که فردی بیاید و بشریت را نجات ببخشد و از شرک و کفر و الحاد و نابسامانی های اجتماعی رها سازد .

بنابراین نباید فراموش کنیم که ظهور حضرت موجب نجات بشریت است ، نه نابودی آنان .

و ثانیاً: شرایط اجتماعی و وضع و حال مردم در زمان ظهور برای ما معلوم نیست ممکن است که جوامع بشری در شرق و غرب، در اثر جنگ‌ها و خونریزی‌ها، و ظلم و ستمی که بر آن‌ها وارد شده، قیام و نهضت حضرت را همچون چشمه زلالی بدانند که

تشنه لبان با تمام وجود آن را در برگیرند. مثلاً از امام صادق (علیه السلام) نقل شده<sup>(1)</sup> **لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَغْشَارِ النَّاسِ (قائم آل محمد) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (ظهور نمی‌کند مگر وقتی که از هر ده نفر، نه نفرشان هلاک گردند، آیا مردم در چنین وضعی حکومت عادلانه و قوانین حیات بخش امام عصر را نخواهند پذیرفت؟**

ما در عصر و زمان خودمان شاهد بودیم که ملت ایران با تمام اختلافاتی که در بین اقوام و احزاب وجود داشت برای نجات یافتن از حکومت طاغوت و ستمگر پهلوی چگونه با آغوش باز از امام خمینی استقبال نمودند و شعار (مرگ بر شاه) سردادند.

و ثالثاً: جزء اعتقاد ما پیروان قرآن و مکتب اهل بیت است که تا حجّت و دلیل روشن برای مردم از جانب خداوند اقامه نشود و راه حق از باطل معلوم نگردد، هرگز آنان مؤاخذه و عقوبت نخواهند شد چنان که قرآن کریم می‌فرماید: **قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ** (2) (بگو: دلیل رسا و قاطع برای خداست). یعنی دلیلی از جانب خداوند برای مردم اقامه می‌گردد که جای هیچ گونه بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد.

وهمین مضمون در آیه دیگر این گونه آمده است: **وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا** (3). (ما مردم را هرگز عذاب نمی‌کنیم مگر اینکه رسول خودمان را برای او فرستاده و حجّت را بر او تمام نماییم).

بنابراین، همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با ادّله و معجزات خود، حجت را بر همگان تمام کرد، وجود مقدس بقیه الله اعظم نیز قطعاً چنین خواهد کرد و با پیروی از جدّ بزرگوارش حجّت را بر همگان تمام می‌کند و هرگز کسی بی‌جهت کشته نخواهد شد خصوصاً مسیحیان عالم که جمعیت انبوهی از افراد روی زمین را تشکیل می‌دهند، هنگامی که ملاحظه کنند که حضرت مسیح از آسمان فرود آمده و در این قیام و

نهضت جهانی حضرت مهدی را یاری می‌نماید، دیگر چه عذری می‌توانند بیاورند؟



اما با تمام این اوصاف ، گروهی خیره سر و لجوج و خودکامه در هر جامعه

---

1. بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۴۴ .

2. انعام : ۱۴۹ .

3. اسراء : ۱۵ .

و عصری وجود دارند که زیر بار حق و حقیقت نمی روند و چنانچه این افراد از موقعیت اجتماعی هم بر خوردار باشند ، فتنه و آشوب ایجاد خواهند کرد ، برخورد حضرت مهدی با این افراد ، قاطعانه خواهد بود و این گونه افراد به دست یاران حضرت مهدی نابود می گردند و تعداد آنها نسبت به تمام جمعیت روی زمین ، قطعاً اندکی بیش نیست .

### خلاصه از این سؤال و جواب :

سؤال : آیا در حکومت حضرت مهدی ( علیه السلام ) بیشتر مردم کشته می شوند ؟

پاسخ : اولاً ، حضرت می آید برای نجات بشریت و لذا یکی القاب ایشان ( منجی ) است ، نه برای هلاکت آنان .

ثانیاً : طبق بعضی از روایات ، وضع مردم در اثر شیوع فساد و ظلم از یک سو و از طرف دیگر وقوع جنگهای بزرگ و مهیب ، بسیار آشوب می باشد و گرد و غبار خستگی و افسردگی بر چهره ها مشاهده می شود ، با آمدن یک رهبر دلسوز و مصلح ، همه و همه با آغوش باز استقبال می کنند .

ثالثاً : یکی از سنتهای الهی این است که : بدون اتمام حجّت ، بندگان خود را مؤاخذه و عذاب نمی کند .

رابعاً : مسیحیان جهان که یک جمعیت انبوهی را تشکیل می دهند با دیدن حضرت مسیح به عنوان یار و مددکار حضرت مهدی ، موجب می شود که به امام زمان گرایش پیدا کنند و به او معتقد گردند .

بله گروهی هر چند نسبت به کلّ افراد روی زمین اندک و قلیل می‌باشند ، دارای عناد و خیره‌سری می‌باشند و انسانهای لجوجی هستند و می‌خواهند به راه فاسد و باطل خود ادامه دهند و چه بسا از موقعیتی برخوردارند که بتوانند جامعه را به آشوب بکشند ، در این صورت ، امام ( علیه السلام ) و یاران ایشان هرگز چنین اجازه ای را به آنها نخواهند داد .

### سؤالات از این پرسش و پاسخ :

- 1- از لقب ( منجی ) بودن حضرت چه استفاده می شود ؟
- 2- وضع نابسامان جامعه بشری موجب می شود برای پذیرش دعوت حضرت مهدی ( علیه السلام ) برای این مطلب شاهی از انقلاب اسلامی ایران آورده ایم ، آن شاهد چه بود ؟
- 3- از آیه ۱۵ سوره مبارکه اسرا چه استفاده می شود ؟
- 4- برخورد اصحاب حضرت مهدی ( علیه السلام ) با معاندین و لجوجهای جامعه چگونه خواهد بود ؟